



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# معارف قرآن و التفسیر

جلد بیست و یکم

هدف آیات و سوره های قرآن

تالیف: سید مهدی امین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# معارف قرآن در المیزان

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

سازمان تبلیغات اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۵۱	معارف قرآن در میزان جلد ۲۱
۵۱	مشخصات کتاب
۵۲	اشاره
۹۱	مقدمه مؤلف
۹۴	اظهار نظرها درباره چاپ های نخست
۹۸	بررسی هدف سوره حمد تا سوره رعد
۹۸	اشاره
۱۰۰	نکاتی درباره این کتاب:
۱۰۰	هدف و فلسفه نزول سوره حمد
۱۰۱	تعلیم بندگان برای چگونه حمد کردن خدا
۱۰۲	هدف آیه ۱ سوره حمد
۱۰۲	اعلام آغاز عبودیت انسان با ذکر « بسم الله ! » در اول سوره حمد
۱۰۳	هدف دیگر آیه ۱ سوره حمد
۱۰۳	بیان وحدت هدف قرآن با ذکر « بسم الله...! »
۱۰۵	هدف دیگر آیه ۱ سوره حمد
۱۰۵	تعقیب هدف واحد هر سوره با ذکر « بسم الله الرحمن الرحیم » در اول آن
۱۰۵	هدف و فلسفه نزول سوره بقره
۱۰۵	بیان اوصاف مخاطبین هدایت قرآن و اهمیت ایمان به تمامی کتب آسمانی
۱۰۸	هدف آیه ۷ و ۸ سوره بقره
۱۰۸	معرفی استثناء شدگان از هدایت قرآن
۱۰۸	هدف آیه ۸ تا ۲۰ سوره بقره
۱۰۸	تجسم وضع منافقین و گرفتاری آنها در ظلمت تاریکی و ظلمت حیرت
۱۰۸	هدف آیه ۲۱ تا ۲۵ سوره بقره

- ۱۱۰ ..... دعوت به صف متقین و اعراض از منافقین و بیمار دلان
- ۱۱۰ ..... هدف آیه ۲۶ و ۲۷ سوره بقره
- ۱۱۰ ..... بیان مراحل گمراهی اولیه و گمراهی ثانوی انسانها
- ۱۱۲ ..... هدف آیه ۲۸ و ۲۹ سوره بقره
- ۱۱۲ ..... بیان حقیقت انسان و طی مسیرش از خلقت تا مرگ و برزخ و آخرت
- ۱۱۲ ..... هدف آیه ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره
- ۱۱۲ ..... بیان هدف نزول انسان به زمین و خلافتش در آن
- ۱۱۲ ..... هدف آیه ۳۴ سوره بقره
- ۱۱۳ ..... بیان خلافت انسان، چگونگی نزولش به زمین و سرانجام کار او
- ۱۱۳ ..... هدف آیه ۳۵ تا ۳۹ سوره بقره
- ۱۱۴ ..... بیان هدف خلقت انسان برای سکونت در زمین و نقش درخت ممنوعه
- ۱۱۴ ..... هدف آیه ۴۰ تا ۴۴ سوره بقره
- ۱۱۴ ..... بیان عتاب های خدا بر بنی اسرائیل
- ۱۱۵ ..... هدف آیه ۴۵ و ۴۶ سوره بقره
- ۱۱۵ ..... بیان فلسفه استعانت از صبر و نماز
- ۱۱۵ ..... هدف آیه ۴۷ و ۴۸ سوره بقره
- ۱۱۵ ..... بیان مسئله شفاعت
- ۱۱۸ ..... هدف آیه ۴۹ تا ۶۱ سوره بقره
- ۱۱۸ ..... بیان تعدیات و گناهان بنی اسرائیل بعد از نجات از فرعون
- ۱۱۸ ..... هدف آیه ۶۲ سوره بقره
- ۱۱۸ ..... معرفی ایمان واقعی و نفی ارزش نامگذاریها نزد خدا
- ۱۱۹ ..... هدف آیه ۶۳ تا ۷۴ سوره بقره
- ۱۲۰ ..... بیان دلیل کندن و نگاه داشتن کوه بالای سر بنی اسرائیل
- ۱۲۰ ..... هدف آیه ۷۵ تا ۸۲ سوره بقره
- ۱۲۰ ..... شرح برخورد یهود با رسول الله «ص» و دین اسلام
- ۱۲۰ ..... هدف آیه ۸۳ تا ۸۸ سوره بقره

- ۱۲۱ ..... بیان فقرات میثاق الهی اخذ شده از بنی اسرائیل
- ۱۲۱ ..... هدف آیه ۸۹ تا ۹۳ سوره بقره
- ۱۲۱ ..... بیان علل کفر بنی اسرائیل به پیامبر اسلام بعد از بعثت
- ۱۲۳ ..... هدف آیه ۹۴ تا ۹۹ سوره بقره
- ۱۲۳ ..... نفی اعتقادات دروغین یهود
- ۱۲۳ ..... هدف آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره بقره
- ۱۲۳ ..... بیان مخالفت یهود با حق و کتمان بشارت رسول الله در تورات
- ۱۲۵ ..... هدف آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره بقره
- ۱۲۵ ..... بیان واقعیت سحر و ساحری در یهود
- ۱۲۵ ..... هدف آیه ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره بقره
- ۱۲۵ ..... افشای رفتار مودیانه یهود در قبال رسول الله «ص»
- ۱۲۷ ..... هدف آیه ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره بقره
- ۱۲۷ ..... بیان موضوع نسخ در قرآن
- ۱۲۸ ..... هدف آیه ۱۰۸ تا ۱۱۵ سوره بقره
- ۱۲۸ ..... نهی از طرح سوالات نظیر سوالات یهود از موسی «ع»
- ۱۲۸ ..... هدف آیه ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره بقره
- ۱۲۸ ..... نفی اعتقادات اهل کتاب درباره پسرخواندگی برای خدا
- ۱۲۹ ..... هدف آیه ۱۱۸ تا ۱۱۹ سوره بقره
- ۱۳۰ ..... بیان تشابه عقاید اهل کتاب با عقاید و طرز فکر کفار
- ۱۳۰ ..... هدف آیه ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره بقره
- ۱۳۰ ..... هشدار به رسول الله «ص» درباره نیت باطنی اهل کتاب
- ۱۳۱ ..... هدف آیه ۱۲۴ سوره بقره
- ۱۳۲ ..... مقدمه چینی برای نزول آیات مربوط به تغییر قبله و حج
- ۱۳۲ ..... هدف آیه ۱۲۵ تا ۱۲۹ سوره بقره
- ۱۳۲ ..... تشریح حج و مأمّن و مرجع قراردادن خانه خدا
- ۱۳۲ ..... هدف آیه ۱۳۰ تا ۱۳۴ سوره بقره

- شرح برگزیده شدن ابراهیم «ع» و اسلام آوردن او به رب العالمین ..... ۱۳۲
- هدف آیه ۱۳۵ تا ۱۴۱ سوره بقره ..... ۱۳۴
- بیان منشاء انشعاب ها در دین ابراهیم «ع» ..... ۱۳۴
- هدف آیه ۱۴۲ تا ۱۵۱ سوره بقره ..... ۱۳۵
- بیان مسائل مربوط به قبله شدن مسجدالحرام و رد اعتراضات یهود ..... ۱۳۵
- هدف آیه ۱۵۲ سوره بقره ..... ۱۳۷
- دستور شکرگزاری در برابر نعمت بعثت رسول الله «ص» و تغییر قبله ..... ۱۳۷
- هدف آیه ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره ..... ۱۳۸
- ایجاد آمادگی فکری برای شروع جهاد ..... ۱۳۸
- هدف آیه ۱۵۸ سوره بقره ..... ۱۴۰
- معرفی و تشریح سعی بین صفا و مروه به عنوان شعائر الهی ..... ۱۴۰
- هدف آیه ۱۵۹ تا ۱۶۲ سوره بقره ..... ۱۴۰
- بیان انحراف علما و کتمان آیات الهی دلیل اختلافات دینی ..... ۱۴۰
- هدف آیه ۱۶۳ تا ۱۶۷ سوره بقره ..... ۱۴۱
- بیان مفهوم واحد بودن خدا ..... ۱۴۱
- هدف آیه ۱۶۸ تا ۱۷۱ سوره بقره ..... ۱۴۱
- بیان دست درازی شیطان از طریق غذاهای حلال و حرام ..... ۱۴۱
- هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۶ سوره بقره ..... ۱۴۱
- دستور استفاده از طیبیات برای مومنین به خدا ..... ۱۴۳
- هدف آیه ۱۷۷ سوره بقره ..... ۱۴۳
- معرفی ابرار و اعتقاد، اعمال و اخلاق آنها ..... ۱۴۳
- هدف آیه ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره ..... ۱۴۵
- بیان قانون قصاص و مفهوم حیات در قصاص ..... ۱۴۵
- هدف آیه ۱۸۰ تا ۱۸۲ سوره بقره ..... ۱۴۶
- بیان قانون وصیت ..... ۱۴۶
- هدف آیه ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره ..... ۱۴۶



- اعلام وجوب روزه ماه رمضان و تمهیدات قبلی آن ----- ۱۴۶
- هدف آیه ۱۸۶ سوره بقره ----- ۱۴۸
- بیان دستورالعملی برای دعا کردن ----- ۱۴۸
- هدف آیه ۱۸۷ سوره بقره ----- ۱۵۰
- بیان احکام شبهای ماه رمضان ----- ۱۵۱
- هدف آیه ۱۸۸ سوره بقره ----- ۱۵۱
- نهی از تصرف باطل در اموال مردم با پرداخت و دریافت رشوه ----- ۱۵۱
- هدف آیه ۱۸۹ سوره بقره ----- ۱۵۳
- تعیین ماههای قمری برای شناخت اوقات شرعی و اجرای احکام الهی ----- ۱۵۳
- هدف آیه ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره ----- ۱۵۴
- معرفی جهادی که خدا فرمان داده است! ----- ۱۵۴
- هدف آیه ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره ----- ۱۵۴
- تشریح حج تمتع ----- ۱۵۶
- هدف آیه ۲۰۴ تا ۲۰۷ سوره بقره ----- ۱۵۶
- تقسیم انسانها از لحاظ نتایج صفات آنها ----- ۱۵۶
- هدف آیه ۲۰۸ تا ۲۱۰ سوره بقره ----- ۱۵۶
- ارائه راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی ----- ۱۵۷
- هدف آیه ۲۱۱ و ۲۱۲ سوره بقره ----- ۱۵۸
- بیان سرنوشت بنی اسرائیل برای عبرت مسلمانان ----- ۱۵۸
- هدف آیه ۲۱۳ سوره بقره ----- ۱۶۰
- بیان سبب تشریح اصل دین ----- ۱۶۰
- هدف آیه ۲۱۴ سوره بقره ----- ۱۶۲
- بیان لزوم تسلیم انسانها در برابر نعمت دین ----- ۱۶۲
- هدف آیه ۲۱۵ سوره بقره ----- ۱۶۳
- بیان محل استفاده و مصرف وجوه انفاق ----- ۱۶۳
- هدف آیه ۲۱۶ تا ۲۱۸ سوره بقره ----- ۱۶۳

- ۱۶۳ ----- بیان وجوب جهاد و دفاع بر همه مسلمانان
- ۱۶۵ ----- هدف آیه ۲۱۹ و ۲۲۰ سوره بقره
- ۱۶۵ ----- تحریم تدریجی می گساری توسط شارع اسلام
- ۱۶۵ ----- هدف آیه ۲۲۱ سوره بقره
- ۱۶۷ ----- نهی ازدواج با زن و مرد بت پرست
- ۱۶۷ ----- هدف آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره
- ۱۶۷ ----- بیان برخی احکام زناشوئی
- ۱۶۹ ----- هدف آیه ۲۲۴ تا ۲۲۷ سوره بقره
- ۱۶۹ ----- بیان حکم سوگند اعتزال و اجتناب از سوگندهای لغو
- ۱۶۹ ----- هدف آیه ۲۲۸ تا ۲۴۲ سوره بقره
- ۱۶۹ ----- بیان احکام طلاق و نگهداشتن عده و شیردادن فرزند
- ۱۶۹ ----- هدف آیه ۲۴۳ سوره بقره
- ۱۷۰ ----- بیان سرگذشت جمعیتی زنده شده بعد از مرگ
- ۱۷۱ ----- هدف آیه ۲۴۴ تا ۲۵۲ سوره بقره
- ۱۷۱ ----- بیان تاثیر جنگ و دفاع در حیات دینی
- ۱۷۲ ----- هدف آیه ۲۵۳ و ۲۵۴ سوره بقره
- ۱۷۲ ----- بیان دلایل جنگ و اختلاف در امت رسولان بعد از آنان
- ۱۷۴ ----- هدف آیه ۲۵۵ سوره بقره
- ۱۷۴ ----- بیان وحدانیت خدا در الوهیت، قیومیت، مالکیت و انحصار شفاعت
- ۱۷۵ ----- هدف آیه ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره
- ۱۷۵ ----- نفی دین اجباری
- ۱۷۷ ----- هدف آیه ۲۵۸ تا ۲۶۰ سوره بقره
- ۱۷۷ ----- بیان معنای توحید
- ۱۷۷ ----- هدف آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره بقره
- ۱۷۷ ----- نشان دادن اهمیت انفاق و مورد و محل مصرف آن
- ۱۷۹ ----- هدف آیه ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره

۱۷۹	نشان دادن اثر سوء ربا در از هم پاشیده شدن جامعه
۱۸۱	هدف آیه ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره
۱۸۱	بیان اصول احکام قرض و رهن و مسائل مربوط به آن
۱۸۱	هدف آیه ۲۸۴ سوره بقره
۱۸۱	بیان احاطه خدا به انسانها و نیت و اعمال آنها
۱۸۳	هدف آیه ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره
۱۸۳	خلاصه هدف سوره بقره: ایمان به خدا، ملائکه، کتب آسمانی و رسولان
۱۸۴	هدف و فلسفه نزول سوره آل عمران
۱۸۵	دعوت به توحید کلمه و تشویق به مقابله با یهود و نصاری و مشرکین
۱۸۶	هدف آیه ۷ تا ۹ سوره آل عمران
۱۸۶	تفهیم موضوع آیات محکم و متشابه
۱۸۷	هدف آیه ۱۰ تا ۱۸ سوره آل عمران
۱۸۷	دفع شبهات منافقین در روزهای بحرانی اسلام
۱۸۹	هدف آیه ۱۹ تا ۲۵ سوره آل عمران
۱۸۹	بیان انحصاری بودن دین به اسلام (تسلیم حق شدن)
۱۹۱	هدف آیه ۲۶ و ۲۷ سوره آل عمران
۱۹۱	بیان مالک ملک بودن خدا
۱۹۲	هدف آیه ۲۸ تا ۳۲ سوره آل عمران
۱۹۲	دستور نهی از دوستی مومنین با کافرین
۱۹۴	هدف آیه ۳۳ تا ۶۰ سوره آل عمران
۱۹۴	داستان عیسی و مریم و زکریا (ع)
۱۹۴	هدف آیه ۶۱ تا ۶۳ سوره آل عمران
۱۹۴	تعلیم گفتمان مباحله
۱۹۵	هدف آیه ۶۴ تا ۷۸ سوره آل عمران
۱۹۶	تعلیم گفتمان با اهل کتاب
۱۹۶	هدف آیه ۷۹ و ۸۰ سوره آل عمران

- بیان پاکی ساحت مسیح از عقاید خرافی ----- ۱۹۶
- هدف آیه ۸۱ تا ۸۵ سوره آل عمران ----- ۱۹۶
- بیان میثاق پیامبران ----- ۱۹۶
- هدف آیه ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران ----- ۱۹۸
- بیان تقدم خانه کعبه به بیت المقدس و پاسخ شبهات یهود ----- ۱۹۸
- هدف آیه ۹۸ تا ۱۰۱ سوره آل عمران ----- ۱۹۹
- بیان توطئه ها و شبهات یهود برای بازداشتن مردم از راه خدا ----- ۱۹۹
- هدف آیه ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران ----- ۲۰۱
- فرمان اعتصام به جبل الله و حذر از اهل کتاب و فتنه آنان ----- ۲۰۱
- هدف آیه ۱۱۱ تا ۱۲۰ سوره آل عمران ----- ۲۰۱
- بیان ذلت یهود بر اساس حکم شرع اسلامی ----- ۲۰۱
- هدف آیه ۱۲۱ تا ۱۲۹ سوره آل عمران ----- ۲۰۲
- هشدار مومنین نسبت به موقعیت دشوارشان و نکاتی از جنگ احد و بدر ----- ۲۰۳
- هدف آیه ۱۳۰ تا ۱۳۸ سوره آل عمران ----- ۲۰۳
- امر به انفاق و ترک ربا و اصلاح نقص ها با درس از شکستها ----- ۲۰۳
- هدف آیه ۱۳۹ تا ۱۴۸ سوره آل عمران ----- ۲۰۵
- درسی از شکست جنگ احد ----- ۲۰۵
- هدف آیه ۱۴۹ تا ۱۵۵ سوره آل عمران ----- ۲۰۶
- شرح روزهای بعد از جنگ احد و تقویت روحیه مسلمین ----- ۲۰۶
- هدف آیه ۱۵۶ تا ۱۶۴ سوره آل عمران ----- ۲۰۷
- معرفی عامل خسارت های جانی جنگ احد ----- ۲۰۷
- هدف آیه ۱۶۵ تا ۱۷۱ سوره آل عمران ----- ۲۰۷
- بیان مقام شهدا نزد خدا و مشیت الهی در مرگ و زندگی انسانها ----- ۲۰۷
- هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران ----- ۲۰۹
- بیان مقام مقاومت کنندگان در جنگ احد ----- ۲۰۹
- هدف آیه ۱۷۶ تا ۱۸۰ سوره آل عمران ----- ۲۰۹

- نتیجه گیری از جنگ احد و بیان امتحان الهی - ..... ۲۱۰
- هدف آیه ۱۸۱ تا ۱۸۹ سوره آل عمران ..... ۲۱۰
- رد گفتارهای واهی یهود و تقویت روحیه مقاومت و انفاق در مسلمین ..... ۲۱۰
- هدف آیه ۱۹۰ تا ۱۹۹ سوره آل عمران ..... ۲۱۰
- بیان حال ابرار و دعا و درخواست آنها ..... ۲۱۰
- هدف و فلسفه نزول سوره نساء ..... ۲۱۲
- بیان برخی احکام زناشوئی، ارث، نماز، جهاد، شهادت و تجارت ..... ۲۱۲
- هدف آیه ۳ تا ۶ سوره نساء ..... ۲۱۳
- بیان قانون ازدواج و قانون ارث، دو اصل مهم حیات انسان ..... ۲۱۳
- هدف آیه ۷ تا ۱۰ سوره نساء ..... ۲۱۴
- بیان دستورالعمل اجرائی احکام ارث ..... ۲۱۴
- هدف آیه ۱۱ تا ۱۴ سوره نساء ..... ۲۱۵
- بیان دستورالعمل اجرائی حکم ارث اولاد و بازماندگان ..... ۲۱۵
- هدف آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء ..... ۲۱۵
- بیان دستورالعمل اجرائی قانون منع فحشا و زنا ..... ۲۱۵
- هدف آیه ۱۷ و ۱۸ سوره نساء ..... ۲۱۵
- بیان حقیقت توبه و آثار و احکام آن ..... ۲۱۵
- هدف آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره نساء ..... ۲۱۵
- بیان برخی مسائل زندگی اجتماعی زنان ..... ۲۱۶
- هدف آیه ۲۳ تا ۲۸ سوره نساء ..... ۲۱۷
- بیان محرمات در ازدواج ..... ۲۱۷
- هدف آیه ۲۹ و ۳۰ سوره نساء ..... ۲۱۷
- نهی از خوردن مال به باطل ..... ۲۱۷
- هدف آیه ۳۱ سوره نساء ..... ۲۱۷
- بیان شرط آمرزش گناهان صغیره ..... ۲۱۸
- هدف آیه ۳۲ تا ۳۵ سوره نساء ..... ۲۱۹

۲۱۹	اصلاح روابط معاشرت بین زنان و مردان
۲۱۹	هدف آیه ۳۶ تا ۴۲ سوره نساء
۲۱۹	تشویق مسلمین به احسان و انفاق در راه خدا
۲۲۱	هدف آیه ۴۳ سوره نساء
۲۲۱	نهی از نماز در حال مستی، و بیان حکم تیمم
۲۲۱	هدف آیه ۴۴ تا ۵۸ سوره نساء
۲۲۱	شرح فتنه های یهود برای انحراف مسلمانان و جلوگیری از انفاق
۲۲۳	هدف آیه ۵۹ تا ۷۰ سوره نساء
۲۲۳	دعوت به اطاعت خدا و رسول و اولی الامر و تجهیز مسلمین برای جهاد
۲۲۳	هدف آیه ۷۱ تا ۷۶ سوره نساء
۲۲۳	تشویق به صبر و جهاد در راه خدا و مبارزه با فتنه انگیزی یهود
۲۲۵	هدف آیه ۷۷ تا ۸۰ سوره نساء
۲۲۵	ملامت رفتار سست ایمانها در برخورد با فرمان جهاد
۲۲۵	هدف آیه ۸۱ تا ۸۴ سوره نساء
۲۲۵	اندرز برای تقویت مسلمانان سست ایمان
۲۲۶	هدف آیه ۸۵ تا ۹۱ سوره نساء
۲۲۷	دستور قتال با مشرکین دو چهره و منافق
۲۲۷	هدف آیه ۹۲ تا ۹۴ سوره نساء
۲۲۷	نهی تشریحی قتل عمد
۲۲۹	هدف آیه ۹۵ تا ۱۰۰ سوره نساء
۲۲۹	تبیین درجات مجاهدین و موقعیت قاعدین
۲۲۹	هدف آیه ۱۰۱ تا ۱۰۴ سوره نساء
۲۲۹	بیان نماز خوف و احکام آن
۲۲۹	هدف آیه ۱۰۵ تا ۱۲۶ سوره نساء
۲۳۰	توصیه به عدل در داوری و قضاوت
۲۳۲	هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۴ سوره نساء

- ۲۳۲ ..... تاکید بر الهی بودن احکام نازلہ دربارہ حقوق زنان و ایتم
- ۲۳۲ ..... هدف آیه ۱۳۵ سوره نساء
- ۲۳۳ ..... بیان حکم ادای شہادت با قیام بہ عدل
- ۲۳۳ ..... هدف آیه ۱۳۶ تا ۱۴۷ سوره نساء
- ۲۳۳ ..... بیان الزامی بودن ایمان بہ جمیع معارف الهی
- ۲۳۵ ..... هدف آیه ۱۴۸ تا ۱۴۹ سوره نساء
- ۲۳۵ ..... نہی از زشت کلامی و بددہانی مگر برای ظلم شدگان
- ۲۳۵ ..... هدف آیه ۱۵۰ تا ۱۵۲ سوره نساء
- ۲۳۵ ..... بیان حقیقت کفر یہود و نصاری
- ۲۳۷ ..... هدف آیه ۱۵۳ تا ۱۶۹ سوره نساء
- ۲۳۷ ..... بیان ادعاہا و ظلم های یہود
- ۲۳۷ ..... هدف آیه ۱۷۰ تا ۱۷۵ سوره نساء
- ۲۳۷ ..... دعوت جامعہ بشری برای ایمان بہ قرآن و رسول اللہ «ص»
- ۲۳۹ ..... هدف آیه ۱۷۶ سوره نساء
- ۲۳۹ ..... بیان سہم کلالہ
- ۲۳۹ ..... هدف و فلسفہ نزول سوره مائدہ
- ۲۳۹ ..... دعوت بہ وفای عہدہا، پایداری در پیمانہا، و نہی از نقض میثاقہا
- ۲۴۱ ..... هدف آیه ۴ و ۵ سوره مائدہ
- ۲۴۱ ..... بیان ضابطہ ای کلی برای تشخیص حلال از حرام
- ۲۴۳ ..... هدف آیه ۶ و ۷ سوره مائدہ
- ۲۴۳ ..... بیان حکم طہارت های سہ گانہ
- ۲۴۳ ..... هدف آیه ۸ تا ۱۴ سوره مائدہ
- ۲۴۳ ..... بیان کلیاتی از امور مہم دنیائی و آخرتی، فردی و اجتماعی مومنین
- ۲۴۳ ..... هدف آیه ۱۵ تا ۱۹ سوره مائدہ
- ۲۴۴ ..... دعوت اہل کتاب بہ پیروی از رسول اللہ و قرآن
- ۲۴۵ ..... هدف آیه ۲۰ تا ۲۶ سوره مائدہ

- ۲۴۵ ..... بیان نقض میثاق یهود و گرفتاری آنها به سرگردانی و عذاب تیه
- ۲۴۵ ..... هدف آیه ۲۷ تا ۳۲ سوره مائده
- ۲۴۵ ..... بیان جنایات حسد و داستان پسران آدم
- ۲۴۷ ..... هدف آیه ۳۳ تا ۴۰ سوره مائده
- ۲۴۷ ..... بیان حد شرعی مفسدین و دزدان
- ۲۴۷ ..... هدف آیه ۴۱ تا ۵۰ سوره مائده
- ۲۴۷ ..... دستورالعمل حکمیت و قضاوت‌های رسول الله «ص»
- ۲۴۹ ..... هدف آیه ۵۱ تا ۵۴ سوره مائده
- ۲۴۹ ..... نهی و تهدید شدید خدا درباره دوستی با اهل کتاب
- ۲۵۲ ..... هدف آیه ۵۵ تا ۵۶ سوره مائده
- ۲۵۲ ..... تعیین ولی مومنین
- ۲۵۲ ..... هدف آیه ۵۷ تا ۶۶ سوره مائده
- ۲۵۲ ..... دستور پرهیز از دوستی با دشمنان دین
- ۲۵۲ ..... هدف آیه ۶۷ سوره مائده
- ۲۵۲ ..... دستور ابلاغ ولایت امیرالمومنین «ع»
- ۲۵۴ ..... هدف آیه ۶۸ تا ۸۶ سوره مائده
- ۲۵۴ ..... بیان مصایب اهل کتاب ناشی از عدم احیای دین و دوری از خدا
- ۲۵۶ ..... هدف آیه ۸۷ تا ۸۹ سوره مائده
- ۲۵۶ ..... بیان برخی از احکام فرعی دین اسلام
- ۲۵۶ ..... هدف آیه ۹۰ تا ۹۳ سوره مائده
- ۲۵۶ ..... بیان حکم تحریم شراب، قمار، انصاب و ازلام
- ۲۵۸ ..... هدف آیه ۹۴ تا ۹۹ سوره مائده
- ۲۵۸ ..... بیان حکم شکار در حال احرام
- ۲۵۸ ..... هدف آیه ۱۰۰ سوره مائده
- ۲۵۸ ..... بیان مثالی برای غلبه حق و دین حق
- ۲۵۸ ..... هدف آیه ۱۰۱ و ۱۰۲ سوره مائده



- ۲۵۹ ----- منع سوال از غیب و سرنوشت یا از ناگفته های خدا
- ۲۶۰ ----- هدف آیه ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره مائده
- ۲۶۰ ----- لغو قوانین جاهلیت
- ۲۶۰ ----- هدف آیه ۱۰۵ سوره مائده
- ۲۶۰ ----- بیان راه مراقبت نفس مومنین و تحفظ جامعه اسلامی
- ۲۶۲ ----- هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۰۹ سوره مائده
- ۲۶۲ ----- بیان نحوه ادای شهادت
- ۲۶۲ ----- هدف آیه ۱۱۰ و ۱۱۱ سوره مائده
- ۲۶۲ ----- دعوت به وفای عهد و حذر از عهدشکنی و کفران نعمت الهی
- ۲۶۲ ----- هدف آیه ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره مائده
- ۲۶۳ ----- بیان نحوه درخواست مائده حواریون عیسی «ع»
- ۲۶۴ ----- هدف آیه ۱۱۶ تا ۱۲۰ سوره مائده
- ۲۶۴ ----- نتیجه گیری از هدف سوره مائده: رعایت عهدالهی
- ۲۶۴ ----- هدف و فلسفه نزول سوره انعام
- ۲۶۵ ----- بیان توحید خدای تعالی
- ۲۶۵ ----- هدف آیه ۴ تا ۱۱ سوره انعام
- ۲۶۶ ----- بیان تکذیب حق از طرف مشرکین و پاسخ اعتراضات آنها
- ۲۶۶ ----- هدف آیه ۱۲ تا ۱۸ سوره انعام
- ۲۶۶ ----- تعلیم برهانی بر توحید و بعث و معاد
- ۲۶۶ ----- هدف آیه ۱۹ و ۲۰ سوره انعام
- ۲۶۶ ----- احتجاج به وحدانیت خدا بوسیله وحی
- ۲۶۷ ----- هدف آیه ۲۱ تا ۳۲ سوره انعام
- ۲۶۷ ----- بیان مظالم مشرکین و انحراف آنها از اصول عقاید پاک
- ۲۶۸ ----- هدف آیه ۳۳ تا ۳۶ سوره انعام
- ۲۶۸ ----- دستورالعمل برای دعوت دینی در محیط آزاد
- ۲۶۸ ----- هدف آیه ۳۷ تا ۵۵ سوره انعام

- ۲۶۸ ----- احتجاج به امر توحيد و معجزه نبوت
- ۲۶۸ ----- هدف آيه ۵۶ تا ۷۳ سوره انعام
- ۲۶۸ ----- نهی از بت پرستی و دلایل آن
- ۲۶۸ ----- هدف آيه ۷۴ تا ۸۳ سوره انعام
- ۲۶۹ ----- تعلیم حجتهای ابراهیم «ع» به رسول الله «ص»
- ۲۷۰ ----- هدف آيه ۸۴ تا ۹۰ سوره انعام
- ۲۷۰ ----- بیان استمرار توحيد فطری در قرون متمادی
- ۲۷۰ ----- هدف آيه ۹۱ تا ۱۰۵ سوره انعام
- ۲۷۰ ----- بیان احتجاج علیه اهل کتاب درباره قرآن و بیان توحيد و اسماء حسنی
- ۲۷۲ ----- هدف آيه ۱۰۶ تا ۱۱۳ سوره انعام
- ۲۷۲ ----- دعوت به توحيد
- ۲۷۲ ----- هدف آيه ۱۱۴ تا ۱۲۱ سوره انعام
- ۲۷۲ ----- دستور پیروی از حکم خدا و اجرای حکم ذبح اسلامی
- ۲۷۲ ----- هدف آيه ۱۲۲ تا ۱۲۷ سوره انعام
- ۲۷۲ ----- بیان تأثیر هدایت الهی در جان مومن
- ۲۷۴ ----- هدف آيه ۱۲۸ تا ۱۳۵ سوره انعام
- ۲۷۴ ----- بیان سرپرستی و ولایت ستمگران و شیطان به دیگران
- ۲۷۴ ----- هدف آيه ۱۳۶ تا ۱۵۰ سوره انعام
- ۲۷۴ ----- بیان حکم خدا در خوردنی ها و رد احکام کفر و جاهلیت
- ۲۷۴ ----- هدف آيه ۱۵۱ تا ۱۵۷ سوره انعام
- ۲۷۵ ----- بیان محرماتی که جاری بین کل ادیان بوده است!
- ۲۷۶ ----- هدف آيه ۱۵۸ تا ۱۶۰ سوره انعام
- ۲۷۶ ----- تهدید مشرکین بخاطر استنکاف از پیروی صراط مستقیم و تفرق در دین خدا
- ۲۷۶ ----- هدف آيه ۱۶۱ تا ۱۶۵ سوره انعام
- ۲۷۶ ----- بیان هدف رسول الله در دعوت سوره انعام و عمل به آن
- ۲۷۸ ----- هدف و فلسفه نزول سوره اعراف

- بیان سیر تاریخی عهد الهی و تشریح برخی احکام اسلام ..... ۲۷۸
- هدف آیه ۱۰ تا ۲۵ سوره اعراف ..... ۲۸۰
- بیان ابتدای خلقت انسان و دخالت شیطان و هبوط آدم به دنیا ..... ۲۸۰
- هدف آیه ۲۶ تا ۳۶ سوره اعراف ..... ۲۸۰
- بیان خطاب های الهی به بنی آدم در اول خلقت انسان ..... ۲۸۰
- هدف آیه ۳۷ تا ۵۳ سوره اعراف ..... ۲۸۲
- بیان نتایج آخرین خطاب الهی ..... ۲۸۲
- هدف آیه ۵۴ تا ۵۸ سوره اعراف ..... ۲۸۲
- بیان دلایل ربوبیت الهی در نظام آفرینش و روزی رسانی ..... ۲۸۲
- هدف آیه ۵۹ تا ۷۲ سوره اعراف ..... ۲۸۲
- بیان دعوت به توحید الهی در سرگذشت پیامبران ( نوح و هود) ..... ۲۸۳
- هدف آیه ۷۳ تا ۷۹ سوره اعراف ..... ۲۸۴
- بیان دعوت به توحید و مبارزات حضرت صالح ..... ۲۸۴
- هدف آیه ۸۰ تا ۸۴ سوره اعراف ..... ۲۸۴
- دعوت به توحید الهی و مبارزات حضرت لوط ..... ۲۸۴
- هدف آیه ۸۵ تا ۹۳ سوره اعراف ..... ۲۸۴
- دعوت به توحید الهی و مبارزات حضرت شعیب ..... ۲۸۵
- هدف آیه ۹۴ تا ۱۰۲ سوره اعراف ..... ۲۸۶
- بیان عوامل نابودی جوامع فاسد و نتیجه گیری از داستان پیامبران ..... ۲۸۶
- هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۲۶ سوره اعراف ..... ۲۸۷
- بیان کیفیت آغاز رسالت و دعوت دینی موسی علیه السلام ..... ۲۸۷
- هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۷ سوره اعراف ..... ۲۸۸
- بیان مصائب بنی اسرائیل و مبارزات موسی «ع» با فرعونیان ..... ۲۸۸
- هدف آیه ۱۳۸ تا ۱۵۴ سوره اعراف ..... ۲۸۸
- بیان وقایع بعد از عبور بنی اسرائیل از دریا ..... ۲۸۸
- هدف آیه ۱۵۵ تا ۱۶۰ سوره اعراف ..... ۲۹۰

- ۲۹۰ ..... بیان معجزات موسی «ع» و رفتار کفرآمیز بنی اسرائیل
- ۲۹۰ ..... هدف آیه ۱۶۱ تا ۱۷۱ سوره اعراف
- ۲۹۰ ..... بیان تخلفات بنی اسرائیل و ماهیگیری روز شنبه
- ۲۹۰ ..... هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۴ سوره اعراف
- ۲۹۰ ..... بیان شهادت روز الست و پیمان گرفتن از بنی نوع بشر
- ۲۹۲ ..... هدف آیه ۱۷۵ تا ۱۷۹ سوره اعراف
- ۲۹۲ ..... بیان داستان بلعم باعورا و سبب گمراهی او
- ۲۹۲ ..... هدف آیه ۱۸۰ تا ۱۸۶ سوره اعراف
- ۲۹۲ ..... بیان تأثیر اسماء الحسنی در هدایت انسانها
- ۲۹۳ ..... هدف آیه ۱۸۷ و ۱۸۸ سوره اعراف
- ۲۹۴ ..... بیان انحصاری بودن علم به وقوع قیامت نزد خدای تعالی
- ۲۹۴ ..... هدف آیه ۱۸۹ تا ۱۹۸ سوره اعراف
- ۲۹۴ ..... بیان میثاقهای انسان با خدا و پیمان شکنی های او
- ۲۹۴ ..... هدف آیه ۱۹۹ تا ۲۰۶ سوره اعراف
- ۲۹۴ ..... دستور اتخاذ سیره حسنه و رفتار ملایم به رسول الله «ص»
- ۲۹۴ ..... هدف و فلسفه نزول سوره انفال
- ۲۹۶ ..... بیان برخی اخبار جنگ بدر و مسئله غنایم جنگی
- ۲۹۶ ..... هدف آیه ۷ تا ۱۴ سوره انفال
- ۲۹۶ ..... بیان مشیت و حکمت الهی پشت پرده وقایع جنگ بدر
- ۲۹۶ ..... هدف آیه ۱۵ تا ۲۹ سوره انفال
- ۲۹۶ ..... بیان نکات ضروری درباره اصول جنگ و جهاد در اسلام
- ۲۹۸ ..... هدف آیه ۳۰ تا ۴۰ سوره انفال
- ۲۹۸ ..... بیان عدم نزول عذاب آسمانی با وجود رسول الله و استغفار مومنین
- ۲۹۸ ..... هدف آیه ۴۱ تا ۵۴ سوره انفال
- ۲۹۸ ..... بیان وجوب خمس غنیمت، اندرز و استقامت در برابر دشمن دین
- ۲۹۸ ..... هدف آیه ۵۵ تا ۶۶ سوره انفال

- بیان احکام جنگ و صلح و پذیرش و نقض معاهدات صلح ..... ۳۰۰
- هدف آیه ۶۷ تا ۷۱ سوره انفال ..... ۳۰۰
- بیان احکام اسرای جنگی ..... ۳۰۰
- هدف آیه ۷۲ تا ۷۵ سوره انفال ..... ۳۰۰
- بیان شرایط ولایت و موالات میان مومنین ..... ۳۰۱
- هدف و فلسفه نزول سوره توبه ..... ۳۰۲
- اعلام بیزاری و تشویق به قتال با مشرکین و افشای توطئه های منافقین ..... ۳۰۲
- هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره توبه ..... ۳۰۲
- بیان شرایط جاودانگی و ارزش اعمال نزد خدا ..... ۳۰۲
- هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره توبه ..... ۳۰۴
- بیان نصرت خدا در جنگ حنین، و اعلام منع ورود مشرکین به مسجدالحرام ..... ۳۰۴
- هدف آیه ۲۹ تا ۳۵ سوره توبه ..... ۳۰۴
- بیان شرط اقامت اهل کتاب در بلاد اسلامی با پرداخت جزیه ..... ۳۰۴
- هدف آیه ۳۶ و ۳۷ سوره توبه ..... ۳۰۴
- تثبیت حکم حرمت ماه های حرام چهارگانه ..... ۳۰۵
- هدف آیه ۳۸ تا ۴۸ سوره توبه ..... ۳۰۶
- بیان حفاظت خدا از رسول الله در غار ثور و توطئه های منافقین ..... ۳۰۶
- هدف آیه ۴۹ تا ۶۳ سوره توبه ..... ۳۰۶
- بیان فساد اعتقادات و خبث اوصاف باطنی منافقین ..... ۳۰۶
- هدف آیه ۶۴ تا ۷۴ سوره توبه ..... ۳۰۶
- بیان توطئه قتل رسول الله بوسیله منافقین صدر اسلام ..... ۳۰۷
- هدف آیه ۷۵ تا ۸۰ سوره توبه ..... ۳۰۸
- بیان عاقبت کار متخلفین از حکم صدقات و استهزا کنندگان انفاقگران ..... ۳۰۸
- هدف آیه ۸۱ تا ۹۶ سوره توبه ..... ۳۱۰
- بیان کیفر تخلف کنندگان از فرمان جهاد رسول الله «ص» ..... ۳۱۰
- هدف آیه ۹۷ تا ۱۰۶ سوره توبه ..... ۳۱۰

- بیان کفر و نفاق اعراب بادیه نشین و کيفرانان - ۳۱۰
- هدف آیه ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه - ۳۱۰
- بیان نفاق سازندگان مسجد ضرار - ۳۱۰
- هدف آیه ۱۱۱ تا ۱۲۳ سوره توبه - ۳۱۱
- بیان پاداش جهادگران، منع دوستی با مشرکان، و دستور تفقه در دین - ۳۱۲
- هدف آیه ۱۲۴ تا ۱۲۹ سوره توبه - ۳۱۲
- بیان ضابطه ای برای شناخت منافقین و مومنین - ۳۱۲
- هدف و فلسفه نزول سوره یونس - ۳۱۳
- التزام مردم به به توحید، انذار مشرکین و قضاء عدل بین رسول الله و امتش - ۳۱۴
- هدف آیه ۱۱ تا ۱۴ سوره یونس - ۳۱۵
- بیان دلیل تاخیر عذاب منکرین توحید و معاد - ۳۱۵
- هدف آیه ۱۵ تا ۲۵ سوره یونس - ۳۱۶
- تعلیم احتجاجاتی به رسول الله «ص» علیه منکرین معاد - ۳۱۶
- هدف آیه ۲۶ تا ۳۰ سوره یونس - ۳۱۶
- بیان سزای اعمال و برگشت همگان به خدای حق - ۳۱۶
- هدف آیه ۳۱ تا ۳۶ سوره یونس - ۳۱۶
- تعلیماتی برای رسول الله برای مقابله با سه نوع عقیده در ربوبیت - ۳۱۶
- هدف آیه ۳۷ تا ۴۵ سوره یونس - ۳۱۸
- بیان هدایت خلق بوسیله وحی و نزول کتابهای آسمانی - ۳۱۸
- هدف آیه ۴۶ تا ۵۶ سوره یونس - ۳۱۸
- بیان ارتباط سنت ارسال رسل و سنت نابودی جوامع فاسد اشاره به شرایط نزول عذاب بر امت اسلام - ۳۱۸
- هدف آیه ۵۷ تا ۷۰ سوره یونس - ۳۲۰
- بیان اوصاف قرآن کریم - ۳۲۰
- هدف آیه ۷۱ تا ۷۴ سوره یونس - ۳۲۰
- عبرت از نابودی جوامع فاسد و عوامل سقوط آنها - ۳۲۰
- هدف آیه ۷۵ تا ۹۳ سوره یونس - ۳۲۲

- ۳۲۲ ----- بیان اسرار تشابه دعوت رسول الله «ص» با دعوت موسی «ع»
- ۳۲۲ ----- هدف آیه ۹۴ تا ۱۰۳ سوره یونس
- ۳۲۲ ----- بیان شرط اذن الهی در پذیرش قلبی ایمان
- ۳۲۴ ----- هدف آیه ۱۰۴ تا ۱۰۹ سوره یونس
- ۳۲۴ ----- جمع بندی مطالب سوره یونس
- ۳۲۴ ----- هدف و فلسفه نزول سوره هود
- ۳۲۵ ----- بیان توحید الهی بر اساس معارف قرآن کریم
- ۳۲۶ ----- هدف آیه ۵ تا ۱۶ سوره هود
- ۳۲۶ ----- بیان دعاوی قوم رسول الله و جواب آنها
- ۳۲۷ ----- هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره هود
- ۳۲۷ ----- تاکید بر آسمانی بودن قرآن
- ۳۲۷ ----- هدف آیه ۲۵ تا ۳۵ سوره هود
- ۳۲۷ ----- بیان تاریخ دعوت و مبارزات نوح علیه السلام
- ۳۲۹ ----- هدف آیه ۳۶ تا ۴۹ سوره هود
- ۳۲۹ ----- بیان فصلهای آخر داستان حضرت نوح و چگونگی نابودی قوم او
- ۳۲۹ ----- هدف آیه ۵۰ تا ۶۰ سوره هود
- ۳۲۹ ----- بیان دعوت و مبارزات حضرت هود و نابودی قوم عاد اولین
- ۳۲۹ ----- هدف آیه ۶۱ تا ۶۸ سوره هود
- ۳۲۹ ----- بیان دعوت و مبارزات حضرت صالح و نابودی قوم ثمود
- ۳۳۱ ----- هدف آیه ۶۹ تا ۷۶ سوره هود
- ۳۳۱ ----- بیان بشارت فرزندان شدن ابراهیم «ع» و خبر نابودی قوم لوط
- ۳۳۱ ----- هدف آیه ۷۷ تا ۸۳ سوره هود
- ۳۳۱ ----- بیان دعوت و مبارزات حضرت لوط و نابودی قوم لوط
- ۳۳۱ ----- هدف آیه ۸۴ تا ۹۵ سوره هود
- ۳۳۱ ----- بیان دعوت و مبارزات شعیب (ع) با مردم مدین و نابودی قوم او
- ۳۳۳ ----- هدف آیه ۹۶ تا ۹۹ سوره هود

- ۳۳۳ ..... بیان اجمالی از دعوت موسی (ع) و سرنوشت شوم فرعون
- ۳۳۳ ..... هدف آیه ۱۰۰ تا ۱۰۸ سوره هود
- ۳۳۳ ..... بیان آثار شوم شرک به خدا در ملت های گذشته
- ۳۳۳ ..... هدف آیه ۱۰۹ تا ۱۱۹ سوره هود
- ۳۳۴ ..... عبرت از داستان گذشتگان و عدم رکون به ظالمان
- ۳۳۵ ..... هدف آیه ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره هود
- ۳۳۵ ..... دلیل نقل تاریخ ملل گذشته در قرآن
- ۳۳۵ ..... هدف و فلسفه نزول سوره یوسف
- ۳۳۶ ..... بیان ولایت الهی بر بندگان مخلص خود
- ۳۳۶ ..... بیان چگونگی انتقال بنی اسرائیل به مصر
- ۳۳۷ ..... هدف آیه ۴ تا ۶ سوره یوسف
- ۳۳۷ ..... آماده سازی یوسف «ع» در راه ولایت و تقرب الهی
- ۳۳۷ ..... هدف آیه ۷ تا ۲۱ سوره یوسف
- ۳۳۸ ..... بیان جدائی یوسف از پدر و انتقالش به قصر عزیز مصر
- ۳۳۹ ..... هدف آیه ۲۲ تا ۳۴ سوره یوسف
- ۳۳۹ ..... بیان زندگی و گرفتاریهای یوسف در قصر عزیز مصر
- ۳۳۹ ..... هدف آیه ۳۵ تا ۴۲ سوره یوسف
- ۳۳۹ ..... بیان دوره زندان یوسف «ع» و شروع اعلام دین توحید
- ۳۳۹ ..... هدف آیه ۴۳ تا ۵۷ سوره یوسف
- ۳۴۰ ..... بیان عوامل خروج یوسف از زندان و رسیدن به عزیزی مصر
- ۳۴۱ ..... هدف آیه ۵۸ تا ۶۲ سوره یوسف
- ۳۴۱ ..... بیان سفر پسران اسرائیل به مصر و مواجهه با یوسف «ع»
- ۳۴۱ ..... هدف آیه ۶۳ تا ۸۲ سوره یوسف
- ۳۴۱ ..... بیان سفر دوم پسران یعقوب به مصر و توقیف شدن برادر تنی یوسف
- ۳۴۱ ..... هدف آیه ۸۳ تا ۹۲ سوره یوسف
- ۳۴۲ ..... بیان نا امید نشدن یعقوب و دستور تجسس مجدد درباره یوسف



- هدف آیه ۹۳ تا ۱۰۲ سوره یوسف ..... ۳۴۳
- بیان انتقال بنی اسرائیل به مصر ..... ۳۴۳
- هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۱۱ سوره یوسف ..... ۳۴۳
- بیان اهداف مختلف ذکر داستان یوسف در قرآن: ..... ۳۴۳
- عبرت، بیان حقیقت، هدایت و رحمت برای مومنین ..... ۳۴۳
- هدف و فلسفه نزول سوره رعد ..... ۳۴۵
- بیان حق بودن قرآن و رسالت رسول الله «ص» ..... ۳۴۵
- هدف آیه ۵ و ۶ سوره رعد ..... ۳۴۶
- پاسخی به منکرین معاد ..... ۳۴۶
- هدف آیه ۷ تا ۱۶ سوره رعد ..... ۳۴۶
- پاسخی به معترضین رسول الله در ارائه نکردن معجزه ..... ۳۴۶
- هدف آیه ۱۷ تا ۲۶ سوره رعد ..... ۳۴۸
- بیان فرق میان طریق حق و طریق باطل ..... ۳۴۸
- هدف آیه ۲۷ تا ۳۵ سوره رعد ..... ۳۴۸
- بیان آثار ذکر خدا و آرامش و اطمینان قلبی با ذکر خدا ..... ۳۴۸
- هدف آیه ۳۶ تا ۴۲ سوره رعد ..... ۳۵۰
- رد درخواست کفار برای ارائه معجزه تازه از طرف رسول الله «ص» ..... ۳۵۰
- هدف آیه ۴۳ سوره رعد ..... ۳۵۰
- رد اعتراض منکرین رسالت رسول الله (ص) ..... ۳۵۰
- بررسی هدف سوره ابراهیم (ع) تا سوره ناس ..... ۳۵۰
- هدف و فلسفه نزول سوره ابراهیم ..... ۳۵۱
- بیان اوصاف قرآن کریم به عنوان معجزه و نشانه رسالت رسول الله «ص» ..... ۳۵۲
- هدف آیه ۶ تا ۱۸ سوره ابراهیم ..... ۳۵۲
- ذکر ایام الله: روزها و مواقف نزول نعمت ها و نعمت ها ..... ۳۵۴
- هدف آیه ۱۹ تا ۳۴ سوره ابراهیم ..... ۳۵۴
- بیان وجود حق در اساس عالم و رستگاری سالکان راه حق ..... ۳۵۴

- هدف آیه ۳۵ تا ۴۱ سوره ابراهیم ..... ۳۵۶
- بیان دعای ابراهیم برای سرزمین و اهل مکه ..... ۳۵۶
- هدف آیه ۴۲ تا ۵۲ سوره ابراهیم ..... ۳۵۶
- بیان غافل نبودن خدا از ظالمان ..... ۳۵۶
- هدف و فلسفه نزول سوره حجر ..... ۳۵۸
- دلداری رسول الله(ص) و امر و ثبات و اعراض از مشرکین ..... ۳۵۸
- هدف آیه ۱۰ تا ۱۵ سوره حجر ..... ۳۵۹
- بیان سنت های جاری بین مجرمین و اقوام فاسد ..... ۳۵۹
- هدف آیه ۱۶ تا ۲۵ سوره حجر ..... ۳۵۹
- بیان معارف حقیقی و اسرار الهی در آسمانها و زمین و خزاین اشیاء ..... ۳۵۹
- هدف آیه ۲۶ تا ۴۸ سوره حجر ..... ۳۶۱
- بیان قضاء الهی در خلقت اولیه و سعادت و تیره بختی انسانها ..... ۳۶۱
- هدف آیه ۴۹ تا ۸۴ سوره حجر ..... ۳۶۱
- بیان نمونه هائی از بشارت و انذار الهی و سرانجام جوامع فاسد ..... ۳۶۱
- هدف آیه ۸۵ تا ۹۹ سوره حجر ..... ۳۶۲
- دستوری برای رسول الله جهت انجام وظایف عبادی و اعراض از مشرکین ..... ۳۶۲
- هدف و فلسفه نزول سوره نحل ..... ۳۶۳
- بیان غلبه دین حق بر کفار و انحصاری بودن تشریح دین ..... ۳۶۳
- و بیان شرح هجرت رسول الله«ص» به مدینه ..... ۳۶۳
- هدف آیه ۲۲ تا ۴۰ سوره نحل ..... ۳۶۴
- بیان عیوب و صفات بد مشرکین ناشی از انکار توحید ..... ۳۶۴
- هدف آیه ۴۱ تا ۶۴ سوره نحل ..... ۳۶۶
- بیان هجرت رسول خدا و وعده نیکوی خدا برای مهاجرین در راه خدا ..... ۳۶۶
- هدف آیه ۶۵ تا ۷۷ سوره نحل ..... ۳۶۶
- اثبات توحید و بعث و نبوت با شمارش نعمت های الهی ..... ۳۶۶
- هدف آیه ۷۸ تا ۸۹ سوره نحل ..... ۳۶۸

- اثبات وحدانیت در ربوبیت و مسئله بعث و نبوت با بیان نعمت های الهی ----- ۳۶۸
- هدف آیه ۹۰ تا ۱۰۵ سوره نحل ----- ۳۶۸
- ابلاغ احکام الهی در مکه برای اصلاح حال عمومی جامعه ----- ۳۶۸
- هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۱۱ سوره نحل ----- ۳۶۸
- بیان حکم تقیه و پاداش مهاجرین ثابت قدم و کیفر مرتدین از دین ----- ۳۶۸
- هدف آیه ۱۱۲ تا ۱۲۸ سوره نحل ----- ۳۶۹
- بیان احکام حرام و حلال و انطباق دین اسلام و دین ابراهیم ----- ۳۶۹
- هدف و فلسفه نزول سوره اسری ----- ۳۷۰
- تسبیح خدای تعالی و بیان معراج رسول الله "ص" ----- ۳۷۰
- مقدرات بنی اسرائیل ----- ۳۷۰
- هدف آیه ۸ تا ۸ سوره اسری ----- ۳۷۱
- بیان سنت الهی در هدایت امت ها ----- ۳۷۱
- هدف آیه ۲۲ تا ۲۹ سوره اسری ----- ۳۷۲
- بیان سنت الهی در ملت اسلام ----- ۳۷۲
- هدف آیه ۲۳ تا ۳۹ سوره اسری ----- ۳۷۳
- ذکر برخی از کلیات دین ----- ۳۷۳
- هدف آیه ۴۰ تا ۵۵ سوره اسری ----- ۳۷۳
- بیان مسئله توحید و سرزنش مشرکین ----- ۳۷۳
- هدف آیه ۵۶ تا ۶۵ سوره اسری ----- ۳۷۳
- بیان سنت الهی در چگونگی عذاب امت آخرین ----- ۳۷۳
- هدف آیه ۶۶ تا ۷۲ سوره اسری ----- ۳۷۵
- اثبات انحصار قبولی دعا و کشف ضرر برای خدا ----- ۳۷۵
- هدف آیه ۷۳ تا ۸۱ سوره اسری ----- ۳۷۵
- نهی رسول الله «ص» از تمایل به مشرکین ----- ۳۷۵
- هدف آیه ۸۲ تا ۱۰۰ سوره اسری ----- ۳۷۶
- بیان شفا و رحمت بودن قرآن ----- ۳۷۷

- هدف آیه ۱۰۱ تا ۱۱۱ سوره اسری ..... ۳۷۷
- بیان برخورد فرعونیان با موسی و مشرکین قریش با رسول الله «ص» ..... ۳۷۷
- هدف و فلسفه نزول سوره کهف ..... ۳۷۷
- دعوت به اعتقاد حق و عمل صالح و نفی دوگانه پرستی ..... ۳۷۷
- هدف آیه ۹ تا ۲۶ سوره کهف ..... ۳۷۹
- بیان داستان اصحاب کهف و عوامل غفلت انسانها در زندگی زمینی ..... ۳۷۹
- هدف آیه ۲۷ تا ۳۱ سوره کهف ..... ۳۸۱
- بیان وظیفه رسول الله در برابر دینداران و بی دینان ..... ۳۸۱
- هدف آیه ۳۲ تا ۴۶ سوره کهف ..... ۳۸۲
- بیان واقعیت مالکیت آدمی به اموال و اولاد و سایر زینتهای دنیا ..... ۳۸۲
- هدف آیه ۴۷ تا ۵۹ سوره کهف ..... ۳۸۲
- بیان تنهائی انسان در قیامت و کیفر پیروی از شیطان ..... ۳۸۲
- هدف آیه ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف ..... ۳۸۴
- بیان واقعیت پشت پرده حوادث ظاهری ..... ۳۸۴
- هدف آیه ۸۳ تا ۱۰۲ سوره کهف ..... ۳۸۴
- بیان تاریخ ذی القرنین ..... ۳۸۴
- هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۰۸ سوره کهف ..... ۳۸۶
- بیان خسران زندگی و سوء عاقبت مشرکین ..... ۳۸۶
- هدف آیه ۱۰۹ سوره کهف ..... ۳۸۶
- بیان وسعت کلمات الهی ..... ۳۸۶
- هدف آیه ۱۱۰ سوره کهف ..... ۳۸۶
- بیان خلاصه هدف سوره کهف، اصول سه گانه دین: توحید نبوت معاد ..... ۳۸۶
- هدف و فلسفه نزول سوره مریم ..... ۳۸۸
- بشارت و انذار ..... ۳۸۸
- هدف آیه ۱۶ تا ۴۰ سوره مریم ..... ۳۸۹
- بیان زندگی عیسی و یحیی «ع» و مشابهت آنها ..... ۳۸۹

- هدف آیه ۴۱ تا ۵۰ سوره مریم - - - - - ۳۸۹
- بیان محاجه ابراهیم «ع» با پدر و کناره گیریش از بت پرستان - - - - - ۳۸۹
- هدف آیه ۵۱ تا ۵۷ سوره مریم - - - - - ۳۹۰
- بیان موهبتها و رحمتهای الهی به موسی و هارون و اسماعیل و ادیس «ع» - - - - - ۳۹۰
- هدف آیه ۵۸ تا ۶۳ سوره مریم - - - - - ۳۹۱
- بیان طریقه انبیاء ، دین توحید، دین اهل سعادت و رشد - - - - - ۳۹۱
- هدف آیه ۶۴ و ۶۵ سوره مریم - - - - - ۳۹۱
- بیان زمان و شرایط نازل شدن فرشته وحی - - - - - ۳۹۱
- هدف آیه ۶۶ تا ۷۲ سوره مریم - - - - - ۳۹۲
- بیان سخنان مشرکین درباره مبدأ، معاد و نبوت و رد آنها - - - - - ۳۹۳
- هدف آیه ۷۳ تا ۸۰ سوره مریم - - - - - ۳۹۳
- بیان سخنان مشرکین درباره ضعف مالی مومنان و رد نظرات آنها - - - - - ۳۹۳
- هدف آیه ۸۱ تا ۹۶ سوره مریم - - - - - ۳۹۳
- رد نظریه فرزند خواندگی برای خدا - - - - - ۳۹۵
- هدف آیه ۹۷ و ۹۸ سوره مریم - - - - - ۳۹۵
- بیان تنزیل حقیقت قرآن و تسهیل آن به لسان رسول الله "ص" - - - - - ۳۹۵
- هدف و فلسفه نزول سوره طه - - - - - ۳۹۵
- تذکر و یادآوری از راه انداز - - - - - ۳۹۵
- هدف آیه ۹ تا ۴۸ سوره طه - - - - - ۳۹۷
- بیان برگزیده شدن حضرت موسی و وقایع تاریخی دعوت او - - - - - ۳۹۷
- هدف آیه ۴۹ تا ۷۹ سوره طه - - - - - ۳۹۹
- بیان آغاز دعوت موسی «ع» تا غرق فرعون - - - - - ۳۹۹
- هدف آیه ۸۰ تا ۹۸ سوره طه - - - - - ۳۹۹
- بیان نعمت های الهی بر بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنها - - - - - ۳۹۹
- هدف آیه ۹۹ تا ۱۱۴ سوره طه - - - - - ۳۹۹
- یادآوری هولهای روز قیامت - - - - - ۴۰۰

- هدف آیه ۱۱۵ تا ۱۲۶ سوره طه ..... ۴۰۱
- بیان شرط سعادت و تیره بختی آدمی ..... ۴۰۱
- هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۵ سوره طه ..... ۴۰۱
- نتیجه گیری از مطالب سوره طه در آیات پایانی ..... ۴۰۱
- هدف و فلسفه نزول سوره انبیاء ..... ۴۰۱
- بیان مسئله نبوت با طرح مسئله توحید و معاد ..... ۴۰۲
- هدف آیه ۱۶ تا ۳۳ سوره انبیاء ..... ۴۰۳
- بیان هدف دار بودن خلقت و اثبات معاد ..... ۴۰۳
- هدف آیه ۳۴ تا ۴۷ سوره انبیاء ..... ۴۰۵
- بیان مسئله نبوت و پاسخ یاوه گوئی های مشرکین ..... ۴۰۵
- هدف آیه ۴۸ تا ۷۷ سوره انبیاء ..... ۴۰۵
- بیان دعوت جمعی از پیامبران الهی ..... ۴۰۵
- هدف آیه ۷۸ تا ۹۱ سوره انبیاء ..... ۴۰۷
- بیان دعوت جمعی دیگر از رسولان و پیامبران الهی ..... ۴۰۷
- هدف آیه ۹۲ تا ۱۱۲ سوره انبیاء ..... ۴۰۷
- بیان امت واحده بودن بشر و انحصار پرستش رب واحد ..... ۴۰۷
- هدف و فلسفه نزول سوره حج ..... ۴۰۷
- بیان مشروح اصول دین، اجمال فروع دین و انداز از قیامت ..... ۴۰۹
- هدف آیه ۳ تا ۱۶ سوره حج ..... ۴۱۰
- بیان گمراهی و هدایت اصناف مختلف مردم ..... ۴۱۰
- هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره حج ..... ۴۱۰
- بیان داوری و حکم الهی در قیامت درباره مومنین و غیر مومنین ..... ۴۱۰
- هدف آیه ۲۵ تا ۳۷ سوره حج ..... ۴۱۰
- بیان تشریح حج ابراهیمی و برخی از آداب و احکام حج ..... ۴۱۱
- هدف آیه ۳۸ تا ۵۷ سوره حج ..... ۴۱۲
- بیان اولین اذن جهاد و آماده سازی افکار مسلمانان برای مبارزه ..... ۴۱۲

- هدف آیه ۵۸ تا ۶۶ سوره حج ..... ۴۱۲
- بیان ثواب هجرت و جهاد و شهادت در راه خدا ..... ۴۱۳
- هدف آیه ۶۷ تا ۷۸ سوره حج ..... ۴۱۳
- دعوت مومنین به بندگی خدا، انجام عمل خیر و جهاد فی سبیل الله ..... ۴۱۳
- هدف و فلسفه نزول سوره مؤمنون ..... ۴۱۳
- دعوت به ایمان به خدا و روز قیامت ..... ۴۱۵
- هدف آیه ۱۲ تا ۲۲ سوره مؤمنون ..... ۴۱۵
- شرح خلقت و تدبیرامور انسان و نعمت های اعطائی خدا به او ..... ۴۱۵
- هدف آیه ۲۳ تا ۵۴ سوره مؤمنون ..... ۴۱۵
- دعوت بشر به توحید در عبادت از طریق رسالت ..... ۴۱۵
- هدف آیه ۵۵ تا ۷۷ سوره مؤمنون ..... ۴۱۷
- بیان مکر الهی در متنعم ساختن توانگران مترف و نزول ناگهانی عذاب ..... ۴۱۷
- هدف آیه ۷۸ تا ۹۸ سوره مؤمنون ..... ۴۱۷
- اقامه حجت بر توحید خدا در ربوبیت و بازگشت خلق بسوی او ..... ۴۱۷
- هدف آیه ۹۹ تا ۱۱۸ سوره مؤمنون ..... ۴۱۹
- بیان تفصیلی عذاب آخرتی مشرکین و رستگاری وارثان بهشت ..... ۴۱۹
- هدف و فلسفه نزول سوره نور ..... ۴۱۹
- بیان پاره ای از احکام تشریح شده و معارف الهی مناسب با آنها ..... ۴۱۹
- هدف آیه ۱۱ تا ۲۶ سوره نور ..... ۴۲۰
- بیان ماجرای افک : تهمت به خانواده پیامبر ..... ۴۲۰
- هدف آیه ۲۷ تا ۳۴ سوره نور ..... ۴۲۰
- بیان برخی روابط و قوانین خانواده ..... ۴۲۰
- هدف آیه ۳۵ تا ۴۶ سوره نور ..... ۴۲۰
- بیان نور الهی و نور معرفت خاص مومنین ..... ۴۲۰
- هدف آیه ۴۷ تا ۵۷ سوره نور ..... ۴۲۳
- بیان وجوب اطاعت خدا و اطاعت رسول الله «ص» ..... ۴۲۳

- هدف آیه ۵۸ تا ۶۴ سوره نور ..... ۴۲۳
- بیان احکام رفتاردر خانواده و اجتماع و با رسول خدا«ص» ..... ۴۲۳
- هدف و فلسفه نزول سوره فرقان ..... ۴۲۳
- بیان حق بودن دعوت رسول الله و فرقان نازل شده بر او ..... ۴۲۳
- هدف آیه ۴ تا ۲۰ سوره فرقان ..... ۴۲۵
- بیان طعنه های مشرکین به رسول الله درباره قرآن و پاسخ آنها ..... ۴۲۵
- هدف آیه ۲۱ تا ۳۱ سوره فرقان ..... ۴۲۵
- رد اعتراضات مشرکین به رسالت رسول الله و ارتباطش با فرشته وحی ..... ۴۲۵
- هدف آیه ۳۲ تا ۴۰ سوره فرقان ..... ۴۲۷
- رد اعتراض کفار بر نزول تدریجی قرآن ..... ۴۲۷
- هدف آیه ۴۱ تا ۶۲ سوره فرقان ..... ۴۲۷
- بیان صفات کفار معترض به کتاب و رسالت رسول الله «ص» ..... ۴۲۷
- هدف آیه ۶۳ تا ۷۷ سوره فرقان ..... ۴۲۷
- ارائه شرحی از صفات برجسته عباد الرحمن ..... ۴۲۷
- هدف و فلسفه نزول سوره شعراء ..... ۴۲۸
- دلداری رسول الله و بیان عاقبت تکذیب کنندگان آنحضرت ..... ۴۲۹
- هدف آیه ۱۰ تا ۶۸ سوره شعرا ..... ۴۲۹
- بیان سرانجام اقوام انبیاء گذشته برای تقویت روحی رسول الله«ص» ..... ۴۲۹
- هدف آیه ۶۹ تا ۱۰۴ سوره شعرا ..... ۴۳۰
- بیان قیام و دعوت ابراهیم «ع» و تکذیب قومش ..... ۴۳۰
- هدف آیه ۱۰۵ تا ۱۲۲ سوره شعرا ..... ۴۳۰
- بیان اجمالی از دعوت و مبارزات نوح«ع» و انجام کار قوم او ..... ۴۳۰
- هدف آیه ۱۲۳ تا ۱۴۰ سوره شعرا ..... ۴۳۲
- بیان انجام کار قوم عاد و کیفر تکذیب انبیاء ..... ۴۳۲
- هدف آیه ۱۴۱ تا ۱۵۹ سوره شعرا ..... ۴۳۲
- بیان اجمالی از سرگذشت قوم ثمود و نابودی آنان ..... ۴۳۲



- هدف آیه ۱۶۰ تا ۱۷۵ سوره شعرا ..... ۴۳۲
- بیان نابودی قوم لوط ..... ۴۳۲
- هدف آیه ۱۷۶ تا ۱۹۱ سوره شعرا ..... ۴۳۳
- بیان دعوت حضرت شعیب و انجام کار قوم او ( اصحاب ایکه ) ..... ۴۳۳
- هدف آیه ۱۹۲ تا ۲۲۷ سوره شعرا ..... ۴۳۳
- نتیجه گیری از سرگذشت اقوام گذشته و دفاع از کتاب و پیامبر خدا ..... ۴۳۴
- هدف و فلسفه نزول سوره نمل ..... ۴۳۴
- بشارت و انداز مردم با ذکر داستانهای انبیاء ..... ۴۳۴
- هدف آیه ۷ تا ۱۴ سوره نمل ..... ۴۳۴
- بیان آغاز رسالت موسی و اعزام او به سوی فرعون ..... ۴۳۴
- هدف آیه ۱۵ تا ۴۴ سوره نمل ..... ۴۳۶
- بیان نبوت داود و سلیمان و عجایب سلطنت سلیمان ..... ۴۳۶
- هدف آیه ۴۵ تا ۵۳ سوره نمل ..... ۴۳۶
- یادآوری نابودی قوم ثمود ..... ۴۳۶
- هدف آیه ۵۹ تا ۸۱ سوره نمل ..... ۴۳۶
- بیان اکرام بندگان برگزیده الهی و حق ربوبیت خدای تعالی ..... ۴۳۶
- هدف آیه ۸۲ تا ۹۳ سوره نمل ..... ۴۳۸
- بیان مسئله بعث و وقایع قیامت و حوادث قبل از قیامت ..... ۴۳۸
- هدف و فلسفه نزول سوره قصص ..... ۴۳۸
- بیان جانشین کردن مستضعفین زمین به جای مستکبرین ..... ۴۳۸
- هدف آیه ۱۵ تا ۲۱ سوره قصص ..... ۴۴۰
- بیان آمدن موسی «ع» از قصر فرعون به شهر و اتفاقات منجر به فرار او ..... ۴۴۰
- هدف آیه ۲۲ تا ۲۸ سوره قصص ..... ۴۴۰
- بیان خروج موسی «ع» از مصر تا ازدواج با دختر شعیب «ع» ..... ۴۴۰
- هدف آیه ۲۹ تا ۴۲ سوره قصص ..... ۴۴۰
- بیان بعثت موسی «ع» و مبارزه او با فرعون ونزول تورات ..... ۴۴۱

- هدف آیه ۴۳ تا ۵۶ سوره قصص ----- ۴۴۲
- بیان آسمانی بودن قرآن و تورات ----- ۴۴۲
- هدف آیه ۵۷ تا ۷۵ سوره قصص ----- ۴۴۲
- رد عذرهای مشرکین در ایمان نیاوردن به قرآن ----- ۴۴۲
- هدف آیه ۷۶ تا ۸۴ سوره قصص ----- ۴۴۴
- بیان نابودی قارون و فرو بردن او به زمین ----- ۴۴۴
- هدف آیه ۸۵ تا ۸۸ سوره قصص ----- ۴۴۴
- و عده بازگشت رسول الله به مکه و پیروزی اسلام ----- ۴۴۴
- هدف و فلسفه نزول سوره عنکبوت ----- ۴۴۴
- هدف حقیقت ایمان است! ----- ۴۴۶
- هدف آیه ۱۴ تا ۴۰ سوره عنکبوت ----- ۴۴۶
- بیان اجرای سنت الهی در نابودی امتهای و جوامع فاسد ----- ۴۴۶
- هدف آیه ۴۱ تا ۵۵ سوره عنکبوت ----- ۴۴۷
- نتیجه گیری از بیان سرگذشت امتهای هلاک شده تاریخ ----- ۴۴۷
- هدف آیه ۵۶ تا ۶۰ سوره عنکبوت ----- ۴۴۷
- بیان حفظ دین با مهاجرت و اعتماد به روزی رسانی خدا ----- ۴۴۷
- هدف آیه ۶۱ تا ۶۹ سوره عنکبوت ----- ۴۴۷
- بیان حجت هائی علیه ضد و نقیض گوئی های مشرکین ----- ۴۴۷
- هدف و فلسفه نزول سوره روم ----- ۴۴۸
- و عده دادن قطعی خدا به یاری دین و نصر مومنین ----- ۴۴۹
- هدف آیه ۲۰ تا ۲۶ سوره روم ----- ۴۴۹
- آیات دال بر وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت ----- ۴۴۹
- هدف آیه ۲۷ تا ۳۹ سوره روم ----- ۴۵۰
- تعلیم روش استدلال با آیات الهی ----- ۴۵۰
- هدف آیه ۴۰ تا ۴۷ سوره روم ----- ۴۵۰
- تعلیم استدلال با افعال خاص به خدا ----- ۴۵۰

- هدف آیه ۴۸ تا ۵۳ سوره روم ----- ۴۵۰
- تعلیم استدلال به اصول عقاید از راه افعال الهی ----- ۴۵۰
- هدف آیه ۵۴ تا ۶۰ سوره روم ----- ۴۵۱
- تعلیم استدلال به اصول عقاید از طریق افعال الهی ----- ۴۵۲
- هدف و فلسفه نزول سوره لقمان ----- ۴۵۲
- دعوت به توحید و یقین به معاد و عمل به کلیات شرایع دین ----- ۴۵۲
- هدف آیه ۱۲ تا ۱۹ سوره لقمان ----- ۴۵۲
- بیان حکمت داده شده به لقمان ----- ۴۵۲
- هدف آیه ۲۰ تا ۳۴ سوره لقمان ----- ۴۵۴
- بیان آیات وحدانیت خدا ----- ۴۵۴
- هدف و فلسفه نزول سوره سجده ----- ۴۵۴
- بیان مبدا و معاد، اقامه برهان و دفع شبهات درباره آن ----- ۴۵۴
- هدف آیه ۱۵ تا ۳۰ سوره سجده ----- ۴۵۴
- بیان فرق بین مومن واقعی و فاسقان ----- ۴۵۵
- هدف و فلسفه نزول سوره احزاب ----- ۴۵۶
- بیان معارف و احکام دین و شرح جنگهای صدراسلام ----- ۴۵۶
- هدف آیه ۹ تا ۲۷ سوره احزاب ----- ۴۵۶
- شرح جنگ خندق و مقابله با یهود بنی قریظه ----- ۴۵۶
- هدف آیه ۲۸ تا ۳۵ سوره احزاب ----- ۴۵۶
- شرح امتیازها و تنگناهای خانواده رسول الله «ص» ----- ۴۵۶
- هدف آیه ۳۶ تا ۴۰ سوره احزاب ----- ۴۵۸
- حکم ازدواج با مطلقه پسرخوانده ----- ۴۵۸
- هدف آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره احزاب ----- ۴۵۸
- دعوت مومنین به ذکر و تسبیح ----- ۴۵۸
- هدف آیه ۴۹ تا ۶۲ سوره احزاب ----- ۴۵۸
- بیان برخی قوانین خانواده و احکام خاص خانواده رسول الله «ص» ----- ۴۵۹

- هدف آیه ۶۳ تا ۷۳ سوره احزاب ----- ۴۵۹
- بیان برخی وقایع قیامت ----- ۴۶۰
- هدف و فلسفه نزول سوره سبا ----- ۴۶۰
- بیان اصول سه گانه اعتقادات - توحید، نبوت و معاد ----- ۴۶۰
- هدف آیه ۱۰ تا ۲۱ سوره سبا ----- ۴۶۰
- بیان داستان داود و سلیمان علیهما السلام و تاریخ شهر سبا ----- ۴۶۰
- هدف آیه ۲۲ تا ۳۰ سوره سبا ----- ۴۶۲
- بیان مساله توحید ----- ۴۶۲
- هدف آیه ۳۱ تا ۵۴ سوره سبا ----- ۴۶۲
- بیان مساله نبوت و فروعات آن ----- ۴۶۲
- هدف و فلسفه نزول سوره فاطر ----- ۴۶۲
- بیان اصول سه گانه دین، بیان رزق رسانی خدا و چگونگی عملکرد ملائکه ----- ۴۶۲
- هدف آیه ۲ تا ۸ سوره فاطر ----- ۴۶۴
- بیان رزق رسانی خدا ----- ۴۶۴
- هدف آیه ۹ تا ۱۴ سوره فاطر ----- ۴۶۴
- احتجاج بر وحدانیت خدا در الوهیت از طریق رزق رسانی ----- ۴۶۴
- هدف آیه ۱۵ تا ۲۶ سوره فاطر ----- ۴۶۴
- بیان انحصار ربوبیت و الوهیت در خدای تعالی ----- ۴۶۵
- هدف آیه ۲۷ تا ۳۸ سوره فاطر ----- ۴۶۶
- بیان حجتی بر انحصار ربوبیت الهی از طریق رنگ آمیزی میوه ها ----- ۴۶۶
- هدف آیه ۳۹ تا ۴۵ سوره فاطر ----- ۴۶۶
- توحید خدا در ربوبیت ----- ۴۶۶
- هدف و فلسفه نزول سوره یس ----- ۴۶۸
- بیان اصول سه گانه اعتقادات اسلامی ----- ۴۶۸
- هدف آیه ۱۳ تا ۳۲ سوره یس ----- ۴۶۸
- انذار و تیشیر ----- ۴۶۹

- هدف آیه ۳۳ تا ۴۷ سوره یس ..... ۴۶۹
- توبیخ اعراض کنندگان از آیات و ادله وحدانیت الهی ..... ۴۶۹
- هدف آیه ۴۸ تا ۶۵ سوره یس ..... ۴۶۹
- بیان تفصیل آیات مربوط به قیامت و حساب و جزا ..... ۴۶۹
- هدف آیه ۶۶ تا ۸۳ سوره یس ..... ۴۷۱
- تهدید کفار به عذاب و تأیید رسالت رسول الله «ص» ..... ۴۷۱
- هدف و فلسفه نزول سوره صافات ..... ۴۷۱
- احتجاج بر مسأله توحید و بیان مبارزات تعدادی از رسولان ..... ۴۷۱
- هدف آیه ۱۲ تا ۷۰ سوره صافات ..... ۴۷۱
- بیان مخاصمات اهل بهشت و دوزخ ..... ۴۷۱
- هدف آیه ۷۱ تا ۱۱۳ سوره صافات ..... ۴۷۳
- بیان داستان برخی از انبیا برای نشان دادن عاقبت شوم کفر به آیات خدا ..... ۴۷۳
- هدف آیه ۱۱۴ تا ۱۳۲ سوره صافات ..... ۴۷۳
- بیان نعمتهای الهی بر موسی و هارون و الیاس پیامبر ..... ۴۷۳
- هدف آیه ۱۳۳ تا ۱۱۴۸ سوره صافات ..... ۴۷۳
- بیان خلاصه داستان لوط «ع» و شرح رهائی یونس «ع» از شکم ماهی ..... ۴۷۴
- هدف آیه ۱۴۹ تا ۱۸۲ سوره صافات ..... ۴۷۴
- رد عقاید قائلین به ارباب متفرقه از جن و انس ..... ۴۷۵
- هدف و فلسفه نزول سوره ص ..... ۴۷۵
- دستور دعوت به قرآن و بیان وظایفی از ملائکه ..... ۴۷۵
- هدف آیه ۱۷ تا ۲۹ سوره ص ..... ۴۷۵
- رد اعتراضات کفار و اشاره به تبلیغ و فعالیت چند پیامبر الهی ..... ۴۷۶
- هدف آیه ۳۰ تا ۴۰ سوره ص ..... ۴۷۶
- بیان دومین داستان از بندگان او اب – سلیمان نبی ..... ۴۷۶
- هدف آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره ص ..... ۴۷۶
- بیان سرگذشت ایوب پیامبر و گرفتاری ها و نجات او ..... ۴۷۶

- هدف آیه ۴۹ تا ۶۴ سوره ص ..... ۴۷۶
- ذکر سرانجام کار متقیان و طاغیان ..... ۴۷۷
- هدف آیه ۶۵ تا ۸۸ سوره ص ..... ۴۷۷
- دستور ابلاغ اندازها و بیان عاقبت جهنمی پیروی از شیطان ..... ۴۷۸
- هدف و فلسفه نزول سوره زمر ..... ۴۷۸
- دعوت به دین خالص و بی اعتنائی به معتقدات دوران جهالت ..... ۴۷۸
- هدف آیه ۱۱ تا ۲۰ سوره زمر ..... ۴۸۰
- دعوت به اخلاص و دین خالص برای خدا ..... ۴۸۰
- هدف آیه ۲۱ تا ۳۷ سوره زمر ..... ۴۸۰
- احتجاج به ربوبیت خدای تعالی و بیان مفهوم هدایت قرآن ..... ۴۸۰
- هدف آیه ۳۸ تا ۵۲ سوره زمر ..... ۴۸۰
- احتجاج بر یگانگی خدا در ربوبیت و نفی شرکاء مشرکین ..... ۴۸۱
- هدف آیه ۵۳ تا ۶۱ سوره زمر ..... ۴۸۲
- بشارت رفت و رحمت الهی و تحذیر از زیاده روی و طغیان نفس ..... ۴۸۲
- هدف آیه ۶۲ تا ۷۵ سوره زمر ..... ۴۸۲
- بیان تدبیر معاد انسانها و نظام بازگشت به خدا ..... ۴۸۲
- هدف و فلسفه نزول سوره مومن ..... ۴۸۲
- پاسخ به جدال های باطل مشرکان ..... ۴۸۳
- هدف آیه ۷ تا ۱۲ سوره مومن (غافر) ..... ۴۸۴
- بیان استغفار ملائکه بر توابین، و کیفر کفر به توحید الهی ..... ۴۸۴
- هدف آیه ۱۳ تا ۲۰ سوره مومن (غافر) ..... ۴۸۴
- احتجاج بر مسئله توحید و انذار تکذیب کنندگان آیات خدا ..... ۴۸۴
- هدف آیه ۲۱ تا ۵۴ سوره مومن (غافر) ..... ۴۸۶
- موعظه کفار برای عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام نابود شده تاریخ ..... ۴۸۶
- هدف آیه ۵۵ تا ۶۰ سوره مومن (غافر) ..... ۴۸۶
- دعوت رسول الله «ص» به صبر در مقابل دسایس کفار و وعده نصرت ..... ۴۸۶

- هدف آیه ۶۱ تا ۶۸ سوره مومن (غافر) ----- ۴۸۶
- بیان یگانگی خدای تعالی در الوهیت و ربوبیت ----- ۴۸۶
- هدف آیه ۶۹ تا ۷۸ سوره مومن (غافر) ----- ۴۸۷
- بیان سرانجام کار مجادله کنندگان در آیات خدا ----- ۴۸۷
- هدف آیه ۷۹ تا ۸۵ سوره مومن (غافر) ----- ۴۸۸
- بیان آیات و دلایل توحید و سنت ارسال رسل و نابودی امت ها ----- ۴۸۸
- هدف و فلسفه نزول سوره فصلت ----- ۴۸۸
- پاسخ اعراض مشرکین از قرآن ----- ۴۸۸
- هدف آیه ۱۳ تا ۲۵ سوره فصلت ----- ۴۸۸
- عبرت از ذلت و عذاب دنیوی و اخروی اقوام هلاک شده ----- ۴۹۰
- هدف آیه ۲۶ تا ۳۹ سوره فصلت ----- ۴۹۰
- افشای نقشه های کفار برای ابطال حجت قرآن ----- ۴۹۰
- هدف آیه ۴۰ تا ۵۴ سوره فصلت ----- ۴۹۰
- بیان تهمتها و بی انصافی های مشرکین علیه قرآن عزیز ----- ۴۹۰
- هدف و فلسفه نزول سوره شوری ----- ۴۹۱
- شرح مساله وحی و چگونگی تکلم خدا با رسولان گرامی خود ----- ۴۹۲
- هدف آیه ۷ تا ۱۲ سوره شوری ----- ۴۹۲
- بیان هدف و نتایج وحی و اهمیت انذار به روز قیامت ----- ۴۹۲
- هدف آیه ۱۳ تا ۱۶ سوره شوری ----- ۴۹۳
- بیان مفاد و محتوای وحی به عنوان دین الهی واحد و عالمگیر ----- ۴۹۳
- هدف آیه ۱۷ تا ۲۶ سوره شوری ----- ۴۹۳
- بیان کتاب آسمانی نازل شده بوسیله وحی ----- ۴۹۳
- هدف آیه ۲۷ تا ۵۰ سوره شوری ----- ۴۹۳
- تعریف دین به عنوان رزق از جانب خدا ----- ۴۹۴
- هدف آیه ۵۱ تا ۵۳ سوره شوری ----- ۴۹۵
- تعریف وحی از نظر ارتباط بین خدا و رسولان ----- ۴۹۵

- هدف و فلسفه نزول سوره زخرف ----- ۴۹۶
- انذار معتقدین به فرزندخدائی و کیفر استهزا کنندگان رسولان ----- ۴۹۶
- هدف آیه ۱۵ تا ۲۵ سوره زخرف ----- ۴۹۶
- رد عقاید و اقوال ملانکه پرستی کفار ----- ۴۹۶
- هدف آیه ۲۶ تا ۴۵ سوره زخرف ----- ۴۹۸
- بیان کیفر کفران نعمتهای خدا و کفر به رسولان و آیات و کتاب الهی ----- ۴۹۸
- هدف آیه ۴۶ تا ۵۶ سوره زخرف ----- ۴۹۸
- عبرت گرفتن کفار از سرنوشت فرعون و قوم او ----- ۴۹۸
- هدف آیه ۵۷ تا ۶۵ سوره زخرف ----- ۴۹۹
- بیان مجادله کفار با رسول الله «ص» درباره عیسی «ع» ----- ۵۰۰
- هدف آیه ۶۶ تا ۷۸ سوره زخرف ----- ۵۰۰
- انذار از قیامت ----- ۵۰۰
- هدف آیه ۷۹ تا ۸۹ سوره زخرف ----- ۵۰۰
- بیان خنثی شدن توطئه علیه رسول الله «ص» و نفی اعتقادات شرک آمیز ----- ۵۰۰
- هدف و فلسفه نزول سوره دخان ----- ۵۰۰
- بیان کیفر شک در قرآن، رحمت بودن آن و نزولش در شب قدر ----- ۵۰۱
- هدف آیه ۹ تا ۳۳ سوره دخان ----- ۵۰۲
- انذار مشرکین از شک در قرآن و از سرنوشت مشابه هلاکت و غرق فرعونیان ----- ۵۰۲
- هدف آیه ۳۴ تا ۵۹ سوره دخان ----- ۵۰۲
- عذاب اخروی منکرین معاد ----- ۵۰۴
- هدف و فلسفه نزول سوره جائیه ----- ۵۰۴
- دعوت عموم بشر به دین توحید ----- ۵۰۴
- هدف آیه ۱۴ تا ۱۹ سوره جائیه ----- ۵۰۶
- بیان تشریح شریعت برای رسول الله «ص» و پیروی از آن ----- ۵۰۶
- هدف آیه ۲۰ تا ۳۷ سوره جائیه ----- ۵۰۶
- بیان بصیرت بودن شریعت اسلام برای مردم ----- ۵۰۶



- هدف و فلسفه نزول سوره احقاف ----- ۵۰۸
- انذار منکرین به توحید و نبوت و معاد ----- ۵۰۸
- هدف آیه ۱۵ تا ۲۰ سوره احقاف ----- ۵۰۸
- بیان تقسیم مردم به دو دسته : تائبین و خاسرین، و بیان عملکرد آنان ----- ۵۰۸
- هدف آیه ۲۱ تا ۲۸ سوره احقاف ----- ۵۱۰
- بیان نابودی قوم عاد و بیان ایمان آوردن جنیان به قرآن ----- ۵۱۰
- هدف آیه ۲۹ تا ۳۵ سوره احقاف ----- ۵۱۰
- مقایسه ایمان آوردن جن به قرآن با انکار کردن آن بوسیله کافران ----- ۵۱۱
- هدف و فلسفه نزول سوره محمد «ص» ----- ۵۱۲
- مقایسه بین صفات و آثار صفات مومنین و کافرین، و بیان احکام جهاد ----- ۵۱۲
- هدف آیه ۷ تا ۱۵ سوره محمد ----- ۵۱۲
- وعده نصرت در جهاد ----- ۵۱۲
- هدف آیه ۱۶ تا ۳۲ سوره محمد ----- ۵۱۳
- بیان وصف منافقان و بیماردلان ----- ۵۱۳
- هدف آیه ۳۳ تا ۳۸ سوره محمد ----- ۵۱۴
- هشدار به مومنین از تمایل به مشرکین و حبط اعمال خود ----- ۵۱۴
- هدف و فلسفه نزول سوره فتح ----- ۵۱۴
- وعده فتح مبین، و بیان شرح سفر رسول الله «ص» منجر به صلح حدیبیه ----- ۵۱۴
- هدف آیه ۸ تا ۱۰ سوره فتح ----- ۵۱۴
- تعظیم و تکریم رسول الله «ص» و معرفی او به عنوان شاهد و مبشر و نذیر ----- ۵۱۶
- هدف آیه ۱۱ تا ۱۷ سوره فتح ----- ۵۱۶
- بیان بهانه عربهای بدوی از عدم همراهی رسول الله در جنگ حدیبیه ----- ۵۱۶
- هدف آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره فتح ----- ۵۱۶
- بیان رضایت خدا از بیعت کنندگان بعد از صلح حدیبیه و وعده پیروزی آتی ----- ۵۱۷
- هدف آیه ۲۹ سوره فتح ----- ۵۱۸
- توصیف رسول الله و مومنین به «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم!» ----- ۵۱۸

- هدف و فلسفه نزول سوره حجرات - - - - - ۵۱۸
- بیان برخی احکام مهم دین و وظیفه فرد در مقابل خدا و رسول و اجتماع - - - - - ۵۱۸
- هدف آیه ۱۱ تا ۱۸ سوره حجرات - - - - - ۵۱۹
- بیان برخی احکام اجتماعی و اخلاقی اسلام - - - - - ۵۱۹
- هدف و فلسفه نزول سوره ق - - - - - ۵۱۹
- بررسی مسئله معاد - - - - - ۵۱۹
- هدف آیه ۱۵ تا ۳۸ سوره ق - - - - - ۵۲۱
- بیان قدرت الهی برای خلق دوم و احاطه او بر تمام افکار و نیات انسان - - - - - ۵۲۱
- هدف آیه ۳۹ تا ۴۵ سوره ق - - - - - ۵۲۳
- توصیه رسول الله «ص» به صبر در مقابل گفتار کفار و تذکر مومنان به قرآن - - - - - ۵۲۳
- هدف و فلسفه نزول سوره ذاریات - - - - - ۵۲۳
- دعوت به توحید در ربوبیت و بیان هدف خلقت انسان - - - - - ۵۲۵
- هدف آیه ۲۰ تا ۵۱ سوره ذاریات - - - - - ۵۲۶
- بیان وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و تدبیر امور - - - - - ۵۲۶
- هدف آیه ۵۲ تا ۶۰ سوره ذاریات - - - - - ۵۲۶
- تهدید منکرین معاد به روز موعود - - - - - ۵۲۷
- هدف و فلسفه نزول سوره طور - - - - - ۵۲۸
- تهدید و انذار انکار کنندگان آیات الهی و بیان کيفر و پاداش روز قیامت - - - - - ۵۲۸
- هدف آیه ۱۱ تا ۲۸ سوره طور - - - - - ۵۲۸
- بیان نشانه عذاب شوندگان روز قیامت - - - - - ۵۲۸
- هدف آیه ۲۹ تا ۴۴ سوره طور - - - - - ۵۲۹
- بیان صلاحیت دعوت رسول الله «ص» و دستور ادامه دعوتش - - - - - ۵۳۰
- هدف آیه ۴۵ تا ۴۹ سوره طور - - - - - ۵۳۰
- دستور صبر در حکم پروردگار و بی اعتنائی به مکذبین - - - - - ۵۳۰
- هدف و فلسفه نزول سوره نجم - - - - - ۵۳۰
- یادآوری اصول سه گانه اسلام و بیان چگونگی وحی شب معراج - - - - - ۵۳۲

- هدف آیه ۱۹ تا ۳۲ سوره نجم ..... ۵۳۲
- بیان مسئله بت ها و نفی شفاعت بت ها به عنوان اساس بت پرستی ..... ۵۳۲
- هدف آیه ۳۳ تا ۶۲ سوره نجم ..... ۵۳۴
- بیان نتیجه انفاق در راه خدا، انحصار خلقت و تدبیر در خدا ..... ۵۳۴
- هدف و فلسفه نزول سوره قمر ..... ۵۳۴
- بیان معجزه شق القمر رسول الله و انذار مکذبین و شرح عاقبت شوم آنها ..... ۵۳۴
- هدف آیه ۹ تا ۴۲ سوره قمر ..... ۵۳۶
- اندرز قوم رسول الله با بیان عاقبت جوامع تاریخی نابود شده ..... ۵۳۶
- هدف آیه ۴۳ تا ۵۵ سوره قمر ..... ۵۳۶
- عبرت از اقوام هالکه گذشته و کیفر آنها در دنیا و آخرت ..... ۵۳۷
- هدف و فلسفه نزول سوره الرحمن ..... ۵۳۷
- بیان نعمت ها و آثار رحمانیت خدا ..... ۵۳۷
- هدف آیه ۳۱ تا ۷۸ سوره الرحمن ..... ۵۳۸
- بیان نعمت های بهشتی و بازگشت جن و انس به خدا ..... ۵۳۸
- هدف و فلسفه نزول سوره واقعه ..... ۵۳۸
- بیان وقوع واقعه و مقدمات آن - تقسیم بندی انسانها در قیامت ..... ۵۳۸
- هدف آیه ۱۱ تا ۵۶ سوره واقعه ..... ۵۴۰
- شرح بهشت مقربون و اصحاب یمین، و دوزخ اصحاب شمال ..... ۵۴۰
- هدف آیه ۵۷ تا ۹۶ سوره واقعه ..... ۵۴۰
- بیان جزای شکستن عهد ازل و تکذیب روز جزا ..... ۵۴۰
- هدف و فلسفه نزول سوره حدید ..... ۵۴۲
- تشویق و تحریک مومنین به انفاق برای کمک به تجهیز جهادگران ..... ۵۴۲
- هدف آیه ۷ تا ۱۵ سوره حدید ..... ۵۴۲
- دستور اکید به تامین هزینه های جنگ و دفاع ..... ۵۴۲
- هدف آیه ۱۶ تا ۲۴ سوره حدید ..... ۵۴۲
- درجه متفاوت انفاقگران و تامین کنندگان هزینه جنگ ..... ۵۴۲

- هدف آیه ۲۵ تا ۲۹ سوره حدید ----- ۵۴۳
- بیان هدف رسولان و کتاب و میزان: عادت دادن مردم به عدالت و دفاع از آن ----- ۵۴۳
- هدف و فلسفه نزول سوره مجادله ----- ۵۴۵
- بیان برخی احکام خانوادگی و اجتماعی اسلام ----- ۵۴۵
- هدف آیه ۷ تا ۱۳ سوره مجادله ----- ۵۴۵
- بیان برخی آداب مجالست و پرهیز از نجوی و سخنان بیخ گوش در مجالس ----- ۵۴۵
- هدف آیه ۱۴ تا ۲۲ سوره مجادله ----- ۵۴۷
- تهدید منافقین و مذمت تمایل به دشمنان خدا ----- ۵۴۷
- هدف و فلسفه نزول سوره حشر ----- ۵۴۷
- بیان چگونگی جنگ با یهود بنی نضیر ، و بیان اصول مراقبت از نفس ----- ۵۴۷
- هدف آیه ۱۱ تا ۱۷ سوره حشر ----- ۵۴۹
- بیان وعده دروغین منافقین به یهود ----- ۵۴۹
- هدف آیه ۱۸ تا ۲۴ سوره حشر ----- ۵۴۹
- بیان راه های مراقبت از نفس ----- ۵۴۹
- هدف و فلسفه نزول سوره ممتحنه ----- ۵۵۱
- منع شدید دوستی مومنین با کفار ، و بیان حکم بیعت زنان مهاجر ----- ۵۵۲
- هدف آیه ۱۰ تا ۱۳ سوره ممتحنه ----- ۵۵۲
- بیان حکم بیعت زنان مهاجر مسلمان شده ----- ۵۵۲
- هدف و فلسفه نزول سوره صف ----- ۵۵۳
- تشویق به جهاد در راه خدا، و وعده گسترش دین الهی ----- ۵۵۳
- هدف آیه ۱۰ تا ۱۴ سوره صف ----- ۵۵۳
- دعوت مومنین به جهاد در راه خدا و اعتماد به وعده جنت و نصرت او ----- ۵۵۳
- هدف و فلسفه نزول سوره جمعه ----- ۵۵۵
- امر به اهتمام به نماز جمعه ----- ۵۵۵
- هدف آیه ۹ تا ۱۱ سوره جمعه ----- ۵۵۵
- بیان حرمت داد و ستد در حین برگزاری نماز جمعه ----- ۵۵۵

- هدف و فلسفه نزول سوره منافقین ..... ۵۵۷
- شناساندن منافقین و برحذر داشتن مومنین از نفاق ..... ۵۵۷
- هدف آیه ۹ تا ۱۱ سوره منافقین ..... ۵۵۷
- بیان صفات ایجاد کننده نفاق در قلب انسان ..... ۵۵۷
- هدف و فلسفه نزول سوره تغابن ..... ۵۵۷
- تشویق به تامین منابع مالی جنگ و برطرف ساختن مصایب آن ..... ۵۵۷
- هدف آیه ۱۱ تا ۱۸ سوره تغابن ..... ۵۵۹
- تشویق به انفاق و صبر در مصایب جنگ ..... ۵۵۹
- هدف و فلسفه نزول سوره طلاق ..... ۵۵۹
- بیان احکام طلاق ..... ۵۵۹
- هدف آیه ۸ تا ۱۲ سوره طلاق ..... ۵۶۱
- موعظه و تهدید و بشارت و تاکید برای اجرای احکام مربوط به زنان ..... ۵۶۱
- هدف و فلسفه نزول سوره تحریم ..... ۵۶۱
- دستور اجتناب از حرام کردن حلال خدا ..... ۵۶۱
- هدف آیه ۱۰ تا ۱۲ سوره تحریم ..... ۵۶۱
- بیان مثل دو همسر خائن و دو زن مومنه تاریخ ..... ۵۶۳
- هدف و فلسفه نزول سوره ملک ..... ۵۶۴
- دعوت به یگانگی در ربوبیت و اعتقاد به معاد ..... ۵۶۴
- هدف آیه ۱۵ تا ۲۲ سوره ملک ..... ۵۶۴
- بیان نشانه های تدبیر الهی و اثبات ربوبیت او ..... ۵۶۴
- هدف آیه ۲۳ تا ۳۰ سوره ملک ..... ۵۶۵
- بیان نشانه های بیشتری از ربوبیت خدای تعالی و تهدید مشرکین ..... ۵۶۵
- هدف و فلسفه نزول سوره قلم ..... ۵۶۵
- تعریف از خلق عظیم رسول الله و نهی شدید از اطاعت و مداهنه با مشرکین ..... ۵۶۵
- هدف آیه ۳۴ تا ۵۲ سوره قلم ..... ۵۶۵
- بیان نعم بهشتی پرهیزکاران و عذاب آخرتی تکذیب گران ..... ۵۶۶

- هدف و فلسفه نزول سوره الحاقه ..... ۵۶۷
- بیان اوصاف قیامت و کیفر تیره بختان و پاداش سعادت‌مندان ..... ۵۶۷
- هدف آیه ۱۳ تا ۳۷ سوره الحاقه ..... ۵۶۷
- معرفی روز قیامت با برخی از مشخصاتش ..... ۵۶۷
- هدف آیه ۳۸ تا ۵۲ سوره الحاقه ..... ۵۶۷
- بیان لزوم تصدیق قرآن برای تصدیق حقانیت خبرهای قیامت در آن ..... ۵۶۸
- هدف و فلسفه نزول سوره معارج ..... ۵۶۹
- بیان عذابهای واقع در قیامت برای کفار ..... ۵۶۹
- هدف آیه ۱۹ تا ۳۵ سوره معارج ..... ۵۶۹
- استفاده صحیح از غریزه حرص آدمی ..... ۵۶۹
- هدف آیه ۳۶ تا ۴۴ سوره معارج ..... ۵۶۹
- دستور پایان دادن به خصام و بگومگویی رسول الله با کافران ..... ۵۷۱
- هدف و فلسفه نزول سوره نوح ..... ۵۷۱
- شرح رسالت و مبارزات حضرت نوح ..... ۵۷۲
- هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره نوح ..... ۵۷۲
- شرح نفرین نوح «ع» علیه قومش و داستان هلاکت آنها ..... ۵۷۲
- هدف و فلسفه نزول سوره جن ..... ۵۷۲
- شرح ماجرای ایمان آوردن جن به رسول الله «ص» ..... ۵۷۲
- هدف آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره جن ..... ۵۷۲
- نتیجه گیری از سوره جن ..... ۵۷۲
- هدف و فلسفه نزول سوره مزمل ..... ۵۷۴
- آماده سازی رسول الله برای دریافت وحی با خواندن نماز شب ..... ۵۷۴
- هدف آیه ۲۰ سوره معارج ..... ۵۷۴
- تخفیف نماز شب برای مومنین و تبدیل آن به قرائت قرآن ..... ۵۷۴
- هدف و فلسفه نزول سوره مدثر ..... ۵۷۵
- بیان اولین دستور انذار به رسول الله «ص» و معرفی قرآن کریم ..... ۵۷۶

- هدف آیه ۸ تا ۳۱ سوره مدثر ..... ۵۷۶
- تهدید طعنه زندگان به قرآن کریم ..... ۵۷۶
- هدف آیه ۳۲ تا ۴۸ سوره مدثر ..... ۵۷۶
- تنزیه قرآن کریم از تهمت ها ..... ۵۷۶
- هدف آیه ۴۹ تا ۶۵ سوره مدثر ..... ۵۷۷
- دعوت کفار به سوی قرآن و بیان عوامل دوری آنان از حق ..... ۵۷۷
- هدف و فلسفه نزول سوره قیامت ..... ۵۷۸
- بیان خبر وقوع و نشانه های قیامت کبری ..... ۵۷۸
- هدف آیه ۱۶ تا ۴۰ سوره قیامت ..... ۵۷۸
- بیان وضع مردم در قیامت ..... ۵۷۸
- هدف و فلسفه نزول سوره دهر ..... ۵۸۰
- بیان خلقت انسان و توصیف نعمتهای ابرار و عذابهایی کفار در آخرت ..... ۵۸۰
- هدف آیه ۲۳ تا ۳۱ سوره دهر ..... ۵۸۰
- دستور عدم اطاعت رسول الله «ص» از کفار و مشرکین و منافقین ..... ۵۸۰
- هدف و فلسفه نزول سوره مرسلات ..... ۵۸۲
- بیانی از یوم الفصل و تهدید شدید منکران آن ..... ۵۸۲
- هدف آیه ۱۶ تا ۵۰ سوره مرسلات ..... ۵۸۲
- بیان حجت‌هایی برای یگانگی خدا در ربوبیت از طریق اثبات یوم الفصل ..... ۵۸۲
- هدف و فلسفه نزول سوره نباء ..... ۵۸۲
- بیان خبر عظیم قیامت و یوم الفصل ..... ۵۸۲
- هدف آیه ۱۷ تا ۴۰ سوره نباء ..... ۵۸۴
- بیان احوالاتی از یوم الفصل ..... ۵۸۴
- هدف و فلسفه نزول سوره نازعات ..... ۵۸۴
- بیان خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت ..... ۵۸۴
- هدف آیه ۴۲ تا ۴۶ سوره نازعات ..... ۵۸۴
- انحصار علم به وقوع قیامت در خدای تعالی ..... ۵۸۵

- هدف و فلسفه نزول سوره عبس ..... ۵۸۶
- تاکید بر توجه به فقرای اهل آخرت و بی اعتنائی به طاغوتها ..... ۵۸۶
- هدف آیه ۱۷ تا ۴۲ سوره عبس ..... ۵۸۶
- سرزنش اصرار انسان در کفر به ربوبیت الهی ..... ۵۸۶
- هدف و فلسفه نزول سوره تکویر ..... ۵۸۸
- بیان مقدمات و نشانه های قیامت ..... ۵۸۸
- هدف آیه ۱۵ تا ۲۹ سوره تکویر ..... ۵۸۸
- تنزیه رسول الله «ص» از تهمت های کفار و صیانت از وحی قرآن ..... ۵۸۸
- هدف و فلسفه نزول سوره انفطار ..... ۵۸۸
- بیان علامت ها و وقایع روز قیامت و اصول کیفر و پاداش اعمال ..... ۵۸۸
- هدف و فلسفه نزول سوره مطففین ..... ۵۹۰
- تهدید کم فروشان به کیفر روز قیامت ..... ۵۹۰
- هدف آیه ۲۲ تا ۳۶ سوره مطففین ..... ۵۹۰
- بیان عظمت مقام ابرار در بهشت و نزد خدای تعالی ..... ۵۹۰
- هدف و فلسفه نزول سوره انشقاق ..... ۵۹۰
- بیان سیر هر انسان به سوی پروردگار خود و دیدار نتیجه عملش ..... ۵۹۱
- هدف و فلسفه نزول سوره بروج ..... ۵۹۲
- تشویق مومنین به صبر و استقامت در راه خدا ..... ۵۹۲
- هدف و فلسفه نزول سوره طارق ..... ۵۹۲
- انذار مردم از معاد و اشاره به حقیقت آن روز ..... ۵۹۲
- هدف و فلسفه نزول سوره اعلی ..... ۵۹۲
- امر به توحید و تنزیه لایق ساحت خدای تعالی ..... ۵۹۴
- هدف و فلسفه نزول سوره غاشیه ..... ۵۹۴
- تعیین جایگاه استقرار سعادت‌مندان و تیره بختان در قیامت ..... ۵۹۴
- هدف و فلسفه نزول سوره فجر ..... ۵۹۴
- بیان امتحان الهی از طریق اعطا و منع مال دنیا ..... ۵۹۴



- هدف و فلسفه نزول سوره بلد ..... ۵۹۶
- بیان حقیقت خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت ..... ۵۹۶
- هدف و فلسفه نزول سوره شمس ..... ۵۹۷
- بیان راه تزکیه باطن آدمی با پرورش صالح و آرایش تقوی ..... ۵۹۷
- هدف و فلسفه نزول سوره لیل ..... ۵۹۷
- تهدید و انداز از طریق بیان متفاوت بودن سعی انسانها ..... ۵۹۷
- هدف و فلسفه نزول سوره ضحی ..... ۵۹۹
- شاد کردن دل رسول الله «ص» ..... ۵۹۹
- هدف و فلسفه نزول سوره انشراح ..... ۵۹۹
- یادآوری نعمتهای خدا به رسولش و امر به تشدید خدمت در راه او ..... ۵۹۹
- هدف و فلسفه نزول سوره تین ..... ۵۹۹
- شرح مساله بعث و جزا با بیان خلقت انسان و بقای او بر فطرت یا سقوط ..... ۵۹۹
- هدف و فلسفه نزول سوره علق ..... ۵۹۹
- دستور به رسول الله برای تلقی قرآن نازل با وحی الهی ..... ۶۰۱
- هدف و فلسفه نزول سوره قدر ..... ۶۰۱
- بیان نزول قرآن در شب قدر و عظمت شب قدر ..... ۶۰۱
- هدف و فلسفه نزول سوره بینه ..... ۶۰۱
- تسجیل عمومیت رسالت رسول الله برای عموم بشر ..... ۶۰۱
- هدف و فلسفه نزول سوره زلزال ..... ۶۰۳
- اشاره به آثار وقوع قیامت و زلزله زمین و تبعات آن ..... ۶۰۳
- هدف و فلسفه نزول سوره عادیات ..... ۶۰۳
- بیان ناسپاسی انسان و کفران نعمتهای پروردگانش ..... ۶۰۳
- هدف و فلسفه نزول سوره قارعه ..... ۶۰۳
- تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن ..... ۶۰۳
- هدف و فلسفه نزول سوره تکوین ..... ۶۰۳
- توییح شدید مردم از سبقت در جمع مال و غفلت از خدای ..... ۶۰۵

- هدف و فلسفه نزول سوره عصر ..... ۶۰۵
- بیان عصاره تمامی معارف الهی قرآن در چند جمله کوتاه ..... ۶۰۵
- هدف و فلسفه نزول سوره همزه ..... ۶۰۵
- تهدید شدید جمع آورندگان مال به قصد کبرفروشی و عیبجوئی از مردم ..... ۶۰۵
- هدف و فلسفه نزول سوره فیل ..... ۶۰۵
- بیان معجزه الهی در صیانت از مکه ..... ۶۰۷
- هدف و فلسفه نزول سوره قریش ..... ۶۰۷
- بیان تامین امنیت مکه و دعوت به عبادت رب بیت ..... ۶۰۷
- هدف و فلسفه نزول سوره ماعون ..... ۶۰۷
- تهدید مسلمان نماهای متخلق به اخلاق منافقان ..... ۶۰۸
- هدف و فلسفه نزول سوره کوثر ..... ۶۰۸
- دلداری و تسلی رسول الله با اعطای کوثر ..... ۶۰۸
- هدف و فلسفه نزول سوره کافرون ..... ۶۰۸
- دستور اعلام برائت رسول الله از دین کفار ..... ۶۰۸
- هدف و فلسفه نزول سوره نصر ..... ۶۰۸
- وعده پیروزی اسلام و مسلمان شدن جمعی کفار ..... ۶۱۰
- هدف و فلسفه نزول سوره تبت ..... ۶۱۰
- تهدید شدید ابولهب به هلاکت خودش و عملش ..... ۶۱۰
- هدف و فلسفه نزول سوره اخلاص ..... ۶۱۰
- بیان توحید خاص قرآنی و اساس معارف اصولی و فروعی و اخلاقی اسلام ..... ۶۱۰
- هدف و فلسفه نزول سوره فلق ..... ۶۱۱
- امر به رسول الله برای پناه بردن از شرور به خدا ..... ۶۱۲
- هدف و فلسفه نزول سوره ناس ..... ۶۱۲
- امر به رسول الله برای پناه بردن به خدا از شر وسواس خناس ..... ۶۱۲
- درباره مرکز ..... ۶۱۳

## معارف قرآن در المیزان جلد ۲۱

### مشخصات کتاب

سرشناسه: امین، مرتضی، ۱۳۳۴ -

عنوان قراردادی: المیزان فی تفسیر القرآن. فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: معارف قرآن در المیزان/تالیف مهدی امین [برای] سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی.

مشخصات نشر: [تهران]: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، -۱۳۷۰

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۱۳۰۰ ریال؛ ۲۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ اول)؛ ۳۰۰۰ ریال (ج.۳، چاپ اول)

یادداشت: ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۷۳).

یادداشت: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۷۳).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. معارف قرآن در شناخت خدا

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: اسلام -- بررسی و شناخت

شناسه افزوده: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. مرکز چاپ و نشر

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. معاونت فرهنگی

رده بندی کنگره: ۹۸BP/ط۲۵ م ۹۰۴۲۱۲ ۱۳۷۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۲۶

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۱-۱۷۴۳

ص: ۱

اشاره























































































ص: ٤٠

مقدمه مؤلف

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

« این قرآنی است کریم! »

« در کتابی مکنون! »

« که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد! »

(۷۷/۷۹ / واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یا فرهنگ معارف قرآن است

که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع، طبقه بندی شده است.

در یک « طبقه بندی کلی» از موضوعات قرآن کریم در تفسیر المیزان قریب ۷۷ عنوان انتخاب شد که هر یک یا چند موضوع، عنوانی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها، آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی طبقه بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد.

تعدادی از این مجلدات هم گفتارهای مربوط به همین موضوعات و همچنین تحقیقاتی است که علامه طباطبائی رضوان الله علیه درباره اهداف آیات و سوره‌های قرآن کریم به عمل آورده است. آخرین مجلد منتخبی خلاصه از ۲۱ جلد قبلی است.

در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار سرفصل بالغ گردید. کار انتخاب مطالب، تلخیص، عنوان بندی و نگارش، قریب ۳۰ سال دوام داشته و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵ پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

در نظر گرفته شد این مجلدات بر اساس سلیقه خوانندگان در شکل‌ها و

قطع های مختلف آماده شود. در قطع وزیری تعداد این مجلدات به ۲۲ رسید. در قطع جیبی هر عنوان موضوع یک کتاب در نظر گرفته شد و در نتیجه به ۷۷ جلد رسید.

از این مجلدات تاکنون ۳ جلد به قطع وزیری با عنوان « معارف قرآن در المیزان » شامل عناوین: معارف قرآن در شناخت خدا، نظام آفرینش، ملائکه و جن و شیطان ( از انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی،) و ۵ جلد به قطع جیبی با عنوان « تفسیر علامه- تفسیر موضوعی المیزان » شامل عناوین: قضا و قدر در نظام آفرینش، خانواده، جنگ و صلح، جن و شیطان، غذا و تغذیه انسان ( از انتشارات موسسه قرآنی تفسیر جوان - مفتاح دانش و بیان جوان - آستان قدس رضوی،) چاپ و منتشر گردیده است.

مجلدات حاضر بدون امتیاز تالیف است!

هر ناشری می تواند در اشاعه معارف آسمانی قرآن نسبت به چاپ و نشر آنها ( با عناوین مناسب و مربوط) اقدام نماید و هر موسسه یا فردی آنها را در سایت اینترنتی خود قرار دهد!

هدف تألیف این کتاب

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصا محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیه الله طباطبایی دریافت کنند و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند!

ضرورت تألیف این کتاب

سال های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و شرایع دین مان قرار می گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید جواب می دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس الله سره الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتماد فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود.

این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه بندی و خلاصه شود و در قالب یک دایره المعارف در دسترس همه دین دوستان قرار گیرد. این

همان انگیزه ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره ها و آیات الهی قرآن نمی شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

اصول این مطالب با توضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می تواند برای پی گیری آن ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است. ( ذکر این نکته لازم است که ترجمه تفسیر المیزان در اوایل انتشار از دهه ۵۰ به بعد به صورت مجموعه ۴۰ جلدی و از دهه ۶۰ به بعد به صورت مجموعه ۲۰ جلدی منتشر شده و یا در لوح های فشرده یا در اینترنت قرار گرفته است، به تبع آن نیز در تهیه مجلدات اولیه این کتابها (تا پایان تاریخ ادیان) از ترجمه ۴۰ جلدی اولیه و در تهیه مجلدات بعدی از ترجمه ۲۰ جلدی آن و یا از لوح های فشرده استفاده شده است، لذا بهتر است در صورت نیاز به مراجعه به ترجمه المیزان، علاوه بر شماره مجلدات، ترتیب عددی آیات نیز، لحاظ شود.)

... و ما همه بندگانی هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست و آنچه انجام شده و می شود، همه از جانب اوست!

و صلوات خدا بر محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این وظیفه الهی بودند و بر علامه فقید آیه الله طباطبایی و اجداد او،

و بر همه وظیفه داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد،

که مسلمان شایسته ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت

اسلام واقعی پرورش دادند!...

فَاطَّرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ!

لیله القدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی (حبیبی) امین

**اظهار نظرها درباره چاپ های نخست**

پس از چاپ اول ۳ جلد از « معارف قرآن در المیزان » در سالهای ۷۰، استقبال محققین و دانشمندان به جایی رسید که ما را بر آن داشت تا قبل از آغاز مطالعه این کتاب، سری بزنیم به سایت های اینترنتی و جراید کشور، نقد و اظهار نظر هائی را که درباره چاپ قبلی این مجموعه با ارزش از طرف پژوهشگران محترم اظهار شده است، درج کنیم:

۱- « در سایت روزنامه جمهوری اسلامی [www.magiran.com/npview...](http://www.magiran.com/npview...) در صفحه عقیدتی در تاریخ ۱۳۸۵/۰۷/۰۳ درباره مجموعه «معارف قرآن در المیزان» چنین آمده است:

« معارف قرآن در المیزان نام کتابی است که به کوشش سید مهدی امین تنظیم گردیده و توسط سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده است. این کتاب با دقت تمام معارف مختلف قرآن کریم را که در تفسیر المیزان شرح و تبیین یافته است انتخاب و تلخیص کرده و با یک طبقه بندی ارزشمند موضوعی شیفتگان فرهنگ و معارف قرآنی را برای دست یابی سریع به آن یاری و مساعدت نموده است .

تنظیم کننده این معارف غنی در مقدمه ای که بر جلد اول و دوم این کتاب نگاشته است درباره این اثر که در حکم کتاب « مرجع» برای آشنایی با فرهنگ و معارف قرآنی است، چنین می نویسد: ( ... نویسنده محترم روزنامه جمهوری، کلیاتی از مقدمه مولف را از جلد اول و دوم کتاب نقل کرده است.)

۲- « در سایت گودریدز [www.goodreads.com/book/show/۸۵۵۳۱۲۶](http://www.goodreads.com/book/show/۸۵۵۳۱۲۶) که در آن از همه جای دنیا افراد علاقمند به کتاب می توانند بهترین کتابهائی را که خوانده اند معرفی کنند، آقای محمد رضا ملائی از شهر مقدس مشهد مشخصاتی از جلد اول « معارف قرآن در المیزان» را همراه با کتابهای مورد علاقه اش معرفی کرده و چنین اظهار نموده است:

« ... تو تهران تو کتابخونه پیدا کردم، صد صفحه اش رو خوندم، ولی مشهد هیچ جا پیداش نکردم، آیات سنگین قرآن رو برداشته بود تفسیر علامه رو آورده بود. حیف شد واقعا، این کتاب رو هر کی داره، دو برابر قیمت ازش می خرم، بهم اطلاع بدین ...!»

۳- «روانشاد حجت الاسلام دکتر کبیری استاد دانشگاه» در یکی از سخنرانی های خود در مسجد شفا درباره « جلد دوم معارف قرآن در المیزان» اظهار داشت:

« ... این کتاب را اول شب باز کردم عناوین چنان جذبم می کردند که دیدم همان شب تا آخر کتاب را خوانده ام!»

۴- «سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی

[www.tebyan.net](http://www.tebyan.net) در موارد عدیده از کتاب «معارف قرآن در المیزان» مطالب زیادی نقل کرده، از جمله در سال ۱۳۸۲ شرح کامل «اسماء و صفات الهی» را نقل کرده که مورد استقبال و اقتباس سایت های دیگر هم قرار گرفته است و تعداد بازدید کنندگان آن، در تاریخ مراجعه، به ۲۹۱۸۵ نفر رسیده بود.

۵- «سایت دارالقرآن کریم [www.telavat.com](http://www.telavat.com)» نیز به معرفی «معارف قرآن در المیزان» پرداخته و می نویسد:

«این کتاب فرهنگ معارف قرآن است که از تفسیر شریف المیزان انتخاب و تلخیص و بر حسب موضوع طبقه بندی شده است. طرح این منبع در ۹ جلد به شرح زیر است:

۱- معارف قرآن در شناخت خداوند؛ ۲. معارف قرآن در شناخت جهان و نظام آفرینش؛ ۳. آفرینش انسان و موجودات قبل از او؛ ۴. فطرت انسان؛ ۵. تاریخ انسان و جریان مدنیت و ادیان الهی؛ ۶. اسلام، حرکت نهایی و وراثت زمین؛ ۷. تمدن و قوانین جامعه صالح و موعود اسلامی؛ ۸. اصول تربیت و خانواده اسلامی؛ ۹. مراحل بعدی حیات تا لقاء الله. ظاهراً تاکنون ۳ جلد اول آن انتشار یافته و بقیه مجلدات آن آماده نشده است.»

۶- «سایت شهر مجازی قرآن [www.quranct.com](http://www.quranct.com)» از جلد اول «معارف قرآن در المیزان» مطالبی بطور مفصل در چند صفحه درباره «اسماء و صفات الهی» با سرفصل های زیر نقل کرده است: اسماء و صفات الهی. تقسیم بندی صفات الهی. تعداد اسماء حسنی.

۷- «سایت [Islamquest](http://Islamquest)» در پاسخ پرسش های خوانندگان خود در موارد عدیده از «معارف قرآن در المیزان» استفاده کرده است.

۸- «سایت حوزه [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)» تحت عنوان «جوانه های جاوید» بررسی هایی درباره: «سبک های تفسیری علامه طباطبائی ره و شناخت نامه المیزان»، انجام داده، منابع تفسیر و کتابهای مربوط به المیزان را شمارش کرده است و در باره «معارف قرآن در المیزان» می نویسد:

«مجموعه معارف قرآن در المیزان که به منزله مرجع یا فرهنگ معارف قرآن است، توسط سید مهدی امین از تفسیرالمیزان انتخاب و تلخیص گردیده که بر حسب موضوع طبقه بندی شده است از این اثر تا کنون سه جلد با عنوان معارف قرآن در شناخت خدا، معارف قرآن در شناخت جهان و معارف قرآن در شناخت ملائکه، جنّ و شیطان تدوین و توسط سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسیده است.» «سایت حوزه» همچنین به عنوان منابع پژوهش مقطع دبیرستان، موضوع: کنش و واکنش (عمل ها و عکس العمل ها) از «معارف قرآن در المیزان» نام برده است.

۹- «سایت اسلام پدیا - اصطلاحات قرآنی [islampedia.ir](http://islampedia.ir)» در شرح اصطلاحات «آسمان های هفت گانه در قرآن» و



الحی القیوم در آیات قرآن» همچنین «رطب و یابس و کتاب مبین در قرآن» مطالب مفصلی از « معارف قرآن در المیزان» را نقل کرده است.

علاوه بر سایت های فوق الذکر قریب به ۵۰ سایت دیگر نیز از مجلدات « معارف قرآن در المیزان » استفاده کرده و یا آنها را به عنوان منابع تحقیق و مطالعه به خوانندگان خود معرفی کرده اند که برای رعایت اختصار از شرح آنها صرف نظر می شود.

در حال حاضر هم -

مؤلف همه این ۲۲ جلد را در سایت خود تحت عنوان « معارف قرآن در المیزان » در دو نسخه PDF و WORD در اینترنت جهت مطالعه و دانلود و کپی برداری قرار داده که با جستجو در « گوگل » این سایت قابل مشاهده است.

در این زمینه قبلاً- موسسه قرآنی تفسیر جوان نسخه های جیبی آن را که در ۷۷ جلد تحت عنوان « تفسیر علامه یا تفسیر موضوعی المیزان » تهیه شده در سایت « [www.Tafsirejavan.com](http://www.Tafsirejavan.com) » خود قرارداد تا همگان سریعا به آن دسترسی داشته باشند.

اخیرا نیز موسسه قرآنی قائمیه « [www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com) » در شهر اصفهان از ۷۷ جلد مزبور در سایت خود با شیوه بسیار جامع و با فهرست دیجیتالی استفاده کرده که علاوه بر نسخه PDF از چند فرمت دیگر نیز امکاناتی برای سهولت دانلود و کپی برداری فراهم آورده است!

برخی افراد یا هیئت های علمی نیز در پژوهش های خود به « معارف قرآن در المیزان » مراجعه داشتند، بانوان دانشمندی که به تأیید خود متجاوز از ۲۵ سال در المیزان تحقیق می کردند، پس از دسترسی به این کتاب، تحقیقات خود را بر اساس عناوین آن، از متن اصلی المیزان دنبال می کنند.

حضرت آیت الله حاج سید رضی شیرازی « دامه افاضاته » در روزهای آغازین که مؤلف فهرست عناوین جلد اول این مجموعه را تهیه و به محضر معظم له ارائه نمود، پس از مطالعه کامل، توصیه فرمودند: « برخی عناوین بسیار جذاب بود و من چند بار دنبال این بودم که اصل مطالب را بخوانم، لذا بهتر است برای این عناوین به صورت مختصر هم شده، مطالب متن نوشته شود...! » معظم له نامی که برای کتاب پیشنهاد فرمودند همان نام پر معنای « معارف قرآن در المیزان » بود که ۳ جلد اول آن در سال های ۱۳۷۰ با همان نام انتشار یافت. از آنجائی که مؤلف در تمام مدت تألیف کتابها از انفس قدسی و راهنمایی های ارزشمند آن معلم الهی بهره مند بوده است، به عنوان سپاس، تالیف این مجموعه را به محضر ایشان تقدیم می نماید!

سید مهدی حبیبی امین

رمضان مبارک ۱۳۹۲

**بررسی هدف سوره حمد تا سوره رعد**

**اشاره**



بسم الله الرحمن الرحيم

با یاد خدا و تسبیح و حمد نعمت های جمیل او!

### نکاتی درباره این کتاب:

محققین جوانی که علاقه دارند در قرآن کریم تحقیق و از مطالب آن بهره بگیرند، معمولاً معنی آیات را از ترجمه آنها پیدا می کنند ولی عموماً با مشکل درک مفاهیم آنها مواجه می شوند و لازم می بینند کسی برای آنها توضیح دهد که آیه مورد نظر برای چه منظور یا هدفی نازل شده و می خواهد چه بگوید؟

کتاب حاضر سریع ترین راه درک مفاهیم و هدف نزول آیات قرآنی را برای ما تدارک دیده است. بدین معنی که مفسر بزرگ و مورد اعتماد قرآن علامه فقید، آیت الله طباطبائی بزرگوار ( که رحمت خدا بر او و آبا و ابنانش باد!) آنچه را که یک محقق جوان برای درک مفاهیم آیات شریف قرآن کریم بدان نیاز دارد در المیزان، در شروع تفسیر هر یک از مجموعه آیات یا در شروع سوره ها تحت عنوان « بیان آیات » آماده ساخته است و ما در این کتاب مطالب المیزان را خلاصه کرده و طبقه بندی نموده ایم.

این کتاب طوری طراحی شده که بر اساس ردیف سوره ها و آیات قرآن مانند یک کتاب مرجع عمل می کند. شما می توانید به آن مراجعه و آیه مورد نظر را به سهولت پیدا کنید.

مجموعه آیاتی که آیه مورد نظر در بین آنهاست مشخص شده است، نشان می دهد مفهوم واقعی آیه مورد نظر چه بوده است و هدف نزول آن مجموعه از آیات و همچنین سوره مورد نظر چیست؟ و وقتی هدف نزول آیه روشن شد، درک معنای واقعی و مفهوم آیه بهتر و بیشتر روشن می گردد.

جلد اول این کتاب بیان اهداف سوره ها و آیات قرآن کریم را از اول قرآن تا پایان سوره رعد و جلد دوم از سوره ابراهیم تا پایان قرآن را در بر دارد. (امین)

### هدف و فلسفه نزول سوره حمد

### تعلیم بندگان برای چگونه حمد کردن خدا

خدای تعالی در این سوره به بنده خود یاد می دهد که چگونه حمدش گوید و چگونه سزاوار است ادب عبودیت را در مقامی که می خواهد اظهار عبودیت کند، رعایت نماید. این ظاهر را جمله « الحمد لله! » نیز تایید می کند، برای اینکه حمد توصیف است و خدای سبحان خود را از توصیف واصفان از بندگانش منزله دانسته و در کلام مجیدش هیچ جا این اطلاق را مقید نکرده و هیچ جا عبارتی نیاورده که حکایت کند حمد خدا را از غیر خدا، بجز عده ای از انبیاء مخلصش، که از آنان حکایت کرده که حمد خدا گفته اند.

و اما غیر این موارد هر جا سخن از حمد حامدان کرده، حمد ایشان را با تسبیح جفت کرده، بلکه تسبیح را اصل در حکایت قرار داده و حمد را با آن ذکر کرده است. تمامی موجودات با حمد خود او را تسبیح می گویند! برای اینکه غیر خدای تعالی هیچ موجودی به افعال جمیل او و به جمال و کمال افعالش احاطه ندارد، همچنانکه به جمیل صفاتش و اسماءش که جمال افعالش ناشی از جمال آن صفات و اسماء است، احاطه ندارد، بنا بر این، مخلوق خدا به هر وضعی که او را بستاید، به همان مقدار به او و صفاتش احاطه یافته است و او را محدود به حدود آن صفات دانسته و به آن تقدیر اندازه گیری کرده و حال آنکه خدای تعالی محدود بهیچ حدی نیست، نه خودش و نه صفات و اسمائش و نه جمال و کمال افعالش، پس اگر بخواهیم او را ستایش صحیح و بی اشکال کرده باشیم، باید قبلا او را منزله از تحدید و تقدیر خود کنیم و اعلام بداریم که پروردگارا! تو منزله از آنی که به تحدید و تقدیر فهم ما محدود شوی!

پس اینکه در آغاز سوره حمد فرمود: « الحمد لله! » تا به آخر، ادب عبودیت را می آموزد و تعلیم می دهد که بنده او لایق آن نبود که او را حمد گوید و فعلا که می گوید، به تعلیم و اجازه خود او است، او دستور داده که بنده اش بگوید:

« الحمد لله رب العالمین! »

این سوره اصلا برای عبادت درست شده و در قرآن هیچ سوره ای نظیر آن

دیده نمی شود!

منظورم از این حرف چند نکته است:

اول این که سوره مورد بحث از اول تا به آخرش کلام خدا است، اما در مقام نیابت از بنده اش، این که بنده اش وقتی روی دل متوجه بسوی او می سازد و خود را در مقام عبودیت قرار می دهد، چه می گوید.

دوم اینکه این سوره به دو قسمت تقسیم شده، نصفی از آن برای خدا و نصفی دیگر برای بنده خدا است.

نکته سوم این که این سوره مشتمل بر تمامی معارف قرآنی است و با همه کوتاهی به تمامی معارف قرآنی اشعار دارد، چون قرآن کریم با آن وسعت عجیبی که در معارف اصولیش و نیز در فروع و متفرعه بر آن اصول هست، از اخلاقش گرفته تا احکام و احکامش از عبادات گرفته تا سیاسات و اجتماعیات و وعده ها و وعیدها و داستانها و عبرت هایش، همه و همه بیاناتش به چند اصل بر می گردد و از آن چند ریشه جوانه می زند: اول توحید، دوم نبوت، سوم معاد و فروع آن، چهارم هدایت بندگان به سوی آنچه مایه صلاح دنیا و آخرتشان است. این سوره با همه اختصار و کوتاهی، مشتمل بر این چند اصل می باشد و با کوتاه ترین لفظ و روشن ترین بیان، به آنها اشاره نموده است.

## هدف آیه ۱ سوره حمد

(۱)

### اعلام آغاز عبودیت انسان با ذکر «بسم الله!» در اول سوره حمد

ذکر بسم الله در سوره حمد راجع به غرضی است که در خصوص این سوره هست و آن معنائی که از خصوص این سوره به دست می آید و از ریخت این سوره برمی آید حمد خدا است! اما نه تنها به زبان، بلکه به اظهار عبودیت و نشان دادن عبادت و کمک خواهی و درخواست هدایت!

پس کلامی است که خدا به نیابت از طرف بندگان خود گفته، تا ادب در مقام اظهار عبودیت را به بندگان خود بیاموزد!

و اظهار عبودیت از بنده خدا همان عملی است که می کند و قبل از انجامش بسم الله می گوید و امر مهم همین کاری است که اقدام بر آن کرده، پس ابتدا به نام خدای سبحان هم راجع به او است و معنایش این است:

خدایا! من به نام تو عبودیت را برای تو آغاز می‌کنم!

پس باید گفت: متعلق «باء» در بسم الله سوره حمد ابتداء است، در حقیقت می‌خواهیم اخلاص در مقام عبودیت و گفتگوی با خدا را به حد کمال برسانیم و بگوئیم پروردگارا حمد تو را با نام تو آغاز می‌کنم تا این عملم نشان تو را داشته باشد و خالص برای تو باشد!

ممکن هم هست همانطور که قبلاً گفتیم متعلق آن فعل «ابتداء» باشد و معنایش این باشد که خدایا من خواندن سوره و یا قرآن را با نام تو آغاز می‌کنم!

### هدف دیگر آیه ۱ سوره حمد

(۱)

#### بیان وحدت هدف قرآن با ذکر «بسم الله...!»

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ!»

کلام خدا با «بسم الله» آغاز شده است. از آنجائی که کلام، خود فعلی است از افعال، ناگزیر دارای وحدتی است. وحدت کلام به وحدت معنا و مدلول آن است، پس لا-جرم کلام خدا از اول تا به آخرش معنای واحدی دارد. آن معنای واحد غرضی است که به خاطر آن غرض، کلام خود را به بندگان خود القاء کرده است!

آن معنای واحدی که غرض از کلام خدای تعالی است، چیست؟

از آیه: «قد جاء کم من الله نور و کتاب مبین، یهدی به الله - از سوی خدا به سوی شما نوری و کتابی آشکار آمد، که به سوی خدا راه می‌نماید...!» و آیاتی دیگر، که خاصیت و نتیجه از کتاب و کلام خود را هدایت بندگان دانسته، فهمیده می‌شود که: آن غرض واحد هدایت خلق است!

پس در حقیقت هدایت خلق با نام خدا آغاز شده:

خدائی که مرجع همه بندگان است، خدائی که رحمان است و به همین جهت راه و مسیر رحمتش را برای عموم بندگانش چه مؤمن و چه کافر بیان می‌کند، آن راهی که خیر هستی و زندگی آنان در پیمودن آن راه است!

خدائی که رحیم است و به همین جهت سبیل رحمت خاصه اش را برای خصوص مؤمنین بیان می‌کند، آن سبیلی که سعادت آخرت آنان را تامین نموده و به دیدار پروردگارشان منتهی می‌شود!

و در جای دیگر از این دو قسم رحمتش، یعنی رحمت عامه و خاصه اش خبر داده و فرموده:

« و رحمتی وسعت کلشیء، فساکتبها للذین یتقون - رحمتم همه چیز را فرا

---

۱- المیزان ج : ۱ ص : ۲۶



گرفته، بزودی همه آن را به کسانی که تقوی پیشه کنند اختصاص می دهیم!»

این ابتداء به نام خدا نسبت به تمامی قرآن بود، که گفتیم غرض از سراسر قرآن یک امر است و آن هدایت است، که در آغاز قرآن این یک عمل با نام خدا آغاز شده است!

## هدف دیگر آیه ۱ سوره حمد

(۱)

### تعقیب هدف واحد هر سوره با ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» در اول آن

این نام شریف بر سر هر سوره تکرار شده است. نخست باید دانست که خدای سبحان کلمه «سوره» را در کلام مجیدش چند جا آورده است، از آنها می فهمیم که هر یک از این سوره ها طائفه ای از کلام خدا است، که برای خود و جداگانه، وحدتی دارند، نوعی از وحدت، که نه در میان ابعاض و افراد یک سوره هست و نه میان سوره ای و سوره ای دیگر.

از اینجا می فهمیم که اغراض و مقاصدی که از هر سوره به دست می آید مختلف است. هر سوره ای غرضی خاص و معنای مخصوصی را ایفاء می کند، غرضی را که تا سوره تمام نشود آن غرض نیز تمام نمی شود، بنا بر این جمله «بسم الله...!» در هر یک از سوره ها راجع به آن غرض واحدی است که در خصوص آن سوره تعقیب شده است!

## هدف و فلسفه نزول سوره بقره

(۲)

### بیان اوصاف مخاطبین هدایت قرآن و اهمیت ایمان به تمامی کتب آسمانی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَلَمْ يَأْتِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ! الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ! وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِمَّا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ! أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ...!» (۱ تا ۵/بقره)

از آنجائی که این سوره به تدریج و بطور متفرق نازل شده، نمی توان غرض واحدی که مورد نظر همه آیاتش باشد در آن یافت، تنها می توان گفت: که قسمت عمده آن از یک غرض واحد و چشم گیر خبر می دهد و آن عبارتست از بیان این

حقیقت که عبادت حقیقی خدای سبحان به این است که بنده او به تمامی کتابهائی که او به منظور هدایت وی و بوسیله انبیائش نازل کرده، ایمان داشته باشد و میان این وحی و آن وحی، این کتاب و آن کتاب، این رسول و آن رسول، فرقی نگذارد!

در این سوره علاوه بر بیان حقیقت نامبرده، کفار و منافقین تخطئه و اهل کتاب ملامت شده اند که چرا میان ادیان آسمانی و رسولان الهی فرق گذاشتند؟

و در هر فرازی به مناسبت عده ای از احکام از قبیل برگشتن قبله از بیت المقدس بسوی کعبه، احکام حج، ارث، روزه و غیر آن را بیان نموده، به فرازی دیگر پرداخته است.

و در این آیات نوزده گانه که حال مؤمنین و کفار و منافقین را بیان می کند، از اوصاف معرف تقوی، تنها پنج صفت را ذکر می کند و آن عبارتست از:

ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق از آنچه خدای سبحان روزی کرده، ایمان به آنچه بر انبیاء خود نازل فرموده و به تحصیل یقین به آخرت!

دارندگان این پنج صفت را باین خصوصیت توصیف کرده: که چنین کسانی بر طریق هدایت الهی و دارای آن هستند! این طرز بیان بخوبی می فهماند که نامبردگان بخاطر اینکه از ناحیه خدای سبحان هدایت شده اند، دارای این پنج صفت کریمه گشته اند، ساده تر این که ایشان متقی و (دارای پنج صفت نامبرده نشده اند مگر به هدایتی از خدای تعالی!)

آنگاه کتاب خود را چنین معرفی می کند که: هدایت همین متقین است:

« لا ریب فیه هدی للمتقین! »

پس می فهمیم که هدایت کتاب، غیر آن هدایتی است که اوصاف نامبرده را در پی داشت و نیز می فهمیم که متقین، دارای دو هدایتند، یک هدایت اولی که بخاطر آن متقی شدند و یک هدایت دومی که خدای سبحان به پاس تقوایشان بایشان کرامت فرمود!

آن وقت مقابله بین متقین که گفتیم دارای دو هدایتند، با کفار و منافقین درست می شود، چون کفار هم دارای دو ضلالت، و منافقین دارای دو کوری هستند، یکی ضلالت و کوری اول، که باعث اوصاف خبیثه آنان از کفر و نفاق و غیره شد، دوم ضلالت و کوری ای که ضلالت و کوری اولشان را بیشتر کرد، اولی را بخود آنان نسبت داد و دومی را بخودش، که بعنوان مجازات دچار ضلالت و کوری بیشتری شان کرد!

پنج صفتی که خدای تعالی آنها را زمینه هدایت قرآنی خود قرار داده، صفاتی است که فطرت سالم در آدمی ایجاد می کند و

در آیات مورد بحث به دارندگان چنین

فطرتی وعده می دهد که بزودی بوسیله قرآنش ایشان را هدایت می کند، البته هدایتی زائد بر هدایت فطرتشان، پس اعمال پنج گانه نامبرده، متوسط میان دو هدایتند، هدایتی سابق بر آن اعمال، و هدایتی لاحق به آنها و اعتقاد صادق و اعمال صالح میان دو هدایت واسطه اند، بطوریکه اگر بعد از هدایت فطرت، آن اعتقاد و آن اعمال نباشد، هدایت دومی دست نمی دهد!

### هدف آیه ۶ و ۷ سوره بقره

(۱)

### معرفی استثناء شدگان از هدایت قرآن

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ! خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ!»

منظور از کفار در آیه فوق احتمال می رود صنادید و سردمداران مشرکین قریش و بزرگان مکه باشند، آنهایی که در امر دین عناد و لجاجت بخرج داده و در دشمنی با دین خدا از هیچ کوشش و کارشکنی کوتاهی نکردند، تا آنجا که خدای تعالی در جنگ بدر و سایر غزوات تا آخرین نفرشان را هلاک کرد.

### هدف آیه ۸ تا ۲۰ سوره بقره

(۲)

### تجسم وضع منافقین و گرفتاری آنها در ظلمت تاریکی و ظلمت حیرت

«وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ...!»

در این آیات وضع منافقین را بیان می کند. در آیه: «مثلهم كمثل الذی استوقد ناراً...!» با آوردن مثلی، وضع منافقین را مجسم ساخته، می فرماید منافقین مثل کسی می مانند که در ظلمتی کور قرار گرفته، بطوریکه خیر را از شر، راه را از چاه و نافع را از مضر، تشخیص نمی دهد و برای بر طرف شدن آن ظلمت، دست به اسباب روشنی می زند، آتشی روشن کند، که با آن اطراف خود را به بیند، یا وسیله ای دیگر و چون آتش روشن می کند و پیرامونش روشن می شود خدا بوسیله ای از وسائل که دارد، باد، یا باران یا امثال آن، آتشش را خاموش کند و دو باره به همان ظلمت گرفتار شود، بلکه این بار میان دو ظلمت قرار گیرد، یکی ظلمت تاریکی، یکی هم ظلمت حیرت و بی اثر شدن اسباب!

### هدف آیه ۲۱ تا ۲۵ سوره بقره



(۱)

**دعوت به صف متقین و اعراض از منافقین و بیماردلان**

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ...! »

در این آیه مردم را بسوی بندگی خود دعوت می کند، تا به متقین ملحق شوند و دنبال کفار و منافقین را نگیرند. این مطالب را در طول پنج آیه مورد بحث آورده است.

هر چند سیاق آیات از اول سوره بمنظور بیان حال منافقین و کفار و متقین بود و می خواست حال هر سه طائفه را بیان کند، لکن خدای سبحان، از آنجائی که در اول آیات خطاب را متوجه هر سه کرد و همه مردم را بسوی پرستش خود دعوت نمود، قهرا مردم در مقابل این دعوت به دو قسم تقسیم شدند، پذیرنده و نپذیرنده، چون بطور کلی دعوت از حیث اجابت و عدم اجابت به غیر از این دو طائفه تقسیم نمی پذیرد و مردم در برابر آن مؤمنند یا کافر، اما در منافق سخن از ظاهر و باطن بمیان می آید، وقتی شخصی منافق شناخته می شود که زبان و دلش یکسان نباشد و در نتیجه مردم در دعوت نامبرده یا زبان و قلبشان با هم آن را می پذیرند و بدان ایمان می آورند و یا هم با زبان و هم با قلب آنرا انکار می کنند و یا آنکه به زبان می پذیرند و با قلب انکار می کنند، شاید بهمین جهت بود که در آیه مورد بحث و آیه بعدش مردم را دو دسته کرد و منافقین را نام نبرد، و نیز بهمین جهت بجای عنوان متقین عنوان مؤمنین را ذکر کرد.

**هدف آیه ۲۶ و ۲۷ سوره بقره**

(۲)

**بیان مراحل گمراهی اولیه و گمراهی ثانوی انسانها**

« إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَهُ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ...! »

آیه شهادت می دهد بر این که یک مرحله از ضلالت و کوری دنبال کارهای زشت انسان بعنوان مجازات در انسان گنه کار پیدا می شود و این غیر آن ضلالت و کوری اولی است که گنه کار را به گناه وا داشت، چون در آیه مورد بحث می فرماید:

« و ما يضل به الا الفاسقين - خدا با این مثل گمراه نمی کند مگر فاسقان را! »

اضلال را اثر و دنباله فسق معرفی کرده، نه جلوتر از فسق، معلوم می شود این مرحله از ضلالت غیر از آن مرحله ای است که قبل از فسق بوده و فاسق را به

١- الميزان ج : ١ ص : ٩٠

٢- الميزان ج : ١ ص : ١٤٠

فسق کشانیده است - دقت بفرمائید!

این را نیز باید دانست که هدایت و اضلال دو کلمه جامعی هستند که تمامی انواع کرامت و خذلانی که از سوی خدا بسوی بندگان سعید و شقی می رسد شامل می شود!

### هدف آیه ۲۸ و ۲۹ سوره بقره

(۱)

#### بیان حقیقت انسان و طی مسیرش از خلقت تا مرگ و برزخ و آخرت

« كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ...! »

در این آیه حقیقت انسان را و آنچه را که خدا در نهاد او بودیعه سپرده، بیان می کند، ذخائر کمال، وسعت دائره وجود او و آن منزلی که این موجود در مسیر وجود خود طی می کند، یعنی زندگی دنیا، سپس مرگ، بعد از آن زندگی برزخ، سپس مرگ، بعد زندگی آخرت و سپس بازگشت به خدا و این که این منزل آخرین منزل در سیر آدمی است، خاطر نشان می سازد.

در خلال این بیان پاره ای از خصائص و مواهب تکوین و تشریح را، که خداوند تعالی آدمی را بدان اختصاص داده، بر می شمارد.

### هدف آیه ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره

(۲)

#### بیان هدف نزول انسان به زمین و خلافتش در آن

« وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ...! »

این آیات متعرض آن فرضی است که بخاطر آن انسان بسوی دنیا پائین آمد و نیز حقیقت خلافت در زمین و آثار و خواص آنرا بیان می کند، این مطلب بر خلاف سائر داستانهای که در قرآن آمده، تنها در یکجا آمده است و آن همین جا است.

### هدف آیه ۳۴ سوره بقره

(۳)



## بیان خلافت انسان، چگونگی نزولش به زمین و سرانجام کار او

« وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ! »

این آیات منظور اصلیش بیان خلافت انسان و موقعیت او و چگونگی نازل شدنش به دنیا و مآل کار او از سعادت و شقاوت است.

### هدف آیه ۳۵ تا ۳۹ سوره بقره

۱- المیزان ج : ۱ ص : ۱۷۰

۲- المیزان ج : ۱ ص : ۱۷۶

۳- المیزان ج : ۱ ص : ۱۸۷

(۱)

**بیان هدف خلقت انسان برای سکونت در زمین و نقش درخت ممنوعه**

« وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ مَكَلًا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ...! »

سیاق آیه بخوبی می‌رساند که منظور اصلی از خلقت آدم این بوده که در زمین سکونت کند، چیزی که هست راه زمینی شدن آدم همین بوده که نخست در بهشت منزل گیرد و برتریش بر ملائکه و لیاقتش برای خلافت اثبات شود و سپس ملائکه مامور بسجده برای او شوند و آنگاه در بهشت منزلش دهند و از نزدیکی به آن درخت نهی می‌کنند و او به تحریک شیطان از آن بخورد و در نتیجه عورتش و نیز از همسرش ظاهر گردد و در آخر به زمین هبوط کنند.

از این ریخت و سیاق بخوبی بر می‌آید: که آخرین عامل و علتی که باعث زمینی شدن آن دو شد، همان مسئله ظاهر شدن عیب آن دو بود و عیب نامبرده هم به قرینه ای که فرموده: « بر آن شدند که از برگهای بهشت بر خود پوشانند...! » همان عورت آن دو بوده و معلوم است که این دو عضو، مظهر همه تمایلات حیوانی است چون مستلزم غذا خوردن و نمو نیز هستند!

**هدف آیه ۴۰ تا ۴۴ سوره بقره**

(۲)

**بیان عتاب‌های خدا بر بنی اسرائیل**

« يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اذْكُرُوْا نِعْمَتِيْ الَّتِيْ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ اَوْفُوْا بِعَهْدِيْ اَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَ اِيَّيَّ فَارِهٰۤبُوْنَ...! »

خدای سبحان در این آیات عتاب ملت یهود را آغاز کرده و این عتاب در طی صد و چند آیه ادامه دارد و در آن نعمتهائی را که خدا بر یهود افاضه فرمود و کرامتهائی را که نسبت به آنان مبذول داشت و عکس‌العملی که یهود به صورت کفران و عصیان و عهدشکنی و تمرد و لجاجت از خود نشان داد، بر می‌شمارد و با اشاره به دوازده قصه از قصص آنان تذکرشان می‌دهد: قصه نجاتشان از شر آل فرعون و شکافته شدن دریا و غرق شدن فرعونیان، قصه میعاد در طور، قصه گوساله پرستی آنان بعد از رفتن موسی به میقات، قصه مامور شدنشان به کشتن یکدیگر، داستان تقاضایشان از موسی که خدا را به ما نشان بده تا علنی و آشکارا او را ببینیم و به کیفر همین پیشنهادشان دچار صاعقه شدند و دوباره زنده گشتند، تا آخر داستانهای که در

۱- المیزان ج : ۱ ص : ۱۹۳

۲- المیزان ج : ۱ ص : ۲۲۶

این آیات بدان اشاره شده و سر تا سر آن پر است از عنایات ربانی و الطاف الهی .

و نیز به یادشان می آورد: آن میثاقها که از ایشان گرفت و ایشان آن ها را نقض کرده و پشت سر انداختند و باز گناहانی را که مرتکب شدند و جرائمی را که کسب کردند و آثاری که در دلهاشان پیدا شد، با اینکه کتابشان از آنها نهی کرده بود و عقولشان نیز بر خلاف آن حکم می کرد، بیادشان می اندازد و یادآوریشان می کند که بخاطر آن مخالفت ها چگونه دلهاشان دچار قساوت و نفوسشان در معرض شقاوت قرار گرفت و چگونه مساعیشان بی نتیجه شد!

### هدف آیه ۴۵ و ۴۶ سوره بقره

(۱)

### بیان فلسفه استعانت از صبر و نماز

« وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ! الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ! »

استعانت به معنای طلب کمک است و این در وقتی صورت می گیرد که نیروی انسان به تنهایی نمی تواند مهم و یا حادثه ای را که پیش آمده بر وفق مصلحت خود بر طرف سازد.

این که فرموده: از صبر و نماز برای مهمات و حوادث خود کمک بگیرید، برای این است که در حقیقت یآوری بجز خدای سبحان نیست، در مهمات یاور انسان مقاومت و خویشتن داری آدمی است، باینکه استقامت بخرج داده، ارتباط خود را با خدا وصل نموده، از صمیم دل متوجه او شود و بسوی او روی آورد.

این همان صبر و نماز است، این دو بهترین وسیله برای پیروزی است، چون صبر هر بلا و یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می کند و نماز که اقبال بخدا و التجاء به او است، روح ایمان را زنده می سازد و به آدمی می فهماند: که بجائی تکیه دارد که انهدام پذیر نیست و به سببی دست زده که پاره شدنی نیست!

### هدف آیه ۴۷ و ۴۸ سوره بقره

(۲)

### بیان مسئله شفاعت

« يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ! وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ! »

پادشاهی و سلطنت دنیوی از هر نوعش که باشد و با جمیع شئون و قوای

---

١- الميزان ج : ١ ص : ٢٢٨

٢- الميزان ج : ١ ص : ٢٣٢

مقننه و قوای حاکمه و قوای مجریه اش، مبتنی بر حوائج زندگی است و این حاجت زندگی است که ایجاب می کند چنین سلطنتی و چنین قوانینی بوجود آید، تا حوائج انسان را که عوامل زمانی و مکانی آن را ایجاب می کند بر آورد.

به همین جهت چه بسا می شود که متاعی را مبدل به متاعی دیگر و منافی را فدای منافی بیشتر و حکمی را مبدل به حکمی دیگر می کنند، بدون اینکه این دگرگونیها در تحت ضابطه و میزانی کلی در آید.

بر همین منوال مسئله مجازات متخلفین نیز جریان می یابد، با اینکه جرم و جنایت را مستلزم عقاب می دانند، چه بسا از اجراء حکم عقاب بخاطر غرضی مهم تر، که یا اصرار و التماس محکوم به قاضی و تحریک عواطف او است و یا رشوه است، صرف نظر کنند، یا مجرم پارتی و شفيعی نزد او بفرستد، تا بین او و خودش واسطه شود!

و عواملی دیگر نظیر عوامل نامبرده، که احکام و قوانین حکومتی را از کار می اندازد. این سنتی است جاری و عادتی است در بین اجتماعات بشری .

در قرآن کریم تمامی این آراء واهیه و پوچ و اقاویل کاذبه و بی اساس ابطال شده، خدای عز و جل در باره اش فرمود:

« و الامر یومئذ لله - امروز تنها مؤثر خداست! » و نیز فرموده:

« و رأوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب - عذاب را می بینند و دستشان از همه اسباب بریده می شود! »

و همچنین آیاتی دیگر، که همه آنها این حقیقت را بیان می کند، که در موطن قیامت، اثری از اسباب دنیوی نیست و ارتباطهای طبیعی که در این عالم میان موجودات هست، در آنجا بکلی منقطع است.

این خود اصلی است که لوازمی بر آن مترتب می شود و آن لوازم بطور اجمال بطلان همان عقائد موهوم و خرافی است، آنگاه قرآن کریم هر یک از آن عقائد را بطور تفصیل بیان نموده و پنبه اش را زده است، از آن جمله مسئله شفاعت و پارتی بازی است، که در باره آن می فرماید:

« پرهیزید از روزی که احدی بجای دیگری جزاء داده نمی شود و از او شفاعتی پذیرفته نیست و از او عوضی گرفته نمی شود و هیچ کس از ناحیه کسی یاری نمی گردند! » و نیز فرموده:

« یوم لا بیع فیه و لا خله و لا شفاعه! »

« روزی که در آن نه خرید و فروشی است و نه رابطه دوستی! »

« یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا! »

« روزی که هیچ دوستی برای دوستی کاری صورت نمی دهد! »

## هدف آیه ۴۹ تا ۶۱ سوره بقره

(۱)

### بیان تعدیات و گناهان بنی اسرائیل بعد از نجات از فرعون

« وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبُّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ...! »

ظاهر آیات شریفه و ما قبل آن این است که این خطابها و انواع تعدیها و گناهانی که از بنی اسرائیل در این آیات شمرده، همه آنها به همه بنی اسرائیل نسبت داده شده، با اینکه می دانیم آن گناهان از بعضی از ایشان سر زده و این برای آن است که بنی اسرائیل جامعه ای بودند، که قومیت در آنها شدید بود، چون یک تن بودند، در نتیجه اگر عملی از بعضی سر می زد، همه بدان راضی می شدند و عمل بعضی را به همه نسبت می دادند و گر نه همه بنی اسرائیل گوساله نپرستیدند و همه آنان پیغمبران خدای را نکشتند و همچنین سایر گناهان را همگی مرتکب نشدند.

## هدف آیه ۶۲ سوره بقره

(۲)

### معرفی ایمان واقعی و نفی ارزش نامگذاریها نزد خدا

« إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالصَّالِحِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ! »

در این آیه مسئله ایمان تکرار شده و منظور از ایمان دومی بطوریکه از سیاق استفاده می شود، حقیقت ایمان است و این تکرار می فهماند: که مراد از: «الذین آمنوا» در ابتدای آیه کسانی هستند که ایمان ظاهری دارند و به این نام و به این سمت شناخته شده اند، بنا بر این معنای آیه این می شود: این نامها و نامگذاریها که دارید، از قبیل: مؤمنین، یهودیان، مسیحیان و صابئیان، اینها نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، نه شما را مستحق پاداشی می کند و نه از عذاب او ایمن می سازد!

این مطلب در آیات قرآن کریم مکرر آمده، که سعادت و کرامت هر کسی دائر مدار و وابسته به عبودیت است، نه به نام گذاری، پس هیچ یک از این نامها سودی برای صاحبش ندارد و هیچ وصفی از اوصاف کمال، برای صاحبش باقی نمی ماند و او را سود نمی بخشد، مگر با لزوم عبودیت! آیات قرآن تصریح دارد بر این که کرامت و سعادت مربوط به حقیقت است، نه بظاهر!

۱- المیزان ج: ۱ ص: ۲۸۴

۲- المیزان ج: ۱ ص: ۲۹۲

(۱)

**بیان دلیل کندن و نگاه داشتن کوه بالای سر بنی اسرائیل**

«وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ...!»

از سیاق آیه، که اول پیمان گرفتن را و امر به قدردانی از دین را، ذکر نموده و در آخر آیه یاد آوری آنچه در کتابست خاطر نشان کرده و مسئله ریشه کن کردن کوه طور را در وسط این دو مسئله جای داده، بدون این که علت این کار را بیان کند، بر می آید: که مسئله کندن کوه، برای ترساندن مردم به عظمت قدرت خدا است، نه برای اینکه ایشان را مجبور بر عمل به کتابی که داده شده اند بسازد و گر نه اگر منظور اجبار بود دیگر وجهی برای میثاق گرفتن نبود.

**هدف آیه ۷۵ تا ۸۲ سوره بقره**

(۲)

**شرح برخورد یهود با رسول الله «ص» و دین اسلام**

«أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ...!»

سیاق این آیات، مخصوصا ذیل آنها، این معنا را دست می دهد: که یهودیان عصر بعثت، در نظر کفار و مخصوصا کفار مدینه، که همسایگان یهود بودند، از پشتیبانان پیامبر اسلام شمرده می شدند، چون یهودیان، علم دین و کتاب داشتند و لذا امید به ایمان آوردن آنان بیشتر از اقوام دیگر بود و همه، توقع این را داشتند که فوج فوج به دین اسلام در آیند و دین اسلام را تایید و تقویت نموده، نور آنرا منتشر و دعوتش را گسترده سازند.

و لکن بعد از آنکه رسول خدا «ص» به مدینه مهاجرت کرد، یهود از خود رفتاری را نشان داد، که آن امید را مبدل به یاس کرد و بهمین جهت خدای سبحان در این آیات می فرماید: آیا انتظار دارید که یهود به دین شما ایمان بیاورد، در حالی که یک عده از آنان بعد از شنیدن آیات خدا و فهمیدنش، آن را تحریف کردند و خلاصه کتمان حقایق و تحریف کلام خدا رسم دیرینه این طائفه است، پس اگر نکول آنان را از گفته های خودشان می بینند و می بینید که امروز سخنان دیروز خود را حاشا می کنند، خیلی تعجب نکنید.

**هدف آیه ۸۳ تا ۸۸ سوره بقره**

۱- المیزان ج: ۱ ص: ۲۹۸

۲- المیزان ج: ۱ ص: ۳۲۰



### بیان فقرات میثاق الهی اخذ شده از بنی اسرائیل

«وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ...!»

اولین آیه با نظم بدیعی که دارد، در آغاز با سیاق غیبت آغاز شده و در آخر با سیاق خطاب ختم می شود، از سوی دیگر، در آغاز میثاق را که به معنای پیمان گرفتن است و جز با کلام صورت نمی گیرد، یاد می آورد و آنگاه خود آن میثاق را که چه بوده؟ حکایت می کند. این حکایت را نخست با جمله خبری: «لا تعبدون الا الله...!» و در آخر با جمله انشائی: «و قولوا للناس حسنا...!» حکایت می کند.

نکته دیگری که در آیه رعایت شده، این است که در طبقاتی که امر به احسان به آنان نموده، ترتیب را رعایت کرده، اول آن طبقه ای را ذکر کرده، که احسان به او از همه طبقات دیگر مهم تر است و بعد طبقه دیگری را ذکر کرده، که باز نسبت بسایر طبقات استحقاق بیشتری برای احسان دارد، اول پدر و مادران را ذکر کرده، که پیداست از هر طبقه دیگری به احسان مستحق ترند، چون پدر و مادر ریشه و اصلی است که آدمی به آن دو اتکاء دارد و جوانه وجودش روی آن دو تنه روئیده، پس آن دو از سایر خویشاوندان به آدمی نزدیک ترند.

بعد از پدر و مادر، سایر خویشاوندان را ذکر کرده و بعد از خویشاوندان، در میانه اقرباء، یتیم را مقدم داشته، چون ایتم بخاطر خوردسالی و نداشتن کسی که متکفل و سرپرست امورشان شود، استحقاق بیشتری برای احسان دارند- دقت بفرمائید!

### هدف آیه ۸۹ تا ۹۳ سوره بقره

### بیان علل کفر بنی اسرائیل به پیامبر اسلام بعد از بعثت

«وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ...!»

قبل از بعثت، کفار عرب متعرض یهود می شدند و ایشان را آزار می کردند و یهود در مقابل، آرزوی رسیدن بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم می کرده اند و می گفته اند: اگر پیغمبر ما که تورات از آمدنش خبر داده مبعوث شود و نیز بگفته تورات به مدینه مهاجرت کند، ما را از این ذلت و از شر شما اعراب نجات می دهد.

١- الميزان ج : ١ ص : ٣٢٧

٢- الميزان ج : ١ ص : ٣٣٣

و از کلمه «کانوا» استفاده می شود این آرزو را قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همواره می کرده اند، به حدی که در میان همه کفار عرب نیز معروف شده بود، ولی چون پیامد آن کسی که وی را می شناختند، یعنی نشانیهای تورات که در دست داشتند با او منطبق دیدند، به آن جناب کفر ورزیدند.

«بئسما اشتروا» این آیه علت کفر یهود را با وجود علمی که به حقانیت اسلام داشتند، بیان می کند، و آن را منحصرًا حسد و ستم پیشگی می داند. حسد بر آنان چیره گشت و استکبار و پلنگ دماغی جلوگیری از این شد که به وی ایمان بیاورند، لذا به وی کفر ورزیده، گفته های سابق خود را انکار کردند، همانطور که به تورات خود کفر ورزیدند و کفرشان به اسلام، کفری بالای کفر شد!

### هدف آیه ۹۴ تا ۹۹ سوره بقره

(۱)

#### نفی اعتقادات دروغین یهود

«قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ...!»

آیات بالا به التزام دلالت می کرد بر اینکه یهودیان مدعی نجات در آخرتند و دیگران را اهل نجات و سعادت نمی دانند و نجات و سعادت خود را هم مشوب به هلاکت و شقاوت نمی دانند، چون به خیال خود جز ایامی چند معذب نمی شوند و آن ایام هم عبارتست از آن چند صباحی که گوساله پرستیدند.

لذا خدای تعالی با خطاب با ایشان مقابله کرد که دروغگوئی آنان را در دعویشان ظاهر سازد، خطابی که خود یهود بدون هیچ تردیدی آن را قبول دارد و آن این است که به رسول گرامیش دستور می دهد به ایشان بگوید: اگر خانه آخرت از آن شماست آرزوی مرگ کنید و به خانه خود وارد شوید!!

مراد از خانه آخرت سعادت در آخرت است برای اینکه وقتی کسی مالک خانه ای شد، به هر نحو که خوشش آید و دوست بدارد در آن تصرف می کند و به بهترین وجه دلخواه و سعادت مندانه ترین وجه وارد آن می شود!

### هدف آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره بقره

(۲)

#### بیان مخالفت یهود با حق و کتمان بشارت رسول الله در تورات

«أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا تَبَدَّه فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ...!»

این آیه به مخالفت یهود با حق و حقیقت اشاره می کند، که از در دشمنی با حق، بشارتهای تورات به آمدن پیامبر اسلام را  
کتمان کردند و به پیامبری که تورات

---

۱- المیزان ج : ۱ ص : ۳۴۱

۲- المیزان ج : ۱ ص : ۳۴۸

آنان را تصدیق می کرد ایمان نیاوردند!

## هدف آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره بقره

(۱)

### بیان واقعیت سحر و ساحری در یهود

« وَ اتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرُّوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ! »

آیه شریفه - البته با رعایت سیاقی که دارد - می خواهد یکی دیگر از خصائص یهود را بیان کند و آن متداول شدن سحر در بین آنان است و اینکه یهود این عمل خود را مستند به یک و یا دو قصه می دانند، که میان خودشان معروف بوده و در آن دو قصه پای سلیمان پیغمبر و دو ملک بنام هاروت و ماروت در میان بوده است.

پس بنا بر این کلام عطف است بر صورتی که ایشان از قصه نامبرده در ذهن داشته اند و می خواهد آن صورت را تخطئه کند و بفرماید جریان آنطور نیست که شما از قصه در نظر دارید، آری یهود بطوریکه قرآن کریم از این طائفه خبر داده، مردمی هستند اهل تحریف و دست اندازی در معارف و حقایق، نه خودشان و نه احدی از مردم نمی توانند در داستانهای تاریخی به نقل یهود اعتماد کنند.

به هر حال از آیه شریفه بر می آید که سحر در میانه یهود امری متداول بوده و آنرا به سلیمان نبی نسبت می دادند، چون اینطور می پنداشتند، که سلیمان آن سلطنت و ملک عجیب را و آن تسخیر جن و انس و وحش و طیر را و آن کارهای عجیب و غریب و خوارقی که می کرد، بوسیله سحر کرد!

## هدف آیه ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره بقره

(۲)

### افشای رفتار مودیان یهود در قبال رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَعَيْنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ! »

در این آیه نهی شدیدی شده از گفتن کلمه «راعنا!» مسلمانان وقتی کلام رسول خدا را درست ملتفت نمی شدند، بخاطر

اینکه ایشان گاهی بسرعت صحبت می کرد، از ایشان خواهش می کردند: کمی شمرده تر صحبت کنند، که ایشان متوجه

---

۱- المیزان ج : ۱ ص : ۳۵۰

۲- المیزان ج : ۱ ص : ۳۶۹

بشوند و این خواهش خود را با کلمه «راعنا!» که عبارتی کوتاه است اداء می کردند، چون معنای این کلمه (مراعات حال ما بکن!) است، ولی این کلمه در بین یهود یک رقم ناسزا بود.

یهودیان از این فرصت که مسلمانان هم می گفتند: (راعنا- راعنا) استفاده کرده، وقتی به رسول خدا (ص) می رسیدند، می گفتند: (راعنا!) بظاهر وانمود می کردند که منظورشان رعایت ادب است، ولی منظور واقعیشان ناسزا بود و لذا خدای تعالی برای بیان منظور واقعی آنان، این آیه را فرستاد و چون منظور واقعی یهود روشن شد، در آیه مورد بحث مسلمانان را نهی کرد از اینکه دیگر کلمه (راعنا) را بکار نبرند و بلکه بجای آن چیز دیگر بگویند، مثلاً بگویند: (انظرنا!) یعنی کمی ما را مهلت بده!

منظور از کافرین در آیه فوق کسانی است که از این دستور سرپیچی کنند، و این یکی از مواردی است که در قرآن کریم کلمه کفر، در ترک وظیفه فرعی استعمال شده است.

در این آیه اولین موردی است که خدای تعالی مؤمنین را با لفظ: «ایها الذین آمنوا!» خطاب می کند که بعد از این مورد در هشتاد و چهار مورد دیگر تا آخر قرآن این خطاب را کرده است که منظور از جمله: «الذین آمنوا!» اشخاص خاصی است و آن اشخاص عبارتند از سابقون اولون، یعنی طبقه اول مسلمانان از مهاجر و انصار، که در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در روزگار عسرت اسلام به آنجناب ایمان آوردند!

## هدف آیه ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره بقره

(۱)

### بیان موضوع نسخ در قرآن

« مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِخْهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...! »

این آیه مربوط به مسئله نسخ است و معلوم است که نسخ به آن معنایی که در اصطلاح فقها معروف است، یعنی به معنای (کشف از تمام شدن عمر حکمی از احکام)، اصطلاحی است که از این آیه گرفته شده و یکی از مصادیق نسخ در این آیه است و همین معنا نیز از اطلاق آیه استفاده می شود.

از نظر آیه نامبرده نسخ باعث نمی شود که خود آیت نسخ شده بکلی از عالم هستی نابود گردد، بلکه حکم در آن عمرش کوتاه است، چون به وضعی وابسته است که با نسخ، آن صفت از بین می رود و آن صفت صفت آیت و علامت بودن است، پس خود این صفت به ضمیمه تعلیل ذیلش که می فرماید: «مگر نمی دانی که خدا بر هر

چیز قادر است!» بما می فهماند که مراد از نسخ از بین بردن اثر آیت ، از جهت آیت بودنش می باشد ، یعنی از بین بردن علامت بودنش ، با حفظ اصلش ، پس با نسخ اثر آن آیت از بین می رود و اما خود آن باقی است، حال اثر آن یا تکلیف است و یا چیزی دیگر .

### هدف آیه ۱۰۸ تا ۱۱۵ سوره بقره

(۱)

#### نهی از طرح سوالات نظیر سوالات یهود از موسی «ع»

« أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ...! »

سیاق آیه اول دلالت دارد بر اینکه بعضی از مسلمانان که به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورده بودند، از آنجناب سؤالهایی نظیر سؤالهای یهود از حضرت موسی کرده اند و لذا خدای سبحان در این آیه ایشان را سرزنش می کند ، البته در ضمنی که یهود را توبیخ می کند بر آن رفتاری که با موسی و سایر انبیاء بعد از او کردند، روایات هم بر همین معنا دلالت دارد .

### هدف آیه ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره بقره

(۲)

#### نفی اعتقادات اهل کتاب درباره پسر خواندگی برای خدا

« وَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سَبَّحْتَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قِتُونٌ! بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ! »

سیاق چنین می رساند: مراد از گویندگان این سخن، یهود و نصاری هستند که یهود می گفت: عزیز پسر خداست و نصاری می گفت: مسیح پسر خداست، چون در آیات قبل نیز روی سخن با یهود و نصاری بود.

منظور اهل کتاب در اولین بار که این سخن را گفتند، یعنی گفتند خدا فرزند برای خود گرفته، این بوده که از پیغمبر خود، احترامی کرده باشند، همانطور که در احترام و تشریف خود می گفتند: «نحن أبناء الله و احبأؤه - ما فرزندان و دوستان خدائیم!» و لیکن چیزی نگذشت که این تعارف، صورت جدی بخود گرفت و آن را یک حقیقت پنداشتند و لذا خدای سبحان در دو آیه مورد بحث، آن را رد نموده ، بعنوان اعراض از گفتارشان فرمود: «بلکه آسمان و زمین و هر چه در آن دو است از خداست...!»



۱- المیزان ج: ۱ ص: ۳۸۷

۲- المیزان ج: ۱ ص: ۳۹۳

(۱)

**بیان تشابه عقاید اهل کتاب با عقاید و طرز فکر کفار**

« وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ...! »

در این آیه مشرکین و کفار را ملحق به اهل کتاب می کند و می فرماید: « آنها که نمی دانند گفتند: چرا خدا با خود ما سخن نمی گوید؟ و یا معجزه ای بخود ما نمیدهد؟ آنها هم که قبل از ایشان بودند- یعنی یهود و نصاری- همین حرف را زدند چون در میان اهل کتاب یهودیان همین حرف را به پیغمبر خدا موسی «ع» زدند، پس اهل کتاب و کفار در طرز فکر و در عقائدشان مثل هم هستند، آنچه آنها می گویند، اینها هم می گویند و آنچه اینها می گویند آنها نیز می گویند: « تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ...! » طرز فکرهاشان یک جور است!

**هدف آیه ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره بقره**

(۲)

**هشدار به رسول الله «ص» درباره نیت باطنی اهل کتاب**

« وَ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصْرَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَدَى وَ لَنْ أَتَّبِعَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ... وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةُ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ! »

بعد از آن خطابهها و توبیخ ها که از یهود و نصاری کرد، روی سخن به رسول خود کرده که این یهودیان و مسیحیان که تاکنون در باره آنها سخن می گفتیم هرگز از تو راضی نمی شوند مگر وقتی که تو به دین آنان در آئی، دینی که خودشان به پیروی از هوی و هوسشان تراشیده و با آراء خود درست کرده اند .

لذا در رد این توقع بیجای آنان ، دستور می دهد به ایشان بگو: « ان هدی الله هو الهدی - هدایت خدا هدایت است، نه من در آوری های شما! » می خواهد بفرماید: پیروی دیگران کردن، بخاطر هدایت است و هدایتی بغیر هدایت خدا نیست و حقی بجز حق خدا نیست تا پیروی شود و غیر هدایت خدا - یعنی این کیش و آئین شما - هدایت نیست ، بلکه هواهای نفسانی خود شماست که لباس دین بر تنش کرده اید و نام دین بر آن نهاده اید .

حال ببین که در این یک آیه چه اصولی ریشه دار از برهانی عقلی نهفته شده و با همه اختصار و کوتاهش ، چه وجوهی از بلاغت بکار رفته و در عین حال چقدر بیان آن سلیس و روان است !

۱- المیزان ج: ۱ ص: ۳۹۸

۲- المیزان ج: ۱ ص: ۳۹۹

(۱)

**مقدمه چینی برای نزول آیات مربوط به تغییر قبله و حج**

« وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ! »

این آیه به فرازی دیگر شروع شده و آن ذکر پاره ای از داستانهای ابراهیم علیه السلام است که نسبت به آیات مربوط به قبله و تغییر آن از بیت المقدس بطرف کعبه بمنزله مقدمه و زمینه چینی است، همچنین نسبت به آیات راجع به حج و بیانی که در خلال آن در باره حقیقت دین حنیف اسلامی و مراتب آن به میان آمده، مرتبه اول بیان اصول معارف اسلامی و مرتبه دوم اخلاق و مرتبه سوم احکام فرعی که همه اینها بطور اجمال در آن آیات آمده است.

آیات نامبرده این معنا را نیز در بر گرفته که خدای تعالی ابراهیم علیه السلام را بچند خصیصه اختصاص داده، یکی به امامت و یکی به بنای کعبه و دیگر بعثتش برای دعوت به دین توحید!

**هدف آیه ۱۲۵ تا ۱۲۹ سوره بقره**

(۲)

**تشریح حج و مآمن و مرجع قراردادن خانه خدا**

« وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ...! »

شروع آیات اشاره به تشریح حج و نیز مآمن بودن خانه خدا و مثبت، یعنی مرجع بودن آن دارد.

**هدف آیه ۱۳۰ تا ۱۳۴ سوره بقره**

(۳)

**شرح برگزیده شدن ابراهیم «ع» و اسلام آوردن او به رب العالمین**

« وَ مَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ...! »

مقام اصطفاء عینا همان مقام اسلام است، شاهد بر آن آیه: «اذ قال له ربه: اسلم! قال: اسلمت لرب العالمین!» است. اصطفاء ابراهیم در زمانی بود که پروردگارش به او گفت: اسلام آور! و او هم برای خدای رب العالمین اسلام آورد!

خدای تعالی کلام ابراهیم را اینطور حکایت می کند که گفت: «من اسلام آوردم برای رب العالمین!» با اینکه جا داشت

بگويد: «پروردگارا من اسلام آوردم براي تو!»

---

۱- الميزان ج : ۱ ص : ۴۰۳

۲- الميزان ج : ۱ ص : ۴۲۳

۳- الميزان ج : ۱ ص : ۴۵۱

آنچه پروردگار به او فرموده، سرّی بوده که پروردگارش با او در میان نهاده و در مقامی نهاده که مقام خلوت بوده است. در جمله: «و چون پروردگارش به او گفت!» هر چند از یک لطف خاصی حکایت می کند، که مقتضای آزادی ابراهیم در گفتگو است و لیکن از آنجا که ابراهیم علیه السلام هر چه باشد بالأخره بنده است و طبع بنده ذلت و تواضع است، لذا ایجاب می کند که خود را در این مقام آزاد و رها نبیند، بلکه در عوض ادب حضور را مراعات کند، چون در غیر این صورت در حقیقت خود را مختص به مقام قرب و متشرف به حظیره انس حساب کرده، در حالی که ادب بندگی اقتضاء می کند او در همان حال هم خود را یکی از بندگان ذلیل و مربوب ببیند و در برابر کسی اظهار ذلت کند که تمامی عالمیان در برابرش تسلیم هستند، پس نباید می گفت: «اسلمت لک - من تسلیم توام!» بلکه باید می گفت: «اسلمت لرب العالمین - تسلیم آنم که همه عالم مربوب و تسلیم اویند!»

اصولاً کلمه اسلام و تسلیم و استسلام، هر سه یک معنا را می دهند و آن این است که کسی و یا چیزی در برابر کس دیگر حالتی داشته باشد که هرگز او را نافرمانی نکند و او را از خود دور نسازد. این حالت اسلام و تسلیم و استسلام است.

اسلام انسان برای خدای تعالی وصف رام بودن و پذیرش انسان است، نسبت به هر سرنوشتی که از ناحیه خدای سبحان برایش تنظیم می شود، چه سرنوشت تکوینی، از قدر و قضاء و چه تشریحی از اوامر و نواهی و غیر آن، به همین جهت می توان گفت: مراتب تسلیم بر حسب شدت و ضعف وارده بر انسان و آسانی و سختی پیش آمدها، مختلف می شود، آنکه در برابر پیش آمدهای ناگوارتر و تکالیف دشوارتر تسلیم می شود، اسلامش قوی تر است، از اسلام آن کس که در برابر ناگواری ها و تکالیف آسانتری تسلیم می شود، پس بنا بر این اسلام دارای مراتبی است!

## هدف آیه ۱۳۵ تا ۱۴۱ سوره بقره

(۱)

### بیان منشاء انشعاب ها در دین ابراهیم «ع»

« وَ قَالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصْرَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...! »

خدای تعالی بعد از آنکه بیان کرد: دین حق که اولاد ابراهیم از اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان وی بر آن دین بودند اسلام بود و خود ابراهیم هم آنرا دین حنیف خود داشت، اینک در این آیه نتیجه می گیرد که اختلاف و انشعاب هائی که در بشر پیدا شده، دسته ای خود را یهودی و دسته ای دیگر مسیحی خواندند، همه ساخته های هوی و هوس خود بشر است و بازیگریهائی است که خود در دین ابراهیم

کرده اند و دشمنی هائی که با هم داشتند به حساب خدا و دین او گذاشتند .

در نتیجه طائفه های مختلف و احزابی دینی و متفرق گشتند ، رنگ هوی و هوسها و اغراض و مطامع خود را به دین خدای سبحان یعنی دین توحید زدند ، با اینکه دین بطور کلی یکی بود ، همچنانکه معبودی که به وسیله دین عبادت می شود یکی است و آن دین ابراهیم است و باید مسلمین به آن دین تمسک جویند و شقاق و اختلاف اهل کتاب را پیروی ننموده ، آن را برای خود اهل کتاب بگذارند!

یهود گفتند: بیائید همه یهودی شوید ، تا هدایت یابید ، نصاری هم گفتند: بیائید مسیحی شوید ، تا همه راه یابید! منشا این اختلاف دشمنی با یکدیگرشان بود.

« قل بل مله ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین! » می فرماید: بگو بلکه ملت ابراهیم را پیروی می کنیم، که فطری است و ملت واحده ای است که تمامی انبیاء شما از ابراهیم گرفته تا بعد از او همه بر آن ملت بودند و صاحب این ملت یعنی ابراهیم از مشرکین نبود!

## هدف آیه ۱۴۲ تا ۱۵۱ سوره بقره

(۱)

### بیان مسائل مربوط به قبله شدن مسجدالحرام و رد اعتراضات یهود

« سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...! »

این آیات اگر مورد دقت قرار گیرد، آیاتی است زنجیروار ، منتظم و مترتب بر هم که داستان قبله شدن کعبه برای مسلمین را بیان می کند.

قبل از این آیات، داستان ابراهیم علیه السلام خاطر نشان می شد، که نسبت به مسئله قبله جنبه توطئه و زمینه چینی داشت ، آیه مورد بحث توطئه دوم است و نیز می خواهد جواب از اعتراض ماجراجویانی را که می خواهند حادثه ای سوژه آفرین پیش آید، تا مشغول جدال و بگو مگو شوند ، به رسول خود تعلیم دهد.

در آیات قبل زمینه مسئله قبله را چیده بود سرگذشت ابراهیم و کرامتهائی که در درگاه خدا داشت و کرامت فرزندش اسماعیل، دعای آن دو بزرگوار برای کعبه، مکه، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم، امت مسلمان و نیز بنا کردن خانه کعبه و ماموریتشان در خصوص تطهیر خانه برای عبادت را ذکر فرموده بود .

معلوم است که برگشتن قبله از بیت المقدس به کعبه، از بزرگترین حوادث دینی و اهم احکام تشریعی است، که مردم بعد از هجرت رسول خدا «ص» به مدینه با آن روبرو شدند ، آری در این ایام اسلام دست به انقلابی ریشه دار می زند و معارف و

حقایق خود را نشر می دهد. معلوم است که یهود و غیر یهود در مقابل این انقلاب ،

---

۱- المیزان ج : ۱ ص : ۴۷۶



ساکت نمی نشینند، چون می بینند اسلام یکی از بزرگترین مفاخر دینی آنان را که همان قبله ایشان بود، از بین می برد، قبله ای که سایر ملل بخاطر آن تابع یهود و یهود در این شعار دینی متقدم بر آنان بودند.

علاوه بر اینکه این تحویل قبله باعث تقدم مسلمانان و دین اسلام می شود چون توجه تمامی امت را یکجا جمع می کند و همه در مراسم دینی به یک نقطه رو می کنند و این تمرکز همه توجهات به یک سو، ایشان را از تفرق نجات می دهد هم تفرق وجوهشان در ظاهر و هم تفرق کلمه شان در باطن، مسلماً قبله شان کعبه تأثیری بیشتر و قوی تر دارد، تا سایر احکام اسلام، از قبیل طهارت و دعا و امثال آن و یهود و مشرکین عرب را سخت نگران می سازد، مخصوصاً یهود را که به شهادت داستانهای که از ایشان در قرآن آمده، مردمی هستند که از همه عالم طبیعت جز برای محسوسات اصالتی قائل نیستند و برای غیر حس کمترین وقعی نمی گذارند مردمی هستند که از احکام خدا آنچه مربوط به معنویات است، بدون چون و چرا می پذیرند، ولی اگر حکمی در باره امری صوری و محسوس از ناحیه پروردگارشان بیاید، مانند قتال و هجرت و سجده و خضوع و امثال آن، زیر بارش نمی روند و در مقابلش به شدیدترین وجهی مقاومت می کنند.

سخن کوتاه اینکه خدای تعالی هم خبر داد که بزودی یهود بر مسئله تحویل قبله اعتراض خواهند کرد، لذا به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تعلیم کرد که چگونه اعتراضشان را پاسخ گوید تا دیگر اعتراض نکنند!

## هدف آیه ۱۵۲ سوره بقره

(۱)

### دستور شکرگزاری در برابر نعمت بعثت رسول الله «ص» و تغییر قبله

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ!»

بعد از آن که خدای تعالی بر پیامبر اسلام و امت مسلمان منت نهاد، نخست پیامبر بزرگوار را که از خود مردم بود بسوی ایشان گسیل داشت و این خود نعمتی بود که با هیچ مقیاسی اندازه گیری نمی شود، نعمتی که منشا هزاران نعمت شد - و فهماند خدا از یاد بندگانش غافل نیست - آری خدا بشر را از اینکه بسوی صراط مستقیم هدایت کند و به اقصی درجات کمال سوق دهد، فراموش نکرده بود.

در مرحله دوم قبله را که مایه کمال دین و توحید در عبادت و تقویت فضائل دینی و اجتماعیشان بود، تشریح فرمود، اینک در این آیه متفرع بر آن دو نعمت، دعوتشان می کند: به این که بیاد او باشند و شکرش بگذارند، تا او هم در مقابل یاد بندگان به عبودیت و طاعت، ایشان را به دادن نعمت یاد کند و در پاداش شکرگزاری و کفران

نکردن ، نعمتشان را بیشتر کند .

آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه ذکر قلبی هم برای خود مراتبی دارد ، از اینجا روشن می شود اینکه بعضی گفته اند : ذکر بمعنای حضور معنا است در نفس ، سخنی است درست ، برای اینکه حضور دارای مراتبی است .

## هدف آیه ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره

(۱)

### ایجاد آمادگی فکری برای شروع جهاد

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ! »

« وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِن لَّا تَشْعُرُونَ! »

« وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ! »

« الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ! »

« أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ! »

این پنج آیه در سیاق متحد و جملاتش از نظر لفظ در یک سیاق و از نظر معنا هم بیکدیگر مرتبند، اول آنها به آخر نظر دارد و آخرش به اولش، از اینجا فهمیده می شود که این پنج آیه یکباره نازل شده نه در چند هنگام.

و سیاق آن داد می زند که قبل از نازل شدن دستور جهاد و تشریح آن نازل شده ، چون در این آیات از بلائی پیشگوئی شده که بعدها مسلمانان با آن روبرو می شوند و مصائبی را بزودی می بینند ، البته نه هر بلا و مصیبت ، بلکه بلای عمومی که چون سایر بلیات معمولی و همیشگی نیست .

بلائی که در آیات مورد بحث از آن سخن رفته ، هر بلای عمومی نیست، وبا و قحطی نیست، بلکه بلائی است عام که خود مسلمانان خود را بدان نزدیک کرده اند.

در آیات مورد بحث بطور اشاره خبر می دهد که: چنین محنتی و بلائی رو به آمدن است ، چون در آیات ، سخن از قتال و جهاد در راه خدا کرده، چیزی که هست این بلا را به وصفی معرفی کرده که دیگر چون سایر بلاها مکروه و ناگوار نیست و صفت سوئی در آن باقی نمانده و آن این است که این قتال مرگ و نابودی نیست ، بلکه حیات است و چه حیاتی!! پس این آیات مؤمنین را تحریک می کند که خود را برای قتال آماده کنند و به ایشان خبر می دهد که بلا و محنتی در پیش دارند ،

بلائی که هرگز به مدارج تعالی و رحمت پروردگاری و به اهتداء و به هدایتش نمی رسند ، مگر آنکه در برابر آن صبر کنند  
و مشقت هایش را تحمل نمایند و به ایشان این

---

۱-المیزان ج : ۱ ص : ۵۱۵

حقیقت را تعلیم می دهد که باید برای رسیدن به هدف از قتال استمداد بگیرند، می فرماید: از صبر و نماز استعانت بجوئید، از صبر که عبارتست از خودداری از جزع و ناشکیبائی و از دست ندادن امر تدبیر و از نماز که عبارت است از توجه بسوی پروردگار و انقطاع بسوی کسی که همه امور بدست او است! آری: «ان القوه لله جميعا - نیرو همه اش از خداست!»

### هدف آیه ۱۵۸ سوره بقره

المیزان ج: ۱ ص: ۵۷۸

### معرفی و تشریح سعی بین صفا و مروه به عنوان شعائر الهی

«إِنَّ الصَّفاَ وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ!»

این آیه اشاره دارد به اینکه صفا و مروه دو محل است که به علامت الهی نشاندار شده و آن علامت، بندگان خدای را بسوی خدا دلالت می کند و خدا را بیادشان می آورد و از اینکه صفا و مروه را در مقابل همه موجودات اختصاص داده به اینکه از شعائرند با اینکه تمامی موجودات آدمی را بسوی آفریدگارش دلالت می کند، فهمیده می شود که مراد از شعائر، شعائر و آیت ها و نشانه های تکوینی نیست که تمامی موجودات آن را دارند بلکه خدای تعالی آن دو را شعائر قرار داده و معبد خود کرده، تا بندگانش در آن موضع وی را عبادت کنند، در نتیجه دو موضع نامبرده علاوه بر آن دلالتی که همه کائنات دارند، به دلالت خاصی بندگان را بیاد خدا می اندازد، پس شعیره بودن صفا و مروه خود دلالت دارد بر اینکه خدا برای این دو موضع عبادت خاصی مقرر کرده است.

### هدف آیه ۱۵۹ تا ۱۶۲ سوره بقره

(۱)

### بیان انحراف علما و کتمان آیات الهی دلیل اختلافات دینی

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ...!»

اختلاف های دینی و انحراف از جاده صواب، معلول ستمکاری علماء بوده که مطالب کتاب را برای مردم نگفتند و یا اگر گفتند، تاویلش کردند و یا در آن دست انداخته تحریفش نمودند.

« أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ! » این جمله کیفر کسانی را بیان می کند که آنچه هدایت و آیات که خدا نازل کرده بود، کتمان کردند و آن کیفر عبارت است از لعنتی از خدا و لعنتی دیگر از هر لعنت کننده است. اینکه هم لعنت خدا و هم لعنت لعنت کنندگان را مطلق آورد، دلالت دارد بر اینکه تمامی لعنت هایی که از هر لعنت کننده سر بزند، متوجه ایشان است.

### هدف آیه ۱۶۳ تا ۱۶۷ سوره بقره

(۱)

#### بیان مفهوم واحد بودن خدا

« وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ...! »

این آیات که مسئله توحید را خاطر نشان می کند، همه در یک سیاق و در یک نظم قرار دارند و بر مسئله نامبرده اقامه برهان نموده، شرک و سرانجام امر آن را بیان می کنند! جمله: «الهکم اله واحد!» با همه کوتاهش می فهماند که: الوهیت مختص و منحصر به خدای تعالی است و وحدت او وحدتی مخصوص است، وحدتی است که لایق ساحت قدس اوست!

### هدف آیه ۱۶۸ تا ۱۷۱ سوره بقره

(۲)

#### بیان دست درازی شیطان از طریق غذاهای حلال و حرام

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ...! »

خطاب در آیه، متوجه عموم مردم است که آنچه در زمین هست برایشان حلال است و می توانند بخورند و پای بند احکام خرافی قدیم نباشند.

این جمله اباحه ای عمومی و بدون قید و شرط را آماده می کند، چیزی که هست جمله: «و لا تتبعوا خطوات الشیطان...!» می فهماند که در این میان چیزهای دیگری هم هست که نامش خطوات شیطان است و مربوط به همین اکل حلال طیب است و این امور، یا مربوط به نخوردن بخاطر پیروی شیطان است و یا خوردن بخاطر پیروی شیطان است و چون تا اینجا معلوم نکرد که آن امور چیست؟ لذا برای اینکه ضابطه ای دست داده باشد که چه چیزهایی پیروی شیطان است؟ کلمه سوء و فحشاء و سخن بدون علم را خاطر نشان کرد و فهماند که هر چیزی که بد است، یا فحشاء است یا بدون علم حکم کردن است، پیروی از آن، پیروی شیطان است!

### هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۶ سوره بقره

١- الميزان ج : ١ ص : ٥٩٢

٢- الميزان ج : ١ ص : ٦٣٠

(۱)

**دستور استفاده از طیبات برای مومنین به خدا**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ! إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَ مَا أَهْلًا بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطَرَّ غَيْرَ بَاطِلٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ...! »

این جمله خطابی است خاص به مؤمنین ، که بعد از خطاب قبلی که به عموم مردم بود قرار گرفته ، پس از قبیل انتزاع خطابی از خطابی دیگر است، گویا از خطاب جماعتی که پذیرای نصیحت نیستند ، منصرف شده و روی سخن به عده خاص کرده که دعوت داعی خود را اجابت می گویند ، چون به او ایمان دارند .

التفاتی که بین دو خطاب واقع شده ناشی از تفاوتی است که در افراد مخاطب است ، چون از دارندگان ایمان بخدا این توقع می رفت که دعوت را بپذیرند به همین جهت عبارت قبلی: « ما فی الارض حلالا- طیبیا! » را به عبارت: « طیبات ما رزقناکم! » عوض کرد ، تا وسیله شود ، بعد از آن از ایشان بخواهد تنها خدا را شکر گویند ، چون مردمی موحد بودند و بجز خدای سبحان کسی را نمی پرستیدند .

عین این نکته باعث شد بفرماید: « ما رزقناکم - آنچه ما روزیتان کردیم! » و نفرماید: « ما رزقتم - آنچه روزی شده اید! » و یا « ما فی الارض - آنچه در زمین است! » و یا تعبیر دیگر نظیر اینها ، تا اشاره و یا دلالت کند بر اینکه خدا در نظر آنان معروف و به ایشان نزدیک و نسبت به آنان مهربان و رؤوف است .

**هدف آیه ۱۷۷ سوره بقره**

(۲)

**معرفی ابرار و اعتقاد، اعمال و اخلاق آنها**

« لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَمَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ ءَاتَى الزَّكَاةَ وَ الْمَوْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ! »

این خود دأب قرآن در تمامی بیاناتش است که وقتی می خواهد مقامات معنوی را بیان کند، با شرح احوال و تعریف رجال دارنده آن مقام ، بیان می کند و به بیان مفهوم تنها قناعت نمی کند.

جمله: « و لكن البر من آمن بالله و اليوم الاخر...! » تعریف ابرار و بیان حقیقت

١- الميزان ج : ١ ص : ٦٤٣

٢- الميزان ج : ١ ص : ٦٤٨



حال ایشان است که هم در مرتبه اعتقاد تعریفشان می کند و هم در مرتبه اعمال و هم اخلاق، در باره اعتقادشان می فرماید: «من آمن بالله!» و در باره اعمالشان می فرماید: «اولئك الذين صدقوا!» و در باره اخلاقشان می فرماید: «و اولئك هم المتقون!»

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که هر کس به این آیه عمل کند ایمان خود را به کمال رسانده باشد!

## هدف آیه ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره

(۱)

### بیان قانون قصاص و مفهوم حیات در قصاص

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَنٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ!»

«و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَاۤأُولِي الۡاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ!»

آیه شریفه در اینکه خطاب را متوجه خصوص مؤمنین کرده، اشاره است به اینکه حکم قصاص مخصوص جامعه مسلمین است و کفاری که در کشورهای اسلامی بعنوان اهل ذمه زندگی می کنند و غیر آنان از کفار، مشمول آیه نیستند و آیه از کار آنها ساکت است!

«و لکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب، لعلکم تتقون!» این جمله به حکمت تشریح قصاص اشاره می کند. حاصل معنای این جمله این است که عفو هر چند تخفیفی و رحمتی است نسبت به قاتل (و رحمت خود یکی از فضائل انسانی است!) و لکن مصلحت عموم تنها با قصاص تامین می شود، قصاص است که حیات را ضمانت می کند نه عفو کردن و دیه گرفتن و نه هیچ چیز دیگر! و این حکم هر انسان دارای عقل است و اینکه فرمود: «لعلکم تتقون!» معنایش این است که بلکه شما از قتل پرهیزید! و این جمله به منزله تعلیل است برای تشریح قصاص.

لطایف و شیوائی و بلاغت این آیه شریفه:

آیه شریفه، همه کلمات بلیغی را که در این باب از طرف حکما و گویندگان در تاریخ بشر گفته شده بود، از یاد برد و همه را عقب زد، زیرا جمله: «و لکم فی القصاص حیوه - در قصاص برای شما حیات است!» از همه آن کلمات کوتاهتر و تلفظش آسانتر است، علاوه در این جمله، کلمه قصاص معرفه یعنی با الف و لام آمده و کلمه حیات نکره، یعنی بدون الف و لام آمده است تا دلالت کند بر اینکه نتیجه قصاص و برکات آن، دامنه دارتر و عظیمتر از آن است که با زبان گفته شود.

و باز با همه کوتاهی‌ش ، نتیجه قصاص را بیان کرده و حقیقت مصلحت را ذکر کرده ، که حیات است و همین کلمه حیات حقیقت آن معنائی را که نتیجه را افاده می کند متضمن است.

### هدف آیه ۱۸۰ تا ۱۸۲ سوره بقره

(۱)

#### بیان قانون وصیت

« كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ... ! »

لسان این آیه، لسان و جوب است نه استحباب، چون در قرآن کریم هر جا فرموده: فلان امر بر فلان قوم نوشته شده، معنایش این است که این حکم یا سرنوشت، قطعی و لازم شده است. مؤید آن، جمله آخر آیه است که می فرماید: «حقا...!» چون کلمه حق ، نیز مانند کتابت اقتضای معنای لزوم را دارد!

لکن از آنجا که همین کلمه را مقید به: «متقین» کرده دلالت بر وجوب را سست می کند، برای اینکه اگر وصیت تکلیفی واجب بود، مناسب تر آن بود که بفرماید: «حقا علی المؤمنین!» و چون فرموده: «... علی المتقین!» می فهمیم این تکلیف امری است که تنها تقوی باعث رعایت آن می شود و در نتیجه برای عموم مؤمنین واجب نیست ، بلکه آنهایی که متقی هستند به رعایت آن اهتمام می ورزند!

بعضی از مفسرین گفته اند: این آیه بوسیله آیات ارث (که تکلیف مال میت را معین کرده ، چه وصیت کرده باشد و چه نکرده باشد)، نسخ شده و به فرضی که این سخن درست باشد، وجوبش نسخ شده نه استحباب و اصل محبوبیتش و شاید تقیید کلمه حق به کلمه: «متقین!» هم برای افاده همین غرض باشد.

### هدف آیه ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره

(۲)

#### اعلام وجوب روزه ماه رمضان و تمهیدات قبلی آن

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ...! »

سیاق این سه آیه دلالت دارد بر اینکه:

اولا هر سه با هم نازل شده اند. آیات سه گانه مورد بحث به هم متصل و نظیر کلام واحدی است که یک غرض را دربردارد و آن غرض عبارت است از بیان وجوب روزه ماه رمضان!

ثانياً دلالت دارد بر اینکه قسمتی از گفتار این سه آیه به منزله زمینه چینی

---

۱- المیزان ج: ۱ ص: ۶۶۶

۲- المیزان ج: ۲ ص: ۳

برای قسمت دیگر آن است.

یعنی دو آیه اول به منزله مقدمه است برای آیه سوم، چون در آیه سوم تکلیفی واجب می شود که صاحب کلام، اطمینان ندارد از اینکه شنونده از اطاعت آن سرپیچی نکند، برای اینکه تکلیف نامبرده تکلیفی است که بالطبع برای مخاطب، شاق و سنگین است!

حکم روزه که عبارت است از محرومیت نفوس از بزرگترین مشتهیات و مهم ترین تمایلاتش، یعنی خوردن و نوشیدن و جماع، که چون محرومیت از آنها ثقیل بر طبع و مصیبتی برای نفس آدمی است! در توجیه حکمش ناگزیر از این است که قبلاً برای شنوندگان - با در نظر گرفتن اینکه عموم مردمند و بیشتر مردم عوام و پیرو مشتهیات نفسند - مقدمه ای بچیند و دلهاشان را علاقه مند بدان سازد، تا تشنه پذیرش آن شوند، بدین جهت است که آیه: «کتب علیکم الصیام!» تا آخر دو آیه که مشتمل بر هفت فقره است و خبر می دهد از اینکه بعدها چنین حکمی انشاء می شود!

«یا ایها الذین آمنوا...!» اینگونه خطاب: «ای کسانی که ایمان آورده اید!» به منظور توجه دادن مردم به صفت ایمانشان است و گرنه می فرمود: «ای مردم!» لیکن خواست بفهماند با توجه به اینکه دارای ایمانید باید هر حکمی را که از ناحیه پروردگارتان می آید بپذیرید، هر چند که بر خلاف مشتهیات و ناسازگار با عادات شما باشد!

## هدف آیه ۱۸۶ سوره بقره

(۱)

### بیان دستورالعملی برای دعا کردن

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ!»

این آیه در افاده مضمونش بهترین اسلوب و لطیف ترین و زیباترین معنا را برای دعا دارد:

اولاً: اساس گفتار را بر تکلم وحده (من چنین و چنانم!) قرار داده، نه غیبت (خدا چنین و چنان است!) و نه سیاقی دیگر نظیر غیبت و این سیاق دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی نسبت به مضمون آیه کمال عنایت را دارد!

ثانیاً: تعبیر فرموده به: «عبادی - بندگانم!» و نفرمود: «ناس - مردم!» و یا تعبیری دیگر نظیر آن و این نیز عنایت یاد شده را بیشتر می رساند!

ثالثاً: واسطه را انداخته و نفرموده (در پاسخشان بگو چنین و چنان!) بلکه فرمود: «چون بندگانم از تو سراغ مرا می گیرند من نزدیکم!»



رابعاً: جمله: «من نزدیکم!» را با حرف «ان» که تاکید را می رساند مؤکد کرده و فرموده: «فانی قریب- پس به درستی که من نزدیکم!»

خامساً: نزدیکی را با صفت بیان کرده و فرموده: «نزدیکم!» نه با فعل (من نزدیک می شوم!) تا ثبوت و دوام نزدیکی را برساند!

سادساً: در افاده اینکه دعا را مستجاب می کند تعبیر به مضارع آورد نه ماضی ، تا تجدد اجابت و استمرار آن را برساند!

سابعاً: وعده اجابت یعنی عبارت: «اجابت می کنم دعای دعا کننده را!» مقید کرد به قید: «اذا دعان - در صورتی که مرا بخواند!» با اینکه این قید چیزی جز خود مقید نیست ، چون مقید خواندن خدا است و قید هم همان خواندن خدا است و این دلالت دارد بر اینکه دعوت داعی بدون هیچ شرطی و قیدی مستجاب است نظیر آیه: «ادعونی استجب لکم!»

این هفت نکته همه دلالت دارد بر اینکه خدای سبحان به استجاب دعا اهتمام و عنایت دارد .

از طرفی در این آیه با همه اختصارش هفت مرتبه ضمیر متکلم: «من!» تکرار شده و آیه ای به چنین اسلوب در قرآن منحصر به همین آیه است!

اینکه فرموده: «و اذا سئلك عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان!» همانطور که متعرض حکم مساله اجابت دعا است متعرض بیان علل آن نیز هست و می فهماند علت نزدیک بودن خدا به بندگان همین است که دعا کنندگان بنده اویند و علت اجابت بی قید و شرط دعای ایشان همان نزدیکی خدا به ایشان است و بی قید و شرط بودن اجابت دعا ، مستلزم بی قید و شرط بودن دعا است، پس تمامی دعاهائی که خدا برای اجابت آن خوانده می شود مستجاب است!

البته در اینجا نکته ای است که نباید از نظر دور داشت و آن اینکه خدای تعالی وعده: «اجیب دعوه الداع!» خود را مقید کرده به قید: «اذا دعان...!» و چون این قید چیزی زائد بر مقید نیست ، می فهماند که دعا باید حقیقتاً دعا باشد ، نه اینکه مجازاً و صورت آن را آوردن! وعده اجابت هر چند مطلق و بی قید و شرط است، اما این شرط را دارد که داعی حقیقتاً دعا کند و علم غریزی و فطریش منشا خواسته اش باشد، خلاصه قلبش با زبانش موافق باشد ، چون دعای حقیقی آن دعائی است که قبل از زبان سر ، زبان قلب و فطرت که دروغ در کارش نیست آن را بخواهد نه تنها زبان سر ، که به هر طرف می چرخد ، به دروغ و راست و شوخی و جدی و حقیقت و مجاز!

**هدف آیه ۱۸۷ سوره بقره**

### بیان احکام شبهای ماه رمضان

« أَجِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثِ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْتَنَ بِشُرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى الْبَلِّ وَلَا تَبَشِّرُوهُنَّ وَانْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِّلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ! »

آیه شریفه دلالت می کند بر اینکه قبل از نزول این آیه حکم روزه این بوده که در شب روزه، زناشویی هم حرام بوده و با نازل شدن این آیه حلیت آن تشریح و حرمتش نسخ شده است.

کلمه « ابتغاء » به معنای طلب کردن است و منظور از « طلب کردن آنچه خدا نوشته است، » طلب فرزند است، که خدای سبحان آن را نوشته و مقرر کرده، که نوع انسانی این کار را از راه جماع انجام دهد و جنس بشر را با تجهیز شهوت و اشتیاق به مباشرت مفسور بر این عمل کرده و به این وسیله ایشان را مسخر و رام در مقابل این عمل نموده است!

البته کمتر کسی در حین عمل توجه به فرزنددار شدن دارد، بیشتر منظورشان شهوت رانی است (غافل از اینکه خدای تعالی در بین این دو سنگ آرد خود را می گیرد و قضای خود را به کرسی می نشاند!) همچنانکه افراد منظورشان از اکل و شرب لذت بردن از غذا است و غافلند از اینکه این جذبه و رابطه بین انسان و غذا را خدا قرار داده، تا زندگی بشر بقا یافته، بدنش نمو کند، این همان تسخیر الهی است!

### هدف آیه ۱۸۸ سوره بقره

### نهی از تصرف باطل در اموال مردم با پرداخت و دریافت رشوه

« وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ! »

این آیه شریفه به منزله بیان و شرح است برای آیه شریفه: « خلق لكم ما فى الارض جميعا! » و اگر اموال را اضافه کرد به ضمیری که به مردم بر می گردد و فرمود: « اموالتان » برای این بود که اصل مالکیت را که بنای مجتمع انسانی بر آن مستقر شده، امضا کرده و محترم شمرده باشد!

اینکه حکم: « مخورید مال خود به باطل! » را مقید کرد به قید: « بینکم »

١- الميزان ج : ٢ ص : ٦٣

٢- الميزان ج : ٢ ص : ٧٣



دلالت دارد بر اینکه مجموعه اموال دنیا متعلق است به مجموعه مردم دنیا، منتها خدای تعالی از راه وضع قوانین عادلانه اموال را میان افراد تقسیم کرده، تا مالکیت آنان به حق تعدیل شود و در نتیجه ریشه های فساد قطع گردد، قوانینی که تصرفات بیرون از آن قوانین هر چه باشد باطل است!

« و تدلوا بها الى الحکام لتاكلوا فريقا من اموال الناس! » مجموع آیه کلام واحدی است، که یک غرض را افاده کند و آن نهی از مصالحه ای است که راشی و مرتشی بر سر خوردن مال مردم می کنند و مال مردم را بین خود تقسیم نموده حاکم یک مقدار از آن را که راشی به او می دهد بگیرد و خود راشی هم یک مقدار دیگر را، با اینکه می دانند این مال باطل است و حقی در آن ندارند!

### هدف آیه ۱۸۹ سوره بقره

(۱)

### تعیین ماههای قمری برای شناخت اوقات شرعی و اجرای احکام الهی

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتٌ لِلنَّاسِ وَالْحَيَّجِّ وَ لَيْسَ الْبُرْءَانُ بِأَنْ تَأْتُوا التَّبِئُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبُرْءَانَ مِنَ اتَّقَى وَ أَتُوا التَّبِئُوتَ مِنْ أُبُوبِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ! »

صدر و ذیل آیه شریفه تنها می خواهد یک حکم را بیان کند: این ماهها اوقاتی است که برای اعمال شرعی تعیین شده و تجاوز از آن اوقات به اوقات دیگر جایز نیست مثلا حج را نباید در غیر ماههایش و روزه را در غیر ماه رمضان و سایر وظائف را در غیر موعد مقرر انجام داد، که در این صورت به منزله وارد شدن به خانه است از غیر دروازه آن!

تقطیع و تکه تکه کردن زمان به دو صورت ممکن است، یکی بر حسب حرکت سالیانه زمین به دور خورشید، که از آن چهار فصل درست می شود و یکی هم بر حسب حرکت ماه به دور زمین. چون این تقطیع باید طوری باشد که همه مردم حتی عوام آنان نیز بتوانند به آسانی از حساب آن سردر آورند، لذا ماههای قمری را نام برد، که هر انسان دارای ادراک صحیح و حواس مستقیم آن را می فهمد، چون ماه و طلوع و غروب آن را هر سال دوازده بار مشاهده می کند به خلاف خورشید که برجهایش دیدنی نیست.

پس ماههای قمری اوقاتی هستند که مردم امور دین و دنیای خود را با آن تعیین می کنند و مخصوصا در امور دینی مساله حج را معین می کنند که در ماههای معلومی انجام می شود و اینکه از میان همه عبادات حج را دوباره نام برد، گویا از این جهت بوده که خواسته است زمینه را برای آیات بعدی که حج را به بعضی از ماهها

اختصاص می دهد فراهم سازد .

## هدف آیه ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره

(۱)

### معرفی جهادی که خدا فرمان داده است!

« وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ...! »

سیاق آیات شریفه دلالت دارد بر اینکه همه یکباره و با هم نازل شده و اینکه همه یک غرض را ایفا می کنند و آن عبارت است از فرمان جنگ برای اولین بار با مشرکین مکه!

فعل « یقاتلونکم » معرفی دشمن است. مراد از جمله: «الذین یقاتلونکم!» یعنی کسانی که حالشان حال قتال با مؤمنین است و کسانی که در مکه چنین حالی را داشته اند همان مشرکین مکه بودند .

علاوه بر اینکه آیات پنجگانه همه متعرض بیان یک حکم است ، با حدود و اطرافش و لوازمش به این بیان که جمله: « و قاتلوا فی سبیل الله! » اصل حکم را بیان می کند و جمله: « لا- تعتدوا...! » حکم نامبرده را از نظر انتظام تحدید می کند و جمله « و اقاتلوهم...! » از جهت تشدید آن را تحدید می نماید و جمله: « و لا تقاتلوهم عند المسجد الحرام...! » آن را از جهت مکان و جمله: « و قاتلوهم حتی لا تکن فتنه...! » از جهت زمان و مدت تحدید می نماید و جمله: « الشهر الحرام...! » بیان می کند که این حکم جنبه قصاص در جنگ و آدم کشی و خلاصه معامله به مثل دارد، نه جنگ ابتدائی و تهاجمی و جمله: « و انفقوا...! » مقدمات مالی این قتال را فراهم می کند ، تا مردم برای مجهز شدن انفاق کنند!

پس به نظر نزدیک چنین می رسد که نزول هر پنج آیه در باره یک امر بوده باشد و آن تشریح قتال با مشرکین مکه است که ، سر جنگ با مؤمنین داشتند!

«قتال» به معنای آن است که شخصی قصد کشتن کسی را کند ، که او قصد کشتن وی را دارد و در راه خدا بودن این عمل به این است که غرض تصمیم گیرنده اقامه دین و اعلاای کلمه توحید باشد ، که چنین قتالی عبادت است که باید با نیت انجام شود و آن نیت عبارت است از رضای خدا و تقرب به او ، نه استیلا بر اموال مردم و ناموس آنان .

پس قتال در اسلام جنبه دفاع دارد، اسلام می خواهد به وسیله قتال با کفار از حق قانونی انسان ها دفاع کند، حتی که فطرت سلیم هر انسانی آن را برای انسانیت قائل است!

## هدف آیه ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره



(۱)

**تشریح حج تمتع**

« وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...! »

این آیات در حجه الوداع یعنی آخرین حجی که رسول خدا «ص» انجام داد نازل شده و در آن حج تمتع تشریح شده است .

حج تمتع در سال آخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تشریح شد.

عمل عمره عملی دیگر است و آن عبارت است از رفتن به زیارت خانه کعبه، از مسیر یکی از میقاتها، طواف و نماز آن، سعی بین صفا و مروه و تقصیر.

این حج و عمره دو عبادتند که جز با قصد قربت تمام نمی شوند، به دلیل اینکه فرموده: « و اتموا الحج و العمره لله - حج و عمره را برای خدا تمام کنید...! »

**هدف آیه ۲۰۴ تا ۲۰۷ سوره بقره**

(۲)

**تقسیم انسانها از لحاظ نتایج صفات آنها**

« وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ...! »

این آیات مردم را از حیث نتایج صفاتشان تقسیم می کند ، همچنانکه آیات قبلی یعنی از آیه: « فمن الناس من يقول ربنا آتنا...! » به بعد مردم را از حیث اصل صفاتشان تقسیم می کرد، که یا طالب دنیایند و یا طالب آخرت. آیات مورد بحث از حیث نتیجه دنیاطلبی و عقبی طلبی که در اولی نفاق و در دومی خلوص در ایمان است تقسیم می کند. تناسب این آیات با مساله حج تمتع بر کسی پوشیده نیست .

بعضی از مردمنند که وقتی با تو سخن می گویند ، طوری وانمود می کنند که افرادی حق پرستند ، جانب حق را رعایت می کنند، به صلاح خلق عنایت دارند، پیشرفت دین و امت را می خواهند ، در حالی که دشمن ترین مردم نسبت به حقند و دشمنیشان با حق از هر دشمن دیگر شدیدتر است . این منافق شدید الخصومه وقتی دستش برسد و دارای قدرتی شود و ریاستی به دست آرد ، سعی می کند فساد را در زمین بگستراند.

**هدف آیه ۲۰۸ تا ۲۱۰ سوره بقره**

**ارائه راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

---

۱- المیزان ج : ۲ ص : ۱۰۹

۲- المیزان ج : ۲ ص : ۱۴۲

۳- المیزان ج : ۲ ص : ۱۵۰

عَدُوٌّ مُّبِينٌ...!»

این آیات هفت آیه کامل است، که راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی را بیان می کند و آن این است که مسلمانان داخل در سلم شوند و تنها آن سخنانی که قرآن تجویز کرده بگویند و آن طریقه عملی را که قرآن نشان داده پیش گیرند، که وحدت دینی از بین نمی رود و سعادت دو سرای انسانها رخت بر نمی بندد و هلاکت به سراغ هیچ قومی نمی رود، مگر به خاطر خارج شدن از سلم، و تصرف در آیات خدا و جابجا کردن آنها، که در امت بنی اسرائیل و امتهای گذشته دیگر دیده شد و به زودی نظیر آن هم در این امت جریان خواهد یافت ولی خدای تعالی این امت را وعده نصرت داده و فرموده: «الا ان نصر الله قریب!»

از آنجائی که خطاب به خصوص مؤمنین شده، آن سلمی هم که به سوش دعوت کرده به معنای تسلیم در برابر خدا و رسول شدن است و امری است متعلق به مجموع امت و به فرد فرد آنان، پس هم بر یک یک مؤمنین واجب است و هم بر مجموع آنان، پس سلمی که بدان دعوت شده اند عبارت شد از تسلیم شدن برای خدا، بعد از ایمان به او.

مراد از پیروی خطوات شیطان، پیروی او در تمامی دعوت های او به باطل نیست، بلکه منظور پیروی او است در دعوتهایی که به عنوان دین می کند و باطلی را که اجنبی از دین است زینت داده و در لفافه زیبای دین می پیچد و نام دین بر آن می گذارد و انسانهای جاهل هم بدون دلیل آن را می پذیرند. علامت شیطانی بودن آن این است که خدا و رسول در ضمن تعالیم دینی خود نامی از آن نبرده باشند.

و از خصوصیات سیاق کلام و قیود آن این معنا نیز استفاده می شود، که خطوات شیطان تنها آن گامهایی از شیطان است، که در طریقه و روش پیروی شود و اگر فرض کنیم که این پیروی کننده مؤمن باشد - که طریقه او همان طریقه ایمان است لا جرم طریقه چنین مؤمنی طریقه شیطانی در ایمان است، وقتی بر هر مؤمنی دخول در سلم واجب باشد، قهرا هر طریقی که بدون سلم طی کند خطوات شیطان و پیروی از آن پیروی از خطوات شیطان خواهد بود.

از آیه شریفه استفاده می شود که اسلام تمامی احکام و معارفی را که مورد حاجت بشر است و صلاح مردم را تامین می کند تکفل کرده است!

**هدف آیه ۲۱۱ و ۲۱۲ سوره بقره**

(۱)

**بیان سرنوشت بنی اسرائیل برای عبرت مسلمانان**

«سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَهُمْ مِنْ آيَاتِهِ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا



جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ...!»

می فرماید: این بنی اسرائیل در پیش روی شما هستند، این امتی است که خدای تعالی کتاب و حکم و نبوت و ملکشان داد و از طیبات روزیشان کرد و از سایر امت های معاصرشان برتریشان داده بود، از ایشان پرس که چقدر آیت روشن و معجزات هویدا برایشان فرستادیم، خوب در وضعشان بنگر، که چه بودند و چه شدند؟ و در آخر کلمات را از جایی که داشت تغییر داده و تحریف کردند و به خاطر دشمنی که با هم داشتند در قبال خدا و آیاتش و کتابش اموری دیگر از پیش خود ساختند و خدا به خاطر شرکی که در ایشان پیدا شد به شدیدترین وضعی عقابشان کرد و دچار اختلاف و تشتت آرائشان ساخت، تا یکدیگر را جویدند و آقائیشان از دست برفت و سعادتشان تباه شد و دچار عذاب ذلت و مسکنت در دنیا و عذاب خزی و خواری در آخرت شدند، در حالی که دیگر یآوری نداشتند.

و این سنت جاریه از ناحیه خدای سبحان اختصاص به قومی و ملتی ندارد، هر کس نعمت خدا را تغییر دهد و از مجرایش منحرف کند، خدا عقابش می کند و چقدر شدید العقاب است!

## هدف آیه ۲۱۳ سوره بقره

(۱)

### بیان سبب تشریح اصل دین

« كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اِخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اِخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعِيدٍ مِمَّا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اِخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ! »

این آیه سبب تشریح اصل دین را بیان می کند، که چرا اصلا دینی تشریح شده و مردم مکلف به پیروی آن دین شوند؟ و در نتیجه بینشان اختلاف بیفتد، یک دسته به دین خدا بگروند، دسته ای دیگر کافر شوند.

این معنا را اینطور بیان کرده: که انسان - این موجودی که به حسب فطرتش اجتماعی و تعاونی است - در اولین اجتماعی که تشکیل داد یک امت بود، آنگاه همان فطرتش وادارش کرد تا برای اختصاص دادن منافع به خود با یکدیگر اختلاف کنند، از اینجا احتیاج به وضع قوانین که اختلافات پدید آمده را برطرف سازد پیدا شد و این قوانین لباس دین به خود گرفت و مستلزم بشارت و انذار و ثواب و عقاب گردید و برای اصلاح و تکمیلش لازم شد عباداتی در آن تشریح شود، تا مردم از آن راه تهذیب گردند و به منظور این کار پیامبرانی مبعوث شدند و رفته رفته آن اختلافها در دین راه یافت، بر سر معارف دین و مبدأ و معادش اختلاف کردند و در نتیجه به





وحدت دینی هم خلل وارد شد، شعبه‌ها و حزبها پیدا شد و به تبع اختلاف در دین اختلاف‌هایی دیگر نیز در گرفت. این اختلاف‌ها بعد از تشریح دین به جز دشمنی از خود مردم دین دار هیچ علت دیگری نداشت، چون دین برای حل اختلاف آمده بود، ولی یک عده از در ظلم و طغیان خود دین را هم با اینکه اصول و معارفش روشن بود و حجت را بر آنان تمام کرده بود مایه اختلاف کردند.

پس در نتیجه اختلاف‌ها دو قسم شد، یکی اختلاف در دین که منشاش ستمگری و طغیان بود، یکی دیگر اختلافی که منشاش فطرت و غریزه بشری بود، اختلاف دومی که همان اختلاف در امر دنیا باشد باعث تشریح دین شد و خدا به وسیله دین خود، عده‌ای را به سوی حق هدایت کرد و حق را که در آن اختلاف می‌کردند روشن ساخت و خدا هر کس را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند.

پس دین الهی تنها و تنها وسیله سعادت برای نوع بشر است و یگانه عاملی است که حیات بشر را اصلاح می‌کند، چون فطرت را با فطرت اصلاح می‌کند و قوای مختلف فطرت را در هنگام کوران و طغیان تعدیل نموده، برای انسان رشته سعادت زندگی در دنیا و آخرتش را منظم و راه مادیت و معنویتش را هموار می‌نماید، این بود یک تاریخ اجمالی از حیات اجتماعی و دینی نوع انسان، اجمالی که از آیه شریفه مورد بحث استفاده می‌شود و اگر آن را به تفصیل بیان نکرد، در حقیقت به تفصیلی که در سایر آیات آمده اکتفا نموده است.

## هدف آیه ۲۱۴ سوره بقره

(۱)

### بیان لزوم تسلیم انسانها در برابر نعمت دین

« أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبُ الْأَسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ! »

« ام حسبتم ان تدخلوا الجنة...! » در این جمله آنچه را که آیات سابق بر آن دلالت می‌کرد تثبیت می‌کند و آن این بود که دین یک نوع هدایت خدائی است، برای مردم هدایتی است به سوی سعادتشان در دنیا و آخرت و نعمتی است که خداوند بشر را به آن اختصاص داده است.

پس بر انسانها واجب است در برابر آن تسلیم شوند و با وجود آن دیگر گامهای شیطان را پیروی نکنند و در این هدایت اختلاف نیندازند و دوا را به صورت دردی جدید در نیاورند و بوسیله پیروی هوا و به طمع زخرف دنیا نعمت خدای

سبحان را با کفر و عذاب معاوضه نمایند که اگر چنین کنند غضبی از ناحیه پروردگارشان به ایشان می رسد ، همانطوری که به بنی اسرائیل رسید ، چون آنها هم نعمت پروردگار را بعد از آنکه در اختیارشان قرار گرفت تغییر دادند آری خدا با بنی اسرائیل عداوت خاصی نداشت ، این سنت دائمی خدا است که فتنه ها پیش آورد و احدی از مردم به سعادت دین و قرب رب العالمین نمی رسد مگر با ثبات و تسلیم .

## هدف آیه ۲۱۵ سوره بقره

(۱)

### بیان محل استفاده و مصرف وجوه انفاق

« يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ! »

این آیه سؤال و جوابی است که جواب آن طبق اسلوب حکمت داده شده ، برای اینکه سؤال از جنس و نوع انفاقات کرده اند ، که از چه جنسی و چه نوعی انفاق کنند و این سؤال بی شباهت به لغو نیست ، برای اینکه هر کسی می داند که انفاق با چه چیز انجام می شود ( با انواع مال!) پس جا داشت پرسند به چه کسی انفاق کنیم ، و بهمین جهت سؤال ایشان را پاسخ نداده ، جواب را از سؤال صحیحی داد که آنها نکرده بودند ، یعنی بیان حال و انواع کسانی که باید به ایشان انفاق کرد ، تا هم جوابی داده باشد و هم تعلیمشان کرده باشد که چگونه سؤال کنند .

آیه شریفه در عین حال جنس مورد انفاق را هم بیان کرده و با دو جمله بطور اجمال متعرض آن نیز شده ، اول با کلمه: « من خیر! » و دوم با جمله: « و ما تفعلوا من خیر فان الله به علیم! » پس آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه آن چیزی که باید انفاق شود مال است ، حال هر چه می خواهد باشد ، چه کم و چه زیاد و اینکه این عمل عمل خیری است و خدا بدان آگاه است و لیکن ایشان باید می پرسیدند به چه کسی انفاق کنند و مستحق انفاق را بشناسند. مستحقین انفاق عبارتند از والدین ، اقربا ، ایتم ، مساکین و ابن السبیل .

## هدف آیه ۲۱۶ تا ۲۱۸ سوره بقره

(۲)

### بیان وجوب جهاد و دفاع بر همه مسلمانان

« كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ...! »

این آیات دلالت دارند بر اینکه جنگ و قتال بر تمامی مؤمنین واجب است، چون خطاب متوجه مؤمنین شده، مگر کسانی که دلیل آنها را استثنا کرده باشد، مانند آیه: «لیس علی الاعمی حرج و لا علی الاعرج حرج و لا علی المریض حرج...!» و

---

۱- المیزان ج: ۲ ص: ۲۳۹

۲- المیزان ج: ۲ ص: ۲۴۵

آیات و ادله دیگر .

## هدف آیه ۲۱۹ و ۲۲۰ سوره بقره

(۱)

### تحریم تدریجی می گساری توسط شارع اسلام

« يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ...! »

قبل از ظهور دین مقدس اسلام یکی از این عادات زشت و شایع در بین مردم می گساری بود، که شارع اسلام به تدریج تحریم آن را شروع کرد. این مطلب با تدبیر در آیات مربوط به این تحریم که می بینیم چهار بار نازل شده کاملاً به چشم می خورد. بار اول فرموده: " قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ، وَ الْبَاطِنُ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ...! " (۳۲/اعراف) و این آیه در مکه نازل شده، و بطور کلی هر عملی را مصداق اثم باشد تحریم کرده و دیگر فرموده که شرب خمر هم مصداق اثم است و اینکه در آن اثمی کبیر است. احتمالاً این همان جهت است خواسته است رعایت سهولت و ارفاق را کرده باشد، چون سکوت از اینکه شراب هم اثم است خود نوعی اغماض است، هم چنان که آیه شریفه: " وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا...! " (۶۷/نحل) نیز اشاره به این اغماض دارد (چون شراب را در مقابل رزق نیکو قرار داده) و گویا مردم با اینکه صراحتاً بفرماید شراب حرمتی بزرگ دارد، دست بردار نبودند، تا آنکه آیه شریفه: " لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى! " (۴۲/نسا) در مدینه نازل شد و تنها از می گساری در بهترین حالات انسان و در بهترین اماکن یعنی نماز در مسجد نهی کرده است. سپس آیه سوره بقره که مورد بحث ما است نازل شد و فرمود: " يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ، قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ، وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا " و این آیه بعد از آیه سوره نسا نازل شد و دلالت بر تحریم هم دارد، برای اینکه در اینجا تصریح می کند بر اینکه شرب خمر اثم است و در سوره اعراف بطور صریح بیان می کند که هر چه مصداق اثم باشد خدا از آن نهی کرده است.

آن گاه دو آیه سوره مائده نازل شد، و فرمود: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ، فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ! إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعِدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ، وَ يَصِدِّدْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ، فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ " (۹۰ و ۹۱/مائده)

از ذیل این دو آیه بر می آید که مسلمانان بعد از شنیدن آیه سوره بقره هنوز از می گساری دست بردار نبودند، و به کلی آن را ترک نکرده بودند، تا این دو آیه نازل شد، و در آخرش فرمود حالا دیگر دست بر می دارید یا خیر؟.

## هدف آیه ۲۲۱ سوره بقره



(۱)

**نهی ازدواج با زن و مرد بت پرست**

« وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِيْنَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوْا وَ لَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِيْنَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوْا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ اَعْجَبَكُمْ اُولٰٓئِكَ يَدْعُوْنَ اِلَى النَّارِ وَ اللّٰهُ يَدْعُوْا اِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِاِذْنِهٖ وَ يُبَيِّنُ اٰيٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ! »

ظاهر آیه شریفه که می فرماید: « و لا تنکحوا المشرکات...! » تنها می خواهد ازدواج با زن و مرد بت پرست را تحریم کند ، نه ازدواج با اهل کتاب را .

**هدف آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره**

(۲)

**بیان برخی احکام زناشویی**

« وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ اَذَى فَاَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَاِذَا تَطَهَّرْنَ فَاْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ اَمَرَكُمُ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِيْنَ! نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاْتُوا حَرْثَكُمْ اَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لَانَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ اعْلَمُوْا اَنَّكُمْ مُّلاَقُوْهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ! »

اسلام در مساله حیض زنان راه وسط را اتخاذ کرده، راهی میانه در بین تشدید تمامی که یهود اتخاذ کرده و در بین اهمال مطلقى که نصارا پیش گرفته اند و آن راه میانه این است که مردان در هنگام عادت زنان از محل ترشح خون نزدیکی نکنند و تمتعات غیر این را می توانند ببرند.

جمله: « فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ! » بطور کنایه می فهماند: بعد از پاک شدن و یا غسل کردن زن، نزدیکی کردن با او جایز است. این ادبی است الهی و لایق به قرآن کریم! و اگر امر نامبرده را مقید کرد به قید «أَمَرَكُمُ اللَّهُ!» برای این بود که آن ادب را تکمیل کرده باشد چون عمل جماع در نظر بدوی امری است لغو و لهو، لذا آن را مقید کرد به امر خدا و با این قید از اموری قرارش داد که خدا تکویناً به آن امر کرده، تا دلالت کند بر اینکه جماع یکی از اموری است که تمامیت نظام نوع انسانی هم در حیاتش و هم در بقایش منوط به آن است، پس سزاوار نیست چنین امری را بازیچه قرار داد، بلکه باید از دیدگاه یکی از اصول نوامیس تکوینیش نظر کرد.

" نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ، فَأْتُوا حَرْثَكُمْ اَنَّى شِئْتُمْ! "

حاصل کلام در معنای آیه این است که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار است به انسان کشت کار، همانطور که

کشتزار برای بقای بذر لازم است و اگر نباشد بذرها به کلی نابود می شود و دیگر غذایی برای حفظ حیات و ابقای آن

---

۱- المیزان ج : ۲ ص : ۳۰۲

۲- المیزان ج : ۲ ص : ۳۱۰



نمی ماند، همچنین اگر زنان نباشند نوع انسانی دوام نمی یابد و نسلش قطع می شود!

مراد از اینکه فرمود: "قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ...!" تقدیم عمل صالح و تقدیم اولاد به این امید است که اولاد نیز افرادی صالح برای جامعه باشند، و مراد از جمله: "وَ اتَّقُوا اللَّهَ..." تقوا به صورت عمل صالح در خصوص نزدیکی با حرث است و خلاصه می خواهد بفرماید در نزدیکی با زنان از حدود خدا تعدی نکنید و پاس حرمت خدا را بدارید و محارم خدا را هتک نکنید و مراد از جمله: "وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ..." تشویق به تقوا و شکافتن معنای آن است، می فرماید از روز لقای الله و سوء حساب بترسید!

### هدف آیه ۲۲۴ تا ۲۲۷ سوره بقره

(۱)

#### بیان حکم سوگند اعتزال و اجتناب از سوگندهای لغو

« وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...! »

هر کس سوگند بخورد که دیگر به همسرش نزدیک نشود، حاکم شرع چهار ماه صبر می کند، اگر برگشت و حق همسرش را ادا کرد، یعنی با او هم بستری نمود و کفاره شکستن قسم خود را داد، که او را عقاب نمی کند و اگر تصمیم گرفت طلاقش دهد و طلاقش داد که باز عقابی ندارد چون طلاق هم گریزگاه دیگری است از عقاب، و خدای شنوای دانا است!

### هدف آیه ۲۲۸ تا ۲۴۲ سوره بقره

(۲)

#### بیان احکام طلاق و نگهداشتن عده و شیردادن فرزند

« وَ الْمُطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُعْرَفْنَ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكِ إِنْ أَرَادُوا إِضْوَاحًا وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ...! »

این آیات در باره احکام طلاق و عده و شیر دادن زن مطلقه به فرزند خود و در خلالش بعضی از احکام نماز است.

### هدف آیه ۲۴۳ سوره بقره

(۳)

## بیان سرگذشت جمعیتی زنده شده بعد از مرگ

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَغَدُورٌ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ! »

این آیه بدون مناسبت با آیات بعدی خود که متعرض فریضه قتال است

---

۱- المیزان ج : ۲ ص : ۳۳۱

۲- المیزان ج : ۲ ص : ۳۴۲

۳- المیزان ج : ۲ ص : ۴۲۱

نیست، چون قتال نیز باعث می شود که مردمی بعد از مردن زنده شوند.

امر در این آیه شریفه، امر تکوینی است و منافاتی ندارد که مرگ این گروه از مجرای طبیعی واقع شده باشد و جمله: «ثم احیاهم!» تا حدی دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی زنده شان کرده تا زندگی کنند و بعد از زنده شدن مدتی زندگی کرده اند. جمله بعدش هم که می فرماید: «ان الله لذو فضل علی الناس...!» اشعاری بر این معنا دارد، چون زنده کردن وقتی فضل می شود که زنده شده چند صباح دیگر زنده بماند!

## هدف آیه ۲۴۴ تا ۲۵۲ سوره بقره

(۱)

### بیان تاثیر جنگ و دفاع در حیات دینی

« وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...! »

اتصال روشنی که در بین این آیات به چشم می خورد، ارتباطی که میان مساله قتال و مساله ترغیب در قرض الحسنه و نیز ارتباطی که میان این دو مساله با سرگذشت طالوت و داود و جالوت هست، این نکته را به ما می فهماند که این آیات یک باره نازل شده و منظور از آن، بیان دخالتی است که قتال در شؤون حیات و پدید آوردن روحیه پیشرفت امت در حیات دینی و دنیائیش دارد و اهل قتال را به سعادت حقیقتشان می رساند .

آری، خدای سبحان در این آیات فریضه جهاد را بیان نموده و مردم را دعوت می کند به اینکه در تجهیز یکدیگر و فراهم نمودن نفرات و تجهیزات، انفاق کنند و اگر این انفاق را قرض دادن به خدا خوانده، چون انفاق در راه خدا است، علاوه بر اینکه این تعبیر هم تعبیری است سلیس و هم مشعر به قرب خدا، می فهماند انفاق کنندگان نزدیک به خدا هستند بطوری که با او دادوستد دارند .

آنگاه داستان طالوت و جالوت و داود را خاطر نشان می کند، تا مؤمنین که مامور به قتال با دشمنان دین هستند عبرت بگیرند و بدانند که حکومت و غلبه همواره از آن ایمان و تقوا است، هر چند که دارندگان آن کم باشند و خواری و نابودی از آن نفاق و فسق است، هر چند که صاحبانش بسیار باشند، برای اینکه بنی اسرائیل که این داستان مربوط به ایشان است مادام که در کنج خمود و کسالت و سستی خزیده بودند مردمی ذلیل و تو سری خور بودند، همینکه قیام کرده و در راه خدا کارزار نمودند، کلمه حق را پشتیبان خود قرار دادند، هر چند که افراد صادق ایشان در این دعوی اندک بودند و اکثرشان وقتی جنگ حتمی شد فرار کردند، دوم اینکه سر اعتراض بر طالوت را باز نمودند، سوم اینکه، از آن نهی که مامور بودند

نوشند، نوشیدند، چهارم اینکه، به طالوت گفتند ما حریف جالوت و لشگر او نمی شویم ولی مع ذلک خدا یاریشان کرد و بر دشمن پیرویشان داد و دشمن را به اذن خدا فراری دادند و داوود، جالوت را به قتل رساند و ملک و سلطنت در بنی اسرائیل مستقر گردید و حیات از دست رفته آنان دو باره به ایشان بازگشت و بار دیگر سیادت و قوت خود را باز یافتند.

همه این موفقیت ها جز به خاطر آن کلامی که ایمان و تقوا به زبانشان انداخت نبود و آن کلام این بود که وقتی با جالوت و لشگرش برخوردند گفتند:

«ربنا افرغ علينا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین!»

این ماجرا عبرتی است که اگر همه مؤمنینی که در هر عصر می آیند آن را نصب العین خود قرار داده و راه گذشتگان صالح را پیش بگیرند، بر دشمنان خود غلبه خواهند کرد، البته مادام که مؤمن باشند.

## هدف آیه ۲۵۳ و ۲۵۴ سوره بقره

(۱)

### بیان دلایل جنگ و اختلاف در امت رسولان بعد از آنان

«تَلَمَّكَ الرَّسُلُ فَضَلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضُهُمْ دَرَجَاتٍ وَ ءَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْتَ وَ أَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتُلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَ لَكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَ مِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتُلُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ...!»

سیاق این دو آیه خیلی از سیاق آیات قبل که امر به جهاد و تشویق به انفاق می کرد دور نیست، چون در آخر آن آیات، داستان جنگ طالوت را آورده تا مؤمنین از آن عبرت بگیرند و آن قصه با جمله: «و انک لمن المرسلین...!» خاتمه یافت و دو آیه مورد بحث هم با جمله: «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض!» آغاز شده و سپس به مساله جنگ در امتهای انبیای بعد از آن حضرات بر می گردد.

و نیز در داستان قبلی یعنی قصه طالوت می فرمود: «الم تر الى الملا- من بنی اسرائیل من بعد موسی ...!» و قید: «من بعد موسی»، را ذکر نموده، دو باره به دعوت و تشویق به انفاق برگشت و فرمود: انفاق کنید قبل از اینکه روزی فرا رسد که ... پس همه اینها این احتمال را تایید می کند که دو آیه مورد بحث، ذیل آیات سابق بوده و همه با هم نازل شده اند.

و سخن کوتاه آنکه: آیه شریفه، در مقام رد و دفع توهمی است که چه بسا به ذهن برسد و آن توهم این است که رسالت، خصوصا از این جهت که همراه با معجزاتی روشن است که بر حقانیت آن دلالت می کند، باید بالای جنگ های خانمان



برانداز را از بین ببرد ، نه اینکه خود رسالت ، آتش جنگ را برافروزد ، حال یا از این جهت باید از بین ببرد که غرض خدای سبحان از ارسال رسولان و دادن معجزات به ایشان ، این است که مردم را به سوی سعادت دنیوی و اخرویشان هدایت کند ، پس برای بدست آمدن این غرض ، باید آنان را از قتال باز داشته ، دیگر اجازه چنین عملی را ندهد و همه را در راه هدایت جمع و متحد سازد و حال آنکه می بینیم بعد از انبیا باز هم جنگ ها و مشاجرات در میان امت های آنان ادامه دارد و مخصوصا بعد از انتشار دعوت اسلام که اتحاد و اتفاق از ارکان و اصول احکام و قوانین آن است ، چرا باید هنوز این درگیری ها در این امت پدید آید ؟

و یا از این جهت باید از بین ببرد که مگر غیر از این است که فرستادن رسولان و آوردن معجزات روشن ، برای دعوت به سوی حق است و برای این است که ایمان در دلها پدید آید؟ ایمان هم از صفات قلب است و نمی شود آن را با زور در دلها ایجاد کرد، پس فایده قتال چیست؟ و بعد از استقرار نبوت و پا گرفتن دعوت دینی دیگر جنگ چه معنا دارد ؟

در آیه مورد بحث، خدای تعالی چنین پاسخ می دهد که قتال معلول اختلافی است که امتهای خودشان پدید می آورند، چون اگر اختلافی نباشد کار اجتماعات به جنگ نمی کشد .

پس علت به وجود آمدن جنگها در بین مردم ، اختلاف آنان است و اگر خدا می خواست، یا به کلی نمی گذاشت اختلافی پدید آید و در نتیجه ، جنگ هم پدید نمی آمد و یا بعد از پیدا شدن این علت آن را خنثی می کرد، لیکن خدای سبحان آنچه را که ما می خواهیم ، انجام نمی دهد چون تابع خواست ما نیست ، او هر چه بخواهد می کند و یکی از چیزهایی را که خواسته ، این است که جلوی علت ها را نگیرد و امور عالم طبق سنت العلیل و الاسباب جریان یابد ، این اجمال و خلاصه پاسخی است که از آیه استفاده می شود!

## هدف آیه ۲۵۵ سوره بقره

(۱)

### بیان وحدانیت خدا در الوهیت، قیومیت، مالکیت و انحصار شفاعت

« اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ! »

حاصل آن معنایی که از آیه استفاده می شود این است که خدای تعالی که

هیچ معبودی به جز او نیست، تمام حیات و زندگی مال اوست و او قیومیتی مطلق دارد، قیومیتی که هیچ عاملی آن را دستخوش ضعف و سستی نمی سازد و به همین جهت وقتی می خواهد این معنا را تعلیل کند با دو نام مقدس "علی" و "عظیم" تعلیل می کند و می فهماند که خدا به خاطر علو مقامی که دارا است مخلوقات به او نمی رسند تا به وسیله ای در وجود او سستی و در کار او ضعفی پدید آورند و به خاطر عظمتش از کثرت مخلوقات به تنگ نیامده و عظمت آسمانها و زمین طاقتش را طاق نمی سازد، و جمله: " وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ !" خالی از دلالت بر حصر نیست و تا حدی از آن بر می آید که می خواهد علو و عظمت را منحصر در خدا کند و این حصر، یا حصر حقیقی است که حق هم همین است، برای اینکه علو و عظمت، خود از کمالات است و حقیقت هر کمالی از آن او است و یا حصری ادعایی است، که چون مقام، مقام تعلیل بود احتیاج پیدا شد که بطور ادعا، علو و عظمت را منحصر در خدا کند، تا آسمانها و زمین در قبال علو و عظمت خدای تعالی از علو و عظمت ساقط شود.

در این آیه شریفه چند صفت از صفات خدای سبحان ذکر شده: ۱- اینکه معبودی جز او نیست، ۲- اینکه او حی و قیوم است، ۳- اینکه هیچ عاملی از قبیل چرت و خواب با تسلط خود، قیومیت او را از کار نمی اندازد، ۴- اینکه او مالک آنچه در آسمانها و زمین است می باشد، ۵- اینکه کسی بدون اذن او حق شفاعت در درگاه او ندارد!

در ذکر این صفات رعایت ترتیب شده است، نخست وحدانیت خدا در الوهیت آمده و بعد قیومیت او، چون قیومیت بدون توحید تمام نمی شود و سپس مساله مالکیت او نسبت به آسمانها و زمین را آورد تا تمامیت قیومیت او را برساند، چون قیومیت وقتی تمام است که صاحب آن مالک حقیقی آسمانها و زمین و موجودات بین آن دو باشد.

## هدف آیه ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره

(۱)

### نفی دین اجباری

« لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطُّغُوتِ وَ يُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...! »

این آیه شریفه یکی از آیاتی است که دلالت می کند بر اینکه مبنا و اساس دین اسلام شمشیر و خون نیست و اکراه و زور را تجویز نکرده ، پس سست بودن سخن عده ای از آنها که خود را دانشمند دانسته ، یا متدین به ادیان دیگر هستند و یا به هیچ دیانتی متدین نیستند و گفته اند که: اسلام دین شمشیر است و به مساله

جهاد که یکی از ارکان این دین است استدلال نموده اند، معلوم می شود!

در جمله: «لا-اکراه فی الدین!» دین اجباری نفی شده است، چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از اعتقادات، اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد، چون کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است، که عبارت است از حرکاتی مادی و بدنی و اما اعتقاد قلبی برای خود، علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد و محال است که مثلاً جهل، علم را نتیجه دهد و یا مقدمات غیر علمی، تصدیقی علمی را بزاید.

خدای تعالی دنبال جمله: «لا اکراه فی الدین!» جمله: «قد تبین الرشد من الغی!» را آورده، تا جمله اول را تعلیل کند و بفرماید که چرا در دین اکراه نیست، حاصل تعلیل این است که اکراه و اجبار - که معمولاً از قوی نسبت به ضعیف سر می زند - وقتی مورد حاجت قرار می گیرد که قوی و ما فوق (البته به شرط اینکه حکیم و عاقل باشد و بخواهد ضعیف را تربیت کند)، مقصد مهمی در نظر داشته باشد، که نتواند فلسفه آن را به زیر دست خود بفهماند (حال یا فهم زیر دست قاصر از درک آن است و یا اینکه علت دیگری در کار است)، ناگزیر متوسل به اکراه می شود و یا به زیر دست دستور می دهد که کورانه از او تقلید کند و ... و اما امور مهمی که خوبی و بدی و خیر و شر آنها واضح است و حتی آثار سوء و آثار خیری هم که به دنبال دارند، معلوم است، در چنین جایی نیازی به اکراه نخواهد بود، بلکه خود انسان یکی از دو طرف خیر و شر را انتخاب کرده و عاقبت آن را هم (چه خوب و چه بد)، می پذیرد و دین از این قبیل امور است، چون حقایق آن روشن و راه آن با بیانات الهیه واضح است و سنت نبویه هم آن بیانات را روشن تر کرده پس معنی رشد و غی روشن شده و معلوم می گردد که رشد در پیروی دین و غی در ترک دین و روگردانی از آن است، بنابراین دیگر علت ندارد که کسی را بر دین اکراه کنند.

و آن قتال و جهادی که اسلام مسلمانان را به سوی آن خوانده، قتال و جهاد به ملاک زورمداری نیست، نخواستار است با زور و اکراه دین را گسترش داده و آن را در قلب تعداد بیشتری از مردم رسوخ دهد، بلکه به ملاک حق مداری است و اسلام به این جهت جهاد را رکن شمرده تا حق را زنده کرده و از نفیس ترین سرمایه های فطرت یعنی توحید دفاع کند و اما بعد از آنکه توحید در بین مردم گسترش یافت و همه به آن گردن نهادند، هر چند آن دین، دین اسلام نباشد، بلکه دین یهود یا نصارا باشد، دیگر اسلام اجازه نمی دهد مسلمانی با یک موحد دیگری نزاع و جدال



کند!

به عبارتی دیگر در آیه شریفه، جمله: «لا اکراه فی الدین!» اینطور تعلیل می شود که چون حق روشن است، بنا بر این قبولاندن حق روشن، اکراه نمی خواهد!

### هدف آیه ۲۵۸ تا ۲۶۰ سوره بقره

(۱)

#### بیان معنای توحید

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ...! »

این آیات در بر دارنده معنای توحید است و بهمین جهت بی ارتباط با آیات قبل نیست و احتمال دارد با همان آیات یکجا نازل شده باشد. این کسی که با ابراهیم در خصوص پروردگار ابراهیم بحث و محاجه می کرده پادشاه معاصر او یعنی نمرود بود و بنا به گفته تاریخ و روایات یکی از سلاطین بابل قدیم بوده است.

### هدف آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره بقره

(۲)

#### نشان دادن اهمیت انفاق و مورد و محل مصرف آن

« مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبْتَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ...! »

سیاق این آیات از این جهت که همه در باره انفاق است و مضامین آنها به یکدیگر ارتباط دارد این را می فهماند که همه یک باره نازل شده و این آیات مؤمنین را تحریک و تشویق به انفاق در راه خدا می کند.

نخست برای زیاد شدن و برکت مالی که انفاق می کنند مثلی می زند، که یک درهم آن هفتصد درهم می شود و چه بسا که خدا بیشترش هم می کند. سپس برای انفاق ریائی و غیر خدائی مثلی می آورد تا بفهماند که چنین انفاقی برکت و بهره ای ندارد! در مرحله سوم مسلمانان را از انفاق با منت و اذیت نهی می کند، زیرا که منت و اذیت اثر آن را خنثی می کند و اجر عظیمش را حبط نموده و از بین می برد! سپس دستور می دهد که از مال پاکیزه خود انفاق کنند، نه اینکه از جهت بخل و تنگ نظری هر مال ناپاک و دور انداختنی را در راه خدا بدهند!

آنگاه موردی را که باید مال در آن مورد انفاق شود ذکر می کند که عبارت است از فقرائی که در راه خدا از هستی ساقط

شده اند! در آخر اجر عظیمی که این انفاق نزد خدای تعالی دارد بیان می کند .

---

۱- المیزان ج : ۲ ص : ۵۳۱

۲- المیزان ج : ۲ ص : ۵۸۴

و سخن کوتاه اینک: آیات مورد بحث، مردم را دعوت به انفاق می کند و در مرحله اول، جهت این دعوت و غرضی را که در آن است بیان نموده و می فرماید: هدف از این کار باید خدا باشد نه مردم، در مرحله دوم صورت عمل و کیفیت آن را تبیین کرده که باید منت و اذیت به دنبال نداشته باشد، در مرحله سوم وضع آن مال را بیان می کند که باید طیب باشد نه خبیث، در مرحله چهارم مورد آن را که باید فقیری باشد که در راه خدا فقیر شده و در مرحله پنجم اجر عظیمی که در دنیا و آخرت دارد بیان نموده است.

### هدف آیه ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره

(۱)

#### نشان دادن اثر سوء ربا در از هم پاشیده شدن جامعه

« الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمِنَ حَيَاةٍ مِوْعِظَةٍ مِّن رَّبِّهِ فَآتَتْهُيَ فَلَهُ مِمَّا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمِنَ عِبَادَ فَأَوْلَتْكَ أَصْحَابَ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ...! »

این آیات در مقام تاکید حرمت ربا و تشدید بر رباخواران است، نه اینکه بخواهد ابتداء ربا را حرام کند، چون لحن تشریح لحن دیگر است، آن آیه ای که می توان گفت حرمت ربا را تشریح کرده آیه زیر است که می فرماید: « یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا الربوا اضعافا مضاعفه و اتقوا الله لعلکم تفلحون! »

از سیاق آیه بر می آید مسلمانان از آیه سوره آل عمران که ایشان را نهی می کرده منتهی نشده بودند و از ربا خواری دست برداشته بودند و بلکه تا اندازه ای همچنان در بینشان معمول بود، لذا خدای سبحان در این سوره نیز برای بار دوم به آنان دستور می دهد که از ربا خواری دست بردارند و آنچه از ربا که در ذمه بدهکاران مانده نگرفته و مطالبه نمایند!

قبل از آنکه آیه سوره آل عمران نازل شود سوره روم نازل شده بود، چون سوره روم در مکه نازل شده، در آنجا می فرماید: « و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند الله و ما آتیتم من زکوه تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون! » از اینجا این معنا روشن می شود که مساله ربا خواری از همان اوائل بعثت رسول خدا و قبل از هجرت عملی منفور بود، تا آنکه در آیه سوره آل عمران صریحا تحریم و سپس در آیه سوره بقره (یعنی همین آیات مورد بحث)، در باره آن تشدید شده است.

علاوه بر اینکه حرمت ربا بنا به حکایت قرآن کریم در بین یهود معروف بوده،

چون قرآن کریم می فرماید: « و اخذهم الربوا و قد نهوا عنه...» و نیز آیه ای که قرآن مجید از یهودیان ، نقل می کند که می گفتند: « لیس علینا فی الامین سبیل!» اشاره ای به این معنا دارد با در نظر گرفتن اینکه قرآن کریم کتاب یهود را تصدیق کرده و در مورد ربا نسخ روشنی ننموده ، دلالت دارد بر اینکه ربا در اسلام حرام بوده است .

و این آیات یعنی آیات مورد بحث با آیات قبلش که در باره انفاق است، بی ارتباط نیست ، همچنانکه از جمله: « یمحق الله الربوا و یریبی الصدقات!» و جمله: « و ان تصدقوا خیر لکم!» که در ضمن این آیات آمده ، این ارتباط فهمیده می شود همچنانکه در سوره روم و آل عمران نیز مساله ربا مقارن با مساله انفاق و صدقه واقع شده است بعلاوه دقت در آیات نیز این ارتباط را تایید می کند زیرا ربا خواری درست ضد و مقابل انفاق و صدقه است ، چون ربا خوار ، پول بلا عوض می گیرد و انفاق گر پول بلاعوض می دهد و نیز آثار سوئی که بر ربا خواری بار می شود درست مقابل آثار نیکی است که از صدقه و انفاق به دست می آید، آن ، اختلاف طبقاتی و دشمنی می آورد و این بر رحمت و محبت می افزاید ، آن خون مسکینان را به شیشه می گیرد و این باعث قوام زندگی محتاجان و مسکینان می شود آن اختلاف در نظام و نا امنی می آورد و این انتظام در امور و امنیت .

خدای سبحان در این آیات در امر ربا خواری شدتی به کار برده که در باره هیچ یک از فروع دین این شدت را به کار نبرده است مگر یک مورد که سخت گیری در آن نظیر سخت گیری در امر ربا است ، و آن این است که : مسلمانان ، دشمنان دین را بر خود حاکم سازند و اما بقیه گناهان کبیره هر چند قرآن کریم مخالفت خود را با آنها اعلام نموده و در امر آنها سخت گیری هم کرده و لیکن لحن کلام خدا ملایم تر از مساله ربا و حکومت دادن دشمنان خدا بر جامعه اسلامی است و حتی لحن قرآن در مورد زنا و شرب خمر و قمار و ظلم و گناهانی بزرگتر از این ، چون کشتن افراد بی گناه ، ملایمتر از این دو گناه است .

و این نیست مگر برای اینکه فساد آن گناهان از یک نفر و یا چند نفر تجاوز نمی کند و آثار شومش تنها به بعضی از ابعاد زندگانی را در بر می گیرد و آن عبارت است از فساد ظاهر اجتماع و اعمال ظاهری افراد ، به خلاف ربا و حکومت بی دینان که آثار سوئش بنیان دین را منهدم می سازد و آثارش را به کلی از بین می برد و نظام حیات را تباہ می سازد و پرده ای بر روی فطرت انسانی می افکند و حکم فطرت را ساقط می کند و دین را به دست فراموشی می سپارد!

جریان تاریخ نیز این نظریه قرآن را تصدیق کرده و شهادت می دهد که امت اسلام از اوج عزت به پائین ترین درجه ذلت نیفتاد و مجد و شرفش به غارت نرفت و فاقد مال و عرض و جان خود نشد، مگر وقتی که در امر دین خود سهل انگاری کرد و دشمنان دین را دوست خود گرفته ، زمام امر حکومت خود را به دست ایشان سپرد و کارش به جایی رسید که نه مالک مرگ خود بود و نه مالک زندگی اش ، نه اجازه می یافت تا بمیرد و نه فرصت پیدا می کرد تا از مواهب و نعمتهای زندگانی برخوردار گردد ، لذا دین از میان مسلمانان رخت بر بست و فضائل نفسانی از میان آنان کوچ نمود .

رباخواران به جمع کردن اموال و انباشتن ثروت پرداختند و در راه به دست آوردن جاه و مقام با یکدیگر مسابقه گذاشتند و همین باعث به راه افتادن جنگهای جهانی شد و جمعیت دنیا به دو دسته تقسیم گردیده و رو بروی هم ایستادند ، یک طرف ثروتمندان مرفه و طرف دیگر استثمار شدگان بدبختی که همه چیزشان به غارت رفته بود و این جنگهای جهانی بلائی شد که کوهها را از جای کند و زلزله در زمین افکند انسانیت را تهدید به فنا کرد و دنیا را به ویرانه ای تبدیل نمود:

« ثم کان عاقبه الذین اساؤا السوآی! »

آری عاقبت کسانی که بد کردند همان بدی بود!

آنچه قرآن کریم در باب رباخواری و سرپرستی دشمنان دین فرموده از پیشگویی های قرآن است!

## هدف آیه ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره

(۱)

### بیان اصول احکام قرض و رهن و مسائل مربوط به آن

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ...! »

این دو آیه دلالت دارند بر قریب بیست حکم از اصول احکام قرض و رهن و غیر آن دو.

## هدف آیه ۲۸۴ سوره بقره

(۲)

### بیان احاطه خدا به انسانها و نیات و اعمال آنها

« لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِى الْاَرْضِ وَ اِنْ تُتٰىدُوا مَا فِى اَنْفُسِكُمْ اَوْ تُخَفُوْهُ يُحٰسِبْكُمْ بِهٖ اللّٰهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَاءُ وَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ! »

می خواهد بفرماید آنچه در آسمانها و زمین است، که از آن جمله، شما انسانها و اعمال شما است و آنچه که دلهای شما کسب می کند همه و همه ملک خدا است و

---

۱- المیزان ج : ۲ ص : ۶۶۶

۲- المیزان ج : ۲ ص : ۶۷۰

خدا محیط به شما و مسلط و مشرف بر اعمال شما است و برای او هیچ تفاوتی ندارد که شما اعمالتان را علنی انجام دهید و یا پنهانی، هر جور انجام دهید، خداوند شما را به آن محاسبه می کند!

## هدف آیه ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره

(۱)

### خلاصه هدف سوره بقره: ایمان به خدا، ملائکه، کتب آسمانی و رسولان

«ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ! لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ!»

گفتار در این دو آیه خلاصه مطالبی است که غرض خود سوره بقره بود و آن بیان این معنا است که حق عبادت خدای تعالی این است که عبد، به تمامی آنچه او به زبان پیامبرانش بر بندگانش نازل کرده ایمان آورد، بدون اینکه میان پیامبران او فرقی بگذارند و این غرض، همان غرضی است که آیه اولی تا کلمه: «من رسله» ایفا نموده و در سوره قصص هم مخالف این دستور را از بنی اسرائیل حکایت می کند که با اینکه انواعی از نعمت ها از قبیل کتاب و نبوت و ملک و غیر آن را به ایشان داده بود، آنان این نعمت ها را با عصیان و تمرد و شکستن میثاقها و کفر، تلافی کردند. این همان معنایی است که ذیل آیه اول و همه آیه دوم به آن اشاره نموده، می فرماید: باید بندگان برای اجتناب از آنها به خدا پناه ببرند، بنا بر این، آخر آیه به اولش و خاتمه اش به آغازش برمی گردد.

از اینجا خصوصیت مقام بیان در این دو آیه روشن می شود، توضیح اینکه خدای سبحان سوره را با صفتی شروع کرد که واجب است هر فرد با تقوائی متصف به آن صفت بوده باشد و آن صفت عبارت است از اینکه بر بنده خدا واجب است از عهده حق پروردگار برآید.

می فرماید: بندگان با تقوای او، به غیب ایمان دارند و نماز را بپا می دارند، و از آنچه خدا روزیشان کرده انفاق می کنند و به آنچه بر پیامبر اسلام و سایر رسولان نازل کرده، ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند!

و به دنبال چنین صفتی است که خدا آنان را مورد انعام قرار داده و هدایت قرآن را روزیشان کرد.

دنبال این مطلب به شرح حال کفار و منافقین پرداخت و سپس بطور مفصل، وضع اهل کتاب و مخصوصاً یهود را بیان کرد و فرمود که خدای تعالی با هدایت کردن آنان بر ایشان منت نهاد و با انواعی از نعمت‌ها گرامیشان داشت و مورد عنایات عظیمی قرار داد، ولی در مقام تلافی، جز با طغیان و عصیان نسبت به خدا و کفران نعمت‌ها و انکار او و رسولانش و دشمنی با فرشتگانش و تفرقه انداختن میان رسولان و کتب او بر نیامده و عکس‌العملی نشان ندادند.

خدای تعالی هم همانگونه با آنان مقابله کرد، که با تکالیفی دشوار و احکامی سخت، از قبیل به جان هم افتادن و یکدیگر را کشتن و به صورت میمون و خوک مسخ شدن و با صاعقه و عذاب آسمانی معذب نمودن، محکومشان نمود!

سپس در خاتمه سوره، به همین مطالب برگشته، بعد از بیان وصف رسول و مؤمنین به او می‌فرماید: اینها بر خلاف آنان هستند، اینان هدایت و ارشاد خدا را تلقی به قبول و اطاعت کرده، به خدا و ملائکه و کتب و رسولان او ایمان آوردند، بدون اینکه میان هیچ‌یک از پیامبران فرق بگذارند و با این طرز رفتار، موقف خود را که همانا موقف بندگی است که ذلت عبودیت و عزت ربوبیت بر آن احاطه دارد، حفظ کردند، چون مؤمنین در عین اینکه به تمام معنا دعوت حق را اجابت کرده‌اند، به این مطلب اعتراف دارند که از ایفای حق بندگی و اجابت دعوت خدا عاجزند، چون اساس و پایه هستیشان بر ضعف و جهل است.

به همین جهت گاهی از تحفظ نسبت به وظائف و مراقبت از آن کوتاهی می‌کنند، یا فراموش می‌کنند، یا دچار خطا می‌شوند و یا در انجام واجبات الهی کوتاهی نموده، نفسشان با ارتکاب گناهان به ایشان خیانت می‌کند و ایشان را به ورطه غضب و مؤاخذه خدا نزدیک می‌سازد، همانطور که اهل کتاب را قبل از ایشان به آن نزدیک ساخت، از این جهت به ساحت مقدس خدا و به عزت و رحمت او پناه می‌برند از اینکه ایشان را در صورت خطا و نسیان مؤاخذه فرماید! درخواست می‌کنند به خاطر خطا و نسیان ما را به تکالیف دشوار مکلف مفرما و به عذاب‌هایی که طاقتش را نداریم معذب مدار و ما را عفو کن و بیامرز و بر قوم کفار پیروز کن!

پس این است آن معنائی که آیات مورد بحث در صدد بیان آن هستند و بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید، همین معنا موافق با غرضی است که آن را دنبال کرده است.

**هدف و فلسفه نزول سوره آل عمران**



### دعوت به توحید کلمه و تشویق به مقابله با یهود و نصاری و مشرکین

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! الم ! اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ! نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ! مِنْ قَبْلُ هَدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِنَايَتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ! إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ! هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ! » (۱ تا ۶ آل عمران)

سوره آل عمران، این مقصود را دنبال می کند که مؤمنین را به توحید کلمه بخواند، تشویقشان کند تا هر چه زودتر یک پارچه شوند و خود را برای مقابله با دشمنان یعنی یهود و نصارا و مشرکین آماده سازند. باید در مقابل ناملایماتی که می بینند صبر کنند، زیرا موقعیتی بس خطرناک دارند، چون دشمنان مشغول جمع آوری نیرو هستند و در خاموش کردن نور خدا با دست و دهان خود یكدل و یک جهت شده اند .

این احتمال خیلی به ذهن نزدیک می رسد که سوره آل عمران همه اش یکباره نازل شده باشد، برای اینکه آیاتش که دو بیست آیه است ظهوری روشن در بهم پیوستگی و انسجام دارد و از اول تا به آخر متناسب با هم است و پیداست که همه اغراض آنها بهم مربوط است و به همین جهت این احتمال از هر احتمالی دیگر بنظر قوی تر می آید، که بگوئیم این سوره وقتی به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده که تا حدودی دعوتش جا افتاده بود برای اینکه در بین آیاتش، هم سخنی از جنگ احد و واقعه مباحله و نفرین کردن با نصارای نجران و یادی از کار یهود دیده می شود و هم تحریکی نسبت به مشرکین است .

و نیز مسلمانان را به صبر می خواند و دستور می دهد تا یکدیگر را به صبر سفارش کنند و دست به دست یکدیگر داده وحدتی تشکیل دهند و همه اینها مؤید این معنا است که سوره مورد بحث، در روزگاری نازل شده که مسلمانان، مبتلا به دفاع از حوزه دین بودند، دفاعی که برای آن، همه قوا و ارکان خود را بسیج کرده بودند .

از یک طرف در اثر فتنه جوئیهای یهود و نصارا در داخل جمعیت خود، با درگیریها و فتنه و آشوبها روبرو بودند، فتنه هائی که تشکل آنان را سست می کرد، باید برای خاموش کردن آشوبهای آنان قسمت عمده ای از وقت خود را صرف احتجاج و بگومگویی با آنان کنند. از سوی دیگر با مشرکین درگیر بودند و باید با آنها بجنگند و همیشه در حال آماده باش بوده و لحظه ای امنیت نداشته باشند، چون در آن ایام اسلام در حال انتشار بوده و آوزاه اش همه جا را پر کرده بود و مردم دنیا چه یهودش و چه مسیحیش و چه مشرکش همه علیه اسلام قیام کرده بودند.

از پشت سر این سه طایفه دو امپراطوری بزرگ آن روز دنیا یعنی روم و ایران و غیره نیز چنگ و دندان نشان می دادند.

خدای سبحان در این سوره از حقایق و معارفی که بشر را به سوی آنها هدایت فرموده آن مقداری را که باعث دلگرمی مؤمنین است یادآور می شود تا مؤمنین، هم دلخوش شوند و هم آلودگی شبهات و وساوس شیطانی و تسویلات اهل کتاب از دلهاشان زایل شود و هم برایشان روشن گردد که خدای تعالی هرگز از تدبیر ملک خود غافل نبوده و خلق او را عاجز نکرده اند و اگر دین خود را تشریح نموده و جمعی از بندگانش را بسوی آن دین هدایت نموده، همه بر طبق طریقه و عادت جاریه و سنت دائمی خود بوده و آن سنت عبارت است از سنت علل و اسباب پس مؤمن و کافر هم طبق همین سنت علل و اسباب زندگی می کنند، یک روز دنیا به کام کافر و روزی دیگر به کام مؤمن است، چون دنیا میدان امتحان است و امروز روز عمل و فردا روز جزا است!

### هدف آیه ۷ تا ۹ سوره آل عمران

(۱)

### تفهیم موضوع آیات محکم و مشابه

« هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَبِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ...! »

خدای تعالی در آیه نخست، فرستادن کتاب بر خاتم الانبیا «ص» را انزال خوانده، انزال به معنای فرو فرستادن یکپارچه است. علت این تعبیر این بوده که مقصود، بیان پاره ای از اوصاف و خواص مجموع کتاب نازل است نه اوصاف اجزای آن!

و یکی از اوصاف مجموع کتاب این است که این کتاب مشتمل است بر آیات محکم و آیات مشابه، که برگشت قسمت دوم (متشابهات) به قسمت اول (

محکمات) است و به وسیله آنها، آیات متشابه شرح و تبیین می شود.

در آیه مورد بحث، منظور از احکام محکمات، صراحت و اتقان این آیات است و می خواهد بفرماید آیات محکم مانند آیات متشابه هیچ تشابهی در آنها نیست و خواننده بدون تردید و اشتباه به معنایش پی می برد، نه اینکه العیاذ بالله معنایش این باشد که بعضی از آیات قرآن معنادار است و بعضی دیگر سست و بی معنا است چون خدای عزوجل در سوره هود آیه اول تمامی آیات قرآن را محکم و متقن خواننده و فرموده: «کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر!»

چیزی که هست از آنجائی که دنبال جمله: «احکمت آیاته!» فرموده: «ثم فصلت!» می فهمیم که مراد از احکام، حالی است از حالات تمامی آیات کتاب، می خواهد بفرماید قرآن کریم قبل از نزول، امری واحد بوده و هنوز دستخوش تجزی و تبعض نشده بود، در آن موقع آیاتش متعدد نبود (و وقتی قرار شد نازل شود یعنی در خور فهم بشر گردد دارای آیات و اجزا شد. مترجم).

پس کلمه احکام در آیه سوره هود وصف تمامی کتاب است و در آیه مورد بحث وصف بعضی از آیات نسبت به بعضی دیگر است چون معنای بعضی از آیات قرآن روشن است و تشابهی در آنها نیست و بعضی دیگر اینطور نیست.

## هدف آیه ۱۰ تا ۱۸ سوره آل عمران

(۱)

### دفع شبهات منافقین در روزهای بحرانی اسلام

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ...!»

مسلمانان در روزهایی که سوره آل عمران نازل می شد مبتلا به توطئه گری های منافقینی بودند که در داخل جماعتشان رخنه کرده بودند، یک عده ساده لوح هم وجود داشتند که آنچه را منافقین و یا دشمنان اسلام به منظور واژگونه کردن امور و تباه ساختن دعوت اسلام شایع می کردند باور نموده و دچار وسوسه می شدند.

این گرفتاریهای مسلمین از داخل بود، گرفتاریهایی هم از خارج داشتند و آن این بود که همه دنیا که یا مشرک بودند و یا یهود و یا نصارا، علیه دعوت اسلام قیام کرده بودند و برای خاموش کردن نور دین و ابطال دعوت مسلمین و بی اثر کردن تلاشهای آنان دست به دست هم داده، به هر وسیله ممکن (قلماً و قدماً) تمسک می کردند.

غرض این سوره دعوت مسلمین است به توحید کلمه و صبر و ثبات، تا از این راه امورشان اصلاح شود و فسادهایی که در داخل اجتماعشان هست و هجوم هایی که



از خارج به ایشان می شود ، رفع گردد .

آیات قبل، از آنجا که می فرمود: « هو الذی انزل علیک الکتاب ... ان الله لا یخلف المیعاد! » اشاره ای بود به منافقین و آنهایی که دل‌هایشان مبتلا به زیغ و انحراف بود و مسلمانان را دعوت می کرد به اینکه در آنچه از معارف دینی درک کرده اند ثبات قدم به خرج دهند و در آنچه هم درک نکرده اند و بر ایشان مشتبه است ایمان و تسلیم داشته باشند، هر چند که کنه و حقیقت آنرا نفهمیده باشند و خاطر نشان می ساخت که هر فتنه ای گریبان مسلمین را بگیرد و نظام سعادتشان را مختل سازد از ناحیه پیروی متشابهات و تاویل کردن آیات خدا است، که اگر چنین کنند دینی که برای هدایت آنان نازل شده ، همان دین ، وسیله ضلالت و بدبختیشان می شود و اجتماعشان مبدل به افتراق شده و نظامشان مختل می گردد .

و اما در این آیات به بیان حال مشرکین و کفار پرداخته و می فرماید: بزودی شکست خواهند خورد و نمی توانند خدای را به ستوه بیاورند و در طغیان خود پیروز نمی شوند!

بنا بر این بیان، آیات مورد بحث همانطور که از مضامینش پیداست متعرض حال کفار است ، همچنان که آیات بعد از این چند آیه ، متعرض حال اهل کتاب از یهود و نصارا است.

## هدف آیه ۱۹ تا ۲۵ سوره آل عمران

(۱)

### بیان انحصاری بودن دین به اسلام (تسلیم حق شدن)

« إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ...! »

این آیات در بیان حال اهل کتاب است که آخرین طوائف سه گانه ای است که گفتیم در این سوره به شرح حال آنان می پردازد و مقصود مهم و اصلی از ذکر طوائف نامبرده، همین طایفه است و قسمت عمده این سوره در باره همین طایفه یعنی یهود و نصارا نازل شده و یا بالاخره به ایشان مربوط می شود .

« ان الدین عند الله الاسلام...! »

دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست و بندگان خود را امر نکرده مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود هیچ کتابی نازل ننموده مگر در باره همان دین و هیچ آیت و معجزه ای به پا نکرده مگر برای همان دین که آن دین عبارت است از اسلام ، یعنی تسلیم حق شدن و به عقیده های حق معتقد گشتن و اعمال حق انجام دادن و به عبارتی دیگر: آن دین واحد عبارت است از تسلیم شدن در



برابر بیانی که از مقام ربوبی در مورد عقائد و اعمال و یا در مورد معارف و احکام صادر می شود!

و این بیان هر چند به طوری که در قرآن حکایت شده در شرایع رسولان و انبیای او از نظر مقدار و کیفیت مختلف است، لیکن در عین حال از نظر حقیقت چیزی به جز همان امر واحد نیست، اختلافی که در شریعت ها هست از نظر کمال و نقص است، نه اینکه اختلاف ذاتی و تضاد و تنافی اساسی بین آنها باشد و معنای جامعی که در همه آنها هست عبارت است از تسلیم شدن به خدا در انجام شرایعش و اطاعت او در آنچه که در هر عصری با زبان پیامبرش از بندگانش می خواهد.

## هدف آیه ۲۶ و ۲۷ سوره آل عمران

(۱)

### بیان مالک ملک بودن خدا

« قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ! »

« تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ! »

این دو آیه خیلی با آیات قبل که در باره اهل کتاب و مخصوصا یهود بود بی ارتباط نیست، چون این دو آیه مشتمل است بر تهدید یهود به عذاب دنیا و آخرت و یکی از عذابها همین است که خدا ملک را از ایشان سلب کرد و ذلت و مسکنت را تا روز قیامت بر آنان حتمی نمود و نفسشان را قطع کرد و استقلال در زندگی و سروری را از ایشان سلب کرد!

علاوه بر اینکه غرض این سوره به بیانی که در آغاز گذشت این بود که بفهماند خدا قائم بر خلق عالم و تدبیر آن است، پس مالک ملک او است و او است که ملک را به هر کس بخواهد می دهد، هر که را بخواهد عزت می بخشد. کوتاه سخن آنکه تنها کسی که به هر کس بخواهد خیر دهد می تواند بدهد او است و تنها او است که ملک و عزت و هر چیز دیگر را از هر کس بخواهد می گیرد، پس مضمون دو آیه مورد بحث خارج از غرض سوره نیست.

در این آیه خداوند رسول گرامی خود را امر می کند به اینکه به خدائی پناهنده شود که تمامی خیرها به طور مطلق به دست او است و قدرت مطلقه خاص او است، تا از این ادعاهای موهومی که در دل منافقین و متمردين از حق (از مشرکین و اهل کتاب) جوانه زده و در نتیجه گمراه و هلاک شده اند، نجات یابد! آری اینان برای خود ملک و عزت فرض کردند و خود را بی نیاز از خدا پنداشتند و خدا آنجناب و هر

کس دیگر را امر می کند به اینکه نفس خود را در معرض افاضه خدا، که مفوض هر خیر و رازق بی حساب هر روزی خوار است، قرار دهد!

## هدف آیه ۲۸ تا ۳۲ سوره آل عمران

(۱)

### دستور نهی از دوستی مومنین با کافرین

« لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَ يُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ...! »

مقام آیات مقام تعرض حال اهل کتاب و مشرکین و تعریض برایشان است، پس بین این آیات و آیات قبل ارتباط هست، در نتیجه مراد از کافرین در این آیات نیز اعم از اهل کتاب و مشرکین است.

اگر از دوستی و اختلاط روحی با کفار نهی می کند، از دو طایفه نهی می کند و اگر مراد از کفار تنها مشرکین باشند، باید گفت آیات متعرض حال آنان است و مردم را دعوت می کند به اینکه مشرکین را رها نموده به حزب خدا متصل شوند و خدا را دوست بدارند و رسول او را اطاعت کنند!

غالباً ولایت مستلزم تصرف یک دوست در امور دوست دیگر است، یک ولی در امور مولی علیه (یعنی کسی که تحت سرپرستی او است)، دخالت می کند، تا پاسخگوی علاقه او نسبت به خودش باشد، یک مولی علیه اجازه دخالت در امور خود را به ولیش می دهد، تا بیشتر به او تقرب جوید، اجازه می دهد چون متاثر از خواست و سایر شؤون روحی او است، پس تصرف محبوب در زندگی محب، هیچگاه خالی از حب نیست.

در نتیجه اگر ما کفار را اولیای خود بگیریم خواه ناخواه با آنان امتزاج روحی پیدا کرده ایم، امتزاج روحی هم ما را می کشاند به اینکه رام آنان شویم و از اخلاق و سایر شؤون حیاتی آنان متاثر گردیم و آنان می توانند در اخلاق و رفتار ما دست بیندازند! دلیل بر این معنا آیه مورد بحث است که جمله: «من دون المؤمنین»، را قید نهی قرار داده و می فرماید مؤمنین کفار را اولیای خود نگیرند در حالی که با سایر مؤمنین دوستی نمی ورزند، که از این قید به خوبی فهمیده می شود که منظور آیه این است که بفرماید اگر تو مسلمان اجتماعی و به اصطلاح نوع دوست هستی، باید حداقل مؤمن و کافر را به اندازه هم دوست بداری و اما اینکه کافر را دوست بداری و زمام امور جامعه و زندگی جامعه را به او بسپاری و با مؤمنین هیچ ارتباطی و علاقه ای نداشته باشی، این بهترین دلیل است که تو با کفار سنخیت داری و از مؤمنین جدا و بریده ای و این صحیح نیست پس زنهار باید از دوستی با کفار اجتناب کنی!





در آیات کریمه قرآن هم نهی از دوستی با کفار و یهود و نصارا مکرر آمده و لیکن موارد نهی مشتمل بر بیانی است که معنای این نهی را تفسیر می کند و کیفیت ولایتی را که از آن نهی فرموده تعریف می کند.

وقتی یک فرد مؤمن نسبت به کفار ولایت داشته باشد و این ولایت قوی هم باشد، خود به خود خواص ایمانش و آثار آن فاسد گشته و بتدریج اصل ایمانش هم تباه می شود و به همین جهت است که در دنبال آیه مورد بحث اضافه کرد: «و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء!» و سپس اضافه کرد: «الا ان تتقوا منهم تقیه!» در جمله اول فرمود کسی که چنین کند هیچ ارتباطی با حزب خدا ندارد و در جمله دوم، مورد تقیه را استثنا کرد، چون تقیه معنایش این است که مؤمن از ترس کافر اظهار ولایت برای او می کند و حقیقت ولایت را ندارد!

### هدف آیه ۳۳ تا ۶۰ سوره آل عمران

(۱)

### داستان عیسی و مریم و زکریا (ع)

« إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ ءَالَ إِبْرَاهِيمَ وَ ءَالَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ...! »

از اینجا آیات راجع به قصص عیسی بن مریم علیهما السلام و مطالب مربوط به آن قصص خالی از خرافاتی که به این قصص چسبانده اند آغاز می شود و در این آیات علیه اهل کتاب احتجاج شده و دو آیه اول رابط بین آیات قبل با آیات بعد است، چون آیات قبل هم متعرض حال اهل کتاب بود.

### هدف آیه ۶۱ تا ۶۳ سوره آل عمران

(۲)

### تعلیم گفتمان مباحله

« فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ...! »

مضمون آیه که دعوت به مباحله است، نتیجه گیری و تفریع بر تعلیم الهی است که در دو آیه قبل خاطر نشان نموده، فرمود: «ذلک نتلوه علیک - این داستان عیسی بر تو تعلیم کردیم از آیات ما و ذکر حکیم است!» و در آیه بعدش مطلب را با جمله: «حق از ناحیه پروردگار تو است، پس از مرددین مباش!» تاکید و ختم کرد و در آیه مورد بحث آن تعلیم الهی را با بیانی واضح تر بیان می کند و چه بیانی روشن تر از مباحله!

۱- المیزان ج: ۳ ص: ۲۵۷

۲- المیزان ج: ۳ ص: ۳۵۰

(۱)

**تعلیم گفتمان با اهل کتاب**

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ...!»

این آیات بیان مرحله دوم از حالات اهل کتاب - عموماً - و نصارا را - خصوصاً - آغاز نموده و ملحقاتی مربوط به این غرض چون در سابق متعرض مرحله اول یعنی بیان حال عموم اهل کتاب شده، در این آیات دو باره متعرض حال عموم اهل کتاب می شود، اما با لسان و نظمی دیگر، غیر از آن نظمی که در سابق داشت، در این آیات و آیات ملحق به آن که بعداً می آید بر حسب مناسبتی که با خصوصیات بیانات داشته، مسائل متفرقه ای را ایراد می کند، مانند آیه: «قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله...!» و آیه: «قل یا اهل الکتاب لم تصدون عن سبیل الله!» و متعرض حال نصارا و ادعاهائی که درباره عیسی دارند شده و می فرماید: «ما کان لبشر ان یوتیه الله الکتاب...!» و در آیاتی بسیار و متفرق، متعرض اموری شده که مربوط به مؤمنین است، نظیر دعوتشان به اسلام و اتحاد و پرهیز از ولایت کفار و گرفتن محرم اسراری از غیر مؤمنین.

**هدف آیه ۷۹ و ۸۰ سوره آل عمران**

(۲)

**بیان پاکی ساحت مسیح از عقاید خرافی**

«مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَاداً لِّي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِن كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ...!»

قرار گرفتن این آیات به دنبال آیات مربوط به داستان عیسی علیه السلام این معنا را می رساند که گوئی این آیات فصل دوم از احتجاج و استدلال بر پاکی ساحت مسیح از عقائد خرافی است که اهل کتاب یعنی نصارا نسبت به او دارند و گویا خواسته است بفرماید: عیسی آنطور که شما پنداشته اید نیست، او نه رب است و نه خودش ربوبیت برای خود قائل شده است!

**هدف آیه ۸۱ تا ۸۵ سوره آل عمران**

(۳)

**بیان میثاق پیامبران**

«وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حُكْمٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ ءَأَقْرَضُكُمْ

وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي

---

١- الميزان ج : ٣ ص : ٣٨٦

٢- الميزان ج : ٣ ص : ٤٣٢

٣- الميزان ج : ٣ ص : ٥١٢

قَالُوا أَفَرَزْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِّنَ الشَّاهِدِينَ...!»

این آیات بی ارتباط با آیات قبل نیست، سیاق آن و سیاق آیات قبل هم یکی است و سخن با همان وحدتش جریان دارد و خلاصه اینکه این آیات دنباله همان آیات است گوئی خدای تعالی بعد از آنکه بیان کرد که اهل کتاب در علمی که به کتاب داشتند و در دینی که خدا به ایشان داده بود همواره اخلال و سنگ اندازی می کردند و کلمات خدا را جابجا می نمودند و می خواستند به این وسیله حقایق را بر مردم مشتبه سازند و بین پیامبران تفرقه انداخته و بگویند: ما آن پیامبر را قبول داریم ولی این (یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) را قبول نداریم و نیز بعد از اینکه این تهمت را نفی کرد، که پیغمبری از پیامبران چون موسی و عیسی علیهما السلام دستور داده باشد که خود او و یا غیر او را مثلاً یکی از پیامبران را و یا ملائکه را ارباب خود بگیرند، همانطور که نصارا به صراحت و بی رودربایستی می گویند، عیسی خداست و همانطور که از ظاهر کلام یهود چنین چیزی استفاده می شود اینک در این آیات، تخطئه یهود و نصارا را شدت بخشیده و می فرماید: نه تنها آن دو بزرگوار چنین چیزی را نگفته بودند بلکه نمی توانستند بگویند، برای اینکه خدای تعالی از تمامی انبیا پیمان گرفته که به همه پیامبران ایمان آورند - چه پیغمبران قبل از خودشان و چه بعد از ایشان - و او را یاری کنند، به این معنا که هر پیغمبری، پیغمبران قبل از خود را تصدیق کند و مردم را به آمدن پیغمبران بعد از خودش بشارت دهد.

همانطور که عیسی علیه السلام، پیامبر قبل از خود یعنی موسی را تصدیق کرد و به آمدن پیامبر بعد از خودش یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشارت داد و همچنین خدای تعالی از انبیا پیمان گرفت، که از مردم و امت خود پیمان بگیرند و حداقل آنان را شاهد بر خودشان قرار دهند.

و در دو آیه بعد بیان می کند که این همان اسلام است که حکمش در همه آسمانها و زمین گسترش می یابد و در چهار آیه بعد به رسول گرامی خود دستور می دهد که خود آن جناب نیز طبق این پیمان عمل نموده و آنرا قبول کند و در نتیجه هم به خدا ایمان بیاورد و هم به تمامی احکامی که خدای تعالی بر انبیای خود نازل کرده است.

## هدف آیه ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران

(۱)

### بیان تقدم خانه کعبه به بیت المقدس و پاسخ شبهات یهود

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ! فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ!»

این دو آیه، به یک شبهه دیگر یهود پاسخ می دهد، شبهه ای که باز از جهت نسخ بر مؤمنین وارد می کردند و آن شبهه در مساله قبله و برگشتن آن از مسجد الاقصی به مسجد الحرام پیش آمد. برگشتن قبله یکی از امور مهمی بود که تاثیرهای عمیقی - هم مادی و هم معنوی - در زندگی اهل کتاب و مخصوصاً یهود گذاشت .

علاوه بر اینکه با عقیده آنان به محال بودن نسخ سازگار نبود، به خاطر همین جهات، بعد از آمدن حکم قبله و برگشتن آن به طرف مکه تا مدت‌های مدید مشاجره و بگومگویی آنان با مسلمین به درازا کشید .

و آنچه از آیه مورد بحث بر می آید این است که یهودیان در القای شبهه ، هم شبهه نسخ را پیش کشیده بودند و هم شبهه انتساب حکم به ملت ابراهیم را .

در نتیجه حاصل شبهه آنان این می شود که چگونه ممکن است ، در ملت ابراهیم مکه قبله شود با اینکه خدای تعالی در این ملت ، بیت المقدس را قبله کرده و آیا این سخن غیر از نسخ چیز دیگری است؟ با اینکه نسخ در ملت حقه ابراهیم محال و باطل است .

آیه شریفه جواب داده که کعبه قبل از سایر معابد برای عبادت ساخته شده چون این خانه را ابراهیم ساخت و بیت المقدس را سلیمان بنا نهاد که قرن‌ها بعد از ابراهیم بوده است!

## هدف آیه ۹۸ تا ۱۰۱ سوره آل عمران

(۱)

### بیان توطئه ها و شبهات یهود برای بازداشتن مردم از راه خدا

« قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ...! »

این آیات بطوری که ملاحظه می کنید با اتصالی که در سیاق دارد، دلالت دارد بر اینکه اهل کتاب (البته طایفه ای از ایشان ، یعنی یهود و یا طایفه ای از یهود)، کفر به آیات خدا داشته اند و مؤمنین را از راه خدا باز می داشته اند، به این طریق که راه خدا را در نظر مؤمنین کج و معوج جلوه داده و راه ضلالت و انحراف را در نظر آنان ، راه مستقیم خدا جلوه گر می ساختند . برای مؤمنین القای شبهه ها می کردند، تا به این وسیله حق را که راه آنان است ، باطل و باطل خود را حق جلوه دهند .

این آیات به دنبال همان بیانات می خواهد یهود و یا طایفه ای از ایشان را توبیخ کند که چرا القای شبهه می کنند؟ و چرا مؤمنین را در دینشان دچار سرگیجه می سازند؟ و نیز می خواهد مؤمنین را تحذیر کند ، از اینکه یهودیان را در دعوتشان اطاعت کنند و بفهماند که اگر اطاعت کنند کارشان به کفر به دین حق می انجامد و نیز می خواهد ترغیب و تشویقشان کند به اینکه متمسک بخدا گردند ، تا به سوی





صراط ایمان راه یافته هدایتشان دوام بپذیرد!

## هدف آیه ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران

(۱)

### فرمان اعتصام به حبل الله و حذر از اهل کتاب و فتنه آنان

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ! وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...! »

این آیات را می توان تتمه دو آیه قبل دانست که به مؤمنین خطاب می کرد از اهل کتاب و فتنه انگیزیهای آنان بر حذر باشند و نیز می فرمود: شما پیامبری دارید که اعتصام به حق را برایتان ممکن می سازد، پس زنهار گمراه مشوید و در حفره مهالک ساقط نگردید.

این آیات علاوه بر اینکه گفتیم به آیات قبل ارتباط دارد، جنبه الکلام یجر الکلام را هم دارد، بدون اینکه سیاق سابق را، یعنی تعرض به حال اهل کتاب را تغییر دهد، بلکه هنوز آن سیاق را محفوظ نگه داشته است، به دلیل اینکه بعد از نه آیه دو باره سخن از اهل کتاب را پیش می کشد و می فرماید: «لَنْ يَضُرَّوَكُمْ إِلَّا أذى...!»

## هدف آیه ۱۱۱ تا ۱۲۰ سوره آل عمران

المیزان ج: ۳ ص: ۵۹۲

### بیان ذلت یهود بر اساس حکم شرع اسلامی

« لَنْ يَضُرَّوَكُمْ إِلَّا أذى وَ إِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوْكُمْ الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ!...! »

این آیات کریمه توجه و انعطاف به هدفی دارد که آیات قبل متعرض آن بود و آن بیان حال اهل کتاب و مخصوصا یهودیان بود که به آیات خدا کفر ورزیده و خود را گمراه و مؤمنین را از راه خدا بازداشتند و آیات دهگانه ای که گذشت، از باب الکلام یجر الکلام، در بین این دو دسته آیات قرار گرفته بود، پس اتصال آیات مورد بحث با آیات دهگانه قبل به حال خود باقی است.

مراد از ضرب ذلت بر اهل کتاب این است که خدای تعالی حکم تشریعی به ذلت آنان کرده، به دلیل اینکه دنبال ضرب ذلت می فرماید: «اینما ثقفوا - هر جا که یافت شوند!» چون معنای ظاهر این جمله این است که مؤمنین هر جا ایشان را دیدند و بر آنان مسلط شدند، چنین و چنان کنند!

و این تعبیر با ذلت تشریعی که یکی از آثارش جزیه گرفتن است، مناسبت دارد. در نتیجه برگشت معنای آیه به این می شود

که اهل کتاب به حسب حکم شرع اسلامی ذلیلند، مگر اینکه یا داخل در ذمه اسلام شوند و یا امانی از مردم مسلمان به نحوی از انحاء ایشان را حفظ کنند!

## هدف آیه ۱۲۱ تا ۱۲۹ سوره آل عمران

۱- المیزان ج: ۳ ص: ۵۶۷

(۱)

**هشدار مومنین نسبت به موقعیت دشوارشان و نکاتی از جنگ احد و بدر**

«وَ إِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...!»

از اینجا سیاق آیات سیاقی دیگر شده و به مطلبی که در آغاز سوره ذکر شده بود برگشته، در آنجا مؤمنین را به موقعیت و موقف دشواری که دارند هشدار می داد و نعمت هائی را که به ایشان ارزانی داشته بود (از قبیل: ایمان و نصرت و کفایت شر دشمنان را)، به یادشان می آورد و رموزی را تعلیمشان می داد که به وسیله آن به مقصد شریفشان برسند و به دستوراتی هدایتشان کرد که سعادتشان را هم در زندگی و هم بعد از مردن تامین کند.

در این آیات داستان جنگ احد نیز آمده و اما آیاتی که اشاره ای به داستان جنگ بدر دارد در حقیقت ضمیمه ای برای تکمیل داستان جنگ بدر است و جنبه شاهد برای آن قصه دارد، نه اینکه مقصود اصلی طرح داستان بدر باشد.

**هدف آیه ۱۳۰ تا ۱۳۸ سوره آل عمران**

(۲)

**امر به انفاق و ترک ربا و اصلاح نقص ها با درس از شکستها**

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ...!»

آیات فوق، بشر را به سوی خیر دعوت و از شر و بدی نهی می کند و در عین حال اتصالش به ما قبل و همچنین به ما بعدش که شرح داستان جنگ احد را می دهد، محفوظ است، آری آیات بعد نیز مربوط به این داستان است، حال مؤمنین در آن روز را بیان می کند، حال و خصال مذمومی را که خدای سبحان آن را از مؤمنین نمی پسندد، حال و خصالی که باعث آن وهن و ضعف و علت معصیت خدا و نافرمانی رسولش گردید، پس آیات مورد بحث در حقیقت تتمه آیاتی است که در باره جنگ احد نازل گردیده است.

پس خصوص این آیات نه گانه برای ترغیب و تهدید مؤمنین است، آنان را ترغیب می کند به اینکه به سوی خیرات یعنی انفاق در راه خدا در دو حال دارائی و نداری و کظم غیظ و عفو از مردم، بشتابند که جامع همه آنها منتشر شدن احسان و خیر در جامعه و صبر در تحمل آزارها و بدیها و گذشت از بدرفتاریها است!، پس تنها طریقی که حیات جامعه به وسیله آن محفوظ می ماند و استخوانش محکم شده و روی پای خود می ایستد همین طریق است یعنی طریقه انفاق و احسان که از لوازم آن ترک ربا است و به همین جهت مطالب نامبرده در آیات مورد بحث را با نهی از ربا

١- الميزان ج : ٤ ص : ٣

٢- الميزان ج : ٤ ص : ٢٣

خواری آغاز فرمود و در حقیقت این نهی جنبه زمینه چینی برای دعوت به احسان و انفاق را دارد .

خدای تعالی مسلمین را تشویق و ترغیب می کند که از پروردگارشان به خاطر گناهان و زشتی ها منقطع نگردند و اگر احیاناً عملی کردند که مورد رضای پروردگارشان نیست ، این نقیصه را با توبه و برگشتن بسوی او تدارک و تلافی کنند ، بار دوم و بار سوم هم همین طور بدون اینکه کسالت و سستی از خود نشان دهند!

خدای سبحان در اولین بار که می خواهد مساله جهاد را تشریح کند کلیاتی از جهاد را بیان نموده می فرماید: « کتب علیکم القتال! » و در این آیات مؤمنین را به جهاد امر نموده، می فهماند که این عمل بر آنان واجب شده ، آنگاه داستان جنگ بدر را به عنوان اولین مشقی که شاگرد نوشته تحویل می گیرد و عیب های آن را گوشزد نموده مشقی دیگر به نام جنگ احد به او می دهد ، باز عیب های آن را می گیرد و همچنان ادامه می دهد تا امت مسلمان در انجام این تکلیف ، بی عیب و ماهر شود.

همچنین خدای تعالی سرگذشت انبیای گذشته و امت های آنان را درس می دهد ، نقاط ضعف و خطا و انحراف آنها را بیان می کند و حق مطلب و آنچه که صحیح است معین نموده از امت اسلام می خواهد تا آن طور عمل کنند و آن سرگذشت غلط گیری شده را دستور العمل خود قرار دهند . در آیات مورد بحث نیز همین روش به کار رفته است، در آیه ۱۳۷ همین سوره هشدار می دهد که گذشتگانی بوده اند و چنین و چنان کرده اند و در آیه ۱۴۶ روشن تر سخن گفته، می فرماید آنها هم قتال و کارزار داشته اند و شما نیز باید آماده کارزار شوید!

## هدف آیه ۱۳۹ تا ۱۴۸ سوره آل عمران

(۱)

### درسی از شکست جنگ احد

« وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...! »

این آیات به طوری که ملاحظه می کنید تتمه آیات سابق است، که با آیه: « یا ایها الذین آمنوا...! » آغاز شد، همچنان که آیات سابق با اوامر و نواهیش زمینه چینی بود برای این آیات، که منظور اصلی از آن اوامر و نواهی و از آن ثناها و مذمت ها را در بر دارد .

در دو آیه: « وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ! ان یمسسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله...! » دلالتی هست بر اینکه علت وهن و اندوه مسلمانان در جنگ احد این بوده که دیده اند عده ای مجروح شده اند و کفار قوی تر از ایشان بوده و بر آنان مسلط بوده اند. به خاطر دیدن این وضع بوده که مسلمانان آن

روز دچار سستی و اندوه شدند.

و اگر علو مسلمانان را مشروط کرد به ایمان، با اینکه خطاب به مسلمانان با ایمان است، برای این بود که اشاره کند به اینکه هر چند مخاطبین مسلمان و مؤمن بودند و لیکن به مقتضای ایمانشان عمل نکردند و صفاتی چون صبر و تقوا که داشتن آن مقتضای ایمان است نداشتند و گرنه اثر خود را می بخشید و در این جنگ ضربه نمی خوردند و آن آسیب ها را نمی دیدند.

## هدف آیه ۱۴۹ تا ۱۵۵ سوره آل عمران

(۱)

### شرح روزهای بعد از جنگ احد و تقویت روحیه مسلمین

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ! بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ...!»

این آیات تتمه آیتی است که در باره جنگ احد نازل شده و در آن مؤمنین تشویق و ترغیب شده اند به اینکه جز پروردگار خود، کسی را اطاعت نکنند، چون مولایشان و ناصرشان او است و خود مؤمنین را شاهد می گیرد بر اینکه هر چه وعده داده به وعده اش وفا کرده و تذکر می دهد که فراری شدن مؤمنین و یاری رسول نکردنشان در جنگ احد تنها از ناحیه خودشان بود، این خودشان بودند که از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به نگرهبانی از آن دره سر باز زدند و تازه خدای تعالی از جرمشان گذشت، چون او غفور و حلیم است!

بعید نیست که از سیاق آیات استفاده شود که گویا کفار بعد از داستان جنگ احد و در روزهایی که این آیات نازل می شده یکی یکی مؤمنین را می دیدند و این مطلب را به عنوان خیرخواهی به آنان القا می کردند که مثلاً جنگ با کفار قریش در احد اشتباه بوده و از این به بعد بطور کلی این کار صلاح نیست و کوتاه سخن اینکه به مؤمنین چیزهایی می گفتند که در آینده حاضر به قتال نشوند و نیز مطالبی در میان می آورده اند که باعث نزاع و تفرقه و تشتت کلمه و اختلاف بین آنان شود.

و چه بسا که جمله آخر این آیات که می فرماید: «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم ... ذلکم الشیطان یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین!» این استفاده را تایید کند.

«سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب بما اشرکوا بالله...!» این آیه وعده ای است به مؤمنین و مایه دل خوشی آن است به اینکه خدای تعالی بزودی از طریق رعب و وحشتی که از آنان بر دل کفار می اندازد یاریشان خواهد کرد و همانطوری که در روایات شیعه و سنی آمده، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مساله رعب را یکی از

خصایص خود دانسته، از خصایصی که خدای تعالی در بین همه انبیا علیهم السلام تنها به آن جناب داده و به وسیله آن، او را یاری و دشمنانش را از بین برده است!

### هدف آیه ۱۵۶ تا ۱۶۴ سوره آل عمران

(۱)

#### معرفی عامل خسارت های جانی جنگ احد

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لَاخُونَهُمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قَتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يَخِي وَيَمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...! »

این آیات نیز تتمه آياتی است که در خصوص جنگ احد نازل شده و این آیات متعرض مساله دیگری است که برای مسلمین پیش آمد و آن عبارت بود از تاسف و حسرتی که از کشته شدن جنگجویانشان و بزرگانیشان در دلشان پر شده بود.

آیات مورد بحث خطا و خبطی را که باعث این اسف و حسرت شد بیان می کند و سپس به امر دیگری اشاره می کند که زائیده آن اسف و حسرت بود و آن عبارت بود از سوء ظن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اینکه آن جناب، باعث شد که مسلمانان گرفتار آن حسرت و اسف شوند و در آن مهلکه بیفتند. این معنا از گفتار آنان استفاده می شود. اگر رودر بایستی نبود صریحا می گفتند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنان را به کشتن داد.

و آیات مورد بحث بیان می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به احدی خیانت نمی کند و این شان او نیست، بلکه او که فرستاده ای از ناحیه خدای تعالی است، شریف النفس و کریم الاصل و عظیم الخلق است و به رحمتی از خدای تعالی دارای خوئی نرم است، از خطاکاران مردم عفو می کند، برایشان استغفار می نماید و در امور، به دستور خدای تعالی با ایشان مشورت می کند و خدا با فرستادن چنین پیامبری بر آنان منت نهاده تا از ضلالت به سوی هدایت خارجشان کند!

### هدف آیه ۱۶۵ تا ۱۷۱ سوره آل عمران

(۲)

#### بیان مقام شهدا نزد خدا و مشیت الهی در مرگ و زندگی انسانها

« أَوْ لَمَّا أَصَبْتُمْ مَـصِيبَهُ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَنِي هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...! »

این آیات ادامه و تتمه آياتی است که در خصوص جنگ احد نازل شده و در آن متعرض حال عده ای از منافقین شده، که جماعت مؤمنین را در هنگام بیرون شدن از مدینه به سوی احد تنها گذاشتند و در این آیات پاسخ آن گفتاری هم که در باره

کشتگان داشتند داده و حال به شهادت رسیدگان را وصف می کند و می فرماید:

---

۱- المیزان ج : ۴ ص : ۸۲

۲- المیزان ج : ۴ ص : ۹۰



که این طایفه بعد از شهادتشان در مقام قرب الهی متنعم هستند و به بازماندگان بشارت می دهند که چنین مقام و منزلتی در انتظار شما نیز هست!

بعد از آنکه مؤمنین را نهی کرد از اینکه مثل کفار نباشند و بر کشتگان خود حسرت و اندوه نخورند، به این بیان که مرگ و زندگی تنها به دست خدا است، نه به دست ایشان تا بگویند اگر چنین نمی کردیم چنان نمی شد و اگر به دشمن نزدیک نمی شدیم و از شهر بیرون نمی رفتیم و یا اگر اصلاً حاضر به جنگ نمی شدیم اینطور نمی شد، اینک در این آیه همان مطلب را با بیان سبب نزدیکش که به حکم سنت اسباب باعث پدید آمدن شد شرح داده و می فرماید: سبب آن مصائب، نا فرمانی تیراندازان بود، که مراکز خود را خالی کردند و تازه بعد از خالی کردن نیز، از در معصیت پشت به قتال نمودند و خلاصه کلام اینکه سبب آن نا فرمانی و سرپیچی از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمانده این جنگ بود و این نا فرمانی باعث فشل و تنازعشان در امر و در آخر سبب شکستشان گردید و این خود سنتی است طبیعی و عادی!

### هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران

(۱)

### بیان مقام مقاومت کنندگان در جنگ احد

« الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات هم مربوط به آیات جنگ احد است.

اگر در مورد کسانی که دعوت خدا را اجابت کردند، هم نام خدا را برد و هم نام رسول را، با اینکه در این مقام می توانست به ذکر یکی از آن دو اکتفا کند، برای این بود که در داستان جنگ احد متخلفین هم نا فرمانی خدا را کردند و هم نا فرمانی رسول را، اما نا فرمانی خدا برای اینکه خدای تعالی آنان را از فرار از جنگ نهی کرده بود و به جهاد امرشان فرموده بود و آنان جهاد نکردند و بر عکس فرار نمودند و اما نا فرمانی رسول را کردند، برای اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن عده تیرانداز دستور داده بود از جای خود حرکت نکنند و مرکز خود را خالی ننمایند و آنان نا فرمانی کردند و نیز وقتی که بلندیهای کوه را پیش گرفته بودند و رسول صلی الله علیه و آله و سلم از آخرشان صداشان می زد، گوش به سخنش ندادند، به همین جهت در داستان آیات مورد بحث بدان جهت که دعوت خدا را اجابت کردند هم نام خدا را برد و هم نام رسول را و گویا فرموده در این داستان مثل داستان احد که خدا و رسول را نا فرمانی کرده بودند عمل نکردند بلکه دعوت خدا و رسول را اجابت نمودند.

### هدف آیه ۱۷۶ تا ۱۸۰ سوره آل عمران

(۱)

**نتیجه گیری از جنگ احد و بیان امتحان الهی**

« وَ لَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْأَخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات با آیات قبلی که در باره جنگ احد نازل شده بود ارتباط دارد و گویا همه آنها و مخصوصا چهار آیه اولش جزء همان آیات و تتمه آنها است ، چون مهم ترین مطلبی که در این آیات به چشم می خورد مساله ابتلا و امتحان الهی بر بندگان است و بنابر این آیات مورد بحث به منزله پایان و نتیجه گیری از آیات احد است و این معنا را بیان می کند که سنت ابتلا و امتحان سنتی است که خواه نا خواه جاری می شود ، هیچ فردی از افراد بشر نمی تواند از آن بگریزد ( نه کافر و نه مؤمن) پس خدای سبحان هر دو طایفه را مبتلا می کند تا آنچه در باطن این دو طایفه است بیرون بریزد و کافر برای آتش خالص شود و در بین مؤمنین هم خبیث از طیب جدا گردد.

**هدف آیه ۱۸۱ تا ۱۸۹ سوره آل عمران**

(۲)

**رد گفتارهای واهی یهود و تقویت روحیه مقاومت و انفاق در مسلمین**

« لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْآيَاتُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ...! »

این آیات مرتبط به ما قبل است، چون آیات سابق همه اش در این مقام بود که مردم را برای جهاد با جان و مال خود در راه خدا برانگیزاند و تشویق کند و از سستی و فشل و بخل بر حذر بدارد و این معانی کاملا با آیات مورد بحث که سخن از گفتار یهودیان دارد مرتبط است، چون یهودیان گفته بودند خدا فقیر است و ما همه اغنیائیم و از این گذشته امور را علیه مسلمین واژگونه می کردند و آیات خدای را تکذیب می نمودند و آنچه خدا از ایشان به عنوان پیمان گرفته بود که برای مردم بیان کنند بیان نکردند ، بلکه در مقابل ، سرپوش روی آن گذاشته و انکار و کتمان کردند ، اینها است مطالبی که در این آیات آمده که هم از نظر آنچه گفتیم مرتبط با آیات قبل است و هم از این جهت که خود مایه تقویت قلوب مؤمنین ، در برابر استقامت و صبر و ثبات گشته و هم بر انفاق در راه خدا تشویقشان می کند .

**هدف آیه ۱۹۰ تا ۱۹۹ سوره آل عمران**

(۳)

**بیان حال ابرار و دعا و درخواست آنها**

« إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ! الَّذِينَ

---

١- الميزان ج : ٤ ص : ١٢٠

٢- الميزان ج : ٤ ص : ١٢٧

٣- الميزان ج : ٤ ص : ١٣٤

يَذُكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ...!»

این آیات به منزله خلاصه گیری از بیان حال مؤمنین و مشرکین و اهل کتاب است که شرح حالشان در این سوره آمده بود ، به این بیان که می فرماید حال ابرار نیکان از مؤمنین ذکر خدای سبحان و تفکر در آیات او و پناه بردن به دامن او از عذاب آتش و درخواست مغفرت و جنت است ، خدای تعالی هم خواسته شان را بر آورد و به زودی نیز بر می آورد ( این حال عمومی ایشان است!) و اما کسانی که کافر شدند حالشان این است که در دنیا در میان متاعی قلیل می لولند و در آخرت جایگاهی آتشین دارند .

پس وضع مؤمنین را نباید با وضع کفار مقایسه کرد ، دسته سوم اهل کتابند که از کفار استثنا شده اند، البته نه همه آنها بلکه افرادی که از حق پیروی می کنند که چنین کسانی با مؤمنین هستند.

### هدف و فلسفه نزول سوره نساء

(۱)

#### بیان برخی احکام زناشوئی، ارث، نماز، جهاد، شهادت و تجارت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدِهِ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا! » (۱/نساء)

بطوری که از همین آیه ( که اولین آیه این سوره است،) بر می آید سوره نسا در مقام بیان احکام زناشوئی است، از قبیل اینکه: چند همسر می توان گرفت، با چه کسانی نمی توان ازدواج کرد و ... و نیز در مقام بیان احکام ارث است و در خلال آیاتش اموری دیگر نیز ذکر شده ، نظیر احکامی از نماز، جهاد، شهادت، تجارت و غیره و مختصری هم در باره اهل کتاب سخن رفته است .

و مضامین آیاتش شهادت می دهد بر اینکه این سوره در مدینه و بعد از هجرت نازل شده و از ظاهر آنها بر می آید که یک باره نازل نشده است ، هر چند که غالب آیات آن بی ارتباط به هم نیستند .

و اما آیه مورد بحث با چند آیه بعدش که متعرض حال یتیمان و زنان است فی نفسه به منزله زمینه چینی برای مسائل ارث و محارم است که بزودی متعرض آن

خواهد شد و اما عدد زوجات که در آیه سوم از آن سخن رفته هر چند که مساله زوجات از امهات مسائل سوره است اما آیه شریفه به عنوان طفیلی و استفاده از کلام ذکر شده، کلامی که گفتیم جنبه مقدمه و زمینه چینی دارد.

در آیه: «یا ایها الناس اتقوا ربکم...!» می خواهد مردم را به تقوا و پروا داشتن از پروردگار خویش دعوت کند، مردمی که در اصل انسانیت و در حقیقت بشریت با هم متحدند و در این حقیقت بین زنشان و مردشان، صغیرشان و کبیرشان، عاجزشان و نیرومندشان، فرقی نیست، دعوت کند تا مردم در باره خویش به این بی تفاوتی پی ببرند تا دیگر مرد به زن و کبیر به صغیر ظلم نکنند و با ظلم خود مجتمعی را که خداوند آنان را به داشتن آن اجتماع هدایت نموده آلوده نسازند، اجتماعی که به منظور تتمیم سعادتشان و با احکام و قوانین نجات بخش تشکیل شده، مجتمعی که خدای عز و جل آنان را به تاسیس آن ملهم نمود، تا راه زندگیشان را هموار و آسان کند همچنین هستی و بقای فرد فرد و مجموعشان را حفظ فرماید.

### هدف آیه ۳ تا ۶ سوره نساء

(۱)

### بیان قانون ازدواج و قانون ارث، دو اصل مهم حیات انسان

«وَأَتُوا الَّتِي مَلَئْتُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا...!»

این آیات، هم تتمه آیات قبل است و هم توطئه و مقدمه است که در ابتدای سوره آمده تا زمینه را برای بیان احکام ارث (مسائل مهمی از احکام ازدواج از قبیل تعدد زوجات و اینکه چند طایفه محرمند و نمی شود با آنان ازدواج کرد!) فراهم سازد.

این دو باب از بزرگترین و باعظمت ترین ابواب قوانین حاکمه در جامعه انسانی است. از همین جا روشن می شود که چرا و به چه عنایت برای بیان این احکام در اول سوره، آن زمینه چینی را کرد و بدون مقدمه مساله انتشار نسل بشر از یک زن و مرد را پیش کشید، آنگاه به بیان احکامی پرداخت که مربوط به اجتماع انسانی است، احکامی که اصول و فروع اجتماع بشر بستگی به آن دارد، آری، منصرف کردن مردم از سنت های غلط اجتماعی که بدان عادت کرده و افکارشان با آن پرورش یافته، گوشت و خونشان با آن روئیده، نیاکانشان بر آن سنت ها مرده اند و اخلاقشان بر آن نمو و رشد نموده اند، کاری است دشوار و در نهایت دشواری.

پس تشریح احکام نامبرده، نیازمند به آن مقدمه و زمینه چینی بود تا بتدریج افکار را متوجه غلط بودن سنت های جاهلیشان بکند و این معنا وقتی روشن می شود که خواننده محترم در وصف و حالتی که عالم بشریت عموماً و عالم عربی خصوصاً که

سرزمینشان محل نزول قرآن بود،) در آن دوره داشت، دقت و تأمل کند، آنگاه برایش روشن می گردد که چرا احکام نامبرده را بدون مقدمه بیان نکرد و چرا قرآن در همه احکام خود طریقه تدریج را طی نموده و آیاتش به تدریج نازل گردیده است!

## هدف آیه ۷ تا ۱۰ سوره نساء

(۱)

### بیان دستورالعمل اجرائی احکام ارث

« لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا...! »

از این آیه قانون احکام ارث آغاز می شود و آیات قبل جنبه مقدمه برای این تشریح را داشت و قبل از بیان تفصیلی و تک تک مسائل آن، بیانی اجمالی و مجموعی آورد تا به منزله قاعده کلی بوده باشد و بفهماند که بعد از ثبوت ولادت یک فرد از فردی دیگر و یا خویشاوندیش با او، دیگر کسی بطور ثابت و دائم از ارث محروم نیست و دیگر مثل ایام جاهلیت اطفال صغیر میت و زن او از ارث محروم نیست و علاوه بر اثبات این قاعده مردم را تحذیر هم کرد از اینکه یتیمان مردم را از ارث محروم نکنند که بی بهره کردن یتیم از ارث مستلزم آن است که سایر ورثه، اموال آنان را به ظلم بخورند و در جای دیگر این نهی را تشدید کرده بود و با این بیانات مساله رزق دادن یعنی دادن سهمی از اموال میت به خویشاوندان و ایتم و مساکین را در صورتی که هنگام تقسیم ارث حاضر باشند، بیان کرد و فرمود: به اینان هر چند وارث نیستند سهمی از مال بدهید!

در آیه شریفه: «للرجال نصيب مما ترك الوالدان والأقربون...!» حکمی کلی و سستی جدید تشریح شده که در اذهان مکلفین غیر مانوس و نا آشناست چرا که مساله وراثت، آنگونه که در اسلام تشریح شده، هیچ نظیری نداشته است بلکه عادات و رسوم بر این جاری بود که عده ای از وراثت، محروم از ارث باشند و این مرام آنقدر رایج بود که گوئی یک طبیعت ثانوی برای مردم به وجود آمده است، بطوری که اگر خلاف آن را می شنیدند عواطفشان تحریک می شد (البته عواطف کاذبی که در این مورد داشتند!)

بعد از آنکه استخوان بندی دین محکم شد و حکومت دین روی پای خود ایستاد، توارث بین ارحام را تشریح کرد، اسلام قانون ارث را زمانی تشریح کرد که عده ای کافی از مؤمنین آن تشریح را با بهترین وجه لیبک گفتند.

بعد از تاسیس آن قاعده می فرماید: «و للنساء نصيب مما ترك الوالدان والأقربون!» این جمله نیز مانند جمله قبلی تاسیس قاعده است و نیز مانند آن عام

است و شائبه هیچ تخصیصی در آن نیست، در نتیجه شامل همه زنان می شود، بدون هیچ تخصیصی و یا تقيیدی .

### هدف آیه ۱۱ تا ۱۴ سوره نسا

#### بیان دستور العمل اجرائی حکم ارث اولاد و بازماندگان

### هدف آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء

(۱)

#### بیان دستور العمل اجرائی قانون منع فحشا و زنا

« وَ الَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَحِشَةَ مِنْ نُسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا...! »

آیه شریفه در باره زنا نازل شده است.

کلمه فاحشه به معنای طریقه شنیعه است، ولی استعمالش در عمل شنیع زنا شایع شده است. از لحن آیه شریفه فهمیده می شود که حکمش دائمی نیست و بزودی نسخ می شود چون می فرماید: « او يجعل الله لهن سبيلا - و یا خدا راه علاجی برایشان قرار دهد! »

### هدف آیه ۱۷ و ۱۸ سوره نساء

(۲)

#### بیان حقیقت توبه و آثار و احکام آن

« إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا! وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ النَّسْ وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا! »

مضمون این دو آیه بی ارتباط با آیات قبلش نیست، چون این دو آیه نیز با ذکر توبه ختم شده، پس ممکن است که این دو با آن دو یک باره نازل شده باشد، البته در عین حال دو آیه آن مضمونی مستقل از مضمون دو آیه دیگر دارد و مشتمل است بر یکی از حقایق عالییه اسلام و از تعالیم مترقی قرآنی و آن عبارت است از حقیقت توبه و آثار و احکامش .

### هدف آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره نساء

## بیان برخی مسائل زندگی اجتماعی زنان

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا...! »

در این آیات به مسائل مربوط به زنان که قبلاً در آن سخن داشت برگشته بعضی دیگر از آن مسائل را بیان می کند و این آیات در عین حال مشتمل بر جمله: « وعاشروهن بالمعروف فان كرهتموهن فعسى ان تكرهوا شيئا و يجعل الله فيه خيرا كثيرا! »

۱- المیزان ج : ۴ ص : ۳۶۹

۲- المیزان ج : ۴ ص : ۳۷۵

۳- المیزان ج : ۴ ص : ۴۰۱



نیز هست که مضمونش اصلی است قرآنی ، برای زندگی اجتماعی زن!

## هدف آیه ۲۳ تا ۲۸ سوره نساء

(۱)

### بیان محرمات در ازدواج

« حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبَاتِكُمُ الَّتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا...! »

این آیات، آیات محکمه ای است که محرمات در باب ازدواج و آنچه را که در این باب حلال است بر می شمارد .

آیه قبل از این که حرمت ازدواج با زن پدر را بیان می کرد، هر چند به حسب مضمون جزء این آیات بود، الا اینکه چون از ظاهر سیاقش بر می آید که تتمه آیات سابق است، لذا ما آنرا جزء آن دسته آیات مورد بحث قرار دادیم، علاوه بر اینکه از نظر معنا نیز ملحق به آن آیات بود .

و به هر حال آیات مورد بحث همانطور که گفتیم در مقام بیان تمامی اقسام ازدواج های حرام است و در حرام بودن آنها هیچ تخصیصی و یا تقیدی نیاورده، ظاهر جمله: « و احل لکم ماوراء ذلکم - جز اینها که بر شمردیم همه برایتان حلال است! » که بعد از شمردن محرمات آمده، نیز همین است، که محرمات نامبرده بدون هیچ قیدی حرامند و در هیچ حالی حلال نمی شوند .

## هدف آیه ۲۹ و ۳۰ سوره نساء

(۲)

### نهی از خوردن مال به باطل

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...! »

این آیه شبهه اتصالی به آیات قبل دارد، چون مشتمل است بر نهی از خوردن مال به باطل، آیات سابق مشتمل بود بر نهی از خوردن مهر زنان از راه سخت گیری و تعدی، پس در حقیقت در این آیه از یک مساله خصوصی به مساله ای کلی انتقال حاصل شده است .

## هدف آیه ۳۱ سوره نساء

**بيان شرط آموزش گناهان صغيره**

« إِنَّ تَجْتَبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكْفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا! »

١- الميزان ج : ٤ ص : ٤١٤

٢- الميزان ج : ٤ ص : ٤٩٩

٣- الميزان ج : ٤ ص : ٥١١

این آیه بی ارتباط به ما قبلش نیست، چون در آیات قبل نیز سخن از معاصی رفته بود. از آیه شریفه دو چیز استفاده می شود: اول اینکه گناهان دو نوعند: صغیره و کبیره، دوم اینکه گناهانی که طبق آیه شریفه خدا از آن می گذرد به دلیل مقابله، گناهان صغیره است.

هیچ تردیدی نیست در اینکه آیه شریفه در مقام منت نهادن بوده و نویدی است که با عنایتی لطیف و الهی به گوش مؤمنین می رسد، که اگر از بعضی گناهان اجتناب کنند خدای عز و جل از بعضی دیگر گناهانشان در می گذرد، پس نباید پنداشت که این آیه شریفه مؤمنین را در ارتکاب گناهان صغیره جرأت می دهد، چرا که معنایی برای چنین توهمی نیست، چون هیچ تردیدی در این نیست که آیه شریفه از ارتکاب گناهان کبیره نهی می کند و ارتکاب صغیره از این جهت که مرتکبش به آن بی اعتنا است، خود مصداقی از مصادیق گناه کبیره است و آن عبارت است از طغیانگری و ناچیز شمردن دستور خدای سبحان، که نه تنها گناهی کبیره است، بلکه از بزرگترین گناهان به حساب آمده است.

آری آیه شریفه در چنین مقامی نیست، بلکه می خواهد به انسانی که خلقتش بر اساس ضعف و جهالت است و چون جهل و هوا بر او غلبه دارد هیچگاه خالی از ارتکاب گناهان نیست، وعده تکفیر بدهد و بفرماید تو ای انسان که همواره دستخوش کورانهای هوا و شهوتی اگر بتوانی خود را از ارتکاب کبایر کنترل کنی من وعده می دهم که از گناهان کوچکت صرفنظر کنم، پس زمینه آیه همان زمینه ای است که آیات توبه دارد، و بشر را به سوی توبه دعوت می کند!

### هدف آیه ۳۲ تا ۳۵ سوره نساء

(۱)

### اصلاح روابط معاشرت بین زنان و مردان

« وَ لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا...! »

این آیات مربوط به آیات گذشته ای است، که متعرض احکام ارث و احکام نکاح بود، در این آیات آن احکام را تاکید می کند و بعضی از احکام کلی را هم نتیجه می گیرد، احکامی که پاره ای از خللهایی که در معاشرت بین مردان و زنان رخ می دهد را، اصلاح می کند.

### هدف آیه ۳۶ تا ۴۲ سوره نساء

(۲)

### تشویق مسلمین به احسان و انفاق در راه خدا

« وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ

---

١- الميزان ج : ٤ ص : ٥٣١

٢- الميزان ج : ٤ ص : ٥٥٩

الْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا...!»

هفت آیه است که در آن مسلمان را تشویق و تحریک بر احسان و انفاق در راه خدا نموده و در ازای آن وعده جمیل داده و ترک آن را که یا به انگیزه بخل است و یا به انگیزه انفاق در راه خود نمایی است، مذمت کرده است - آری کسی هم که به عنوان خود نمایی انفاق می کند انفاق در راه خدا را ترک کرده است!

### هدف آیه ۴۳ سوره نساء

(۱)

### نهی از نماز در حال مستی، و بیان حکم تیمم

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا...!»

آیاتی که متعرض مساله شراب شده پنج طایفه است و اگر این پنج طایفه را پهلوی هم بگذاریم، این معنا به دست می آید که آیه مورد بحث بعد از آیه شریفه: « تتخذون منه سكرًا و رزقا حسنا، » و آیه شریفه: « قل انما حرم ربى الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم! » و قبل از آیه شریفه: « يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير و منافع للناس و اثمهما اكبر من نفعهما! » و نیز پیش از آیه شریفه: « يا ايها الذين آمنوا انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه! » نازل شده و آیه سوره مائده، آخرین آیه ای است که در باره شراب نازل شده است .

وقوع آیه مورد بحث بین آیات قبل و آیات بعدش در حقیقت به منزله جمله معترضه آوردن در بین دو سنخ مطلب است.

### هدف آیه ۴۴ تا ۵۸ سوره نساء

(۲)

### شرح فتنه های یهود برای انحراف مسلمانان و جلوگیری از انفاق

« أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ...!»

این آیات متعرض حال اهل کتاب است، ستمکاریها و خیانتهایی را که آنان در دین خدا کردند تفصیل می دهد. روشن ترین طایفه ای که این آیات با وضع آنان تطبیق می کند یهودند و این آیات سیاقی واحد و متصل دارد. خلاصه کلام این که از

آیات مورد بحث بر می آید، یهودیان به مؤمنین اظهار مودت و خیرخواهی می کرده اند

---

۱- المیزان ج: ۴ ص: ۵۶۹

۲- المیزان ج: ۴ ص: ۵۷۵

و از این راه آنان را فریب می داده اند، مثلاً به بخل و خودداری از انفاق و اداری می کردند، تا از این راه نگذارند زحمات مؤمنین به نتیجه برسد و قدمی به سوی تقدم و تعالی بردارند، این آن چیزی است که از ظاهر آیه بر می آید و لازمه این که در شان یهود و دوستان و هم رازهای یهود نازل شده باشد، نیز همین معنا است چون ثمره دوستی و سر و سر داشتن با یهود همین بود که به وسیله تحریفات یهود از راه منحرف شوند و هر جا که آنها بروند، آنان نیز بروند.

### هدف آیه ۵۹ تا ۷۰ سوره نساء

(۱)

#### دعوت به اطاعت خدا و رسول و اولی الامر و تجهیز مسلمین برای جهاد

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَزُودُوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا...! »

در این آیات مردم را تشویق و تحریک می کند، به این که خدا را اطاعت کنند و رسول و اولی الامر را نیز اطاعت کنند و بدین وسیله ریشه های اختلاف و مشاجره و نزاع را قطع نموده، هر جا که با یکدیگر درگیر شدند مساله را به خدا و رسولش ارجاع دهند و از نفاق پرهیزند، چنین نباشند که به ظاهر اظهار ایمان کنند ولی وقتی خدا و رسول بعد از ارجاع مساله مورد اختلاف به ضرر یکی حکم کرد، ناراحت شوند و کفر باطنیشان از این که تسلیم حکم خدا شوند بازماند و نیز تشویق می کند به این که تسلیم اوامر خدا و رسول باشند و هم چنان این مطالب را دنبال می کند، تا برسد به آیاتی که دعوت به جهاد می کند و حکم جهاد را روشن می سازد و به کوچ کردن از وطن در راه خدا می پردازد، پس همه این آیات مؤمنین را برای جهاد در راه خدا تجهیز می کند و نظام داخلی شان را منظم می سازد.

### هدف آیه ۷۱ تا ۷۶ سوره نساء

(۲)

#### تشویق به صبر و جهاد در راه خدا و مبارزه با فتنه انگیزی یهود

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا...! »

به طوری که ملاحظه می کنید این آیات در مقایسه با آیات قبل به منزله ذی المقدمه نسبت به مقدمه است. ساده تر بگویم آن آیات سخن از اطاعت خدا و رسول و اولی الامر داشت تا در این آیات غرض از آن اطاعت را که صبر در مقابل جهاد در راه خدا است بیان کند و معلوم است که تحریک مؤمنین بسوی جهاد جز این که مردم مطیع خدا و رسول و اولی الامر باشند، به نتیجه نمی رسد مخصوصاً در ایامی که این آیات نازل می شده مؤمنین در محنتی شدید قرار داشتند، چون نزول این آیات در

---

١- الميزان ج : ٤ ص : ٦١٤

٢- الميزان ج : ٤ ص : ٦٦٤



دوم از مدت اقامت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه بوده، که دشمنان دین از هر طرف هجوم آوردند، تا نور خدا را خاموش سازند و بنیان دین را که در حال بالا رفتن بود براندازند.

از سوی دیگر اطراف شهر مدینه و پیرامون مسلمانان آن جا، قبایلی از یهود بودند، که دائماً برای مؤمنین دردسر ایجاد می کردند و با آنان می جنگیدند و همین یهودیان و منافقین، مشرکین را علیه مسلمانان تشجیع می کردند و در مقاومت علیه مسلمین دلخوش می ساختند و در بقا و ادامه بر کفر و جمود خود تشویق نموده و وادارشان می کردند تا بیشتر به آزار مسلمانانی که در مکه بودند پردازند.

بنا بر این می توان گفت که این آیات مثل این که در همین مقام است، که کید یهودیان علیه مسلمین را خنثی کند و آثار القانات آنان بر مؤمنین را از بین ببرد.

### هدف آیه ۷۷ تا ۸۰ سوره نساء

(۱)

### ملامت رفتار سست ایمانها در برخورد با فرمان جهاد

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَّعَ الدُّنْيَا قَلِيلًا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلَّمُونَ فِتْيَالًا...! »

این آیات متصل به آیات قبل می باشند و همه یک سیاق دارند و یک هدف را تعقیب می کنند. این آیات مشتمل است بر استشهاد به وضع طائفه ای دیگر از مؤمنین که ایمانشان ضعیف است و در آن اندرز و تذکری هم هست به اینکه دنیا ناپایدار و نعمت های آخرت پایدار و دائمی است و نیز در این آیات حقیقتی از حقائق قرآنی را در خصوص حسنات و سیئات بیان فرموده است.

### هدف آیه ۸۱ تا ۸۴ سوره نساء

(۲)

### اندرز برای تقویت مسلمانان سست ایمان

« وَ يَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبْتَغُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلاً...! »

این آیات بی ارتباط به ما قبلش نیست، گویا بقیه گفتاری است که در آیات قبل در ملامت مسلمانان ضعیف الایمان داشت و فائده این تتمه اندرز آنان است، اندرز به نصایحی که بصیرتشان می دهد، البته اگر بخواهند تدبیر نموده و دارای بصیرت بشوند!

### هدف آیه ۸۵ تا ۹۱ سوره نساء

---

۱- المیزان ج: ۵ ص: ۳

۲- المیزان ج: ۵ ص: ۲۴

(۱)

**دستور قتال با مشرکین دو چهره و منافق**

« مَنْ يَشْفَعُ شَفَعَهُ حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَعَهُ سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا...! »

این آیات متصل به آیات قبل است و اتصالش از این جهت است که همه این هفت آیه درباره امر قتال با طائفه ای از مشرکین یعنی مشرکین دو چهره و منافق سخن می گوید. اگر در این آیات دقت شود روشن می گردد که درباره کسانی از مشرکین نازل شده که چون به مسلمانان بر می خوردند اظهار ایمان می کردند و چون به محل خود بر می گشتند با مشرکین در شرک آنان شرکت می نمودند و در نتیجه درباره جنگیدن با آنان دچار تردید می شدند، مسلمانان نیز درباره قتال با اینگونه افراد مردد بودند! خدای سبحان در این آیات فرمان داده که باید یا مهاجرت کنند و یا قتال، و مؤمنین را از اینکه در حق آنان شفاعت کنند بر حذر می دارد!

ملحق به این طائفه قومی دیگرند که در این آیات به آنان فرمان می دهد باید یا تسلیم شوند و یا آماده جنگ گردند، چون در این آیات سخن صلح رفته و دو جمله در دو آیه آورده: یکی بیانگر حال شفاعت و دیگری بیانگر حال تحیت!

**هدف آیه ۹۲ تا ۹۴ سوره نساء**

(۲)

**نهی تشریحی قتل عمد**

« وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصَدَقَةٌ يَوْمَ الشَّهْرَيْنِ مُتَتَابِعِينَ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا! وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا...! »

چون آیه در مقابل آیه بعدی قرار دارد که می فرماید: « و من یقتل مؤمنا متعمدا ... ! » و مراد از نفی در جمله مورد بحث نفی اقتضاء است، می خواهد بفرماید: در مؤمن بعد از دخولش در حریم ایمان و قرقگاه آن، دیگر هیچ اقتضائی برای کشتن مؤمنی مثل خودش وجود ندارد، هیچ نوع کشتن مگر کشتن از روی خطا!

آیه مورد بحث با این حال در مقام آن است که بطور کنایه از کشتن مؤمن به عمد نهی تشریحی کند و بفرماید خدای تعالی هرگز این عمل را مباح نکرده و تا ابد نیز مباح نمی کند و او کشتن مؤمن، مؤمن دیگر را تحریم کرده، مگر در یک صورت و

١- الميزان ج : ٥ ص : ٤١

٢- الميزان ج : ٥ ص : ٥٨

آن صورت خطا است، چون در این فرض - که قاتل قصد کشتن مؤمن ندارد یا بدین جهت که اصلاً قصد کشتن را ندارد و یا اگر قصد دارد به این خیال قصد کرده که طرف کافری است جائر القتل که در مورد کشتن او هیچ حرمتی تشریح نشده است .

### هدف آیه ۹۵ تا ۱۰۰ سوره نساء

(۱)

#### تبیین درجات مجاهدین و موقعیت قاعدین

« لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا...! »

غرض از جمله مورد بحث ترغیب و تحریک مسلمانان بر قیام به امر جهاد است ، تا مسلمین در رفتن به جهاد شتاب نموده ، از یکدیگر سبقت بگیرند!

دلیل دیگر بر اینکه مراد این معنا است این است که خدای سبحان اولی الضرر ( بیماران و نایبانیان و امثال آنان) را استثناء کرده ، سپس حکم کرد به اینکه قاعدون و مجاهدین یکسان نیستند، با اینکه اولی الضرر در مساوی نبودنشان با مجاهدین در راه خدا مانند قاعدینند .

### هدف آیه ۱۰۱ تا ۱۰۴ سوره نساء

(۲)

#### بیان نماز خوف و احکام آن

« وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا...! » (۱۰۱ تا ۱۰۴/نساء)

در این آیات نماز خوف و نماز شکسته در سفر تشریح شده و منتهی می شود به ترغیب مؤمنین به اینکه مشرکین را تعقیب کنند و در جستجوی آنان باشند.

این آیات مرتبط و متصل به آیات قبل است، چون سخن از نماز خوف دارد که مربوط به میدانهای جنگ است و سخن از شکستن نماز در سفر دارد که آن نیز بی ارتباط با جنگ نیست، چون جهاد غالباً مستلزم مسافرت است ، آیات قبل هم درباره جهاد سخن می گفت و متعرض شؤون مختلف آن بود .

### هدف آیه ۱۰۵ تا ۱۲۶ سوره نساء

### توصیه به عدل در داوری و قضاوت

« إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا...! »

آنچه دقت و تدبر در این آیات به ما افاده می کند این است که این آیات سیاقی واحد دارند و در یک زمینه سخن دارند و آن توصیه به عدل در داوری و نهی

۱- المیزان ج : ۵ ص : ۷۰

۲- المیزان ج : ۵ ص : ۹۶

۳- المیزان ج : ۵ ص : ۱۰۹

از این که قاضی در قضای خود به یکی از دو طرف دعوی متمایل بشود و حاکم در حکم راندنش به سوی مبطلین گرایش یابد و بر صاحبان حق جور کند، حال مبطل هر که می خواهد باشد و محق هر که می خواهد باشد!

و این معنا را با اشاره به پاره ای از حوادثی که در زمان نزول این آیات رخ داده و سپس بحث پیرامون حقایق دینیه ای که مربوط به آن حوادث است بیان می کند و نتیجه می گیرد که پس مؤمنین باید ملتزم به آن حقایق دینی باشند و آن را رعایت کنند. به مؤمنین هشدار می دهد که دین خدا در واقع یک حقیقت است، نه صرف اسم و مردم وقتی از منافع آن برخوردار می شوند که به راستی متلبس به دین و متصف به دینداری باشند و صرف اینکه خود را متدین نام بگذارند آن منافع را به ایشان عاید نمی سازد.

و ظاهراً آن حادثه و قصه همان است که جمله: «و من یکسب خطیئه او اثماً ثم یرم به بریئاً فقد احتمل بهتانا و اثماً مینا!» بدان اشاره دارد، چون از این آیه استفاده می شود که در آن روز گناهی از قبیل دزدی و قتل نفس یا اتلاف مال مردم یا اضرار به مردم و یا گناهی نظیر اینها که مرتکبش می تواند آن را به گردن دیگران بیندازد اتفاق افتاده بود و منظور مرتکب این بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در حکم کردن به اشتباه بیندازد و مثلاً مردی بی گناه را مجازات کند ولی خدای تعالی آن جناب را از اشتباه حفظ کرده است.

و ظاهراً همین داستان نیز مورد اشاره آیات اول مورد بحث بوده باشد، آنجا که می فرماید: «و لا تکن للکائناتین خصیماً!» و آنجا که می فرماید: «یستخفون من الناس!» و آنجا که می فرماید: «ها انتم هؤلاء جادلتم عنهم!» چون خیانت هر چند ظاهرش آن خیانت‌هایی است که در امانت‌ها و سپرده‌ها واقع می شود و لیکن سیاق آیه شریفه: «ان الله لایحب من کان خوانا اثیماً یستخفون من الناس...!» چنین دست می دهد که مراد از خیانت، آن قسم خیانتی است که در سرقت و امثال آن تحقق می یابد.

به این عنایت که مؤمنین تن واحدی فرض شده و اموال مؤمنین، اموال آن یک تن فرض شده، بطوری که اگر مال یکی به سرقت برود دیگران مسؤولند و دیگران باید رعایت احترام مال او را بکنند و در حفظ و حمایت آن اهتمام بورزند و بنا بر این عنایت اگر بعضی از این تن واحد به مال بعض دیگر تعدی کند در حقیقت به خود تعدی و خیانت کرده است.

و بنا بر این، تدبر در آیات شریفه این معنا را به ذهن نزدیک می کند که گویا

قصه مورد نظر آیه، سرقتی بوده که از بعضی مؤمنین سر زده و داستان به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و سارق برای دفاع از خود یک فرد بی گناهی را متهم ساخته و خویشاوندان دزد واقعی اصرار ورزیده اند که به نفع آنان حکم بفرماید و مبالغه کرده اند در اینکه حکم را به نفع آنان و علیه متهم تغییر دهند و در نتیجه این آیات نازل شده و متهم را از تهمتی که به وی زده اند تبرئه نموده است .

و از این آیات حجت بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و عصمتش و حقائقی دیگر نیز استفاده می شود که بیانش ( در جای خود در المیزان) آمده است.

### هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۴ سوره نساء

(۱)

### تاکید بر الهی بودن احکام نازل در باره حقوق زنان و ایتمام

« وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمَى النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ مِمَّا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوَالِدِينَ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا...! »

گفتار در این آیات در حقیقت برگشت به مطالب اول سوره است که آنجا نیز سخن در امور زنان بود، مسائل ازدواج و اینکه ازدواج با چه کسانی حرام است و مسائل ارث و غیره را بیان می کرد، در اینجا نیز به همان مسائل پرداخته شده و آنچه سیاق به ما می فهماند این است که این آیات بعد از آن آیات نازل شده و اینکه مردم بعد از شنیدن آن آیات در امر زنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سؤال هائی کرده بودند، چون در آیات اول سوره رسوم ریشه دار عرب را لغو و باطل اعلام کرده و آنچه مردم جاهلیت از حقوق زنان در اموال و در معاشرت ها پایمال کرده بودند را احیاء کرده بود و جای آن داشت که سؤال کنند و توضیح بخواهند .

خدای تعالی رسول گرامی خود را دستور داد تا در پاسخشان بگوید که: احکامی که در شریعت او به نفع زنان و به ضرر مردان تشریح شده فتاوائی است آسمانی و احکامی است الهی و خود آن جناب در تشریح آنها هیچگونه دخالتی نداشته و نه تنها در تشریح این احکام دخالت ندارد بلکه در تشریح هیچ حکمی دیگر و از آن جمله تشریح احکام مربوط به ایتمام زنان هیچ دخالتی ندارد و باز این تنها نیست بلکه خدای تعالی بطور کلی در باره ایتمام دستورشان داده که به قسط و عدالت رفتار کنند!

آنگاه چند حکم از احکام اختلافی بین زن و شوهر را که مورد ابتلاء عموم است بیان فرموده است.

### هدف آیه ۱۳۵ سوره نساء



(۱)

**بیان حکم ادای شهادت با قیام به عدل**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا! »

در این آیه (که غرض از آن بیان حکم شهادت است!) قبل از پرداختن به اصل غرض صفت قوام بالقسط را آورد، برای این بوده که خواسته است مطلب را به تدریج بیان کند، از بالا- گرفته در دایره وسیعی حکم عمومی قیام به قسط را بیان کند، آنگاه به اصطلاح عوام به مساله مورد غرض گریز بزند، چون این مساله یکی از فروع آن صفت است، پس گویا فرموده: «کونوا شهداء لله - گواهانی در راه خدا باشید!» و این برای شما میسر نمی شود مگر بعد از آنکه قوامین به قسط باشید، ناگزیر باید نخست قوامین به قسط شوید تا بتوانید گواهانی برای خدای تعالی بوده باشید.

در جمله: «شهداء لله!» می فرماید: گواهانی باشید و این گواهیتان برای خدا باشد، یعنی در شهادت خود غایت و هدفی به جز رضای خدای تعالی نداشته باشید و معنای برای خدا بودن شهادت این است که شهادت مصداق پیروی حق و به خاطر اظهار حق و زنده کردن حق باشد!

**هدف آیه ۱۳۶ تا ۱۴۷ سوره نساء**

(۲)

**بیان الزامی بودن ایمان به جمیع معارف الهی**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا...! »

در اول آیات شریفه مؤمنین را با اینکه ایمان آورده اند دستور می دهد برای بار دوم ایمان بیاورند و اینکه گفتیم برای بار دوم ایمان بیاورند به خاطر دو قرینه بود، قرینه اول اینکه متعلق ایمان دوم را بطور تفصیل شرح می دهد و می فرماید: «به خدا و رسول او و کتاب او ایمان بیاورید...!» و قرینه دوم این است که تهدید کرده که اگر به تک تک این جزئیات و تفصیل ایمان نیاورید به ضلالتی بعید گمراه شده اید! پس معلوم می شود که مراد از ایمان اول ایمان بطور اجمال و سر بسته و در بسته است و مراد از ایمان دوم، ایمان به تفصیلی است که در آیه بیان نموده و حاصل مضمون آیه این است که مؤمنین باید ایمان سر بسته و اجمالی خود را بر تک تک این جزئیات



بگسترند، برای اینکه این جزئیات معارفی هستند که به یکدیگر مرتبط و وابسته اند و هر یک مستلزم بقیه است .

یکی از مصادیق نفاق این است که مؤمنی که اظهار ایمان می کند روش و مسیری را پیش بگیرد که در آخر منتهی شود به رد بعضی از آن معارف و احکام، مثلاً از مجتمع مؤمنین کنار بکشد و به طرف مجتمع کفار نزدیک گردد و آنها را دوست خود بگیرد و خرده گیری هائی که آنان به دین و اهل ایمان دارند تصدیق کند و یا اعتراض و استهزائی که آنان نسبت به حق و اهل حق دارند بپذیرد و به همین جهت بوده که خدای تعالی بعد از این آیه متعرض حال منافقین شده و آنان را به عذاب الیم تهدید کرده است.

### هدف آیه ۱۴۸ تا ۱۴۹ سوره نساء

(۱)

#### نهی از زشت کلامی و بددهانی مگر برای ظلم شدگان

« لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا...! »

اینکه فرمود: خدا سخن زشت به جهر گفتن را دوست نمی دارد کنایه است از اینکه در شریعتی که تشریح فرموده، این عمل را نکوهیده شمرده، حال چه نکوهیده به حد حرمت و چه اینکه زشتی آن به حد حرمت نرسد و از حد کراهت و اعانه تجاوز نکند! لیکن کسی که مورد ظلم شخصی یا اشخاصی قرار گرفته، می تواند در مورد خصوص آن شخص و یا اشخاص و در خصوص ظلمی که به وی رفته، سخن زشت و با صدای بلند بگوید ( و همین خود قرینه است بر اینکه چنین کسی نمی تواند هر چه از دهانش بیرون بیاید به او نسبت دهد و حتی آیه شریفه دلالت ندارد بر اینکه نمی تواند بدی های دیگر او را که ربطی به ظلمش ندارد به زبان بیاورد بلکه تنها می تواند با صدای بلند ظلم کردنش را بگوید و صفات بدی از او را به زبان آورد که ارتباط با ظلم او دارد).

### هدف آیه ۱۵۰ تا ۱۵۲ سوره نساء

(۲)

#### بیان حقیقت کفر یهود و نصاری

« إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا...! »

این آیات، انعطاف و توجهی به حال اهل کتاب کرده، حقیقت کفر آنان را بیان می کند و عده ای از مظالم و گناهان و سخنان فاسدشان را شرح می دهد:

۱- المیزان ج: ۵ ص: ۲۰۰

۲- المیزان ج: ۵ ص: ۲۰۵

می ورزند، اهل کتاب یعنی یهود و نصارا است که یهود به موسی ایمان می آورند ولی به عیسی و محمد علیهما السلام کفر می ورزند و نصارا به موسی و عیسی علیهما السلام ایمان دارند ولی به محمد صلی الله علیه و آله و سلم کفر می ورزند و این دو طائفه می پندارند که به خدا و به بعضی از رسولان او کفر نورزیده، تنها به بعضی دیگر از رسولان او کفر ورزیده اند، در حالی که در آیه مورد بحث بطور مطلق فرموده: اینها به خدا و همه رسولان خدا کفر ورزیده اند!

### هدف آیه ۱۵۳ تا ۱۶۹ سوره نساء

(۱)

#### بیان ادعاها و ظلم های یهود

« يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَن ذَلِكُمْ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطٰنًا مُّبِينًا...! »

این آیات سؤالی را که اهل کتاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کرده اند باز گو می کند و آن این بوده که خدای تعالی کتابی را از آسمان بر خود آنان نازل کند، چون آنها با نزول قرآن به وسیله وحی جبرئیل آن هم آیه آیه و تکه تکه قانع نشده بودند و خواستند تا کتابی در بسته مانند مرغی از هوا به سوی آنان پائین آید و سپس به جواب آنان پرداخته می فرماید: « از موسی بزرگتر از این را خواستند، بدو گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده که صاعقه آنان را به خاطر ظلمشان بگرفت، با این حال باز ایمان نیاورده، بعد از آن همه معجزه، گوساله را خدای خود گرفتند و ما از این ظلمشان نیز در گذشتیم و به موسی دلیلی قاطع و روشن دادیم!»

### هدف آیه ۱۷۰ تا ۱۷۵ سوره نساء

(۲)

#### دعوت جامعه بشری برای ایمان به قرآن و رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بِالْحَقِّ مِنَ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا...! »

بعد از آنکه از پیشنهاد اهل کتاب و درخواستشان مبنی بر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کتابی از آسمان بر ایشان نازل کند پاسخشان داد و بیان کرد که رسول او هر چه آورده به حق آورده و از ناحیه پروردگارش آورده و کتابی که از ناحیه پروردگارش آورده، حجتی است قاطع که هیچ شکی و تردیدی در آن نیست، اینک در این آیات نتیجه گیری کرده که پس قرآن حق دارد تمامی بشر را دعوت کند به سوی رسول اسلام و کتاب او!

خطاب در اول آیات عمومی است و همه اهل کتاب و غیر اهل کتاب را و یا به عبارت دیگر تمامی بشر را مورد خطاب قرار داده است و مضمون آن متفرع و نتیجه گیری از بیانی است که قبلاً در باره اهل کتاب داشت و اگر خطاب را عمومی کرد

---

۱- المیزان ج: ۵ ص: ۲۰۸

۲- المیزان ج: ۵ ص: ۲۴۰

برای این بود که نه شایستگان برای این دعوت و برای ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منحصر در اهل کتاب بودند و نه رسالت رسول خدا اختصاص به قومی خاص داشت!

### هدف آیه ۱۷۶ سوره نساء

(۱)

#### بیان سهم کلاله

« يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ امْرَأًا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِيهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتْ ابْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ! »

از این آیه شریفه سهام و یا به عبارتی فریضه های کلاله یعنی خویشاوندان پدری و مادری و یا پدری تنها را بطوری که سنت آن را تفسیر کرده بیان می کند، همچنانکه بر حسب بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیه اول سوره سهام کلاله مادری را بیان می کرد، دلیل بر این معنا این است که سهام و فریضه هائی که در اینجا آمده بیشتر از سهامی است که در آنجا آمده و از این آیات استفاده می شود که سهام مردان از سهام زنان بیشتر است!

### هدف و فلسفه نزول سوره مائده

(۲)

#### دعوت به وفای عهدها، پایداری در پیمانها، و نهی از نقض میثاقها

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مَحَلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ...! »

(۳ تا ۱/مائده)

اگر در آیات این سوره، آیات اول و آخر و وسطش دقت کنیم و در مواعظ و داستانهائی که این سوره متضمن آنها است تدبر کنیم، خواهیم دریافت که غرض جامع از این سوره دعوت به وفای به عهدها و پایداری در پیمانها و تهدید و تحذیر شدید از شکستن آن و بی اعتنائی نکردن به امر آن است و اینکه عادت خدای تعالی به رحمت و آسان کردن تکلیف بندگان و تخفیف دادن به کسی که تقوا پیشه کند و ایمان آورد و باز از خدا بترسد و احسان کند جاری شده، نیز بر این معنا جاری شده که نسبت به کسی که پیمان با امام خویش را بشکند و گردن کشی و تجاوز آغاز نموده

١- الميزان ج : ٥ ص : ٢٥٠

٢- الميزان ج : ٥ ص : ٢٥٥



از بند عهد و پیمان در آید و طاعت امام را ترک گوید و حدود و میثاقهائی که در دین گرفته شده بشکند، سخت گیری کند

و به همین جهت است که می بینی بسیاری از احکام حدود و قصاص، داستان مائده زمان عیسی علیه السلام، که از خدا خواست مائده ای از آسمان برای او و یارانش بیاید، داستان دو پسران آدم و اشاره به بسیاری از ظلمهای بنی اسرائیل و پیمان شکنی های آنان در این سوره آمده است. در آیاتی بر مردم منت می گذارد که دینشان را کامل و نعمتشان را تمام کرد و طیبات را بر ایشان حلال و خبائث را بر ایشان حرام کرد و احکام و دستوراتی بر ایشان تشریح کرد که مایه طهارت آنان است و در عین حال عسر و حرجی هم نمی آورد.

مناسب با زمان نزول این سوره نیز تذکر این مطالب بوده، برای اینکه اهل حدیث و تاریخ اتفاق دارند بر اینکه سوره مائده آخرین سوره از سوره های مفصل قرآن است، که در اواخر ایام حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آن جناب نازل شده، در روایات شیعه و سنی هم آمده که در مائده ناسخ هست ولی منسوخ نیست، چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند و مناسب با این وضع همین بود که در این سوره به حفظ پیمانهای که خدای تعالی از بندگانش گرفته و خویشتن داری در حفظ آنها سفارش کند!

## هدف آیه ۴ و ۵ سوره مائده

(۱)

### بیان ضابطه ای کلی برای تشخیص حلال از حرام

« يَسْأَلُونَكَ مِا ذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبُ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ...! » ( ۴ و ۵ / مائده)

در آیه اول سؤالی است مطلق و کلی و جوابی هم که از آن داده شده عمومی و مطلق است و در آن ضابطه ای کلی برای تشخیص حلال از حرام است داده و آن این است که حلال آن چیزی است که تصرف در آن - البته نه هر تصرف بلکه تصرفی که هر عاقلی غرض از آن چیز را همان تصرف می داند، از قبیل خوردن نان نه خفه کردن کودکی به وسیله نان - امری طیب و معقول شمرده شود.

و اگر طیبات را مطلق آورد این اطلاق نیز برای این است که بفهماند معتبر در تشخیص طیب از خبیث فهم متعارف عموم مردم است، نه فهم افراد استثنائی که یا از پاره ای خبائث لذت می برند و یا از پاره ای طیبات دچار تهوع می شوند، پس هر چیزی که فهم عادی عموم مردم آن را طیب بداند آن طیب است و هر چیزی هم که



طیب شد حلال است.

و اگر حلیت و طیب بودن را بفهم متعارف انسانها و اگذار کردیم از پیش خود نکردیم ، بلکه همانطور که گفتیم از این جهت بود که هیچ مطلقى شامل فرد غیر متعارف نمی شود و این مساله در فن اصول ثابت شده است .

### هدف آیه ۶ و ۷ سوره مائده

(۱)

### بیان حکم طهارت های سه گانه

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ...! »

آیه اول از این آیات متعرض حکم طهارت های سه گانه یعنی غسل، وضو و تیمم است، آیه بعدش جنبه متمم و یا مؤکد حکم آن را دارد، البته در بیان حکم طهارت های سه گانه یک آیه دیگر هست که در سوره نساء قرار دارد و آن آیه زیر بود که می فرمود: «... و لا جنبا الا عابری سبیل حتی تغتسلوا و ان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم ان الله کان عفوا غفورا!» و آیه سوره مائده از آیه سوره نساء روشنتر و گویاتر و نسبت به جهات حکم شاملتر است!

### هدف آیه ۸ تا ۱۴ سوره مائده

(۲)

### بیان کلیاتی از امور مهم دنیائی و آخرتی ، فردی و اجتماعی مومنین

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ...! »

اتصال این آیات به آیات قبل روشن است و هیچ عباری بر آن نیست ، چون یک سلسله خطابهائی است به مؤمنین که در آنها کلیاتی از امور مهم دنیائی و آخرتی، فردی و اجتماعی آنان را بیان می کند .

### هدف آیه ۱۵ تا ۱۹ سوره مائده

## دعوت اهل کتاب به پیروی از رسول الله و قرآن

« يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ...! »

خدای تعالی بعد از آنکه مساله پیمان گرفتن از اهل کتاب بر اینکه رسولان او

۱- المیزان ج : ۵ ص : ۳۵۳

۲- المیزان ج : ۵ ص : ۳۸۳

۳- المیزان ج : ۵ ص : ۳۹۵

را یاری و تعظیم و احکام او را حفظ کنند، خاطر نشان کرد و نیز بعد از آنکه مساله نقض پیمان را ذکر کرد، اینک در این آیات آنان را دعوت فرموده به اینکه به فرستاده ای که او فرستاده و به کتابی که او بر وی نازل کرده ایمان بیاورند چیزی که هست این دعوت را با زبان معرفی رسول و کتاب و استدلال بر اینکه آن رسول و کتاب حقند و اتمام حجت علیه آنان بیان کرده است.

علاوه بر تعریف و اقامه بینه و استدلال و اتمام حجت، این آیات مطلب دیگری را نیز متعرض شده و آن رد گفتار بعضی از مسیحیان است، که گفته اند: مسیح پسر خدا است و رد گفتار بعضی از یهودیان که گفته اند: ما یهودیان پسران و دوستان خدائیم!!

### هدف آیه ۲۰ تا ۲۶ سوره مائده

(۱)

#### بیان نقض میثاق یهود و گرفتاری آنها به سرگردانی و عذاب تیه

« وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَ آتَاكُمْ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ...! »

این آیات بی ربط با آیات قبل و بدون اتصال به آنها نیست برای اینکه آیات قبل بطوری که ملاحظه کردید سخنی از سر پیچی اهل کتاب در قبول دعوت اسلام داشت، این آیات نیز به پاره ای از میثاقهایی که از اهل کتاب گرفته شده بود اشاره دارد و آن میثاق این بود که با خدا پیمان بستند که نسبت بدانچه موسی می گوید مطیع محض باشند، ولی در برابر موسی جبهه گیری نموده، بطور صریح دعوتش را رد کردند و خدای تعالی در کیفر این گناهشان به عذاب تیه و سرگردانی که خود عذابی از ناحیه خدا بود گرفتار نمود!

### هدف آیه ۲۷ تا ۳۲ سوره مائده

(۲)

#### بیان جنایات حسد و داستان پسران آدم

« وَ أَنْزَلُ عَلَيْهِمْ نَبِيًّا ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ...! »

این آیات از داستان پسران آدم خبر می دهد و سبب پدید آمدن آنرا حسد دانسته، می فرماید حسد کار آدمی را به جایی می کشاند که حتی برادر برادر خود را بنا حق به قتل برساند و آنگاه که فهمید از زیانکاران شده پشیمان می گردد، پشیمانی ای

که هیچ سودی ندارد.

این آیات به همین معنا مربوط به گفتار در آیات قبل است که در باره بنی اسرائیل می فرمود استنکافشان از ایمان به فرستاده خدا و امتناعشان از قبول دعوت

---

۱- المیزان ج : ۵ : ص : ۴۶۴

۲- المیزان ج : ۵ : ص : ۴۸۴

حقه جز به خاطر حسد و ستمگری نبود، آری همه اینها آثار شوم حسد است، حسد است که آدمی را وادار می کند برادر خود را بکشد و سپس او را در آتش ندامت و حسرتی می اندازد که راه فرار و نجاتی از آن نیست، پس باید که اهل عبرت از این داستان عبرت گرفته در حس حسادت و سپس در کفری که اثر آن حسادت است اصرار نورزند!

### هدف آیه ۳۳ تا ۴۰ سوره مائده

(۱)

#### بیان حد شرعی مفسدین و دزدان

« إِنَّمَا جَزَاُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات خالی از ارتباط با آیات قبل نیست، برای اینکه آیات قبل که داستان برادر کشی فرزندان آدم را نقل می کرد و می فرمود به همین جهت بر بنی اسرائیل نوشتیم که چنین و چنان، گو اینکه ارتباط مستقیمش با مطالب قبل بود که پیرامون حال و وضع بنی اسرائیل سخن می گفت و گو اینکه در آن آیات بطور صریح نه یک حد شرعی بیان شده بود و نه یک حکم الهی و لیکن بطور ضمنی و یا به عبارتی به ملازمه با آیات مورد بحث که بیانگر حد شرعی مفسدین و دزدان است ارتباط دارد.

### هدف آیه ۴۱ تا ۵۰ سوره مائده

(۲)

#### دستور العمل حکمیت و قضاوتهای رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْزِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات دارای اجزائی مرتبط به هم بوده و همه یک زمینه و یک سیاق دارند که از آن بر می آید در باره طائفه ای از اهل کتاب نازل شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را در پاره ای از احکام تورات و اینکه آیا این حکم از تورات است و یا نیست حکم قرار داده بودند و امید داشتند که آن جناب حکمی بر خلاف حکم تورات کند تا بهانه ای به دست آورند و از حکم تورات فرار کنند و لذا به یکدیگر می گفتند: اگر بر طبق میل شما حکم کرد آنرا بگیری و اگر همان حکم تورات را کرد از او بر حذر باشید!

١- الميزان ج : ٥ ص : ٥٣١

٢- الميزان ج : ٥ ص : ٥٥١



و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنان را به حکم تورات ارجاع داد، به همین جهت اهل کتاب از آن جناب اعراض کردند.

و نیز از سیاق آیات بر می آید که در آن میان طائفه ای از منافقین بودند که به هر طرف که اهل کتاب متمایل می شدند آنها نیز به همان سوی متمایل می شدند و منظورشان این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را وادار سازند تا بر طبق هوای دل آنان حکمی بکند و در مساله ای که برای اهل کتاب پیش آمده بود طرفداری از اقویاء کند و خلاصه همان رسم جاهلیت را به کار گیرد.

این آیات در عین اینکه در باره داستانی شخصی نازل شده بیاناتش مستقل است و مقید به آن قصه نیست و این خود از مشخصات آیات قرآنی است که هر چند در باره شان نزول معینی نازل شده باشد و سبب خاصی از حوادث واقعه، زمینه نزول آن آیات باشد مع ذلک آن سبب خاص به عنوان مصداقی از مصادیق بسیار تلقی شده که بعدها نیز تحقق می یابد و این بدان جهت است که قرآن کریم در باره عصر نزولش و مردم آن عصر نازل نشده کتابی است جهانی و دائمی، مقید به زمان و مکان خاصی نیست و به قوم یا حادثه خاصی اختصاص ندارد، همچنانکه در آن آمده: «ان هو الا ذکر للعالمین!»

### هدف آیه ۵۱ تا ۵۴ سوره مائده

(۱)

### نهی و تهدید شدید خدا درباره دوستی با اهل کتاب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ...»

سیر اجمالی در این آیات آدمی را در باره اتصال آنها به ما قبلش و نیز به ما بعدش که می فرماید: «انما وليكم الله و رسوله...!» و نیز اتصال آن دو آیه به ما بعدش که می فرماید: «يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزوا...!» و نیز اتصال آنها به آیه: «يا ايها الرسول...!» دچار تردید و توقف می کند.

اما چهار آیه مورد بحث که به یهود و نصارا تذکر می دهد و ما این را می دانیم که قرآن کریم در آیاتی که در مکه نازل شده هیچ صحبتی از یهود نکرده، چون آن روز احتیاج و سر و کاری با این دو طائفه نبوده و تنها در آیات مدنی سخن از این دو طائفه رفته است، آن هم در آیاتی که در اول هجرت نازل شده، چون در اوائل هجرت بود که مسلمانان ناگزیر بودند با یهودیان معاشرت و آمیزش داشته باشند و یا با آنان پیمان و عهد ببندند و یا تنها در مقام دفع کید و مکر یهود بوده باشند ولی هیچ تماس و اصطکاک با نصارا نداشتند مگر در نیمه آخر ده سال توقف آن جناب در



مدینه و بعید نیست چهار آیه مورد بحث در این مدت نازل شده باشد و شاید مراد از کلمه فتح در این آیات فتح مکه باشد، لیکن احتمال قابل اعتماد این است که سوره مائده در سال حجه الوداع و بعد از فتح مکه نازل شده باشد.

بنا بر این یا مراد از کلمه فتح، فتح دیگری غیر از فتح مکه است و یا اینکه این آیات قبل از فتح مکه و قبل از نزول همه سوره نازل شده است.

سؤال دیگری که در این آیات هست این است که آیا آیه چهارم که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم ...!» متصل به سه آیه قبل از خودش است؟ و سؤال دیگر اینکه این گروهی که احتمال می رفته که از دین خود مرتد شوند و آیه به عنوان پیشگوئی از ارتداد آنها خبر می دهد چه کسانی بوده اند؟ سؤال چهارم اینکه منظور از آن طائفه ای که خدای تعالی وعده آمدنشان را داده کیانند؟ هر یک از این سؤالها بر ابهام آیه می افزاید و روایاتی که در شان نزول آمده، در این باره بسیار مختلف است و آن روایات چیزی جز نظریه شخصی مفسرین سلف نبوده، همچنانکه غالب روایات شان نزول همین وضع را دارند و این اختلاف شدید نیز خودش باعث ابهام بیشتر آیه و مایه اضطراب ذهن آدمی در فهم آیه شده است.

ابهام دیگری بر همه آن ابهام ها اضافه کن و آن این است که همه می دانیم که تعصب های مذهبی تا چه حد در اظهار نظرها دخالت می کرده و شواهدی از این دخالت ها در روایات و کلمات مفسرین سلف و خلف در المیزان از نظر خواننده گذشت.

و آنچه که بعد از تدبر در این آیات به دست می آید این است که همانطور که گفتیم اجزای این آیات به یکدیگر متصل است، ولی بریده از ما قبل و ما بعد است و آیه چهارم از متممات غرضی است که مقصود افاده و بیان آن است، چیزی که هست باید در فهم معنای آن باری به هر جهت کردن و مسامحه روا داشتن پرهیز کرد و مانند بسیاری از مفسرین در اظهار نظر مسامحه روا نداشت، آن هم در آیه ای که به بیانی که می آید صفات و خصوصیات قومی ذکر شده و نام و نشان های آن قوم آمده.

آنچه بطور اجمال از این آیات به دست می آید این است که خدای سبحان در این آیات مؤمنین را از اینکه یهود و نصارا را اولیای خود بگیرند، بر حذر داشته و با شدیدترین لحن تهدیدشان می کند و در یک پیشگوئی به آینده امر امت در اثر این موالات و دوستی با دشمنان خبر می دهد و می فرماید که اگر چنین کنید بنیه روش دینی خود را از دست می دهید و آن وقت است که خدای تعالی مردمی دیگر برمی انگیزد که قائم به امر دین شوند و بنیه دین را بعد از انهدام به حالت اصلی و

اولیش بر گردانند!

### هدف آیه ۵۵ تا ۵۶ سوره مائده

(۱)

#### تعیین ولی مومنین

« إِنَّمَا وَثَّيقُكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ! »

روایات بسیاری از طریق امامیه و هم از طریق خود اهل سنت هست که همه دلالت دارند بر اینکه این دو آیه در شان علی بن ابیطالب علیه السلام وقتی که در نماز انگشتر خود را صدقه داد، نازل شده است!

### هدف آیه ۵۷ تا ۶۶ سوره مائده

(۲)

#### دستور پرهیز از دوستی با دشمنان دین

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَ لَعَابًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...! »

این آیات از دوستی کفار و اهل کتابی که خدا و آیات خدا را استهزا می کنند نهی می کند و زشتیها و صفات پلید آنان و عهدشکنیشان را نسبت به خدا و مردم بر می شمرد و در ضمن مردم مسلمان را به رعایت عهد و پیمان تحریک نموده و نقض عهد و پیمان شکنی را مذمت می کند و با اینکه ممکن است شان نزول آنها مختلف باشد لیکن همه دارای یک سیاقند.

### هدف آیه ۶۷ سوره مائده

(۳)

#### دستور ابلاغ ولایت امیرالمومنین «ع»

« يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَ إِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِي مَن يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ! »

در این آیه دو نکته بطور روشن بیان شده یکی دستوری است که خدای تعالی به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم داده است (البته دستور آکیدی که پشت سرش فشار و تهدید است!) به اینکه پیغام تازه ای را به بشر ابلاغ کند! و یکی هم وعده ای

است که خدای تعالی به رسول خود داده که او را از خطراتی که در این ابلاغ ممکن است متوجه وی شود نگهداری کند!

آیه شریفه از یک امر مهمی - که یا عبارتست از مجموع دین و یا حکمی از احکام - آن کشف می کند .

و آن امر هر چه هست امری است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از

---

۱- المیزان ج : ۶ ص : ۳

۲- المیزان ج : ۶ ص : ۳۵

۳- المیزان ج : ۶ ص : ۵۹

تبلیغ آن می ترسد و در دل بنا دارد آن را تا یک روز مناسبی تاخیر بیندازد، چه اگر ترس آن جناب و تاخیرش در بین نبود حاجتی به این تهدید نبود که بفرماید: «و ان لم تفعل فما بلغت رسالته!»

آیه کشف می کند: آن حکم، حکمی است که مایه تمامیت دین و استقرار آن است، حکمی است که انتظار می رود مردم علیه آن قیام کنند و در نتیجه ورق را برگردانیده و آنچه را که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از بنیان دین بنا کرده منهدم و متلاشی سازند و نیز کشف می کند از اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هم این معنا را تفرس می کرده و از آن اندیشناک بوده و لذا در انتظار فرصتی مناسب و محیطی آرام، امروز و فردا می کرده که بتواند مطلب را به عموم مسلمین ابلاغ کند و مسلمین هم آن را بپذیرند.

و در چنین موقعی این آیه نازل شده است و دستور فوری و اکید به تبلیغ آن حکم داده است!

در آیه شریفه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مامور به تبلیغ حکمی شده که تبلیغ و اجرای آن مردم را به این شبهه دچار می کند که نکند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این حرف را بنفع خود می زند، چون جای چنین توهمی بوده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از اظهار آن اندیشناک بوده، از همین جهت بوده که خداوند امر اکید فرمود که بدون هیچ ترسی آنرا تبلیغ کند و او را وعده داد که اگر مخالفین در صدد مخالفت بر آیند آنها را هدایت نکند!

این مطلب روایاتی را که هم از طرق عامه و هم از طرق امامیه وارد شده است تایید می کند، چون مضمون آن روایات این است که آیه شریفه در باره ولایت علی علیه السلام نازل شده و خداوند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را مامور به تبلیغ آن نموده و آن جناب از این عمل بیمناک بوده که مبادا مردم خیال کنند وی از پیش خود پسر عم خود را جانشین خود قرار داده است و به همین ملاحظه انجام آن امر را به انتظار موقع مناسب تاخیر انداخت تا اینکه این آیه نازل شد، ناچار در غدیر خم آنرا عملی کرد و در آنجا فرمود:

« من کنت مولاه فهذا علی مولاه! »

« هر که من مولای اویم این - علی بن ابیطالب - نیز مولای اوست! »

**هدف آیه ۶۸ تا ۸۶ سوره مائده**

(۱)

**بیان مصایب اهل کتاب ناشی از عدم احیای دین و دوری از خدا**

« قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ



مَنْ رَبُّكُمْ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَعِينًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ...!»

در این آیات این معنا را بیان می کند که وسیله اقامه دین صحیح که همان دین فطرت است بازگشت به سوی خدا و حفظ ارتباط به حضرت او و قطع رابطه نکردن با اوست!

در این آیات به یهود و نصارا اعلام خطر شده است که بزودی دچار این مصیبت می شوند و نیز به آنان خبر می دهد که نخواهند توانست تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی شان را اقامه و احیا کنند!

اتفاقا تاریخ هم این مطلب را تصدیق کرده و نشان داده که این دو ملت همواره به جرم بریدن رشته ارتباط با خدا دچار تشتت مذاهب و دشمنی و بغضای بین خودشان بوده اند!

در آیه: «فاقم وجهک للدين حنیفا!» و آیات دیگری از این سوره، مسلمانان را هم از اینکه روش اهل کتاب را پیش گرفته و از خدای تعالی بریده و بازگشت به سویش را ترک کنند زنهار می دهد!

### هدف آیه ۸۷ تا ۸۹ سوره مائده

(۱)

### بیان برخی از احکام فرعی دین اسلام

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ! »

این سه آیه و تعدادی از آیاتی که بعد از آنها واقع شده اند، یعنی حدود صد و اندی از آیات این سوره در مقام بیان پاره ای از احکام فرعی هستند و این آیات مجموعا نظیر جمله معترضه ایست که در بین دو دسته از آیاتی واقع شده اند که متعرض داستانهای مسیح علیه السلام و مسیحیان است .

و این آیات چون طوایف متفرقه ای هستند و در باره احکام مختلفی نازل شده اند، از این جهت می توان گفت هر کدام برای خود مستقل اند و در فهمانیدن مدلول خود تمام و غیر مربوط به ما بقی آیات اند، بنا بر این مشکل است گفته شود که همه آنها یکدفعه نازل شده اند و یا با بقیه آیات سوره نازل شده اند، زیرا مضامین این آیات طوری است که نمی توان بین آنها ارتباط بر قرار کرد، تا بتوان آنرا شاهد این حرف قرار داد. در این سه آیه نیز مطلب از همین قرار است.

### هدف آیه ۹۰ تا ۹۳ سوره مائده

(۲)

### بیان حکم تحریم شراب، قمار، انصاب و ازلام



---

١- الميزان ج : ٦ ص : ١٥٦

٢- الميزان ج : ٦ ص : ١٧٢

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ...! »

این آیات همگی در مقام بیان احکام شراب هستند و در بعضی از آنها قمار و در بعضی دیگر انصاب و ازلام هم علاوه شده است. اگر دو آیه: « یستلونک عن الخمر و المیسر قل فیہما اثم کبیر و منافع للناس و اثمہما اکبر من نفعہما! » و آیه: « یا ایہا الذین آمنوا لا تقربوا الصلوٰہ و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون! » با آیه: « قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الا-ثم! » و آیه مورد بحث تا جمله: « انتم منتھون! » همه به هم منضم و یکجا در نظر گرفته شوند سیاقهای مختلفشان این معنا را می رساند که شارع مقدس شراب را بتدریج تحریم فرموده است!

### هدف آیه ۹۴ تا ۹۹ سوره مائده

(۱)

### بیان حکم شکار در حال احرام

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ...! »

این آیات در باره حکم شکارهای دریایی و صحرائی در حال احرام، نازل شده است.

### هدف آیه ۱۰۰ سوره مائده

(۲)

### بیان مثالی برای غلبه حق و دین حق

« قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ! »

این آیه آیه ای است مشتمل بر یک مثال کلی که خداوند آن مثال را برای بیان خصوصیتی که برای دین حق است در بین سایر ادیان و رفتار مردم نسبت به دین حق و دین باطل بکار برده است و آن خصوصیت این است که اعتبار در هر جا با حق است و لو اینکه اهل حق و جمعیت آن کم و معدود باشند و در برابر خیر و سعادت باید تسلیم شد، هر چند بیشتر مردم مخصوصا اقویا از آن گریزان و روی گردان باشند!

### هدف آیه ۱۰۱ و ۱۰۲ سوره مائده

(۳)

## منع سوال از غیب و سرنوشت یا از ناگفته های خدا

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ! »

این آیه مؤمنین را نهی می کند از اینکه از چیزهایی سراغ بگیرند و مطالبی را بپرسند که اگر برایشان آشکار شود ناراحت می شوند، گر چه از بیان اینکه از چه کسی

---

۱- المیزان ج : ۶ ص : ۲۰۲

۲- المیزان ج : ۶ ص : ۲۱۶

۳- المیزان ج : ۶ ص : ۲۲۰

پرسند ساکت است، لیکن از اینکه بعداً می فرماید: «و ان تسئلوا عنها حين ينزل القرآن تبد لكم!» و همچنین از اینکه در آیه بعد می فرماید: «قد سالها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کافرین!» بدست می آید که مقصود سؤال از رسول الله «ص» است و نیز گر چه در آیه روی سخن به مؤمنین عصر رسول الله «ص» و غرض، نهی از سؤالات معینی است، لیکن از علتی که از آیه برای نهی استفاده می شود بدست می آید که آیه، سؤالات غیر مورد غرض را که مشمول عفو خداوند شدند نیز شامل می شود و در نتیجه سؤال از هر چیزی که خدای تعالی دریچه اطلاع از آن (با اسباب عادی) را بروی بشر بسته است ممنوع شده است، زیرا خطری که در سؤال از اینگونه امور است منحصر در سؤالات اصحاب رسول الله «ص» نیست، پرسش از روز مرگ خود، مثلاً- و یا روز مرگ دوستان و عزیزان یا پرسش از زوال ملک و عزت، همیشه مظنه هلاکت و بدبختی است و چه بسا همان جستجو و بدست آوردن مطلب خود باعث هلاکت و بدبختی شود، آری نظامی که خدای تعالی زندگی بشر بلکه جمیع عالم کون را به آن نظام منتظم ساخته نظامی است حکیمانه، از روی حکمت است که اموری را برای آدمیان آشکار و امور دیگری را نهان داشته است و دست و پا کردن برای اخفای آنچه ظاهر و اظهار آنچه مخفی است باعث اختلال نظامی است که گسترده شده است!

### هدف آیه ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره مائده

(۱)

#### لغو قوانین جاهلیت

« مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا كِنٍّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ...! »

اینها اصناف چهارگانه انعامی هستند که مردمان جاهلیت برای آنها احتراماتی قائل بوده اند و به همین منظور احکامی برای آنها جعل کرده بودند، اینک در این آیه شریفه خدای تعالی می فرماید: این احکام از ناحیه من نیست!

### هدف آیه ۱۰۵ سوره مائده

(۲)

#### بیان راه مراقبت نفس مومنین و تحفظ جامعه اسلامی

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَبِئْسَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ! »

این آیه نهی می کند مؤمنین را از اینکه به کار هدایت گمراهان پرداخته و از هدایت خویش بازمانده و در حقیقت در راه نجات مردم خود را به هلاکت بیندازند.

البته، دعوت به خدا و امر به معروف و نهی از منکر چون خود یکی از شئون

---

١- الميزان ج : ٦ ص : ٢٢٩

٢- الميزان ج : ٦ ص : ٢٣٨

بخود پرداختن و راه خدا پیمودن و وظیفه الهی را انجام دادن است، تعارضی با این آیه ندارد!

از جمله: «گمراهان بشما ضرر نمی رسانند!» می توان این معنا را استفاده کرد که کفار هیچ وقت نمی توانند به جامعه اسلامی پرداخته و آن را بصورت جامعه غیر اسلامی در آورند، بعبارت دیگر ممکن است معنای آیه این باشد که: شما ای مسلمین هدایت خود را حفظ کنید و بدانید که گمراهان هیچوقت نمی توانند با قوه قهریه خود مجتمع اسلامی شما را به یک مجتمع غیر اسلامی تبدیل کنند!

### هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۰۹ سوره مائده

(۱)

#### بیان نحوه ادای شهادت

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهِدُوا بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ ءَآخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتُمْ مِصْبِيهَ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَتَيْسَّرَ لَكُمْ بِاللَّهِ إِنْ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ...! »

سه آیه اول راجع به شهادت است و آیه آخری هم از نظر معنی بی ارتباط با آنها نیست.

### هدف آیه ۱۱۰ و ۱۱۱ سوره مائده

(۲)

#### دعوت به وفای عهد و حذر از عهدشکنی و کفران نعمت الهی

« إِذْ قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ...! »

این دو آیه و همچنین آیات بعدی که داستان نزول مائده را حکایت می کند و نیز آیات بعد از آن که متضمن خبری است از خداوند به عیسی بن مریم «ع» به اینکه بزودی خداوند از او از اینکه چرا نصارا او و مادرش را برای خود دو معبود اتخاذ کردند باز خواست می کند همگی با غرضی که افتتاح این سوره به منظور ایفای آن بوده مرتبط هستند و آن غرض دعوت به وفای به عهد و شکر نعمت و تحذیر از عهدشکنی و کفران نعمت های الهی است ، همین مطالب است که آخر سوره را با اول آن مربوط ساخته و وحدت سیاق را در سراسر سوره حفظ کرده است.

### هدف آیه ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره مائده

(۳)

## بیان نحوه درخواست مائده حواریون عیسی «ع»

« إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ »

۱- المیزان ج : ۶ ص : ۲۸۴

۲- المیزان ج : ۶ ص : ۳۱۶

۳- المیزان ج : ۶ ص : ۳۲۳

السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...!» (۱۱۲ تا ۱۱۵/مائده)

این آیات، داستان نزول مائده را بر مسیح و یارانش یاد آوری می کند، گر چه تصریح ندارد به اینکه چنین مائده ای نازل شده، لیکن از اینکه آیه آخری مشتمل است بر وعده قطعی و بدون قید به اینکه نازل خواهد کرد و از اینکه خدای متعال همانطوری که خودش خود را وصف کرده، تخلف در وعده نمی کند، استفاده می شود که چنین مائده ای نازل کرده است.

### هدف آیه ۱۱۶ تا ۱۲۰ سوره مائده

(۱)

### نتیجه گیری از هدف سوره مائده: رعایت عهدالهی

« وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ۗ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيَّ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحٰنَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتَ قُلْتَهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ...! »

غرض از نظم و نسق این آیات بیان اعترافات است که عیسی علیه السلام به زبان خود نموده و وضع زندگی دنیوی خود را حکایت کرده باشد که حق او نبوده در باره خود ادعائی کند که حقیقت ندارد، چه او در برابر چشم خدا بوده، چشمی که نه خواب دارد و نه کم دید می شود و اینکه او ذره ای از آنچه خداوند برایش تحدید و معین نموده تجاوز نکرده است، چیزی جز آنچه مامور به گفتنش بوده نگفته و کاری جز آنچه خداوند مامور به انجامش نموده نکرده است و آن کار همان شهادت است، خداوند هم او را در این اعترافات و در آنچه که در باره حق ربوبیت خدا و عبودیت بندگان ذکر نموده تصدیق فرموده است، به این بیان آیات مورد بحث منطبق می شود بر غرضی که به خاطر آن این سوره نازل شده است و آن غرض عبارتست از بیان حقی که خداوند برای خود به گردن بندگان قرار داده و آن وفای به عهدی است که با خدای خود بسته اند و اینکه نباید آن عهد را بشکنند، یعنی نباید از روی لاقیدی و بی بندوباری شانه از زیر بار تکالیف تهی سازند و هر چه بخواهند بکنند و هر جا بخواهند آزادانه بچرند، چنین حقی از طرف خدای تعالی به آنان داده نشده و خودشان هم قادر به رسیدن به این آرزو نیستند، این است آن غرضی که این سوره از اول تا به آخر آن را بیان می کند!

### هدف و فلسفه نزول سوره انعام



## بیان توحید خدای تعالی

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ! هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ! وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ! » (آ تا ۳/انعام)

غرضی که این سوره در مقام ایفای آن است همان توحید خدای تعالی است البته توحید به معنای اعم و اینکه اجمالا برای انسان پروردگاری است که همان او پروردگار تمام عالمیان است، از او است ابتدای هر چیز و به سوی او است بازگشت و انتهای هر چیز، پروردگاری که به منظور بشارت بندگان و انذار آنان پیغمبرانی فرستاد و در نتیجه بندگان مر بوبش به سوی دین حق او هدایت شدند.

این است اجمال آن چیزی که این سوره در مقام اثبات آن است، زیرا بیشتر آیاتش به صورت استدلال علیه مشرکین و مخالفین توحید و نبوت و معاد است، البته مشتمل بر اجمالی از وظایف شرعی و محرمات دینی نیز می باشد.

در ثنایی که در این سه آیه هست، اشاره ای نیز به معارف حقیقی ای که دعوت دینی متکی بر آن است شده و آن معارف در حقیقت به منزله ماده شریعت است و به سه نظام تفکیک می شود:

۱- نظام عمومی خلقت که آیه اولی به آن اشاره می کند .

۲- نظامی که خصوص انسان از جهت وجود دارد و آیه دوم مشتمل بر آنست.

۳- نظام عمل انسان که آیه سوم به آن اشاره می کند!

پس آنچه که از مجموع این سه آیه به دست می آید عبارتست از ثنای بر پروردگار بدان جهت که عالم کبیری را ایجاد فرمود که انسان در آن زندگی می کند و عالم صغیری را که همان وجود خود انسان است و محدود است از جهت آغازش به گل و از طرف انجامش به اجل مکتوب، ایجاد فرمود و ثنا بر اینکه بر آشکار و نهان آدمی و تمامی اعمال او آگاهی دارد!

## هدف آیه ۴ تا ۱۱ سوره انعام

(۱)

**بیان تکذیب حق از طرف مشرکین و پاسخ اعتراضات آنها**

« وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ...! »

این آیات اشاره است به تکذیب مشرکین و کفار و پافشاریشان در انکار حق و استهزاء شان به آیات خداوند سبحان و نیز موعظه و انذار و جوابی است بر پاره ای از یاوه هائی که در انکار حق صریح به هم بافتند .

**هدف آیه ۱۲ تا ۱۸ سوره انعام**

(۲)

**تعلیم برهانی بر توحید و بعث و معاد**

« قُلْ لِّمَنْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ كُفْرَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ...! »

این آیات از جمله آیاتی است که با مشرکین در امر توحید و معاد احتجاج می کند، دو آیه اول آن متضمن برهان بر معاد و بقیه که پنج آیه است به طوری که خواهید دید در باره توحید به دو نحو اقامه برهان می نماید.

**هدف آیه ۱۹ و ۲۰ سوره انعام**

(۳)

**احتجاج به وحدانیت خدا بوسیله وحی**

« قُلْ أَى شَىءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ أُوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أَتَيْنَاكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنِّى بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ...! »

این آیات احتجاج می کند بر مساله وحدانیت خدای تعالی از راه وحی و حال آنکه این مساله عقلی و از مسائلی است که عقل از طرق مختلفی به آن راه دارد و لیکن صرف این جهت باعث نمی شود که نتوان آنرا از طریق وحی صریح قطعی هم اثبات نمود، مگر غرض از برهان عقلی، جز تحصیل یقین چیز دیگری است؟

وقتی غرض از آن تحصیل یقین به وحدانیت خدا باشد و بر حسب فرض، وحی الهی هم قطعی و غیر قابل تردید باشد چه مانعی دارد که همان وحی برهان بر وحدانیت خدا قرار گیرد آنهم وحیی چون قرآن که اساسش متکی بر تحدی است!

**بیان مظالم مشرکین و انحراف آنها از اصول عقاید پاک**

« وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِبَيِّنَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ...! »

در این آیات مظالم مشرکین و انحرافات آنها را که در اصول عقاید پاک یعنی

---

۱- المیزان ج : ۷ ص : ۱۹

۲- المیزان ج : ۷ ص : ۳۳

۳- المیزان ج : ۷ ص : ۴۹

۴- المیزان ج : ۷ ص : ۵۸

توحید، نبوت و معاد داشتند برای رسول الله «ص» بیان می فرماید.

### هدف آیه ۳۳ تا ۳۶ سوره انعام

(۱)

#### دستور العمل برای دعوت دینی در محیط آزاد

« قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِنَايَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ...! »

این آیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در لغزشهایی که مشرکین در باره امر دعوت وی داشتند تسلیت داده و با وعده حتمی نصرتش، دلخوش می سازد و بیان می کند که دعوت دینی دعوتی است که باید در محیط آزاد و با حفظ اختیار اشخاص صورت گیرد، تا هر که می خواهد ایمان آورد و هر که می خواهد کفر ورزد و چون دعوت دینی اساسش بر اختیار است، قدرت و مشیت حتمی الهی در آن دخالت نمی کند و اشخاص را مجبور به قبول نمی سازد و گرنه خداوند می توانست تمامی افراد بشر را بر هدایت مجتمع سازد!

### هدف آیه ۳۷ تا ۵۵ سوره انعام

(۲)

#### احتجاج به امر توحید و معجزه نبوت

« وَ قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَاتُهُ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَاتَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ...! »

در این آیات در خصوص امر توحید و معجزه نبوت احتجاجات گوناگونی شده است.

### هدف آیه ۵۶ تا ۷۳ سوره انعام

(۳)

#### نهی از بت پرستی و دلایل آن

« قُلْ إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَ كُمْ قَدْ ضَلَلْتُمْ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ...! »

این آیات تتمه احتجاجاتی است که در سابق علیه مشرکین بر مساله توحید و معارف مربوط به آن از نبوت و معاد شده بود.

### هدف آیه ۷۴ تا ۸۳ سوره انعام

**تعلیم حجت‌های ابراهیم «ع» به رسول الله «ص»**

« وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرًا أَنْ تَتَّخِذَ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ...! »

این آیات بیان عالی‌ترین و کاملترین مصداق ایمان و قیام به دین فطرت و

---

۱- المیزان ج : ۷ ص : ۸۶

۲- المیزان ج : ۷ ص : ۹۷

۳- المیزان ج : ۷ ص : ۱۵۹

۴- المیزان ج : ۷ ص : ۲۲۰

نشر عقیده توحید و پاکی از شرک و دوگانگی است و این همان هدف مقدسی است که ابراهیم برای آن قیام نمود و در روزگاری که مردم سنت توحید را که نوح و انبیای بعد از او گوشزدشان کرده بودند از یاد برده و دنیا در تیول وثنیت درآمده بود برای روشن کردن آن احتجاج کرد، پس این آیات با حجت هائی که در آنها بر دین فطرت اقامه شده در حقیقت برای مزید بینائی رسول خدا است نسبت به ادله ای که در همین سوره و قبل از این آیات خدا به او تلقین نمود و در چهل جا فرموده: اینطور بگو و چنین استدلال کن، که متجاوز از بیست تای از آن گذشت!

### هدف آیه ۸۴ تا ۹۰ سوره انعام

(۱)

#### بیان استمرار توحید فطری در قرون متمادی

« وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كَلًّا هَدَيْنَا وَ نُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ...! »

این آیات در عین اینکه سیاقش سیاق بیان توحید فطری است، این معنا را نیز می رساند که عقیده به توحید در قرون گذشته در میان مردم محفوظ بوده و عنایت خاص الهی و هدایتش نگذاشته که این مطلب، در یک جای از سلسله متصل بشریت بطور کلی از بین برود - به قول عوام حق و حقیقت باریک شدنی هست و لیکن قطع شدنی نیست - آری، عنایتی که پروردگار متعال به دین خود دارد این دین را از اینکه یکباره دستخوش هواهای شیطانی شیطان صفتان گردد و بکلی از بین رفته و در نتیجه غرض از خلقت عالم باطل شود حفظ فرموده است.

### هدف آیه ۹۱ تا ۱۰۵ سوره انعام

(۲)

#### بیان احتجاج علیه اهل کتاب درباره قرآن و بیان توحید و اسماء حسنی

« وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ...! »

« وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ...! »

در این آیات در باره قرآن علیه اهل کتاب که می گفتند: « ما انزل الله علی بشر من شیء! » احتجاج شده است .

نخست، کلام را با ذکر محاجه با اهل کتاب افتتاح نموده و سپس این معنا را خاطر نشان می سازد که شدیدترین ظلم ها شرک

به خدا و افترای بر او و یا انکار نبوت پیغمبران واقعی و یا ادعای چیزی است که حقیقت نداشته باشد مثل همین که گفته اند: «سازل مثل ما انزل الله!»

آنگاه سرانجام کار اینگونه ستمگران را در دم مرگ در آن موقعی که ملائکه

---

۱- المیزان ج : ۷ ص : ۳۳۵

۲- المیزان ج : ۷ ص : ۳۷۱

قبض روح ، دست به کار کشیدن جان آنان می شوند ذکر نموده و در آخر آیات ادله توحید خدای تعالی و پاره ای از اسمای حسنی و صفات علیای او را ذکر می کند .

### هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۱۳ سوره انعام

(۱)

#### دعوت به توحید

« اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ...! »

این آیات مانند آیات قبل راجع به توحید است!

### هدف آیه ۱۱۴ تا ۱۲۱ سوره انعام

(۲)

#### دستور پیروی از حکم خدا و اجرای حکم ذبح اسلامی

« أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ...! »

این آیات مشتملند بر اینکه نباید جز خدا را حکم گرفت و به حکمش گوش داد در حالی که خدای متعال احکام خود را به تفصیل در کتاب خود بیان فرموده و مشتملند بر نهی از پیروی و فرمانبرداری از بیشتر مردم زیرا فرمانبرداری از بیشتر مردم که پیروی ظن و تخمین می کنند گمراه کننده است .

و در آخر آیات بیان می کند که مشرکین - که اولیای شیاطینند - با مؤمنین در باره خوردن مردار مجادله می کنند و در این آیات به خوردن آنچه به نام خدا ذبح شده امر و از آنچه به نام خدا ذبح نشده نهی شده است و اینکه آنچه خدا فرموده و برای بندگان خود پسندیده همین است!

### هدف آیه ۱۲۲ تا ۱۲۷ سوره انعام

(۳)

#### بیان تاثیر هدایت الهی در جان مومن

« أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيِيْنَهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا



آنچه از اولین آیه به ذهن ساده و بسیط تبادر می کند اینست که مثلی است که برای هر مؤمن و کافری زده شده، زیرا انسان قبل از آنکه هدایت الهی دستگیریش کند شبیه میتی است که از نعمت حیات محروم است و حس و حرکتی ندارد و پس از آنکه موفق به ایمان شد و ایمانش مورد رضایت پروردگارش هم قرار گرفت مانند کسی است که خداوند او را زنده کرده و نوری به او داده که با آن نور می تواند هر جا که بخواهد برود و در پرتو آن نور راه خود را از چاه و خیرش را از شر و نفعش را از ضرر تمیز دهد، منافع و خیرات را بگیرد و از ضرر و شر احتراز کند .

---

۱- المیزان ج : ۷ ص : ۴۲۹

۲- المیزان ج : ۷ ص : ۴۴۹

۳- المیزان ج : ۷ ص : ۴۶۳

به خلاف کافر که مثلش مثل کسی است که در ظلمت و تاریکی محض به سر می برد و راه نجات و مفری پیدا نمی کند، کافر زندگی و مرگش و همچنین در عوالم بعد از مرگش همه در ظلمت است، در زندگی خیر را از شر و نفع را از ضرر تشخیص نمی دهد

### هدف آیه ۱۲۸ تا ۱۳۵ سوره انعام

(۱)

#### بیان سرپرستی و ولایت ستمگران و شیطان به دیگران

« وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَمْعَشَرِ الْجِنَّ قَدْ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْانْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْانْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَ بَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَلِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ...! »

این آیات سرپرستی و ولایتی را که برخی از ستمگران بر برخی دیگر به اذن خدا دارند - مانند ولایت شیاطین بر کفار - تفسیر می کند و بیان می کند که این کار از خدای تعالی ظلم نیست، به شهادت اینکه خود ستمگران و کفار به زودی در قیامت اعتراف می کنند به اینکه اگر معصیت کردند و یا به خداوند شرک ورزیدند به سوء اختیار خودشان بوده و این خود آنان بودند که با شنیدن ندای الهی و هشدارش نسبت به عذاب قیامت، مغرور زندگی دنیا شدند و راه ظلم را پیش گرفتند و ستمگران هم رستگار نخواهند شد .

و اینکه قضای الهی با کفر و ظلم آنان موافق است سبب نمی شود که کفر و ظلم شان به خودشان نسبت داده نشود.

### هدف آیه ۱۳۶ تا ۱۵۰ سوره انعام

(۲)

#### بیان حکم خدا در خوردنی ها و رد احکام کفر و جاهلیت

« وَ جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعَمِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِزْقِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ...! » (۱۳۶ تا ۱۵۰/انعام)

این آیات علیه مشرکین در باره عده ای از احکام حلال و حرام که در خوردنیها میان مشرکین دایر بوده احتجاج نموده حکم خدا را در آنها بیان می کند!

### هدف آیه ۱۵۱ تا ۱۵۷ سوره انعام

(۳)

## بیان محرمانی که جاری بین کل ادیان بوده است!

« قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ مَا هَلَكَ مِنْ قَبْلِهِ وَمَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ...! »

۱- المیزان ج : ۷ ص : ۴۸۳

۲- المیزان ج : ۷ ص : ۴۹۳

۳- المیزان ج : ۷ ص : ۵۱۲

این آیات محرماتی را بیان می کند که اختصاص به شریعت معینی از شرایع الهی ندارد و آن محرمات عبارت است از:

شرک به خدا، ترک احسان به پدر و مادر، ارتکاب فواحش و کشتن نفس محترمه بدون حق که از آن جمله است کشتن فرزندان از ترس روزی، نزدیک شدن به مال یتیم مگر به طریق نیکوتر، کم فروشی، ظلم در گفتار، وفا نکردن به عهد خدا و پیروی کردن از غیر راه خدا و بدین وسیله در دین خدا اختلاف انداختن!

شاهد اینکه محرمات مذکور عمومی است و اختصاصی به یک شریعت ندارد - این است که می بینیم قرآن کریم همانها را از انبیا علیهم السلام نقل می کند که در خطاب هایی که به امت های خود می کرده اند از آن نهی می نموده اند.

از این هم که بگذریم اگر مساله را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید ادیان الهی هر چه هم از جهت اجمال و تفصیل با یکدیگر اختلاف داشته باشند، هیچ یک از آنها بدون تحریم این گونه محرمات معقول نیست تشریح شود و به عبارت ساده تر، معقول نیست دینی الهی بوده باشد و در آن دین اینگونه امور تحریم نشده باشد حتی آن دینی که برای ساده ترین و ابتدایی ترین نسل بشر تشریح شده است!!

## هدف آیه ۱۵۸ تا ۱۶۰ سوره انعام

(۱)

### تهدید مشرکین بخاطر استنکاف از پیروی صراط مستقیم و تفرق در دین خدا

« هَيْلٌ يَنْظُرُونَ إِلَّا - أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُمْتَظِرُونَ...! »

این آیات مشرکینی را که از پیروی صراط مستقیم استنکاف می ورزند و در دین خدا متفرق می شوند تهدید می کند و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را از آنان تبرئه می نماید و کسانی را که نیکی می کنند به جزای نیک وعده و نوید می دهد و جزای روز قیامت را امری منجز معرفی می کند .

## هدف آیه ۱۶۱ تا ۱۶۵ سوره انعام

(۲)

### بیان هدف رسول الله در دعوت سوره انعام و عمل به آن

« قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ! دِينًا قِيمًا مِّلَّهُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ! »

« قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ! »

« لا شريك له وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ...! »

---

١- الميزان ج : ٧ ص : ٥٣٢

٢- الميزان ج : ٧ ص : ٥٤٢

این آیات آخر سوره است و مشتمل است بر هدفی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در دعوت این سوره داشته و اینکه به آنچه دعوت می کرده عامل نیز بوده و نیز مشتمل است بر خلاصه دلایلی که در این سوره علیه عقیده شرک اقامه شده است!

## هدف و فلسفه نزول سوره اعراف

(۱)

### بیان سیر تاریخی عهد الهی و تشریح برخی احکام اسلام

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! المص! كَتَبْتُ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ...! »  
(۹۱/اعراف)

این سوره مشتمل است بر مجموع مطالبی که سوره های ابتدا شده به حروف مقطعه «الم و ص» مشتمل بر آن است. برداشت کلام در این سوره چنین است که گویا عهدی را که خداوند از آدمیان گرفته که او را پرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند مبنای کلام قرار داده و آنگاه از سیر تاریخی این عهد که بر حسب مسیر انسانیت در امم و قرون گذشته نموده است بحث می کند.

چون اکثر امم گذشته این عهد را شکسته و آن را از یاد بردند و در نتیجه وقتی پیغمبری در بین آنان مبعوث می شده و آیات و معجزاتی می آورده که آنان را به یاد عهد خود بیندازد تکذیب می کردند و جز عده کمی به وسیله آن آیات متذکر نمی شدند.

عهد الهی که در حقیقت اجمالی است از تفصیل دعوت های دینی الهی، در طبیعت انسان های مختلف از جهت اختلافی که در استعداد قبول و رد آن دارند و همچنین از جهت اختلاف اماکن و اوضاع و احوال و شرایطی که به نفوس آنان احاطه دارد مختلف می شود. در بعضی از نفوس پاک که بر اصل فطرت باقی مانده اند هدایت به سوی ایمان به خدا و آیات او را نتیجه می دهد و در بعضی دیگر که همیشه اکثریت را تشکیل می دهند و مردمی پست و مستغرق در شهوات دنیاند خلاف آن را، که همان کفر و طغیان و سرپیچی است نتیجه می دهد و همین معنی باعث می شود که مؤمنین مورد الطاف خاص الهی قرار گرفته و در دنیا موفقیت و نصرت و فتح و در آخرت نجات از آتش و بهره مندی از بهشت و لذایذ گوناگون آن نصیب شان گردد و در مقابل، کفار مورد غضب و لعنت خدا قرار گرفته به عذاب های ناگهانی که همگی را

هلا-ك ساخته و نسل شان را قطع می کند دچار می شوند: «فجعلناهم احاديث و مزقناهم كل ممزق!» تازه این عذاب دنیای شان است و عذاب آخرت بیچاره کننده تر است و در آن عذاب کسی یاری نمی شود!

این است آن سنتی که خداوند آن را در بین بندگان خود اجراء کرده و از این پس نیز اجراء می کند. شرح جزئیات همین سنت برای مردمی که ایمان به خدا ندارند انداز است، چون غرض از شرح آن واداشتن آنان به ایمان به خدا و آیات او است. همین شرح و بیان، نسبت به مردم با ایمان یعنی آنان که به طور اجمال علم به پروردگار خود و به مقام ربوبی او دارند تذکر و یادآوری آیات خدا و تعلیم معارف دینی او و معرفت به خدا و اسمای حسنی و صفات علیای او و نیز شناسایی سنت جاری پروردگار در دنیا و آخرت است .

از آیه شریفه: «لتنذر به و ذکری للمؤمنین!» هم این معنا استفاده می شود و از آن به خوبی بر می آید که غرض ادیان همین دو معنا است: انداز غیر مؤمنین و یادآوری مؤمنین!

بر این اساس می توان گفت: این سوره بنا بر اینکه همه آن در مکه نازل شده باشد، روی سخن در آن با مشرکین مکه و تعداد اندکی که به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ایمان آورده بودند خواهد بود و از خود آیات آن نیز این معنا ظاهر می شود، برای اینکه غالباً در اول یا آخر آیات آن عموم مردم را انداز نموده و اقامه حجت و موعظه کرده و یا با ذکر داستان آدم و ابلیس و داستانهای نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی علیه السلام وسیله عبرت شان را فراهم ساخته است .

و این بیان در عین اینکه برای اکثریت مردم انداز است، برای مؤمنین یادآوری و تذکر است، چون همین بیانات آنان را به یاد تفصیل و جزئیاتی از معارف مربوط به مبدء و معاد و آیات الهی می اندازد که اجمال ایمان خود آنان مشتمل بر آن است .

در اینجا باید خاطر نشان سازیم که این سوره قسمت عمده و مقدار قابل ملاحظه ای از معارف الهی را متضمن است، از آن جمله وصف ابلیس و لشکرش، وصف قیامت و میزان، اعراف و عالم ذر و میثاق و وصف مردم با ایمانی که همیشه به یاد خدایند و نیز از آن جمله ذکر عرش و تجلی پروردگار و اسمای حسنی او و بیان این حقیقت که برای قرآن تاویلی است.

و نیز متضمن مجملاتی است از واجبات و محرمات مانند: «قل امر ربی بالقسط!» و آیه: «انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن!» و آیه: «قل من

حرم زینه الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق!»

## هدف آیه ۱۰ تا ۲۵ سوره اعراف

(۱)

### بیان ابتدای خلقت انسان و دخالت شیطان و هبوط آدم به دنیا

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشًا قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ...!»

این آیات ابتدای خلقت انسان و صورت بندی او و ماجرای آن روز آدم و سجده ملائکه و سرپیچی ابلیس و فریب خوردن آدم و همسرش و خروج شان از بهشت و سایر اموری را که خداوند برای آن دو مقدر کرده بود بیان می فرماید.

## هدف آیه ۲۶ تا ۳۶ سوره اعراف

(۲)

### بیان خطاب های الهی به بنی آدم در اول خلقت انسان

«يَبْنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سُوءَ تَكْمٍ وَ رِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكُ خَيْرٌ ذَلِكُ مِنْ آيَةِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ...!»

در این آیات و همچنین آیات قبل از آن که راجع به داستان سجده و بهشت بود خطاب هایی است که اگر مورد دقت قرار گیرد و آنگاه در مقابل خطباتی قرار داده شود که در آیات راجع به همین قصه در سایر سوره ها مخصوصا در سوره طه است و این معنا هم ملاحظه شود که سوره طه در مکه نازل شده و داستان سجده و بهشت آن اجمالی است از آنچه که در این سوره و در سوره بقره است که در مدینه نازل شده، بدست خواهد آمد که این خطابات یعنی خطاب یا بنی آدم تعمیم خطاب های خصوصی است که در آن آیات به خود آدم شده است .

بلکه به بیانی که قبلا گفته شد، اصل داستان مربوط به آدم است و در این آیات به عموم فرزندان او تعمیم یافته است .

و این چهار خطاب که با قول «یا بنی آدم!» شروع شده، سه موردش راجع به تحذیر از فتنه شیطان و خوردن و نوشیدن و لباس می باشد و تعمیم مطلبی است که خداوند آن را در سوره طه بدینگونه ذکر فرموده است: «یا آدم ان هذا عدو لك و لزوجك فلا یخرجنكما من الجنة فتشقی! ان لك ان لا تجوع فیها و لا تعری! و انك لا تظما فیها و لا تضحی!» و خطاب چهارم نیز تعمیم این قول خدا: «فاما یاتینکم منی هدی!» می باشد .

احکامی که در اینجا به طور اجمال ذکر شده شرایع الهی ای است که بدون استثنا در جمیع ادیان الهی وجود داشته است و نیز خواهیم دید کلیه مقدراتی که انسان نسبت به سعادت و شقاوت و امثال آن دارد همه منتهی به این داستان می شود و در



حقیقت آنچه از اینگونه مقدرات برای بشر پیش می آید حاصلی است که از کشت

---

۱- المیزان ج : ۸ ص : ۲۰

۲- المیزان ج : ۸ ص : ۸۲

آن روز درو می شود و آن داستان ریشه این شاخ و برگ ها و فهرست این تفصیل است!

### هدف آیه ۳۷ تا ۵۳ سوره اعراف

(۱)

#### بیان نتایج آخرین خطاب الهی

« فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصَبُهُمْ مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ...! »

آیه اولی تفریع و استخراج از آخرین خطاب عام: « یا بنی آدم...! » است، نظیر تفریعاتی که پس از هر کدام از خطابه‌های عام قبلی ذکر شد و آیات بعدی همه راجع به پیامدهای دروغ بستن به خدا و عواقب وخیم تکذیب آیات او و همچنین بیان آثاری است که بر ایمان به خدا و عمل صالح مترتب می شود، الا دو آیه آخر که در آن دو به اول کلام برگشت شده و با ذکر مساله نزول کتاب، حجت را بر آنان تمام کرده است .

### هدف آیه ۵۴ تا ۵۸ سوره اعراف

(۲)

#### بیان دلایل ربوبیت الهی در نظام آفرینش و روزی رسانی

« إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى الْإِلَّهَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ...! »

این آیات یگانگی رب العالمین را به دو طریق تاکید می نماید: یکی از این راه که خدای تعالی کسی است که آسمان ها و زمین را آفریده و امور آن را به نظام احسنی که جمیع اجزاء و اطراف آن را به هم مرتبط می سازد تدبیر می نماید ، پس او به تنهایی رب العالمین است!

یکی هم از این راه که خدای تعالی آن کسی است که برای جمیع خلائق روزی فراهم نموده و انواع میوه ها و غلات و هر رزق دیگری را به عجیب ترین و لطیف ترین وجهی آفریده و این خود دلیل بر این است که پروردگار دیگری برای عالم نیست!

### هدف آیه ۵۹ تا ۷۲ سوره اعراف

(۳)

## بیان دعوت به توحید الهی در سرگذشت پیامبران (نوح و هود)

« لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ...! »

---

۱- المیزان ج : ۸ ص : ۱۳۷

۲- المیزان ج : ۸ ص : ۱۸۳

۳- المیزان ج : ۸ ص : ۲۱۷

« وَ إِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ...! »

این آیات با ذکر داستان نوح علیه السلام و اینکه چگونه مردم را به توحید و ترک شرک دعوت می نمود و قومش او را انکار نموده، بر شرک خود اصرار می ورزیدند و اینکه چگونه خداوند طوفان را بر ایشان مسلط نمود و همه را تا به آخر هلاک ساخت و نوح و گروندگان به وی را نجات داد، تعقیب و دنباله آیات قبلی است که آن نیز راجع به دعوت به توحید و نهی از شرک به خدای سبحان و تکذیب آیات او بود و به منظور تکمیل همین بیان، داستان عده دیگری از انبیاء از قبیل هود، صالح، شعیب، لوط و موسی علیهما السلام را نیز ذکر می فرماید .

### هدف آیه ۷۳ تا ۷۹ سوره اعراف

(۱)

#### بیان دعوت به توحید و مبارزات حضرت صالح

« وَ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ هَبِّدْ نَاقَةَ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...! »

ثمود یکی از امت های قدیمی عرب بوده که در سرزمین یمن در احقاف می زیسته اند و خداوند متعال شخصی از خود آنان را به نام صالح در میانشان مبعوث نمود. صالح علیه السلام قوم خود را که مانند قوم نوح و هود مردمی بت پرست بودند به دین توحید دعوت نمود و فرمود: « یا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غیره! »

### هدف آیه ۸۰ تا ۸۴ سوره اعراف

(۲)

#### دعوت به توحید الهی و مبارزات حضرت لوط

« وَ لُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ...! »

حضرت لوط از پیروان شریعت ابراهیم علیه السلام بوده، به خلاف هود و صالح که از پیروان شریعت نوح علیه السلام بودند. لوط از بستگان ابراهیم علیه السلام بوده و آن حضرت او را به سوی اهل سدوم و اقوام مجاور آنان فرستاد، تا آنان را که مشرک و از بت پرستان بودند، به دین توحید دعوت کند .

### هدف آیه ۸۵ تا ۹۳ سوره اعراف

**دعوت به توحيد الهى و مبارزات حضرت شعيب**

« وَ إِلَى مَدِينِ أَخَاهُمْ شَعِيْبًا قَالِ يَتَّقُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...! »

١- الميزان ج : ٨ ص : ٢٢٧

٢- الميزان ج : ٨ ص : ٢٣١

٣- الميزان ج : ٨ ص : ٢٣٤

اول این آیات عطف است بر داستان نوح «ع»، شعیب «ع» نیز مانند نوح و سایر انبیای قبل از خود دعوت خویش را بر اساس توحید قرار داده بود.

## هدف آیه ۹۴ تا ۱۰۲ سوره اعراف

(۱)

### بیان عوامل نابودی جوامع فاسد و نتیجه گیری از داستان پیامبران

« وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ...! وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَأْمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ...! »

این آیات مربوط و متصل به آیات قبل اند، برای اینکه مطالبی را که در آن آیات در باره امت های گذشته بود خلاصه کرده و در باره همه آنها می فرماید: این امت ها از این جهت منقرض شدند که بیشتر افرادشان فاسق و از زی عبودیت بیرون بودند و به عهد الهی و آن میثاقی که در روز اول خلقت از آنان گرفته شده بود وفا نکردند، در نتیجه سنت های الهی که ذیلاً توضیح آن را خواهیم داد یکی پس از دیگری در باره آنان جریان یافت و منتهی به انقراض شان گردید:

آری ، خدای سبحان هر پیغمبری را که به سوی امتی از آن امت ها می فرستاد به دنبال او آن امت را با ابتلای به ناملایمات و محنت ها آزمایش می کرد، تا به سویش راه یافته و به درگاهش تضرع کنند و وقتی معلوم می شد که این مردم به این وسیله که خود یکی از سنت های نامبرده بالاست متنبه نمی شوند سنت دیگری را به جای آن سنت بنام مکر جاری می ساخت و آن این بود که دلهای آنان را بوسیله قساوت و اعراض از حق و علاقمند شدن به شهوات مادی و شیفتگی در برابر زیباییهای دنیوی مهر می نهاد .

بعد از اجرای این سنت، سنت سوم خود یعنی استدراج را جاری می نمود و آن این بود که انواع گرفتاریها و ناراحتی های آنان را بر طرف ساخته زندگیشان را از هر جهت مرفه می نمود و بدین وسیله روز به روز بلکه ساعت به ساعت به عذاب خود نزدیکترشان می کرد، تا وقتی که همه شان را به طور ناگهانی و بدون اینکه احتمالش را هم بدهند به دیار نیستی می فرستاد، در حالی که در مهد امن و سلامت آرمیده و به علمی که داشتند و وسایل دفاعی که در اختیارشان بود مغرور گشته و از اینکه پیشامدی کار آنها را به هلاکت و زوال بکشاند غافل و خاطر جمع بودند!

خدای تعالی در این آیات علاوه بر خلاصه گیری از آیات قبل یک حقیقت خالی از هر شائبه ای را هم خاطر نشان ساخته و در جمله: « و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء...! » بدان اشاره نموده است و آن حقیقت عبارت

است از چیزی که معیار و مدار اساس نزول نعمت و نعمت بر آدمیان است!

## هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۲۶ سوره اعراف

(۱)

### بیان کیفیت آغاز رسالت و دعوت دینی موسی علیه السلام

« ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِيهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ! وَ قَالَ مُوسَىٰ يَفِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ...! »

این آیات با بیان داستان موسی بن عمران علیهما السلام شروع شده و از جزئیات آن یعنی آمدنش به نزد فرعون و ادعایش بر اینکه خداوند مرا به سوی تو رسالت داده تا نجات بنی اسرائیل را از تو بخواهم و آن دو معجزه را که خداوند در شب طور به وی کرامت فرموده، ذکر می کند .

این خصوصیات فهرست آن مطالبی است که در این آیات ذکر شده و در آیات بعدی اجمالی از بقیه داستان آنجناب در ایامی که در مصر در میان بنی اسرائیل می زیسته و عذاب هایی که بر قوم فرعون نازل شده و نجات بنی اسرائیل و داستان نزول تورات و گوساله پرستی بنی اسرائیل و داستانهای متفرقه و عبرت انگیز دیگری از بنی اسرائیل را ذکر می کند .

موسی علیه السلام سومین پیغمبر اولی العزم و صاحب سومین کتاب آسمانی و سومین شریعت است، گو اینکه شریعت های خدایی همه یکی هستند و تناقض و تنافی در بین آنها نیست، الا اینکه از نظر اجمال و تفصیل و کمی و زیادی فروع مختلفند چون سیر بشر از نقص بسوی کمال تدریجی و استعداد قبول معارف الهی در هر عصری با عصر دیگر مختلف است، وقتی این سیر به پایان رسید و بشر از نظر معرفت و علم به عالی ترین موقف خود رسید آن وقت است که رسالت نیز ختم شده و کتاب خاتم انبیاء و شریعتش در میان بشر برای همیشه می ماند و دیگر بشر انتظار آمدن کتاب و شریعت دیگری را ندارد. و اگر امروز با اینکه خاتم پیغمبران صلوات الله علیه مبعوث شده و آخرین کتاب آسمانی را آورده و در عین حال بشر به مرحله ای که می بایست از کمال برسد، نرسیده برای این است که دین اسلام آنطور که باید در مجتمعات بشری گسترش نیافته و گر نه بشر می تواند با بسط دایره دین و بررسی حقایق معارف آن رو به کمال گذاشته و به تدریج مراحل علم و عمل را یکی پس از دیگری طی کند .

در اینجا ناگفته نگذاریم که گر چه، این گونه داستانهای قرآنی را داستان موسی و نوح و داستان هود و یا صالح می نامیم ولی در حقیقت این داستانها داستان اقوام و مللی است که این بزرگواران در میانشان مبعوث شده اند، چون در این داستانها

جریان حال آن اقوام و رفتاری که با پیغمبران خود کرده اند و سرانجام انکارشان و اینکه عذاب الهی همه شان را از بین برده و منقرضشان نمود ایراد شده و لذا می بینیم تمامی این داستان ها به آیاتی ختم شده که کیفیت نزول عذاب و هلاکت آنان را بیان می کند.

غرض از این آیات بیان حال مردم از حیث قبول عهد الهی و رد آن است تا برای مردم و مخصوصا امت اسلام انذار و مایه عبرت بوده باشد. بطور کلی سوره هایی که اولش الف - لام - میم آمده در یک غرض مشترکند و آن همین انذار و تذکر مردم است!

### هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۷ سوره اعراف

(۱)

#### بیان مصائب بنی اسرائیل و مبارزات موسی «ع» با فرعونیان

« وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَ تَدْرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَدْرَكَ وَ ءَالِهَتِكَ قَالَ سُنَقْتُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسَخِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ! قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ...! »

این آیات مشتمل است بر اجمال آنچه که بین موسی و فرعون (در ایامی که موسی علیه السلام در میان قوم فرعون به سر می برده)، جریان یافته و آن خاطراتی را که وی پس از دعوت آنان به دین توحید و نجات دادن بنی اسرائیل داشته و آن معجزاتی را که یکی پس از دیگری برایشان آورده تا آنجا که خدا او و بنی اسرائیل را نجات داده و فرعون و لشکریانش را غرق کرده و سرزمین مبارک و مشارق و مغارب آن را در اختیار او و قومش گذاشته خاطر نشان می سازد.

### هدف آیه ۱۳۸ تا ۱۵۴ سوره اعراف

المیزان ج : ۸ ص : ۲۹۷

#### بیان وقایع بعد از عبور بنی اسرائیل از دریا

« وَ جَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ...! »

در این آیات شروع می شود به نقل پاره ای از داستانهای بنی اسرائیل و حوادثی که بعد از خلاصی از اسارت فرعونیان، برایشان پیش آمد.

و اینکه گفتیم پاره ای برای این است که قرآن کریم در این آیات تنها آن حوادثی را نقل کرده که با غرض منظور نظر در



آیات قبل تناسب دارد و آن غرض بیان این جهت بود که هیچ وقت دعوت دینی متوجه به قومی نشد مگر اینکه اکثریت آن قوم را کسانی تشکیل دادند که به آن دعوت کافر و عهد خدای را ناقض بودند و

---

۱- المیزان ج : ۸ ص : ۲۸۲

خداوند مؤمنین ایشان را به مزید کرامت خود و کافرین ایشان را به عذاب شدیدش اختصاص داد، اینک در این آیات داستان عبور بنی اسرائیل از دریا و درخواستشان از موسی مبنی بر اینکه موسی علیه السلام جهت ایشان بتی درست کند تا آن را عبادت کنند و داستان گوساله پرستی و در ضمن آن مساله نزول تورات را بیان می کند .

### هدف آیه ۱۵۵ تا ۱۶۰ سوره اعراف

(۱)

#### بیان معجزات موسی «ع» و رفتار کفرآمیز بنی اسرائیل

« وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِنِّي أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السَّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَ اِرْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ...! »

در این آیات چند فصل دیگر از داستانهای بنی اسرائیل آمده و در آن بسیاری از آیات و معجزاتی که خداوند بر آنان نازل کرده بود ذکر شده و نیز خاطر نشان شده است که بنی اسرائیل نسبت به این آیات که همه به منظور هدایت ایشان به راه حق و به سوی تقوا نازل شده بود کفر ورزیده و ستم کردند!

### هدف آیه ۱۶۱ تا ۱۷۱ سوره اعراف

(۲)

#### بیان تخلفات بنی اسرائیل و ماهیگیری روز شنبه

« وَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَ كَلِمُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ قُولُوا حِطَّةً وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سَجْدًا نُّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ سَتَرِيذُ الْمُحْسِنِينَ...! »

در این آیات چند قسمت دیگر از داستانهای بنی اسرائیل و نافرمانی های ایشان نقل شده که بخاطر نقض عهدهی که کردند خداوند به عقوبت گرفتارشان کرده است و از ستمگران کسانی برایشان مسلط کرده که شکنجه شان داده اند ، این حال اسلاف ایشان بوده از این اسلاف و نیاکان بنی اسرائیل نسلهایی به وجود آمدند که آیات خدا را به بهای اندکی فروخته و در امر دین بی اعتنایی کردند ، مگر عده کمی که از حق نگذشتند .

### هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۴ سوره اعراف

(۳)

#### بیان شهادت روز الست و پیمان گرفتن از بنی نوع بشر

« وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ! »

این آیات مساله پیمان گرفتن از بنی نوع بشر بر ربوبیت پروردگار را ذکر می کند و خود از دقیق ترین آیات قرآنی از حیث معنا و از زیباترین آیات از نظر نظم و

---

۱- المیزان ج : ۸ ص : ۳۴۸

۲- المیزان ج : ۸ ص : ۳۸۱

۳- المیزان ج : ۸ ص : ۳۹۹

**هدف آیه ۱۷۵ تا ۱۷۹ سوره اعراف**

(۱)

**بیان داستان بلعم باعورا و سبب گمراهی او**

« وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الضَّالِّينَ...! »

این آیات داستان دیگری از داستانهای بنی اسرائیل را شرح می دهد و آن داستان بلعم بن باعورا است. خدای تعالی پیغمبر خود رسول اکرم صلوات الله علیه را دستور می دهد که داستان مزبور را برای مردم بخواند تا بدانند صرف در دست داشتن اسباب ظاهری و وسایل معمولی برای رستگار شدن انسان و مسلم شدن سعادتش کافی نیست، بلکه مشیت خدا هم باید کمک کند و خداوند، سعادت و رستگاری را برای کسی که به زمین چسبیده و یکسره پیرو هوا و هوس گشته و حاضر نیست به چیز دیگری توجه کند، نخواسته است، زیرا چنین کسی راه به دوزخ می برد.

آنگاه نشانه چنین اشخاص را هم برایشان بیان کرده و می فرماید: علامت اینگونه اشخاص این است که دلها و چشمها و گوشهایشان را در آنجا که به نفع ایشان است بکار نمی گیرند و علامتی که جامع همه علامتهاست این است که مردمی غافلند.

**هدف آیه ۱۸۰ تا ۱۸۶ سوره اعراف**

(۲)

**بیان تأثیر اسماء الحسنی در هدایت انسانها**

« وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَ ذُرُّوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ...! »

این آیات متصل به آیات قبلی و به منزله تجدید بیان آن چیزی است که کلام در آیات قبلی بدان منتهی گردید. آیات مورد بحث به همان مطلبی اشاره می کند که کلام سابق بدان منتهی گردید و آن این بود که حقیقت معنای اینکه هدایت و اضلال از خداست این است که او بشر را به اسماء حسناى خود دعوت کرده و باعث شد مردم دو فریق شوند یکی آن عده ای که هدایت خدا را قبول کردند و یکی آن افرادی که نسبت به اسماء او الحاد ورزیده و آیات او را تکذیب کردند و خداوند ایشان را به کیفر تکذیبشان بسوی دوزخ سوق می دهد، همچنانکه در آخر کلام سابق فرموده: « و لقد ذرانا لجهنم كثيرا من الجن و الانس...! » و این سوق دادن را بوسیله استدراج و املاء انجام می دهد.

۱- المیزان ج: ۸ ص: ۴۳۲

۲- المیزان ج: ۸ ص: ۴۴۵

(۱)

**بیان انحصاری بودن علم به وقوع قیامت نزد خدای تعالی**

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْتَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ...! »

در این دو آیه این معنا روشن می شود که علم به زمان وقوع قیامت از غیبهایی است که مختص به خدای تعالی است و کسی جز خدا از آن اطلاعی ندارد و بطور کلی هیچ دلیلی در تعیین وقت و حدس وقوع آن نیست، پس قیامت پیا نمی شود مگر ناگهانی و در این بیان با ذکر بعضی از اوصاف قیامت به حقیقت آن اشاره شده است .

**هدف آیه ۱۸۹ تا ۱۹۸ سوره اعراف**

(۲)

**بیان میثاقهای انسان با خدا و پیمان شکنی های او**

« هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحَدِيدٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْنَا صَلِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ...! »

زمینه کلام در این آیات همان زمینه ای است که در سایر آیات این سوره بود و آن عبارت بود از بیان میثاق های نوع انسانی و اینکه اغلب و اکثر افراد این نوع آن میثاقها را شکستند!

**هدف آیه ۱۹۹ تا ۲۰۶ سوره اعراف**

(۳)

**دستور اتخاذ سیره حسنه و رفتار ملایم به رسول الله «ص»**

« خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ...! »

این آیات آخر سوره است و در آنها مجدداً غرضی را که سوره بخاطر ایفاء آن نازل شده ذکر نموده یعنی به پیغمبرش دستور می دهد به اینکه سیره حسنه و رفتار ملایمی را اتخاذ کند که دلها را متوجه آن سازد تا نفوس بدان بگرایند و نیز تذکر و در آخر ذکر را هم توصیه می کند .

**هدف و فلسفه نزول سوره انفال**

١- الميزان ج : ٨ ص : ٤٨١

٢- الميزان ج : ٨ ص : ٤٨٤

٣- الميزان ج : ٨ ص : ٤٩٥

(۱)

**بیان برخی اخبار جنگ بدر و مسئله غنایم جنگی**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...! » (انفال/۶۱)

از سیاق آیات این سوره بدست می آید که این سوره در مدینه و بعد از واقعه جنگ بدر نازل شده، به شهادت اینکه پاره ای از اخبار این جنگ را نقل می کند و مسائل متفرقه ای در باره جهاد و غنیمت جنگی و انفال و در آخر اموری را مربوط به هجرت ذکر می نماید.

**هدف آیه ۷ تا ۱۴ سوره انفال**

(۲)

**بیان مشیت و حکمت الهی پشت پرده وقایع جنگ بدر**

« وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِخْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكِه تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ...! »

این آیات اشاره به داستان بدر می کند که اولین جنگ در اسلام است و ظاهر سیاق آیات چنانچه به زودی روشن خواهد شد این است که بعد از پایان یافتن واقعه نازل شده باشد.

در آیه نخست می فرماید: بیاد آرید زمانی را که خداوند به شما وعده می دهد (غلبه بر یکی از دو طائفه غیر و نفیر را،) خداوند در این آیه نعمت ها و سنت های خود را برای ایشان برمی شمارد تا چنین بصیرتی بهم برسانند که خدای سبحان امری به ایشان نمی کند و حکمی بر ایشان نمی آورد مگر بحق و در آن مصالح و سعادت ایشان و به نتیجه رسیدن مساعی ایشان را در نظر می گیرد و وقتی دارای چنین بصیرتی شدند دیگر در میان خود اختلاف نکرده و نسبت به آنچه که خداوند برای آنان مقدر کرده و پسندیده اظهار کراهت ننموده بلکه امر خود را به او محول نموده و او و رسول او را اطاعت می کنند .

**هدف آیه ۱۵ تا ۲۹ سوره انفال**

(۳)

**بیان نکات ضروری درباره اصول جنگ و جهاد در اسلام**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأُدْبَارَ...! »



این آیات متضمن نواهی و اوامری است راجع به جهاد اسلامی و مربوط و

---

۱- المیزان ج : ۹ ص : ۳

۲- المیزان ج : ۹ ص : ۱۹

۳- المیزان ج : ۹ ص : ۴۳

مناسب با داستان جنگ بدر و نیز مردم را تشویق و تحریک می کند بر ترس از خدا و زنده شدن می دهد از مخالفت خدا و رسول او و اینکه مردم خود را در معرض غضب خدای سبحان در آورند. در آنها اشاره به پاره ای از وقایع که در جنگ بدر رخ داده و منت هایی که خداوند بر مؤمنین نهاده، نیز می کند!

### هدف آیه ۳۰ تا ۴۰ سوره انفال

(۱)

#### بیان عدم نزول عذاب آسمانی با وجود رسول الله و استغفار مومنین

«وَ إِذِ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ...!»

منظور از عذاب که در آیه نفی شده، عذاب آسمانی موجب استیصال است، که این امت را مانند عذاب سایر امم شامل می شود، اما خداوند سبحان در این آیه این چنین عذاب را از این امت مادام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنده و در میان آنان است و همچنین بعد از درگذشت آنجناب مادام که امت استغفار می کنند نفی کرده است .

و از جمله: «و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون!» به ضمیمه آیاتی که این امت را وعده عذابی می دهد که میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امت حکم می نماید مانند آیات: «و لكل امه رسول فاذا جاء رسولهم قضی بينهم بالقسط و هم لا يظلمون...!» برمی آید که برای این امت در آینده روزگاری است که استغفار از آنان منقطع گشته و دیگر مؤمنی خدا ترس که استغفار کند نمی ماند و در چنان روزگاری خداوند آنان را عذاب می کند!

### هدف آیه ۴۱ تا ۵۴ سوره انفال

(۲)

#### بیان وجوب خمس غنیمت، اندرز و استقامت در برابر دشمن دین

«وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَمَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَى الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...!»

این آیات مشتمل است بر بیان وجوب دادن خمس غنیمت، استقامت در برابر دشمن، اندرز آنان و بیان پاره ای از نکبتها که خداوند دشمنان دین را بدان مبتلا کرده، بیچاره شدنشان به مکر الهی و اینکه خداوند در بین آنان همان سنتی را معمول داشته که در میان قوم فرعون و کسانی که پیش از ایشان بودند بخاطر تکذیب آیات و جلوگیری از راه او معمول داشته است .

### هدف آیه ۵۵ تا ۶۶ سوره انفال

١- الميزان ج : ٩ ص : ٨٤

٢- الميزان ج : ٩ ص : ١١٥

(۱)

**بیان احکام جنگ و صلح و پذیرش و نقض معاهدات صلح**

« إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ! »

« الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْفُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرْهٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ...! »

آیات فوق احکام و دستوراتی است در باره جنگ و صلح و معاهدات جنگی و نقض آن و غیره.

صدر آیه ها قابل انطباق بر طوایف یهودی است که در مدینه و اطراف آن می زیسته اند، چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعد از هجرتش به مدینه با این طوایف معاهده بست بر اینکه آنان در مقام اخلاک‌کاری و مکرش بر نیامده و کسی را علیه او کمک نکنند و در عوض بر دین خود باقی بوده و جانشان از ناحیه آن حضرت در امان باشد. یهودیان این پیمان را شکستند، آن هم نه یک بار و دو بار، تا آنکه خداوند دستور جنگ با آنان را داد و کارشان به آنجا کشید که همه می دانیم.

**هدف آیه ۶۷ تا ۷۱ سوره انفال**

(۲)

**بیان احکام اسرای جنگی**

« مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثَخِّنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ...! »

خداوند در این آیات مسلمانانی را که در جنگ بدر شرکت داشتند بدین جهت مورد عتاب قرار داده که از کفار اسیرانی گرفتند و آنگاه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کردند که به قتل آنان فرمان ندهد و در عوض خونبها از آنان بگیرد و آزادشان سازد تا بدین وسیله نیروی مالی آنان علیه کفار تقویت یافته و نواقص خود را اصلاح کنند.

هر چند خداوند بشدت مسلمانان را عتاب کرد ولی پیشنهادشان را پذیرفت و تصرف در غنیمت را که شامل خونبها نیز می شود برایشان مباح کرد .

در آخر آیات بیانی است که گویا کفار را تطمیع نموده و در صورتی که مسلمان شوند وعده نیک می دهد و اگر بخواهند به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خیانت کنند خداوند از آنان بی نیاز است!

**هدف آیه ۷۲ تا ۷۵ سوره انفال**

(۳)

## بيان شرايط ولايت و موالات مومنين

« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ

١- الميزان ج : ٩ ص : ١٤٥

٢- الميزان ج : ٩ ص : ١٧٦

٣- الميزان ج : ٩ ص : ١٨٧

ءَاوُوا وَ نَصَرُوا أَوْلِيَّكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا وَ إِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...!»

این آیات سوره انفال را ختم می کند و به یک معنا برگشت معنای آن به آیاتی است که سوره به آن افتتاح می شد و در آن موالات میان مؤمنین را واجب نموده، مگر اینکه بعضی مهاجرت نکنند و بعضی تخلف کنند و رشته موالات میان آنان و کفار بکلی قطع گردد.

### هدف و فلسفه نزول سوره توبه

(۱)

#### اعلام بیزاری و تشویق به قتال با مشرکین و افشای توطئه های منافقین

« بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ ءَعٰهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ...! » (تا ۱۶/توبه)

این آیات، آغاز دسته ای از آیات است که به نام سوره توبه و یا براءت نامیده شده است. آیات این سوره بر خلاف سایر سوره ها که اواخرش همان منظوری را افاده می کند که اوائلش افاده می کرد، دارای غرض واحدی نیست.

اول این سوره مربوط به بیزاری از کفار است و قسمتی از آن مربوط به قتال با مشرکین و قتال با اهل کتاب و یک قسمت مهمی از آن در باره منافقین صحبت می کند و آیاتی از آن مسلمانان را به قتال تحریک می کند و عده ای متعرض حال کسانیست که از جنگ تخلف ورزیدند و آیاتی مربوط به دوستی و ولایت کفار است، آیاتی راجع به زکات است و همچنین مطالبی دیگر، لیکن می توان گفت قسمت معظم آن مربوط به قتال با کفار و آیات راجع به منافقین است.

### هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره توبه

(۲)

#### بیان شرایط جاودانگی و ارزش اعمال نزد خدا

« مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أَوْلَٰئِكَ حَبِطَتِ أَعْمَلُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ...! »

حاصل مضمون این آیات این است که اعمال بندگان وقتی مرضی خداوند و نزد او جاودانه می ماند که از روی حقیقت ایمان به او و فرستاده اش و همچنین ایمان



به روز جزا باشد و گر نه حبط شده صاحبش را بسوی سعادت رهبری نخواهد کرد و معلوم است که از لوازم ایمان حقیقی ، انحصار دادن ولایت است به خدا و رسول او!

### هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره توبه

(۱)

#### بیان نصرت خدا در جنگ حنین، و اعلام منع ورود مشرکین به مسجدالحرام

« لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ...! »

این آیات به داستان جنگ حنین اشاره نموده و بر مؤمنین منت می گذارد که چگونه مانند سایر جنگها که در ضعف و کمی نفرات بودند آنها را نصرت داد، آن هم چه نصرت عجیبی! و بخاطر تایید پیغمبرش آیات عجیبی نشان داد، لشکریانی فرستاد که مؤمنین ایشان را نمی دیدند و سکینت و آرامش خاطر در دل رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و مؤمنین افکند و کفار را بدست مؤمنین عذاب کرد!

در میان این آیات آیه ای است که ورود مشرکین را در مسجد الحرام ممنوع و تحریم کرده و فرموده بعد از امسال نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند و آنسال، سال نهم هجرت بود، همانسالی که علی علیه السلام سوره براءت را به مکه برد و طواف در اطراف خانه را در حال برهنگی و وارد شدن مشرکین را در مسجد الحرام ممنوع اعلام نمود!

### هدف آیه ۲۹ تا ۳۵ سوره توبه

(۲)

#### بیان شرط اقامت اهل کتاب در بلاد اسلامی با پرداخت جزیه

« قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ...! »

این آیات مسلمین را امر می کند به اینکه با اهل کتاب که از طوایفی بودند که ممکن بود جزیه بدهند و بمانند و ماندنشان آنقدر مفسده نداشت کارزار کنند. در ضمن از انحرافشان از حق در مرحله اعتقاد و عمل ، اموری را ذکر می کند.

### هدف آیه ۳۶ و ۳۷ سوره توبه

(۳)



## تثبیت حکم حرمت ماه های حرام چهارگانه

« إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقْتُلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ! »

« إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَحِلُّونَهُ عَامًا وَيَحْرِمُونَهُ عَامًا »

۱- المیزان ج : ۹ ص : ۲۸۸

۲- المیزان ج : ۹ ص : ۳۱۴

۳- المیزان ج : ۹ ص : ۳۵۵

لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَلِهِمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ!»

در این دو آیه حرمت ماههای حرام یعنی ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب بیان شده و حرمتی که در جاهلیت داشت تثبیت گردیده و قانون تاخیر حرمت یکی از این ماهها که از قوانین دوره جاهلیت بود لغو اعلام شده و نیز مسلمین مامور شده اند بر اینکه با همه مشرکین کارزار کنند.

### هدف آیه ۳۸ تا ۴۸ سوره توبه

(۱)

#### بیان حفاظت خدا از رسول الله در غار ثور و توطئه های منافقین

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ...!»

این آیات متعرض حال منافقین و بیان پاره ای از اوصاف و علامتهای آنان و تلخی هائی که اسلام از کید و مکر ایشان دید و مسلمین از نفاق ایشان کشیدند، می باشد.

در مقدمه آن، مؤمنین را مورد عتاب قرار می دهد که چرا از جهاد شانه خالی می کنند و داستان یاری خدا را از پیغمبرش به رخ آنان می کشد، که با آنکه بی یار و بی کس از مکه بیرون آمد چگونه خدای تعالی نصرتش داد!

### هدف آیه ۴۹ تا ۶۳ سوره توبه

(۲)

#### بیان فساد اعتقادات و خبث اوصاف باطنی منافقین

« وَ مِنْهُمْ مَن يَقُولُ ائْتِنَا لِي وَ لَا تَفْتِنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَحِيظَةٌ بِالْكَافِرِينَ...!»

این آیات، گفتاری در باره منافقین می باشد و نیز بیان حال آنان را که در آیات قبلی بود دنبال نموده ، پاره ای از حرکات و حرفهای آنان را نقل نموده ، مطالبی خاطر نشان می سازد که از خبث اوصاف باطنی و فساد اعتقادات آنان - که بر اساس ضلالت استوار گشته - پرده بر می دارد .

### هدف آیه ۶۴ تا ۷۴ سوره توبه

(۳)

## بیان توطئه قتل رسول الله بوسیله منافقین صدر اسلام

« يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُبَيِّنُ لَهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مِمَّا تَحْذَرُونَ...! »

این آیات به ذکر یک خصوصیت دیگری از خصوصیات منافقین و زشتی دیگری از زشتیها و جرائم آنان می پردازد که همواره سعی داشتند با پرده نفاق آن را

---

۱- المیزان ج : ۹ ص : ۳۷۱

۲- المیزان ج : ۹ ص : ۴۰۷

۳- المیزان ج : ۹ ص : ۴۳۶

پوشانند. آنان کمال مراقبت را داشتند که مبادا آن زشتی از پرده بیرون بیفتد و سوره ای از قرآن در باره آن نازل شود و نقشه شوم آنان را نقش بر آب کند .

این آیات خبر می دهد از اینکه منافقین جمعیتی معتنا بهی بوده اند، چون می فرماید: «ان نَعْفُ عَن طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نَعِزُّ طَائِفَةٍ - اِگر ما از طائفه ای از شما بگذریم طائفه دیگری از شما را عذاب خواهیم کرد!»

و نیز دلالت دارد بر اینکه منافقین با یک باند دیگری از منافقین ارتباط داشته اند ، چون می فرماید: «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ - مردان و زنان منافق با یکدیگر ارتباط دارند!» و نیز دلالت دارد بر اینکه همه ادعای مسلمانی و ایمان داشتند، حتی آن روزی که زبان به کلمه کفر باز کردند و کفر درونی خود را بیرون ریختند ، چون آیه: «قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ...!» بخوبی بر این معنا دلالت دارد.

و نیز برمی آید همه برای پیاده کردن نقشه ای که با هم ریخته بودند فعالیت می کردند و در موقع طرح آن به کفر خود تصریح کرده و تصمیم بر امر بزرگی گرفته بودند، که خدای تعالی میان آنان و انجام تصمیمشان حائل شد و امیدشان ناامید و نقشه ها و فعالیت‌هایشان خنثی گردید. این معنا را از آیه: «وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ اِسْلَامِهِمْ وَ هُمَا بَمَا لَمْ يَنَالُوا...!» بخوبی می توان فهمید .

و نیز برمی آید که پاره ای از حرکات و عملیات که از تصمیم خطرناک آنها حکایت کند از ایشان سرزده بود، که وقتی بازخواست شدند این چه کاری بوده که کردید بهانه آورده اند به عذری که بدتر از گناه بوده و این معانی را از آیه: «وَلْتَن سَالْتَهُمْ لِيَقُولُنَّ اِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ...!» می توان استفاده کرد: آیات بعد از این آیه در یک سیاق متصل و مربوط بهم ، دلالت دارند بر اینکه این واقعه در ایامی اتفاق افتاده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای رفتن به جنگ تبوک از مدینه خارج شده و هنوز برنگشته بود، این معنا را از آیه: «فَان رَجِعْكَ اللهُ اِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ...!» و آیه: «سِيحْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَكُمْ اِذَا اِنْقَلَبْتُمْ اِلَيْهِمْ...!» می توان فهمید .

با این معنا، انطباق این آیات با روایت عقبه روشن تر از روایات دیگری است که داستانهای دیگری برای شان نزول این آیات نقل می کند.

## هدف آیه ۷۵ تا ۸۰ سوره توبه

(۱)

### بیان عاقبت کار متخلفین از حکم صدقات و استهزا کنندگان انفاقگران

« وَ مِنْهُمْ مَّنْ عٰهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ ءَاتَاْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ...! »

این آیات طائفه دیگر از منافقین را یادآور می‌شود که از حکم صدقات تخلف ورزیده و از دادن زکات سرپیچیدند، با اینکه قبلاً مردمی تهی دست بودند و با خدا

---

۱- المیزان ج: ۹ ص: ۴۷۱

عهد کرده بودند که اگر خدای تعالی به فضل خود بی نیازشان سازد حتماً تصدق دهند و از صالحان باشند، ولی بعد از آنکه خدای تعالی توانگرشان ساخت بخل ورزیده و از دادن زکات دریغ نمودند .

و نیز طائفه دیگری از منافقین را یاد می کند که توانگران با ایمان را زخم زبان زده ، ایشان را ملامت می کردند که چرا مال خود را مفت از دست می دهند و زکات می پردازند و تهی دستان را زخم زبان زده ، مسخره می کردند ( که خدا چه احتیاج به این صدقه ناچیز شما دارد!) و خداوند همه این طوائف را منافق خوانده و بطور قطع حکم کرده که ایشان را نیامرزد!

### هدف آیه ۸۱ تا ۹۶ سوره توبه

(۱)

#### بیان کیفر تخلف کنندگان از فرمان جهاد رسول الله «ص»

« فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعِدِهِمْ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يَجْهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ...! »

این آیات قابل ارتباط و اتصال به آیات قبل هست، چون همان غرضی را که آن آیات دنبال می کرد این آیات دنبال می کند.

### هدف آیه ۹۷ تا ۱۰۶ سوره توبه

(۲)

#### بیان کفر و نفاق اعراب بادیه نشین و کیفر آنان

« الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ...! »

در این آیات هم، گفتار در پیرامون همان غرضی است که آیات قبلی متعرض آن بود، در اینجا وضع اعراب را نسبت به کفر و نفاق و ایمان بیان می کند، البته در خلال آنها آیه صدقه نیز آمده است.

### هدف آیه ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه

(۳)

#### بیان نفاق سازندگان مسجد ضرار

« وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَيَخْلِفَنَّ إِنَّ أَرْضَنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ...! »

این آیات عده دیگری از منافقین را یادآور می شود که مسجد ضرار را ساخته بودند و وضع ایشان را با وضع مؤمنین که مسجد قبا را ساخته بودند مقایسه می کند.

### هدف آیه ۱۱۱ تا ۱۲۳ سوره توبه

۱- المیزان ج : ۹ ص : ۴۸۲

۲- المیزان ج : ۹ ص : ۵۰۰

۳- المیزان ج : ۹ ص : ۵۲۹

(۱)

**بیان پاداش جهادگران، منع دوستی با مشرکان، و دستور نفقه در دین**

« إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ...! »

این آیات در باره مطالب گوناگونی است که یک غرض واحدی، همه را به هم مرتبط و به آن غرضی که آیات قبلی در مقام بیان آن بود مربوط می سازد، زیرا این آیات در پیرامون جنگ و جهاد است.

بعضی از آنها مؤمنین مجاهد را مدح نموده و وعده جمیل داده است و بعضی از آنها از محبت و دوستی با مشرکین و طلب مغفرت جهت ایشان نهی می کند.

بعضی دیگر از آنها دلالت بر گذشت خدای تعالی از آن سه نفری دارد که در جنگ تبوک تخلف ورزیدند، بعضی دیگر اهل مدینه و اطراف آن را مامور می کند به اینکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر جا که خواست برای قتال بیرون رود بیرون روند و از آنجناب تخلف نکنند.

بعضی دیگر مردم را دستور می دهد که از هر طائفه عده ای بکار تفقه در دین و آموختن معارف آن پرداخته، پس از مراجعت به سوی قوم خود در میان آنان به تبلیغ دین پردازند!

و بعضی از آنها حکم می کند به اینکه باید با کفار همجوار کارزار کنند!

**هدف آیه ۱۲۴ تا ۱۲۹ سوره توبه**

(۲)

**بیان ضابطه ای برای شناخت منافقین و مومنین**

« وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ! »

آیات سوره برائت با این چند آیه ختم می شود و این آیات حال مؤمنین و منافقین در موقع نزول سوره قرآنی را بیان می کند و بدین وسیله نشانه دیگری از نشانه های نفاق را شرح می دهد که با آن مؤمن از منافق تشخیص داده می شود و آن این است که در موقع نزول قرآن به یکدیگر می گویند: این آیه ایمان کدامتان را زیاد کرد؟ و یا به یکدیگر نگاه می کنند و می گویند مبادا کسی شما را ببیند!

و در آخر رسول گرامی خود را به وصفی توصیف می کند که دلهای مؤمنین به وی متمایل شود و او را دستور می دهد به



اینکه اگر مردم از او روی گردانیدند بر خدا توکل جوید!

## هدف و فلسفه نزول سوره یونس

۱- المیزان ج : ۹ ص : ۵۳۶

۲- المیزان ج : ۹ ص : ۵۵۷

### التزام مردم به به توحید، انذار مشرکین و قضاء عدل بین رسول الله و امتش

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الر! تَلْعَكِ آيَاتِ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ! أَمْ كَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ...! » (۱۰ تا ۱۰/یونس)

این سوره مبارکه - همانطور که از آیاتش پیداست - در مکه نازل شده و از سوره هائی است که نزول آن در اوائل بعثت بوده و این سوره بطوری که از پیوستگی و اتصال آیات کریمه اش پیداست یکباره نازل شده است .

غرض این سوره، یعنی آن هدفی که سوره برای بیان آن نازل شده، عبارت است از تاکید مردم به التزام به توحید! این تاکید را از راه بشارت و انذار انجام داده است. گویا این سوره بعد از آنکه مشرکین، مساله وحی را انکار کردند و قرآن را سحر خواندند نازل شده و ادعای آنان را به این بیان رد کرده که: قرآن کتابی است آسمانی و نازل شده به علم خدای تعالی و آنچه از معارف توحید که در آن است از قبیل وحدانیت خدای تعالی و علم و قدرت او، اینکه خلقت منتهی به او است، سنت های عجیبی که در خلقت عالم دارد، اینکه خلق همگی با اعمالشان به سوی او بر می گردند و در برابر آنچه کرده اند جزاء داده می شوند - خیر باشد جزای خیر داده می شوند و شر باشد جزای شر - همه و همه اموری است که آیات آسمان و زمین بر آن دلالت دارد و عقل سالم نیز به سوی آن راهنمایی می کند .

پس ، همه اینها معانی و معارفی است حق! و معلوم است که کلامی که بر چنین معارفی دلالت می کند کلام حکیم است و سحر باطلی که با عباراتی شیرین و فریبنده زینت شده نمی تواند حاکی از چنین معارفی باشد .

دلیل بر آنچه گفتیم این است که خدای تعالی سوره مورد بحث را با گفتار در باره تکذیب دشمنان نسبت به قرآن کریم آغاز نموده و فرموده: « ا كان للناس عجباً ان اوحينا ... قال الكافرون ان هذا لساحر مبين! » و بالحنی چون: « و اتبع ما يوحى اليك! » ختم فرموده است و آن آغاز و این انجام را در خلال آیات آن نیز چند بار تذکر داده، یکجا فرموده: « و اذا تتلى عليهم آياتنا...! » و جای دیگر فرموده: « و ما كان هذا

القرآن ان یفتی من دون الله...!» و جای دیگر فرموده: «یا ایها الناس قد جاء تکم موعظه...!» و نیز فرموده: «فان كنت فی شک مما انزلنا الیک...!»

پس همینکه می بینیم این مطلب، یعنی سخن از حقانیت قرآن در چند جای سوره تکرار شد و در اول و آخر آن آمده، باید بفهمیم که زمینه و اساس آیات این سوره همان پاسخگوئی و رد انکار کفاری است که وحی بودن قرآن را انکار می کردند، و به همین جهت است که باز می بینیم تهدیدهایی که در این سوره آمده - که قسمت عمده سوره است - در باره مکذبین آیات خدا از این امت است، اینها هستند که تهدیدشان کرده است به قضاء بین آنان و بین پیامبرشان (صلوات الله علیه) و فرموده: «این قضاء، سنتی است که خدای تعالی در بین هر امتی با پیغمبرش جاری کرده است!»

و نیز می بینیم که سوره مورد بحث را با تعقیب همین جریان ختم نموده، بطوری که گوئی بیان حقیقت نامبرده از مختصات این سوره است.

بنابر این جا دارد که ما سوره یونس را به سوره انذار و قضاء عدل بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و بین امتش معرفی کنیم. اتفاقاً سوره با همین قضاء ختم شده، آنجا که خطاب به رسول گرامی خود فرموده: «و اصبر حتی یحکم الله و هو خیر الحاکمین!»

## هدف آیه ۱۱ تا ۱۴ سوره یونس

(۱)

### بیان دلیل تاخیر عذاب منکرین توحید و معاد

«و لَوْ یُعْجَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَلَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ...!»

بعد از آنکه در آیات قبل دو اصل از اصول دعوت حقه اسلام یعنی توحید و معاد را یاد آور شد و از طریق عقل فطری بر آن دو اصل استدلال کرد و چند خبر هم از عاقبت ایمان و سرانجام کفر به آن دو اصل را بیان نمود، اینک در این آیات دو سؤال را مطرح نموده و از آن پاسخ می دهد: یکی اینکه چرا خدای تعالی منکرین این دو اصل را با اینکه در ضلالت و کور دلی خود ادامه می دهند و سر به طغیان بر می آورند اینقدر مهلتشان می دهد؟ و سؤال دوم اینکه علت ضلالت و طغیان آنان چیست (و با اینکه توحید و معاد به طریق عقل فطری ثابت است چرا آن را نمی پذیرند؟)

در پاسخ از این دو سؤال می فرماید: جواب آن روشن است و جای ابهامی در آن نیست، چون فرستادگان خدای تعالی در هر زمانی آن را برای مردم با ادله ای

روشن بیان کرده اند، چیزی که هست شیطان اعمال این اسرافگران را در نظرشان زینت داده و در نتیجه از یاد قیامت غافلشان ساخته است و با اینکه انبیاء بارها به یادشان آورده بودند باز آن را از یاد بردند .

و اما اینکه چرا خدای تعالی مهلتشان می دهد و در نزول عذاب بر آنان عجله نمی کند؟ جوابش این است که می خواهد آنان را امتحان کند تا آنچه در باطن نهفته دارند به صورت گناه بیرون بریزند ، چون دنیا دار ابتلاء و امتحان است!

### هدف آیه ۱۵ تا ۲۵ سوره یونس

(۱)

#### تعلیم احتجاجاتی به رسول الله «ص» علیه منکرین معاد

« وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّتِ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَائِي نَفْسِي إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ...! »

در این آیات احتجاج هائی آمده که خدای تعالی آنها را به رسول گرامی خود تلقین فرموده، تا آن جناب با آن احتجاج ها گفته های کفار را در باره کتاب خدا و یا عقائدشان را در باره خدایان خود و یا پیشنهادهای نابجای آنان را، رد سازد!

### هدف آیه ۲۶ تا ۳۰ سوره یونس

(۲)

#### بیان سزای اعمال و برگشت همگان به خدای حق

« لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ...! »

این آیات مطالبی جدیدی را بیان می کند که برگشت آنها به ذکر سزای اعمال و برگشتن همه خلایق به سوی خدای حق است، البته در آیات سابق نیز اشاره ای به این مطالب بود. در این آیات یگانگی خدای تعالی در ربوبیت اثبات شده است!

### هدف آیه ۳۱ تا ۳۶ سوره یونس

(۳)

#### تعلیماتی برای رسول الله برای مقابله با سه نوع عقیده در ربوبیت

« قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ مَنْ يَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ...! »

« قُلْ هَلْ مِنْ شَرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدُوَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنْى تُؤْفَكُونَ! »

« قُلْ هَلْ مِنْ شَرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى

---

١- الميزان ج : ١٠ ص : ٣١

٢- الميزان ج : ١٠ ص : ٥٨

٣- الميزان ج : ١٠ ص : ٦٩

الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ...!»

این آیات حجت هائی است قاطع بر ربوبیت خدای تعالی و رسول گرامی خود را دستور می دهد که این حجت ها را علیه مشرکین اقامه نماید .

### هدف آیه ۳۷ تا ۴۵ سوره یونس

(۱)

#### بیان هدایت خلق بوسیله وحی و نزول کتابهای آسمانی

« وَ مَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ...! »

در این آیات به مطالب اول سوره برگشته، که قرآن را معرفی می کرد و می فرمود: قرآن کتابی است نازل از ناحیه خدای تعالی و هیچ شکی در آن نیست و نیز در این آیات دلیل این معنا را تلقین می کند و این آیات به آیات قبل که می فرمود: «قل هل من شركائكم من يهدي الى الحق قل الله يهدي للحق...!» اتصال دارد و ما در آنجا گفتیم که یکی از مراحل هدایت خدای تعالی به سوی حق همین است که مردم را از طریق وحی به انبیايش و نازل کردن کتابهایی بر آنان ، خلق را به سوی دین حق، آن دینی که خودش برای خلقش می پسندد، هدایت فرماید، مانند کتابهایی که بر نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه وآله وسلم نازل فرموده و این آیات آن کتابها را یادآور شده ، اقامه حجت می کند بر اینکه قرآن یکی از آن کتابها است که به سوی حق هدایت می کند. به همین جهت با یادآوری قرآن اشاره ای هم به آن کتابها نموده فرموده: «و لكن تصديق الذي بين يديه و تفصيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين!» و در آخر آیات به ذکر مساله حشر ، که یکی از مقاصد این سوره است و قبلا نیز سخن از آن رفته بود برگشت شده است.

### هدف آیه ۴۶ تا ۵۶ سوره یونس

(۲)

#### بیان ارتباط سنت ارسال رسل و سنت نابودی جوامع فاسد اشاره به شرایط نزول عذاب بر امت اسلام

« وَ إِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ...! »

این آیات از سنتی الهی خیر می دهند که همواره در میان خلقش جاری است و آن این است که خدای سبحان ، با قضایی حق قضاء رانده و تقدیری کرده که نه رد می شود و نه تبدیل و آن این است که به سوی هر امتی رسولی گسیل بدارد تا رسالت ها و پیامهایش را به آن امت برساند، آنگاه خودش بین آن رسول و آن امت حکم فصل کند! یعنی آن پیامبر و گروندگان به او را حفظ نموده منکرین را که نبوت

---

١- الميزان ج : ١٠ ص : ٨٨

٢- الميزان ج : ١٠ ص : ٩٩

آن پیامبر را تکذیب می کنند هلاک فرماید!

در این آیات بعد از بیان آن سنت، رسول گرامی خود صلی الله علیه و آله وسلم را دستور داده که به امتش خبر دهد که آنچه در امت های گذشته جاری شده بود در این امت نیز جاری خواهد شد و این امت هیچگونه امتیاز و استثنایی از این کلیت ندارد، چیزی که هست رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در آنچه که خدای تعالی تلقینش کرده چیزی برای پاسخ از سؤال مشرکین که پرسیده بودند وقت عذاب کی است بیان نفرموده و تنها این را فرموده که قضای الهی حتمی است و این امت (نیز مانند سایر امت ها) عمر و اجلی دارد، همانطور که یک فرد از انسان عمری دارد و بعد از تمام شدن عمرش اجلش فرا می رسد و اما اینکه زمان نزول آن اجل کی است بطور عجیبی مبهم گذاشت و هیچ اشاره ای به آن نفرمود.

و ما در المیزان در تفسیر آیه: «و ما کان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما کان الله معذبهم و هم يستغفرون!» (انفال) گفتیم که این آیه خالی از اشعار و اشاره به این معنا نیست که امت اسلام بعد از رحلت رسول خدا چیزی نمی گذرد که نعمت استغفار از آنان گرفته می شود و آن وقت است که عذاب بر آنان نازل می شود. در سوره انفال آنچه در اینجا مبهم ذکر شده توضیح داده و این خبر که امت اسلام چنین و چنان می شود یکی از اخبار غیبی قرآن کریم است!

### هدف آیه ۵۷ تا ۷۰ سوره یونس

(۱)

### بیان اوصاف قرآن کریم

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ...!»

در این آیات به اوصاف قرآن کریم و صفات کریمه آن برگشته و به دنبالش مطالبی متفرق آمده که با آیات قبل که مربوط به غرض سوره بود مرتبط است و نیز در آن، کلماتی در موعظت و حکمت و استدلال بر اثبات مطالبی گوناگون و کلماتی در اوصاف اولیاء الله و بشارت به آنان آمده است.

### هدف آیه ۷۱ تا ۷۴ سوره یونس

(۲)

### عبرت از نابودی جوامع فاسد و عوامل سقوط آنها

«وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَّقَامِي وَ تَذَكِيرِي بِبِئَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُونِ...!»



این آیات اجمالی از داستان نوح علیه السلام و رسولان بعد از آن جناب - تا

---

۱- المیزان ج : ۱۰ ص : ۱۱۴

۲- المیزان ج : ۱۰ ص : ۱۴۸

زمان موسی و هارون علیهما السلام - را بیان نموده و به ذکر معامله ای که خدای سبحان با امت هائی که رسولان خود را تکذیب کردند، می پردازد و فرموده که آن امت ها را هلاک و مؤمنین به انبیاء را نجات داد! و غرض از بیان این سرگذشت این است که اهل تکذیب، از این امت عبرت بگیرند.

### هدف آیه ۷۵ تا ۹۳ سوره یونس

(۱)

#### بیان اسرار تشابه دعوت رسول الله «ص» با دعوت موسی «ع»

« ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَ هَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مَجْرِمِينَ..! »

خدای تعالی بعد از ذکر داستانی از نوح علیه السلام و اجمالی از داستان انبیاء بعد از نوح و قبل از موسی علیه السلام در آیات قبل، اینک در این آیات رشته سخن را به داستان موسی و برادر و وزیرش، هارون و سرگذشتی که با فرعون و درباریانش داشتند کشیده و در عین اینکه داستان را بطور اختصار و کوتاه آورده، با سیاقی آورده که همه فصول آن با سرگذشت رسول اسلام و دعوتش از فرعون صفتان قومش و طاغیان قریش منطبق است و به فهرستی از سرگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمین که ذیلا ایراد می شود اشاره دارد:

۱- ایمان نیاوردن طاغیان قریش ۲- ایمان آوردن ضعفای قریش و غیر قریش که تحت شکنجه آن طاغیان بودند ۳- ناگزیر شدن جمعی از مسلمانان ضعیف به اینکه از شهر و وطن خود کوچ کنند ۴- هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با جمعی از مؤمنین به مدینه طیبه ۵- تعقیب مؤمنین به وسیله فرعون صفتان این امت و درباریان آنان ۶- هلاکت آن فراعنه به کیفر گناهانشان ۷- منزل دادن خدای تعالی مؤمنین را به برکت اسلام در منزلگاهی صدق ۸- روزی دادن به آنان از طبیات ۹- اختلاف کردن مؤمنین بعد از آنکه حق برایشان معلوم گشت ۱۰- اینکه خدای تعالی به زودی در بین آنان داوری خواهد کرد!

پس، بنا بر این همه موارد مذکور تصدیق آن اسراری است که خدای سبحان در این آیات به پیامبرش سپرده و به زودی امتش با تاویل آن اسرار و خارجیت آنها روبرو خواهد شد!

### هدف آیه ۹۴ تا ۱۰۳ سوره یونس

(۲)

#### بیان شرط اذن الهی در پذیرش قلبی ایمان

« فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكُتُبَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ

---

١- الميزان ج : ١٠ ص : ١٥٦

٢- الميزان ج : ١٠ ص : ١٧٩

جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ...!»

این آیات متضمن استشهادی است بر حقانیت معارفی که در مورد مبدأ و معاد و در باره قصص انبیاء و امتهای آنان، در این سوره نازل شده، که از جمله آن انبیاء نوح و موسی و پیغمبران بین آن دو و امت های آنان است، که داستان آنان را که اهل کتابهای آسمانی در آن کتابها - که قبل از نزول قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم - نازل شده بود خوانده بودند، بطور اجمال ذکر کرده است .

آنگاه بیانی آورده که به منزله خلاصه گیری از بیانات سابق است و آن این است که آنان به هیچ وجه مالک نفس خود نخواهند شد که به دلخواه خود به خدا ایمان بیاورند مگر آنکه خدای تعالی اذن دهد و خدا به کسی اذن می دهد ایمان آورد که خودش مهر بر دل وی نرده باشد و پلیدی را بر او مسلط نکرده باشد و گرنه کسی که کلمه الله (اراده و مشیت خدا) علیه او محقق شده دیگر به خدا و آیات او ایمان نخواهد آورد، تا زمانی که عذاب را ببیند، در آن هنگام ایمان می آورد، ولی دیگر چه سود!

### هدف آیه ۱۰۴ تا ۱۰۹ سوره یونس

(۱)

### جمع بندی مطالب سوره یونس

« قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...! »

این آیات، آیات آخر سوره یونس است که در آن خلاصه بیانات سوره آمده و اشاره ای اجمالی به مساله توحید ، معاد و نبوت نیز نموده است. خداوند در این آیات رسول گرامی خود را دستور می دهد که از قرآن پیروی کند و منتظر آن باشد که خدای عز و جل بین او و امتش حکم کند!

### هدف و فلسفه نزول سوره هود

### بیان توحید الهی بر اساس معارف قرآن کریم

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الرَّ! كِتَبٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ...! » (آ تا ۴/هود)

این سوره همانطور که از آغاز و انجامش و از زمینه ای که همه آیاتش دارد بر می آید در این مقام است که غرض آیات قرآنی را با همه کثرت و تشتتی که در آنها است بیان نموده از مضامین همه آنها خلاصه گیری کند و خاطر نشان می سازد که اساس و جان تمامی معارف مختلفی که آیات قرآنی متضمن آن است یک حقیقت است:

اگر قرآن کریم سخن از معارف الهی دارد و اگر در باره فضایل اخلاقی سخن می گوید و اگر احکامی در باره کلیات عبادات و معاملات و سیاسات و ولایتها تشریح می کند و اگر از اوصاف خلاقیتی از قبیل: عرش، کرسی، لوح، قلم، آسمان، زمین، فرشتگان، جن، شیطانها، گیاهان، حیوانات و انسان سخن به میان می آورد و اگر در باره آغاز خلقت و انجام آن حرف می زند و بازگشت همه را نخست به سوی فنا و سپس به سوی خدای سبحان می داند و خبر از روز قیامت و قبل از قیامت، یعنی از عالم قبر و برزخ می دهد و از روزی خبر می دهد که همه برای رب العالمین و به امر او بپا می خیزند و همه در عرصه ای جمع گشته سؤال و بازخواست و حساب و سنجش و گواهی گواهان را می بینند و در آخر بین همه آنان داوری شده گروهی به بهشت و جمعی به دوزخ می روند، بهشت و دوزخی که دارای درجات و درکاتی هستند و نیز اگر بین هر انسانی و بین عمل او و نیز بین عمل او و سعادت و شقاوت او و نعمت و نعمت او و درجه و درکه او و متعلقات عمل او از قبیل وعده و وعید و انذار و تبشیر از راه موعظه و مجادله حسنه و حکمت رابطه برقرار دانسته و در باره آن رابطه ها سخن می گوید، همه اینها بر آن یک حقیقت تکیه دارد و آن حقیقت چون روح در تمامی آن معارف جریان یافته و آن یک حقیقت، اصل و همه اینها شاخه و برگ آنند، آن حقیقت، زیر بنا و همه اینها که دین خدا را تشکیل می دهند بر آن پایه بنا نهاده

شده اند و آن يك حقيقت عبارت است از توحيد حق تعالى، البته توحيدى كه اسلام و قرآن معرفى کرده و آن اين است كه انسان معتقد باشد به اينكه خداى تعالى رب همه اشياى عالم است و غير از خداى تعالى در همه عالم ربى وجود ندارد و اينكه انسان به تمام معنای کلمه تسليم او شود و حق ربوبيت او را اداء کند و دلش جز برای او خاشع نگشته، بدنش جز در برابر او خضوع نکند، خضوع و خشوعش تنها در برابر او - جل جلاله - باشد!

و اين توحيد، اصلى است كه با همه اجمالى كه دارد متضمن تمامى تفصيل و جزئيات معانى قرآنى است، چه معارفش و چه شرايعش و به عبارتى اصلى است كه اگر شكافته شود همان تفصيل مى شود و اگر آن تفصيل فشرده شود به اين اصل واحد برگشت مى كند .

پس، اين سوره همه معارف قرآنى را نخست در اين چهار آيه اول بطور اجمال ذكر نموده، سپس در طول سوره به تفصيل آن مى پردازد، البته آن تفصيل را در قالب انذار و تبشير ريخته، انذار و تبشيري كه با ذكر سنت جارى خدا در بندگان و ايراد اخبار امتهاى گذشته و داستان اقوام نوح و هود و صالح و لوط و شعيب و موسى و سرنوشتى كه استكبار از پذيرفتن دعوت الهى و نيز افساد در زمين و اسراف در اين فساد انگيزى دارد صورت گرفته و نيز به توصيف وعده هاى الهى براى مؤمنين و صاحبان اعمال صالح و توصيف تهديد هائى كه خدا به طبقه كفار و تكذيبگران آياتش داده، پرداخته و در خلال اين مسائل امور ديگرى از معارف الهى راجع به توحيد، نبوت و معاد نيز خاطر نشان شده است .

## هدف آيه ۵ تا ۱۶ سوره هود

(۱)

### بيان دعاوى قوم رسول الله و جواب آنها

« أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ...! »

اين آيات پاره اى از رفتار و گفتار مشرکين در رد بر نبوت خاتم الانبياء صلى الله عليه وآله وسلم و نيز رفتار و گفتارى كه در رد كتاب نازل بر آن حضرت داشته اند را حكايت نموده و از آنها با ذكر دليل و حجت پاسخ مى دهد.

از جمله رفتار ناپسندشان اين بوده كه به خداى تعالى بى حرمتى مى كردند و از جمله گفتارهاى باطلشان اين بوده كه مى گفتند: چرا آن عذابى كه ما را بدان تهديد مى كنى نازل نمى شود؟ و چرا با اين پيامبر گنجى نازل نشد؟ و يا چرا همراه او

فرشته ای نیامد؟ و یا گفتند: این قرآن را وی به دروغ به خدا نسبت می دهد .

البته در این آیات پاره ای معارف دیگر نیز خاطر نشان شده است!

### هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره هود

(۱)

### تاکید بر آسمانی بودن قرآن

« أَفَئِن كَان عَلَىٰ بَيْنِهِ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِيمَانًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِّنَ الْأَحْزَابِ فَالْتَأَرْ مُوعِدُهُ فَلَا تَك فِي مَرْيَةِ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ...! »

از ظاهر این آیات برمی آید که در زمینه دلخوش کردن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و تقویت ایمان آن جناب به کتاب خدا و تاکید بصیرتش نسبت به وظیفه اش سخن دارد . پس سیاق کلام در این آیات سیاق خطاب به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است، همانطور که در آیات قبل، تا آنجا که مشرکین متهمش کردند به دروغ بستن به خدا، روی سخن به آن جناب بود.

بعد از نقل آن اتهام باز روی سخن به آن جناب کرد که علیه مشرکین تحدی کن و بگو: اگر راست می گویند ده سوره مثل قرآن بیاورند و به خدا افترا ببندند! و در آخر به آن جناب امر می کند به اینکه دلخوش بدارد و بر علمی که نسبت به خدائی بودن قرآنش دارد ثبات به خرج دهد، یعنی بداند که او بر حق است و به خدا افتراء نبسته، پس از اینکه اکثر مردم (مشرکین) از پذیرفتن دعوتش اعراض می کنند دل چرکین نباشد و در ایمان و علم خود دچار تردید نگردد!

### هدف آیه ۲۵ تا ۳۵ سوره هود

(۲)

### بیان تاریخ دعوت و مبارزات نوح علیه السلام

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ...! »

در این آیات متعرض قصص انبیاء علیهم السلام شده و نخست داستان نوح را آورده و بعد از آن سرگذشت جماعتی از انبیاء بعد از نوح علیه السلام را ذکر کرده مانند هود و صالح و ابراهیم و لوط و شعیب و موسی علیه السلام.

داستان نوح را به چند فصل تقسیم کرده که در فصل اول، احتجاج هایی را که نوح علیه السلام با قوم خود در مساله توحید داشته آورده، چون بطوری که خدای تعالی در کتاب مجیدش ذکر کرده، آن جناب اولین پیغمبری است که برای دین توحید

بر علیه بت پرستی قیام کرده است.

در مساله توحید، بیشتر احتجاج هایی که قرآن کریم از آن جناب نقل کرده، از باب مجادله «بالتی هی احسن!» مجادله به بهترین طریق می باشد.

---

۱- المیزان ج : ۱۰ ص : ۲۶۹

۲- المیزان ج : ۱۰ ص : ۲۹۳



البته بعضی از آن احتجاج‌ها جنبه موعظه و اندکی از آنها جنبه حکمت دارد که متناسب با تفکر انسانهای اولی و با فکر ساده قدیمیان و مخصوصاً ساده اندیشی هایشان در مسائل اجتماعی می باشد.

### هدف آیه ۳۶ تا ۴۹ سوره هود

(۱)

#### بیان فصلهای آخر داستان حضرت نوح و چگونگی نابودی قوم او

« وَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئَسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ...! »

این آیات تتمه داستان نوح علیه السلام است و مشتمل بر چند فصل است، مثلاً فصلی در اینکه آن جناب به قوم خود خبر داد که عذاب بر آنان نازل می شود و فصلی دیگر در اینکه خدای سبحان به وی دستور داد کشتی درست کند و فصلی دیگر در اینکه عذاب که عبارت بود از طوفان، چگونه نازل شد و فصلی در داستان غرق شدن پسرش و فصلی در قصه نجات یافتن خود و همراهانش، لیکن در عین اینکه مشتمل بر چند فصل است همه فصولش به وجهی به یک فصل برگشت می کند و آن عبارت است از فصل قضا و حکمی که خدای سبحان بین آن جناب و قوم کافرش کرد!

### هدف آیه ۵۰ تا ۶۰ سوره هود

(۲)

#### بیان دعوت و مبارزات حضرت هود و نابودی قوم عاد اولین

« وَ إِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ...! »

این آیات، داستان هود پیغمبر علیه السلام و قوم او یعنی قوم عاد اول را بیان می کند و آن جناب اولین پیغمبر بعد از نوح علیه السلام است که خدای تعالی در کتاب مجیدش نام می برد و از کوشش او در اقامه دعوت حقه و قیامش بر علیه بت پرستی تشکر می کند و در چند جا از کلام مجیدش بعد از شرح داستان قوم نوح، داستان قوم هود که همان قوم عاد است و نیز قوم ثمود را ذکر می کند.

### هدف آیه ۶۱ تا ۶۸ سوره هود

(۳)

#### بیان دعوت و مبارزات حضرت صالح و نابودی قوم ثمود

« وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ثُمَّ تَابُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ...! »

این آیات کریمه داستان صالح پیغمبر علیه السلام و قوم او را که همان قوم ثمود بودند شرح می دهد و صالح علیه السلام سومین پیغمبری است که به دعوت

---

۱- المیزان ج : ۱۰ ص : ۳۳۱

۲- المیزان ج : ۱۰ ص : ۴۴۰

۳- المیزان ج : ۱۰ ص : ۴۵۹

توحید و علیه وثیت قیام کرد و ثمود را به دین توحید خواند و در راه خدا آزارها و محنت ها دید تا آنکه سرانجام خدای عز و جل بین او و قومش این چنین حکم کرد که قومش را هلاک ساخته و او و مؤمنین به او را نجات دهد!

### هدف آیه ۶۹ تا ۷۶ سوره هود

(۱)

#### بیان بشارت فرزنددار شدن ابراهیم «ع» و خبر نابودی قوم لوط

« وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ...! »

این آیات، داستان بشارت یافتن ابراهیم علیه السلام به اینکه صاحب فرزند خواهد شد را در بردارد و این در حقیقت به منزله زمینه چینی است برای بیان داستان رفتن ملائکه نزد لوط پیغمبر برای هلاک کردن قوم او، چون این داستان در ذیل آن داستان آمده و در دنباله داستان بشارت یافتن ابراهیم علیه السلام بیانی آمده که قصه هلاک کردن قوم لوط را توجیه و بیان می کند و آن این جمله است: « انه قد جاء امر ربك و انهم آتیهم عذاب غیر مردود! »

### هدف آیه ۷۷ تا ۸۳ سوره هود

(۲)

#### بیان دعوت و مبارزات حضرت لوط و نابودی قوم لوط

« وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَ بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَ قَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ...! »

این آیات داستان عذاب قوم لوط را بیان می کند و می توان گفت که به یک حساب تتمه آیات قبلی است که داستان نازل شدن ملائکه و وارد شدن آنان بر ابراهیم علیه السلام و بشارت دادن به ولادت اسحاق را ذکر می کرد چون بیان آن مطالب در واقع زمینه چینی بود برای بیان عذاب قوم لوط .

### هدف آیه ۸۴ تا ۹۵ سوره هود

(۳)

#### بیان دعوت و مبارزات شعیب (ع) با مردم مدین و نابودی قوم او

« وَ إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَ لَا تَتَّقُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ إِنِّي أَرَامُ بَخِيرٍ وَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مَحِيظٍ...! »

این آیات، داستان شعیب علیه السلام و قوم او را که همان اهل مدین باشند می سراید، اهل مدین بتها را می پرستیدند و بیماری کم فروشی در بین آنان شایع و فسادهای دیگر نیز در میان ایشان رایج شده بود، خدای سبحان شعیب علیه السلام را به سوی آنان مبعوث کرد و آن جناب قوم مدین را به سوی دین توحید و کیل و وزن به سنگ تمام و عادلانه و ترک فساد در زمین دعوت نموده، بشارتها داد و اندرز کرد و در موعظه آنان سعی بلیغ نمود تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

---

۱- المیزان ج : ۱۰ ص : ۴۷۵

۲- المیزان ج : ۱۰ ص : ۵۰۲

۳- المیزان ج : ۱۰ ص : ۵۳۸

شعیب علیه السلام خطیب انبیاء بود .

لیکن جز با رد و عصیان جوابی به او ندادند و حتی تهدیدش کردند که تو را سنگسار می کنیم و یا گفتند: تو را از دیار خود تبعید می کنیم! آزار و اذیت او و عده کمی که به او ایمان آورده بودند را به نهایت رساندند و نمی گذاشتند مردم به او ایمان بیاورند و راه خدا را به روی مردم می بستند.

به این رفتار خود ادامه دادند تا آنجا که جناب شعیب علیه السلام از خدا خواست تا بین او و آنان حکم نموده و آنان را هلاک کند!

### هدف آیه ۹۶ تا ۹۹ سوره هود

(۱)

#### بیان اجمالی از دعوت موسی (ع) و سرنوشت شوم فرعون

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطٰنٍ مُّبِينٍ...! »

این آیات به داستان موسی کلیم الله علیه السلام اشاره دارد و نام آن جناب در قرآن کریم بیش از سایر انبیاء برده شده یعنی نزدیک به صد و سی و چند جای قرآن اسمش برده شده و در سی و چند سوره به داستانهایش اشاره شده است و قرآن کریم اعتنای بیشتری به شرح زندگی آن حضرت نسبت به سایر انبیاء دارد، منتهی چیزی که هست خدای تعالی در خصوص این سوره سخن از آن جناب را بطور مجمل آورده و به اشاره ای اجمالی اکتفاء نموده است .

### هدف آیه ۱۰۰ تا ۱۰۸ سوره هود

(۲)

#### بیان آثار شوم شرک به خدا در ملت های گذشته

« ذٰلِكَ مِنْ اَنْبِیَاءِ الْقُرْیٰ نَقُصُّهٗ عَلَیْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَ حَصِیْدٌ...! »

در این آیات به داستانهای قبل بازگشت نموده و نظری اجمالی و کلی در آنها نموده و سنت خدا را در میان بندگانش خلاصه می کند و آثار شومی را که شرک به خدا برای امم گذشته بار آورد و آنان را به هلاکت در دنیا و عذاب جاودانه آخرت مبتلا نمود برمی شمارد تا عبرت گیران عبرت گیرند!

### هدف آیه ۱۰۹ تا ۱۱۹ سوره هود

### عبرت از داستان گذشتگان و عدم ركون به ظالمان

« فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ...! »

پس از آنکه داستانهای امتهای گذشته و سرانجام شرک و فسق و لجبازی و انکار آیات خدا و استکبارشان را از قبول حق که انبیای آنان بدان دعوت می کردند،

۱- المیزان ج : ۱۰ ص : ۵۶۹

۲- المیزان ج : ۱۱ ص : ۳

۳- المیزان ج : ۱۱ ص : ۵۵

برای پیغمبر گرامیش تفصیل داد خاطر نشان می سازد که چگونه رفتارشان ایشان را به هلاکت و عذاب استیصال و در آخرت و روزی که اولین و آخرین یکجا جمع می شوند به عذاب دائمی دوزخ مبتلا می سازد و پس از آنکه در آیات گذشته آن تفصیلات را خلاصه نموده، اینک در آیات مورد بحث به پیغمبرش دستور می دهد که او و هر که پیرو اوست از آن داستانها عبرت گیرند و برای خود کسب یقین کنند، که شرک و فساد در زمین آدمی را جز به سوی هلاکت و انقراض رهنمون نمی شود، لاجرم می بایستی دست از طریق عبودیت برداشته، خویشتن داری و نماز را شعار خود سازند و بر ستمکاران رکون و اعتماد نکنند که اگر چنین کنند آتش آنان را خواهد گرفت و دیگر جز خدا یآوری نخواهند داشت!

### هدف آیه ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره هود

(۱)

### دلیل نقل تاریخ ملل گذشته در قرآن

« وَكَأَلَّا نَقُصَّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ...! »

این آیات غرضی را که سوره هود در صدد بیان آن است برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خلاصه می کند و به او خبر می دهد که سوره مذکور بیان کننده حق کلام در باره مبدأ و معاد و سنت جاری خدا در میان بندگانش می باشد.

پس در حقیقت این سوره برای آن حضرت جنبه تعلیم حق و نسبت به مؤمنین جنبه موعظه و تذکر را دارد، همچنانکه نسبت به کفار که از ایمان به خدا استنکاف می ورزند جنبه اتمام حجت را دارد، پس به ایشان آخرین حجت خود را برسان و بگو هر چه می خواهید بکنید ما هم هر چه به نظرمان رسید می کنیم، تا ببینیم چگونه سنت خدایی آنطور که خودش بیان داشته جریان می یابد و چگونه مصلحین را سعادت مند و مفسدین را بدبخت می کند .

و در آخر، آن حضرت را به عبادت خدا و توکل بر او توصیه می کند، زیرا امر، همه اش به دست او است!

### هدف و فلسفه نزول سوره یوسف

## بیان ولایت الهی بر بندگان مخلص خود

### بیان چگونگی انتقال بنی اسرائیل به مصر

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الرَّ! تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ! »

« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ! »

« نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَ إِن كُنتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ! » (۳ تا ۱/یوسف)

غرض این سوره بیان ولایتی است که خداوند نسبت به بنده اش دارد، البته آن بنده اش که ایمان خود را خالص و دلش را از محبت او پر کرده و دیگر جز به سوی او به هیچ سوی دیگری توجه نداشته باشد!

آری، چنین بنده ای را خداوند خودش عهده دار آموزش شده، او را به بهترین وجهی تربیت می کند و راه نزدیک شدنش را هموار و از جام محبت سرشارش می کند، آنچنان که او را خالص برای خود می سازد و به زندگی الهی خود زنده اش می کند، هر چند اسباب ظاهری همه در هلاکتش دست به دست هم داده باشند، او را بزرگ می کند هر چند حوادث او را خوار بخواهند، عزیزش می کند هر چند نوائب و ناملایمات روزگار او را به سوی ذلت بکشاند و قدر و منزلتش را منحنط سازد.

خداوند این غرض را در خلال بیان داستان یوسف تامین نموده و در هیچ سوره ای از قرآن کریم هیچ داستانی به مانند داستان یوسف بطور مفصل و از اول تا به آخر نیامده است. علاوه، در این سوره غیر از داستان یوسف داستان دیگری هم نیامده و سوره ای است مخصوص به حضرت یوسف علیه السلام!

در جمله ای که بعد از رؤیای یوسف و تعبیر پدرش آورده و فرموده:

« لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَذَكِّرِينَ! »

اشعار به این معنا دارد که گویا اشخاصی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم داستان یوسف و یا مطلبی را سؤال کرده بودند که با این داستان ارتباط داشته و این اشعار مؤید آن روایاتی است که می گوید قومی از یهود، مشرکین مکه را وادار کردند تا نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شده از سبب انتقال بنی اسرائیل به مصر پرسش



کنند - چون بنی اسرائیل فرزندان یعقوب بودند که خود ساکن سرزمین شام بودند - مشرکین هم این سؤال را در میان نهادند و در جوابشان این سوره نازل شد .

بنا بر این، غرض این سوره، بیان داستان یوسف علیه السلام و داستان آل یعقوب است. خداوند با بیان این داستان غرض عالی از آن را استخراج کرده است و آن مساله ولایت خدای تعالی نسبت به بندگان مخلص است که در ابتداء و خاتمه این سوره بطور چشم گیری منعکس است!

### هدف آیه ۴ تا ۶ سوره یوسف

(۱)

#### آماده سازی یوسف «ع» در راه ولایت و تقرب الهی

« إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ...! »

این آیات رؤیای یوسف را - که در خواب دید و تعبیر خوابی که پدرش یعقوب نمود و نهی کرد از اینکه برای برادرانش تعریف کند - خاطرنشان می سازد و این خواب بشارتی بوده که خدای سبحان به یوسف داده تا ماده ای روحی برای تربیت او بوده باشد و او را در راه ولایت و تقرب به خدا آماده سازد.

این آیات به منزله مدخلی است بر داستان آن جناب.

خداوند در ابتداء و شروع به تربیت یوسف، رؤیایی به او نشان داد و در داستانش هم ابتدا از آن رؤیا خبر می دهد و این بدان جهت بوده که از همان آغاز تربیت دورنمای آینده درخشان او و ولایت الهی که خداوند او را بدان مخصوص می کند به وی نشان داده باشد، تا برای او بشارتی باشد که همواره در طول زندگی و تحولاتی که می بیند در مد نظرش بوده باشد و در نتیجه مصیبت هایی که می بیند و شدائدی که با آنها روبرو می گردد به یاد آن دورنما بیفتد و نفس را به خویشتن داری و تحمل آن مشقات راضی کند!

این بود حکمت اینکه خداوند خصوص اولیاء خود را به آینده درخشانشان و مقام قربی که برای آنان در نظر داشته بشارت داده است و از آن جمله فرموده:

« الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون - تا آنجا که می فرماید: لهم البشری فی الحیوه الدنیا و فی الآخره! »

### هدف آیه ۷ تا ۲۱ سوره یوسف

(۲)

## بیان جدائی یوسف از پدر و انتقالش به قصر عزیز مصر

«لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ...!»

از اینجا شروع به داستان می شود، در حقیقت بشارتی که قبلا داده بود عنوان

---

۱- المیزان ج : ۱۱ ص : ۱۰۳

۲- المیزان ج : ۱۱ ص : ۱۱۶

مقدمه ای را داشت که بطور اجمال اشاره به سرانجام قصه می نمود.

آیات مورد بحث فصل اول داستان را متضمن است، که همان مفارقت یوسف از یعقوب و بیرون شدنش از خانه پدر تا پابرجا شدنش در خانه عزیز مصر .

البته در خلال این احوال، به چاه انداختن برادران و بیرون شدنش به دست مکاریان و فروخته شدنش و حرکتش به سوی مصر نیز اشاره دارد.

### هدف آیه ۲۲ تا ۳۴ سوره یوسف

(۱)

#### بیان زندگی و گرفتاریهای یوسف در قصر عزیز مصر

« وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ...! »

این آیات داستان یوسف را در آن ایامی که در خانه عزیز بود بیان می کند که نخست مبتلا به محبت همسر عزیز و مراوده اش با وی و دعوتش به سوی خود شد و سپس مبتلا شد به عشق زنان شهر نسبت به وی و اینکه او را به سوی خود می خواندند و این خود بلای بزرگی بود که در خلال آن عفت نفس و طهارت دامن او معلوم گشت و عفتش مورد تعجب همه واقع شد و از این عجیب تر عشق و محبتی بود که او نسبت به پروردگارش می ورزید .

### هدف آیه ۳۵ تا ۴۲ سوره یوسف

(۲)

#### بیان دوره زندان یوسف «ع» و شروع اعلام دین توحید

« ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسُجُنَّةً حَتَّىٰ حِينٍ...! »

این آیات متضمن قسمتی از داستان آن جناب است و آن، داستان به زندان رفتن و مدتی در زندان ماندن اوست که مقدمه تقرب تام او به دربار پادشاه مصر شد و سرانجام عزیز مصر گردید!

و در ضمن با بیان عجیبی دعوتش را به دین توحید در زندان ، نقل نموده و بیان می کند که برای اولین بار خود را معرفی کرد که از دودمان ابراهیم و اسحاق و یعقوب است!

### هدف آیه ۴۳ تا ۵۷ سوره یوسف

### بیان عوامل خروج یوسف از زندان و رسیدن به عزیزی مصر

« وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعَ عِجَافٍ وَ سَبْعَ سَبَلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَةٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أْفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ...! »

این آیات داستان خارج شدن یوسف علیه السلام از زندان و رسیدنش به مقام عزیزی مصر و اسبابی را که در این سرنوشت دخالت داشت بیان می کند و در آن آمده که پادشاه مصر برای بار دوم تهمتی را که به وی زده بودند رسیدگی نموده و برائت و

۱- المیزان ج : ۱۱ ص : ۱۵۶

۲- المیزان ج : ۱۱ ص : ۲۳۰

۳- المیزان ج : ۱۱ ص : ۲۵۰

پاکی او را معلوم می سازد .

### هدف آیه ۵۸ تا ۶۲ سوره یوسف

(۱)

#### بیان سفر پسران اسرائیل به مصر و مواجهه با یوسف «ع»

« وَ جَاءَ إِخْوَهُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ...! »

فصل دیگری از داستان یوسف علیه السلام است که در چند آیه خلاصه شده و آن عبارت از آمدن برادران یوسف نزد وی، در خلال چند سال قحطی است تا از او جهت خاندان یعقوب طعام بخرند و این پیشامد - مقدمه ای شد که یوسف بتواند برادر مادری خود را از کنعان به مصر نزد خود بیاورد، و این برادر، همان است که با یوسف مورد حسادت برادران واقع شد و برادران در آغاز داستان گفتند: «لیوسف و اخوه احب الی ابینا منا و نحن عصبه...!» و بعد از آوردن او، خود را به سایرین نیز معرفی نموده، سرانجام یعقوب را هم از بادیه کنعان به مصر منتقل ساخت .

و اگر در ابتدای امر، خود را معرفی نکرد برای این بود که می خواست اول برادر مادریش را احضار نماید تا در موقعی که خود را به برادران پدری معرفی می کند او نیز حاضر باشد و در نتیجه صنع خدای را نسبت به آن دو و پاداشی را که خداوند به آن دو در اثر صبر و تقواشان ارزانی داشت مشاهده کنند و بعلاوه وسیله ای برای احضار همه آنان باشد .

و این پنج آیه متضمن آمدن فرزندان یعقوب به مصر و نقشه ای است که یوسف برای احضار برادر مادری خود کشید، که اگر بار دیگر محتاج به طعام شدند تا او را بیاورند طعام نخواهند گرفت، ایشان نیز پذیرفتند.

### هدف آیه ۶۳ تا ۸۲ سوره یوسف

(۲)

#### بیان سفر دوم پسران یعقوب به مصر و توقیف شدن برادر تنی یوسف

« فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَ نَكْتَلْ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ...! »

این آیات داستان برگشتن برادران یوسف را بسوی پدرشان و راضی کردن پدر به اینکه برادر یوسف را برای گرفتن طعام بفرستد و نیز بازگشتن ایشان را بسوی یوسف و بازداشت کردن یوسف برادر خود را با حيله ای که طرح کرده بود بیان می فرماید.

### هدف آیه ۸۳ تا ۹۲ سوره یوسف

**بیان نا امید نشدن یعقوب و دستور تجسی مجدد درباره یوسف**

« قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرُوا جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا »

۱- المیزان ج : ۱۱ ص : ۲۸۳

۲- المیزان ج : ۱۱ ص : ۲۸۸

۳- المیزان ج : ۱۱ ص : ۳۱۴

إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ...!»

این آیات، داستان گفتگوی پسران یعقوب با پدر را بیان می کند که بعد از مراجعت سفر دوم خود از مصر به کنعان داستان بازداشت شدن برادر مادری یوسف را به پدر گفتند و او دستور داد تا بار دیگر به مصر برگشته از یوسف و برادرش جستجو کنند و در آخر، یوسف خود را برای ایشان معرفی نمود .

### هدف آیه ۹۳ تا ۱۰۲ سوره یوسف

(۱)

#### بیان انتقال بنی اسرائیل به مصر

« اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْتَقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بِصَبْرًا وَ اُتُونِي بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِينَ...! »

در این آیات، داستان یوسف علیه السلام خاتمه می پذیرد و این آیات متضمن دستور یوسف علیه السلام است که برادران را وادار می کند تا پیراهنش را به منزل پدر برده و به روی او بیفکنند و او را در حالی که دیدگانش بهبودی یافته با همه خاندانش به مصر بیاورند و ایشان نیز چنین کردند و در آخر یوسف به دیدار پدر و مادر نایل آمد.

و اینکه فرمود: « وَ اُتُونِي بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِينَ! » فرمانی است از یوسف علیه السلام به اینکه خاندان یعقوب، از خود آن جناب گرفته تا اهل بیت و فرزندان و نوه ها و نتیجه های او همه از دشت و هامون به شهر مصر درآمده و در آنجا منزل گزینند .

### هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۱۱ سوره یوسف

(۲)

#### بیان اهداف مختلف ذکر داستان یوسف در قرآن:

#### عبرت، بیان حقیقت، هدایت و رحمت برای مومنین

« وَ مَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَ لَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ...! »

این آیات، خاتمه سوره یوسف است و در آن این معنا را خاطر نشان می سازد که ایمان کامل که همان توحید خالص باشد مقام عزیز و فضیلت کمیابی است که جز تعداد اندکی از مردم به آن نمی رسند و اما اکثر مردم ایمان آور نیستند، هر چند که تو (ای رسول خدا!) به ایمان ایشان حریص باشی و همه طاقت و توان خود را صرف کنی! و آن اقلیتی هم که ایمان می آورند، ایمانشان آمیخته به شرک است، پس برای ایمان محض و توحید خالص باقی نمی ماند مگر تعداد اندکی از مردم! و این توحید خالص همان راهی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین پیروانش با بصیرت بدان دعوت می

کردند و خدا هم ناصر او و نجات دهنده مؤمنین پیرو او از مهالك است و از مهالکی که توحید و ایمانشان را تهدید می کند  
و از عذاب استیصال و ریشه کنی که (وعده داده بود)، بزودی گریبانگیر مشرکین شده مستاصل و

---

۱-المیزان ج : ۱۱ ص : ۳۳۲

۲-المیزان ج : ۱۱ ص : ۳۷۳



منقرضشان می کند، نجاتشان می دهد همچنانکه سنت خدا در باره انبیای گذشته اش هم بطوری که از داستانهایش برمی آید چنین بوده است.

و در داستانهای ایشان عبرت، بیان حقیقت و هدایت و رحمت است برای مؤمنین!

## هدف و فلسفه نزول سوره رعد

(۱)

### بیان حق بودن قرآن و رسالت رسول الله «ص»

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! المر! تَلَمَّكَ ءَايَةُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ...! » ( ۱ تا ۴ / رعد )

غرض این سوره بیان حقیقت قرآنی است که بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نازل شده و اینکه این قرآن معجزه و آیت رسالت است و اما اینکه کفار آن را آیت و معجزه نشمرده و به عنوان تعریض بر آن گفتند: چرا آیتی از ناحیه پروردگارش نازل نشد؟ گفتارشان مردود است و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نباید به آن اعتنا کند و ایشان هم سزاوار نیست که چنین سخنی بگویند!

دلیل بر این معنا هم آیه ابتدای سوره است که می فرماید: « و الذی انزل الیک من ربک الحق و لکن اکثر الناس لا یؤمنون! » و آیه آخر سوره است که می فرماید: « و یقول الذین کفروا لست مرسلنا قلی کفی بالله شهیدا بینی و بینکم! » و نیز جمله: « لو لا انزل علیه آیه من ربه! » است، که مکرر از ایشان حکایت شده .

و خلاصه بیان این است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را مخاطب قرار می دهد به اینکه این قرآن که بر تو نازل شده حق است، حقی که مخلوط به باطل نیست، زیرا آنچه که این قرآن بدان دعوت می کند توحیدی است که آیات تکوینی از قبیل پیداشتن آسمانها، گستردن زمین، تسخیر آفتاب و ماه و سایر عجایبی که خدا در تدبیر آسمانها و زمین و غرایبی که در تقدیر آنها بکار برده ، همه بر آن دلالت دارند .

و نیز دلیل دیگر بر حقانیت آن، اخبار و آثار گذشتگان است که رسولان با بیناتی بسویشان آمدند و ایشان کفر ورزیده و تکذیبشان کردند و خدا هم ایشان را به گناهانشان بگرفت، این است آنچه که این کتاب مشتمل بر آن است و همین خود

آیتی است که بر رسالت تو دلالت می کند .

و اینکه گفتیم تعریضشان به قرآن مردود است، دلیلش این است که اولاً تو شانی بجز انذار مردم نداری و اینطور نیست که هر وقت هر کاری بخواهی بکنی بتوانی تا آنکه از تو معجزاتی دلخواه خود تراشیده به مثل این کلمات بر تو تعریض کنند .

و ثانیاً هدایت و اضلال هم آنطور که ایشان پنداشته اند در وسع آیات و معجزات نیست تا انتظار داشته باشند با آوردن معجزه ای که ایشان پیشنهاد کرده اند هدایت شوند و از ضلالت برهند، زیرا هدایت و ضلالت به دست خداست، او است که بر اساس نظامی حکیمانه هر که را بخواهد هدایت و هر که را بخواهد گمراه می کند.

و اما اینکه گفتند: «لست مرسلًا - تو فرستاده خدا نیستی!» در جوابشان همین یک دلیل برای تو کافی است که خدا در کلام خود به رسالت تو شهادت داده، و معارف حقه ای که در قرآن تو است شاهد آن است .

از جمله حقایق باهر و واضحی که در خصوص این سوره آورده، حقیقتی است که جمله: «و انزل من السماء ماء...!» و جمله: «الا- بذكر الله تطمئن القلوب!» و جمله: «يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب!» و جمله: «فله المکر جميعاً!» متضمن آن است!

### هدف آیه ۵ و ۶ سوره رعد

(۱)

### پاسخی به منکرین معاد

«وَإِنْ تَعَجِبَ فَعَجِبْ قَوْلُهُمْ أَءِذَا كُنَّا تُرَابًا أَمْ نَأْتِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلُلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ!»

این دو آیه عطف بر پاره ای از حرفهایی است که مشرکین در رد دعوت و رسالت می گفتند، از آن جمله گفته بودند: چطور ممکن است آدمی بعد از مردن و خاک شدنش بار دیگر زنده شود؟ و نیز گفته بودند: چرا پس آن عذابی که ما را از آن می ترساند نازل نمی شود و اگر او راست می گوید پس چرا به این وعده اش عمل نمی کند؟ آنگاه پس از نقل گفته های ایشان جوابشان را می دهد!

### هدف آیه ۷ تا ۱۶ سوره رعد

(۲)

### پاسخی به معترضین رسول الله در ارائه نکردن معجزه

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلكلِّ قَوْمٍ هَادٍ...!»

این آیات متعرض گفتار کفار است که گفتند: «لولا انزل علیه آیه من ربه!» و

---

۱- المیزان ج : ۱۱ ص : ۴۰۴

۲- المیزان ج : ۱۱ ص : ۴۱۳

آن را با این بیان رد می کند که رسول خدا «ص» بجز پیغمبری انذار کننده نیست که خداوند او را بر اساس سنتی که دارد - که در همه قرون مردم را بسوی حق هدایت می کند - بسوی شما فرستاده، آنگاه دنباله همین پاسخ را تعقیب می کند .

### هدف آیه ۱۷ تا ۲۶ سوره رعد

(۱)

#### بیان فرق میان طریق حق و طریق باطل

« أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ...! »

بعد از آنکه در ذیل آیات قبل حجت را علیه مشرکین تمام نمود و آنگاه فرق میان حق و باطل را و فرق میان کسانی که آنرا می گیرند و کسانی که طالب اینند بطور وضوح بیان نموده و فرموده: « قل هل يستوى الاعمى و البصير ام هل تستوى الظلمات و النور! » اینک در این آیات شروع می کند به بیان تفصیلی فرق میان دو طریق، یعنی طریق حق، که همان ایمان به خدا و عمل صالح است و طریق باطل که عبارت از شرک و عمل زشت است! و همچنین فرق تفصیلی میان اهل آن دو طریق، یعنی مؤمنین و مشرکین و اینکه طایفه اول را سلامت و خانه آخرت نصیب است و بهره طایفه دوم لعنت و سرانجام بد است و اینکه خدا روزی را برای هر کس که بخواهد گسترش می دهد و برای هر که بخواهد محدود می نماید!

سرآغاز همه این مطالب را با مثالی شروع کرده که وضع حق و باطل و اثر خاص هر یک از آن دو را روشن می سازد، آنگاه کلام را بر اساس آن مثل ادامه داده ، وصف حال دو طریق و دو فریق را بیان می کند.

### هدف آیه ۲۷ تا ۳۵ سوره رعد

(۲)

#### بیان آثار ذکر خدا و آرامش و اطمینان قلبی با ذکر خدا

« وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ! »

« الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ...! »

بار دیگر به گفتار کفار برمی گردد، که گفتند: « لولا انزل علیه آیه من ربه! » یعنی چرا از ناحیه پروردگارش آیتی بر او نازل نشد که ما ببینیم و با دیدنش هدایت شویم و از شرک بسوی ایمان بگرائیم؟ خداوند پاسخ می دهد به اینکه هدایت و ضلالت اثر آیت و مستند به آن نیستند، بلکه مستند به خود خدایند، خداست که هر که را

١- الميزان ج : ١١ ص : ٤٥٥

٢- الميزان ج : ١١ ص : ٤٨٠

بخواهد هدایت و هر که را بخواهد گمراه می کند!

و سنت او بر این جریان یافته که کسانی را هدایت نماید که بسوی او بازگشت کنند و دارای قلبی باشند که بیاد او آرامش و اطمینان داشته باشد، این دسته اند که دارای سرانجام نیک و عاقبت خیرند و کسانی را گمراه کند که به آیات واضح و روشن او کفر بورزند، که ایشان راست عذاب در دنیا در حالی که عذاب آخرتشان دشوارتر است و بغیر از خدا هم کسی نگهدار ندارند!

اگر بدون مشیت او هدایت امکان داشت دیگر چه وسیله ای بهتر از معجزه ای مانند قرآن؟ و اینکه می بینید با بودن این معجزه روشن هم عده ای هدایت نیافته اند، خود بهترین شاهد است بر اینکه امر هدایت بدست خداست و او نخواسته است کسانی هدایت شوند که ضلالت بر ایشان نوشته شده و خود فرموده: «و من یضلل الله فما له من هاد - کسانی را که از اهل کفر و مکر، خداوند گمراهشان کرده باشد دیگر هدایت شدنی نیستند!»

### هدف آیه ۳۶ تا ۴۲ سوره رعد

(۱)

#### رد درخواست کفار برای ارائه معجزه تازه از طرف رسول الله «ص»

« وَ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَتَابٌ...! »

این تتمه آیات سابق است و در آن باز هم گفتار کفار را که گفته بودند: «لو لا انزل علیه آیه من ربه!» تعقیب می کند.

### هدف آیه ۴۳ سوره رعد

(۲)

#### رد اعتراض منکرین رسالت رسول الله (ص)

« وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ! »

این آیه، آخرین آیه سوره رعد است و با حرف و گفتار در آن را عطف بر کلامی می کند که در ابتداء سوره آورده و فرموده بود: «و الذی انزل الیک من ربک الحق و لکن اکثر الناس لا یؤمنون!» و این سومین باری است که بر منکرین حقیقت کتاب الله حمله نموده و استشهاد می کند به این که خداوند و آنها که علم به این کتاب دارند بر رسالت خاتم النبیین گواهند!

### بررسی هدف سوره ابراهیم (ع) تا سوره ناس

۱- الميزان ج : ۱۱ ص : ۵۰۷

۲- الميزان ج : ۱۱ ص : ۵۲۵





### بیان اوصاف قرآن کریم به عنوان معجزه و نشانه رسالت رسول الله «ص»

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الرَّا كَتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ...! »  
(آتا ۵/ابراهیم)

آیات کریمه این سوره، پیرامون اوصاف قرآنی که بر پیغمبر اسلام صلوات الله علیه نازل شده بحث می کند و آن را با اوصاف زیر معرفی می نماید:

این کتاب، آیت و معجزه و نشانه رسالت آن جناب است و مردم را از ظلمت ها به سوی نور بیرون می کشد و به راه مستقیم خدا راهنمائیشان می کند، خدایی که عزیز و حمید است، یعنی غالب و قاهری است که هرگز مغلوب کسی نمی شود و غنی و بی نیازی است که هرگز محتاج کسی نمی گردد، خدایی که در کارهای خدائیش جمیل است، یعنی برای مردم جز خوبی و نعمت منظوری ندارد!

وقتی خدا منعم و غالب و بی نیاز و پسندیده کار باشد، بر مردم که منعم علیه او هستند لازم است که دعوت او را لبیک گویند، تا در نتیجه از نعمتهایی که او به ایشان ارزانی داشته برخوردار شوند و آن نعمتها به سعادتشان تمام شود.

و نیز لازم است که از غضب او بر حذر باشند، زیرا پر واضح است که عذاب خدائی که هم قوی است و هم بی نیاز مطلق، شدید خواهد بود، چرا که او می تواند از وجود بندگانش چشم پوشیده، همه را دستخوش هلاکت نماید و به دیار عدم بفرستد و از نو خلق و بندگان دیگری بیافریند همچنانکه همین عمل را در امم گذشته انجام داده است .

آری ، تمامی موجودات ریز و درشت و زمینی و آسمانی این عالم ، با زبان حال ، گویای این حقیقتند که رب العزه و ولی حمید تنها او است و رب دیگری غیر از او نیست .

این خلاصه و برداشتی بود از آیات این سوره که با آیه زیر که می فرماید: «هذا بلاغ للناس ولینذروا به و لیعلموا انما هو اله واحد و لیزکر اولوا الالباب!» ختم می شود.

### هدف آیه ۶ تا ۱۸ سوره ابراهیم

(۱)

**ذکر ایام الله: روزها و مواقف نزول نعمت ها و نقت ها**

« وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبُّونَ أَتْنَاءَكُمْ وَ يَسْتَخِيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ...! »

این آیات، مشتمل بر ذکر پاره ای از نعمتها و نقتهای خدا است که هر کدام در روز معینی رخ داده است.

از ظاهر سیاق این آیات بر می آید که همه این آیات غیر از آیه: « و اذ تاذن ربکم ...! » نقل کلام حضرت موسی علیه السلام است، که موسی بن عمران علیهما السلام در این آیات، مردم خود را به پاره ای از ایام خدای سبحان که به مقتضای عزت مطلقه اش، نعمتها و یا عذابهایی فرستاده و هر کدام را به مقتضای حکمت بالغه اش در جای خود فرستاده تذکر می دهد و به یادشان می آورد!

**هدف آیه ۱۹ تا ۳۴ سوره ابراهیم**

(۲)

**بیان وجود حق در اساس عالم و رستگاری سالکان راه حق**

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ...! »

این آیات، مردم را به مساله خداشناسی تذکر می دهد، ولی خطاب در آنها همه متوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است که یکی پس از دیگری می فرماید: « الم تر ... ، الم تر ... ، الم تر - آیا نمی بینی؟ »

خدای تعالی در این آیات، این معنا را تذکر می دهد که این عالم بر اساس حق، خلق شده و تمامی انسانها به زودی مبعوث می شوند و آنهایی که در زندگی دنیا، زندگیشان بر اساس حق بوده و به حق ایمان آورده و به آن عمل کرده اند به سعادت و بهشت نائل می شوند و آنهایی که زندگیشان بر اساس باطل بوده، یعنی باطل را پرستیده و شیطان را پیروی کردند و طاغیان مستکبر را اطاعت نمودند، چون فریب عزت و قدرت ظاهری آنان را خوردند، چنین افرادی در آخرت قرین شقاوت خواهند بود و همانهایی که اینها پیرویشان می کردند از اینها بیزاری می جویند و شیطانهای انسی و جنی که معبود اینها قرار گرفته بودند، اظهار بیگانگی می کنند و برایشان معلوم می شود که عزت و حمد، همه از خدا بوده است!

آنگاه این معنا را تذکر می دهد که تقسیم کردن مردم به دو قسم، از این جهت است که سلوک و رفتار آنان دو قسم بوده است، یکی سلوک هدایت و یکی سلوک ضلالت،

١- الميزان ج : ١٢ ص : ٢٥

٢- الميزان ج : ١٢ ص : ٥٣

آن کسی که اولی را دارد، مؤمن و آن کس که دومی را گرفته ظالم است، انتخاب دو گانه از قدرت و اختیار خداوند بیرون نبوده و هر چه بخواهد می کند و عزت و حمد مخصوص اوست! سپس وضع امتهای گذشته را که به خاطر کفران نعمت خدای عزیز و حمید دچار هلاکت و انقراض شدند، خاطر نشان ساخته، انسانها را بخاطر ظلم و کفران نعمت خدا که تمام عالم وجود را پر کرده و آنها را نمی توان احصاء نمود، عتاب می فرماید.

### هدف آیه ۳۵ تا ۴۱ سوره ابراهیم

(۱)

#### بیان دعای ابراهیم برای سرزمین و اهل مکه

« وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ...! »

این آیات بعد از تذکری که در آیات گذشته یعنی از آیه: « و اذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم اذ انجيكم من آل فرعون ...! » به بعد می داد، برای بار دوم نعمتهایی را تذکر می دهد و نخست نعمتهایی را که خدای سبحان به عموم بندگان مؤمنش - که همان بنی اسرائیل از ولد ابراهیم باشند - داده یادآوری می کند و سپس نعمتهای دیگرش را که به دودمان دیگر از نسل ابراهیم یعنی فرزند اسماعیل ارزانی داشته خاطر نشان می سازد و آن نعمتها عبارت است از همان چیزهایی که ابراهیم علیه السلام در دعای خود از خدای تعالی درخواست نموده و گفته بود: « رب اجعل هذا البلد آمنا ...! » که یکی از آنها طلب توفیق بر اجتناب از بت پرستی و یکی نعمت امنیت مکه و یکی تمایل دلها به سوی اهل مکه و یکی برخورداری آنان از میوه ها و غیر آن است و همه آنها بدین جهت که عزیز و حمید بودن خدا را اثبات کند ، خاطر نشان شده است!

### هدف آیه ۴۲ تا ۵۲ سوره ابراهیم

(۲)

#### بیان غافل نبودن خدا از ظالمان

« وَ لَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ...! »

بعد از آنکه در آیات قبل بشر را انذار نمود و بشارت داد و به صراط خود دعوت نمود و فهمانید که همه اینها بخاطر این است که خدا عزیز و حمید است، اینک در آیه اول از آیات مورد بحث آن مطالب را به آیه ای ختم نموده که در حقیقت جواب از توهمی است که ممکن است بعضی فکر کنند که اگر این حرفها درست است و راستی این دعوت، دعوت نبوی و از ناحیه پروردگاری عزیز و حمید است، پس

١- الميزان ج : ١٢ ص : ٩٦

٢- الميزان ج : ١٢ ص : ١١٧

چرا می بینیم این ستمکاران همچنان سرگرم تمتعات خویشند؟ و چرا آن خدای عزیز و حمید ایشان را به ظلمشان نمی گیرد؟ و به دهان متخلفین از دعوت این پیغمبر و مخالفین او لجام نمی زند؟ اگر آن خدا، خدایی غافل و بی خبر از اعمال ایشان است و یا خدایی است که خودش وعده خود را خلف می کند و پیغمبران خود را که وعده نصرتشان داده بود یاری نمی نماید که چنین خدایی قابل پرستش نیست .

در آیه مزبور از این توهم جواب داده که: نه خدای تعالی از آنچه ستمکاران می کنند غافل نیست و وعده ای را هم که به پیغمبرانش داده خلف نمی کند و چگونه غافل است و خلف وعده می کند با اینکه او دانای به مکر و عزیزی صاحب انتقام است، بلکه اگر آنها را به خشم خود نمی گیرد برای این است که می خواهد عذابشان را برای روز سختی تاخیر بیندازد و آن روز جزاست. علاوه بر اینکه در همین دنیا هم آنها را عذاب خواهد کرد، همچنانکه امتهای گذشته را هلاک نمود .

و آنگاه سوره مورد بحث را به آیه زیر که جامع ترین آیات نسبت به غرض این سوره است ختم نموده و فرموده است: « هذا بلاغ للناس ولینذروا به و لیعلموا انما هو اله واحد و لیدکر اولوا الالباب! »

### هدف و فلسفه نزول سوره حجر

(۱)

### دلداری رسول الله (ص) و امر و ثبات و اعراض از مشرکین

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الر! تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ... » (۹ تا ۱۱/حجر)

این سوره پیرامون استهزاء کفار به رسول خدا «ص» سخن می گوید که نسبت جنون به آنجناب داده و قرآن کریم را هذیان دیوانگان خوانده بودند .

پس در حقیقت در این سوره رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را تسلاهی خاطر داده و وی را به صبر و ثبات و گذشت از آنان سفارش می کند و نفس شریفش را خوشحال و مردم را بشارت و انداز می دهد .

در این سوره آیه: « فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین...! » قرار دارد که با یک مساله تاریخی در باره شروع دعوت اسلامی قابل انطباق است و آن مساله این است که رسول خدا «ص» در اول بعثت، دعوت خود را علنی نکرد و تا مدت سه و یا

چهار و یا پنج سال پنهانی دعوت می نمود، زیرا اوضاع آن قدر نامساعد بود که اجازه چنین اقدامی نمی داد، لذا در این مدت آحادی از مردم را که احتمال می داد دعوتش را قبول کنند ملاقات می کرد و دعوت خود را پنهانی با آنان در میان می گذاشت تا آنکه خدای تعالی با آیه مذکور اجازه اش داد تا دعوتش را علنی کند .

از جمله آیات برجسته ای که در این سوره واقع شده و حقایق بسیار مهمی از معارف الهی را در بر دارد آیه: «و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم!» و آیه: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون!» است .

### هدف آیه ۱۰ تا ۱۵ سوره حجر

(۱)

#### بیان سنت های جاری بین مجرمین و اقوام فاسد

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ...! »

بعد از آنکه داستان استهزاء کفار به کتاب خدا و پیغمبرش و معجزه آمدن ملائکه را که به عنوان آیت رسالت اقتراح و پیشنهاد کردند، ذکر نمود، اینک در دنبالش سه دسته از آیات را آورده که در ابتدایش کلمه «و لقد» بکار رفته است . یکی آیه: «و لقد ارسلنا من قبلك...!» است و یکی آیه: «و لقد جعلنا فی السماء بروجاً!» و سوم آیه: «و لقد خلقنا الانسان من صلصال!»

در اولی این معنا را بیان کرده که استهزاء عادت و سنت جاری مجرمین است و اینها ایمان آور نیستند ، هر چند که هر قسم آیتی برایشان بیاوری!

در دومی این معنا را که اگر کسی بخواهد ایمان بیاورد به قدر کفایت، آیات آسمانی و زمینی هست!

در سومی این معنا را که اختلاف میان نوع بشر به ایمان و کفر و ضلالت از چیزهایی است که خداوند در روز آغاز خلقتشان تقدیر و تعیین نمود، از همان ابتداء خلقت آدم را خلق کرد و آن ماجرای میان او و ملائکه و ابلیس در امر سجود پیش آمد .

### هدف آیه ۱۶ تا ۲۵ سوره حجر

(۲)

#### بیان معارف حقیقی و اسرار الهی در آسمانها و زمین و خزاین اشياء

« وَ لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زَيَّنَّا لِلنَّظِيرِينَ...! »

بعد از آنکه خدای سبحان اعراض مشرکین از معجزه قرآن و پیشنهادشان را در باره معجزه دیگری که عبارت بود از آمدن

ملائکه بیان کرد و همچنین جواب از آن را که ممتنع و مستلزم نابودی ایشان است بداد، اینک در این آیات تعدادی از آیات  
و

---

۱- المیزان ج: ۱۲ ص: ۱۹۴

۲- المیزان ج: ۱۲ ص: ۲۰۰



معجزات زمین و آسمان را که بر توحید دلالت می کند بر می شمارد، تا اگر عقل داشته باشند عبرت بگیرند و حجت بر مجرمین تمام شود.

و در این آیات از معارف حقیقی و اسرار الهی مطالب بلند و دقائق بسیاری گنجانده شده است.

### هدف آیه ۲۶ تا ۴۸ سوره حجر

(۱)

#### بیان قضاء الهی در خلقت اولیه و سعادت و تیره بختی انسانها

« وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ...! »

این بیست و سه آیه، سوم از آیاتی است که به دنبال آغاز سوره که در باره استهزای کفار به کتاب خدا و پیغمبرش و درخواست آیتی غیر قرآن بود ایراد می شود.

در این آیات خدای سبحان آغاز خلقت جن و انس و دستور دادنش به ملائکه و ابلیس که بر او سجده کنند و سجده ملائکه و امتناع ابلیس را که از جن است و رجم او و گمراهی بنی آدم به دست او و به کرسی نشستن قضای خدا در سعادت متقین و شقاوت گمراهان، را بیان می کند!

### هدف آیه ۴۹ تا ۸۴ سوره حجر

(۲)

#### بیان نمونه هائی از بشارت و انذار الهی و سرانجام جوامع فاسد

« نَبِئِ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ! وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ! وَ تَبَّتْ لَهُمْ عَن ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ...! »

بعد از آنکه خدای تعالی پیرامون استهزائی که مشرکین به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و کتاب نازل بر او و همچنین پیرامون اقتراح آنان که باید ملائکه را بیاورد و اینکه اگر ملائکه را هم بیاورد ایمان نخواهند آورد، با روشن ترین بیان بحث فرمود، اینک در این آیات شروع به نصیحت آنان نموده، در دو آیه اول بشارت و انذار می دهد و آنگاه با ذکر داستانی که جامع هر دو جهت است - یعنی داستان میهمانان ابراهیم علیه السلام که برای او بشارت آورده بودند، آن هم بشارتی که هیچ انتظارش را نداشت و برای قوم لوط علیه السلام عذاب آورده بودند، آن هم عذابی که از شدیدترین عذاب ها بود - مطلب را تایید فرمود.

و سپس با اشاره ای اجمالی به داستان اصحاب ایکه که قوم شعیب علیه السلام بودند و اصحاب حجر که مردم و قوم صالح

علیه السلام بودند تایید دیگری کرد.

## هدف آیه ۸۵ تا ۹۹ سوره حجر

(۳)

### دستوری برای رسول الله جهت انجام وظایف عبادی و اعراض از مشرکین

« وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَيُّهُ فَاصْفَحَ »

---

۱- المیزان ج : ۱۲ ص : ۲۲۰

۲- المیزان ج : ۱۲ ص : ۲۶۲

۳- المیزان ج : ۱۲ ص : ۲۷۶

## الصَّفْحَ الْجَمِيلَ...!

در این آیات غرضی که در آیات قبلی بود خلاصه می شود، غرض از آن آیات این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به قیام بر انجام ماموریت و رسالت خود و اعراض و گذشت از جفاهای مشرکین دعوت کند و تسلاهی خاطر دهد که از آنچه می گویند غمگین و تنگ حوصله نگردد، زیرا قضای حق بر این رانده شده که مردم را به اعمالشان در دنیا و آخرت و مخصوصا در روز قیامت - که هیچ شکی در آن نیست - سزا دهد، همان روزی که احدی را از قلم نمی اندازد و به اندازه یک ذره هم از خیر و شر کسی را بدون کیفر و پاداش نمی گذارد و با در پیش داشتن چنین روزی، دیگر جای تاسف خوردن بر کفر کافران باقی نمی ماند، چون خدا بدان دانا است و به زودی جزای اعمالشان را می دهد و نیز جای تنگ حوصلگی و اندوه نیست، چون به خدای سبحان مشغول گشتن مهم تر و واجب تر است!

در اینجا خدای سبحان مساله اعراض و گذشت از کفاری را که او را مسخره می کردند تکرار کرده - همان کفاری که در ابتدای سوره ذکرشان گذشت - و همچنین سفارش فرموده بود که به تسبیح و حمد و عبادت خدای خود پردازد و خبر داده بود که خود او شر کفار را از او می گرداند، اینک در این آیات هم همین را تکرار می کند که به کار رسالت خود مشغول باشد. در همین جا سوره پایان می پذیرد.

## هدف و فلسفه نزول سوره نحل

(۱)

## بیان غلبه دین حق بر کفار و انحصاری بودن تشریح دین

## و بیان شرح هجرت رسول الله «ص» به مدینه

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ! يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ...! » (۱ تا ۲۱/نحل)

اگر به دقت در این سوره نظر کنیم ظن قوی پیدا می شود که صدر این سوره از آیاتی است که در روزهای آخر توقف رسول خدا «ص» در مکه در نزدیکی های مهاجرتش به مدینه نازل شده است و این آیات، چهل آیه اول آن است، که خدای سبحان در قسمتی از آن انواع نعمتهای آسمانی و زمینی را که مایه حیات انسانی

است و انسان در معاشش از آن بهره مند می شود خاطر نشان فرموده و از راه نظام متقن و تدبیر یک نواختی که در آنها است بر وحدانیت خود در ربوبیت استدلال فرموده است .

و در قسمتی دیگر، احتجاج می کند بر بطلان پندارهای مشرکین و بی ثمر بودن مساعی ایشان و اینکه به زودی کیفر ایشان را می دهد، همچنانکه امتهای گذشته را که مثل اینان بودند کیفر داد و به زودی در روز قیامت در حق آنان فصل قضاء می کند .

خدای سبحان این آیات را با جمله: «اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عما یشرکون!» افتتاح نموده و آیات احتجاج را بر تقدیس و تنزیه و تسبیحی که در آنست متفرع کرد و از این تفریع چنین فهمیده می شود که غرض عمده از آیات صدر سوره این است که از نزدیک بودن امر الهی خبر دهد و هشدار دهد که به زودی بر آنان نازل می شود و نیز در این تفریع تهدیدی است بر مشرکین که از در استهزاء می گفتند: پس چرا عذابی که می گویی نازل نمی شود تا ما را تهدید نماید و نیز با جمله: «فاعفوا و اصفحوا حتی یاتی الله بامرہ!» مؤمنین را بشارت می دهد بر اینکه به زودی حق بر باطل غلبه نموده و توحید بر شرک و ایمان بر کفر ظفر می یابد، این فهرست آن مطالبی است که با دقت در آیات صدر سوره استفاده می شود.

غرض سوره خبر دادن به نزدیک شدن امر خداست که عبارت است از: غلبه دین حق بر کفار، که خدای تعالی این معنا را با بیان اینکه: تنها خدای تعالی اله معبود است نه دیگری چون تدبیر عالم مانند خلقتش قائم به او است و نیز همه نعمتها به او منتهی می گردد و هیچ یک از آنها مصنوع غیر او نیست نتیجه می گیرد پس واجب است همان خدا به تنهایی عبادت شود .

و همچنین با بیان اینکه: دین حق از خداست پس واجب است که غیر دین او دینی و قانونی دیگر تشریح نشود و باز با بیان اموری از دین الهی، توضیح می دهد .

این، آن غرضی است که معظم آیات این سوره آن را دنبال نموده و با بیانهای مختلفی تعقیب می نماید، در ضمن بیان این غرض، آیاتی هم هست که مساله هجرت و پاره ای مطالب مناسب با آن را ایراد می نماید.

## هدف آیه ۲۲ تا ۴۰ سوره نعل

(۱)

### بیان عیوب و صفات بد مشرکین ناشی از انکار توحید

«إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ...!»

این آیات، قسمت دوم از آیات صدر سوره است، قسمت اولش متضمن بیان



توحید ربوبیت و اقامه حجت علیه مشرکین و انذار آنان به آوردن عذاب و تنزیه خدای سبحان از شرک ایشان بود.

و این قسمت یعنی قسمت دوم، متضمن مطالبی است که مناسب با آن بیان است از قبیل بیان عیبهای مشرکین و صفات بد آنان، که همه ناشی از انکار توحید است و مانند سخنان باطل و استکبارشان در برابر خدا و استهزاء آیات او و انکار حشر و نیز متضمن بیان بطلان این سخنان و تهدید ایشان است به آمدن عذاب دنیوی و هشدارشان از عذاب روز مرگ و روز قیامت و نیز حقایق دیگری.

### هدف آیه ۴۱ تا ۶۴ سوره نحل

(۱)

#### بیان هجرت رسول خدا و وعده نیکوی خدا برای مهاجرین در راه خدا

« وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ...! »

دو آیه اول این آیات داستان هجرت را یادآوری نموده و به مهاجرین در راه خدا وعده نیکویی در دنیا و آخرت می دهد و ما بقی آیات، داستان شرک مشرکین و تشریح احکام بدون اذن خدا را که کار مشرکین بود تعقیب و بر حسب معنا جواب مفصلی است به گفتار مشرکین که دعوت نبوی به ترک عبادت آلله و ترک تشریح احکام را امری محال می دانستند و می گفتند: « لو شاء الله ما عبدنا...! »

مراد از مهاجرت در خدا این است که مهاجرت برای کسب رضای خدا باشد و این هدف محیط به ایشان باشد و جز آن هدف دیگری نداشته باشند!

مهاجرین در راه خدا برای دین مهاجرت کردند که مجتمعی اسلامی و پاک تشکیل دهند که در آن مجتمع جز خدا کسی پرستش نشود و جز عدل و احسان چیزی حکومت نکند و یا برای این بود که به مجتمعی وارد شوند و در آن منزل کنند که وضعش چنین باشد، پس اگر از مهاجرتشان امید حسنه ای داشتند و یا وعده حسنه ای داده شدند آن حسنه همین مجتمع صالح بود و نیز اگر آن شهر را که بدان مهاجرت کردند، ستودند برای این بود که جای تشکیل چنین مجتمعی بوده نه برای اینکه آب و هوایش خوب بوده، پس هدف و غرض از حسنه ای که وعده داده شدند که در دنیا به آن برسند همین مجتمع صالح بوده چه اینکه مقصود از حسنه شهر باشد و یا حالت حسنه ای که در آن شهر به خود می گیرند.

### هدف آیه ۶۵ تا ۷۷ سوره نحل

(۲)

#### اثبات توحید و بعث و نبوت با شمارش نعمت های الهی

« وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ

---

١- الميزان ج : ١٢ ص : ٣٦٧

٢- الميزان ج : ١٢ ص : ٤١٥

رجوعی است بعد از رجوع به شمردن نعمت های الهی و نتیجه گرفتن توحید و نتیجه گرفتن بعث از این آیات و اشاره ای است به مساله تشریح ، که عبارت است از نبوت!

### هدف آیه ۷۸ تا ۸۹ سوره نحل

(۱)

#### اثبات وحدانیت در ربوبیت و مسئله بعث و نبوت با بیان نعمت های الهی

« وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ...! »

این آیات، تعدادی دیگر از نعمت های الهی را بر می شمارد و سپس کلام را معطوف به سوی نتیجه ای می کند که آن نتیجه، حق محض در مساله وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و در مساله بعثت در قیامت و در مساله نبوت و شرایع عینا مانند دسته قبلی آیات است که در آنها نیز برداشت سخن بهمین منوال بود!

### هدف آیه ۹۰ تا ۱۰۵ سوره نحل

(۲)

#### ابلاغ احکام الهی در مکه برای اصلاح حال عمومی جامعه

« إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَنِ وَ إِيْتَايَ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ...! »

این آیات برخی از احکام را که با اسلام قبل از هجرت سازگار است و مایه اصلاح حال عمومی اجتماع است مانند نهی از فحشاء و منکر و ستم و آنچه ملحق به آن است مانند امر به سرکشی از خویشاوندان و نهی از شکستن عهد و سوگند ذکر می کند و نیز مطالب دیگری را یادآوری می کند که مناسب اینها باشد و آن را اثبات کند .

### هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۱۱ سوره نحل

(۳)

#### بیان حکم تقیه و پاداش مهاجرین ثابت قدم و کیفر مرتدین از دین

« مَنِ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »



در این آیات علیه کفاری که بعد از ایمان به خدا کافر گشته و مرتد شدند تهدید نموده و مهاجرین را که در جهاد خود دچار زحمت گشته و در راه خدا صبر کردند وعده جمیل داده و متعرض حکم تقیه نیز شده است.

## هدف آیه ۱۱۲ تا ۱۲۸ سوره نحل

(۴)

### بیان احکام حرام و حلال و انطباق دین اسلام و دین ابراهیم

« وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمٍ كَانَتْ ءَامِنَهُ مُطْمَئِنَّةٌ يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ

---

۱- المیزان ج : ۱۲ ص : ۴۴۹

۲- المیزان ج : ۱۲ ص : ۴۷۴

۳- المیزان ج : ۱۲ ص : ۵۰۸

۴- المیزان ج : ۱۲ ص : ۵۱۹

فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ...!»

این دسته از آیات، تتمه احکامی را بیان می کند که در آیات قبل بود، در این آیات خوردنیهای حرام و حلال را بیان نموده از تحریم و تحلیل بدعتی و بدون اذن خدا نهی می کند و نیز پاره ای از احکام را که برای یهود تشریح شده بود و سپس نسخ شد ذکر نموده، در حقیقت مساله نسخ که در آیه: «و اذا بدلنا آیه مکان آیه...!» گذشت عطف نموده و این معنا را خاطر نشان می سازد که: آنچه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده دین ابراهیم است که بر اساس اعتدال و توحید بنا شده و آن احکام طاقت فرسا که در دین یهود بود از دین او برداشته شده است .

و در آخر امر به عدالت در مجازات و دعوت به صبر و احتساب نموده و با وعده جمیل به نصرت و کفایت برای کسانی که تقوی پیشه نموده و احسان کنند آن را خاتمه می دهد .

### هدف و فلسفه نزول سوره اسری

(۱)

### تسبیح خدای تعالی و بیان معراج رسول الله "ص"

#### مقدرات بنی اسرائیل

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! سَبَّحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ! »

(۱/اسری)

این سوره پیرامون مساله توحید و تنزیه خدای تعالی از هر شریکی که تصور شود می باشد و با اینکه در این مورد بحث می کند، اما مساله تسبیح خدا را بر مساله حمد و ثنای او غلبه داده و بیشتر به قسم دوم پرداخته است، همچنان که ابتدای آن را با جمله: « سبحان الذی اسری بعبده...!» شروع کرده و در خلال سوره هم پی در پی تسبیح او را تکرار نموده، یک جا فرموده: « سبحانه و تعالی عما یقولون!» و جایی دیگر فرموده: « قل سبحان ربی!» و یا فرموده: « و یقولون سبحان ربنا...!» و حتی در آیه ای که سوره به آن ختم می شود نیز معنای تسبیح خدای را متذکر گردیده و او را بر تنزهش از داشتن شریک و ولی و اتخاذ فرزند ستوده و فرموده است: « و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا! »

سوره مورد بحث هدفی را دنبال می کند که آن عبارت است از تسبیح خدای تعالی، این سوره مطلب را با اشاره به داستان معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سیر آن حضرت از مسجد الحرام به مسجد اقصی (که همان بیت المقدس باشد و بنائی است مرتفع «هیکل») که داوود و سلیمان علیهما السلام برای بنی اسرائیل بنا نمودند و خدا آن را خانه مقدس ایشان قرار داد، شروع نموده و متذکر شده است.

آنگاه کلام را به مناسبت، به مقدرات بنی اسرائیل کشانده، از عزت و ذلت آنان و اینکه خداوند در هر روز گاری که او را اطاعت می کردند سربلندشان می کرده و هر وقت که از در عصیان در می آمدند ذلیل و خوارشان می ساخته، سخن گفته و نیز کیفیت نزول کتاب بر آنان و پیرامون دعوت آنان به توحید و نفی شرک توضیح داده است.

سپس به همین مناسبت کلام را به وضع این امت معطوف ساخته، که بر این امت نیز کتاب نازل کرده پس اگر اطاعت کنند اجر می برند و اگر عصیان بورزند عقاب می شوند و ملاک کار ایشان مانند آنان به همان اعمالی است که می کنند و به طور کلی با هر انسانی بر طبق عملش معامله می کنند و سنت الهی در امتهای گذشته نیز بر همین منوال بوده است.

پس آنگاه حقایق مهم و بسیاری از معارف مربوط به مبدأ و معاد و شرایع عامه از اوامر و نواهی و غیر آن را بیان می کند.

و از آیات برجسته، در این سوره آیه شریفه: «قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی - بگو چه خدا را بخوانید و چه رحمان را، به هر نامی که بخوانید برای او است اسمای حسنی!» و نیز آیه: «کلا نمذ هؤلاء و هؤلاء من عطاء ربک و ما کان عطاء ربک محظورا - هر یک از طایفه مؤمن و غیر مؤمن را از عطاء پروردگارت مدد می رسانیم و عطاء پروردگارت ممنوع نیست!» و نیز آیه: «و ان من قریه الا- نحن مهلكوها - و هیچ قریه ای نیست مگر آنکه ما هلاک کننده آنیم!» و همچنین آیات دیگر، است.

## هدف آیه ۸ تا ۸ سوره اسری

(۱)

### بیان سنت الهی در هدایت امت ها

«وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَ كَيْلًا...!»

از ظاهر سیاق این آیات که در صدر سوره قرار دارند چنین برمی آید که در مقام بیان این معنا است که سنت الهی در امتها و اقوام مختلف انسانی همواره بر این

بوده است که ایشان را به راه بندگی و توحید هدایت نموده و رسیدن به آن را برایشان ممکن ساخته و ایشان را در پذیرفتن و نپذیرفتن مخیر نموده است، نعمت های دنیا و آخرت را در اختیارشان قرار داد و ایشان را به همه رقم اسبابی که در اطاعت و معصیت بدان نیازمندند مسلح و مجهز ساخت تا اگر اطاعت و احسان کنند به سعادت دنیا و آخرت پاداششان دهد و اگر گناه و عصیان ورزند به نکال و خواری در دنیا و عذاب آخرت کیفرشان کند .

بنا بر این می توان گفت که هفت آیه مذکور به منزله مثالی است که کیفیت و چگونگی جریان این سنت عمومی را در بنی اسرائیل مجسم می سازد، بدین شرح که خدا بر پیغمبرشان کتاب نازل کرد و آن را هدایتی قرار داد تا به وسیله آن به سوی خدایشان راه یابند و در آن کتاب چنین پیشگوئی کرد که به زودی ترقی نموده و در اثر همان ترقی، طغیان و تباهی خواهند ورزید و خداوند با مسلط نمودن دشمن، بر آن قوم، انتقام سختی از آنان خواهد گرفت و خوارشان خواهد ساخت و دشمن آنقدر از ایشان بکشد و اسیر کند تا آن که غرور و طغیانشان فروکش نموده دوباره به سوی اطاعت خدا برمی گردند، در آنوقت خدا هم به نعمت و رحمت خود برگشته باز سرو سامانی به ایشان خواهد داد، باز برای بار دوم طغیان خواهند ورزید و خدا هم به عذاب خود برمی گردد .

از این بیان این نتیجه به دست می آید که آیات هفتگانه مورد بحث به منزله توطئه و زمینه چینی برای بیان جریان همین سنت است در امت اسلام و در حقیقت این چند آیه نظیر جمله معترضه است میان آیه اول و آیه نهم.

### هدف آیه ۲۲ تا ۲۹ سوره اسری

(۱)

### بیان سنت الهی در ملت اسلام

« إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا...! »

آیات سابق از سوره اسری، جریان سنت الهی را در هدایت انسان به سوی حق و دین توحید خاطر نشان می کرد و خلاصه آن سنت این بود که خداوند هر کس را که دعوت حق را اجابت کند در دنیا و آخرت سعادت مند گرداند و هر که را که به حق کفر ورزیده و از امر او سرپیچی نماید در دنیا و آخرت عقاب کند .

و اگر نزول تورات و حوادثی را که بعد از آن، برای بنی اسرائیل پیش آمده، ذکر فرمود از باب تطبیق حکم کل این سنت بر افراد و مصادیق آن بود.

و این دسته از آیات جریان همان سنت را در این امت خاطر نشان می سازد و

می فرماید که به همان نحو که در امت موسی علیه السلام جریان یافت در این امت نیز جریان می یابد، آنگاه نتیجه می گیرد که پس باید از شرک اجتناب ورزیده و همواره ملازم طریق توحید باشند!

### هدف آیه ۳۹ تا ۲۳ سوره اسری

(۱)

#### ذکر برخی از کلیات دین

« وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا...! »

این آیات بعضی از کلیات دین را ذکر می کند و در حقیقت دنباله آیه شریفه: «ان هذا القرآن يهدي للتي هي اقوم...!» است .

### هدف آیه ۴۰ تا ۵۵ سوره اسری

(۲)

#### بیان مسئله توحید و سرزنش مشرکین

« أَمْ أَفْصَاكُم رُبُّكُمْ بِالْبَيْنِينَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا...! »

در این آیات مساله توحید و سرزنش مشرکین دنبال شده است که چگونه خدایانی برای خود درست کرده اند و ملائکه کرام را زنانی پنداشته اند و چگونه با آمدن قرآن و ادله توحید آن، باز هم متنبه نشده و آیات قرآنی را نمی فهمند و در عوض فرستاده ما را و مساله بعث و نشور را مسخره می کنند و سخنان زشتی در باره خدا می گویند و همچنین مطالبی دیگر .

### هدف آیه ۵۶ تا ۶۵ سوره اسری

(۳)

#### بیان سنت الهی در چگونگی عذاب امت آخرین

« قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفِ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَ لَا تَحْوِيلًا...! »

در این آیات در باره مساله توحید به گونه دیگری احتجاج شده و ربوبیت خدایانی که مشرکین می پرستیدند ابطال گردیده و حاصلش این است که بتها قادر به رفع گرفتاریها و برداشتن آنها از پرستش کنندگان خود نیستند، بلکه آنها در احتیاج به خدای سبحان مانند خود بت پرستانند، که همواره در جستجوی وسیله ای به درگاه خدا هستند و رحمت او را امیدوار و از

عذاب او بیمناکند!

و مساله گرفتاریها و هلاکت ها و عذابها همه به دست خدای تعالی است و او در کتاب خود نوشته که هر قریه ای را قبل از روز قیامت هلاک کند و یا به عذاب شدیدی مبتلا سازد، در بین امتهای گذشته هم همین معنا را اعمال کرده، برای هر امتی آیات و معجزات خود را می فرستاده و چون کفر می ورزیدند و آن را تکذیب

---

۱- المیزان ج : ۱۳ ص : ۱۰۵

۲- المیزان ج : ۱۳ ص : ۱۴۱

۳- المیزان ج : ۱۳ ص : ۱۷۳

می کردند دنبالش عذاب انقراض آور را می فرستاده ولی در امت آخرین از آوردن آن معجزات که دنبالش عذاب استیصال است خودداری کرد .

آری خداوند چنین خواست که رفتار ایشان را با هلاکت تلافی نکند، چیزی که هست اصل فساد در میان آنان رو به پیشرفت است و به زودی شیطان همه شان را گمراه می کند، آن وقت است که وعده خدا در باره آنان محقق گشته و خدا هلاکشان می سازد و این امری است شدنی!

### هدف آیه ۶۶ تا ۷۲ سوره اسری

(۱)

#### اثبات انحصار قبولی دعا و کشف ضرّ برای خدا

«رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...!»

این آیات در مقام تکمیل نمودن آیات قبلی است و مساله استجاب دعا و کشف ضر را که آیات قبل، از بتها و خدایان مشرکین نفی می کرد در باره خدای سبحان اثبات می نماید.

اینکه احتجاج مزبور با آیه: «یوم ندعوا کل اناس بامامهم...!» ختم شده و با آن اشاره به این معنا کرده که این هدایت و ضلالتی که مورد بحث بود در آخرت نیز ملازم انسان است و نشاء آخرت مطابق نشاء دنیا است، هر که در دنیا بینا باشد در آخرت هم بینا است و هر که در اینجا کور باشد آنجا هم کور و بلکه گمراهتر است!

### هدف آیه ۷۳ تا ۸۱ سوره اسری

(۲)

#### نهی رسول الله «ص» از تمایل به مشرکین

«وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَا تَخْذُوكَ خَلِيلًا...!»

این آیات گوشه ای از نیرنگهای مشرکین را که به قرآن و به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم زدند و تعدی و پافشاری که در انکار توحید و معاد کردند یادآور شده، در همین باره علیه ایشان احتجاج و استدلال می کند .

آری آنها خواسته بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به قسمتی از دستورات، با آنان مدافعه کند و نیز خواستند او را از مکه بیرون کنند.

به همین جهت در این آیات به شدیدترین بیان آن جناب را تهدید می کند که مبادا به طرف مشرکین و لوهر قدر هم اندک باشد میل پیدا کند و ایشان را هشدار داده که اگر آن جناب را از مکه بیرون کنند هلاکشان فرماید .

در این آیات توصیه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به نماز و توسل به درگاه پروردگار در آغاز کلام و هم در انجام آن و نیز اعلام به ظهور حق آمده است!

## هدف آیه ۸۲ تا ۱۰۰ سوره اسری

---

۱- المیزان ج : ۱۳ ص : ۲۰۸

۲- المیزان ج : ۱۳ ص : ۲۳۶



(۱)

**بیان شفا و رحمت بودن قرآن**

« وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا...! »

در این آیات برای دومین بار به مساله معجزه بودن قرآن اشاره می کند و مجدداً آن را آیت و معجزه نبوت معرفی می کند و نیز رحمت و برکتش می خواند.

در این آیات می خواهد این جهت را بیان کند که قرآن شفا و رحمت است و به عبارت دیگر اصلاح کننده کسی است که خود نفسی اصلاح طلب داشته باشد و گر نه همین قرآن نسبت به ستمکاران خسارت و زیان است و با اینکه این قرآن معجزه نبوت است، معجزه های دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می خواهند و آنگاه جوابشان را می دهد و البته غیر آنچه گفته شد ملحقاتی هم در این آیات آمده که از آن جمله پرسش از چگونگی روح و جواب از آن است.

**هدف آیه ۱۰۱ تا ۱۱۱ سوره اسری**

(۲)

**بیان برخورد فرعونیان با موسی و مشرکین قریش با رسول الله «ص»**

« وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَأَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَى مَسْحُورًا...! »

در این آیات وضع رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و معجزه قرآنش و اعراض مشرکین از آن جناب و طلب نمودن معجزاتی بیهوده تشبیه شده به وضع موسی علیه السلام و معجزات نبوتش و اعراض فرعون از آن معجزات و نسبت سحر به وی دادن و پس از تشبیه مجدداً به وصف قرآن کریم و سبب نزول تدریجی آن و نیز به بیان معارفی دیگر می پردازد .

**هدف و فلسفه نزول سوره کهف**

(۳)

**دعوت به اعتقاد حق و عمل صالح و نفی دوگانه پرستی**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ أَنْزَلَ عَلَیْ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ لَمْ یَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا...! » (۱ تا ۸/کهف)

این سوره با انداز و تبشیر دعوت می کند به اعتقاد حق و عمل صالح

١- الميزان ج : ١٣ ص : ٢٤٩

٢- الميزان ج : ١٣ ص : ٣٠٠

٣- الميزان ج : ١٣ ص : ٣٢٥

همچنانکه از دو آیه اولش هم بوی این معنا استشمام می شود و نیز از آیه آخر سوره که می فرماید: « فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا! »

در این سوره مساله نفی فرزند داشتن خدا مورد عنایت و توجه زیادی واقع شده است نظیر اینکه می بینیم تهدید و انذار را به کسانی اختصاص می دهد که برای خدا فرزند قائل شده اند، یعنی بعد از آنکه می فرماید: « لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا لِمَنْ لَدُنْهُ! » مجدداً می فرماید: « وَ يُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا! »

پس در این آیه روی سخن با دو گانه پرستان است، که قائل به فرزندى ملائکه و جن و مصلحین بشر برای خدا هستند و همچنین خطاب به نصاری است که قائل به فرزندى مسیح برای اویند و بعید نیست که روی سخن به یهود هم باشد، چون خود قرآن از یهود نقل کرده که گفته اند عَزِيزٌ پسر خدا است .

بعید نیست کسی بگوید که غرض از نزول این سوره بیان سه داستان عجیب است که در قرآن کریم جز در این سوره ذکر نشده، یکی قصه اصحاب کهف و دیگری داستان موسی و آن جوانی که در راه به سوی مجمع البحرین دیدار نمود و سوم حکایت ذی القرنین و آنگاه از این سه داستان در غرض سوره که اثبات نفی شریک و تشویق بر تقوی و ترس از خدا است استفاده کند .

## هدف آیه ۹ تا ۲۶ سوره کهف

(۱)

### بیان داستان اصحاب کهف و عوامل غفلت انسانها در زندگی زمینی

« أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا...! »

این آیات داستان اصحاب کهف را ذکر می کند که یکی از سه سؤالی است که یهود به مشرکین یاد دادند تا از رسول خدا (ص) بپرسند و بدین وسیله او را در دعوی نبوتش بیازمایند.

سیاق آیات سه گانه ای که داستان مزبور با آنها شروع شده اشعار به این دارد که قصه کهف قبلاً به طور اجمال در بین مردم معروف بوده، مخصوصاً این اشعار در سیاق آیه: « أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا! » بیشتر به چشم می خورد و می فهماند که نزول این آیات برای تفصیل قضیه است که از جمله: « نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ...! » شروع می شود.

و وجه اتصالش به آیات قبل این است که با اشاره به این داستان و اینکه جای تعجب در آن نیست همان مطالب گذشته را تایید می کند، که اگر خدای تعالی



موجودات روی زمین را در نظر بشر جلوه داده و دل‌های آدمیان را مجذوب آنها نموده تا بدانها رکون و اطمینان کنند و توجه خود را بدانها معطوف دارند، همه به منظور امتحان است. و همچنین اگر پس از گذشتن اندک زمانی همه آنها را با خاک یکسان نموده، از نظر انسان می‌اندازد و به صورت سرابی جلوه می‌دهد، همه و همه آیاتی است الهی نظیر آیتی که در داستان اصحاب کهف هست، که خدا خواب را بر آنان مسلط نمود و در کنج غاری سیصد سال شمسی به خوابشان برد و وقتی بیدار شدند جز این به نظرشان نرسید که یا یک روز در خواب بوده‌اند و یا پاره‌ای از روز پس مکث هر انسان در دنیا و اشتغالش به زخارف و زینت‌های آن و دلباختگی‌اش نسبت به آنها و غفلتش از ماسوای آن، خود آیتی است نظیر آیتی که در داستان اصحاب کهف است. همانطور که آنها وقتی بیدار شدند خیال کردند روزی و یا پاره‌ای از روز خوابیده‌اند، انسانها هم وقتی روز موعود را می‌بینند خیال می‌کنند یک روز و یا پاره‌ای از یک روز در دنیا مکث کرده‌اند!

پس آیت اصحاب کهف در بین سایر آیات الهی پیشامدی نوظهور و عجیب نیست، بلکه داستانی است که همه روزه و تا شب و روزی هست، تکرار می‌گردد.

### هدف آیه ۲۷ تا ۳۱ سوره کهف

(۱)

### بیان وظیفه رسول الله در برابر دینداران و بی‌دینان

« وَ أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابٍ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا...! »

در این آیات رجوع و انعطافی به ما قبل هست به آن جایی که گفتار قبل از داستان اصحاب کهف بدانجا منتهی گردید، یعنی به تاسف خوردن و ناشکیبائی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اینکه چرا مردم ایمان نمی‌آورند و به کتابی که برایشان نازل شده نمی‌گروند و چرا دعوت حقه او را قبول نمی‌کنند.

آیات مورد بحث عطف بدانجا است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را تسلیت می‌داد به اینکه سرای دنیا بلاء و امتحان است و آنچه زینت دارد به زودی به صورت خاک خشک در می‌آید، پس دیگر سزاوار نیست به خاطر این مردم خود را ناراحت کنی و دلتنگ شوی که چرا دعوت را نمی‌پذیرند و به کتاب خدا ایمان نمی‌آورند.

آنچه بر تو واجب است صبر و حوصله کردن با این مشقت فقرائی است که ایمان آورده‌اند و مدام پروردگار خود را می‌خوانند و هیچ توجهی به این توانگران کافر کیش که همواره به ثروت خود و زینت حیات دنیایشان می‌بالند ندارند، چون می‌دانند

این زینتها به زودی به صورت خاکی خشک مبدل می شود، لذا همواره دنیاداران را به سوی پروردگارشان می خوانند، و دیگر کاری به کارشان ندارند.

هر که می خواهد ایمان بیاورد و هر که می خواهد کفر بورزد، چیزی به عهده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیست، آنچه وظیفه او است که باید در مواجهه با آنان رعایت کند این است که در صورت ایمان آوردن، با شادمانی و در صورتی که ایمان نیاورند، با تاسف با آنان مواجه نشود، بلکه همان ثواب و عقاب خدای را تذکر دهد!

### هدف آیه ۳۲ تا ۴۶ سوره کهف

(۱)

#### بیان واقعیت مالکیت آدمی به اموال و اولاد و سایر زینتهای دنیا

« وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَ حَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا! »

این آیات متضمن دو مثل است که حقیقت مالکیت آدمی را نسبت به آنچه در زندگی دنیا از اموال و اولاد - که زخارف زندگی اند و زینت های فریب دهنده و سریع الزوال اند و آدمی را از یاد پروردگار غافل و مشغول می سازند و واهمه او را تا حدی مجذوب خود می سازد که به جای خدا به آنها رکون و اعتماد می کند و به خیالش می قبولاند که راستی مالک آنها است - بیان می کند و می فهماند که این فکر جز وهم و خیال چیز دیگری نیست، به شهادت اینکه وقتی بلایی از ناحیه خدای سبحان آمد همه را به باد فنا گرفته برای انسان چیزی جز خاطره ای که بعد از بیداری از عالم رؤیا به یاد می ماند و جز آرزوهای کاذب باقی نمی گذارد.

### هدف آیه ۴۷ تا ۵۹ سوره کهف

(۲)

#### بیان تنهائی انسان در قیامت و کیفر پیروی از شیطان

« وَ يَوْمَ نُسِيرُ الْجِبَالِ وَ تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا...! »

این آیات متصل به آیات قبل است و در پی همان آیات سیر می کند و به بیان اینکه این اسباب ظاهری و زخارف فریبنده دنیوی که زینت حیات هستند به زودی زوال و نابودی بر آنها عارض می شود می پردازد و برای انسان روشن می کند که مالک نفع و ضرر خویش نیست و آنچه برای انسان می ماند همان عمل او است که بر طبقش کیفر و یا پاداش می بیند.

در این آیات ابتدا، مساله قیامت مطرح شده و بیان می فرماید که هر انسانی تک و تنها بدون اینکه کسی به غیر از عملش

همراه او باشد محشور می گردد و سپس مساله امتناع ابلیس از سجده بر آدم و فسقش نسبت به امر پروردگار را ذکر

---

۱-المیزان ج : ۱۳ ص : ۴۲۵

۲-المیزان ج : ۱۳ ص : ۴۴۴

می کند که پیروانش او و ذریه او را اولیای خود می گیرند و به جای خدا او را که دشمن ایشان است سرپرست خود اتخاذ می کنند .

آنگاه دو باره مساله قیامت را عنوان می کند که در آن روز خداوند خود پیروان شیطان و نیز شیطانها را که شریک خدایش گرفته بودند احضار می کند ، در حالی که رابطه میان آنان قطع شده باشد .

و در آخر آیاتی چند در خصوص وعده و وعید آمده و مجموع آیات از نظر هدف با آیات قبل متصل است.

### هدف آیه ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف

(۱)

#### بیان واقعیت پشت پرده حوادث ظاهری

« وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا...! »

در این آیات داستان موسی و برخوردش در مجمع البحرين با آن عالمی که تاویل حوادث را می دانست برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تذکر می دهد و این چهارمین تذکری است که در این سوره دنبال امر آن جناب به صبر در تبلیغ رسالت تذکار داده می شود تا هم سرمشقی باشد برای استقامت در تبلیغ و هم تسلیتی باشد در مقابل اعراض مردم از ذکر خدا و اقبالشان بر دنیا و هم بیانی باشد در اینکه این زینت زودگذر دنیا که اینان بدان مشغول شده اند متاعی است که رونقش تا روزی معین است، بنا بر این، از دیدن تمتعات آنان به زندگی و بهره مندی شان به آنچه که اشتها کنند دچار ناراحتی نشود، چون در ماورای این ظاهر یک باطنی است و در ما فوق تسلط آنان بر مشتهیات ، سلطنتی الهی قرار دارد!

پس ، گویا یادآوری داستان موسی و عالم برای اشاره به این است که این حوادث و وقایعی هم که بر وفق مراد اهل دنیا جریان می یابد، تاویلی دارد که به زودی بر ایشان روشن خواهد شد و آن وقتی است که مقدر الهی به نهایت اجل خود برسد و خدای اذن دهد تا از خواب غفلت چندین ساله بیدار شوند و برای یک نشاه دیگری غیر نشاه دنیا مبعوث گردند .

آن عالمی که موسی دیدارش کرد و خدای تعالی بدون ذکر نامش به وصف جمیلش او را ستوده و فرموده: «عبدا من عبادنا اتیناه رحمه من عندنا و علمناه من لدنا علما!» اسمش ( در روایات) خضر یکی از انبیاء معاصر موسی بوده است.

### هدف آیه ۸۳ تا ۱۰۲ سوره کهف

(۲)

#### بیان تاریخ ذی القرنین



« وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْيَتَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا...! »

---

١- الميزان ج : ١٣ ص : ٤٦٦

٢- الميزان ج : ١٣ ص : ٤٩٦

این آیات راجع به داستان ذو القرنین است و در خلال آن پیشگویی هایی از قرآن نیز به چشم می خورد.

### هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۰۸ سوره کهف

(۱)

#### بیان خسران زندگی و سوء عاقبت مشرکین

« قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا! الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا...! »

این آیات شش گانه به منزله استنتاج از آیات گذشته در این سوره است که دلباختگی مشرکین را نسبت به زینت حیات دنیا و رکون و اطمینان به اولیائی غیر از خدا و ابتلاءشان به تاریک بینی و ناشنوائی و آثار اینها در سوء عاقبت را شرح می داد و علاوه بر اینکه از آن آیات نتیجه گیری می کند، تمهید و مقدمه ای است نسبت به آیه آخر سوره که می فرماید: « قل انما انا بشر مثلكم...! »

### هدف آیه ۱۰۹ سوره کهف

(۲)

#### بیان وسعت کلمات الهی

« قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا! »

این آیه بیان مستقلى است برای وسعت کلمات خدای تعالی و اینکه کلمات او نابودی پذیر نیست و به همین جهت بعید نیست که تنها نازل شده باشد نه در ضمن آیات قبل و بعدش ، لیکن اگر در ضمن آیات دیگری نازل شده باشد آن وقت مربوط به تمامی مطالبی است که در این سوره مورد بحث قرار گرفته است.

آیه شریفه در اینکه در جایی قرار گرفته که غرض سوره استیفاء شده و بیانش تمام گشته و مثالهایش زده شده نظیر گفتار کسی می ماند که خیلی حرف زده و در آخر گفته باشد حرفهای ما تمامی ندارد لذا به همین مقدار که گفتیم اکتفاء می کنیم - و خدا داناتر است!

### هدف آیه ۱۱۰ سوره کهف

(۳)

#### بیان خلاصه هدف سوره کهف، اصول سه گانه دین: توحید نبوت معاد

« قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا  
!»

این آیه آخرین آیه سوره است که غرض از بیان سوره را خلاصه می کند و در آن اصول سه گانه دین را که توحید و نبوت و معاد است جمع کرده است.

---

۱- المیزان ج : ۱۳ ص : ۵۴۵

۲- المیزان ج : ۱۳ ص : ۵۵۲

۳- المیزان ج : ۱۳ ص : ۵۵۶

جمله: «انما الهکم الہ واحد!» مساله توحید را و جمله: «انما انا بشر مثلکم یوحى الی!» و جمله: «فلیعمل عملا صالحا...!» مساله نبوت را و جمله: «فمن کان یرجوا لقاء ربہ!» مساله معاد را متعرض است.

## هدف و فلسفه نزول سوره مریم

(۱)

### بشارت و انذار

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ! کَهِیْعَص ! ذِکْرٌ رَّحْمٰتِ رَبِّکَ عَبْدَهُ زَکْرِیَّا ! »

(۱ تا ۱۵/مریم)

غرض این سوره به طوری که در آخرش بدان اشاره نموده می فرماید: «فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین و تنذر به قوما لدا...!» بشارت و انذار است، چیزی که هست همین غرض را در سیاقی بدیع و بسیار جالب ریخته نخست به داستان زکریا و یحیی و قصه مریم و عیسی و سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب و ماجرای موسی و هارون و داستان اسماعیل و حکایت ادریس و سهمی که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - اشاره کرده، آنگاه علت این عنایت را چنین بیان فرموده که این بزرگواران خصلت‌های برجسته ای داشته اند از آن جمله نسبت به پروردگارش خاضع و خاشع بودند و لیکن اخلاف ایشان از یاد خدا اعراض نموده به مساله توجه به پروردگار به کلی بی اعتناء شدند و به جای آن دنبال شهوت را گرفتند به همین جهت به زودی حالت غی را که همان از دست دادن رشد است دیدار می کنند مگر آنکه کسی از ایشان توبه کند و به پروردگار خود بازگشت نماید که او سرانجام به اهل نعمت می پیوندد.

سپس نمونه هایی از لغزشهای اهل غی و زورگوییهای آنان و آرای خارج از منطقشان از قبیل نفی معاد و به خدا نسبت پسراری دادن و بت پرستیدن و آنچه که از لوازم این لغزشها است از نکبت و عذاب را خاطر نشان می سازد.

بنا بر این، می توان گفت بیان این سوره شبیه به بیان مدعی است که برای اثبات دعوی خود مثال هایی می آورد.

پس این سوره با ذکر چند مثال آغاز و با گرفتن نتیجه ای کلی از آن مثلها،

که مورد نظر بوده ، خاتمه یافته است .

پس این سوره، مردم را به سه طائفه تقسیم می کند:

۱ - آنهایی که خدا انعامشان کرد که یا انبیاء بودند و یا اهل اجتناب و هدایت!

۲ - اهل غی، یعنی آنهایی که مایه و استعداد رشد خود را از دست دادند!

۳ - آن کسانی که توبه نموده و ایمان آوردند و عمل صالح کردند که به زودی به اهل نعمت و رشد می پیوندند .

و آنگاه ثواب توبه تائبین و مسترشدین و عذاب غاویان که همنشینان شیطان و از اولیای اویند - را تذکر می دهد.

### هدف آیه ۱۶ تا ۴۰ سوره مریم

(۱)

#### بیان زندگی عیسی و یحیی «ع» و مشابهت آنها

« وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا...! »

در این آیات از داستان یحیی به داستان عیسی علیه السلام نقل کلام شده و میان این دو داستان شباهت تمامی هست، چون ولادت هر دو بزرگوار به طور خارق العاده صورت گرفته و این هر دو در کودکی حکم و نبوت داده شدند، او هم خبر داد که مامور به احسان به مادر شده و جبار و شقی نیست و بر خود در روز ولادتش و روز مرگش و روز مبعوث شدنش سلام داده، این نیز همین مطالب را گفته و قرآن از وی نیز نقل کرده و شباهت های دیگری نیز داشته اند و یحیی علیه السلام نبوت عیسی علیه السلام را تصدیق کرده و به وی ایمان آورد!

### هدف آیه ۴۱ تا ۵۰ سوره مریم

(۲)

#### بیان محاجه ابراهیم «ع» با پدر و کناره گیری از بت پرستان

« وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّهٗ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا...! »

این آیات به پاره ای از داستان ابراهیم علیه السلام اشاره می کند و آن عبارت است از احتجاجش با پدر در باره بت ها، با حجت و هدایت فطری و معرفت یقینی که خدایش داده بود و نیز داستان کناره گیری از پدر و از مردم و خدایانشان و اینکه

خداوند به او اسحاق و یعقوب را داد و به کلمه باقیه در نسلش اختصاص داد و برای او و اعقاب او یاد خیری در آیندگان گذاشت که تا روزگاری هست نامش را به نیکی ببرند.

## هدف آیه ۵۱ تا ۵۷ سوره مریم

(۳)

### بیان موهبتها و رحمت‌های الهی به موسی و هارون و اسماعیل و ادریس «ع»

« وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ اِنَّهٗ كَانَ مَخْلُصًا وَ كَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا...! »

در این آیات جمع دیگری از انبیاء و برخی از موهبت‌ها و رحمت‌هایی را که

---

۱- المیزان ج : ۱۴ ص : ۴۲

۲- المیزان ج : ۱۴ ص : ۷۲

۳- المیزان ج : ۱۴ ص : ۸۲

به ایشان اختصاص داده ذکر می کند و آنان عبارتند از موسی ، هارون ، اسماعیل و ادريس عليهماالسلام.

### هدف آیه ۵۸ تا ۶۳ سوره مریم

(۱)

#### بیان طریقه انبیاء ، دین توحید، دین اهل سعادت و رشد

« أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا...! »

در سابق که در باره غرض این سوره بحث کردیم گذشت که آنچه از سیاق آن بر می آید این است که می خواهد بیان کند که عبادت خدای تعالی - یعنی دین توحید - دین اهل سعادت و رشد است، دین انبیاء و اولیاء است و تخلف از طریقه ایشان، یعنی ضایع کردن نماز و پیروی شهوات، پیروی راه ضلالت است و کسی که چنین کند گمراه است ، مگر آنکه توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد .

پس آیات و مخصوصا سه آیه اول آن متضمن خلاصه غرض سوره است و این خلاصه گیری را به صورت استنباط از داستانهای وارده در سوره بیان کرده است و تفاوت این سوره با سایر سوره ها همین است که در سایر سوره های طولانی غرض از سوره را به عنوان برائت استهلال در ابتدای آن و نیز به عنوان حسن الختام در آخر آن بیان می کند ، ولی در این سوره این غرض را در وسط آن بیان کرده است .

### هدف آیه ۶۴ و ۶۵ سوره مریم

(۲)

#### بیان زمان و شرایط نازل شدن فرشته وحی

« وَ مَا نَنْزَلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ! »

این دو آیه نسبت به آیات قبل و بعد از آن به منزله جمله معترضه اند و سیاق این دو شهادت می دهد که کلام در آن، کلام فرشته وحی است و اما به وحی قرآنی و از ناحیه خدای سبحان، چون نظم آن بدون شک نظمی است قرآنی و این نظریه ای است که روایت وارده به طرق مختلفه از اهل سنت و به نقل مجمع از ابن عباس آن را تایید می کند و آن روایت این است که وقتی جبرئیل در نزول خود تاخیر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از او پرسید چرا دیر کردی؟ جبرئیل به وحی الهی گفت: « و ما ننزل الا بامر ربك ... هل تعلم له سميا! »

۱- المیزان ج: ۱۴ ص: ۹۷

۲- المیزان ج: ۱۴ ص: ۱۰۹



(۱)

**بیان سخنان مشرکین درباره مبدأ، معاد و نبوت و رد آنها**

« وَ يَقُولُ الْإِنْسَانُ أَذًا مَا مِتَ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا...! »

از اینجا به بعد، دو باره بر سر مطلب قبل از دو آیه ای که گفتیم به منزله جمله معترضه است بر می گردد و در حقیقت از اینجا دنباله جمله: « فخلف من بعدهم خلف اضعوا الصلوه و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا! » تعقیب می شود و بعضی از سخنانی که از باب غی و ضلالت زدند برای نمونه ذکر می شود و از همه آن سخنان تنها سه تا نقل شده یکی سخنی که در باره معاد زدند و یکی پیرامون نبوت و یکی پیرامون مبدء .

در این آیات، یعنی از جمله: « و يقول الانسان ... و نذر الظالمين فيها جثيا! » که هفت آیه است، حکایت سخن ایشان در استبعاد از قیامت و پاسخ از آن نقل شده و آثار سوء و وبالی که در سخن ایشان است خاطر نشان می سازد!

**هدف آیه ۷۳ تا ۸۰ سوره مریم**

(۲)

**بیان سخنان مشرکین درباره ضعف مالی مومنان و رد نظرات آنها**

« وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيِ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا! »

این آیات فصل دوم از کلماتی است که قرآن کریم از کفار نقل کرده و حاصلش این است که دعوت نبویه رسول خدا را به این صورت رد کرده اند که: هیچ سودی به حال کسی که به او بگردد ندارد و اگر این دعوت حق می بود می بایستی دنیای گرونده را که سعادت زندگی در آن است اصلاح کند، ساختمانهای رفیع و اثاث البیت نفیس و جمال و زینتی به ایشان بدهد و این کفر ما که خیر دنیا را به ما رسانده خیلی بهتر از ایمان مؤمنین است، که وضعشان را به آن فلاکت کشانده، نه حالی و نه مالی برایشان گذاشته، به زندگی سختی دچارشان کرده و همین خود دلیل است بر اینکه حق با کفر ما است، حقی که به هیچ وجه نباید با ایمان مؤمنین معاوضه شود .

آنگاه خداوند از گفتار آنها پاسخ می دهد به اینکه « و کم اهلکنا ...! » که چه بسیار مثل شما صاحبان عیش را ما هلاک کردیم و اینکه: « قل من كان في الضلاله - هر که در ضلالت پافشاری کند بر خداست که او را گمراهتر سازد! » و سپس پاسخ خود را تعقیب می کند به بیان حال کسانی که فریب گفتار آنان را خورده اند.

**هدف آیه ۸۱ تا ۹۶ سوره مریم**

١- الميزان ج : ١٤ ص : ١١٦

٢- الميزان ج : ١٤ ص : ١٣٤

(۱)

**رد نظریه فرزند خواندگی برای خدا**

« وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا...! »

این آیات، فصل سوم از اعتقادات کفار را نقل می کند و آن عبارت است از شرک به خدا با برگزیدن خدایانی دیگر و اینکه گفته اند: خدا فرزند گرفته و پاسخ از آنها.

**هدف آیه ۹۷ و ۹۸ سوره مریم**

(۲)

**بیان تنزیل حقیقت قرآن و تسهیل آن به لسان رسول الله "ص"**

« فَإِنَّمَا يَسْرُنَهُ بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا! »

« وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هَلْ تَحِسُ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا! »

این دو آیه، سوره را خاتمه می دهد و خدای سبحان در آن تنزیل حقیقت قرآن را بیان می کند (که آن حقیقت بلندتر از آن است که فهم عادی بدان دسترسی یابد و یا غیر پاکان آن را لمس کنند!) به اینکه تا مرتبه ذکر به لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و می فرماید که هدف از این سهولت این است که متقین از بندگان خدای را بشارت و قوم سخت سر و خصومت پیشه را با آن انداز نماید، آنگاه انداز آنان را با یاد آوری هلاکت قرون گذشته خلاصه فرمود.

**هدف و فلسفه نزول سوره طه**

(۳)

**تذکر و یادآوری از راه انداز**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! طه ! مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى...! » (تا ۸/طه)

غرض این سوره تذکر و یادآوری از راه انداز است که آیات انداز آن بر آیات تبشیرش غلبه دارد و این غلبه به خوبی به چشم می خورد، داستانهایی را ذکر می کند که به هلاکت طاغیان و تکذیب کنندگان آیات خدا منتهی می شود و حجت های روشنی را متضمن است که عقل هر کس را ملزم به اعتراف به توحید خدای تعالی و اجابت دعوت حق می کند و به یادآوری آینده انسان از احوال قیامت و مواقف آن و

١- الميزان ج : ١٤ ص : ١٤٦

٢- الميزان ج : ١٤ ص : ١٦٠

٣- الميزان ج : ١٤ ص : ١٦٢

حال نکبت بار مجرمین و خسران ظالمین منتهی می گردد.

این آیات - به طوری که از سیاقش بر می آید - با نوعی تسلیت از رسول خدا شروع می شود، تا جان شریف خود را در واداشتن مردم به قبول دعوتش به تعب نیندازد، زیرا قرآن نازل نشده برای اینکه آن جناب خود را به زحمت بیندازد، بلکه آن تنزیلی است الهی که مردم را به خدا و آیات او تذکر می دهد تا شاید بیدار شوند و غریزه خشیت آنان هوشیار گردد، آنگاه متذکر شده به وی ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، پس او غیر از تبلیغ وظیفه دیگری ندارد، اگر مردم به ترس آمدند و متذکر شدند که هیچ و گر نه یا عذاب استیصال و خانمان برانداز منقرضشان می کند و یا اینکه به سوی خدای خود برگشت نموده در آن عالم به وبال ظلم و فسق خود می رسند و اعمال خود را بدون کم و زیاد می یابند و به هر حال نمی توانند با طغیان و تکذیب خود خدای را عاجز سازند .

یکی از آیات برجسته این سوره آیه شریفه: «الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی!» است که با همه کوتاهیهای مساله توحید را با همه اطرافش متضمن است!

### هدف آیه ۹ تا ۴۸ سوره طه

(۱)

### بیان برگزیده شدن حضرت موسی و وقایع تاریخی دعوت او

« وَ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى...! »

در این آیات داستان موسی علیه السلام را شروع کرده، در این سوره چهار فصل از این داستان ذکر شده:

اول: چگونگی برگزیدن موسی به رسالت در کوه طور، که در وادی طوی واقع است و مامور کردنش به دعوت فرعون .

دوم: با شرکت برادرش او را به دین توحید دعوت کردن و بنی اسرائیل را نجات دادن و اقامه حجت و آوردن معجزه علیه او .

سوم: بیرون شدنش با بنی اسرائیل از مصر و تعقیب فرعون و غرق شدنش و نجات یافتن بنی اسرائیل .

چهارم: گوساله پرستی بنی اسرائیل و سرانجام کار ایشان و کار سامری و گوساله اش .

اینکه آیات مورد بحث به چه وجهی متصل به ما قبل می شود؟ وجه اتصالش این است که آیات ما قبل مساله توحید را خاطر نشان می ساخت، این آیات نیز با وحی توحید آغاز شده و با همان وحی یعنی کلام موسی که گفت: «انما الهکم الله الذی لا اله الا هو ...!» و نیز کلام دیگرش در باره هلاک فرعون و طرد سامری ختم



می شود، آیات قبلی نیز با این تذکر آغاز می شد که قرآن مشتمل است بر دعوت حق و تذکر کسانی که بترسند و با مثل این آیه ختم می شد که: «الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی!»

### هدف آیه ۴۹ تا ۷۹ سوره طه

(۱)

#### بیان آغاز دعوت موسی «ع» تا غرق فرعون

« قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى...! »

این آیات فصل دیگری از داستان موسی علیه السلام است، که در آن رفتن موسی و هارون نزد فرعون و تبلیغ رسالتشان مبنی بر نجات بنی اسرائیل را بیان می کند، البته جزئیات جریان را هم خاطر نشان کرده، از آن جمله مساله معجزه آوردن و مقابله با ساحران و ظهور و غلبه حق بر سحر ساحران و ایمان آوردن ساحران و اشاره ای اجمالی به بیرون بردن بنی اسرائیل و شکافته شدن آب دریا و تعقیب کردن فرعون و لشگریانش، موسی و بنی اسرائیل را و سرانجام غرق شدن فرعون، می باشد.

### هدف آیه ۸۰ تا ۹۸ سوره طه

(۲)

#### بیان نعمت های الهی بر بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنها

« يٰۤاِبْنِي اِسْرٰٓءِٖلَ قَدْ اُنۡجَيْنٰكُم مِّنۡ عَدُوِّكُمْ وَ وَعَدۡنٰكُمۡ جَانِبَ الطُّورِ الۡاَیۡمَنِ وَ نَزَّلۡنَا عَلَیۡكُمُ الۡمَنَّ وَ السَّلۡوٰی...! »

در این آیات آخرین فصل از آنچه از سرگذشت موسی علیه السلام در این سوره آمده ایراد شده است و در آن خدای تعالی جمله ای از منت های خود را بر بنی اسرائیل می شمارد، مانند اینکه از قبطیان نجاتشان داد و در طرف راست طور میعادی برایشان معین کرد و من و سلوی برایشان نازل فرمود، آنگاه این فصل را با داستان سامری و گمراه کردنش مردم را به وسیله گوساله پرستی، خاتمه داده است و این قصه متصل است به داستان میعاد در طور.

البته منظور اصلی از این فصل بیان تعرض بنی اسرائیل است نسبت به غضب خدا که با گوساله پرستی خود متعرض غضب الهی شدند و به همین جهت داستان را با حرف عطف واو نیاورد و مانند بقیه مسائل به اشاره بر گزار نکرد، بلکه این قصه را مفصل بیان نمود.

### هدف آیه ۹۹ تا ۱۱۴ سوره طه

(۳)

« كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا...! »

---

۱- المیزان ج : ۱۴ ص : ۲۲۵

۲- المیزان ج : ۱۴ ص : ۲۵۸

۳- المیزان ج : ۱۴ ص : ۲۹۰



این آیات در دنباله داستان موسی علیه السلام قرار دارد که به منظور انذار مردم ، ایشان را با یاد آوری هولهای روز قیامت تهدید می کند!

### هدف آیه ۱۱۵ تا ۱۲۶ سوره طه

(۱)

#### بیان شرط سعادت و تیره بختی آدمی

« وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا...! »

در این آیات داستان داخل شدن آدم و همسرش در بهشت و بیرون شدنشان به وسوسه ای از شیطان و حکمی که خدای تعالی در این موقع راند که دینی تشریح نموده سعادت و شقاوت بنی نوع آدمی را منوط به پیروی هدایت او و اعراض از آن نموده بیان می کند .

و این داستانی که نام بردیم در چند جای قرآن آمده ، ولی در این سوره با کوتاهترین عبارت و زیباترین بیان ایراد شده است، به طوری که ذیل آن شهادت می دهد عمده عنایت در آن بیان همان حکمی است که گفتیم به تشریح دین و ثواب و عقاب رانده، همچنانکه تفریح بعدش هم که فرموده: « و کذلک نجزی من اسرف و لم یؤمن بایات ربه ...! » این معنا را تایید می کند .

بله ارتباط مختصری هم به آیات قبل دارد که در باره توبه می فرمود: « و انی لغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحا ثم اهتدی! » چون در این آیات متعرض توبه آدم شده است .

### هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۵ سوره طه

(۲)

#### نتیجه گیری از مطالب سوره طه در آیات پایانی

« وَ کَذَلِکَ نَجْزِی مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ یُؤْمِنْ بِآیَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى...! »

این آیات، متفرقاتی است از وعد و وعید، حجت و حکمت و تسلیت خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، که همه آنها مربوط به آیات گذشته در این سوره و نتیجه آنها است .

### هدف و فلسفه نزول سوره انبیاء

(۳)

## بيان مسئلة نبوت با طرح مسئلة توحيد و معاد

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِی غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ...! »

(تا ۱۵/انبیا)

---

۱- المیزان ج : ۱۴ ص : ۳۰۴

۲- المیزان ج : ۱۴ ص : ۳۲۴

۳- المیزان ج : ۱۴ ص : ۳۴۰

غرض این سوره گفتگو پیرامون مساله نبوت است که مساله توحید و معاد را زیر بنای آن قرار داده، نخست داستان نزدیک بودن روز حساب و غفلت مردم از آن و نیز اعراضشان از دعوت حقی که متضمن وحی آسمانی است را ذکر می کند، که ملاک حساب روز حساب همین ها است .

و سپس از آنجا به موضوع نبوت و استهزاء مردم منتقل می شود، نبوت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم و نسبت ساحر به وی دادن و کلماتش را هذیان و خودش را مفتری و شاعر خواندن را ذکر می کند، آنگاه گفتار آنان را با ذکر اوصاف کلی انبیای گذشته به طور اجمال رد نموده می فرماید: پیغمبر اسلام نیز همان گرفتاریها را باید ببیند، چون آنچه این می گوید همان است که آن حضرات می گفتند!

پس از آن، داستان جماعتی از انبیا را برای تایید گفتار اجمالی خود می آورد و سخنی از موسی و هارون، سرگذشتی از ابراهیم و اسحاق و یعقوب و لوط و شرحی از نوح و داوود و سلیمان و ایوب و اسماعیل و ادريس و ذو الکفل و ذو النون و زکریا و یحیی و عیسی می آورد.

آنگاه با ذکر یوم الحساب و آنچه که مجرمین و متقین در آن روز کیفر و پاداش می بینند بحث را خلاصه گیری می کند و می فرماید: سرانجام نیک از آن متقین خواهد بود و زمین را بندگان صالحش ارث می برند و آنگاه می فرماید که اعراضشان از نبوت به خاطر اعراضشان از توحید است و به همین جهت بر مساله توحید اقامه حجت می کند همانطور که بر مساله نبوت اقامه نموده و از آنجایی که این سوره به دلیل سیاقش و به اتفاق مفسرین در مکه نازل شده تهدید و وعید در آن ، از بشارت و وعده بیشتر است .

## هدف آیه ۱۶ تا ۳۳ سوره انبیا

(۱)

### بیان هدف دار بودن خلقت و اثبات معاد

« وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِعِینٍ...! »

اول این آیات علت عذاب فرستادن به قرای ظالمه را به بازیچه نبودن خلقت توجیه می کند و می فرماید: خدا با ایجاد آسمان و زمین و ما بین آن دو نخواست است بازی کند تا ایشان هم بدون هیچ دلوپسی سرگرم بازی با هواهای خود باشند، هر چه می خواهند بکنند و هر جور خواستند بازی کنند بدون اینکه حسابی در کارهایشان باشد، نه چنین نیست بلکه خلق شده اند تا راه به سوی بازگشت به خدا را طی کنند و در آنجا محاسبه و بر طبق اعمالشان مجازات شوند، پس باید بدانند که بندگان مسؤولند که اگر از رسم عبودیت تجاوز کنند بر طبق آنچه حکمت الهی



اقتضا می کند مؤاخذه می شوند و خدا در کمین گاه است .

و چون این بیان بعینه حجت بر معاد نیز هست لذا دنبالش وجه سخن را متوجه مساله معاد کرده، بر آن اقامه حجت نمود و در سایه آن متعرض مساله نبوت نیز گردیده چون نبوت از لوازم وجود عبودیت و آن هم از لوازم ثبوت معاد است پس می توان گفت که دو آیه اول این آیات به منزله رابط بین سیاق آیات قبل و بعد است.

و این آیات در اثبات معاد بیانی بدیع آورده و تمامی احتمالاتی که منافی با معاد است به طوری که خواهید دید نفی کرده است.

### هدف آیه ۳۴ تا ۴۷ سوره انبیاء

(۱)

#### بیان مسئله نبوت و پاسخ یاوه گوئی های مشرکین

« وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مَّن قَوْمٌ فَهْمُ الْخَالِدُونَ...! »

این آیات تنمیه کلامی است که در این سوره پیرامون مساله نبوت آورد ، در این آیه ها پاره ای کلمات مشرکین در باره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را آورده، جواب می دهد مثل اینکه گفته بودند او به زودی می میرد و ما از دست او راحت می شویم و یا از در استهزاء گفته بودند: این است که خدایان شما را بد می گوید و یا به عنوان مسخره کردن مساله بعث و قیامت گفته بودند: این وعده ای که می دهید چه وقت است اگر راست می گویید؟ که خدای عز و جل پاسخ هر یک را داده تا خاطر خطیر رسول گرامیش را تسلی داده باشد .

### هدف آیه ۴۸ تا ۷۷ سوره انبیاء

(۲)

#### بیان دعوت جمعی از پیامبران الهی

« وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ...! »

بعد از آنکه در آیات گذشته به مقدار وافی پیرامون مساله نبوت بحث کرد و آن را مبتنی بر مساله معاد نمود اینک در این آیات به داستانهای جمعی از انبیای گرامی که به سوی امتها گسیل داشته و به حکمت و شریعت تایید فرموده و از شر ستمکاران نجات داده اشاره می فرماید تا در عین اینکه برای مطالب گذشته مثلثایی است حجت تشریح را تایید نموده و مشرکین را انداز و تخویف و مؤمنین را بشارت داده باشد. از جمله انبیا موسی و هارون و ابراهیم و لوط و اسحاق و یعقوب و

نوح و داوود و سلیمان و ایوب و اسماعیل و ادريس و ذا الكفل و ذا النون و زکریا و یحیی و عیسی که هفده نفرند نام برده که از این هفده نفر هفت نفر را در این آیات که مورد بحث ما است آورده و بقیه را در آیات بعد از آن، در این آیات نخست موسی و هارون را و سپس ابراهیم و اسحاق و یعقوب و لوط را که قبل از موسی و هارون زندگی

---

۱-المیزان ج : ۱۴ ص : ۳۹۹

۲-المیزان ج : ۱۴ ص : ۴۱۴

می کرده اند نام برده و آنگاه داستان نوح را ذکر کرده که وی از آن چهار نفر هم جلوتر می زیسته .

### هدف آیه ۷۸ تا ۹۱ سوره انبیاء

(۱)

#### بیان دعوت جمعی دیگر از رسولان و پیامبران الهی

« وَ دَاوُدَ وَ سُلَیْمَانَ إِذْ یُحْکِمَانِ فِی الْحَزْبِ إِذْ نَفَسَتْ فِیهِ غَمِّ الْقَوْمِ وَ کُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَهِدِینَ...! »

این آیات شرح حال جمعی دیگر از انبیا را ذکر کرده و آنها عبارتند از داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذو الکفل ، ذو النون ، زکریا ، یحیی و عیسی .

در آن رعایت ترتیب زمانی و انتقال از لاحق به سابق را نکرده است - همچنانکه در آیات قبلی هم رعایت نکرده بود - و در این میان به پاره ای از نعمتهای بزرگی که به بعضی از آنان انعام فرموده بود اشاره نموده و نسبت به بعضی دیگرشان تنها به ذکر نامشان اکتفا نموده است.

### هدف آیه ۹۲ تا ۱۱۲ سوره انبیاء

(۲)

#### بیان امت واحده بودن بشر و انحصار پرستش رب واحد

« إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ...! »

در این آیات به مضمون اول سوره برگشت شده، زیرا در آن آیات بیان می فرمود که برای بشر معبودی است واحد و آن معبود همان کسی است که آسمانها و زمین را خلق فرموده و لذا باید او را از طریق نبوت و پذیرفتن دعوت انبیا پرستند و با پرستش وی آماده حساب یوم الحساب شوند و نبوت جز به یک دین دعوت نمی کند و آن دین توحید است ، همچنانکه موسی و قبل از او ابراهیم و قبل از وی نوح و همچنین انبیا قبل از نوح و بعد از موسی - مانند ایوب و ادريس و غیر آن دو از پیامبرانی که اسامیشان و پاره ای از انعامهایی که خدا به ایشان کرده و در قرآن کریم آمده - همه به آن دعوت می کردند.

پس ، بشر امتی است واحده و دارای ربی واحد و آن خدای عز اسمه است!

و دین واحد و آن دین توحید است که در آن تنها خدا عبادت می شود!

### هدف و فلسفه نزول سوره حج

١- الميزان ج : ١٤ ص : ٤٣٦

٢- الميزان ج : ١٤ ص : ٤٥٢



### بیان مشروح اصول دین، اجمال فروع دین و انذار از قیامت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ! يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَرَى وَ مَا هُمْ بِسُكَرَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ! » (حج / ۲۰۱)

این سوره مشرکین را مخاطب قرار داده، اصول دین و انذار و تخویف را به ایشان خاطر نشان می سازد، همچنانکه در سوره های نازل شده قبل از هجرت مشرکین مورد خطابند. این سوره سیاقی دارد که از آن بر می آید مشرکین هنوز شوکت و نیرویی داشته اند.

در این سوره مؤمنین را به امثال نماز، حج، عمل خیر، اذن در قتال و جهاد مخاطب قرار داده است.

آیات سوره حج دارای سیاقی است که می فهماند مؤمنین جمعیتی بوده اند که اجتماعشان تازه تشکیل شده و روی پای خود ایستاده و مختصری عده و عده و شوکت به دست آورده اند.

با این بیان به طور قطع باید گفت که این سوره در مدینه نازل شده، چیزی که هست نزول آن در اوایل هجرت و قبل از جنگ بدر بوده است.

و غرض سوره بیان اصول دین است، البته با بیانی تفصیلی که مشرک و موحد هر دو از آن بهره مند شوند.

و نیز فروع آن، ولی بیانش در فروع به طور اجمال است و تنها مؤمنین موحد از آن استفاده می کنند، چون تفصیل احکام فرعی در روزگاری که این سوره نازل می شده هنوز تشریح نشده بود و به همین جهت در این سوره کلیات فروع دین از قبیل نماز و حج را بیان کرده است.

و از آنجایی که دعوت مشرکین به اصول دین توحید از طریق انذار صورت می گرفته و نیز واداری مؤمنین به اجمال فروع دین به لسان امر به تقوی بوده و قهرا سخن از روز قیامت به میان آمده، لذا گفتار را در آن فراز بسط داده و در آغاز سوره،

زلزله روز قیامت - که از علامتهای آن است و به وسیله آن زمین ویران شده و کوهها فرو می ریزد - را خاطر نشان ساخته است!

### هدف آیه ۳ تا ۱۶ سوره حج

(۱)

#### بیان گمراهی و هدایت اصناف مختلف مردم

« وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَجِدُ فِي اللَّهِ بَغِيْرَ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيْدٍ...! »

این آیات اصنافی از مردم را معرفی می کند و می فرماید: بعضی مَصْرُ بر باطل و مجادله کننده در برابر حقند و بعضی در باره حق متزلزلند و بعضی دیگر مؤمنند و در باره هر صنفی وصف الحالی ذکر می کند: دسته اول و دوم را گمراه دانسته و گمراهیشان را بیان می کند و از بدی سرانجامشان خبر می دهد و صنف سوم را راه یافته در دنیا و متعم در آخرت می داند!

### هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره حج

(۲)

#### بیان داوری و حکم الهی در قیامت درباره مومنین و غیر مومنین

« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّبِيْنَ وَ النَّصْرِيْنَ وَ الْمَجُوسَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ...! »

بعد از آنکه در آیات سابق اختلاف مردم و خصومت آنان را در باره خدای سبحان نقل کرد که یکی تابع پیشوایی گمراه کننده است و دیگری پیشوایی است گمراه کننده که بدون علم در باره خدا جدال می کند و یکی دیگر مذبذب و سرگردانی است که خدا را در یک صورت می پرستد و در سایر صور به شرک قبلی خود بر می گردد و دیگری به خدای سبحان ایمان دارد و عمل صالح می کند، اینک در این آیات می فرماید که خدا علیه ایشان شهادت می دهد و به زودی در روز قیامت میان آنان داوری می کند در حالی که همه خاضع و مقهور او هستند و در برابر عظمت و کبریای او به سجده در می آیند، سجده حقیقی - و لو اینکه بعضی از اینان یعنی آنهایی که عذاب بر آنان حتمی شده بر حسب ظاهر از سجده امتناع کنند - آنگاه اجر مؤمنین و کیفر غیر مؤمنین را بعد از فصل قضاء در قیامت بیان می کند .

### هدف آیه ۲۵ تا ۳۷ سوره حج

(۳)

## بیان تشریح حج ابراهیمی و برخی از آداب و احکام حج

« إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَكْفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظَلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ...! »

این آیات مزاحمت و جلوگیری کفار مشرک از ورود مؤمنین به مسجد الحرام را ذکر می کند و تهدیدی که به ایشان نموده نقل می کند و اشاره ای دارد به تشریح

---

۱- المیزان ج : ۱۴ ص : ۴۸۱

۲- المیزان ج : ۱۴ ص : ۵۰۳

۳- المیزان ج : ۱۴ ص : ۵۱۵

حج خانه خدا برای اولین بار در عهد ابراهیم و ماموریت او به اینکه حج را در میان مردم اعلام بدارد و نیز پاره ای از احکام حج را بیان می کند.

### هدف آیه ۳۸ تا ۵۷ سوره حج

(۱)

#### بیان اولین اذن جهاد و آماده سازی افکار مسلمانان برای مبارزه

« إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كَلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ...! »

این آیات متضمن اذن مؤمنین به قتال با کفار است و به طوری که گفته اند: اولین آیه ای است که در باره جهاد نازل شده، چون مسلمانان مدت‌ها بود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درخواست اجازه می کردند که با مشرکین قتال کنند و حضرت به ایشان می فرمود: من مامور به قتال نشده ام و در این باب هیچ دستوری نرسیده است و تا در مکه بود همه روزه عده ای از مسلمانان نزدش می آمدند که یا کتک خورده بودند و یا زخمی شده بودند و یا شکنجه دیده بودند و در محضر آن جناب از وضع خود و ستمهایی که از مشرکین مکه و گردن کلفت های آنان می دیدند شکوه می کردند، حضرت هم ایشان را تسلیت داده، امر به صبر و انتظار فرج می کرد تا آنکه این آیات نازل شد که در آنها فرمود: « اذن للذین یقاتلون ... ! »

در این آیات صریحا کلمه اجازه آمده و علاوه در آن زمینه چینی شده و مردم را بر جهاد تهییج و دلها را تقویت و با وعده نصرت به طور اشاره و تصریح آنان را ثابت قدم نموده و رفتاری را که خدا با اقوام ستمگر گذشته نموده یاد آور شده است. همه اینها از لوازم تشریح احکام مهم و بیان و ابلاغ برای اولین بار آن است، آن هم حکم جهاد که بنای آن بر اساس فداکاری و جانبازی است و از دشوارترین احکام اجتماعی اسلام و مؤثرترین آنها در حفظ اجتماع دینی است .

آری ابلاغ چنین حکمی برای اولین بار بسیار احتیاج دارد به زمینه چینی و بسط کلام و بیدار کردن افکار، همچنانکه در همین آیات این روش به کار رفته است، چونکه اولاً- کلام را با این نکته که خدا مولای مؤمنین و مدافع ایشان است افتتاح نموده، سپس به طور صریح اجازه قتال داده و فرموده که: شما تاکنون مظلوم بودید و قتال تنها راه حفظ اجتماع صالح از ظلم ستمگران است و در این جمله ایشان را به وصف صلاحیت ستوده و آنان را شایسته و قابل برای تشکیل یک مجتمع دینی که در آن اعمال صالح عملی می شود دانسته، آنگاه رفتار خدای را نسبت به اقوام ستمگر گذشته حکایت کرده و وعده داده که به زودی انتقام ایشان را از ستمگران معاصرشان خواهد گرفت ، همانطور که از گذشتگان گرفت!

### هدف آیه ۵۸ تا ۶۶ سوره حج

(۱)

**بیان ثواب هجرت و جهاد و شهادت در راه خدا**

« وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ...! »

این آیات غرض سابق را تعقیب نموده ، ثواب کسانی را که هجرت کرده و سپس در جهاد در راه خدا کشته شدند و یا مردند بیان می کند، البته در خلال این بیان جملاتی هم در تحریک و تشویق به جهاد و در وعده نصرت آمده، مانند جمله: «ذلک و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغی علیه لینصرنه الله...!»

و این آیات خصوصیتی دارند که در هیچ جای قرآن کریم این خصوصیت نیست و آن این است که این هشت آیه که پشت سر هم قرار دارند هر یک با دو اسم از اسمای حسنای الهی ختم می شوند مگر اسم جلاله که آن نیامده است!

در نتیجه اگر ضمیر هو را هم اسم بدانیم، شانزده اسم در این هشت آیه آمده است:

۱ - هو ۲ - خیر الرازقین ۳ - عفو ۴ - غفور ۵ - سمیع ۶ - بصیر ۷ - علی ۸ - کبیر ۹ - لطیف ۱۰ - خبیر ۱۱ - غنی ۱۲ - حمید ۱۳ - رؤوف ۱۴ - رحیم ۱۵ - علیم ۱۶ - حلیم!

و در آیه نهم آمده که او زنده می کند و می میراند و نیز او حق است و ملک آسمان و زمین از او است و این در معنای چهار اسم است: محیی ، ممیت ، حق و مالک یا ملک که با این چهار اسم بیست اسم از اسمای خدای تعالی که با لطیف ترین و بی سابقه ترین وجهی در این ۹ آیه به کار رفته است.

**هدف آیه ۶۷ تا ۷۸ سوره حج**

(۲)

**دعوت مومنین به بندگی خدا، انجام عمل خیر و جهاد فی سبیل الله**

« لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعَنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ...! »

این آیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دستور می دهد به دعوت و اینکه حقایقی از دعوت خود و باطیل شرک را بیان کند، آنگاه مؤمنین را دستور می دهد به فعل خیر که خلاصه شریعت است و مراد از آن این است که خدا را بندگی نموده، عمل خیر انجام دهند و در آخر امر به جهاد در راه خدا می کند و با همین دستور سوره را ختم می نماید!

**هدف و فلسفه نزول سوره مؤمنون**

١- الميزان ج : ١٤ ص : ٥٦٣

٢- الميزان ج : ١٤ ص : ٥٧٢

(۱)

**دعوت به ایمان به خدا و روز قیامت**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ! الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ...!»

(۱ تا ۱۱/مومنون)

در این سوره بر ایمان به خدا و روز قیامت دعوت شده و فرقهایی که میان مؤمنین و کفار هست شمرده شده است. صفات پسندیده و فضائلی که در مؤمنان و رذائل اخلاقی و اعمال زشتی که در کفار هست ذکر شده و به دنبالش مژده ها و بیم ها داده که بیمهای آن متضمن ذکر عذاب آخرت و بلاهای دنیایی است.

بلاهایی که امتهای گذشته را به خاطر تکذیب دعوت حق از بین برد و منقرض ساخت و از دوران نوح علیه السلام گرفته از هر امتی نمونه ای ذکر کرده، تا به عیسی علیه السلام رسیده است.

**هدف آیه ۱۲ تا ۲۲ سوره مؤمنون**

(۲)

**شرح خلقت و تدبیر امور انسان و نعمت های اعطائی خدا به او**

« وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلْمٍ مِّنْ طِينٍ...! »

بعد از آنکه خدای سبحان رستگاری مؤمنین را به خاطر اوصافی که دارند بیان فرمود، به شرح خلقتشان و نعمت هایی که به آنان ارزانی داشته که چگونه تدبیر امورشان را کرده و تدبیر خود را با خلقت خود توأم ساخته، می پردازد تا معلوم شود اوست رب انسان و رب هر موجود دیگر و بر همه واجب است که تنها او را بپرستند و شریکی برایش نگیرند!

**هدف آیه ۲۳ تا ۵۴ سوره مؤمنون**

(۳)

**دعوت بشر به توحید در عبادت از طریق رسالت**

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ...! »

خدای عز و جل بعد از آنکه نعمتهای بزرگ خود را برای مردم برمی شمرد به دنبال آن در این آیات بشر را دعوت می کند به توحید در عبادت، آنهم از طریق رسالت و در ضمن اجمالی از طرز دعوت انبیاء از زمان نوح تا عیسی بن مریم

---

١- الميزان ج : ١٥ ص : ٣

٢- الميزان ج : ١٥ ص : ٢٢

٣- الميزان ج : ١٥ ص : ٣٢



علیهماالسلام را نقل کرده، ولی نام یک یک آنان را نبرده، تنها نام نوح که اولین قیام کننده بود دعوت به توحید است و نام موسی و عیسی علیهماالسلام را که آخرین ایشانند برده و نام بقیه را مبهم گذاشته است.

چیزی که هست خاطر نشان کرده که دعوت انبیا متصل به هم بوده و پشت سر هم قرار داشته و نیز فرموده که مردم جز به کفر اجابت نکردند و جز به انکار آیات خدا و کفران نعمت های او عکس العمل نشان ندادند!

### هدف آیه ۵۵ تا ۷۷ سوره مؤمنون

(۱)

#### بیان مکر الهی در متنعم ساختن توانگران مترف و نزول ناگهانی عذاب

« أَيْحَسِبُونَ أَنَّمَا نُنَادُهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَ...! »

این آیات متصل به جمله ای است که در آخر آیات قبل بود و می فرمود: «فذرهم فی غمرتهم حتی حین!» و وجه اتصال این است که بعد از آنکه در دنباله داستان انبیاء فرمود دین خدا یکی بود و مردم آن را پاره پاره نموده و هر جمعیتی به داشتن یک قسمت از آن خوشحال شدند و آنگاه ایشان را تهدید به عذاب معینی کرد که پس از رسیدن آن مدت معین هیچ گریزی از آن نیست و اخطار فرمود که در همان غمرات جهل خود، به هر طور که می خواهند خود را آماده عذاب بکنند، که به زودی آنان را از همه اطراف فرا خواهد گرفت.

اینک در این آیات ایشان را به اشتباهی که داشته اند متنبه نموده و می فرماید: اگر ما در مال و اولاد به ایشان توسعه دادیم، خیال نکنند که خواسته ایم خیر ایشان را زودتر به ایشان برسانیم، چون اگر خیر بود، توانگران و مترفین ایشان را به عذاب خود دچار نمی کردیم، بلکه این عمل ما، برای بیشتر عذاب کردن ایشان است. طرف مقابل آنها مومنون هستند و مسارعت در خیرات آن اعمال صالحی است که خداوند به مؤمنین توفیق انجام آن را داده است و نیز ثمرات آن است که همان اجر جزیل و ثواب عظیم در دنیا و آخرت است در نتیجه مؤمنین در اعمال صالح سرعت می گیرند و خدا هم در فراهم نمودن اسباب برای آنان سرعت می گیرد.

### هدف آیه ۷۸ تا ۹۸ سوره مؤمنون

(۲)المیزان ج: ۱۵ ص: ۷۳(۳)

#### اقامه حجت بر توحید خدا در ربوبیت و بازگشت خلق بسوی او

« وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ...! »

بعد از آنکه کفار را به عذاب شدیدی بیم داد که مفری از آن نیست و همه عذرهای آنان را که ممکن بود بدان اعتذار جویند رد نمود و بیان نمود که تنها سبب

---

۱-المیزان ج : ۱۵ ص : ۵۰

-۲

-۳

کفر ایشان به خدا و روز قیامت پیروی هوای نفس و کراهت پیروی از حق است، اینک در این فصل از آیات همان بیان را با اقامه حجت بر توحید خدا در ربوبیت و بر بازگشت خلق به سوی او و ارائه آیاتی روشن و غیر قابل انکار تتمیم فرموده است.

پس از آن، به رسولش اعلام می‌دارد که به خدا پناه ببرد از اینکه مشمول آن عذاب‌هایی گردد که کفار از آن بیم داده شده‌اند و نیز از وسوسه شیطانها و اینکه به سر وقت او آیند همانطور که به سر وقت کفار رفتند، به خدا پناه برد!

### هدف آیه ۹۹ تا ۱۱۸ سوره مؤمنون

(۱)

#### بیان تفصیلی عذاب آخرتی مشرکین و رستگاری وارثان بهشت

« حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ...! »

این آیات عذاب آخرتی را که در خلال آیات قبل به مشرکین وعده داد به طور مفصل بیان می‌کند و آغاز آن را از روز مرگ تا قیامت و از قیامت تا ابدیت معرفی می‌کند و این معنا را خاطر نشان می‌سازد که زندگی دنیا که ایشان را مغرور کرده و از آخرت باز داشته، بسیار ناچیز و اندک است (اگر بخواهند بفهمند!) و در آخر این آیات که آخر سوره است سوره را با خطایی به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ختم می‌کند و در آن خطاب به وی دستور می‌دهد که از او درخواست کند همان چیزی را که خودش از بندگان مؤمن خود و رستگاران در آخرت حکایت کرده بود و آن این بود که گفتند: «رب اغفر وارحم و انت خیر الراحمین - پروردگارا بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگان هستی!» اتفاقاً سوره را هم با مساله رستگاری همین طائفه افتتاح کرده و فرموده بود که اینها وارث بهشتند!

### هدف و فلسفه نزول سوره نور

(۲)

#### بیان پاره ای از احکام تشریح شده و معارف الهی مناسب با آنها

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سوره أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ...! » (تا ۱۰/نور)

غرض این سوره همان است که سوره با آن افتتاح شده و آن بیان پاره ای از احکام تشریح شده و سپس پاره ای از معارف الهی مناسب با آن احکام است، معارفی

که مایه تذکر مؤمنین می شود .

### هدف آیه ۱۱ تا ۲۶ سوره نور

(۱)

#### بیان ماجرای افک : نهمت به خانواده پیامبر

« إِنَّ الَّذِينَ حَيَّوْا بِالْأَفْكَ عَصَبَهُ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات به داستان افک اشاره می کند. از آیات بر می آید که به بعضی از خانواده رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نسبت فحشاء دادند و نسبت دهندگان چند نفر بوده و داستان را در میان مردم منتشر کرده و دست به دست گردانده اند و نیز به دست می آید که بعضی از منافقین یا بیماردلان در اشاعه این داستان کمک کرده اند ، چون به طور کلی اشاعه فحشاء در میان مؤمنین را دوست می داشتند و لذا خدا این آیات را نازل کرده و از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دفاع فرمود .

### هدف آیه ۲۷ تا ۳۴ سوره نور

(۲)

#### بیان برخی روابط و قوانین خانواده

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ...! »

در این آیات احکام و شرایعی که متناسب و مناسب با مطالب گذشته است تشریح شده است.

### هدف آیه ۳۵ تا ۴۶ سوره نور

(۳)

#### بیان نور الهی و نور معرفت خاص مؤمنین

« اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهِ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجٍ الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ! »

این آیات متضمن مقایسه مؤمنین به حقیقت ایمان با کفار است، مؤمنین را به داشتن این امتیازات معرفی می کند که به وسیله

اعمال صالح هدایت یافته و به نوری از ناحیه پروردگارشان راه یافته اند که ثمره اش معرفت خدای سبحان و سلوک و راه یابی به بهترین پاداش و نیز به فضل خدای تعالی است، در روزی که پرده از روی دلها و دیده هایشان کنار می رود .

به خلاف کفار که اعمالشان ایشان را جز به سرابی بدون حقیقت راه نمی نماید و در ظلماتی چند طبقه و بعضی روی بعض قرار دارند و خدا برای آنان

---

۱- المیزان ج : ۱۵ ص : ۱۲۵

۲- المیزان ج : ۱۵ ص : ۱۵۱

۳- المیزان ج : ۱۵ ص : ۱۶۵

نوری قرار نداده، نور دیگری هم نیست که با آن روشن شوند .

این حقیقت را به این بیان ارائه داده که خدای تعالی دارای نوری است عمومی ، که با آن آسمان و زمین نورانی شده و در نتیجه به وسیله آن نور ، در عالم وجود ، حقایقی ظهور نموده که ظاهر نبود.

و باید هم این چنین باشد، چون ظهور هر چیز اگر به وسیله چیز دیگری باشد باید آن وسیله خودش به خودی خود ظاهر باشد، تا دیگران را ظهور دهد و تنها چیزی که در عالم به ذات خود ظاهر و برای غیر خود مظهر باشد همان نور است .

پس خدای تعالی نوری است که آسمانها و زمین با اشراق او بر آنها ظهور یافته اند، همچنان که انوار حسی نیز این طورند، یعنی خود آنها ظاهرند و با تابیدن به اجسام ظلمانی و کدر، آنها را روشن می کنند، با این تفاوت که ظهور اشیاء به نور الهی عین وجود یافتن آنها است، ولی ظهور اجسام کثیف به وسیله انوار حسی غیر از اصل وجود آنها است .

در این میان نور خاصی هست که تنها مؤمنین با آن روشن می شوند و به وسیله آن به سوی اعمال صالح راه می یابند و آن نور معرفت است که دلها و دیده های مؤمنین در روزی که دلها و دیده ها زیر و رو می شود، به آن روشن می گردد و در نتیجه به سوی سعادت جاودانه خود هدایت می شوند و آنچه در دنیا برایشان غیب بود در آن روز برایشان عیان می شود .

خدای تعالی این نور را به چراغی مثل زده که در شیشه ای قرار داشته باشد و با روغن زیتونی در غایت صفا بسوزد و چون شیشه چراغ نیز صاف است، مانند کوب دری بدرخشد و صفای این با صفای آن، نور علی نور تشکیل دهد و این چراغ در خانه های عبادت آویخته باشد، خانه هایی که در آنها مردانی مؤمن، خدای را تسبیح کنند، مردانی که تجارت و بیع ایشان را از یاد پروردگارشان و از عبادت خدا باز نمی دارد!

این مثال، صفت نور معرفتی است که خدای تعالی مؤمنین را با آن گرامی داشته، نوری که دنبالش سعادت همیشگی است و کفار را از آن محروم کرده و ایشان را در ظلماتی قرار داده که هیچ نمی بینند .

این آیات چنان نیست که به کلی با آیات قبلی اجنبی باشد، بلکه وجه اتصالی با آنها دارد، چون آیات قبل که احکام و شرایع را بیان می کرد بدینجا خاتمه یافت که: «و لقد انزلنا الیکم آیات مبینات و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم و موعظه للمتقین!» که در آن گفتگو از بیان شد و معلوم است که بیان به معنای اظهار حقایق

معارف و در نتیجه تنویری است الهی .

علاوه بر این در آیه مذکور کلمه آیات آمده بود و آیات همان قرآن است که خدای تعالی در چند جا آن را نور خوانده، مانند آیه: «وانزلنا الیکم نورا مبینا!»

### هدف آیه ۴۷ تا ۵۷ سوره نور

(۱)

#### بیان وجوب اطاعت خدا و اطاعت رسول الله «ص»

« وَ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ...! »

این آیات وجوب اطاعت خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می کند و می فهماند که اطاعت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از اطاعت خدا جدا نیست و بر هر مسلمان واجب است که به حکم و قضای او تن در دهد، که روگردانی از حکم و قضای او نفاق است و در آخر صالحان از مؤمنین را وعده جمیل و کفار را تهدید و بیم می دهد .

### هدف آیه ۵۸ تا ۶۴ سوره نور

(۲)

#### بیان احکام رفتار در خانواده و اجتماع و با رسول خدا «ص»

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَنِدِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّنْ قَبْلِ صَلَوةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَوةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ...! »

این آیات بقیه احکامی که گفتیم در این سوره آمده بیان می کند و سوره با همین آیات ختم می شود و در آن اشاره است به اینکه خدای سبحان آنچه تشریح می کند به علم خود می کند و به زودی حقیقت ( و مصالح واقعی احکامش) برای مردم در روزی که به سویس باز می گردند روشن می شود!

### هدف و فلسفه نزول سوره فرقان

(۳)

#### بیان حق بودن دعوت رسول الله و فرقان نازل شده بر او

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ

---

١- الميزان ج : ١٥ ص : ١٩٩

٢- الميزان ج : ١٥ ص : ٢٢٤

٣- الميزان ج : ١٥ ص : ٢٣٧



نَذِيرًا! الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا! وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ وَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُورًا!  
( ( ۳۱ تا ۳۹ / فرقان ) )

غرض این سوره بیان این حقیقت است که دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعوتی است حق و ناشی از رسالتی از جانب خدای تعالی و کتابی نازل شده از ناحیه او و نیز در این سوره چند نوبت پشت سر هم ایرادهایی که کفار بر نبوت آن جناب از ناحیه خدا و بر نازل بودن کتابش از جانب خدا کرده اند، دفع شده و در این دفع عنایتی بالغ به کار رفته است.

و چون بیان این غرض مستلزم احتجاج بر مساله توحید و نفی شریک و بیان پاره ای از اوصاف قیامت و صفات پسندیده ای از مؤمنین بود، لذا به این مسائل نیز پرداخته، ولی همه این بیانات را با لحن انذار و تخویف ایفاء نمود، نه تبشیر و تشویق .

### هدف آیه ۴ تا ۲۰ سوره فرقان

(۱)

#### بیان طعنه های مشرکین به رسول الله درباره قرآن و پاسخ آنها

« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاهُ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا...! »

این آیات طعنه هایی را که مشرکین به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و درباره قرآن کریم زده اند حکایت نموده، جواب می دهد.

### هدف آیه ۲۱ تا ۳۱ سوره فرقان

(۲)

#### رد اعتراضات مشرکین به رسالت رسول الله و ارتباطش با فرشته وحی

« وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَزَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا...! »

این آیات اعتراض دیگری را از مشرکین بر رسالت رسول حکایت نموده که خواسته اند با آن اعتراض، رسالت وی را رد کنند و حاصل اعتراضشان این است که اگر ممکن باشد که از جنس بشر بدان جهت که بشر است شخصی رسول شود و ملائکه بر او وحی خدای سبحان بیاورد و رسول خدا را ببیند و با او از راه وحی سخن بگوید، باید سایر افراد بشر نیز بدان جهت که بشرند دارای این خصایص بگردند، پس اگر آنچه او ادعاء می کند حق باشد باید ما و یا بعضی از ما نیز مانند او باشیم، آنچه را او مدعی دیدنش است ببینیم و آنچه او درک می کند ما نیز درک بکنیم .

خدای سبحان چنین پاسخ داده که به زودی ملائکه را خواهند دید، ولی نه

---

۱-المیزان ج : ۱۵ ص : ۲۴۶

۲-المیزان ج : ۱۵ ص : ۲۷۱

در این نشاء بلکه در نشاء ای دیگر! و این جواب در معنای آیه: «ما نزل الملائكة الا بالحق و ما كانوا اذا منظرين!» می باشد و در این آیات اشاره به مابعد از مرگ و به روز قیامت است.

### هدف آیه ۳۲ تا ۴۰ سوره فرقان

(۱)

### رد اعتراض کفار بر نزول تدریجی قرآن

« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً...! »

در این آیات، طعنه دیگری که کفار به قرآن کریم زده اند نقل شده و آن این است که چرا قرآن یکباره نازل نشد؟ و از آن پاسخ داده شده است.

### هدف آیه ۴۱ تا ۶۲ سوره فرقان

(۲)

### بیان صفات کفار معترض به کتاب و رسالت رسول الله «ص»

« وَ إِذَا رَأَوْكَ إِذَا يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًّا أ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا...! »

این آیات پاره ای از صفات کفار نامبرده را که به کتاب و رسالت طعنه می زدند و منکر توحید و معاد بودند بر می شمارد، البته آن صفاتی که با سنخ اعتراضات و بی اندیشه سخن گفتن آنها تناسب دارد، مانند استهزاء به رسول و پیروی از هوای نفس و پرستش چیزهایی که سود و زیانی برایشان نداشت و نیز استکبارشان از سجده برای خدای سبحان .

### هدف آیه ۶۳ تا ۷۷ سوره فرقان

(۳)

### ارائه شرحی از صفات برجسته عباد الرحمن

« وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا...! »

این آیات صفات برجسته و ستوده ای از مؤمنین را در مقابل صفات ناستوده ای که برای کفار شمرده بر می شمارد، که جامع آن صفات در مؤمنین این است که: مؤمنین پروردگار خود را می خوانند و پیامبر او و کتابی را که او بر آن پیامبر نازل کرده تصدیق می نمایند و خلاف آن صفات در کفار این است که: کفار رسالت پیامبر خدای را تکذیب می کنند و از دعوت او

اعراض می نمایند و پیرو هوای نفس می شوند و به همین مناسبت آیات مورد بحث با آیه: «قل ما یعبؤا بکم ربی لو لا دعاؤکم فقد کذبتم فسوف یكون لزاما!» ختم می شود که ختم سوره نیز هست.

### هدف و فلسفه نزول سوره شعراء

---

۱- المیزان ج : ۱۵ ص : ۲۸۷

۲- المیزان ج : ۱۵ ص : ۳۰۵

۳- المیزان ج : ۱۵ ص : ۳۲۹

(۱)

**دل‌داری رسول الله و بیان عاقبت تکذیب کنندگان آنحضرت**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! طَسْم! تَلَّكَ ءَايَةُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ! لَعَلَّكَ بَخِجٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ...! » (۹ تا ۱۰/شعرا)

غرض از این سوره، تسلیت خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است از اینکه قومش او را و قرآن نازل بر او را تکذیب کرده بودند و او آزرده شده بود و همین معنا از اولین آیه آن که می فرماید: «تلك آيات الكتاب المبين!» بر می آید .

آری کفار قریش یک بار او را مجنون خواندند، بار دیگر شاعر و این آیات علاوه بر تسلیت خاطر آن جناب، مشرکین را تهدید می کند به سرنوشت اقوام گذشته و به این منظور چند داستان از اقوام انبیای گذشته یعنی موسی و ابراهیم و نوح و هود و صالح و لوط و شعیب علیهما السلام و سرنوشتی که با آن روبرو شدند و کیفری که در برابر تکذیب خود دیدند نقل کرده است تا آن جناب از تکذیب قوم خود دل سرد و غمناک نگردد و نیز قوم آن جناب از شنیدن سرگذشت اقوام گذشته عبرت بگیرند .

این سوره از سوره های پیشین مکی است، یعنی از آنهایی است که در اوایل بعثت نازل شده به شهادت آیه: « و انذر عشیرتک الأقرین! » که می دانیم مشتمل بر ماموریت آن جناب در اول بعثت است و در این سوره واقع است و چه بسا از قرار گرفتن آیه مزبور در این سوره و آیه: « فاصدع بما تؤمر! » در سوره حجر و مقایسه مضمون آن دو با یکدیگر تخمین زده شود که این سوره جلوتر از سوره حجر نازل شده است .

**هدف آیه ۱۰ تا ۶۸ سوره شعرا**

(۲)

**بیان سرانجام اقوام انبیاء گذشته برای تقویت روحی رسول الله «ص»**

« وَ إِذِ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ...! »

در این آیات به داستانهایی از اقوام انبیای گذشته شروع کرده تا روشن شود

۱- المیزان ج : ۱۵ ص : ۳۴۵

۲- المیزان ج : ۱۵ ص : ۳۵۴

که قوم خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وسلم نیز همان راهی را می روند که قوم موسی و هارون و ابراهیم و نوح و هود و صالح و لوط و شعیب رفته بودند و به زودی راه اینان نیز به همان سرنوشتی منتهی می شود که آن اقوام دیگر بدان مبتلا شدند، یعنی بیشترشان ایمان نمی آورند و خدا ایشان را به عقوبت دنیایی و آخرتی می گیرد .

دلیل بر اینکه آیات در مقام به دست دادن چنین نتیجه ای است این است که در آخر هر داستانی می فرماید: «و ما کان اکثرهم مؤمنین! و ان ربک لهُوَ العزیز الرحیم!» همچنان که در داستان خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وسلم بعد از ختم کلام و حکایت اعراض قومش در آغاز سوره فرمود: «و ما کان...!» پس معلوم می شود که آیات در مقام تطبیق داستانی بر داستان دیگر است .

و همه برای این است که خاطر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم تسلیت یافته، حوصله اش از تکذیب قومش سر نرود و بداند که تکذیب قوم او امری نو ظهور و تازه نیست بلکه همه اقوام انبیای گذشته نیز همین رفتار را داشتند و از قوم خود انتظاری جز آنچه امتهای گذشته در مقابل انبیای خود داشتند نداشته باشد!

و در ضمن، قوم آن جناب را هم تهدید می کند به سرنوشتی که امتهای گذشته به خاطر تکذیب پیغمبرشان دچار شدند. مؤید این معنا این است که در آغاز نقل داستان ابراهیم علیه السلام فرمود: «و اتل علیهم نبا ابراهیم - داستان ابراهیم را بر ایشان بخوان!»

### هدف آیه ۶۹ تا ۱۰۴ سوره شعرا

(۱)

#### بیان قیام و دعوت ابراهیم «ع» و تکذیب قومش

« وَ اتلَ عَلَیْهِمْ نَبَأَ اِبْرٰهٖمَ...! »

این آیات بعد از پایان دادن به داستان موسی علیه السلام به مهمترین خبر مربوط به ابراهیم علیه السلام اشاره می کند، که با فطرت سالم و پاک خود علیه قومش که همگی به اتفاق کلمه بت می پرستیدند، به حمایت از دین توحید و پرستش خدای سبحان قیام نموده، از مردم و وطنش بیزاری جست و از دین حق دفاع نمود و گذشت بر او آنچه که گذشت، که همه آیت و معجزه بود، ولی بیشتر قوم او نیز ایمان نیاوردند، که در آخر آیات مورد بحث بدان اشاره می فرماید .

### هدف آیه ۱۰۵ تا ۱۲۲ سوره شعرا

(۲)

#### بیان اجمالی از دعوت و مبارزات نوح «ع» و انجام کار قوم او

« كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ...! »

این آیات بعد از داستان موسی و ابراهیم «ع» که دو نفر از پیامبران اولو العزم

---

۱- المیزان ج : ۱۵ ص : ۳۸۹

۲- المیزان ج : ۱۵ ص : ۴۱۲

بودند، شروع می کند به داستان نوح که اولین پیامبر اولوالعزم و از بزرگان انبیاء است و اجمال آنچه بین آن جناب و قومش گذشته، نقل می کند که در آخر به نجات نوح و همراهانش و غرق اکثر مردم انجامیده است!

### هدف آیه ۱۲۳ تا ۱۴۰ سوره شعرا

(۱)

#### بیان انجام کار قوم عاد و کیفر تکذیب انبیاء

« كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ...! »

این آیات به داستان هود علیه السلام و قومش که همان قوم عاد بودند اشاره می کند. قوم عاد مردمی از عرب بسیار قدیم و عرب اوائل (یعنی اوائل پیدایش این نژاد) بودند، که در احقاف از جزیره العرب زندگی می کردند و دارای تمدنی متری و سرزمینهایی خرم و دیاری معمور بودند، به جرم اینکه پیامبران را تکذیب کرده، به نعمتهای الهی کفران ورزیده و طغیان کردند، خدای تعالی به وسیله بادی عقیم هلاکشان ساخته و دیارشان را ویران و دودمانشان را خراب کرد.

### هدف آیه ۱۴۱ تا ۱۵۹ سوره شعرا

(۲)

#### بیان اجمالی از سرگذشت قوم ثمود و نابودی آنان

« كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ...! »

این آیات به اجمال به داستان صالح علیه السلام و قومش اشاره می کند و صالح نیز یکی از انبیای عرب است، که قرآن کریم تاریخ او را بعد از هود می داند.

### هدف آیه ۱۶۰ تا ۱۷۵ سوره شعرا

(۳)

#### بیان نابودی قوم لوط

« كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ...! »

این آیات به داستان لوط پیغمبر علیه السلام که بعد از صالح علیه السلام می زیسته اشاره می کند.



## هدف آیه ۱۷۶ تا ۱۹۱ سوره شعرا

(۴)

### بیان دعوت حضرت شعیب و انجام کار قوم او ( اصحاب ایکه )

« كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ!...! »

در این آیات، اجمالی از داستان شعیب علیه السلام که یکی از پیامبران عرب است ذکر کرده و این داستان آخری از هفت داستانی است که در این سوره آمده است.

## هدف آیه ۱۹۲ تا ۲۲۷ سوره شعرا

۱- میزان ج : ۱۵ ص : ۴۱۹

۲- میزان ج : ۱۵ ص : ۴۲۷

۳- میزان ج : ۱۵ ص : ۴۳۴

۴- میزان ج : ۱۵ ص : ۴۳۹

(۱)

**نتیجه گیری از سرگذشت اقوام گذشته و دفاع از کتاب و پیامبر خدا**

« وَ إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ...! »

این آیات به مطالبی اشاره می کند که به منزله نتیجه ای است که از داستانهای هفتگانه استخراج شود و هم توبیخ و تهدیدی است برای کفار عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم!

و نیز در این آیات از نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دفاع شده و احتجاج شده به اینکه نام او در کتابهای آسمانی گذشتگان برده شده و علمای بنی اسرائیل از آن پیشگوئیهها اطلاع دارند و نیز از کتاب آسمانی آن جناب، یعنی قرآن کریم دفاع شده به اینکه: این کتاب از القآت شیطانها و اقاویل شعراء نیست .

**هدف و فلسفه نزول سوره نمل**

(۲)

**بشارت و انداز مردم با ذکر داستانهای انبیاء**

ذکر معارف مربوط به توحید در ربوبیت و معاد

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! طس! تِلْكَ آيَةُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُّبِينٍ! هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ...! » (۱ تا ۶/نمل)

بطوری که از آیات صدر سوره و پنج آیه آخر آن بر می آید غرض این سوره این است که مردم را بشارت و انداز دهد و به همین منظور، مختصری از داستان های موسی، داود، سلیمان، صالح و لوط علیهما السلام را به عنوان شاهد ذکر نموده و در دنبال آن پاره ای از اصول معارف مانند وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و مانند معاد را ذکر نموده است .

**هدف آیه ۷ تا ۱۴ سوره نمل**

(۳)

**بیان آغاز رسالت موسی و اعزام او به سوی فرعون**

« إِذْ قَالَ مُوسَى لَأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَتِ كَيْفَ مِنْهَا بَخِيرٌ أَوْ آتِيكُمْ بِشَهَابٍ مِّنْ سَمَوَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ...! »

٢- الميزان ج : ١٥ ص : ٤٨٠

٣- الميزان ج : ١٥ ص : ٤٨٤

این آیات، ابتدای داستانهای پنجگانه ای است که گفتیم در این سوره به عنوان استشهاد برای مطالب صدر سوره از قبیل تبشیر و اندازی که در آنها ذکر می کند می باشد و در سه داستان اول از آن پنج داستان یعنی در داستان موسی و داوود و سلیمان، جهت وعده را بر جهت وعید غلبه داده و در دوتای دیگر جانب وعید، بیشتر رعایت شده است.

### هدف آیه ۱۵ تا ۴۴ سوره نمل

(۱)

#### بیان نبوت داود و سلیمان و عجایب سلطنت سلیمان

« وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ...! »

این آیات پاره ای از داستانهای داوود و سلیمان «ع» را بیان می نماید و عجایی از اخبار سلیمان و سلطنتی که خدا به وی داده بود نیز ذکر می کند.

### هدف آیه ۴۵ تا ۵۳ سوره نمل

(۲)

#### یادآوری نابودی قوم ثمود

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ...! »

این چند آیه، اجمالی از داستان صالح پیغمبر و قومش را آورده و در آن جانب تهدید و انداز بر جانب بشارت و نوید غلبه دارد و این معنا را در سابق نیز، خاطر نشان کردیم.

### هدف آیه ۵۹ تا ۸۱ سوره نمل

(۳)

#### بیان اکرام بندگان برگزیده الهی و حق ربوبیت خدای تعالی

« قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَّمَ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ءَاللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ...! »

در این آیات از داستانهایی که خدای سبحان به منظور ارائه نمونه ای از سنت جاری و رایج خود در نوع بشر از نظر هدایت قبلا- ذکر کرده بود که: چگونه راه سعادت را به ایشان نشان می داده و راه یافتگان از ایشان به سوی صراط مستقیم را با رساندن به مقام اصطفاء و با نعمتهایی عظیم، گرامی می داشته و آنان را که به وی شرک می ورزیدند و از یاد او اعراض می

کردند به عذاب انقراض و بلاهایی الم انگیز مبتلا می کرده است، منتقل شده به حمد و سلام بر بندگان مصطفایش، آن بندگان که به مقام اصطفاء رسیدند، منتقل است به بیان این نکته که: تنها ذات اقدس او مستحق عبودیت است، نه غیر او از خدایانی که شریکش کردند.

آنگاه دنباله کلام را به مساله توحید و اثبات معاد و آنچه مناسب آن از معارف

---

۱- المیزان ج : ۱۵ ص : ۴۹۲

۲- المیزان ج : ۱۵ ص : ۵۳۰

۳- المیزان ج : ۱۵ ص : ۵۳۹

حقه گوناگون است کشانده است. پس می توان گفت: سیاق آیات این سوره، شبیه به سیاق آیات سوره مریم است، که بیانش در همانجا آمده است.

### هدف آیه ۸۲ تا ۹۳ سوره نمل

(۱)

#### بیان مسئله بعث و وقایع قیامت و حوادث قبل از قیامت

« وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ...! »

این آیات فصل سابق را تمام می کند و به مساله بعث و پاره ای از ملحقات به آن، از قبیل اموری که در قیامت و قبل از قیامت رخ می دهد اشاره می کند و سوره را با همان مطلبی ختم می نماید که با آن آغاز شده بود و آن مساله انذار و بشارت است!

### هدف و فلسفه نزول سوره قصص

(۲)

#### بیان جانشین کردن مستضعفین زمین به جای مستکبرین

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم! تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ! تَتْلُوهُ عَلَيْهِمْ كَمَنْ نَّبَأِ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ...! » (۱ تا ۳/قصص)

غرض این سوره وعده جمیل به مؤمنین است، مؤمنینی که در مکه قبل از هجرت به مدینه عده اندکی بودند که مشرکین و فراعنه قریش ایشان را ضعیف و ناچیز می شمردند و اقلیتی که در مکه در بین این طاغیان در سخت ترین شرایط به سر می بردند و فتنه ها و شداید سختی را پشت سر می گذاشتند، خدای تعالی در این سوره به ایشان وعده می دهد که به زودی بر آنان منت نهاده و پیشوایان مردم قرارشان می دهد و آنان را وارث همین فراعنه می کند و در زمین مکتشان می دهد و به طاغیان قومشان آنچه را که از آن بیم داشتند نشان می دهد .

به همین منظور برای این مؤمنین این قسمت از داستان موسی و فرعون را خاطر نشان می سازد که موسی را در شرایطی خلق کرد که فرعون در اوج قدرت بود و بنی اسرائیل را خوار و زیر دست کرده بود که پسر بیچه هایشان را می کشت و زنانشان را زنده می گذاشت، آری خداوند در چنین شرایطی موسی را آفرید و مهم تر آنکه او را در دامن دشمنش یعنی خود فرعون پرورش داد، تا وقتی که به حد رشد رسید، آنگاه او



را از شر فرعون نجات داد و از بین فرعونیان به سوی مدین روانه اش نمود و پس از مدتی به عنوان رسالت دوباره به سوی ایشان بر گردانید، با معجزاتی آشکار تا آنکه فرعون و لشکریانش تا آخرین نفر را غرق کرده و بنی اسرائیل را وارث آنان نمود و تورات را بر موسی نازل فرمود، تا هدایت و بصیرت برای مؤمنین باشد.

و عین همین سنت را در میان مؤمنین به اسلام جاری خواهد کرد و ایشان را به ملک و عزت و سلطنت خواهد رسانید و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دوباره به وطن باز خواهد گردانید.

آنگاه از این داستان منتقل می شود به بیان این که در حکمت خدا لازم است که از جانب خودش کتابی نازل کند، تا دعوت حق آن جناب نیز کتاب داشته باشد!

### هدف آیه ۱۵ تا ۲۱ سوره قصص

(۱)

#### بیان آمدن موسی «ع» از قصر فرعون به شهر و اتفاقات منجر به فرار او

« وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاذَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ...! »

این آیات فصل دوم از داستان موسی علیه السلام را بیان می کند و در آن، قسمتی از حوادث را که بعد از رسیدنش به حد بلوغ پیش آمده و به بیرون شدنش از مصر و رفتنش به سوی مدین انجامید، ذکر می فرماید.

### هدف آیه ۲۲ تا ۲۸ سوره قصص

(۲)

#### بیان خروج موسی «ع» از مصر تا ازدواج با دختر شعیب «ع»

« وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ...! »

این آیات فصل سوم از داستان موسی علیه السلام است، در این داستان بیرون شدنش از مصر به طرف مدین را آورده که بعد از کشتن قبطی از ترس فرعون رهسپار آنجا شد و در آنجا با دختر پیرمردی کهن سال ازدواج کرد و در قرآن کریم نام آن پیرمرد نیامده، لیکن در روایات امامان اهل بیت علیهم السلام و پاره ای از روایات اهل سنت آمده که او شعیب، پیغمبر مدین بوده است.

### هدف آیه ۲۹ تا ۴۲ سوره قصص



**بيان بعث موسى «ع» و مبارزه او با فرعون ونزول تورات**

« فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ...! »

١- الميزان ج : ١٦ ص : ٢٠

٢- الميزان ج : ١٦ ص : ٣١

٣- الميزان ج : ١٦ ص : ٤١

آیات فصل دیگری از داستان موسی علیه السلام است که در آن، اجمالی از حرکت آن جناب با خانواده اش از مدین به طرف مصر و مبعوث شدنش به رسالت به سوی فرعون و قوم او، برای نجات دادن بنی اسرائیل و تکذیب آنان رسالت وی را و سرانجام غرق شدنشان را در دریا آورده، تا آنکه در آخر داستانش منتهی می شود به نزول تورات، که گویا منظور از بیان قصه همین قسمت آخر است.

### هدف آیه ۴۳ تا ۵۶ سوره قصص

(۱)

### بیان آسمانی بودن قرآن و تورات

« وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ...! »

خدای سبحان وقتی داستان موسی را بیان کرده خبر داده که: چگونه مردمی زیر دست و برده و ضعیف و زیر شکنجه فرعونیان را بر آن یاغیان خونخوار و طاغیان تبهکار پیروز کرد!

خدای سبحان بعد از ذکر این ماجرا، روی سخن را متوجه کتابهای آسمانی - که متضمن دعوت به دین توحید است و بدان وسیله حجت بر خلق تمام می شود و هم حامل تذکری برای مردم است - نموده و می فرماید: خدای سبحان تورات را که در آن بصیرتها و هدایت و رحمت برای مردم بود، بر موسی نازل کرد تا شاید از یادآوری قرون گذشته و هلاکت امت های گذشته به جرم نافرمانی ها، متذکر شوند و از نافرمانی خدا دست بردارند .

و نیز قرآن را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نازل کرد و در آن داستانها از موسی بیاورد، تا با نقل کردن آن انداز کند مردمی را که قبل از او نذیر نداشتند، چون به خاطر کفرشان و فسوقشان در معرض نزول عذاب و گرفتار شدن به مصیبت قرار گرفته بودند و اگر این کتاب را نازل نمی کرد و دعوت را ابلاغ نمی کرد، هر آینه آن وقت می گفتند: « پروردگارا چرا رسولی به سوی ما نفرستادی ، تا آیات تو را پیروی کنیم! » و حجت ایشان علیه خدا تمام بود .

### هدف آیه ۵۷ تا ۷۵ سوره قصص

(۲)

### رد عذرهای مشرکین در ایمان نیاوردن به قرآن

« وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجِئِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ ءِ رِزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَ لَكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ...! »

این آیات عذر دیگر از بهانه های مشرکین مکه را در ایمان نیاوردن به کتاب خدا بیان می کند!

---

۱- المیزان ج : ۱۶ ص : ۶۵

۲- المیزان ج : ۱۶ ص : ۸۲

خدای تعالی بعد از چند جواب در رد بهانه های مشرکین به داستان قارون اشاره می کند که زمین او را با خانه اش در خود فرو برد .

### هدف آیه ۷۶ تا ۸۴ سوره قصص

(۱)

#### بیان نابودی قارون و فرو بردن او به زمین

« إِنَّ قَرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ...! »

حال و وضع قارون درست حال و روز مشرکین را مجسم می کند و چون کفر او ، کارش را به آن عاقبت زشت کشانید، پس مشرکین نیز بترسند از اینکه مثل آنچه که بر سر قارون آمد، بر سرشان بیاید!

خدای تعالی از مال دنیا آن قدر به او روزی داده بود که سنگینی کلید گنجینه هایش مردان نیرومند را هم خسته می کرد و در اثر داشتن چنین ثروتی خیال می کرد که او خودش این ثروت را جمع آوری کرده، چون راه جمع آوری آن را می دانسته و خودش فکر بوده و حسن تدبیر داشته، این فکر او را مغرور نمود، پس از عذاب الهی ایمن و خاطر جمع شد و زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده و در زمین فساد برانگیخت، خدای تعالی هم او و خانه او را در زمین فرو برد، نه آن خوش فکری و حسن تدبیرش ، مانع از هلاکت او شد و نه آن جمعی که دورش بودند!

### هدف آیه ۸۵ تا ۸۸ سوره قصص

(۲)

#### وعده بازگشت رسول الله به مکه و پیروزی اسلام

« إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادِ قُلُوبِ رَبِّكَ أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ...! »

این چند آیه، آیات آخر این سوره است و در آن به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وعده جمیل می دهد که به زودی بر او منت نهاده و قدر و منزلتش را بلند می کند و نفوذ کلمه اش می دهد و دینش را بر سایر ادیان برتری می بخشد و امنیت و سلامتی را بر او و مؤمنین به او گسترش می دهد، همان طور که این کار را در باره موسی و بنی اسرائیل کرد و در حقیقت آیات قبل هم که داستان موسی علیه السلام را بیان می کرد برای بیان همین نکته بود.

### هدف و فلسفه نزول سوره عنکبوت

١- الميزان ج : ١٦ ص : ١٠٨

٢- الميزان ج : ١٦ ص : ١٢٧

**هدف حقیقت ایمان است!**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَلَمْ أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ...! » (۱۳ تا ۱۴/ عنكبوت)

غرض سوره عنكبوت به طوری که از اول و آخرش و سیاق جاری در سراسرش استفاده می شود، این است که: غرض خدای تعالی از ایمان مردم تنها این نیست که به زبان بگویند ایمان آوردیم، بلکه غرض، حقیقت ایمان است که تندباد فتنه ها آن را تکان نمی دهد و دگرگونی حوادث، دگرگونش نمی سازد، بلکه هر چه فتنه ها بیشتر فشار بیاورد، پا بر جا و ریشه دارتر می گردد.

پس غرض سوره اعلام این معنا است که مردم خیال نکنند به صرف اینکه بگویند ایمان آوردیم دست از سرشان برمی دارند و در بوته آزمایش قرار نمی گیرند، نه، بلکه حتما امتحان می شوند، تا آنچه در دل نهان دارند ظاهر شود و معلوم شود ایمان است یا کفر: پس خدا حتما باید معلوم کند آن کسانی را که در دعوی ایمان راست می گویند و آنهایی که در این دعوی دروغگویند.

پس فتنه و محنت یکی از سنت های الهی است که به هیچ وجه و در باره هیچ کس از آن گذشت نمی شود، همان طور که در امت های گذشته از قبیل قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم، لوط، شعیب و موسی جریان یافت و جمعی استقامت ورزیده و جمعی دیگر هلاک شدند و در امت های حاضر و آینده نیز جریان خواهد داشت و خدا به کسی ظلم نکرده و نمی کند، این خود امت ها و اشخاصند که به خود ظلم می کنند.

**هدف آیه ۱۴ تا ۴۰ سوره عنكبوت****بیان اجرای سنت الهی در نابودی امتها و جوامع فاسد**

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ...! »

در این آیات به هفت داستان از انبیای گذشته و امت های آنان اشاره می کند که ایشان عبارتند از: نوح، ابراهیم، لوط، شعیب، هود، صالح و موسی علیه السلام

۱- المیزان ج: ۱۶ ص: ۱۴۳

۲- المیزان ج: ۱۶ ص: ۱۶۶

که خدای تعالی همه امت های آنان را با فتنه هایی که برایشان پیش آورد، بیازمود، جمعی از آنان نجات یافته و جمعی دیگر هلاک شدند، چیزی که هست در باره سه امت اول، هم نجات را ذکر کرده و هم هلاکت را و در باره چهار امت آخری تنها هلاکت را ذکر فرموده است.

### هدف آیه ۴۱ تا ۵۵ سوره عنکبوت

(۱)

#### نتیجه گیری از بیان سرگذشت امتهای هلاک شده تاریخ

« مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ...! »

این آیات متضمن دنباله ای است برای داستانهایی که از امت های سابق نقل فرمود و آن مثلی است که خدای سبحان برای معبودهای موهوم آنان آورده، می فرماید: اینگونه اعتقادات خرافی آنان آن قدر بی اساس و سست بنیاد است که خلقت آسمانها و زمین به بانگ بلند به فساد آن فریاد می زنند و اعلام می کنند که بغیر از خدا ولی و سرپرستی ندارند و این اعلام عالم خلقت همان است که این کتاب کریم اعلام می دارد .

### هدف آیه ۵۶ تا ۶۰ سوره عنکبوت

(۲)

#### بیان حفظ دین با مهاجرت و اعتماد به روزی رسانی خدا

« يَجَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ...! »

در این آیات روی سخن را متوجه مؤمنان نمود که مشرکین آنان را در مکه ناتوان کردند و تهدید به فتنه و عذابشان نمودند، ایشان را دستور می دهد صبر کنند و بر خدای تعالی توکل کنند و اگر امر دین داری بر ایشان مشکل شد و نتوانستند در وطن واجبات دینی را اقامه کنند، از وطن چشم پوشیده مهاجرت نمایند و درباره معیشت خود نگرانی نداشته باشند، زیرا رزق همه بندگان به عهده خدا است و او روزیشان را می دهد، اگر مهاجرت بکنند، همچنان که در وطن روزیشان می داد، روزی شان را می دهد .

### هدف آیه ۶۱ تا ۶۹ سوره عنکبوت

(۳)

#### بیان حجت هائی علیه ضد و نقیض گوئی های مشرکین

« وَ لَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ...! »

در این آیات ضد و نقیض گویی های مشرکین را که در عقاید دارند و در فصل سابق صحیح آن عقاید به مؤمنین عرضه شد و به آن ایمان آورده اند، ذکر می کند.

### هدف و فلسفه نزول سوره روم

---

۱- المیزان ج : ۱۶ ص : ۱۹۱

۲- المیزان ج : ۱۶ ص : ۲۱۵

۳- المیزان ج : ۱۶ ص : ۲۲۱



(۱)

**وعدۀ دادن قطعی خدا به یاری دین و نصر مومنین**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! اَلَمْ غُلِبْتِ الرُّومُ...! » (۱۹ و ۱۰ سوره روم)

این سوره با وعده ای از خدا آغاز شده و آن این است که: به زودی امپراطوری روم که در ایام نزول این سوره از امپراطوری ایران شکست خورد، بعد از چند سال بر آن امپراطوری غلبه خواهد کرد و بعد از ذکر این وعده، منتقل می شود به وعده گاه اکبر که قیامت و یوم الوعدش گویند، روزی که تمامی افراد و اقوام در آن روز به سوی خدا باز می گردند، آنگاه به استدلال بر مساله معاد پرداخته، سپس کلام را به آیات ربوبیت معطوف می دارد و صفات خاصه خدا را بر می شمارد و در آخر، سوره را با وعده نصرت به رسول گرامی اش ختم می کند و در فرا رسیدن این وعده تاکید بلیغ نموده و می فرماید: « صبر کن که وعده خدا حق است و کسانی که یقین ندارند تو را در کارت سست نسازند! » و در چند آیه قبل نیز فرموده بود: « و کان حقا علینا نصر المؤمنین - یاری ما برای مؤمنین حقی است بر ما! »

پس معلوم شد که غرض سوره وعده دادن قطعی خدا به یاری دین است، و اگر قبل از بیان این غرض، مساله وعده غلبه روم را در چند سال بعد ذکر کرد، برای این است که مؤمنین وقتی دیدند که وعده غلبه روم عملی شد، یقین کنند که وعده دیگر خدا نیز عملی خواهد شد و نیز یقین کنند که وعده آمدن قیامت هم، مانند سایر وعده هایش عملی می شود، آری عقل هر عاقلی حکم می کند که وقتی خدای تعالی دو تا از وعده هایش را عملی کرد سایر وعده هایش نیز عملی می شود و باید از خطرهایی که وعده آن را می دهد بر حذر بود.

**هدف آیه ۲۰ تا ۲۶ سوره روم**

(۲)

**آیات دال بر وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت**

« وَ مِنْ ءَايٰتِهِ اَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَا اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْشُرُوْنَ...! »

در این فصل عده ای از آیات را که بر وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و الوهیت دلالت می کند، ذکر فرموده و در آن به امتزاج و آمیختگی خلقت با تدبیر، نیز

۱- المیزان ج : ۱۶ ص : ۲۳۰

۲- المیزان ج : ۱۶ ص : ۲۴۷

اشاره شده، تا بدین وسیله روشن گردد که ربوبیت به معنای مالکیت تدبیر و الوهیت به معنای معبود بودن به حق، مخصوص خدا است و کسی جز خدا مستحق آن نیست!

### هدف آیه ۲۷ تا ۳۹ سوره روم

(۱)

#### تعلیم روش استدلال با آیات الهی

« وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! »

در این آیات روش استدلال را از راه شمردن آیات به استدلال به صفات فعلی خدا تغییر داد، که آنها را تا آخر سوره در چهار فصل بیان می فرماید، در هر فصل چند صفت از صفات فعل که مستلزم وحدانیت خدا و معاد است، ذکر می کند.

### هدف آیه ۴۰ تا ۴۷ سوره روم

(۲)

#### تعلیم استدلال با افعال خاص به خدا

« اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شَرِكائِكُمْ مَّنْ يَفْعَلُ مِثْلَ ذَلِكَ مِّنْ شَيْءٍ سُبْحٰنَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ...! »

در این آیات با افعال خاص به خدا و به عبارتی با اسمای افعال خدا استدلال کرده بر بطلان شرکاء و نفی ربوبیت و الوهیت آنها و نیز استدلال کرده است بر مساله معاد.

### هدف آیه ۴۸ تا ۵۳ سوره روم

(۳)

#### تعلیم استدلال به اصول عقاید از راه افعال الهی

« اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنِيْرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَ يَجْعَلُهُ كِسْفًا فَيَنْزِلُ الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ...! »

این آیات سومین فصل از سوره است که از راه افعال خدای تعالی، بر اصول عقاید استدلال می کند و یا به عبارتی دیگر اسمای افعال خدا را می شمارد و غرض عمده از آن، احتجاج بر مساله معاد است!

و از آن جا که عمده انکار و لجاجت مشرکین متوجه به معاد است و انکار آن مایه لغویت احکام و شرایع است و در نتیجه مساله توحید هم لغو می شود، لذا دنبال احتجاج بر مساله معاد، رسول گرامی اش را از تاثیر دعوتش در آنان مایوس نموده و دستور می دهد تنها به دعوت کسانی بپردازد که در نفسشان استعداد ایمان و صلاحیت اسلام و تسلیم شدن در برابر حق باشد!

### هدف آیه ۵۴ تا ۶۰ سوره روم

---

۱- المیزان ج : ۱۶ ص : ۲۵۷

۲- المیزان ج : ۱۶ ص : ۲۹۰

۳- المیزان ج : ۱۶ ص : ۳۰۱

(۱)

**تعلیم استدلال به اصول عقاید از طریق افعال الهی**

« اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ...! »

این آیات فصل چهارم از آیات سوره است که از نظر مضمون نظیر آیات قبل است و سوره با آن خاتمه می یابد .

**هدف و فلسفه نزول سوره لقمان**

(۲)

**دعوت به توحید و یقین به معاد و عمل به کلیات شرایع دین**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الم ! تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ! هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ...! » (۱۱ تا ۱۱/لقمان)

غرض این سوره - به طوری که آغاز و انجام آن و نیز سیاق تمامی آیات آن اشاره می کند - دعوت به توحید و ایقان و ایمان به معاد و عمل به کلیات شرایع دین است. از ابتدای سوره پیداست که در باره بعضی از مشرکین نازل شده، که مردم را از راه خدا و شنیدن قرآن، به وسیله تبلیغاتی دروغ جلوگیری نموده، می خواستند مساله خدا و دین را از یاد مردم ببرند.

پس این سوره نازل شد تا اصول عقاید و کلیات شرایع حق را بیان نماید و در برابر احادیث سرگرم کننده آنان مقداری از داستان لقمان و مواعظش را ایراد کرده است.

**هدف آیه ۱۲ تا ۱۹ سوره لقمان**

(۳)

**بیان حکمت داده شده به لقمان**

« وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ...! »

در این آیات اشاره شده به اینکه به لقمان حکمت داده شد و چند حکمت نیز از او در اندرز به فرزندش نقل شده و در قرآن کریم جز در این سوره نامی از لقمان نیامده و اگر در این سوره آمده، به خاطر تناسبی است که داستان سراسر حکمت او با داستان خریدار لهو الحدیث داشته، چون این دو نفر در دو نقطه مقابل هم قرار دارند،

٢- الميزان ج : ١٦ ص : ٣١١

٣- الميزان ج : ١٦ ص : ٣١٩

یک فرد انسان آن قدر دانا و حکیم است که کلماتش راهنمای همه می شود و در مقابل ، فرد دیگری یافت می شود که راه خدا را مسخره می کند و برای گمراه کردن مردم این در و آن در می زند، تا لهو الحدیثی جمع آوری نماید!

### هدف آیه ۲۰ تا ۳۴ سوره لقمان

(۱)

#### بیان آیات وحدانیت خدا

« أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجِدُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ...! »

در این آیات به ما قبل داستان لقمان برگشته که آیات وحدانیت خدا و نداشتن شریک و ادله آن را ذکر نمود و بدین جا منتهی شد، که فرمود: « هذا خلق الله فارونى ما ذا خلق الذين من دونه بل الظالمون فى ضلال مبين! »

### هدف و فلسفه نزول سوره سجده

(۲)

#### بیان مبدا و معاد، اقامه برهان و دفع شبهات درباره آن

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الم! تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ...! »

(۱ تا ۱۴/سجده)

غرض این سوره بیان مبدا و معاد و اقامه برهان بر این مساله است و نیز دفع شبهه هایی که در باره این دو مساله در دلها خلجان می کند و در ضمن به مساله نبوت و کتاب نیز اشاره می نماید و امتیازی که دو گروه مؤمنین حقیقی به آیات خدا و فاسقان خارج از زی عبودیت، از یکدیگر دارند بیان می کند و نیز به دسته اول وعده ثوابی می دهد که از تصور هر متصور بیرون است و به دسته دوم وعیدی می دهد و به انتقام شدیدی تهدید می کند که عبارت است از عذاب الیم و ابدی در قیامت و عذابی کوچک تر از آن که در دنیا به زودی خواهند چشید و در آخر ، سوره را با تاکید آن وعید و دستور به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که تو نیز منتظر باش آنچنان که آنان منتظرند ، ختم می کند .

### هدف آیه ۱۵ تا ۳۰ سوره سجده

(۳)

## بيان فرق بين مومن واقعى و فاسقان

« إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا

١- الميزان ج : ١٦ ص : ٣٣٩

٢- الميزان ج : ١٦ ص : ٣٦٢

٣- الميزان ج : ١٦ ص : ٣٩٢

يَسْتَكْبِرُونَ...!»

این آیات بین مؤمنین واقعی و به حقیقت معنای ایمان و بین فاسقان و ظالمان فرق می گذارد و آثار و لوازم هر یک را بیان نموده سپس ظالمان را به عذاب دنیا تهدید می کند و رسول گرامی اش را دستور می دهد که منتظر باشد تا فتح و پیروزی فرا رسد، آنگاه سوره مورد بحث ختم می شود.

### هدف و فلسفه نزول سوره احزاب

(۱)

#### بیان معارف و احکام دین و شرح جنگهای صدراسلام

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا...! » (تا ۸/احزاب)

این سوره مشتمل است بر معارف، احکام، قصص، عبرتها و مواعظی چند و از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق و اشاره ای هم به داستان یهودیان بنی قریظه دارد.

#### هدف آیه ۹ تا ۲۷ سوره احزاب

(۲)

#### شرح جنگ خندق و مقابله با یهود بنی قریظه

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا...! »

در این آیات، داستان جنگ خندق و به دنبالش سرگذشت بنی قریظه را آورده و وجه اتصالش به ماقبل این است که در این آیات نیز در باره حفظ عهد و پیمان شکنی گفتگو شده است.

#### هدف آیه ۲۸ تا ۳۵ سوره احزاب

(۳)

#### شرح امتیازها و تنگناهای خانواده رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعِكُنَّ وَأُسْرِحُكُمْ سَرَاحًا جَمِيلًا...! »



این آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است که اولاً به ایشان تذکر دهد که از دنیا و زینت آن جز عفت و رزق کفاف بهره ای ندارند، البته این در صورتی است که بخواهند همسر او باشند و گرنه مانند سایر مردمند و سپس ایشان

---

۱- المیزان ج : ۱۶ ص : ۴۰۷

۲- المیزان ج : ۱۶ ص : ۴۲۴

۳- المیزان ج : ۱۶ ص : ۴۵۴

را خطاب کند که متوجه باشند در چه موقعی دشوار قرار گرفته اند و به خاطر افتخاری که نصیبشان شده چه شدایدی را باید تحمل کنند، پس اگر از خدا بترسند، خداوند اجر دو چندانشان می دهد و اگر هم عمل زشتی کنند، عذابشان نزد خدا دو چندان خواهد بود.

آنگاه ایشان را امر می کند به عفت و اینکه ملازم خانه خود باشند و چون سایر زنان خود را به نامحرم نشان ندهند و نماز بگزارند و زکات دهند و از آنچه در خانه هایشان نازل و تلاوت می شود از آیات قرآنی و حکمت آسمانی یاد کنند و در آخر، عموم صالحان از مردان و زنان را وعده مغفرت و اجر عظیم می دهد.

### هدف آیه ۳۶ تا ۴۰ سوره احزاب

(۱)

### حکم ازدواج با مطلقه پسر خوانده

« وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا...! »

قسمتی از این آیات در باره داستان ازدواج رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با همسر زید است همان زیدی که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم او را به عنوان فرزند خود پذیرفته بود و بعید نیست که آیه اولی هم از باب مقدمه و توطئه برای آیات بعدش باشد.

### هدف آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره احزاب

(۲)

### دعوت مومنین به ذکر و تسبیح

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا! وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا...! »

این آیات مؤمنین را به ذکر و تسبیح دعوت نموده و به ایشان بشارت و وعده جمیل می دهد و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را با صفات کریم خود خطاب نموده و به او دستور می دهد که به مؤمنین بشارت دهد و کفار و منافقین را اطاعت نکند.

### هدف آیه ۴۹ تا ۶۲ سوره احزاب

(۳)

## بیان برخی قوانین خانواده و احکام خاص خانواده رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَنْعُوهُنَّ وَسَّرَّوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا...! »

این آیات احکام متفرقی را متضمن است که بعضی از آنها مخصوص رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و همسرانش و بعضی دیگر مربوط به عموم مسلمانان است.

### هدف آیه ۶۳ تا ۷۳ سوره احزاب

۱- المیزان ج : ۱۶ ص : ۴۷۹

۲- المیزان ج : ۱۶ ص : ۴۹۱

۳- المیزان ج : ۱۶ ص : ۴۹۹

(۱)

**بیان برخی وقایع قیامت**

« يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا...! »

این آیات در باره ساعت، یعنی قیامت، سخن می گوید و پاره ای از آنچه بر سر کفار خواهد آمد و عذابهایی که خواهند دید، بیان می کند و مؤمنین را دستور می دهد به اینکه سخن سنجیده و منطقی بگویند و وعده شان می دهد به وعده هایی جمیل و در آخر، سوره را با ذکر مساله امانت ختم می کند.

**هدف و فلسفه نزول سوره سبا**

(۲)

**بیان اصول سه گانه اعتقادات – توحید، نبوت و معاد**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ...! » ( تا ۹/سبا)

این سوره پیرامون اصول سه گانه اعتقادات، یعنی توحید و نبوت و قیامت بحث می کند. بعد از بیان آنها کیفر کسانی را که منکر آنهایند و یا القای شبهه در باره آنها می کنند، بیان نموده، آن گاه از راه های مختلف آن شبهه ها را دفع می کند، یک بار از راه حکمت و موعظه، بار دیگر از راه مجادله.

و از بین این سه اصول بیشتر به مساله قیامت اهتمام می ورزد، هم در اول کلام آن را ذکر می کند و تا آخر سوره چند بار دیگر هم متعرض آن می شود.

**هدف آیه ۱۰ تا ۲۱ سوره سبا**

(۳)

**بیان داستان داود و سلیمان علیهما السلام و تاریخ شهر سبا**

« وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَجِبَالُ أَوْبَىٰ مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ...! »

این آیات به پاره ای از داستانهای داوود و سلیمان و نعمت هایی که به ایشان موهبت فرموده بود، اشاره می کند، سپس به داستان سبأ اشاره می کند.

وجه اتصال این داستانها به آیات قبل ، که در باره معاد بحث می کرد ، این است که خدا مدبر امور بندگان خویش است ، ولی از آنجایی که بندگان او در دنیا فرو رفته در انواع نعمتهای مادی هستند ، لذا معلوم نمی شود که کدام یک شکر منعم خود را بجا آوردند و کدام یک کفران نمودند و چون در نشاه دنیا امتیازی بین این دو

---

۱-المیزان ج : ۱۶ ص : ۵۱۹

۲-المیزان ج : ۱۶ ص : ۵۳۴

۳-المیزان ج : ۱۶ ص : ۵۴۳

طائفه نیست ، پس باید حتما نشاه دیگر باشد ، تا در آنجا کفور از شکور ممتاز گردد .

### هدف آیه ۲۲ تا ۳۰ سوره سبا

(۱)

#### بیان مساله توحید

« قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ...! »

این آیات بیانگر مساله توحید است و پیرامون آن احتجاج می کند.

### هدف آیه ۳۱ تا ۵۴ سوره سبا

(۲)

#### بیان مساله نبوت و فروعات آن

« وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا تَتْرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ...! »

این آیات فصل دیگری است از سوره ، که در باره مساله نبوت و فروعات آن سخن می گوید و سخنانی را که مشرکین در باره این مساله گفته اند نقل می کند و در خلال آن آنچه در روز مرگ و یا روز قیامت بر سر آنان می آید، خاطر نشان می سازد.

### هدف و فلسفه نزول سوره فاطر

(۳)

#### بیان اصول سه گانه دین، بیان رزق رسانی خدا و چگونگی عملکرد ملائکه

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحِهِ مِثْنَىٰ وَثَلْثَ وَرُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...! » (۱/ فاطر)

غرض این سوره بیان اصول سه گانه دین است ، یعنی یگانگی خدای تعالی در ربوبیت و رسالت رسول خدا و معاد و برگشتن به سوی او ، که در این سوره بر این سه مساله استدلال شده و خدای تعالی برای این منظور عده ای از نعمت های بزرگ

آسمانی و زمینی را می شمارد و تدبیر متقن امر عالم را به طور عموم و امر انسانها را به طور خصوص به رخ می کشد .

و قبل از شمردن این نعمت ها و شروع به استدلال ، اشاره ای اجمالی به این معنا می کند که: گشودن در رحمت و بستن آن و افاضه نعمت و امساک آن منحصرآ

---

۱- المیزان ج : ۱۶ ص : ۵۵۶

۲- المیزان ج : ۱۶ ص : ۵۷۲

۳- المیزان ج : ۱۷ ص : ۳

کار خدای تعالی است و می فرماید: «ما یفتح الله للناس من رحمه فلا ممسک لها ... خدا در هر رحمتی را که به سوی مردم باز کند کسی نیست که آن را ببندد...!»

و باز قبل از اینکه این اشاره اجمالی را بکند، به واسطه هایی اشاره می کند که رحمت و نعمت را از خدای تعالی گرفته، به خلق می رسانند و آنان ملائکه هستند، که واسطه های بین خدا و خلقند و به همین جهت می بینیم سوره فاطر با یادآوری این وسائط شروع می شود.

### هدف آیه ۲ تا ۸ سوره فاطر

(۱)

#### بیان رزق رسانی خدا

« مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! »

بعد از آنکه در آیه قبلی به وضع ملائکه، که واسطه هایی بین خالق و خلقند در رساندن نعمت به خلق اشاره ای فرمود، اینک در این آیات به خود نعمت ها اشاره کلی نموده می فرماید: عموم نعمت ها از خدای سبحان است، نه غیر او، پس تنها رازق خدا است و احدی در رازقیت، شریک او نیست، آن گاه از طریق رازقیت استدلال کرده بر ربوبیت و سپس بر مساله معاد و اینکه وعده خدا، به بعث و عذاب دادن کفار و آمرزش مؤمنین صالح، حق است. البته در این آیات، تسلیتی هم برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هست!

### هدف آیه ۹ تا ۱۴ سوره فاطر

(۲)

#### احتجاج بر وحدانیت خدا در الوهیت از طریق رزق رسانی

« وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأُحْيِينَا بِهِ الْأَرْضَ بِعَدَمِ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ...! »

در این آیات، چندین احتجاج است بر وحدانیت خدای تعالی در الوهیت و این احتجاج ها را بعد از شمردن چند نعمت آسمانی و زمینی که انسان از آن ها متنعم است و جز خدا کسی خالق و مدبر امر آن نعمت ها نیست، بیان نموده، در خلال بحث اشاره ای هم به مساله قیامت دارد.

### هدف آیه ۱۵ تا ۲۶ سوره فاطر

(۳)



## بیان انحصار ربوبیت و الوهیت در خدای تعالی

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ! »

بعد از آنکه برای مشرکین بیان کرد که خلقت و تدبیر مستند به خدای تعالی

---

۱- المیزان ج : ۱۷ ص : ۱۵

۲- المیزان ج : ۱۷ ص : ۲۴

۳- المیزان ج : ۱۷ ص : ۴۳

است و نتیجه گرفت که رب ایشان همان خدا است و تنها مالک اوست، نه آلهه ای که به جای او می پرستند، پس آلهه، مالک چیزی نیستند تا آنکه مدبر آن چیز باشند، اینک در این آیات، شروع کرده همان مطلب را با بیانی آمیخته با وعده و وعید افاده کند. خلاصه اش این است که خدا از ایشان بی نیاز و ایشان محتاج خدایند، پس او می تواند ایشان را به کیفر اعمالی که کردند از بین ببرد و اگر خواست خلقی جدید بیاورد.

آنگاه خطاب را متوجه رسول گرامی خود می کند، خطابی که حاصلش این است که: این مؤاخذه و نابود کردن ما، شامل نمی شود مگر تنها همین هایی را که تکذیب می کنند و اما مؤمنین که انذار تو در آنان اثر می کند، با مشرکین فرقی روشن دارند و پیامبر نذیری است مانند نذیران گذشته و حال آنان را دارد، بنا بر این اگر او را تکذیب می کنند، انبیای گذشته را تکذیب کردند و همانطوری که خدای تعالی تکذیب کنندگان از امت آنان را به اخذ شدیدی بگرفت، مکذبین این امت را هم خواهد گرفت!

### هدف آیه ۲۷ تا ۳۸ سوره فاطر

(۱)

#### بیان حجتی بر انحصار ربوبیت الهی از طریق رنگ آمیزی میوه ها

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ...! »

در این آیات آیت هایی دیگر که دلالت بر توحید می کند برمی شمارد و در ضمن به داستان کتاب منتقل شده، در باره حقانیت آن و اینکه از ناحیه خدا نازل شده، سخن گفته است.

این آیه حجت دیگری است بر مساله توحید، به این بیان که خدای سبحان آب را بوسیله بارانها از آسمان نازل می کند و این خود قوی ترین عامل برای رویدن نباتات و میوه هاست و اگر بیرون آمدن میوه ها از مقتضای همین آمدن باران بود، باید همه میوه ها به یکرنگ باشند، چون آب باران یکی است و حال اینکه می بینیم الوان مختلفی دارند، پس همین اختلاف الوان دلالت می کند بر اینکه تدبیر الهی دست اندر کار این رنگ آمیزی است.

### هدف آیه ۳۹ تا ۴۵ سوره فاطر

(۲)

#### توحید خدا در ربوبیت

« هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لَا- يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا- مَقْتًا وَ لَا- يَزِيدُ الْكَافِرِينَ

كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا...!»

این آیات نخست بر مسأله توحید خدا در ربوبیت احتجاج می کند و سپس بر

---

۱- المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۵

۲- المیزان ج : ۱۷ ص : ۷۳

نبودن شریکی برای خدا در ربوبیت احتجاج می کند و آنگاه مشرکین را بر نقض عهد و سوگند و کارهای زشتی که مرتکب می شدند سرزنش می کند و در آخر این معنا را مسجل می سازد که هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند خدا را عاجز کند و اگر خدا به افرادی از این ستمکاران مهلت می دهد، برای مدتی معین است، همین که مدتشان سرآمد به آنچه مستحقند جزا می دهد. با این بیان سوره خاتمه می یابد.

## هدف و فلسفه نزول سوره یس

(۱)

### بیان اصول سه گانه اعتقادات اسلامی

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! یس! وَ الْقُرْءَانِ الْحَکِیْمِ! اِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ! عَلٰی صِرَطٍ مُّسْتَقِیْمٍ...! » (تا ۱۲/یس)

غرض این سوره بیان اصول سه گانه دین است، چیزی که هست نخست از مساله نبوت شروع کرده، حال مردم را در قبول و رد دعوت انبیا بیان می کند و می فرماید که: نتیجه دعوت حق انبیاء، احیای مردم است و اینکه آنان در راه سعادت واقع شوند و حجت را بر مخالفین تمام کند و به عبارت دیگر تکمیل هر دو دسته مردم است، عده ای را در طریق سعادت و جمعی را در طریق شقاوت!

آنگاه این سوره بعد از بیان مساله نبوت، منتقل می شود به مساله توحید و آیاتی چند از نشانه های وحدانیت خدا را برمی شمارد و سپس به مساله معاد منتقل شده، زنده شدن مردم را در قیامت برای گرفتن جزا و جداسازی مجرمین از متقین را بیان نموده سپس سرانجام حال هر یک از این دو طایفه را توصیف می کند.

و در آخر دوباره به همان مطلبی که آغاز کرده بود برگشته، خلاصه ای از اصول سه گانه را بیان و بر آنها استدلال می کند و سوره را ختم می نماید.

از آیات برجسته و بسیار علمی این سوره آیه: «انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون! فسیبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون!» است، پس این سوره شانی عظیم دارد، چون هم متعرض اصول سه گانه است و هم شاخه هایی که از آن اصول منشعب می شود.

روایات هم از طریق شیعه و سنی آمده که فرمودند: برای هر چیزی قلبی است و قلب قرآن سوره یس است!

### هدف آیه ۱۳ تا ۳۲ سوره یس

(۱)

**انذار و تبشیر**

« وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ...! »

این آیات مثلی است مشتمل بر انذار و تبشیر که خدای سبحان آن را برای عموم مردم آورده که در آن به رسالت الهی و تبعات و آثار دعوت به حق اشاره می کند که عبارت است از مغفرت و اجر کریم برای هر کس که ایمان آورد و پیروی ذکر (قرآن) کند و از رحمان بغیب خشیت داشته باشد و نیز عبارت است از عذاب الیم برای هر کس که کفر بورزد و آن دعوت را تکذیب کند.

و نیز به وحدانیت خدای تعالی و مساله معاد و برگشت همه مردم به سوی او اشاره می نماید .

**هدف آیه ۳۳ تا ۴۷ سوره یس**

(۲)

**توبیخ اعراض کنندگان از آیات و ادله وحدانیت الهی**

« وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ...! »

بعد از آنکه داستان اهل قریه (انطاکیه) و سرانجام امرشان را در شرک و تکذیب رسولان الهی بیان کرد و آنان را در برابر بی اعتنایی به مساله رسالت توبیخ نموده و به نزول عذاب بر آنان تهدید کرد - همان طور که عذاب بر تکذیب کنندگان از امتهای گذشته نازل شد - و نیز خاطر نشان ساخت که همگی حاضر خواهند شد و به حسابشان رسیدگی شده جزا داده می شوند!

چند آیت از آیات خلق و تدبیر الهی را به رخشان می کشد، آیاتی که بر ربوبیت و الوهیت خدای تعالی دلالت دارد و به روشنی دلالت می کند بر اینکه خدا، یگانه است و هیچ کس در ربوبیت و الوهیت با او شریک نیست، آنگاه مجدداً ایشان را در اینکه به آیات و ادله وحدانیت خدا و به معاد نظر نمی کنند و از آن روی گردانند و حق را استهزاء نموده و به فقرا و مساکین انفاق نمی کنند، توبیخ می نماید!

**هدف آیه ۴۸ تا ۶۵ سوره یس**

(۳)

**بیان تفصیل آیات مربوط به قیامت و حساب و جزا**

« وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ...! »

در این آیات بطور تفصیل کیفیت قیام قیامت و احضار خلق برای حساب و جزا و پاداشی که به اصحاب جنت می دهد و کیفری را که به مجرمین می دهد ، شرح

---

۱- المیزان ج : ۱۷ : ص : ۱۰۳

۲- المیزان ج : ۱۷ : ص : ۱۲۳

۳- المیزان ج : ۱۷ : ص : ۱۴۳

## هدف آیه ۶۶ تا ۸۳ سوره یس

(۱)

### تهدید کفار به عذاب و تأیید رسالت رسول الله «ص»

« وَ لَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ...! »

این آیات خلاصه ای از معانی سابق است که در سیاقی دیگر بیان شده اند و در ضمن کفار را به عذاب تهدید نموده و به این نکته نیز اشاره می کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خداست و کتاب او ذکر و قرآن است ، نه او شاعر است و نه کتابش شعر .

و در آخر به خلقت چارپایان اشاره نموده و با آن بر مساله توحید و معاد احتجاج می کند.

## هدف و فلسفه نزول سوره صافات

(۲)

### احتجاج بر مساله توحید و بیان مبارزات تعدادی از رسولان

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالصَّفِّ صَفًّا! فَالزَّجْرَتِ زَجْرًا! فَالتَّلِيَّتِ ذِكْرًا! إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ...! » (۱ تا ۱۱/صافات)

در این سوره بر مساله توحید احتجاج شده و مشرکین مخالف توحید را تهدید نموده و مؤمنین خالص را بشارت می دهد و سرانجام کار هر یک از دو طایفه را بیان می کند. سپس نام عده ای از بندگان مؤمن خود را که بر آنان منت نهاده و وعده داده که بر دشمنانشان غالب و پیروز کند ، ذکر می کند و در خاتمه سوره بیانی ایراد می فرماید که به منزله خلاصه گیری از غرض سوره است ، یعنی تنزیه خدا و سلام بر بندگان مرسل و حمد خدای تعالی در برابر رفتار نیکی که با ایشان کرده است.

## هدف آیه ۱۲ تا ۷۰ سوره صافات

(۳)

### بیان مخاصمات اهل بهشت و دوزخ

« بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ...! »

در این آیات استهزایی که کفار به آیات خدا می کردند و پاره ای از سخنان ایشان که بر اساس کفر و انکار معاد می گفته اند و ردی که از سخنان ایشان شده، حکایت شده است و در رد آنان به تقریر مساله بعث پرداخته و بیان کرده که کفار در آن روز چه

---

۱- المیزان ج : ۱۷ ص : ۱۵۷

۲- المیزان ج : ۱۷ ص : ۱۷۸

۳- المیزان ج : ۱۷ ص : ۱۹۰



شدتی و چه عذابهای گوناگونی دارند و خداوند چگونه بندگان مخلص خود را با نعمت ها و کرامت‌های خود گرامی می‌دارد

و نیز چگونگی بحث و جدال دوزخیان با یکدیگر را نقل می‌کند که در روز قیامت چه سخنانی بین آنان رد و بدل می‌شود و سخنانی را هم که بین اهل بهشت با خودشان و یا با بعضی از اهل آتش رد و بدل می‌شود ذکر کرده است.

### هدف آیه ۷۱ تا ۱۱۳ سوره صافات

(۱)

#### بیان داستان برخی از انبیا برای نشان دادن عاقبت شوم کفر به آیات خدا

« وَ لَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ...! »

این آیات غرض سیاق سابق را که متعرض شرک و تکذیب کفار به آیات خدا بود و ایشان را به عذابی الیم تهدید می‌کرد تعقیب نموده، می‌فرماید: بیشتر امت‌های گذشته نیز ضلالتی شبیه ضلالت اینان را داشتند، رسولان خدا را که ایشان را انذار می‌کردند تکذیب نمودند، همانطوری که اینان تکذیب می‌کنند. آنگاه به عنوان شاهد داستان‌هایی از نوح، ابراهیم، موسی، هارون، الیاس، لوط و یونس علیهماالسلام می‌آورد. آنچه که در آیات مورد بحث آمده داستان نوح و خلاصه داستان ابراهیم علیه السلام است.

### هدف آیه ۱۱۴ تا ۱۳۲ سوره صافات

(۲)

#### بیان نعمت‌های الهی بر موسی و هارون و الیاس پیامبر

« وَ لَقَدْ مَنَّا عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ ...! »

این آیات خلاصه ای است از داستان موسی و هارون علیهماالسلام، البته اشاره ای هم به داستان الیاس علیه السلام دارد و نعمت‌ها و منت‌هایی را که خدای تعالی بر آنان ارزانی داشته، برمی‌شمارد و نیز بیان می‌کند که چگونه دشمنان تکذیب‌گر آنان را عذاب کرد، چیزی که هست در این آیات جانب رحمت و بشارت بر جانب عذاب و انذار غلبه دارد.

### هدف آیه ۱۳۳ تا ۱۴۸ سوره صافات

(۳)

## بیان خلاصه داستان لوط «ع» و شرح رهائی یونس «ع» از شکم ماهی

«وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ...!»

این آیات خلاصه ای است از داستان لوط علیه السلام و سپس یونس علیه السلام که خدا او را مبتلا کرد به شکم ماهی، به کیفر اینکه در هنگام مرتفع شدن عذاب - که مقدمات نزولش رسیده بود - از قوم خود اعراض کرد.

### هدف آیه ۱۴۹ تا ۱۸۲ سوره صافات

---

۱- المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۱۶

۲- المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۳۷

۳- المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۴۵

(۱)

**رد عقاید قائلین به ارباب متفرقه از جن و انس**

« فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَّبِّكَ النَّبَاتُ وَاللَّهُمُّ الْبُنُوتُ...! »

در این آیات متعرض عقاید کفار شده که در باره خدایان خود که یا ملائکه و یا جن بودند، چه عقایدی داشتند و چگونه ملائکه را دختران خدا نامیده و برای جن قائل به نسبت و خویشاوندی با خدا شدند.

خدای تعالی در این آیات به فساد عقیده، آنان اشاره نموده، سپس رسول گرامی خود را بشارت می دهد به اینکه به زودی او را یاری می کند و مشرکین را تهدید می کند به اینکه به عذاب مبتلایشان می سازد. آنگاه سوره مورد بحث را با تقدیس و منزّه بودن خدا از داشتن شریک و نیز با سلام بر همه رسولان و حمد خدا که رب العالمین است، ختم می نماید!

**هدف و فلسفه نزول سوره ص**

(۲)

**دستور دعوت به قرآن و بیان وظایفی از ملائکه**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ص! وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ...! » (تا ۱۶/ص)

در این سوره گفتار پیرامون رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دور می زند و اینکه آن جناب با ذکر از ناحیه خدا که بر او نازل شده مردم را انداز می کند و به سوی توحید و اخلاص در بندگی خدای تعالی دعوت می کند.

رسول گرامی خود را امر به صبر نموده و سرگذشت بندگان او اب خود را در یک فصل به یادش می آورد و آنگاه عاقبت کار مردم با تقوی و سرانجام طاغیان را در فصلی خاطر نشان می سازد.

سپس آن جناب را دستور می دهد به اینکه ماموریت خود را در انداز انجام دهد و مردم را به سوی توحید دعوت کند.

و نیز در فصلی دیگر می فرماید: که خدا از همان روز نخست که به ملائکه امر کرد تا برای آدم سجده کنند و شیطان امتناع کرد، این قضای حتمی را راند که سرانجام پیروان شیطان و خود او به آتش منتهی شود!

**هدف آیه ۱۷ تا ۲۹ سوره ص**

۱- المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۵۹

۲- المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۷۴

(۱)

**رد اعتراضات کفار و اشاره به تبلیغ و فعالیت چند پیامبر الهی**

« اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْاَيْدِ اِنَّهُ اَوْابٌ...! »

خدای تعالی در این آیات رسول گرامی خود را امر به صبر می کند و سفارش می فرماید یاوه گویی های کفار او را متزلزل نکند و عزم او را سست نسازد و نیز سرگذشت جمعی از بندگان او اب خدا را به یاد آورد که همواره در هنگام هجوم حوادث ناملایم، به خدا مراجعه می کردند! از این عده نام نه نفر از انبیای گرامی خود را ذکر کرده که عبارتند از: داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع و ذو الکفل علیهما السلام که ابتدا نام داوود را آورده و به قسمتی از داستانهای او اشاره می فرماید.

**هدف آیه ۳۰ تا ۴۰ سوره ص**

(۲)

**بیان دومین داستان از بندگان او اب – سلیمان نبی**

« وَ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهُ اَوْابٌ...! »

این آیات راجع به دومین داستان از قصص بندگان او اب است که خدای تعالی آن را برای پیغمبرش بیان نموده و دستورش می دهد به اینکه صبر پیشه سازد و در هنگام سختی به یاد این داستان بیفتد!

**هدف آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره ص**

(۳)

**بیان سرگذشت ایوب پیامبر و گرفتاری ها و نجات او**

« وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا اَيُّوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنِّى مَسَّنَى الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ...! »

این آیات متعرض سومین داستانی است که رسول خدا «ص» مامور شده به یاد آنها باشد و در نتیجه صبر کند و آن عبارت است از: داستان ایوب پیغمبر «ع» و محنت و گرفتاریهایی که خدا برایش پیش آورد تا او را بیازماید و سپس رفع آن گرفتاریها و عافیت خدا و عطای او را ذکر کرده و سپس دستور می دهد تا ابراهیم و پنج نفر از ذریه او از انبیا را به یاد آورد!

**هدف آیه ۴۹ تا ۶۴ سوره ص**

**ذکر سرانجام کار متقیان و طاغیان**

« هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَنَابٍ...! »

این آیات فصل دیگری است از کلام که در آن سرانجام کار متقین و طاغیان را بیان نموده متقین را بشارت داده و کفار را انذار و تهدید می کند!

**هدف آیه ۶۵ تا ۸۸ سوره ص**

۱- المیزان ج : ۱۷ ص : ۲۸۶

۲- المیزان ج : ۱۷ ص : ۳۰۶

۳- المیزان ج : ۱۷ ص : ۳۱۶

۴- المیزان ج : ۱۷ ص : ۳۳۰

(۱)

**دستور ابلاغ اندازها و بیان عاقبت جهنمی پیروی از شیطان**

« قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ...! »

این آیات آخرین فصل از فصول سوره ص است که مشتمل بر چند نکته است: اول آن که به پیامبر «ص» دستور می دهد که اندازهای خود را و دعوت به سوی توحید را به مردم ابلاغ فرماید!

و دیگر این که ابلاغ کند که اعراض از حق و پیروی شیطان کار آدمی را به عذاب دوزخ منتهی می سازد، عذابی که خداوند قضایش را در حق شیطان و پیروان او رانده است! در همین جاست که این سوره خاتمه می یابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره زمر**

(۲)

**دعوت به دین خالص و بی اعتنائی به معتقدات دوران جهالت**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ...! » (تا ۱۰/زمر)

از خلال آیات این سوره برمی آید که مشرکین معاصر رسول خدا «ص» از آن جناب درخواست کرده اند که از دعوتش به سوی توحید و از تعرض به خدایان ایشان صرف نظر کند و گر نه نفرین خدایان گریباننش را خواهد گرفت، در پاسخ آنان این سوره که به وجهی قرین سوره ص است، نازل شده و به آن جناب تاکید کرده که دین خود را خالص برای خدای سبحان کند و اعتنائی به خدایان مشرکین نکند و علاوه بر آن به مشرکین اعلام نماید که مامور به توحید و اخلاص دین است، توحید و اخلاصی که آیات و ادله وحی و عقل همه بر آن تواتر دارند. خدای سبحان در خلال سوره چند نوبت کلام را متوجه این مساله می سازد.

آنگاه به استدلال بر یکتایی خدا در ربوبیت و الوهیت پرداخته، هم از طریق وحی و هم از طریق برهان عقلی و هم از راه مقایسه بین مؤمنین و مشرکین، آن را اثبات می کند. مقایسه مزبور مقایسه ای لطیف است! چند نوبت مؤمنین را به بهترین اوصاف ستوده و به پادشاهایی که به زودی در آخرت دارند بشارت می دهد و هر جا سخن از مشرکین به میان آورده - علاوه بر وبال اعمالشان، که در دنیا گریبانشان را می گیرد، وبالی نظیر آن وبالها که به سایر امت های گذشته به کیفر تکذیب آیات خدا



رسید و آن عبارت بود از خواری در دنیا که البته عذاب آخرت قابل مقایسه با آن نیست - ایشان را به خسران و عذاب آخرت بشارت می دهد .

به همین منظور در این سوره - و مخصوصاً در آخرش - روز قیامت را به روشن ترین اوصافش وصف کرده است.

### هدف آیه ۱۱ تا ۲۰ سوره زمر

(۱)

#### دعوت به اخلاص و دین خالص برای خدا

« قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ...! »

در این آیات به نوعی به آغاز کلام برگشت شده، رسول خدا «ص» را دستور می دهد به مردم ابلاغ کند که اگر ایشان را به توحید و اخلاص دین برای خدا می خواند ، بدان جهت است که او مامور از طرف خداست ، و نیز مامور شده است که خود او هم مانند سایرین به این دعوت پاسخ مثبت دهد ، چیزی که هست این فرق را با سایرین دارد که او باید اولین کس باشد به اسلام آوردن و تسلیم در برابر آنچه به سویش دعوت می کند و خلاصه به چیزی دعوت کند که خودش قبل از دعوت دیگران به آن ایمان داشته باشد حال چه اینکه مردم دعوتش را بپذیرند و یا آن را رد کنند!

### هدف آیه ۲۱ تا ۳۷ سوره زمر

(۲)

#### احتجاج به ربوبیت خدای تعالی و بیان مفهوم هدایت قرآن

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَنُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَاهُ مُصْفَراً ثُمَّ يُجْعَلُهُ حُطَمًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ...! »

در این آیات به همان احتجاجی که در آغاز سوره بر ربوبیت خدای تعالی می شد، برگشت شده و نیز پیرامون هدایت راه یافتگان و ضلالت گمراهان و مقایسه بین این دو گروه و سرانجام کار هر یک از آن دو، سخن می رود و نیز بیان می شود که هدایت قرآن به چه معنا است!

### هدف آیه ۳۸ تا ۵۲ سوره زمر

(۳)



## احتجاج بر یگانگی خدا در ربوبیت و نفی شرکاء مشرکین

« وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ...! »

در این آیات حمله دیگری به مشرکین شده و بر یگانگی خدای تعالی در ربوبیت و عدم صلاحیت شرکاء برای ربوبیت احتجاج شده است! و نیز این معنا خاطرنشان گشته که شفاعتی که مشرکین برای شرکای خود قائلند و کسی به جز

---

۱- المیزان ج : ۱۷ ص : ۳۷۴

۲- المیزان ج : ۱۷ ص : ۳۸۴

۳- المیزان ج : ۱۷ ص : ۴۰۱

خدا مالک آن نیست. در این آیات امور دیگری مربوط به دعوت به توحید از قبیل موعظه و انذار و تبشیر نیز آمده است.

### هدف آیه ۵۳ تا ۶۱ سوره زمر

(۱)

#### بشارت رافت و رحمت الهی و تحذیر از زیاده روی و طغیان نفس

« قُلْ يٰعِبَادِ اللّٰدِيْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ...! »

در این آیات رسول خدا «ص» را دستور می دهد که مشرکین را به اسلام و به پیروی از آنچه خدا نازل کرده دعوت کند و از عواقب اسرافشان بر نفس خود، یعنی از حسرت و ندامت روزی که حسرت و ندامت سود نمی دهد بر حذر دارد، آری چگونه سود می دهد با اینکه در دنیا از پذیرفتن حق، استکبار ورزیدند.

و نیز به یادشان بیاورد که در آن روز متقین رستگاری و نجات و کفار خسران و آتش دارند. در لسان این آیات لحن رأفت و رحمت به خوبی مشاهده می شود!

### هدف آیه ۶۲ تا ۷۵ سوره زمر

(۲)

#### بیان تدبیر معاد انسانها و نظام بازگشت به خدا

« اللّٰهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ...! »

فصلی است از آیات سوره زمر که سوره با آن ختم می شود و در آن خلاصه ای از آنچه از ادله مزبور در سوره استنتاج می شود بیان کرده و سپس رسول خدا «ص» را مامور می کند که مشرکین را مخاطب قرار دهد و بگوید: پیشنهادی که علیه او کردند مبنی بر این که آن جناب هم خدایان ایشان را بپرستد، جز جهل به مقام خدای تعالی منشای نداشته و تذکرشان دهد که هم به او و هم به سایر انبیای قبل از او وحی شده که اگر شرک بورزند، اعمالشان بی نتیجه می شود!

سپس خدای تعالی نظام بازگشت به سوی خود را که همان تدبیر معاد خلق است، ذکر نموده و با بیانی جامع و کافی که بیش از آن تصور ندارد، توضیح داده و سوره را با حمد خود ختم می کند.

### هدف و فلسفه نزول سوره مومن

(۳)

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ...! » (تا ۶/غافر)

---

۱- المیزان ج : ۱۷ ص : ۴۲۱

۲- المیزان ج : ۱۷ ص : ۴۳۴

۳- المیزان ج : ۱۷ ص : ۴۵۷

این سوره پیرامون بلندپروازیهای کفار و جدالشان به باطل به منظور از بین بردن حقی که بر آنان نازل شده، سخن می گوید و لذا می بینیم که آیات آن یکی پس از دیگری متعرض جدال آنان و پاسخ دادن به جدالشان می شود و با این تکرار، سورت استکبار و جدال آنان را از راه به رخ کشیدن عذابی که امم گذشته به جرم تکذیب گرفتار آن شدند می شکند و به همین منظور عذاب های خوار کننده ای را که خدا به ایشان وعده داده، با ذکر نمونه ای از آنچه در آخرت بر سرشان می آید خاطر نشان می کند و سخنان باطلشان را با حجت هایی که گویای وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت است، به کلی مردود می سازد و رسول گرامی خود را امر به صبر نموده هم آن جناب و هم همه مؤمنین را وعده نصرت می دهد!

و نیز آن جناب را امر می کند به اینکه به کفار اعلام کند که تسلیم پروردگار خویش است و دست از پرستش او برنخواهد داشت، تا به کلی از آن جناب مایوس گردند.

### هدف آیه ۷ تا ۱۲ سوره مومن (غافر)

(۱)

#### بیان استغفار ملائکه بر توابین، و کيفر کفر به توحيد الهی

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ...!»

در این آیات به آغاز کلام برگشت کرده، به آنجا که می فرمود: نازل کردن کتاب و به پا خاستن دعوت به منظور مغفرت و قبول توبه جمعی و عقاب جمعی دیگر است، در این آیات خاطر نشان می سازد که مردم در مقابل این دعوت دو جورند: یک طایفه آنهايند که ملائکه حامل عرش خدا و طواف کنندگان پیرامون آن برایشان استغفار می کنند و آنان عبارتند از: توبه کنندگان که به سوی خدا بر می گردند و راه او را پیروی می کنند و نیز صلحا از پدران و همسران و ذریه ایشانند و دسته دوم عبارتند از کسانی که به جرم کفر ورزیدن به توحيد، اهل عذابند.

### هدف آیه ۱۳ تا ۲۰ سوره مومن (غافر)

(۲)

#### احتجاج بر مسئله توحيد و انذار تکذیب کنندگان آیات خدا

«هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيب...!»

در این آیات بر مساله توحيد احتجاج شده و بعد از آنکه مردم را به دو دسته تقسیم می کند: یکی آنهایی که به سوی خدا رجوع می کنند و راه او را پیروی می نمایند و یکی هم آنهایی که آیات او را تکذیب نموده و در مقابل آن به باطل جدال

---

١- الميزان ج : ١٧ ص : ٤٦٦

٢- الميزان ج : ١٧ ص : ٤٧٩

می کنند ، آنگاه این طایفه را انداز می فرماید .

### هدف آیه ۲۱ تا ۵۴ سوره مومن (غافر)

(۱)

#### موعظه کفار برای عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام نابود شده تاریخ

« أَوْ لَمْ يَسْتَبِروا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَانَاراً فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ...! »

در این آیات کفار را موعظه می فرماید که به آثار امت های گذشته و داستانهای ایشان مراجعه کنند و در آنها نظر نموده و عبرت بگیرند و بدانند که قوت اقویاء و استکبار مستکبران روزگار و مکر مکاران ، خدا را عاجز نمی کند و به همین منظور از باب نمونه پاره ای از قصص موسی و فرعون را ذکر می کند و در آن قصه مؤمن آل فرعون را می آورد.

### هدف آیه ۵۵ تا ۶۰ سوره مومن (غافر)

(۲)

#### دعوت رسول الله «ص» به صبر در مقابل دسایس کفار و وعده نصرت

« فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ...! »

در این آیات به عنوان نتیجه گیری از جدال موسی «ع» با فرعون، پیامبر گرامی خود را دستور می دهد که صبر پیشه خود کند و هشدار می دهد که وعده خدا به نصرت او حق و نیرنگ ها و جدال به باطل مردم و استکبارشان از قبول دعوت او به زودی باطل گشته، تمامی تلاشهایشان جز علیه خودشان، نتیجه نمی دهد. بنا بر این، کفار نمی توانند خدا را عاجز سازند و به زودی قیامت موعود بپا گشته ، با ذلت و خواری بدرون جهنم در می آیند .

### هدف آیه ۶۱ تا ۶۸ سوره مومن (غافر)

(۳)

#### بیان یگانگی خدای تعالی در الوهیت و ربوبیت

« اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْيَلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِراً إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ...! »

در این آیات برای بار دوم به آیات توحید که در اول سوره بود و با آیه: « هو الذی یریکم آیاته...! » آغاز می شد و یگانگی

خدای تعالی در ربوبیت و الوهیت را اثبات می کرد ، برگشت شده است .

## هدف آیه ۶۹ تا ۷۸ سوره مومن (غافر)

(۴)

### بیان سرانجام کار مجادله کنندگان در آیات خدا

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصِرُّونَ...! »

---

۱- المیزان ج : ۱۷ ص : ۴۹۱

۲- المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۱۵

۳- المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۲۱

۴- المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۲۸

در این آیات برای بار پنجم به مساله آنهايي که در آیات خدا مجادله می کنند برگشت شده و متعرض سرانجام کار آنان می شود، آنگاه به رسول خدا «ص» امر می فرماید که صبر کند و وعده اش می دهد که یاری اش خواهد کرد و دلگرمش می کند به اینکه وعده خدا حق است!

### هدف آیه ۷۹ تا ۸۵ سوره مومن (غافر)

(۱)

#### بیان آیات و دلایل توحید و سنت ارسال رسل و نابودی امت ها

«اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَمَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ...!»

در این آیات برای چندمین بار به ذکر پاره ای از آیات و ادله توحید برگشت نموده مردم را به عبرت گیری از حال امت های گذشته ، که هلاک شده اند و از سنتی که در بین آنها جاری ساخته ، ارجاع می دهد .

و آن سنت این است که نخست در بین هر امتی رسولی مبعوث می کند و سپس بین آن رسول و امتش قضاء می راند و آن قضاء بالاخره به خسران کفار از آنان منجر می شود و در اینجا سوره خاتمه می یابد.

### هدف و فلسفه نزول سوره فصلت

(۲)

#### پاسخ اعراض مشرکین از قرآن

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ...! » (۱ تا ۱۲ / فصلت)

این سوره پیرامون اعراض کفار از کتابی که بر آنان نازل شده ، یعنی از قرآن کریم ، سخن می گوید. غرض اصلی سوره این است و به همین جهت ملاحظه می کنید که یک قسمت از این سوره در باره همین مساله است و از همان ابتدای سوره این معنا را خاطر نشان می سازد و بعد از هر چند آیه یک بار همان را متعرض می شود.

لازمه اعراض مشرکین از کتاب خدا انکار اصول سه گانه دین است که اساس دعوت حقه اسلام را تشکیل می دهد و آن عبارت است از وحدانیت خدا ، نبوت خاتم الانبیاء «ص» و معاد! و چون چنین لازمه ای در کار بود ، لذا در باره این سه اصل مفصل سخن می گوید و در ضمن بشارت و انذار می دهد.

### هدف آیه ۱۳ تا ۲۵ سوره فصلت



١- الميزان ج : ١٧ ص : ٥٣٦

٢- الميزان ج : ١٧ ص : ٥٤٢

(۱)

**عبرت از ذلت و عذاب دنیوی و اخروی اقوام هلاک شده**

« فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صِعْقَهُ مِثْلَ صِعْقِهِ عَادٍ وَ ثَمُودَ...! »

این آیات هم متضمن انداز به عذاب دنیوی است که قوم عاد و ثمود به کیفر کفرشان به پیغمبران و انکارشان به آیات خدا به آن مبتلا شدند و هم عذاب اخروی که به زودی دشمنان خدا از اهل جحود که کلمه عذاب در حقشان محقق شده به آن مبتلا می شوند و در آن اشاره ای هم به این معنا هست که چگونه خداوند در دنیا گمراهشان کرد و چگونه در آخرت اعضای بدنشان را به زبان می آورد .

**هدف آیه ۲۶ تا ۳۹ سوره فصلت**

(۲)

**افشای نقشه های کفار برای ابطال حجت قرآن**

« وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ...! »

در این آیات به ایمان نیاوردن کفار به قرآن کریم که در صدر سوره آمده بود ، برگشت شده و متعرض نقشه هایی شده که آنان به منظور ابطال حجت قرآن می کشیدند.

در این آیات بین کفار و مؤمنین با استقامت مقابله شده ، کفار و پاره ای از عواقب ضلالت آنان را ، از یکسو و مؤمنین با استقامت و پاره ای از پادشاهای آخرتی ایشان را ، از سوی دیگر آورده و نیز متعرض مطالب متفرقه دیگری می شود.

**هدف آیه ۴۰ تا ۵۴ سوره فصلت**

(۳)

**بیان تهمتها و بی انصافی های مشرکین علیه قرآن عزیز**

« إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...! »

در این آیات بار دیگر به مساله قرآن و کفر مشرکین بدان - با اینکه آیاتش روشن و مقامش بلند است - برگشت شده و بی انصافی ها و کوتاهی هایی که در باره آن کردند و تهمت هایی که به آورنده اش زدند و لجبازیهایی که در برابر حق نموده و

کفری که نسبت به آیات آن ورزیدند و آثار و توابعی که این رفتارهایشان داشت، برشمرده و سوره را پایان می دهد.

## هدف و فلسفه نزول سوره شوری

---

۱- المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۶۷

۲- المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۸۷

۳- المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۹۹

(۱)

**شرح مساله وحی و چگونگی تکلم خدا با رسولان گرامی خود**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! عسق! كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! (۱ تا ۶/شوری)

این سوره پیرامون مساله وحی سخن می گوید که خود نوعی تکلم از ناحیه خدای سبحان با انبیاء و رسل او است، مساله وحی موضوعی است که در این سوره محور کلام قرار گرفته است.

و اما مطالب دیگر از قبیل آیات توحید و صفات مؤمنین و کفار و سرانجامی که هر یک از این دو فریق دارند و بازگشتشان به خدای سبحان در روز قیامت نیز در این سوره آمده لیکن منظور اولی سوره نیست .

**هدف آیه ۷ تا ۱۲ سوره شوری**

(۲)

**بیان هدف و نتایج وحی و اهمیت انذار به روز قیامت**

« وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ...! »

این آیات فصل دوم از آیات این سوره است که در آن نیز مساله وحی را معرفی می کند، چیزی که هست در این آیات وحی را از نظر نتایجی که مترتب بر آن است معرفی می کند. در این فصل می فرماید: غرض از وحی انذار مردم است و مخصوصا اندازی که مربوط به روز قیامت است ، روزی که همه مردم در آن جمع می شوند و گروهی به سوی بهشت و گروهی دیگر به سوی آتش می روند، چون اگر مردم به چنین روزی تهدید و انذار نشوند ، دعوت دینی به نتیجه نمی رسد و تبلیغ دینی سودی نمی بخشد.

آنگاه این نکته را بیان می کند که دو دسته شدن مردم چیزی است که مشیت خدای سبحان به آن تعلق گرفته و به همین منظور دین را برای مردم تشریح کرده و از راه وحی مردم را از روز جمع انذار نموده ، چون او ولی مردم است و آنها را بعد از مردن زنده می کند و بین آنان در آنچه اختلاف می کردند حکم می فرماید.

آنگاه رشته کلام به مساله توحید ربوبیت کشیده می شود و اینکه به جز

خدای تعالی ربی نیست، چون صفاتی که رب باید داشته باشد مختص به خداست!

## هدف آیه ۱۳ تا ۱۶ سوره شوری

(۱)

### بیان مفاد و محتوای وحی به عنوان دین الهی واحد و عالمگیر

« شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ...! »

این آیات فصل سوم از آیاتی است که وحی الهی را تعریف می کند. فصل اول در باره خود وحی بود و فصل دوم در باره اثرش و این فصل آن را از نظر مفاد و محتوی تعریف می کند.

محتوای وحی عبارت است از دین الهی واحدی که باید تمامی ابناء بشر به آن یک دین بگردند و آن را سنت و روش زندگی خود و راه به سوی سعادت خود بگیرند .

البته در این فصل به مناسبت ، این را نیز بیان می کند که شریعت محمدی جامع ترین شریعی است که از ناحیه خدا نازل شده و نیز اختلافهایی که در این دین واحد پیدا شده از ناحیه وحی آسمانی نیست، بلکه از ناحیه ستمکاری و یاغی گریهایی است که عده ای با علم و اطلاع در دین خدا به راه انداختند و نیز در آیات این فصل فوائد دیگری است که بطور ضمنی به آنها اشاره شده است.

## هدف آیه ۱۷ تا ۲۶ سوره شوری

(۲)

### بیان کتاب آسمانی نازل شده بوسیله وحی

« اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ...! »

این آیات فصل چهارمی است از آیات سوره، که وحی را تعریف می کند به اینکه آن دینی که به وسیله وحی نازل شده به صورت کتابی است که برای مردم نوشته شده و میزانی است که در قیامت با آن، اعمالشان سنجیده می شود و بر طبق آن جزاء داده می شوند و جزاء حسن خود نوعی رزق است، آنگاه رشته سخن به ثواب و عقابی که روز قیامت دارند کشیده شده است . در این فصل آیه مودت و آیاتی مناسب با آن نیز آمده است.

## هدف آیه ۲۷ تا ۵۰ سوره شوری

**تعريف دين به عنوان رزق از جانب خدا**

« وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ...! »

۱- الميزان ج : ۱۸ ص : ۳۵

۲- الميزان ج : ۱۸ ص : ۵۱

۳- الميزان ج : ۱۸ ص : ۷۷

صدر این آیات متصل است به داستان رزق دادن خدا به بندگان. یکی از بزرگترین رزقها، دینی است که خدای سبحان در اختیار بندگان گذاشته و با در نظر داشتن این نکته گفتار این فصل داخل در گفتار فصل گذشته می شود که در باره وحی سخن می گفت و به طور کلی آیات این سوره برای بیان آن ریخته شده، بعد از هر چند آیه یکبار برگشته به همان غرض اشاره می کند.

آنگاه پاره ای از آیات و دلائل توحید را که مربوط به رزق است - مانند خلقت آسمانها و زمین، منتشر کردن جنندگان در آسمان و زمین، خلقت کشتی ها که در دریا در حرکتند، دادن فرزندان ذکور و اناث، یا یکی از آنها را به هر که بخواهد و ندادن هیچ یک از آنها را به هر که بخواهد - ذکر می کند!

آنگاه می فرماید بعضی از رزق ها هست که تنها در دنیا می دهد و به همه می دهد و آن رزقی است که با فنای دنیا فانی می شود و بعضی دیگرش مخصوص مؤمنین است که در آخرت می دهد و آن بهترین رزق و پایدارترین رزق است، از همین جا به مناسبت، به ذکر صفات مؤمنین منتقل شده، حسن عاقبت آنان را بیان می کند و نیز به اوصاف قیامت و عاقبت ستمکاران منتقل می شود و شرح می دهد که در قیامت با چه هولها و وحشت ها و عذابها روبرو می شوند.

از اینها گذشته در خلال آیات، اجمالی از پاره ای احکام را بیان نموده، انذار و تخویفی هم می کند و به حق دعوت نموده و به حقایق و معارف بسیاری اشاره می نماید.

## هدف آیه ۵۱ تا ۵۳ سوره شوری

(۱)

### تعریف وحی از نظر ارتباط بین خدا و رسولان

« وَ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ...! »

این آیات آخرین فصلی است که خدای سبحان در این سوره در باره وحی و تعریف آن بیان نموده و در این فصل وحی و سخن گفتن خدا با بندگان را به سه قسمت تقسیم می کند: به وسیله وحی یا از پس پرده و حجاب و یا به وسیله ارسال رسول که به اذن خود هر چه بخواهد به آن رسول وحی می کند.

آنگاه می فرماید: پیامهای خود را به این طریق بر رسول خدا «ص» وحی می کند و آنچه از ناحیه خدای تعالی به آن جناب وحی شده قبل از وحی در نفس آن جناب سابقه نداشته، یعنی آن جناب به هیچ یک از معارفی که به وی وحی شده قبلاً آگاهی نداشت و این وحی است که نوری است الهی و خدای تعالی هر یک از بندگان

خود را بخواهد به این هدایت اختصاص می دهد و او را مورد وحی خود قرار می دهد و به دنبالش هر یک از بندگان را بخواهد به وسیله پیامبرش و به اذن خود هدایت می فرماید!

## هدف و فلسفه نزول سوره زخرف

(۱)

### انذار معتقدین به فرزندخدائی و کفر استهزا کنندگان رسولان

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! وَ الْكُتُبِ الْمُبِينِ! إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ! وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ لَمَدِينًا لَعَلِّي حَكِيمٌ...! »  
(۱ تا ۱۴/زخرف)

این سوره بطوری که آغاز و انجام آن و نیز مطالبی که بین این آغاز و انجام فاصله شده، جز چند آیه، شهادت می دهد، در مقام انذار و هشدار دادن بشر است. در این سوره این معنا را خاطر نشان می سازد که سنت الهی بر این جریان یافته که انبیاء و رسولانی برگزینند و کتاب و ذکری بر آنان نازل کند و هیچگاه اسراف و افراط مردم در قول و فعلشان او را از این کار باز نمی دارد، بلکه همواره رسولان و انبیایی فرستاده و استهزاء کنندگان و تکذیب کنندگان ایشان را هلاک نموده و سپس به سوی آتشی جاودانه سوق داده است!

در این بیان نخست مساله ارسال رسل را به طور اجمال ذکر می کند و سپس از بین آنان ابراهیم و سپس موسی و آنگاه عیسی «ع» را نام می برد و مطالبی از اسراف کفار نقل نموده، از آن جمله یکی از مهمترین گفتار آنان را که می گفتند خدای سبحان فرزند گرفته و ملائکه دختران او هستند ذکر می کند!

و این بدان جهت است که نسبت به خصوص این عقیده و رد آن عنایت داشته و به همین جهت آن را مکرر نقل می کند و جواب می گوید و گویندگان آن را به عذاب تهدید می کند، البته در این سوره حقایق متفرق دیگری نیز هست.

## هدف آیه ۱۵ تا ۲۵ سوره زخرف

(۲)

### رد عقاید و اقوال ملائکه پرستی کفار

« وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ...! »

این دسته از آیات، قسمتی از اقوال و عقاید کفار را که اسراف و کفر به نعمت منشا آن بود حکایت می کند، مثل اینکه می گفتند خدا فرزند دارد و ملائکه دختران خدایند و این را دلیل بر ملائکه پرستی خود می گرفتند و آیات مورد بحث بعد از



١- الميزان ج : ١٨ ص : ١٢٠

٢- الميزان ج : ١٨ ص : ١٣١

حکایت این اقوال آن را رد می کند .

### هدف آیه ۲۶ تا ۴۵ سوره زخرف

(۱)

#### بیان کفران نعمتهای خدا و کفر به رسولان و آیات و کتاب الهی

« وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ...! »

از آنجا که رشته کلام از رسالت رسول و کفر مشرکین به رسالت و تشبث ایشان (در شرک) به ذیل تقلید از پدران و بدون هیچ دلیل دیگر انجامید، دنبالش داستان ابراهیم علیه السلام را ذکر می کند که تقلید کردن از پدر و قومش را دور انداخته، از آنچه آنان به جای خدای سبحان می پرستیدند بیزاری جست و از پروردگارش طلب هدایتی کرد که از فطرتش سرچشمه می گرفت.

بعد از نقل داستان ابراهیم این مسائل را خاطر نشان می فرماید که از چه نعمت هایی برخوردارشان کرد و آنها چگونه آن نعمت ها را کفران کردند و به کتاب خدا کافر شدند و در آن خرده گیریها نمودند و به فرستاده خدا طعنه ها زدند، طعنه هایی که به خودشان بر می گردد و سپس آثار اعراض از یاد خدا را ذکر می کند و عاقبت این کار را که همان شقاوت و خسران است تذکر می دهد و آنگاه عطف می کند بر آن این را که پیامبر باید برای همیشه از ایمان آوردن ایشان مایوس باشد و سپس تهدیدشان می کند به عذاب!

و به پیامبر عزیزش تاکید می کند که به قرآن تمسک جوید، چون قرآن ذکر او و ذکر قوم او است و به زودی از آن بازخواست می شوند و آنچه در قرآن است دین توحید است که همه انبیاء گذشته بر آن دین بودند!

### هدف آیه ۴۶ تا ۵۶ سوره زخرف

(۲)

#### عبرت گرفتن کفار از سرنوشت فرعون و قوم او

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ...! »

در این آیات برایشان مثلی از داستانهای موسی علیه السلام و فرعون و قومش آورده که خدا او را با معجزات و آیات باهره اش به سوی ایشان گسیل داشت و آنان بر آن آیات خندیدند و مسخره کردند و فرعون برای قومش احتجاج کرد و به آنان خطاب نمود که من بهتر از موسی هستم، برای اینکه ملک مصر از آن من است که این نهرها از دامنه آن جاری است، با این حرفها

عقل مردم را دزدید و آنان اطاعتش کردند و سرانجام کارشان و استکبارشان بدینجا کشید که خدا از ایشان انتقام گرفته  
غرقشان کرد .

## هدف آیه ۵۷ تا ۶۵ سوره زخرف

۱- المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۳۹

۲- المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۶۱

(۱)

**بیان مجادله کفار با رسول الله «ص» درباره عیسی «ع»**

« وَ لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ...! »

بعد از آنکه در آیات قبل از اشاره به داستان موسی علیه السلام فارغ شد، اینک در این آیات به داستان عیسی علیه السلام اشاره می کند و قبل از هر چیز مجادله مردم با رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در باره عیسی علیه السلام را ذکر نموده سپس از آن پاسخ می دهد.

**هدف آیه ۶۶ تا ۷۸ سوره زخرف**

(۲)

**انذار از قیامت**

« هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ...! »

در این آیات دو باره به انذار قوم برگشته ، از قیامت تخویفشان می کند و نیز به مآل حال پرهیزکاران و مجرمین و ثواب و عقابشان در قیامت اشاره می فرماید.

**هدف آیه ۷۹ تا ۸۹ سوره زخرف**

(۳)

**بیان خنثی شدن توطئه علیه رسول الله «ص» و نفی اعتقادات شرک آمیز**

« أَمْ أَبْرُمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ...! »

در این آیات به سخنان قبل برگشت شده و در آن کفار را در برابر اینکه علیه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقشه می کشند تویخ نموده تهدیدشان می کند به اینکه خدای تعالی هم علیه ایشان کید خواهد کرد .

و نیز در این آیات اعتقاد مشرکین را بر اینکه خدا فرزند دارد نفی نموده و بطور کلی شریک داشتن خدا را رد و ربوبیت مطلقه خدا را به تنهایی اثبات می کند و در آخر ، سوره را با تهدید و وعید ختم می کند!

**هدف و فلسفه نزول سوره دخان**

### بیان کیفر شک در قرآن، رحمت بودن آن و نزولش در شب قدر

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! حم! وَ الْکِتٰبِ الْمُبِیْنِ! اِنَّا اَنْزَلْنٰهُ فِی لَیْلَةٍ مُّبَرَّکَةٍ اِنَّا کُنَّا مُنذِرِیْنَ! فِیْهَا یُفْرَقُ کُلُّ اَمْرٍ حَکِیْمٍ...! » (۱ تا ۸/دخان)

غرض سوره در یک کلمه خلاصه می شود و آن این است که می خواهد کسانی

۱- المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۶۹

۲- المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۷۹

۳- المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۸۷

۴- المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۹۵

را که به کتاب خدا شک دارند از عذاب دنیا و عذاب آخرت انذار کند و این غرض را در این سیاق بیان می کند که: قرآن کتابی است روشن که از ناحیه خدا نازل شده بر کسی که او به سوی مردم گسیل داشته، تا انذارشان کند و به این منظور نازل کرده تا رحمتی از او به بندگان باشد و در بهترین شب نازل کرده، شب قدر که در آن شب هر امری بطور خلل ناپذیری تقدیر می شود.

چیزی که هست مردم - یعنی کفار - در باره آن خود را به شک می اندازند و با هوی و هوس خود بازی می کنند و به زودی عذابی دردناک در دنیا از هر سو ایشان را احاطه می کند، آنگاه به سوی پروردگار خود برمی گردند و خداوند بعد از فصل قضاء و محاسبه دقیق با عذابی جاودانه از ایشان انتقام می گیرد.

آنگاه برای آنان مثالی در خصوص عذاب دنیوی می آورد و آن داستان موسی علیه السلام است که به سوی قوم فرعون و برای نجات بنی اسرائیل گسیل شد و فرعونیان او را تکذیب کردند و خداوند به همین جرم در دریا غرقشان کرد.

سپس برای عذاب دومشان که آن را انکار می کردند، یعنی بازگشت به خدا در روز فصل قضا (قیامت) چنین اقامه حجت می کند که: قیامت آمدنی است، چه بخواهند و چه نخواهند!

و در آخر پاره ای از اخبار قیامت را و آنچه بر سر مجرمین می آید و آنچه از انواع عذاب به آنها می رسد، برشمرده، قسمتی هم از ثوابهایی را که به متقین می رسد که حاصل جمعش عبارت است از حیاتی طیب و مقامی کریم، بیان می کند!

## هدف آیه ۹ تا ۳۳ سوره دخان

(۱)

### انذار مشرکین از شک در قرآن و از سرنوشت مشابه هلاکت و غرق فرعونیان

« بَلْ هُمْ فِي شَكِّكَ يَلْعَبُونَ...! »

بعد از آنکه در آیات قبل فرمود: قرآن کتابی است مبین که در بهترین شب بر رسول خدا «ص» نازل شد، تا رحمت خدا و اندازی از سوی وی باشد، اینک در این آیات تردید مشرکین را در حقانیت قرآن یادآور شده تهدیدشان می کند به عذاب دنیا و عذاب روز قیامت و به همین منظور داستان فرستادن موسی به سوی فرعون را برایشان مثل می آورد که فرعون و قومش او را تکذیب کردند و خدای تعالی غرقشان کرد.

و این قصه خالی از این اشاره نیست که خدای تعالی به زودی با بیرون کردن یاغیان قریش از مکه، رسولش و مؤمنین را از شر آنها نجات می دهد و سپس سران قریش را که به تعقیب رسول خدا «ص» و مؤمنین برمی خیزند هلاک می نماید.

## هدف آیه ۳۴ تا ۵۹ سوره دخان



(۱)

**عذاب اخروی منکرین معاد**

« إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ...! »

بعد از آنکه کفار را به عذاب دنیوی و سپس به عذاب اخروی انداز و تهدید کرد و در عذاب دنیوی به ماجرای قوم فرعون تمثیل جست که موسی از طرف پروردگارش به رسالت به سویشان گسیل شد و مردم او را تکذیب کردند و در نتیجه غرق گشته و منقرض شدند، اینک در این آیات به عذاب اخروی آنان پرداخته و انکار معاد را از ایشان حکایت می کند که معتقد بودند به اینکه بعد از مرگ اولی دیگر حیاتی نیست و آنگاه بر اثبات معاد احتجاج می کند و برهان اقامه می نماید و سپس به پاره ای از عذابهای آخرت که به زودی مجرمین بدان مبتلا می شوند و نیز به پاره ای از نعمت های دائمی که متقین به آن می رسند اشاره می کند، و در اینجاست که سوره با تذکر همان مطلبی که با آن آغاز شده بود یعنی نزول کتاب به منظور تذکر خلق و دستور به انتظار کشیدن رسول خدا «ص» خاتمه می یابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره جاثیه**

(۲)

**دعوت عموم بشر به دین توحید**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ...! »

(۱ تا ۱۳/جاثیه)

غرض این سوره دعوت عموم بشر است به دین توحید، و پرهیز از عذابی که از آن انداز می کند.

سوره، نخست با مساله توحید آغاز می شود و سپس به تشریح شریعت برای رسول خدا «ص» و اینکه بر آن جناب و بر عامه بشر لازم است از آن پیروی کنند اشاره نموده، می فرماید: چون در پیش روی خود روزی را دارند که در آن روز بر طبق اعمال صالحی که انجام داده اند از ایمان و پیروی شریعت و بر طبق گناهانی که کرده اند از اعراض از دین و غیره محاسبه خواهند شد.

آنگاه پیشامدهایی را که هر یک از این دو طایفه در قیامت دارند ذکر می کند. البته در خلال این بیانات انداز شدید و تهدید سختی به مستکبرین دارد که از آیات خدا اعراض می کنند و نیز به کسانی که هوای نفس خود را معبود خود گرفته اند و





خدا آنان را گمراه کرد در عین اینکه به گمراهی خود عالم بودند ، هشدار می دهد .

از لطائفی که در این سوره آمده بیان معنای نوشتن نامه اعمال و استنساخ آن است!

### هدف آیه ۱۴ تا ۱۹ سوره جاثیه

(۱)

#### بیان تشریح شریعت برای رسول الله «ص» و پیروی از آن

« قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ...! »

بعد از آنکه آیات و دلایل وحدانیت خدای تعالی را ذکر نمود و در ضمن آنها تا اندازه ای به مساله معاد اشاره نمود و نیز مساله نبوت را در خلال ذکر تنزیل کتاب و تهدید استهزاء کنندگان ذکر فرمود ، اینک در این آیات تشریح شریعت برای رسول خدا «ص» را ذکر می کند و برای اینکه مطلب مربوط به ما قبل شود، دو مقدمه می آورد:

یکی اینکه مؤمنین باید متعرض حال کفار منکر معاد نشوند، زیرا خدای تعالی خودش ایشان را مجازات خواهد فرمود، چون اعمال چه خوب و چه بدش مورد بازپرسی قرار خواهد گرفت و علت تشریح شریعت هم همین است .

دوم اینکه انزال کتاب و حکم و نبوت امری نوظهور نیست، چون خدای تعالی به بنی اسرائیل نیز کتاب و حکم و نبوت داد و معجزات روشنی برایشان اظهار کرد ، که با آن معجزات دیگر جای شکی در دین خدا باقی نماند ، چیزی که هست علمای بنی اسرائیل از راه ستم و یاغی گری در آن دین اختلاف راه انداختند که به زودی خدای تعالی بین آنان داوری خواهد کرد .

آنگاه بعد از ذکر این دو مقدمه مساله تشریح شریعت برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را بیان نموده و آن جناب را دستور می دهد تا از شریعت خود پیروی کند و از پیروی هوی و هوسهای مردم جاهل دوری نماید .

### هدف آیه ۲۰ تا ۳۷ سوره جاثیه

(۲)

#### بیان بصیرت بودن شریعت اسلام برای مردم

« هَذَا بَصِيرَةٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ...! »

بعد از آنکه به مساله تشریح شریعت برای رسول خدا «ص» اشاره کرد و فرمود که آن جناب را بر شریعتی از امر یعنی شریعت اسلام قرار دادیم ، اینک در این آیات به این معنا اشاره می کند که شریعت اسلام بصیرتهایی برای مردم است ، که با آن

تشخیص می دهند که چه راهی از راه های زندگی را طی کنند تا به حیات طیب در

---

۱-المیزان ج : ۱۸ ص : ۲۴۷

۲-المیزان ج : ۱۸ ص : ۲۵۵

دنیا و سعادت زندگی آخرت برسند و نیز شریعت اسلام هدایت و رحمتی است برای مردمی که به آیات خدا یقین دارند .

و نیز به این نکته اشاره می کند که آنچه مرتکبین گناهان را وادار می کند که از پیروی شریعت سرباز زنند ، انکار معاد است ، آنها خیال می کنند که با افراد متشرعی که پابند به دین خدا هستند ، در زندگی و مرگ یکسانند و برای پایبندی به شریعت هیچ اثری قائل نیستند ، لذا فکر می کنند چرا به خاطر پیروی از شریعت خود را به زحمت اندازیم و بدون جهت مقید نموده ، بار سنگین اعمال صالح را به دوش بکشیم؟ به همین جهت خدای تعالی بر بطلان پندار آنان و اثبات معاد اقامه برهان می کند و سپس به شرح جزئیات پرداخته شمه ای از پادشاهای صالحان و عقابهای طالحان و منکرین و مجرمین را بیان نموده و سوره را با حمد و تسبیح خدا ختم می کند!

### هدف و فلسفه نزول سوره احقاف

(۱)

#### انذار منکرین به توحید و نبوت و معاد

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! حم! تَنْزِیْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ الْحَكِیْمِ...! »

(۱ تا ۱۴/احقاف)

غرض این سوره انذار مشرکینی است که دعوت به ایمان به خدا و رسول و معاد را رد می کردند و این انذار مشتمل است بر عذاب الیم برای کسانی که آن را انکار نموده، از آن اعراض کنند و به همین جهت این سوره با اثبات معاد آغاز شده و در این آیات احتجاج بر یگانگی خدا و بر نبوت نیز شده و اشاره ای هم به هلاکت قوم هود و قریه های پیرامون مکه رفته است و به این وسیله مردم را انذار می کند .

و نیز از آمدن چند نفر از طائفه جن نزد رسول خدا «ص» خبر می دهد که بعد از شنیدن آیاتی از قرآن به آن جناب ایمان آورده ، به نزد قوم خود باز گشتند ، تا ایشان را انذار کنند .

#### هدف آیه ۱۵ تا ۲۰ سوره احقاف

(۲)

#### بیان تقسیم مردم به دو دسته : تائبین و خاسرین ، و بیان عملکرد آنان

« وَ وَصِیْنَا الْاِنْسَانَ بِوَلَدِیْهِ اِحْسَانًا حَمَلَتْهُ اُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتّٰی اِذَا بَلَغَ اَشَدَّهُ وَ بَلَغَ اَرْبَعِیْنَ سَنَةً قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِیْ اَنْ اَشْكُرَ »

١- الميزان ج : ١٨ ص : ٢٨١

٢- الميزان ج : ١٨ ص : ٣٠٤

نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وِلْدِي وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحَ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنْى تُبْتَ إِلَيْكَ وَ إِنْى مِنَ الْمُسْلِمِينَ...!»

در این فصل از آیات به طور مفصل شرح می دهد و می فرماید: مردم دو دسته اند: یک دسته تائبین هستند که همواره به سوی خدا رجوع دارند و در برابر او تسلیمند و ایشان کسانی اند که اعمال نیکترشان قبول می شود و از گناهانشان در می گذرند و جزو اصحاب جنتند.

دسته دیگر خاسران و زیانکارانند که همان سرنوشتی که امت های گذشته از جن و انس بدان گرفتار شدند در باره اینان نیز حتمی شده است .

آنگاه طائفه اول را به کسی مثل زده که ایمان به خدا دارد و تسلیم او و نیکوکار به والدین خویش است و همواره از خدا می خواهد تا شکر بر نعمتهایش را به او الهام کند ، نعمتهایی که به خودش داده و نعمتهایی که به پدر و مادرش ارزانی داشته و نیز می خواهد که عمل صالح و اصلاح ذریه اش را به وی الهام کند!

و طائفه دوم را به کسی مثل زده که عاق پدر و مادرش باشد ، وقتی او را به سوی ایمان به خدا و روز جزاء می خوانند می گوید: این حرفها جزو خرافات کهنه و قدیمی است و به این اکتفاء ننموده پدر و مادر را تهدید می کند که دیگر از این حرفها نزنند .

### هدف آیه ۲۱ تا ۲۸ سوره احقاف

(۱)

### بیان نابودی قوم عاد و بیان ایمان آوردن جنیان به قرآن

« وَ اذْكُرْ اَخَا عَادٍ اِذْ اَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْاَحْقَافِ وَ قَدْ خَلَّتِ النَّدْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ اَلَا تَعْبُدُوا اِلَّا اللّٰهَ اِنِّى اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ...!»

در این آیات به دو داستان اشاره می کند: یکی از قوم عاد و هلاکت ایشان و در ضمن اشاره به هلاکت قرای پیرامون مکه و یکی هم از ایمان آوردن قومی از جن ، که خدای تعالی به سوی رسول خدا «ص» متوجهشان کرد و با شنیدن قرآن ایمان آوردند و برای انذار به سوی قوم خود برگشتند .

و منظور از نقل این دو داستان این است که هر کس بخواهد از سرگذشت آنان عبرت بگیرد و آیات فوق تنها مربوط به داستان اول است.

### هدف آیه ۲۹ تا ۳۵ سوره احقاف

**مقایسه ایمان آوردن جن به قرآن با انکار کردن آن بوسیله کافران**

« وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا

---

۱- المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۱۹

۲- المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۲۷

فَلَمَّا قُضِيَ وَلُوا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ...!»

این آیات داستان دومی را بعد از داستان قوم عاد بیان می کند تا امت اسلام از آن عبرت گیرد، اگر بگیرد و در این آیات به مشرکین طعنه می زند که چگونه به آن جناب و به کتابی که بر او نازل شده کفر ورزیدند با اینکه کتاب مزبور به زبان خود آنان نازل شده و خوب می دانند آیتی معجزه است و با این حال آن را از نوع کتابهای بشری معرفی می کنند و به آن کتابها تشبیه می نمایند و با اینکه جن وقتی بدن گوش فرا دادند ایمان آوردند و به سوی قوم خود برگشتند تا آنان را هم انذار کنند

### هدف و فلسفه نزول سوره محمد «ص»

(۱)

#### مقایسه بین صفات و آثار صفت مومنین و کافرین، و بیان احکام جهاد

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلُهُمْ...! »

(۱ تا ۶/محمد)

این سوره کفار را به اوصاف خبیثه و اعمال زشتی که از خصائص ایشان است توصیف می کند و مؤمنین را با صفات طیب و اعمال نیکی که دارند می ستاید ، آنگاه آثار صفات مؤمنین را که نعمت و کرامت است و آثار صفات کفار را که نعمت و خوارگی است، بر می شمارد.

و خلاصه در این سوره بین دو طائفه مقایسه شده، هم بین صفات و اعمالی که در دنیا دارند و هم بین آثاری که در آخرت مترتب بر اعمال آنان می شود .

و در این میان بعضی از احکام جهاد و قتال را بیان می کند.

### هدف آیه ۷ تا ۱۵ سوره محمد

(۲)

#### وعده نصرت در جهاد

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخَيِّطْ أَقْدَامَكُمْ...! »

سیاق این آیات همان سیاقی است که آیات قبل داشتند.



بیان وصف منافقان و بیماردلان

« وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ...! »

سیاق این آیات طبق سیاق آیات قبلی جریان یافته و در آن متعرض حال کسانی

۱- المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۳۶

۲- المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۴۵

۳- المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۵۳

شده که منافق و بیمار دلند و بعد از ایمان به کفر برمی گردند .

### هدف آیه ۳۳ تا ۳۸ سوره محمد

(۱)

#### هشدار به مومنین از تمایل به مشرکین و حبط اعمال خود

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا ءَعْمَالَكُمْ...! »

خدای تعالی بعد از آنکه حال کفار را بیان کرد و بیان حال بیماردلان و تناقل آنان در امر قتال و حال مرتدین ایشان را بر آن بیان اضافه کرد، اینک در این آیات روی سخن را به مؤمنین برگردانده و بر حذرشان می دارد از اینکه مثل آن کفار و آن منافقین و آن مرتدین باشند و با مشرکین سازش نموده به سوی آنان متمایل شوند، در نتیجه تابع روشی شوند که خدا را به خشم می آورد و یا همانند منافقان از خوشنودی خدا کراهت داشته باشند و در نتیجه عملشان حبط گردد .

البته در این آیات ایشان را با ترغیب و ترهیب و تطمیع و تخویف ، موعظه هم می کند و با این بیانات سوره خاتمه می یابد.

### هدف و فلسفه نزول سوره فتح

(۲)

#### وعده فتح مبین، و بیان شرح سفر رسول الله «ص» منجر به صلح حدیبیه

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا...! » ( ۱ تا ۷ / فتح )

مضامین آیات این سوره با فصول مختلفی که دارد انطباقش بر قصه صلح حدیبیه که در سال ششم از هجرت اتفاق افتاد روشن است و همچنین با سایر وقایعی که پیرامون این قصه اتفاق افتاد، مانند داستان تخلف اعراب از شرکت در این جنگ و نیز جلوگیری مشرکین از ورود مسلمانان به مکه و نیز بیعتی که بعضی از مسلمانان در زیر درختی انجام دادند که تاریخ و روایات، تفصیل آنها را آورده اند.

پس غرض سوره بیان متی است که خدای تعالی به رسول خدا نهاده و در این سفر فتحی آشکار نصیبش فرموده و نیز متی که بر مؤمنین همراه وی نهاده و مدح شایانی است که از آنان کرده و وعده جمیلی است که به همه کسانی از ایشان داده که ایمان آورده و عمل صالح کرده اند!

### هدف آیه ۸ تا ۱۰ سوره فتح

١- الميزان ج : ١٨ ص : ٣٧٠

٢- الميزان ج : ١٨ ص : ٣٧٧

(۱)

**تعظیم و تکریم رسول الله «ص» و معرفی او به عنوان شاهد و مبشر و نذیر**

« إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا...! »

این چند آیه، فصل دوم از آیات سوره است که در آن خدای سبحان پیامبر خود را از در تعظیم و تکریم چنین معرفی می کند که او را به عنوان شاهد و مبشر و نذیر فرستاده ، اطاعت او اطاعت خدا و بیعت با او بیعت با خدا است!

**هدف آیه ۱۱ تا ۱۷ سوره فتح**

(۲)

**بیان بهانه عربهای بدوی از عدم همراهی رسول الله در جنگ حدیبیه**

« سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلْنَا أَمْوَالَنَا وَ أَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا...! »

این آیات فصل سومی است از آیات سوره و در آن متعرض حال عربهایی است که از یاری رسول خدا «ص» تقاعد ورزیدند و در سفر حدیبیه شرکت نکردند و به طوری که گفته اند آنها اعراب و قبائل اطراف مدینه بودند، یعنی جهینه، مزینه، غفار، اشجع، اسلم و دئل که از امر آن جناب تخلف کرده و گفتند: محمد و طرفدارانش به جنگ مردمی می روند که دیروز در کنج خانه خود به دست ایشان کشته دادند و بطور قطع از این سفر بر نمی گردند و دیگر دیار و زن و فرزند خود را نخواهند دید.

خدای سبحان در این آیات به رسول گرامی اش خبر داد که اینان به زودی تو را می بینند و از نیامدنشان اعتذار می جویند که سرگرم کارهای شخصی و رسیدگی به اهل و به مالها بودیم و از تو می خواهند برایشان طلب مغفرت کنی، ولی خدا آنان را در آنچه می گویند تکذیب می کند و تذکر می دهد که سبب نیامدنشان، چیزی است غیر از آنچه که اظهار می کنند و آن سوء ظنشان است و خبر می دهد که به زودی درخواست می کنند تا دوباره به تو بپیوندند و تو نباید بپذیری، چیزی که هست به زودی دعوتشان خواهی کرد به جنگ قومی دیگر، اگر اطاعت کردند که اجری جزیل دارند و گر نه عذابی دردناک در انتظارشان هست!

**هدف آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره فتح**

(۳)

## بیان رضایت خدا از بیعت کنندگان بعد از صلح حدیبیه و وعده پیروزی آتی

« لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا...! »

---

۱- المیزان ج : ۱۸ ص : ۴۰۷

۲- المیزان ج : ۱۸ ص : ۴۱۳

۳- المیزان ج : ۱۸ ص : ۴۲۲

این آیات فصل چهارم از آیات سوره است که در آن شرحی از مؤمنین که با رسول خدا «ص» به حدیبیه رفتند ذکر نموده و رضایت خود را از آنان که با آن جناب در زیر درخت بیعت کردند اعلام می دارد آنگاه بر آنان منت می گذارد که سکینت را بر قلبشان نازل کرده و به فتوحی قریب و غنیمت هایی بسیار نویدشان می دهد و نیز خبری که در حقیقت نویدی دیگر است می دهد که مشرکین اگر با شما جنگ کنند فرار خواهند کرد، به طوری که پشت سر خود را نگاه نکنند.

و می فرماید آن رؤیایی که در خواب به پیامبرش نشان داد رؤیای صادقه بود و بر حسب آن ، به زودی داخل مسجد الحرام خواهند شد، در حالی که ایمن باشند و سر خود را بتراشند، بدون اینکه از کسی واهمه ای کنند، چون خدا رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده تا دین حق را بر همه ادیان غلبه دهد ، هر چند که مشرکین کراهت داشته باشند!

### هدف آیه ۲۹ سوره فتح

(۱)

#### توصیف رسول الله و مومنین به «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم!»

«مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْطَهُ فَفَتَّازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوَابِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا!»

این آیه خاتمه سوره است و پیامبر را توصیف می کند و نیز آنهایی را که با اویند به اوصافی می ستاید که در تورات و انجیل ستوده و مؤمنین را که عمل صالح انجام داده اند وعده جمیل می دهد .

این آیه متصل به آیه قبل است، چون در آن آیه می فرمود که او رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده است.

### هدف و فلسفه نزول سوره حجرات

(۲)

#### بیان برخی احکام مهم دین و وظیفه فرد در مقابل خدا و رسول و اجتماع

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...!» (تا ۱۰/حجرات)

۱-المیزان ج : ۱۸ ص : ۴۴۵

۲-المیزان ج : ۱۸ ص : ۴۵۳

این سوره مشتمل بر مسائلی از احکام دین است ، احکامی که با آن سعادت زندگی فردی انسان تکمیل می شود و نظام صالح و طیب در مجتمع او مستقر می گردد .

بعضی از آن مسائل ادب جمیلی است که باید بین بنده و خدای سبحان رعایت شود و پاره ای آدابی است که بندگان خدا باید در مورد رسول خدا «ص» رعایت کنند ، که در پنج آیه اول سوره آمده است.

بعضی دیگر آن، احکام مربوط به مسائلی است که مردم در برخورد با یکدیگر در مجتمع زندگی خود باید آن را رعایت کنند .

قسمتی دیگر مربوط به برتری هایی است که بعضی افراد بر بعض دیگر دارند و تفاضل و برتری افراد از اهم اموری است که جامعه مدنی انسان با آن منتظم می شود و انسان را به سوی زندگی توأم با سعادت و عیش پاک و گوارا هدایت می کند و با آن بین دین حق و باطل فرق می گذارد و می فهمد کدام دین حق است و کدام از سنن اجتماعی قومی است!

و در آخر، سوره را با اشاره به حقیقت ایمان و اسلام ختم نموده ، بر بشریت منت می گذارد که نور ایمان را به او افافه فرموده است .

## هدف آیه ۱۱ تا ۱۸ سوره حجرات

(۱)

### بیان برخی احکام اجتماعی و اخلاقی اسلام

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَبِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ...! »

بیان احکام مربوط به روابط اجتماعی و اخلاقی اسلام از قبیل نفی استهزا و دشنام و غیره.

## هدف و فلسفه نزول سوره ق

(۲)

### بررسی مسئله معاد

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ق! وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ! بَلِّغْ عَجَبُوا أَن جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ...! »  
(۱ تا ۱۴/ق)

این سوره مساله دعوت اسلام را بیان می کند و به آنچه در این دعوت است اشاره می کند، یعنی انذار به معاد و انکار مشرکین به معاد و تعجیبی که از آن داشتند

---

۱- المیزان ج : ۱۸ ص : ۴۷۹

۲- المیزان ج : ۱۸ ص : ۵۰۲



که بعد از مردن و بطلان شخصیت آدمی و خاک شدنش چگونه دوباره زنده می شود و به همان صورت و وضعی که قبل از مرگ داشت برمی گردد؟ آنگاه تعجب آنان را رد می کند به این که علم الهی محیط به ایشان است و کتاب حفیظ که هیچ یک از احوال خلقش و هیچ حرکت و سکون آنها - چه خردش و چه کلانش - از قلم آن کتاب نیفتاده نزد او است. آنگاه این منکرین را تهدید می کند به اینکه اگر به راه نیابند بر سرشان همان خواهد آمد که بر سر امت های گذشته و هلاک شده آمد.

و آنگاه برای بار دوم باز به علم و قدرت خدای تعالی پرداخته از راه تدبیری که در خلقت آسمانها و آراستن آن با ستارگان بی حرکت و با حرکت و تدابیر دیگری که به کار برده و نیز تدبیری که در خلقت زمین به کار برده و آن را گسترده و کوههای ریشه دار در آن جایگزین ساخته گیاهان نر و ماده در آن رویانیده و نیز به اینکه آب را از آسمان فرستاده و ارزاق بندگان را تامین نموده و زمین را با آن آب زنده کرده است، علم و قدرت او را اثبات می کند.

و نیز به همین منظور به بیان حال انسان می پردازد که از اولین روزی که خلق شده و تا زنده است در تحت مراقبت شدید و دقیق قرار دارد، حتی یک کلمه در فضای دهانش نمی آورد و از این بالاتر یک خاطره را در دلش خطور نمی دهد و نفسش آن را وسوسه نمی کند، مگر آنکه همه اش را ثبت می کنند!

و آنگاه بعد از آنکه مرد با او چه معامله می شود و بعد از زنده شدنش برای پس دادن حساب، همچنان در تحت مراقبت هست تا آنکه از حساب فارغ شود، یا به آتش در آید اگر از تکذیب کنندگان حق باشد و یا به بهشت و قرب پروردگار اگر از متقین باشد.

و کوتاه سخن آنکه: زمینه گفتار در این سوره مساله معاد است و یکی از آیات برجسته آن آیه: «لقد کنت فی غفله من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید!» و یکی دیگر آیه: «یوم نقول لجهنم هل امتلات و تقول هل من مزید!» و یکی هم آیه: «لهم ما یشاؤون فیها و لدینا مزید!» است.

و در این آیاتی که نقل کردیم به طور اجمال به مساله معاد و اینکه مشرکین آن را امری بعید می پنداشتند اشاره شده و نخست جوابی اجمالی با تهدید می دهد و سپس به طور مفصل از آن جواب داده، باز برای بار دوم تهدید می کند.

## هدف آیه ۱۵ تا ۳۸ سوره ق

(۱)

### بیان قدرت الهی برای خلق دوم و احاطه او بر تمام افکار و نیت انسان

« أَفَعَبَّيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ...! »



آیه اولی از این آیات تتمه حجتی است که در آخر آیات قلبی بر علم و قدرت خدای تعالی اقامه کرده بود و آن حجت عبارت بود از خلقت آسمانها و زمین و آنچه در آن دو از خلائق و تدابیر است، آن تدبیرهایی که کاملترین تدبیرها و تمام ترین تدبیرها است!

همه این مذکورات مربوط می شد به خلقت نخستین و نشاه نخستین، آنگاه این حجت را تکمیل کرد با اشاره به این جهت که: آیا مگر ما از آن خلقت نخستین خسته شدیم؟ و از آن نتیجه می گیرد که آن خدایی که قادر بود عالم را بدون الگو و برای اولین بار خلق کند، قادر است که در نشاه ای دیگر با خلقتی جدیدش بیافریند، و همان علمی که در خلقت نخستین داشت، در خلقت دوم نیز دارد، چون هر دو در خلقت مثل همه، وقتی برایش یکی از این دو خلقت ممکن باشد، دومی هم ممکن است و برای خلقت دومش مانند اولش نمونه ای نمی خواهد، جز اینکه بگوید باش و همین کافی است که عالم بار دیگر موجود شود! آنگاه از بیان گذشته اعراض می کند و می فرماید: با اینکه هر دو خلقت مثل هم است، باز هم در باره خلقت جدید در شکند؟!

سپس اشاره می کند به خلقت نخستین انسان و اینکه خدا حتی خطورات قلبی او را می داند و رقبائی بر او گمارده تا با دقیقترین وجه مراقبتش کنند، آنگاه سكرات مرگ او را می گیرد و بعد از آن یا داخل بهشت می شوند و یا داخل آتش .

بعد برای بار دوم به سرگذشت اقوام گذشته که آیات خدا و معاد را تکذیب کردند و دچار خشم الهی و عذاب انقراض گشتند، با اینکه از شما مردم نیرومندتر بودند، اشاره نموده، می فرماید: همان خدایی که آنان را آنطور کیفر داد قادر است شما را نیز کیفر کند!

## هدف آیه ۳۹ تا ۴۵ سوره ق

(۱)

### توصیه رسول الله «ص» به صبر در مقابل گفتار کفار و تذکر مومنان به قرآن

« فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ...! »

این آیات خاتمه سوره است، که در آن رسول خدا «ص» را دستور می دهد که در برابر آنچه می گویند و نسبتهایی که می دهند - مثلاً می گویند سحر و جنون و شعر است - صبر کن! و نیز در مقابل لجبازیها و استهزایی که نسبت به معاد و برگشتن به سوی خدای تعالی دارند، حوصله به خرج ده و پروردگار خود را با تسبیح عبادت کن و منتظر روز قیامت باش که با یک صیحه آغاز می شود و کسانی را که از خدای ندیده می ترسند با قرآن تذکر بده!

## هدف و فلسفه نزول سوره ذاریات



### دعوت به توحید در ربوبیت و بیان هدف خلقت انسان

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالدَّرِيبَتِ دَرْوًا! فَالْحَمَلَتِ وَقْرًا! فَالْجَرِيَتِ يُسْرًا! فَالْمُقَسَمَتِ أَمْرًا! إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ! وَإِنَّ الدَّيْنَ لَوَقِيعٌ...! » (تا ۱۹/ذاریات)

دعوت پیامبر اسلام همواره لبه تیزش به طرف وثیت بود، که ایشان را به توحید در ربوبیت می خواند و می خواست به آنها بفهماند که خدای تعالی تنها رب آنان و رب تمامی عالم است!

این دعوتش از دو طریق بود، یکی از راه بشارت و نوید و یکی از راه انذار و تهدید که مخصوصا بر این انذار بیشتر تکیه داشت و انذارش به دو چیز بود: یکی عذاب دنیا که اقوام و ملل گذشته را به جرم تکذیب منقرض ساخت و یکی هم عذاب آخرت که عذابی است جاودانه! و در پیشبرد دعوت، همین انذار مؤثر و عمده بود، چون اگر حساب و جزای روز قیامت نباشد، ایمان به وحدانیت خدا و نبوت انبیاء لغو و بی اثر است! همچنان که مشرکین به همین منظور خدای آسمان و زمین را با خدایان دروغین معاوضه کردند و شدیداً با اصول سه گانه توحید و نبوت و معاد مخالفت و انکار می ورزیدند.

آری می خواستند با انکار معاد و اصرار در اینکه چنین چیزی نیست و مسخره کردن آن به هر راهی که ممکن باشد خود را از قید و بند آزاد کنند، چون آنها هم این قدر می فهمیدند که اگر بتوانند اصل سوم یعنی معاد را باطل کنند آن دو اصل دیگر خود به خود باطل می شود.

این سوره متعرض مساله معاد و انکار مشرکین نسبت به آن است و با این مساله ختم می شود.

اما نه از این جهت که خود معاد را اثبات کند، همچنان که در مواردی از کلام مجیدش، معاد بدان جهت که معاد است مورد نظر قرار گرفته، بلکه از این جهت متعرض آن شده که روز جزاء است و کسی که وعده آن را داده خدای تعالی است و خدای تعالی هم یگانه رب ایشان است و وعده او صدق است و در آن شکی نیست.

و به همین منظور وقتی رشته کلام به احتجاج بر مساله معاد می کشد، بر مساله توحید احتجاج می کند و آیات بیرونی - از زمینی و آسمانی - و آیات درونی را به

رخ می کشد .

و عذابهایی که با آن عذابها امت های گذشته را به دنبال دعوت به توحید عقوبت کرد - وقتی دعوت انبیا را پذیرفتند و نبوتشان را تکذیب کردند - ذکر می کند و این نیست مگر برای همین منظور که با اثبات توحید ، روز جزاء را که خدای واحد وعده داده اثبات کند ، خدایی که هرگز خلف وعده نمی کند ، از سوی دیگر روز جزاء را اثبات کند که دعوت نبویه از آن خبر داده (دعوتی که هرگز دروغ و فریب در آن وجود ندارد!) تا در نتیجه راهی برای انکار معاد برایشان باقی نماند و نتوانند از راه انکار معاد مساله توحید و نبوت را هم لغو جلوه دهند، که بیانش گذشت.

این سوره هر چند همه آیاتش برجسته است ، اما یکی از برجسته ترین آیاتش آیه شریفه: « و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون! » است.

و این نوزده آیه ای که از اول سوره در اینجا آوردیم، در حقیقت آغاز گفتار است و در آن خاطر نشان می سازد این وعده ای که داده شده اند وعده ای است حق و صدق و انکارشان نسبت به آن و لجبازیشان در انکار آن به جز تخمین و احتمال دلیلی ندارد، آنگاه به توصیف روز جزاء می پردازد که متقین در آن روز چه وصفی دارند، و منکرین چه حالی .

## هدف آیه ۲۰ تا ۵۱ سوره ذاریات

(۱)

### بیان وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و تدبیر امور

« وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ...! »

این آیات به تعدادی از نشانه های دلالت کننده بر وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و نیز برگشت امر تدبیر در آسمان و زمین و مردم و ارزاق آنان به خدای سبحان، اشاره می کند که لازمه آن این است که چنین خدایی می تواند از طریق رسالت، دینی را بفرستد و نه تنها می تواند بلکه واجب است که بفرستد و لازمه این وجوب آن است که بر خلاق هم لازم است که دعوت نبوی را در آنچه که دین او متضمن آن است از وعده بعث و جزا تصدیق کنند و قبول کنند که آنچه آن حضرات وعده می دهند صدق است و دین که همان روز جزا است واقع شدنی است!

خصوصیت این سوره همین است که در سلوک احتجاج بر اثبات معاد ، به توحید نیز می پردازد.

## هدف آیه ۵۲ تا ۶۰ سوره ذاریات

(۲)

« كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ...! »

---

١- الميزان ج : ١٨ ص : ٥٥٧

٢- الميزان ج : ١٨ ص : ٥٧٧

این آیات خاتمه سوره است و در آن به همان مطالبی که سوره با آن آغاز شده بود برگشت شده، که همان انکار معاد مشرکین و معارضه با مقام رسالت با سخنانی مختلف بود و سپس ایشان را به روز موعود تهدید می کرد.

## هدف و فلسفه نزول سوره طور

(۱)

### تهدید و انذار انکار کنندگان آیات الهی و بیان کیفر و پاداش روز قیامت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالطُّورِ! وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ...! » (۱ تا ۱۰ / طور)

غرض این سوره تهدید و انذار کسانی است که هر آیتی را تکذیب نموده و همواره با حق عناد می ورزند و می خواهد اینگونه کفار را به عذابی که برای روز قیامتشان آماده کرده بیم دهد و به همین منظور با سوگندهایی غلیظ، از وقوع چنین عذابی و تحقق آن در قیامت خبر می دهد و می فرماید: عذاب آن روز، ایشان را رها نخواهد کرد تا بر آنان واقع شود و هیچ گریزی از آن ندارند.

سپس پاره ای از صفات آن عذاب و آن ویل را که عذابی است عمومی و جدا ناشدنی بیان می کند و در مقابل، قسمتی از نعمتهای اهل نعیم آن روز را که همان متقین هستند شرح می دهد، همانهایی که در دنیا در میان اهل خود به شفقت رفتار می کردند و خدا را به ایمان می خواندند و به یکتایی می ستودند.

و آنگاه شروع می کند به توبیخ مکذبین، که نسبت های ناروایی به رسول خدا «ص» و به قرآن و دین حقی که بر آن جناب نازل شده می دادند.

در پایان، سوره را با تکرار همان تهدیدها ختم نموده، رسول گرامی خود را دستور می دهد به اینکه پروردگار خود را تسبیح گوید!

## هدف آیه ۱۱ تا ۲۸ سوره طور

(۲)

### بیان نشانه عذاب شوندگان روز قیامت

« فَوَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ...! »

این آیات نشانه کسانی را که این عذاب بر سرشان می آید بیان می کند، عذابی که در آن و در وقوعش هیچ شکی نمی توان کرد و حال آن اشخاص را در آن روز بیان می کند و غرض اصلی این سوره همین است - همچنان که قبلا هم خاطر نشان



کردیم - اما اینکه در این میان نامی هم از متقین می برد و شرح حالی از آنان بیان می کند از باب تطفل است و می خواهد انذار و تهدید کفار را تاکید کند .

### هدف آیه ۲۹ تا ۴۴ سوره طور

۱- المیزان ج : ۱۹ ص : ۳

۲- المیزان ج : ۱۸ ص : ۵۷۷

(۱)

**بیان صلاحیت دعوت رسول الله «ص» و دستور ادامه دعوتش**

«فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ...!»

بعد از آنکه از عذاب روز قیامت خبر داد که به زودی تکذیب کنندگان آیات خدای را خواهد گرفت، در حالی که مردم متقی در بهشتها با چشمی روشن و دلی خرسند قرار دارند، اینکه در این آیات به رسول گرامیش دستور می دهد دعوت خود را همچنان ادامه دهد و تذکر خود را متوقف نسازد و اشاره می کند به اینکه آن جناب صلاحیت اقامه دعوت حقه را دارد و این تکذیب کنندگان در تکذیب او و رد دعوتش هیچ عذری ندارند و آنچه را که عذر برای آنان تصور می شود همه را نفی کرده و آن عذرها، شانزده عذر است که بعضی از آنها مربوط به رسول خدا «ص» است، که اگر موجه باشد معنایش این است که: آن جناب صلاحیت برای پیروی ندارد، عذرهایی است که از قبول سخن او جلوگیری می کند، مانند اینکه آن جناب کاهن، یا جن زده یا شاعر و یا دروغ پرداز بر خدا باشد و یا خواسته باشد با دعوتش مردم را سرگرم کند و قسمتی دیگر از آنها مربوط به خود تکذیب کنندگان است، مثل اینکه ایشان بدون خالق به وجود آمده باشند و یا خود، خالق خویش باشند و یا عقلشان حکم کند به اینکه باید دعوت آن جناب را تکذیب کنند و از این قبیل عذرهایی دیگر و آیات مورد بحث علاوه بر رد این اعدا، کفار را بر تکذیبشان شدیداً توبیخ می کند.

**هدف آیه ۴۵ تا ۴۹ سوره طور**

(۲)

**دستور صبر در حکم پروردگار و بی اعتنائی به مکذبین**

«فَذَرَهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ...!»

این آیات، سوره را ختم می کند و در آن رسول خدا «ص» را دستور می دهد که مکذبین را به حال خودشان واگذارد و متعرض ایشان نشود و در برابر حکم پروردگار خود صبر کند و او را با حمد تسبیح گوید!

و در عین حال در بین این مطالب مکذبین را تهدید می کند به همان عذابی که در آغاز سوره با آن تهدید می کرد و آن عبارت بود از عذابی واقع که دافعی برایش نیست و در این آیات، یک تهدید دیگر هم بر آن تهدید اضافه کرده برای ستمکاران!

**هدف و فلسفه نزول سوره نجم**



### یادآوری اصول سه گانه اسلام و بیان چگونگی وحی شب معراج

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ...! » ( ۱۸۱ تا ۱۸۴ / نجم )

غرض این سوره یادآوری اصول سه گانه اسلام، یعنی وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت، معاد و نبوت است، ولی اول به مساله نبوت پرداخته، وحیی را که به رسول خدا «ص» شده تصدیق و توصیف نموده، آنگاه متعرض مساله توحید می شود و بت ها و شرکای مشرکین را به بلیغ ترین وجهی نفی می کند، آنگاه به مساله سوم پرداخته و وضع منتهی شدن خلقت و تدبیر عالم به خدای تعالی و زنده کردن مردگان و خنداندن و گریانندن و اغناء و اقناء و تعذیب و دعوت و انذار را توصیف نموده، گفتار را با اشاره به مساله معاد و امر به سجده و عبادت ختم می کند.

آیاتی که از این سوره آورده ایم فصل اول از فصول سه گانه آیات سوره است آیاتی است که وحیی را که به رسول خدا «ص» می شود تصدیق و توصیف می کند، لیکن در اینجا روایات بسیار زیادی از ائمه اهل بیت علیهم السلام صادر شده که به صراحت فرموده اند: مراد از این آیات این نیست که مطلق وحی را بیان و توصیف کند، بلکه مراد بیان یک قسم وحی است و آن وحی بطور مشافهه و رو در رو است، که در شب معراج خدای سبحان با رسول گرامیش داشت .

پس این آیات می خواهد داستان معراج را بیان کند و ظاهر آیات هم خالی از تایید این روایات نیست و از کلمات بعضی از اصحاب از قبیل ابن عباس و انس و ابی سعید خدری و غیر ایشان - به طوری که از ایشان نقل شده - نیز همین معنا استفاده می شود و بنا بر همین معنا گفتار مفسرین جریان یافته، هر چند که در تفسیر مفردات و جملات این آیات اختلافی شدید دارند .

### هدف آیه ۱۹ تا ۳۲ سوره نجم

### بیان مسئله بت ها و نفی شفاعت بت ها به عنوان اساس بت پرستی

« أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ...! »

این آیات قسمتی از آیات فصل دوم سوره است، که گفتیم در سه فصل خلاصه می شود، خدای تعالی در این آیات به مساله بت ها و بت پرستی ها پرداخته به شدیدترین وجه ریشه این ادعا را می زند که بت ها به زودی ایشان را شفاعت می کنند



و در این آیات اشاره ای هم به مساله معاد که از مطالب فصل سوم سوره است دارد.

### هدف آیه ۳۳ تا ۶۲ سوره نجم

(۱)

#### بیان نتیجه انفاق در راه خدا، انحصار خلقت و تدبیر در خدا

« أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى...! »

سیاق نه آیه از آیات اول این فصل روایاتی را که در شان نزول وارد شده تصدیق می کند در آن روایات آمده که مردی از مسلمانان اموال خود را در راه خدا انفاق کرد، مردم او را سرزنش کردند که انفاق در راه خدا هم حدی دارد و او را از فنای مالش زنده کرده و از گرفتار شدن به فقر ترساندند و به او که زیر بار نمی رفت گفتند: اگر ترک انفاق گناه داشت به گردن ما، آن مرد هم پذیرفت و دیگر انفاق نکرد و به مناسبت این واقعه آیات نه گانه مذکور نازل شد.

در این آیات حق مطلب در مساله ربوبیت و الوهیت را روشن کرده می فرماید: خلقت و تدبیر تنها از آن خدا است و تمامی آن به خدا منتهی می شود و خدای سبحان هر چه خلق کرده و تدبیر نموده طوری خلق و تدبیر کرده که نشاه ای دیگر را دنبال داشته باشد، تا در آن نشاه جزای کافر و مؤمن و مجرم و متقی را بدهد و لازمه چنین خلقتی تشریح دین است، باید بندگان را به تکالیفی مکلف کند و کرده و شاهدش هم همین است که امت های گذشته را که یکی پس از دیگری آمدند و زیر بار دین و تکالیف او نرفتند هلاک کرد، مانند قوم نوح و عاد و ثمود و مؤتفکه!

آنگاه بعد از نقل این داستانها از صحف انبیای گرامی خاطر نشان کرده که این نذیر - رسول خدا «ص» - هم از همان نذیران امت های گذشته است و اینکه قیامت نزدیک است و سپس در آخر سوره روی سخن را متوجه به ایشان نموده که برای خدا سجده و عبادت کنید .

از جمله آیات برجسته این سوره آیه شریفه: « و ان الی ربک المنتهی! » و آیه شریفه: « و ان لیس للانسان الا ما سعی! » است.

### هدف و فلسفه نزول سوره قمر

(۲)

#### بیان معجزه شق القمر رسول الله و انذار مکذبین و شرح عاقبت شوم آنها

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ...! » ( ۱ تا ۸ / قمر )

این سوره به جز دو آیه از آخرش که متقین را وعده بهشت و حضور در نزد

---

١- الميزان ج : ١٩ ص : ٧٠

٢- الميزان ج : ١٩ ص : ٨٧

خدای تعالی می دهد بقیه آیاتش یکسره مربوط به انذار و تهدید است، نخست در این سوره به معجزه شق القمر اشاره می کند، که رسول خدا «ص» آن را به خاطر مطالبه قومش آورد و سپس می فرماید که: همان قوم او را ساحر خواندند و نبوتش را تکذیب نموده همچنان هواهای نفسانی را پیروی کردند، با اینکه خبرهای تکان دهنده ای از اخبار روز قیامت و از داستانهای امم منقرضه در گذشته بگوششان خورد.

آنگاه دوباره به نقل پاره ای از آن داستانها بر می گردد، اما پیداست که با خشم و عتاب آنها را نقل می کند و بد حالیشان در روز قیامت هنگام بیرون شدن از قبرها و حضورشان را برای حساب خاطر نشان می سازد.

سپس به داستانهایی از قوم نوح، عاد، ثمود، قوم لوط و دودمان فرعون و عذابهای دردناکی که به خاطر تکذیبشان پیامبران را بر سر آنان آمد، پرداخته، می فرماید: قوم پیامبر اسلام نزد خدا عزیزتر از آنان نیستند و ایشان هم مانند آنها نمی توانند خدا را عاجز سازند و در آخر همانطور که گفتیم سوره را با بشارت به متقین ختم می کند.

از جمله آیات برجسته اش آیات راجع به قدر است که در آخر سوره قرار دارد!

## هدف آیه ۹ تا ۴۲ سوره قمر

(۱)

### اندرز قوم رسول الله با بیان عاقبت جوامع تاریخی نابود شده

«كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ...!»

در این آیات به پاره ای از حوادث گذشته که در آن اندرز هست اشاره شده و از میان این دسته از اخبار سرگذشت قوم نوح و عاد و ثمود و قوم لوط و آل فرعون را اختصاص به ذکر داد و مشرکین عرب را با یاد آن اقوام تذکر داد و بار دیگر اجمالی از آنچه سابقا از وضع آنان و سرانجام امرشان بیان کرده بود تذکر می دهد، تا بدانند در اثر تکذیبشان به آیات خدا و فرستادگان او چه عذاب الیم و عقاب هایی در پی دارند، تا آیه شریفه «و لقد جاءهم من الانباء ما فيه مزدجر!» را بیان کرده باشد.

و به منظور اینکه تقریر داستانها و نتیجه گیری از آنها را تاکید کرده باشد و شنوندگان بیشتر تحت تاثیر قرار گرفته و این اندرزها بیشتر در دلها جای گیر شود، دنبال هر یک از قصه ها این جمله را تکرار کرد که: «فکیف کان عذابی و نذرا!» و همین تاکید را با ذکر غرض از انذار و تخویف دو برابر نموده، فرمود: «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر!»

## هدف آیه ۴۳ تا ۵۵ سوره قمر



(۱)

**عبرت از اقوام هالکه گذشته و کیفر آنها در دنیا و آخرت**

« أ كُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلَائِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ...! »

این آیات به منزله نتیجه گیری از مطالب و اخبار عبرت انگیزی است که جلوتر آن را مکرر ذکر کرده بود و آن اخبار نخست راجع به قیامت بود و بار دوم راجع به داستان امت های هالک بود، پس در حقیقت این آیات در درجه اول انعطافی به اخبار امت های هالکه دارد و در نتیجه خطابی است به قوم رسول خدا «ص» که کفار شما بهتر از کفار امت های طاغی و جبار گذشته نیستند و همانطور که خدای تعالی آنها را به ذلت بارترین وجه هلاک کرد، اینان را نیز هلاک می کند و کفار شما برائتی از آتش دوزخ ندارند و چنین مدرکی برایشان نوشته نشده، تا با کفار امت های گذشته فرق داشته باشند، عده و عده شان هم در جلوگیری از عقاب خدا سودی به حالشان نخواهد داشت.

در درجه دوم به اخبار مربوط به قیامت که در سابق گذشت انعطاف دارد، می فرماید: اگر همچنان مرتکب جرم شوند و دعوت تو را تکذیب کنند، بالای قیامتشان عظیم تر و تلخ تر خواهد بود و در آخر اشاره ای به منزلگاه متقین در آن روز نموده، سوره را ختم می کند.

**هدف و فلسفه نزول سوره الرحمن**

(۲)

**بیان نعمت ها و آثار رحمانیت خدا**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الرَّحْمٰنُ! عَلَّمَ الْقُرْءَانَ! خَلَقَ الْاِنْسَانَ! عَلَّمَهُ الْبَيَانَ! »

(۱ تا ۳۰/الرحمن)

این سوره در این مقام است که خاطر نشان سازد که خدای تعالی عالم و اجزای آن از قبیل زمین و آسمان و خشکی ها و دریاها و انس و جن را طوری آفریده و نیز اجزای هر یک را طوری نظم داده که جن و انس بتوانند در زندگی خود از آن بهره مند شوند و قهرا عالم به دو قسمت و دو نشاء تقسیم می شود، یکی نشاء دنیا که به زودی خودش با اهلش فانی می شود و یکی دیگر نشاء آخرت که همیشه باقی است و در آن نشاء سعادت از شقاوت و نعمت از نعمت متمایز می گردد.

۱-المیزان ج : ۱۹ ص : ۱۳۶

۲-المیزان ج : ۱۹ ص : ۱۵۳

با این بیان روشن می شود که عالم هستی از دنیایش گرفته تا آخرتش نظامی واحد دارد، تمامی اجزا و ابعاض این عالم با اجزا و ابعاض آن عالم مرتبط است و اجزای عالم هستی ارکانی قویم دارد، ارکانی که یکدیگر را اصلاح می کنند، این جزء، مایه تمامیت آن جزء دیگر و آن مایه تمامیت این است!

پس آنچه در عالم هست چه عینش و چه اثرش از نعمت ها و آلائی خدای تعالی است و به همین جهت پشت سر هم از خلاق می پرسد و با عتاب هم می پرسد که: «فبای الاء ربکما تکذبان - کدامیک از آلائی پروردگارتان را تکذیب می کنید؟» و این خطاب عتاب آمیز در این سوره سی و یک مرتبه تکرار شده است .

و باز به همین مناسبت است که این سوره با نام رحمان آغاز گردید ، که صفت رحمت عمومی و همگانی خداست ، رحمتی که مؤمن و کافر و دنیا و آخرت را در بر دارد و در آخر نیز، سوره با آیه: «تبارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام!» ختم می شود..

در قرآن کریم این تنها سوره است که بعد از بسم الله با یکی از اسمای خدای عز و جل آغاز شده است.

در مجمع البیان از امام موسی بن جعفر از آبای گرامی اش علیهم السلام از رسول خدا «ص» روایت آورده که فرموده : برای هر چیزی عروسی و جلوه گاه حسنی

هست و عروس قرآن سوره الرحمن است!

## هدف آیه ۳۱ تا ۷۸ سوره الرحمن

(۱)

### بیان نعمت های بهشتی و بازگشت جن و انس به خدا

« سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّةَ الثَّقَلَانِ...! »

این آیات فصل دوم از آیات سوره است، که نشئه دوم جن و انس را توصیف می کند ، نشئه ای که به سوی خدا بر می گردند و به جزای اعمال خود می رسند و آلاء و نعمتهایی را که خدا در آن نشئه به ایشان ارزانی می دارد بر می شمارد ، همچنان که در فصل گذشته نشاء اول را توصیف می کرد، آلائی خدا در آن نشاء را بر می شمرد.

### هدف و فلسفه نزول سوره واقعه

(۲)

### بیان وقوع واقعه و مقدمات آن - تقسیم بندی انسانها در قیامت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ!..! » ( ١٠ تا ١٠ / واقعه )

---

١- الميزان ج : ١٩ ص : ١٧٤

٢- الميزان ج : ١٩ ص : ١٩٤

این سوره، قیامت کبری را که در آن مردم دوباره زنده می شوند و به حسابشان رسیدگی شده جزا داده می شوند شرح می دهد، نخست مقداری از حوادث هول انگیز آن را ذکر می کند، حوادث نزدیک تر به زندگی دنیایی انسان و نزدیک تر به زمینی که در آن زندگی می کرده، می فرماید: اوضاع و احوال زمین دگرگون می شود و زمین بالا- و پایین و زیر و رو می گردد، زلزله بسیار سهمگین زمین کوهها را متلاشی و چون غبار می سازد، آنگاه مردم را به طور فهرست وار به سه دسته سابقین و اصحاب یمین و اصحاب شمال، تقسیم نموده، سرانجام کار هر یک را بیان می کند.

آنگاه علیه اصحاب شمال که منکر ربوبیت خدای تعالی و مساله معاد و تکذیب کننده قرآنند که بشر را به توحید و ایمان به معاد دعوت می کند استدلال نموده، در آخر گفتار را با یادآوری حالت احتضار و فرا رسیدن مرگ و سه دسته شدن مردم خاتمه می دهد.

### هدف آیه ۱۱ تا ۵۶ سوره واقعه

(۱)

#### شرح بهشت مقربون و اصحاب یمین، و دوزخ اصحاب شمال

« أَوْلَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ! فِی جَنَّتِ النَّعِیمِ...! »

این آیات حال و وضعی که هر یک از سه طایفه (مقربون، اصحاب یمین و اصحاب شمال) در قیامت دارند شرح می دهد.

### هدف آیه ۵۷ تا ۹۶ سوره واقعه

(۲)

#### بیان جزای شکستن عهد ازل و تکذیب روز جزا

« نَحْنُ خَلَقْنٰكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ...! »

بعد از آنکه رشته کلام خدای سبحان منتهی شد به بیان عاقبت امر طوایف سه گانه، که آخرین ایشان اصحاب شمال بود و فرمود: عاملی که ایشان را به چنین سرنوشتی سوق داد یکی شکستن عهدی بود که در ازل سپرده بودند که به مراسم عبودیت قیام کنند و دیگری تکذیب بعث و جزا بود و نیز بعد از آنکه رسول گرامی خود را دستور داد به اینکه گفتار آنان را با تقریر بعث و جزا و بیان کیفرها و پاداشهای قیامت رد کند، اینک در این آیات ایشان را بر سر اینکه معاد و جزا را انکار کردند توییح می کند، به اینکه آورنده خبر بعث و جزا خدا است، که آفریدگار ایشان و مدبر امر ایشان و کسی است که مرگ و ایجاد بعد از مرگ را برایشان مقدر کرده، او می داند که از آغاز خلقتشان تا منتها الیه امرشان چه حوادثی بر آنان جریان می یابد و نیز توییح می کند به اینکه آن کتابی که ایشان را از معاد خیر می دهد قرآن کریم است، که از بازیچه دست شیطانها و

اولیای گمراه آنان مصون است!

---

۱- المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۰۳

۲- المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۲۴

سپس دوباره بر سر سخن شده حال طوایف سه گانه را یک بار دیگر بیان می کند و خاطر نشان می سازد که اختلاف احوالی که این طوایف دارند، از روز مرگشان شروع می شود. در اینجا سوره خاتمه می یابد.

## هدف و فلسفه نزول سوره حدید

(۱)

### تشویق و تحریک مومنین به انفاق برای کمک به تجهیز جهادگران

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! » (۱ تا ۶/حدید)

غرض این سوره تحریک و تشویق مؤمنین به انفاق در راه خداست، همچنان که تکرار امر صریح به این معنا در خلال آیاتش اشعار بدان دارد. در تشویق مردم به این عمل همین بس که انفاق مردم را قرض دادن آنان به خدای عز اسمه دانسته و معلوم است که خدای عز و جل عالی ترین و مقدس ترین و بهترین مطلوبست، او هرگز خلف وعده نمی کند و او وعده شان داده که اگر به وی قرض بدهند مضاعف و چند برابر بر می گرداند و نیز وعده داده که در عوض انفاقشان اجری کریم و بسیار زیاد بدهد.

و نیز اشاره کرده به اینکه این انفاق منشاش تقوا و ایمان به رسول است و اثر آموزش گناهان و داشتن دو برابر از رحمت و ملازمت با نور و بلکه ملحق شدن به صدیقین و شهداء در نزد خدای سبحان است.

در خلال آیات سوره معارفی هم راجع به مبدأ و معاد آمده و دعوت به تقوا و اخلاص ایمان و زهد دارد و نیز مشتمل بر مواعظی است.

چون تشویق و تحریک مردم به انفاق و اینکه انفاق قرض دادن به خداست این توهّم را ایجاد می کند که مگر خدا به مال ما محتاج است، لذا از همان آغاز سخن یعنی اولین کلمه سوره مساله نزاهت خدا از احتیاج را خاطر نشان نموده، فرموده: آنچه در زمین و آسمانهاست خدا را تسبیح می گویند و نیز عده ای از اسمای حسنیای خدا را که رساننده این نزاهت است ذکر کرد و همه سوره هایی که با تسبیح خدا آغاز شده، یعنی سوره حشر، صف، جمعه و تغابن که بعضی با کلمه سبح و بعضی دیگر با کلمه یسبح آغاز شده اند، نظیر سوره مورد بحث است.

### هدف آیه ۷ تا ۱۵ سوره حدید

(۱)

**دستور اکید به تامین هزینه های جنگ و دفاع**

« ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ...! »

در این آیات دستور مؤکد می دهد به اینکه مسلمین در راه خدا و مخصوصا در جهاد انفاق کنند و از آیه شریفه: «لا یستوی منکم من انفق من قبل الفتح...!» به خوبی برمی آید که دستور مذکور در مورد جهاد مؤکدتر است و همین خود مؤید آن قولی است که می گوید: آیه شریفه «امنوا بالله و رسوله و انفقوا...!» در جنگ تبوک نازل شد .

**هدف آیه ۱۶ تا ۲۴ سوره حدید**

(۲)

**درجه متفاوت انفاقگران و تامین کنندگان هزینه جنگ**

« أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ...! »

این قسمت از آیات سوره همان هدف و غرضی را دنبال می کند که قسمت قبلی دنبال می کرد و آن تشویق و ترغیب به ایمان به خدا و رسول او و انفاق در راه خدا بود ، البته در ضمن ، مؤمنین را عتاب می کند که چرا باید علائم و نشانه هایی از قساوت قلب از ایشان بروز کند و به منظور تاکید در تحریک و تشویق به انفاق درجه انفاقگران نزد خدا را بیان نموده و با این لحن دستور به انفاق می دهد: « که : هان ! بشتابید به مغفرت و جنت...! » و نیز دنیا و اهل دنیا را که بخل می ورزند و مردم را هم به بخل می خوانند مذمت می کند .

و در خلال آیات، ناگهان سیاق را که مخصوص مسلمانان بود به سیاقی تغییر داده که شامل مسلمین و اهل کتاب هر دو بشود.

**هدف آیه ۲۵ تا ۲۹ سوره حدید**

(۳)

**بیان هدف رسولان و کتاب و میزان: عادت دادن مردم به عدالت و دفاع از آن**

« لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ...! »

خدای تعالی پس از اشاره به قساوتی که دل‌های مؤمنین را فرا گرفته و در

---

۱- المیزان ج : ۱۹ ص : ۲۶۳

۲- المیزان ج : ۱۹ ص : ۲۸۱

۳- المیزان ج : ۱۹ ص : ۲۹۹



نتیجه در امتثال تکالیف دینی و مخصوصاً انفاق در راه خدا که مایه قوام امر جهاد است تئافل ورزیدند و آنگاه ایشان را به اهل کتاب تشبیه کرد که در اثر طولانی شدن مهلت خدا به آنان دل‌هایشان دچار قساوت گردید، اینک در این آیات غرض الهی از فرستادن رسولان و نازل کردن کتاب و میزان همراه ایشان را بیان کرده، می‌فرماید: غرض از این ارسال رسل و انزال کتب این بود که انبیا مردم را به عدالت عادت دهند، تا در مجتمعی عادل زندگی کنند و آهن را نازل کرد تا بندگان خود را در دفاع از مجتمع صالح خود و بسط کلمه حق در زمین بیازمایند، علاوه بر منافع دیگری که آهن دارد و مردم از آن بهره مند می‌شوند.

آنگاه فرمود که نوح و ابراهیم علیه السلام را فرستاد و نبوت و کتاب را در ذریه آن دو بزرگوار قرار داد و یکی پس از دیگری رسولانی گسیل داشت و این سنت همچنان در تمامی امت‌ها استمرار یافت و نتیجه کار همواره این بود که عده‌ای از مردم راه حق را یافته، اکثریتی از ایشان فاسق شدند و سپس سوره را با دعوت مردم به این معنا ختم می‌کند که ایمان خود را تکمیل کنند، تا از رحمت خدا دو چندان عایدشان گردد!

## هدف و فلسفه نزول سوره مجادله

(۱)

### بیان برخی احکام خانوادگی و اجتماعی اسلام

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! قَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّتِی تَجِدُ لَكَ فِی زَوْجِهَا وَ تَشْتَكِیْ اِلَی اللّٰهِ وَ اللّٰهُ یَسْمَعُ تَحَاوُرَ کَمَا اِنَّ اللّٰهُ سَمِیْعٌ بَصِیْرٌ...! » (۱ تا ۶/مجادله)

این سوره متعرض مطالب گوناگون از احکام و آداب و صفات است.

قسمتی از آن مربوط به حکم ظهار است، قسمتی هم مربوط به نجوی و بیخ‌گوشی سخن گفتن است، قسمتی هم مربوط به آداب نشستن در مجلس و قسمتی راجع به اوصاف کسانی است که با خدا و رسولش مخالفت می‌کنند و یا با دشمنان دین دوستی می‌ورزند و کسانی را که از دوستی با آنان احتراز می‌کنند معرفی نموده، به وعده‌ای جمیل در دنیا و آخرت دلخوش می‌سازد!

## هدف آیه ۷ تا ۱۳ سوره مجادله

(۲)

### بیان برخی آداب مجالست و پرهیز از نجوی و سخنان بیخ‌گوشی در مجالس

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ یَعْلَمُ مَا فِی السَّمَوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ مَا یَكُوْنُ مِنْ نَجْوٰی ثَلَاثَهٗ اِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَ لَا خَمْسَهٗ اِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَ لَا اُذْنٰی مِنْ ذٰلِکَ وَ لَا اَکْثَرُ اِلَّا هُوَ مَعَهُمْ

---

١- الميزان ج : ١٩ ص : ٣١٠

٢- الميزان ج : ١٩ ص : ٣١٩

أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ...!»

این آیات راجع به نجوی و پاره ای آداب مجالست است.

### هدف آیه ۱۴ تا ۲۲ سوره مجادله

(۱)

#### تهدید منافقین و مذمت تمایل به دشمنان خدا

« أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ...! »

این آیات سرگذشت دسته ای از منافقین را ذکر می کند که با یهودیان دوستی و مودت و با خدا و رسولش دشمنی داشتند و ایشان را به خاطر همین انحراف مذمت نموده ، به عذاب و شقاوت تهدید می کند ، تهدیدی بسیار شدید و در آخر به عنوان حکمی قطعی و کلی می فرماید: ایمان به خدا و روز جزا نمی گذارد انسانی با دشمنان خدا و رسولش دوستی کند ، حال این دشمنان هر که می خواهند باشند و سپس مؤمنین را مدح می کند به اینکه از دشمنان دین بیزارند و ایشان را وعده ایمان می دهد، ایمانی مستقر در روح و جانشان، ایمانی از ناحیه خدا و نیز وعده بهشت و رضوان می دهد .

### هدف و فلسفه نزول سوره حشر

(۲)

#### بیان چگونگی جنگ با یهود بنی نضیر ، و بیان اصول مراقبت از نفس

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! » ( ۱۰ تا ۱۰/حشر )

این سوره به داستان یهودیان بنی النضیر اشاره دارد که بخاطر نقض پیمانی که با مسلمین بسته بودند محکوم به جلای وطن شدند و نیز به این قسمت از داستان اشاره دارد که سبب نقض عهدشان این بود که منافقان به ایشان وعده دادند که اگر نقض عهد کنید ما شما را یاری می کنیم، ولی همین که ایشان نقض عهد کردند ، منافقین به وعده ای که داده بودند وفا نمودند.

در ضمن این اشارات مطالبی دیگر نیز در این سوره آمده و از آن جمله مساله حکم غنیمت بنی النضیر است.

از آیات برجسته این سوره هفت آیه آخر آن است که خدای سبحان در آنها بندگان خود را دستور می دهد به اینکه از طریق مراقبت نفس و محاسبه آن آماده دیدارش شوند و عظمت کلام و جلالت قدر خود را در قالب بیان عظمت ذات



مقدسش و اسمای حسنی و صفات علیایش ، بیان می فرماید .

### هدف آیه ۱۱ تا ۱۷ سوره حشر

(۱)

#### بیان وعده دروغین منافقین به یهود

« أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِأَخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنُخْرِجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ...! »

این آیات به حال منافقین و وعده هایی که به مردم بنی النضیر دادند که اگر با مسلمین بجنگید کمکتان می کنیم و اگر بیرون بروید با شما می آییم و نیز به خلف وعده شان اشاره می کند.

### هدف آیه ۱۸ تا ۲۴ سوره حشر

(۲)

#### بیان راه های مراقبت از نفس

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ...! »

مضمونی که این آیات شریفه دارد به منزله نتیجه ای است که از آیات سوره گرفته می شود .

بر کسی که ایمان به خدا و رسول و روز جزا دارد واجب است که پروردگار خود را به یاد آورد و او را فراموش ننماید و ببیند چه عملی مایه پیشرفت آخرت او است و به درد آن روزش می خورد که به سوی پروردگارش برمی گردد .

و بدانند که عمل او هر چه باشد علیه او حفظ می شود و خدای تعالی در آن روز به حساب آن می رسد و او را بر طبق آن محاسبه و جزا می دهد ، جزائی که دیگر از او جدا نخواهد شد .

و این همان هدفی است که آیه: « یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد...! » دنبال نموده، مؤمنین را وادار می کند که به یاد خدای سبحان باشند و او را فراموش نکنند و مراقب اعمال خود باشند ، که چه می کنند ، صالح آنها کدام و طالحش کدام است ، چون سعادت زندگی آخرتشان به اعمالشان بستگی دارد .

و مراقب باشند که جز اعمال صالح انجام ندهند و صالح را هم خالص برای رضای خدا به جای آورند و این مراقبت را استمرار دهند و همواره از نفس خود حساب بکشند و هر عمل نیکی که در کرده های خود یافتند خدا را شکر گزارند و هر

عمل زشتی دیدند خود را توبیخ نموده، نفس را مورد مؤاخذه قرار دهند و از خدای تعالی طلب مغفرت کنند.

---

۱-المیزان ج : ۱۹ ص : ۳۶۴

۲-المیزان ج : ۱۹ ص : ۳۷۲

ذکر خدای تعالی به ذکرى که لایق ساحت عظمت و کبریائی او است یعنی ذکر خدا به اسمای حسنی و صفات علیای او که قرآن بیان نموده تنها راهی است که انسان را به کمال عبودیت می رساند، کمالی که انسان، ما فوق آن، دیگر کمالی ندارد! و این بدان جهت است که انسان عبد محض و مملوک طلق برای خدای سبحان است و غیر از مملوکیت چیزی ندارد، از هر جهت که فرض کنی مملوک است و از هیچ جهتی استقلال ندارد .

همچنان که خدای عز و جل مالک او است از هر جهت که فرض شود و او از هر جهت دارای استقلال است و معلوم است که کمال هر چیزی خالص بودن آنست، هم در ذاتش و هم در آثارش، پس کمال انسانی هم در همین است که خود را بنده ای خالص و مملوکی برای خدا بداند و برای خود هیچگونه استقلالی قائل نباشد و از صفات اخلاقی به آن صفتی متصف باشد، که سازگار با عبودیت است، نظیر خضوع و خشوع و ذلت و استکانت و فقر در برابر ساحت عظمت و عزت و غنای خدای عز و جل و اعمال و افعالش را طبق اراده او صادر کند، نه هر چه خودش خواست و در هیچ یک از این مراحل دچار غفلت نشود، نه در ذاتش و نه در صفاتش و نه در افعالش .

و همواره به ذات و افعالش نظیر تبعیت محض و مملوکیت صرف داشته باشد و داشتن چنین نظری دست نمی دهد مگر با توجه باطنی به پروردگاری که بر هر چیز شهید و بر هر چیز محیط و بر هر نفس قائم است، هر کس هر چه بکند او ناظر عمل او است و از او غافل نیست و فراموشش نمی کند .

در این هنگام است که قلبش اطمینان و سکونت پیدا می کند، همچنان که فرموده: «الابدکر الله تطمئن القلوب!» و در این هنگام است که خدای سبحان را به صفات کمالش می شناسد، آن صفاتی که اسمای حسنايش حاکی از آن است و در قبال این شناسایی صفات عبودیت و جهات نقصش برایش آشکار می گردد، هر قدر خدا را به آن صفات بیشتر بشناسد خاضع تر، خاشع تر، ذلیل تر، فقیرتر و حاجتمندتر می شود .

و معلوم است که وقتی این صفات در آدمی پیدا شد، اعمال او صالح می گردد و ممکن نیست عمل طالحی از او سر بزند، برای اینکه چنین کسی دائما خود را حاضر درگاه می داند و همواره به یاد خداست، همچنان که خدای تعالی فرموده: «و اذکر ربك فی نفسك تضرعا و خیفه و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لا تکن من الغافلین! ان الذین عند ربك لا یستکبرون عن عبادته و یسبحونه و له یسجدون!»

**هدف و فلسفه نزول سوره ممتحنه**

(۱)

**منع شدید دوستی مومنین با کفار ، و بیان حکم بیعت زنان مهاجر**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عِدُوِيَّ وَعَدُوَكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ...! » (۹ تا ۱۰/ممتحنه)

این سوره متعرض مساله دوستی مؤمنین با کفار است و از آن به سختی نهی می کند، هم در ابتدای سوره متعرض آن است و هم در آخرش و در خلال آیاتش متعرض احکامی در باره زنان مهاجر و بیعت زنان شده است.

**هدف آیه ۱۰ تا ۱۳ سوره ممتحنه**

(۲)

**بیان حکم بیعت زنان مهاجر مسلمان شده**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاذْكُرْنَ اللَّهَ أَغْلَمَ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَ لَكُمْ دَلِيلٌ عَلَيْهِمْ وَ لَيْسَ لَكُمْ حُكْمٌ اللَّهُ يُحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ...! »

سیاق و زمینه این آیه شریفه چنین می رساند که بعد از صلح حدیبیه نازل شده است. در عهدنامه هایی که بین رسول خدا «ص» و مردم مکه برقرار گردیده نوشته شده است که اگر از اهل مکه مردی ملحق به مسلمانان شد ، مسلمانان موظفند او را به اهل مکه برگردانند ، ولی اگر از مسلمانان مردی ملحق به اهل مکه شد اهل مکه موظف نیستند او را به مسلمانان برگردانند .

و نیز از آیه شریفه چنین برمی آید که یکی از زنان مشرکین مسلمان شده و به سوی مدینه مهاجرت کرده و همسر مشرکش به دنبالش آمده و درخواست کرده که رسول الله «ص» او را به وی برگرداند و رسول خدا «ص» در پاسخ فرموده : آنچه در عهدنامه آمده این است که اگر مردی از طرفین به طرف دیگر ملحق شود باید چنین و چنان عمل کرد و در عهدنامه در باره زنان چیزی نیامده و به همین مدرک رسول الله «ص» آن زن را به شوهرش نداد و حتی مهریه ای را که شوهر به همسرش داده بود

۱- المیزان ج : ۱۹ ص : ۳۸۶

۲- المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۰۷



به آن مرد برگردانید .

اینها مطالبی است که از آیه استفاده می شود و آیه شریفه دلالت بر احکامی مناسب این مطالب نیز دارد، البته احکام مربوط به زنان.

## هدف و فلسفه نزول سوره صف

(۱)

### تشویق به جهاد در راه خدا، و وعده گسترش دین الهی

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! » ( ۱ تا ۹/صف)

این سوره ، مؤمنین را ترغیب و تحریک می کند بر اینکه در راه خدا جهاد نموده ، با دشمنان دین او کارزار نمایند و خبر می دهد که این دین نوری است درخشان از جانب خدای سبحان که کفار اهل کتاب می خواهند آن را با دهان خود خاموش کنند ، ولی خدا نور آن را تمام می کند ، هر چند که کافران کراهت داشته باشند و دین خود را بر تمامی ادیان غلبه می دهد هر چند که مشرکین نخواهند!

و این پیغمبری که به وی ایمان آورده اند فرستاده ای است از طرف خدای سبحان ، او را فرستاده تا هدایت باشد و دین حق را به شما برساند و این همان است که عیسی بن مریم «ع» بنی اسرائیل را به آمدنش بشارت داد .

پس بر مؤمنین است که کمر همت بر اطاعتش ببندند و آنچه امر می کند امتثال کنند و در راه خدا جهاد نموده، خدا را در دینش یاری کنند، تا خدای تعالی به سعادت آخرتشان رسانیده ، یاریشان کند و در دنیا فتح و پیروزی نصیبشان کند و بر دشمنانشان غالب و مسلط نماید و نیز بر مؤمنین است که هرگز آنچه را که خود عمل نمی کنند به دیگران نگویند و در آنچه وعده می دهند تخلف ننمایند ، که این گونه اعمال ایشان را مستوجب خشمی از خدا نموده ، رسول را آزار می دهد و این خطر را هم دارد که خدا دل‌هایشان را منحرف سازد ، همان طور که با قوم موسی «ع» چنین کرد ، چون با اینکه می دانستند آن جناب رسول خدا به سوی ایشان است ، مع ذلک آزارش دادند و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند .

## هدف آیه ۱۰ تا ۱۴ سوره صف

(۲)

### دعوت مومنین به جهاد در راه خدا و اعتماد به وعده جنت و نصرت او

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذُكُم عَلَىٰ تَجْرِهِ تَنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ...! »

١- الميزان ج : ١٩ ص : ٤١٨

٢- الميزان ج : ١٩ ص : ٤٣٥

این آیات مؤمنین را به ایمان به خدا و رسول او و به جهاد در راه خدا دعوت نموده و آنان را به مغفرت و جنت در آخرت و نصرت و فتح در دنیا وعده ای جمیل می دهد و ایشان را دعوت می کند به اینکه نسبت به وعده نصرت خدا و تایید او اعتماد کنند. این دو معنایی که گفتیم غرض نهایی سوره است و مطالبی که در آیات قبلی بود جنبه زمینه چینی برای این دو معنا را داشت .

## هدف و فلسفه نزول سوره جمعه

(۱)

### امر به اهتمام به نماز جمعه

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ...! » ( ۸ تا ۸ / جمعه )

این سوره به بیانی کاملاً انگیزنده ، مسلمین را وادار می کند که نسبت به نماز جمعه اهتمام بورزند و آنچه در به پاداشتنش لازم است فراهم سازند ، چون نماز جمعه از شعائر بزرگ خدا است که تعظیم و اهتمام به امر آن ، هم دنیای مردم را اصلاح می کند و هم آخرتشان را و خدای تعالی بیان این مطلب را با تسبیح و ثنای بر خود آغاز کرد که در میان قومی امی رسولی از خود آنان مبعوث کرد تا آیات او را بر آنان بخواند و با اعمال صالح و اخلاق پاک تزکیه شان کند و کتاب و حکمتشان بیاموزد و به همین منظور کتاب خدا و معارف دینش را به بهترین وجهی بر آنان و افرادی که به آنان ملحق می شوند و نسل های بعد از آنان تحمیل کرد و زندهشان داد از اینکه مثل یهود نباشند که خدای تعالی تورات را بر آنان تحمیل کرد ، ولی آنان آن را حمل نکردند و به معارف آن معتقد نشدند و به احکامش عمل نکردند ، در نتیجه مانند الاغی شدند که بارش کتاب باشد .

و در آخر به عنوان نتیجه دستور می دهد که وقتی بانک نماز جمعه بلند می شود بازار و دادوستد را رها نموده ، به سوی ذکر خدا بشتابند و نیز افرادی را که خلاف این دستور عمل می کنند و رسول خدا «ص» را در حالی که مشغول خطبه نماز است رها نموده ، به سوی دادوستد می روند ، سرزنش می کند و این رفتار را نشانه آن می داند که این گونه افراد معارف کتاب خدا و احکامش را نپذیرفته اند .

## هدف آیه ۹ تا ۱۱ سوره جمعه

(۲)

### بیان حرمت داد و ستد در حین برگزاری نماز جمعه

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا

١- الميزان ج : ١٩ ص : ٤٤٢

٢- الميزان ج : ١٩ ص : ٤٦٠

الْبَيْعِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ...!»

این آیات وجوب نماز جمعه و حرمت معامله را در هنگام حضور نماز تاکید نموده ، در ضمن کسانی را که در حال خطبه نماز آن را رها نموده ، به دنبال لهو و تجارت می روند عتاب نموده ، عملشان را عمل بسیار ناپسند می داند .

### هدف و فلسفه نزول سوره منافقین

(۱)

#### شناساندن منافقین و برحذر داشتن مومنین از نفاق

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ...!» ( ۸ تا ۱۱ / منافقین )

این سوره وضع منافقین را توصیف می کند و آنان را به شدت عداوت با مسلمین متهم ساخته ، رسول خدا «ص» را دستور می دهد، تا از خطر آنان برحذر باشد و مؤمنین را نصیحت می کند به اینکه از کارهایی که سرانجامش نفاق است بپرهیزند، تا به هلاکت نفاق دچار نگردند و کارشان به آتش دوزخ منجر نشود.

### هدف آیه ۹ تا ۱۱ سوره منافقین

(۲)

#### بیان صفات ایجاد کننده نفاق در قلب انسان

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ...!»

در این چند آیه مؤمنین را تذکر می دهد به اینکه از بعضی صفات که باعث پیدایش نفاق در قلب می شود بپرهیزند ، یکی از آنها سرگرمی به مال و اولاد و غافل شدن از یاد خداست و یکی دیگر بخل است .

### هدف و فلسفه نزول سوره تغابن

(۳)

#### تشویق به تامین منابع مالی جنگ و برطرف ساختن مصایب آن

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يُسَبِّحُ لِلَّهِ مِمَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمِمَّا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَيَاةُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...!» ( ۱ تا ۱۰ / تغابن )

این سوره از نظر سیاق و نظم شبیه به سوره حدید است و گویی خلاصه ای از آن است و غرض سوره این است که مؤمنین را تشویق و تحریک کند به اینکه در راه

---

۱- المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۶۸

۲- المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۸۹

۳- المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۹۳

خدا انفاق کنند و غرض دیگرش این است که ناراحتی‌ها و تاسف‌هایی که در اثر هجوم مصائب در دل‌هاشان نشسته برطرف سازد و نوید دهد که اگر در راه ایمان به خدا و جهاد در راه او و انفاق در آن راه مشقاتی را متحمل می‌شوند، همه به اذن خدا است!

آیاتی که در صدر سوره واقع شده جنبه مقدمه و زمینه‌چینی برای بیان این غرض را دارد، در آن آیات بیان می‌کند که اسمای حسنی و صفات علیای خدا اقتضا می‌کند که برای بشر بعث و بازگشتی فراهم سازد، تا همه به سویش برگردند و در آن بازگشت اهل ایمان و عمل صالح به سوی بهشت جاودان هدایت شوند و اهل کفر و تکذیب به سوی آتش ابدی رانده شوند، پس این مطالب مقدمه‌چینی است برای آیات بعد که می‌فرماید: باید خدا و رسول را اطاعت کنید و بر مصائب و نیز در برابر انفاق در راه خدا خویشتن دار باشید، بدون اینکه از منع موانع متاثر و از ملامت شماتت‌گران بیمی به خود راه دهید!

## هدف آیه ۱۱ تا ۱۸ سوره تغابن

(۱)

### تشویق به انفاق و صبر در مصایب جنگ

« مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ...! »

در این آیات به بیان غرض سوره شروع نموده است، چون آیاتی که گذشت گفتیم همه جنبه مقدمه و زمینه‌چینی را دارد و غرض سوره واداری مردم به انفاق در راه خدا و صبر در برابر مصائبی است که در خلال مجاهدات در راه او می‌بینند.

در میان همه این اغراض اول مساله مصیبت‌ها و صبر در برابر آنها را ذکر فرموده تا ذهن شنونده برای تاثر از سفارشات بعدی به انفاق آماده‌تر و صاف‌تر گردد و دیگر عذری باقی نماند!

## هدف و فلسفه نزول سوره طلاق

(۲)

### بیان احکام طلاق

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحْشَةٍ مُبِينَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهُ يَخْذِبُ عَنَّا ذَلِكَ أَمْراً...! » (۱ تا ۷/طلاق)

این سوره مشتمل بر بیان کلیاتی از احکام طلاق است و به دنبال آن مقداری اندرز

١- الميزان ج : ١٩ ص : ٥٠٨

٢- الميزان ج : ١٩ ص : ٥٢٢



و تهدید و بشارت.

## هدف آیه ۸ تا ۱۲ سوره طلاق

(۱)

### موعظه و تهدید و بشارت و تاکید برای اجرای احکام مربوط به زنان

« وَ كَأَيِّن مِّن قَوْمٍ عَتَتْ عَن أَمْرِ رَبِّهَا وَ رُسُلِهِ فَحَاسِبْنَهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَ عَذِّبْنَهَا عَذَابًا نُكْرًا...! »

این آیات موعظه و تهدید و بشارت است و با این اندرزها توصیه به تمسک به احکام خدا را تاکید می کند و یکی از آن احکام همان احکام طلاق و عده است و در قرآن کریم هیچ توصیه ای در باره هیچ حکمی به قدر احکام راجعه به زنان تاکید نشده و این نیست مگر به خاطر اینکه دنبال این احکام و این توصیه ها خبری هست .

## هدف و فلسفه نزول سوره تحریم

(۲)

### دستور اجتناب از حرام کردن حلال خدا

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تَحْرِمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَرْوَاحِكَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ..! » ( ۱ تا ۹ / تحریم )

این سوره با داستانی که بین رسول خدا «ص» و بعضی از همسرانش اتفاق افتاد، آغاز شده و آن این بود که به خاطر حادثه ای پاره ای از حلالها را بر خود حرام کرد و بدین سبب در این آیات آن جناب را مورد عتاب قرار می دهد که چرا به خاطر رضایت بعضی از همسرانت، حلال خدا را بر خود حرام کردی و در حقیقت و به طوری که از سیاق بر می آید عتاب متوجه همان همسر است و می خواهد رسول گرامی خود را علیه آن همسر یاری کند .

بعد از نقل این داستان مؤمنین را خطاب می کند به اینکه جان خود را از عذاب آتشی که آتش گیرانه اش انسان و سنگ است نگه بدارند و بدانند که به جز اعمال خود آنان به ایشان جزایی نمی دهند، جزایشان خود اعمالشان است و معلوم است که هیچ کس نمی تواند از عمل خود بگریزد پس هیچ کس از این جزا خلاصی ندارد، مگر پیغمبر و آنهایی که به وی ایمان آوردند، آنگاه بار دیگر رسول خدا «ص» را به جهاد با کفار و منافقین خطاب می کند . در آخر، سوره را به آوردن مثلی ختم می کند، مثلی از زنان کفار مثلی از زنان مؤمنین.

## هدف آیه ۱۰ تا ۱۲ سوره تحریم

١- الميزان ج : ١٩ ص : ٥٤١

٢- الميزان ج : ١٩ ص : ٥٥٠

### بیان مثل دو همسر خائن و دو زن مومنه تاریخ

« ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عِبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ...! »

این آیات کریمه متضمن دو تا مثل است یکی مثلی که خدا به وسیله آن حال کفار را مجسم می کند و یکی هم مثلی که بیانگر حال مؤمنین است، مثل اول وضع کفار را در شقاوت و هلاکت روشن نموده، بیان می کند که اگر چنین شدند به خاطر خیانتی بود که به خدا و رسولش کردند و سرانجام خیانت به خدا و رسول همین است، از هر کس که می خواهد سر بزند، هر چند از کسی سر بزند که وابسته و متصل به انبیا باشد و مثل دومی بیانگر این حقیقت است که سعادت و رستگاری مؤمنین هم تنها به خاطر ایمان خالصشان به خدا و رسول و قنوتشان و حسن اطاعتشان بوده و اتصال و خویشاوندی که با کفار داشتند ضرری به حالشان نداشت، پس معلوم می شود ملاک کرامت نزد خدا تنها و تنها تقوی است و بس.

برای مجسم کردن این معنا نخست حال این طایفه اول را به حال دو تا زن تاریخ مثل می زند که هر دو همسر دو پیامبر بزرگوار بودند، دو پیامبری که خدای تعالی عبد صالحشان نامیده - و چه کرامتی بزرگتر از این - و با این حال این دو زن به آن دو بزرگوار خیانت کردند و در نتیجه فرمان الهی رسید که با سایر دوزخیان داخل دوزخ گردند، پس این دو زن همسر و هم بستر دو پیامبر بزرگوار بودند، اما همسری آنان سودی به حالشان نبخشید و بدون کسب کمترین امتیازی در زمره هالکان به هلاکت رسیدند.

طایفه دوم را به دو زن دیگر تاریخ مثل می زند، یکی همسر فرعون است، که درجه کفر شوهرش بدانجا رسید که در بین مردم معاصر خود (با کمال بی شرمی و جنون) فریاد زد: رب اعلائی شما منم! اما این همسر به خدا ایمان آورد و ایمانی خالص آورد و خدای تعالی او را نجات داد و داخل بهشتش کرد و قدرت همسری چون فرعون و کفر او نتوانست به ایمان وی خدشه ای وارد سازد، دومی مریم دختر عمران است، مریم صدیقه و قانته که خدایش به کرامت خود گرامیش داشت و از روح خود در او بدمید.

در این تمثیل تعریض و چوبکاری سختی به دو همسر رسول خدا «ص» شده، که آن دو نیز به آن جناب خیانت کردند و سر او را فاش ساخته، علیه او دست به

دست هم دادند و اذیتش کردند و مخصوصاً وقتی می بینیم سخن از کفر و خیانت و فرمان (داخل دوزخ شوید!) دارد، می فهمیم که این تعریض تا چه حد شدید است!

## هدف و فلسفه نزول سوره ملک

(۱)

### دعوت به یگانگی در ربوبیت و اعتقاد به معاد

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَبْرَكَ الَّذِي يَبْدِئُ الْمُلْكَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...! »

( ۱ تا ۱۴ / ملک )

غرض این سوره بیان عمومیت ربوبیت خدای تعالی برای تمامی عالم است، در مقابل مسلک وثنی ها که معتقدند برای هر یک از نواحی عالم ربی جداگانه است که یا از خیل فرشتگان است و یا از مخلوقات دیگر و خدای عز و جل رب همه عالم نیست ، بلکه تنها رب آن ارباب است و بس .

به همین جهت در این سوره بسیاری از نعمت های الهی از خلقت و تدبیر را نام می برد ، چون در حقیقت ذکر این نعمت ها استدلالی است بر ربوبیت عامه الهی!

به همین مناسبت است که سخن را با کلمه تبارک آغاز کرده ، چون این کلمه به معنای کثرت صدور برکات از ناحیه خدای عز و جل است و نیز مکرر جناب ربوبی را به صفت رحمان که مبالغه در رحمت است می ستاید ، چون رحمت ، همان عطیه در قبال استدعای حاجتمند است و در این سوره سخنی هم از انذار و تهدید آمده و در آخر به مساله حشر و قیامت منتهی می گردد .

مضامین آیات آن به دو مساله خلاصه می شود: یکی دعوت به اینکه یگانگی او در ربوبیت را بپذیرند و دوم اینکه به معاد معتقد شوند!

## هدف آیه ۱۵ تا ۲۲ سوره ملک

(۲)

### بیان نشانه های تدبیر الهی و اثبات ربوبیت او

« هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ...! »

در این آیات پشت سر هم، نشانه های تدبیر الهی را ذکر می کند ، تدبیری که ربوبیت آن جناب را اثبات می نماید و این نشانه ها را با انذار و تخویف ذکر نموده ، می فرماید: « هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً! » دنبالش می فرماید: « أ و لم یروا الی الطیر...! » که بعد از انذار در آیه: « الذی خلق الموت و الحیوه..! » و آیه: « الذی خلق سبع سموات ...! » و آیه: « و لقد زینا ...! » قرار گرفته است.

### هدف آیه ۲۳ تا ۳۰ سوره ملک

(۳)

#### بیان نشانه های بیشتری از ربوبیت خدای تعالی و تهدید مشرکین

« قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ...! »

این آیات نشانه های دیگری از ربوبیت خدای تعالی را به مشرکین تذکر می دهد تا به وسیله آن به وحدانیت خدا در خلقت و تدبیر رهنمونشان شود و در آن مطالب را توأم با تخویف و تهدید بیان می کند ، همچنان که گفتیم همه سوره اینطور است ، چیزی که هست باید این را در نظر بگیریم که خدای تعالی بعد از آنکه در جمله: « بل لجوا فی عتو و نفورا! » به لجاجت و عناد آنان در باره حق اشاره کرد ، سیاق را از خطاب به آنان برگردانید و روی سخن از ایشان برتافته خطاب را متوجه رسول خدا «ص» کرد و فرمود: حالا تو با آنان سخن بگو! بگوششان بخوان! آیات و نشانه های ربوبیت من در خلقت و تدبیر را که همه بر یگانگی من در ربوبیت دلالت دارند به یادشان بیاور! و از عذاب من انذارشان کن: « قل هو الذی ...! قل هو الذی ذرأکم ...! قل انما العلم ...! قل أ رأیتم ان اهلکنی الله ...! قل هو الرحمن ...! قل ا رأیتم ان أصبح ماؤکم غورا ...! » که در همه این آیات می فرماید: تو بگو چنین و چنان!

### هدف و فلسفه نزول سوره قلم

(۴)

#### تعریف از خلق عظیم رسول الله و نهی شدید از اطاعت و مداهنه با مشرکین

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ن! وَ الْقَلَمِ! وَ مَا يَسْطُرُونَ! مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ! وَ إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ! وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ...! » (۱ تا ۳۳/قلم)

این سوره رسول خدا «ص» را به دنبال تهمت های ناروایی که مشرکین به وی زده و او را دیوانه خوانده بودند ، تسلیت و دلداری می دهد و به وعده های جمیل و پاسداری از خلق عظیمش دلخوش می سازد و آن جناب را به شدیدترین وجهی از اطاعت مشرکین و مداهنه با آنان نهی نموده ، امر اکید می کند که در برابر حکم پروردگارش صبر کند!

### هدف آیه ۳۴ تا ۵۲ سوره قلم

## بیان نعیم بهشتی پرهیزکاران و عذاب آخرتی تکذیب گران

« إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ...! »

این آیات دنباله تهدیدهایی است که در باره تکذیب گران رسول خدا «ص»

---

۱- المیزان ج : ۱۹ ص : ۵۸۲

۲- المیزان ج : ۱۹ ص : ۵۹۷

۳- المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۰۶

۴- المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۱۳

۵- المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۳۵

کرده بود و عذاب آخرتی آنان را به این بیان مسجل می سازد که مردم با تقوی در بهشت های نعیم هستند و اینکه تکذیب گران و متقین یکسان نیستند، پس نمی توانند امید کرامتی از خدا داشته باشند و چون مجرمند آنچه هم از نعمت های دنیا در اختیار دارند استدراج و املاء است نه نعمت و کرامت و نیز در این آیات رسول خدا «ص» را امر می کند به اینکه در برابر حکم پروردگارش صبر کند و این امر را تاکید می نماید!

## هدف و فلسفه نزول سوره الحاقه

(۱)

### بیان اوصاف قیامت و کيفر تیره بختان و پاداش سعادتمندان

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَاقَّةُ! مَا الْحَاقَّةُ! وَ مَا اُذْرَاكُ مَا الْحَاقَّةُ...! »

(۳ تا ۱۲/الحاقه)

این سوره مساله حاقه یعنی قیامت را به یاد می آورد، در اینجا قیامت را حاقه نامیده، در جای دیگر قارعه و واقعه خوانده است و در این آیات سخن را در سه فراز سوق داده، در فصلی به طور اجمال سرانجام امت هایی را ذکر می کند که منکر قیامت بودند و خدای تعالی آنان را به اخذی رایبه (عقوبتی شدید) بگرفت .

و در فصلی اوصاف حاقه را بیان می کند و اینکه در آن روز مردم دو گروهند، یکی اصحاب یمین و یکی اصحاب شمال، یکی اهل سعادت و دیگری اهل شقاوت!

و در فصل سوم در راستی و درستی خبرها و سخنان قرآن تاکید نموده، آنها را حق الیقین معرفی می کند!

## هدف آیه ۱۳ تا ۳۷ سوره الحاقه

(۲)

### معرفی روز قیامت با برخی از مشخصاتش

« فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ...! »

این آیات فصل دومی است که حاقه را با پاره ای از نشانیها و مقدماتش و شمه ای از وقایعی که در آن روز رخ می دهد معرفی می کند .

## هدف آیه ۳۸ تا ۵۲ سوره الحاقه

## بیان لزوم تصدیق قرآن برای تصدیق حقانیت خبرهای قیامت در آن

« فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ...! »

این دسته از آیات ، فصل سوم از آیات سوره است که مطالب سابق مربوط به

---

۱- المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۵۲

۲- المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۶۱

۳- المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۷۲



حاقه را به لسان تصدیق قرآن تاکید می کند، تا با تصدیق قرآن حقانیت خبرهایی که از مساله قیامت داد ثابت شود .

## هدف و فلسفه نزول سوره معارج

(۱)

### بیان عذابهای واقع در قیامت برای کفار

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ...! » (۱ تا ۱۸/معارج)

آنچه سیاق این سوره دست می دهد این است که می خواهد روز قیامت را توصیف کند به آن عذابهایی که در آن برای کفار آماده شده، از همان آغاز ، سخن از عذاب دارد.

سؤال سائلی را حکایت می کند که از عذاب الهی کفار پرسیده و اشاره می کند به اینکه این عذاب آمدنی است و هیچ مانعی نمی تواند از آمدنش جلوگیری شود و نیز عذابی است نزدیک ، نه دور که کفار می پندارند ، آنگاه به صفات آن روز و عذابی که برای آنان تهیه شده پرداخته ، مؤمنین را که به انجام وظائف اعتقادی و عملی خود می پردازند استثنا می کند.

### هدف آیه ۱۹ تا ۳۵ سوره معارج

(۲)

### استفاده صحیح از غریزه حرص آدمی

« إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا...! »

این آیات به اولین سبب و انگیزه ای که انسان را به رذیله اعراض از یاد خدا و به جمع اموال و گنجینه کردن آن و در آخر دچار آتش خالد شدن وامی دارد اشاره می کند ، آتشی که فرمود: « لظی، نزاعه للشوی! » و آن سبب عبارت است از حالتی در انسان به نام هلع - شدت حرص - که حکمت الهی اقتضا کرد آدمی را به این صفت بیافریند، تا به وسیله این صفت به آنچه مایه خیر و سعادتش می باشد هدایت شود ، چیزی که هست این خود انسان است که این مایه سعادت خود را مایه بدبختی خود می سازد و به جای اینکه در راه سعادت خود صرف کند ، در راه بدبختی خود صرف می کند و همین مایه سعادت خویش را مایه هلاکت دائمی خود می کند، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می کنند، که در جنات از عزت و احترام برخوردارند .

### هدف آیه ۳۶ تا ۴۴ سوره معارج

١- الميزان ج : ٢٠ ص : ٣

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ١٦

## دستور پایان دادن به خصام و بگومگوی رسول الله با کافران

«فَمَا لِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلِكَ مُهْتَبِعِينَ...!»

بعد از آنکه در فصل اول از آیات این سوره در ذیل داستان درخواست عذاب بیان کرد که عذابی واقع شدنی دارند، که هیچ دافعی از آن نیست و آن عذاب آتشی است «متلظی» و «نزاعه للثوی» که هر اعراضگر و هر کسی را که مال جمع می کند و گنجینه می سازد به سوی خود می کشد.

و نیز بعد از آنکه در فصل دوم از آن آیات ملاک گرفتاری آنان به این بدبختی را ذکر کرد و فرمود که: ملاک آن این است که انسان مجهز به غریزه هلع و غریزه حب خیر برای خویش است و این غریزه ها او را به پیروی هوای نفس می کشاند و وادار می کند در برابر هر حقی که با آن مواجه می شود استکبار کند و از این راه به آتش جاودانه اش مبتلا می کند، آتشی که به جز صالحان و معتقدین به روز جزا و ترسندگان از عذاب پروردگار، کسی از آن نجات نمی یابد.

اینک در این فصل از آیات - که فصل سوم است - روی سخن را به همان کفار نموده مثل کسی که از رفتار آنان به تعجب آمده، سخن می گوید، چون ایشان دورادور رسول خدا «ص» را گرفته چپ و راست او را احاطه کرده اند و از او جدا نمی شوند، اما با دلهایی متفرق و با چشم ظاهری به آن جناب اقبال نموده اند، ولی دلهایشان از آن جناب اعراض دارد، لذا رسول گرامی خود را مخاطب قرار داده می فرماید: چرا اینان اینطورند؟ آیا یک یک اینان انتظار دارند در عین اینکه کافرنند داخل در جنت نعیم شوند؟ با اینکه خدای سبحان مقدر فرموده با جنت خود به جز افراد مؤمن را که خود استثنا کرده کسی را گرامی ندارد، آیا اینها با این توقعشان می خواهند از خدا سبقت بگیرند و او را عاجز سازند؟ و حکم او را نقض و تقدیر او را باطل سازند؟ حاشا که بتوانند، زیرا خدایی که آنان را از نطفه ای خوار و بی مقدار آفریده قادر است از همین نطفه که آنان را آفریده کسانی بهتر از ایشان بیافریند، کسانی که او را بپرستند و داخل جنتش شوند.

و در آخر این فصل رسول گرامی خود را دستور می دهد به اینکه خصام و بگومگوی با آنان را تعطیل کند و آنان را به حال خودشان وا گذارد، تا همچنان به لجبازی و سرگرمی خود مشغول باشند، تا آن روزی را که وعده رسیدنش داده شده دیدار کنند!

## هدف و فلسفه نزول سوره نوح

(۱)

**شرح رسالت و مبارزات حضرت نوح**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...! » (۱ تا ۲۴/نوح)

این سوره اشاره می کند به رسالت نوح به سوی قومش و به اجمالی از دعوتش و اینکه قوم او اجابتش نکردند و در آخر به پروردگار خود شکوه نمود و نفرینشان کرد و برای خود و پدر و مادر خود و هر مرد و زنی که با ایمان داخل خانه اش شود استغفار کرد و به اینکه در آخر عذاب بر آن قوم نازل شده ، همگی غرق شدند!

**هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره نوح**

(۲)

**شرح نفرین نوح «ع» علیه قومش و داستان هلاکت آنها**

« مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا...! »

این آیات داستان هلاکت قوم نوح و تتمه نفرین آن جناب علیه ایشان را حکایت می کند.

**هدف و فلسفه نزول سوره جن**

(۳)

**شرح ماجرای ایمان آوردن جن به رسول الله «ص»**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا...! » ( ۱ تا ۱۷/جن )

این سوره به داستان چند نفر از طایفه جن اشاره می کند که صوت قرآن را شنیدند و ایمان آورده ، به اصول معارف دین اقرار کردند. از این اشاره تسجیل نبوت رسول خدا «ص» نتیجه گیری می شود و نیز این سوره به وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و مساله معاد هم اشاره می کند .

**هدف آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره جن**

(۴)

**نتیجه گیری از سوره جن**

« وَ أَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا...! »

در این آیات مساله نبوت تسجیل شده و مساله وحدانیت خدای تعالی و

---

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۳۷

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۵۴

۳- المیزان ج : ۲۰ ص : ۵۷

۴- المیزان ج : ۲۰ ص : ۷۵

مساله معاد را به عنوان نتیجه از داستان جن ذکر می کند.

## هدف و فلسفه نزول سوره مزمل

(۱)

### آماده سازی رسول الله برای دریافت وحی با خواندن نماز شب

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ! قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا! نَصَفَهُ أَوْ انْقَصَ مِنْهُ قَلِيلًا! أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا...! » ( ۱ تا ۱۹/مزمل)

این سوره رسول خدا «ص» را امر می کند به اینکه نماز شب بخواند، تا به این وسیله آماده و مستعد گرفتن مسؤلیتی گردد که به زودی به او محول می شود و آن قرآنی است که به وی وحی خواهد شد و دستورش می دهد در برابر حرفهای بیهوده ای که دشمنان می زنند و شاعر و کاهن یا دیوانه اش می خوانند صبر کند و به نحوی پسندیده از آنان کناره گیری نماید و در این آیات تهدید و اندازی هم به کفار شده و حکم صبر را به همه مؤمنین تعمیم داده، در آخر تخفیفی را که برای رسول خدا «ص» و مؤمنین قائل شده ذکر می کند .

این سوره از نخستین سوره هایی است که در اول بعثت نازل شده است.

## هدف آیه ۲۰ سوره معارج

(۲)

### تخفیف نماز شب برای مومنین و تبدیل آن به قرائت قرآن

« إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُعَدِّدُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عِلْمَٰنَ أَنْ لَّنْ تَحْصُوهُ فِتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَٰنَ أَنْ سَيَكُونُ مِنكُمْ مَّرْضَىٰ وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَلْتَمِعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ يَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَا قُرْءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ! »

سخن در این آیه شریفه برای تخفیف دادن به دستوری است که در اول سوره به شخص رسول خدا «ص» داد و در آیه: «ان هذه تذکره...!» در وسط سوره آن دستور را به عموم مؤمنین تعمیم داد و آن عبارت بود از پرداختن به نماز شب و تهجد! در این آیه می خواهد بفرماید:

خدا از مؤمنین اکتفا کرد به هر مقداری که بتوانند از قرآن تلاوت کنند، پس آیه شریفه می خواهد دستور اول سوره را

تخفیف دهد، نه اینکه آن را نسخ نموده از قیام در دو ثلث شب و یا نصف آن و یا ثلث آن منع کند .

### هدف و فلسفه نزول سوره مدثر

---

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۹۲

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۱۱۴

(۱)

**بیان اولین دستور انذار به رسول الله «ص» و معرفی قرآن کریم**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ! قُمْ فَأَنْذِرْ...! » (اتا ۷/مدثر)

این سوره مشتمل بر مطالب زیر است:

اول اینکه رسول خدا «ص» را دستور می دهد به اینکه مردم را انذار کند و این دستور را با لحنی و در سیاقی بیان کرده که از آن پیداست جزو دستورهای اوائل بعثت است .

دوم اینکه اشاره می کند به عظمت شان قرآن و جلالت قدرش.

سوم اینکه کسانی را که منکر قرآن شوند و نسبت سحر به آن دهند تهدید و کسانی را که از دعوت قرآن سربتانبند مذمت کرده است.

آنچه یقینی و مسلم است این است که این سوره در اوائل بعثت نازل شده و جزو اولین سوره های قرآنی است و آیات هفتگانه ای که در این فصل آوردم متضمن امر به انذار و سایر لوازم انذار است، که خدای تعالی به آن سفارش فرموده است.

**هدف آیه ۸ تا ۳۱ سوره مدثر**

(۲)

**تهدید طعنه زندگان به قرآن کریم**

« فَإِذَا تُقَرِّ فِي النَّاقُورِ...! »

در این آیات شریفه به طعنه زندگان به قرآن که آن را سحر می خواندند و بعضی از حقائق آن را استهزاء می کردند ، تهدید شدیدی شده است .

**هدف آیه ۳۲ تا ۴۸ سوره مدثر**

(۳)

**تنزیه قرآن کریم از تهمت ها**

«-كَلَّا وَالْقَمَرِ...! »



در این آیات قرآن کریم از تهمت هایی که بدان زده شده تنزیه گردیده و این معنا مسجل گشته که قرآن یکی از آیات کبرای حق است و در آن انذار تمامی بشر است و در پیرویش آزادی نفوس از گروگان اعمال است، اعمالی که او را به سوی سقر می کشاند!

## هدف آیه ۴۹ تا ۶۵ سوره مدثر

(۴)

### دعوت کفار به سوی قرآن و بیان عوامل دوری آنان از حق

« فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرِهِ مُغْرَضِينَ...! »

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۱۲۲

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۱۳۱

۳- المیزان ج : ۲۰ ص : ۱۴۷

۴- المیزان ج : ۲۰ ص : ۱۵۵

در این آیات نتیجه گیری از وعده و وعیدهای گذشته را به صورت تعجب از اعراض کفار از تذکرات قرآن و تنفرشان از حق صریح بیان کرده ، گویا فرموده : وقتی جریان بدین قرار است عقلا واجب می شود که دعوت حق را اجابت نموده ، به وسیله تذکرات قرآن متذکر شود ، پس بسیار عجیب است که چطور باز هم از این تذکر روی بر می تابند ، نه ، نه ، علت اصلی این است که اینان به رسالت ایمان ندارند و تک تکشان توقع دارند که کتابی از خدا بر یک یک آنان نازل گردد ، نه ، بلکه علت این است که از آخرت ترس ندارند و در نتیجه از وعید و تهدیدهای قرآن متنبه نمی شوند .

آنگاه روی سخن را به خود آنان کرده، مجدداً آن تذکره را بر آنان عرضه می کند و در قبول و رد آن مخیرشان نموده ، تا اگر خواستند قبول کنند و اگر خواستند رد کنند ، لیکن باید بدانند که در این خواستن مستقل نیستند و نمی توانند با خواست خود خدای سبحان را عاجز سازند و به همین جهت نمی توانند متذکر شوند ، مگر وقتی که خدا بخواهد و حکم قدر به طور قطع در میان آنان نیز جاری است .

### هدف و فلسفه نزول سوره قیامت

(۱)

### بیان خبر وقوع و نشانه های قیامت کبری

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! لَا اُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ! ... » (۱ تا ۱۵/قیامت)

بیان این سوره پیرامون مساله قیامت کبری دور می زند ، نخست از وقوع روز قیامت خبر می دهد و در مرحله دوم آن روز را یکبار با ذکر چند نشانه و بار دیگر با اجمالی از سرگذشت انسان در آن روز توصیف می کند ، و خبر می دهد که اولین قدم در سیر به سوی قیامت مرگ است و در مرحله سوم سوره را با استدلال بر قدرت خدای تعالی بر اعاده عالم ختم نموده، اثبات می کند همانطور که خدای تعالی بر خلقت نخستین عالم قادر بود همچنین بر خلقت بار دوم آن ، که همان قیامت است قادر است!

### هدف آیه ۱۶ تا ۴۰ سوره قیامت

(۲)

### بیان وضع مردم در قیامت

« لَا تَحْرُکْ بِهِ لِسَانَکَ لِتَعْجَلَ بِهِ...! »

این آیات تتمه صفات روز قیامت است ، البته از این نظر که مردم در آن روز چه حالی دارند و اینکه مردم در آن روز دو طایفه اند، طایفه ای که چهره ای شکفته و

---

١- الميزان ج : ٢٠ ص : ١٦٢

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ١٧٢

دلی شاد دارند و طایفه ای دیگر که چهره ای درهم کشیده و دلی نومید از نجات دارند و اشاره می کند به اینکه آغاز این تقسیم از زمان احتضار شروع می شود! و سپس اشاره می کند به اینکه انسان را آزاد و رها نمی گذارند، همان خدایی که او را در آغاز آفرید قادر است بار دیگر او را زنده کند و در اینجا سوره ختم می شود .

## هدف و فلسفه نزول سوره دهر

(۱)

### بیان خلقت انسان و توصیف نعمتهای ابرار و عذابهای کفار در آخرت

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! هَلْ اَتٰی عَلٰی الْاِنْسٰنِ حِیْنٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ یَكُنْ شَیْئًا مَّذْکُورًا...! » ( ۱ تا ۲۲ / دهر)

این سوره در آغاز، خلقت انسان را بعد از آنکه نامی از او در میان نبود خاطرنشان می سازد و سپس می فرماید که خدای تعالی او را به راهی که تنها راه اوست هدایت کرد ، حال یا این انسان شکر هدایتش را می گزارد و یا کفران می کند. آنگاه می فرماید برای کافران انواعی از عذاب و برای ابرار الوانی از نعمت آماده کرده ، و اوصاف آن نعمت ها را در طی هجده آیه شرح می دهد و همین دلیل است بر اینکه مقصود اصلی هم بیان همین جهت بوده است.

پس از بیان اوصاف آن نعمت ، روی سخن را به رسول گرامی خود نموده می فرماید : قرآن نازل شده از ناحیه اوست ، و مایه تذکر بشر است ، پس باید که در برابر حکم پروردگار خود صابر باشد و هوا و هوس های کفار را پیروی نکند و باید که پروردگار خود را صبح و شام به یاد بیاورد و برای او شبها به سجده بیفتد و شبی طولانی تسبیح گوید .

## هدف آیه ۲۳ تا ۳۱ سوره دهر

(۲)

### دستور عدم اطاعت رسول الله «ص» از کفار و مشرکین و منافقین

« اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْقُرْءَانَ تَنْزِیْلًا...! »

بعد از آنکه خدای سبحان جزای ابرار را بیان کرد و فرمود که در برابر صبری که در راه خدا کردند چه پاداشها از نعیم مقیم ابدی و ملک عظیم برایشان تهیه دیده ، اینک در این فصل از سوره خطاب را متوجه رسول گرامی خود نموده و او را امر می کند به اینکه باز هم در برابر حکم پروردگارش صبر کند و این گنهکاران کافر و علاقه مندان به زندگی زودگذر دنیا را که از آخرت روی گردانده به دنیا چسبیده اند



اطاعت نکند، نه مشرکین را و نه سایر کفار را و نه منافقین و هواپرستان را و اینکه همواره به یاد نام پروردگارش باشد و برای او سجده کند و مستمرا او را تسبیح گوید، آنگاه همین فرمان را برای همه امت عمومیت داده، می فرماید: «ان هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سیلاً!»

### هدف و فلسفه نزول سوره مرسلات

(۱)

#### بیانی از یوم الفصل و تهدید شدید منکران آن

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَ الْمُرْسَلٰتِ عُرْفًا...! » ( ۱ تا ۱۵ / مرسلات )

این سوره یوم الفصل که همان روز قیامت است را خاطر نشان ساخته، خبر از وقوع آن را تاکید می کند و این تاکید خود را با تهدید شدیدی به منکرین آن و انداز و تبشیر به دیگران توأم نموده، جانب تهدید را بیش از سایر مطالب تاکید می کند، برای اینکه می بینیم ده مرتبه می فرماید: «ویل یومئذ للمکذبین - وای در آن روز بر تکذیب گران!»

### هدف آیه ۱۶ تا ۵۰ سوره مرسلات

(۲)

#### بیان حجت‌هایی برای یگانگی خدا در ربوبیت از طریق اثبات یوم الفصل

« أَلَمْ نَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ...! »

این آیات حجت‌هایی است که بر یگانگی خدای تعالی در ربوبیت دلالت می کند، أدله‌ای است که به حکم آن باید یوم فصلی باشد و در آن مکذبین به جزای خود برسند و نیز به کیفرهایی که برای آنان تهیه شده و به نعمت و کرامتی که برای مردم با تقوی آماده شده اشاره می کند و سوره را با توییح و مذمت منکرین که از عبادت خدا و ایمان به گفتار او استکبار می ورزند، ختم نموده است.

### هدف و فلسفه نزول سوره نباء

(۳)

#### بیان خبر عظیم قیامت و یوم الفصل

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ! عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ...! » ( ۱ تا ۱۶ / نباء )

این سوره متضمن خبر از آمدن یوم الفصل و صفات آن و استدلال بر حقیقت آن و تردیدناپذیری آن است و از اینجا آغاز می شود که مردم از یکدیگر از خیر قیامت

---

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۳۲

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۴۳

۳- المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۵۵

می پرسند، آنگاه در سیاق جواب و با لحنی تهدیدآمیز می فرماید: به زودی از آن آگاه خواهند شد و سپس برای ثبوت آن به این دلیل استدلال می کند که نظام مشهود در عالم با تدبیر حکیمانه ای که در آن است، بهترین و روشن ترین دلالت را دارد بر اینکه بعد از این نشئه دنیای متغیر و فنا پذیر، نشئه ثابت و باقی هست و به دنبال این خانه ای که در آن عمل هست و جزا نیست، خانه ای هست که در آن جزا هست و عمل نیست، پس در این میان روزی هست که نظام جاری در این عالم از آن خبر می دهد.

سپس آن روز را با ذکر حوادثش توصیف می کند که مردم همگی در آن احضار می شوند و همه یکجا جمع می گردند، طاغیان به سوی عذابی دردناک و متقین به سوی نعیمی مقیم منتقل می شوند و در آخر، کلام را با یک جمله تهدیدآمیز ختم می کند!

### هدف آیه ۱۷ تا ۴۰ سوره نباء

(۱)

#### بیان احوالاتی از یوم الفصل

« إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا...! »

این آیات یوم الفصل را که در جمله: « کلا سیعلمون! » به طور اجمال بدان اشاره کرده بود توصیف نموده، شرح می دهد که در آن روز به طاغیان و متقیان چه می گذرد و در آخر، سوره را با تهدیدی که به منزله نتیجه است ختم می کند.

### هدف و فلسفه نزول سوره نازعات

(۲)

#### بیان خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالنَّزِعَاتِ غَرْقًا...! » (۱ تا ۴۱/نازعات)

در این سوره خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت آمده و از طریق تدبیر ربوبی که نتیجه اش تقسیم شدن مردم به دو طایفه بهشتی و دوزخی است، بر وقوع آن استدلال کرده و در آخر با اشاره به اینکه از رسول خدا «ص» می پرسیدند که قیامت چه وقت است؟ و با پاسخ به این سؤال سوره را ختم می کند.

### هدف آیه ۴۲ تا ۴۶ سوره نازعات

(۳)



## انحصار علم به وقوع قیامت در خدای تعالی

« یَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا...! »

---

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۶۶

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۸۸

۳- المیزان ج : ۲۰ ص : ۳۱۶

در این چهار آیه متعرض سؤال مشرکین از زمان قیام قیامت شده، آن را رد می کند، به اینکه علم به آن نزد احدی نیست و کسی به جز خدای تعالی از آن خبر ندارد و خدای تعالی علم به آن را به خود اختصاص داده است.

### هدف و فلسفه نزول سوره عبس

(۱)

#### تاکید بر توجه به فقرای اهل آخرت و بی اعتنائی به طاغوتها

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! عَبَسَ وَ تَوَلَّى...! » ( ۱ تا ۱۶ / عبس )

غرض سوره، عتاب هر کسی است که ثروتمندان را بر ضعیفان و مساکین از مؤمنین مقدم می دارد، اهل دنیا را احترام می کند و اهل آخرت را خوار می شمارد، بعد از این عتاب رشته کلام به اشاره به خواری و بی مقداری انسان در خلقتش و اینکه در تدبیر امورش سراپا حاجت است و با این حال به نعمت پروردگار و تدبیر عظیم او کفران می کند کشیده شده و در آخر سخن را با ذکر قیامت و جزاء و تهدید مردم خاتمه می دهد.

### هدف آیه ۱۷ تا ۴۲ سوره عبس

(۲)

#### سوزش اصرار انسان در کفر به ربوبیت الهی

« قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ...! »

در این فصل نخست انسان را نفرین می کند و از اینکه در کفر به ربوبیت رب خود اصرار و مبالغه می ورزد تعجب می کند و آنگاه به حدوث و بقای او اشاره نموده می فهماند که انسان نه مالک چیزی از آفرینش خویش است و نه مالک چیزی از تدبیر امورش، بلکه خدای سبحان است که او را از نطفه ای بی مقدار آفریده و سپس اندازه گیری اش کرد و آنگاه راه را برایش آسان ساخت و در آخر هم او است که وی را می میراند و به قبر داخلش می کند و هر وقت که بخواهد دوباره زنده اش می سازد .

پس خدای سبحان یگانه رب و خالق و مدبر امر او است، آن هم نه تنها در حدوثش بلکه در بقایش و تا آخرین لحظه هستی اش مدبر او است، ولی این انسان کفرانگر، فرمان او را نمی برد و به هدایت او مهتدی نمی شود .

و اگر انسان تنها و تنها به طعامی که می خورد نگاه کند، که یکی از مظاهر تدبیر خدا و مشتی از دریای رحمت او است، آن وقت به تدبیر وسیع پروردگارش و

١- الميزان ج : ٢٠ ص : ٣٢٣

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٣٣٤

لطیف صنع او پی می برد ، آنچنانکه عقلش مبهوت شود و هوشش از سر بدر رود ، در حالی که نعمت های خدا تنها طعام نیست و در این میان نعمت های دیگری است که از حیثه شمار بیرون است!

### هدف و فلسفه نزول سوره تکویر

(۱)

#### بیان مقدمات و نشانه های قیامت

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ...! » (۱ تا ۱۴/تکویر)

این سوره روز قیامت را با ذکر پاره ای از مقدمات و نشانیهای آن و پاره ای از آنچه در آن روز واقع می شود متذکر و یادآور می شود و آن روز را چنین توصیف می کند که : روزی است که در آن عمل انسان هر چه باشد کشف می گردد و سپس قرآن را توصیف می کند به اینکه از القآتی است که رسولی آسمانی که فرشته وحی است آن را به رسول خدا «ص» القاء کرده و از القآت شیطانی نیست و رسول خدا هم دیوانه نیست که شیطانها او را دست انداخته باشند .

### هدف آیه ۱۵ تا ۲۹ سوره تکویر

(۲)

#### تنزیه رسول الله «ص» از تهمت های کفار و صیانت از وحی قرآن

« فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ...! »

این آیات در مقام منزّه داشتن رسول خدا «ص» از جنون است - که مشرکین آن جناب را بدان متهم کرده بودند - و نیز منزّه داشتن قرآنی که آورده از مداخله شیطان است، می فرماید: قرآن او کلام خدای تعالی است که ملک وحی آن را به وی القاء می کند، ملکی که هرگز در رسالت خود خیانت نمی کند و نیز قرآن او هشدار است که به اذن خدا هر کسی را که بخواهد راه راست را بیابد هدایت می کند .

### هدف و فلسفه نزول سوره انفطار

(۳)

#### بیان علامت ها و وقایع روز قیامت و اصول کفر و پاداش اعمال

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ...! » ( ۱ تا ۱۹/انفطار)

این سوره روز قیامت را با بعضی از علامت های متصل به آن تحدید می کند و

---

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۳۴۷

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۳۵۴

۳- المیزان ج : ۲۰ ص : ۳۶۴

خود آن روز را هم به بعضی از وقایعی که در آن روز واقع می شود معرفی می کند و آن این است که در آن روز تمامی اعمالی که انسان خودش کرده و همه آثاری که بر اعمالش مترتب شده و بوسیله ملائکه حفظه که موکل بر او بوده اند محفوظ مانده ، در آن روز جزاء داده می شود .

اگر اعمال نیک بوده با نعیم آخرت و اگر زشت بوده و ناشی از تکذیب قیامت بوده ، با دوزخ پاداش داده می شود ، دوزخی که خود او افروخته و جاودانه در آن خواهد زیست. آنگاه دوباره توصیف روز قیامت را از سر می گیرد ، که آن روزی است که هیچ کسی برای خودش مالک چیزی نیست و امر در آن روز تنها برای خداست.

این سوره از آیات برجسته قرآن است!

### هدف و فلسفه نزول سوره مطففین

(۱)

#### تهدید کم فروشان به کیفر روز قیامت

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَیْلٌ لِّلْمُطَفِّفِیْنَ...! » ( ۱ تا ۲۱ / مطففین )

این سوره با تهدید مرتکبین کم فروشی در کیل و وزن آغاز شده و کم فروشان را تهدید می کند به اینکه در یوم عظیم که روز قیامت است برای جزا مبعوث می شوند. این مطلب را با تفصیل جریانی که در آن روز بر سر فجار و ابرار می آید خاتمه می دهد.

#### هدف آیه ۲۲ تا ۳۶ سوره مطففین

(۲)

#### بیان عظمت مقام ابرار در بهشت و نزد خدای تعالی

« إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِی نَعِیْمٍ...! »

در این آیات تا حدودی جلالت قدر ابرار و عظمت مقام آنان نزد خدای تعالی و خرمی زندگی در بهشتشان را بیان نموده، می فرماید: این ابرار که امروز مورد استهزاء و طعنه کفارند ، به زودی به کفار خواهند خندید و عذابی را که به ایشان می رسد تماشا خواهند کرد .

#### هدف و فلسفه نزول سوره انشاق

**بیان سیر هر انسان به سوی پروردگار خود و دیدار نتیجه عملش**

---

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۳۷۷

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۳۹۱

۳- المیزان ج : ۲۰ ص : ۳۹۸

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ...! » ( ۱ تا ۲۵ / انشقاق )

این سوره به قیام قیامت اشاره نموده ، بیان می کند که برای انسان سیری است به سوی پروردگارش ، او در این مسیر هست تا پروردگارش را دیدار کند و خدای تعالی به مقتضای نامه عملش به حسابش برسد. در این آیات این مطالب را تاکید می کند و آیات مربوط به تهدیدش از آیات بشارتش بیشتر است!

### هدف و فلسفه نزول سوره بروج

(۱)

#### تشویق مومنین به صبر و استقامت در راه خدا

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ...! » ( ۱ تا ۲۲ / بروج )

این سوره مشتمل بر انذار و بشارت است و در آن به سختی کسانی را انذار کرده که مردان و زنان مسلمان را به جرم اینکه به خدا ایمان آورده اند شکنجه می کنند ، نظیر مشرکین مکه که با گروندگان به رسول خدا «ص» چنین می کردند ، آنان را شکنجه می کردند تا از دین اسلام به شرک سابق خود برگردند ، بعضی از این مسلمانان صبر می کردند و بر نمی گشتند و لو شکنجه به هر جا که خواست برسد و بعضی برگشته مرتد می شدند و اینها افرادی بودند که ایمانی ضعیف داشتند.

خدای سبحان در این آیات قبل از این مطالب اشاره ای به اصحاب اخذود می کند و این خود تشویق مؤمنین به صبر در راه خدای تعالی است، دنبال این داستان اشاره ای هم به سرگذشت لشکریان فرعون و ثمود دارد و این مایه دلخوشی رسول خدا «ص» و وعده نصرت به آن جناب و تهدید مشرکین است!

### هدف و فلسفه نزول سوره طارق

(۲)

#### انذار مردم از معاد و اشاره به حقیقت آن روز

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالسَّمَاءِ وَ الطَّارِقِ! وَ مَا أَدْرَاكُ مَا الطَّارِقُ! النَّجْمُ الثَّاقِبُ...! » ( ۱ تا ۱۷ / طارق )

در این سوره مردم را به معاد انذار کرده و استدلال کرده به اطلاق قدرت و سخن را با تاکید ایفاء نموده و ضمنا به حقیقت آن روز اشاره می کند و سوره را با تهدید کفار ختم می نماید.

### هدف و فلسفه نزول سوره اعلی



١- الميزان ج : ٢٠ ص : ٤١١

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٤٢٧

(۱)

**امر به توحید و تنزیه لایق ساحت خدای تعالی**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سُبْحَ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى! الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى! وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى...! » (۱ تا ۱۹/اعلی)

در این آیات به توحید خدای تعالی امر شده ، توحیدی که لایق به ساحت مقدس او باشد و نیز به تنزیه ذات متعالیه اش از اینکه نام مقدسش با نامی دیگر ذکر شود و یا چیزی که باید به او مستند شود بغیر او نسبت دهند ، مثلا کسی دیگر را در خلقت و تدبیر و رزق شریک او بدانند و به رسول خدا «ص» وعده تایید می دهد، تایید به وسیله علم و حفظ و نیز وعده می دهد که او را از آسان ترین طریق و مناسب ترین راه موفق به تبلیغ و دعوت بفرماید .

**هدف و فلسفه نزول سوره غاشیه**

(۲)

**تعیین جایگاه استقرار سعادت‌مندان و تیره بختان در قیامت**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ...! » (۱ تا ۲۶/غاشیه)

سوره غاشیه سوره انذار و بشارت است و غاشیه همان روز قیامت است که بر مردم از هر سو احاطه پیدا می کند و در این سوره قیامت را با شرح حال مردم توصیف می کند از این جهت که به دو دسته تقسیم می شوند سعیدها و شقی ها و هر طائفه ای در جایی که برایشان آماده شده مستقر می گردند یکی در بهشت و دیگری در دوزخ و رشته کلام بدینجا کشیده می شود که رسول خدا «ص» را دستور می دهد که مردم را تذکر دهد به اینکه مقام ربوبی چه فنونی از تدبیر در این عالم بکار برده، فنونی که هر یک دلالت دارد بر ربوبیت او برای همه عالم و برای خصوص ایشان و اینکه بازگشتشان به سوی او و حسابرسی اعمالشان با او است!

**هدف و فلسفه نزول سوره فجر**

(۳)

**بیان امتحان الهی از طریق اعطا و منع مال دنیا**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالْفَجْرِ! وَ لَيَالٍ عَشْرٍ! وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ...! » (۱ تا ۳۰/فجر)

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٤٥٤

٣- الميزان ج : ٢٠ ص : ٤٦٤

در این سوره تعلق به دنیا بدان جهت که طغیان و کفران به دنبال دارد، مذمت شده و اهل دنیا را به شدیدترین عذاب دنیا و آخرت تهدید نموده، روشن می سازد که انسان به خاطر کوتاه فکریش خیال می کند اگر خدا به او نعمتی داده به خاطر آن است که نزد خدا کرامت و احترامی دارد و آنکه مبتلا به فقر و فقدان است، به خاطر این است که در درگاه خدا خوار و بی مقدار است، ولی به خاطر پندار غلطش هر فساد و طغیانی را مرتکب می شود و آن پندار غلط را روپوش و رفوی خطاهای خود می کند و دومی هم به خاطر آن پندار غلطش کفر می گوید (و به هر ذلتی تن می دهد)، و حال آنکه امر بر او مشتبه شده، بلکه اگر قدرت و ثروت دارد و اگر مبتلا به فقر و تنگی معاش است، همه به منظور امتحان الهی است، تا روشن کند چه چیز از دنیایش برای آخرتش از پیش می فرستد.

پس قضیه به آن صورت که انسان توهم می کند و به زبان هم جاری می سازد نیست، بلکه به صورتی است که به زودی در قیامت که حساب و جزا به پا می شود، روشن می سازد که آنچه به او رسید چه فقر و ناتوانی و چه ثروت و قدرت همه امتحان بود، که او می توانست از دنیایش برای آخرتش گرفته، از پیش بفرستد، ولی نفرستاد و عذاب آخرت را بر ثوابش ترجیح داد، پس از میان همه مردم دنیا کسی به سعادت زندگی آخرت نمی رسد، مگر نفس مطمئنه و کسی که دلش به پروردگارش گرم است و تسلیم امر او است و در نتیجه بادهای سهمگین گرفتاریها، او را از جای نمی کند و در او تغییر حالت پدید نمی آورد و اگر ثروتمند شد طغیان نمی کند و اگر فقیر شد کفران نمی ورزد!

## هدف و فلسفه نزول سوره بلد

(۱)

### بیان حقیقت خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ...! » (اتا ۲۰/بلد)

این سوره بیانگر این حقیقت است که خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت است، هیچ شانی از شئون حیات را نخواهی دید که توام با تلخی ها و رنج ها و خستگی ها نباشد، از آن روزی که در شکم مادر روح به کالبدش دمیده شد، تا روزی که از این دنیا رخت بر می بندد هیچ راحتی و آسایشی که خالی از تعب و مشقت باشد نمی بیند و هیچ سعادتتی را خالص از شقاوت نمی یابد، تنها خانه آخرت است که راحتی اش آمیخته با تعب نیست!

بنا بر این ، چه بهتر به جای هر تلخی و ناکامی و رنج ، سنگینی تکالیف الهی را تحمل کند، در برابر آنها صبر نماید صبر بر اطاعت و بر ترک معصیت و در گسترش دادن رحمت بر همه مبتلایان کوشا باشد ، کسانی را از قبیل ایتام و فقرا و بیماران و امثال آنها که دچار مصائب شده اند مورد شفقت خود قرار دهد ، تا جزو اصحاب میمنه شود و گرنه آخرتش هم مثل دنیایش خواهد شد و در آخرت از اصحاب مشئمه خواهد بود که نار مؤصده مسلط بر آنان است!

## هدف و فلسفه نزول سوره شمس

(۱)

### بیان راه تزکیه باطن آدمی با پرورش صالح و آرایش تقوی

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَ الشَّمْسِ وَ ضَحَاہَا...! » ( ۱ تا ۱۵ / شمس )

حاصل مضمون این سوره این است که: انسان - که با الهام خدایی تقوا را از فجور و کار نیک را از کار زشت تمیز می دهد - اگر بخواهد رستگار شود باید باطن خود را تزکیه کند و آن را با پرورشی صالح پروراند و رشد دهد ، با تقوا بیاراید و از زشتی ها پاک کند و گرنه از سعادت و رستگاری محروم می ماند، هر قدر بیشتر آلوده اش کند و کمتر بیاراید محرومیتش بیشتر می شود و آنگاه به عنوان شاهد داستان ثمود را ذکر می کند که به جرم اینکه پیامبرشان حضرت صالح را تکذیب کرده ، ناقه ای را که مامور به حمایت از آن بودند بکشتند ، به عذاب استیصال و انقراض مبتلا شدند و با نقل این داستان به اهل مکه تعریض و توبیخ می کند!

## هدف و فلسفه نزول سوره لیل

(۲)

### تهدید و انذار از طریق بیان متفاوت بودن سعی انسانها

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَ الَّیْلِ إِذَا یَغْشٰی...! » ( ۱ تا ۲۱ / لیل )

غرض این سوره تهدید و انذار است و این هدف را از این راه دنبال می کند که به انسانها بفهماند مساعی و تلاشهایشان یک جور نیست ، بعضی از مردمند که انفاق می کنند و از خدا پروا دارند و وعده حسنای خدا را تصدیق می کنند و خدای تعالی هم در مقابل، حیاتی جاودانه و سراسر سعادت در اختیارشان می گذارد و بعضی دیگرند که بخل می ورزند و به خیال خود می خواهند بی نیاز شوند و وعده حسنای خدایی را تکذیب می کنند و خدای تعالی هم آنان را به سوی عاقبت شر راه می برد.

١- الميزان ج : ٢٠ ص : ٤٩٥

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٠٦

در این سوره اهتمام و عنایت خاصی به مساله انفاق مالی شده است!

### هدف و فلسفه نزول سوره ضحی

(۱)

#### شاد کردن دل رسول الله «ص»

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالضُّحَى! وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى! مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى...! » (۱ تا ۱۱ / ضحی)

بعضی گفته اند: چند روزی به رسول خدا «ص» وحی نشد، به طوری که مردم گفتند خدا با او وداع کرده، در پاسخشان این سوره نازل شد و خدای تعالی به این وسیله آن حضرت را شاد کرد!

### هدف و فلسفه نزول سوره انشراح

(۲)

#### یادآوری نعمتهای خدا به رسولش و امر به تشدید خدمت در راه او

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ...! » ( ۱ تا ۸ / انشراح)

در این سوره رسول خدا «ص» را امر می کند به اینکه کمر خدمت در راه خدا ببندد و به سوی او رغبت کند و به این منظور نخست منت هایی که بر او نهاده تذکر می دهد.

### هدف و فلسفه نزول سوره تین

(۳)

#### شرح مساله بعث و جزا با بیان خلقت انسان و بقای او بر فطرت یا سقوط

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ! وَطُورِ سِينِينَ! وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ...! » ( ۱ تا ۸ / تین)

این سوره مساله بعث و جزا را یاد آور شده، مطلب را از راه خلقت انسان در بهترین تقویم و سپس اختلاف افراد انسان در بقا بر فطرت اولی و خارج شدن از آن و در نتیجه تنزلش تا اسفل سافلین را بیان نموده، در آخر خاطر نشان می کند که به حکم حکمت الهی واجب است که بین دو طایفه در دادن جزا فرق گذاشت و پاداش هر دو نباید یکسان باشد.

### هدف و فلسفه نزول سوره علق

١- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٢١

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٢٨

٣- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٣٨



(۱)

**دستور به رسول الله برای تلقی قرآن نازل با وحی الهی**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...! » (تا ۱۹/علق)

در این سوره رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را امر می کند به اینکه قرآن را که به وحی خدا نازل می شود تلقی کند .

این سوره اولین سوره ای است که از قرآن نازل شده و سیاق آیاتش آنچنان به هم ارتباط دارد که بتوان گفت یکباره نازل شده است.

**هدف و فلسفه نزول سوره قدر**

(۲)

**بیان نزول قرآن در شب قدر و عظمت شب قدر**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...! » ( تا ۵/قدر)

این سوره نزول قرآن در شب قدر را بیان می کند و آن شب را تعظیم نموده از هزار ماه بالاتر می داند، چون در آن شب ملائکه و روح نازل می شوند!

**هدف و فلسفه نزول سوره بینه**

(۳)

**تسجیل عمومیت رسالت رسول الله برای عموم بشر**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ...! » ( تا ۸/بینه)

این سوره رسالت محمد بن عبد الله خاتم النبیین « صلوات الله علیه » را برای عوام از اهل کتاب و مشرکین مسجل می کند و به عبارتی ساده تر برای عموم اهل ملت و غیر اهل ملت و باز ساده تر بگویم: برای عموم بشر تسجیل می کند و می فهماند که آن جناب از ناحیه خدا به سوی عموم بشر گسیل شده و این عمومیت رسالت آن جناب مقتضای سنت الهی، یعنی سنت هدایت است! و بر عمومیت دعوت آن جناب استدلال کرده ، به اینکه دعوت آن حضرت متضمن صلاح مجتمع انسانی است ،

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٥٩

٣- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٦٩

عقاید و اعمال افراد و جوامع را صالح می سازد!

### هدف و فلسفه نزول سوره زلزال

(۱)

#### اشاره به آثار وقوع قیامت و زلزله زمین و تبعات آن

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا...! » (تا ۸۱/زلزال)

در این سوره سخن از قیامت و زنده شدن مردم برای حساب و اشاره به بعضی از علامتهایش رفته، که یکی زلزله زمین و یکی دیگر سخن گفتن آن از حوادثی است که در آن رخ داده است.

### هدف و فلسفه نزول سوره عادیات

(۲)

#### بیان ناسپاسی انسان و کفران نعمتهای پروردگاش

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالْعَدِيَّتِ ضَبْحًا...! » (تا ۱۱/عادیات)

این سوره در باره ناسپاسی انسان و کفران نعمت های پروردگارش و حب شدیدش نسبت به خیر سخن می گوید و نتیجه می گیرد با اینکه دوستدار خیر خلق شد و با اینکه خیر را تشخیص می دهد، اگر انجام ندهد حاجتی بر خدا ندارد، بلکه خدا بر او حجت دارد و به زودی به حسابش می رسد!

### هدف و فلسفه نزول سوره قارعه

(۳)

#### تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْقَارِعَةُ! مَا الْقَارِعَةُ! وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ...! »

(تا ۱۱/قارعه)

این سوره تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن است، ولی جانب تهدیدش بر بشارتش می چربد.

### هدف و فلسفه نزول سوره تکوین

---

١- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٨٠

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٨٧

٣- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٩٤

(۱)

**توبیخ شدید مردم از سبقت در جمع مال و غفلت از خدای**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! اَلْهٰکُمْ التَّکَاثُرُ...! » (تا ۸/تکواثر)

این سوره مردم را به شدت توبیخ می کند بر اینکه با تکاثر ورزیدن و مسابقه گذاشتن در جمع مال و اولاد و یاوران با یکدیگر از خدای تعالی و از سعادت واقعی خود بی خبر می مانند، از تبعات و آثار سوء خسران آور این سرگرمی غفلت می ورزند و ایشان را تهدید می کند به اینکه به زودی نتیجه سرگرمی های بیهوده خود را می دانند و می بینند و به زودی از این نعمت ها که در اختیارشان گذاشته شده بود تا شکرش را بجای آورند بازخواست می شوند که چرا در شکرگزاری خدا خود را به نادانی زدید و به کارهای بیهوده سرگرم کردید و چرا نعمت خدا را با کفران مقابله نمودید؟

**هدف و فلسفه نزول سوره عصر**

(۲)

**بیان عصاره تمامی معارف الهی قرآن در چند جمله کوتاه**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَ الْعَصْرِ! اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِیْ خُسْرٍ! اِلَّا الَّذِیْنَ ءَامَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ! » (تا ۳/عصر)

این سوره تمامی معارف قرآنی و مقاصد مختلف آن را در کوتاه ترین بیان خلاصه کرده است!

**هدف و فلسفه نزول سوره همزه**

(۳)

**تهدید شدید جمع آوران مال به قصد کبر فروشی و عیبجویی از مردم**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَیْلٌ لِّکُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ...! » (تا ۹/همزه)

این سوره تهدید شدیدی است به کسانی که عاشق جمع مالند و می خواهند با مال بیشتر خود بر سر و گردن مردم سوار شوند و بر آنان کبریایی بفروشند و به همین جهت از مردم عیب هایی می گیرند که عیب نیست!

**هدف و فلسفه نزول سوره فیل**

١- الميزان ج : ٢٠ ص : ٥٩٩

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٦٠٨

٣- الميزان ج : ٢٠ ص : ٦١٤

(۱)

**بیان معجزه الهی در صیانت از مکه**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ...! » (۱ تا ۵/فیل)

در این سوره به داستان اصحاب فیل اشاره می کند که از دیار خود به قصد تخریب کعبه معظمه حرکت کردند و خدای تعالی با فرستادن مرغ ابابیل و آن مرغان با باراندن کلوخهای سنگی بر سر آنان هلاکشان کردند و به صورت گوشت جویده شان درآوردند.

این قصه از آیات و معجزات بزرگ الهی است، که کسی نمی تواند انکارش کند، برای اینکه تاریخ نویسان آن را مسلم دانسته و شعرای دوران جاهلیت در اشعار خود از آن یاد کرده اند.

**هدف و فلسفه نزول سوره قریش**

(۲)

**بیان تأمین امنیت مکه و دعوت به عبادت رب بیت**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ...! » ( ۱ تا ۴/قریش)

این سوره بر قریش منت می گذارد که خدای تعالی با این دفاعی که از مکه کرد شما را در انظار، مورد احترام قرار داد تا بتوانید با امنیت کامل بدون اینکه راهزنان متعرض شما شوند کوچ تابستانی و زمستانی خود را به منظور تجارت انجام دهید، آنگاه دعوتشان می کند به توحید و عبادت رب بیت!

مضمون این سوره نوعی ارتباط با سوره فیل دارد و لذا بعضی از اهل سنت گفته اند سوره فیل و ایلاف یک سوره اند و لیکن حق مطلب آن است که دلیلی که بر آن استناد کرده اند، وحدت را نمی رساند. از همه اینها گذشته روایاتی که دلالت بر جدایی این دو سوره دارد و اینکه بین آن دو بسم الله قرار دارد متواتر است!

**هدف و فلسفه نزول سوره ماعون**

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۶۲۰

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۶۲۵

(۱)

**تهدید مسلمان نماهای متخلق به اخلاق منافقان**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِاللَّيْنِ...! » (تا ۷/ماعون)

این سوره تهدید کسانی است که خود را مسلمان معرفی کرده اند ولی متخلق به اخلاق منافقینند، از قبیل سهو از نماز و ریا کردن در اعمال و منع ماعون (زکات و کمک مالی)، که هیچ یک از اینها با ایمان به روز جزا سازگاری ندارد.

**هدف و فلسفه نزول سوره کوثر**

(۲)

**دلداری و تسلی رسول الله با اعطای کوثر**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ...! » (تا ۳/کوثر)

در این سوره متنی بر رسول خدا «ص» نهاده به اینکه به آن جناب کوثر داده و این بدان منظور است که آن جناب را دلخوش سازد و بفهماند که آن کس که به وی زخم زبان می زند که اولاد ذکور ندارد و اجاق کور است، خودش اجاق کور است.

این سوره کوتاه ترین سوره قرآن است.

**هدف و فلسفه نزول سوره کافرون**

(۳)

**دستور اعلام براءت رسول الله از دین کفار**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ...! » (تا ۶/کافرون)

در این سوره رسول خدا «ص» را دستور می دهد به اینکه براءت خود از کیش و ثنیت آنان را علنا اظهار داشته ، خبر دهد که آنها نیز پذیرای دین وی نیستند، پس نه دین او مورد استفاده ایشان قرار می گیرد و نه دین آنان آن جناب را مجذوب خود می کند، بنابراین نه کفار می پرستند آنچه را که آن جناب می پرستد و نه تا ابد آن جناب می پرستد آنچه را که ایشان می پرستند ، پس کفار باید برای ابد از سازشکاری و مداهنه آن جناب مایوس باشند!

**هدف و فلسفه نزول سوره نصر**



١- الميزان ج : ٢٠ ص : ٦٣٢

٢- الميزان ج : ٢٠ ص : ٦٣٧

٣- الميزان ج : ٢٠ ص : ٦٤٤

(۱)

**وعده پیروزی اسلام و مسلمان شدن جمعی کفار**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ...! » (۱ تا ۳/نصر)

در این سوره خدای تعالی رسول گرامیش را وعده فتح و یاری می دهد و خبر می دهد که به زودی آن جناب مشاهده می کند که مردم گروه گروه داخل اسلام می شوند و دستورش می دهد که به شکرانه این یاری و فتح خدایی، خدا را تسبیح کند و حمد گوید و استغفار نماید .

**هدف و فلسفه نزول سوره تبت**

(۲)

**تهدید شدید ابولهب به هلاکت خودش و عملش**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ...! » (۱ تا ۵/تبت)

این سوره تهدید شدیدی است به ابولهب، تهدیدی است به هلاکت خودش و عملش، تهدیدی است به آتش جهنم برای خودش و همسرش!

**هدف و فلسفه نزول سوره اخلاص**

(۳)

**بیان توحید خاص قرآنی و اساس معارف اصولی و فروعی و اخلاقی اسلام**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ!

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ! اللَّهُ الصَّمَدُ! لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ! وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ! »

(۱ تا ۴/اخلاص)

این سوره خدای تعالی را به احدیت ذات و بازگشت ما سَوَى اللَّهِ در تمامی حوائج وجودیش به سوی او و نیز به اینکه احدی نه در ذات و نه در صفات و نه در افعال شریک او نیست می ستاید و این توحید قرآنی، توحیدی است که مختص به خود قرآن کریم است و تمامی معارف (اصولی و فروعی و اخلاقی) اسلام بر این اساس پی ریزی شده است .

۱- الميزان ج : ۲۰ ص : ۶۵۰

۲- الميزان ج : ۲۰ ص : ۶۶۳

۳- الميزان ج : ۲۰ ص : ۶۶۹

(۱)

### امر به رسول الله برای پناه بردن از شرور به خدا

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ...! » (۱ تا ۵/فلق)

در این سوره خدای تعالی به رسول گرامی خود دستور می دهد که از هر شر و از خصوص بعضی شرور به او پناه ببرد!

### هدف و فلسفه نزول سوره ناس

(۲)

### امر به رسول الله برای پناه بردن به خدا از شر وسواس خناس

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ...! » (۱ تا ۶/ناس)

در این سوره رسول گرامی خود را دستور می دهد به اینکه از شر وسواس خناس، به خدا پناه ببرد!

---

۱- المیزان ج : ۲۰ ص : ۶۷۹

۲- المیزان ج : ۲۰ ص : ۶۸۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

